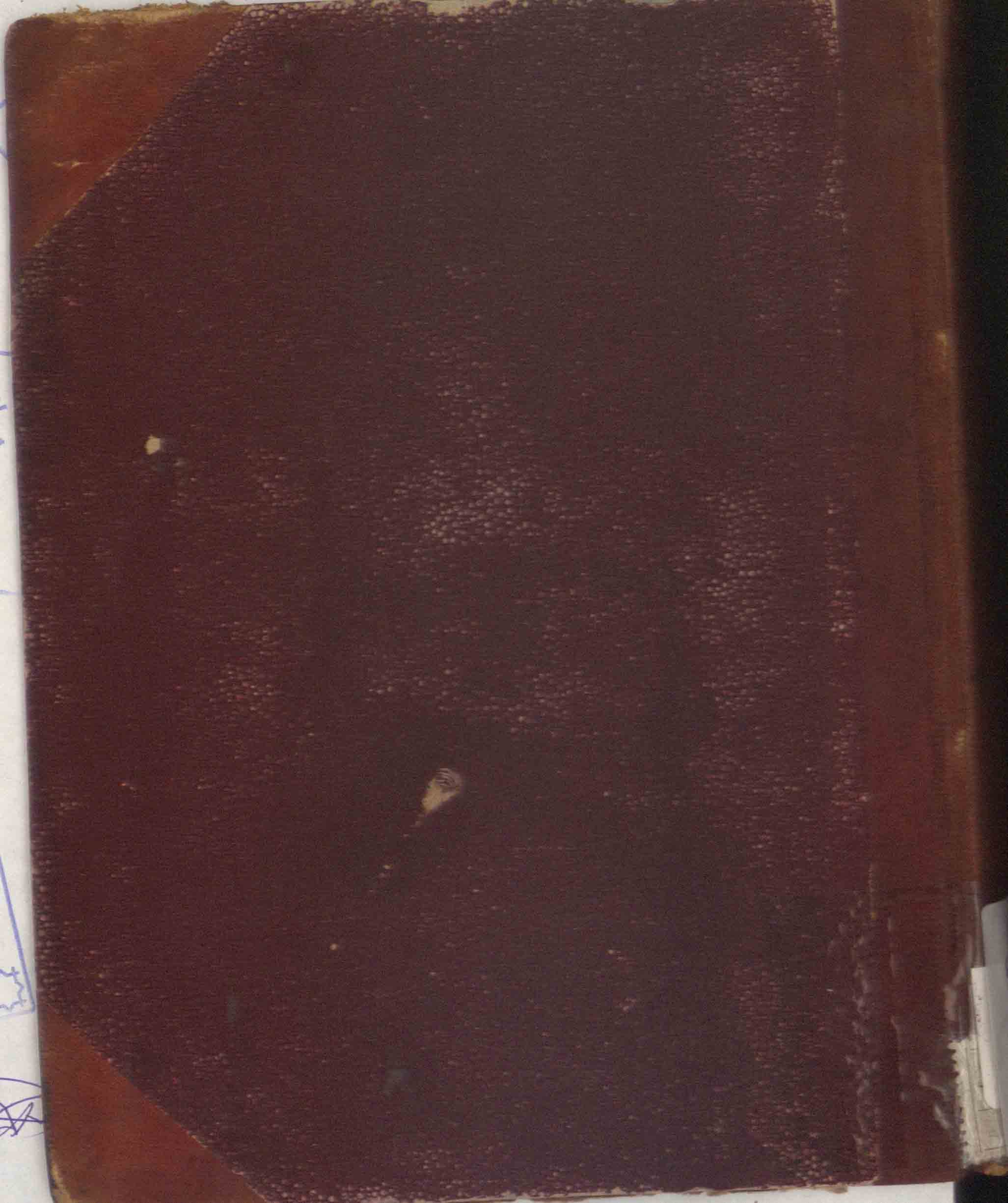


۲۴۶۸





(جلد دوم از کتاب جنگ روس ژاپون با تاریخ اقصای شرق)

(فصل سوم) —— (باب دوازدهم)

عبور اردوی ژاپون از یالو — محاربهٔ دوو یالو — حرکت اردوی اول ژاپون از یالو بسمت (فنک هوانشان) — اردوی تاکوشان — محاربهٔ وافانگو — حرکات ژاپونیان بطرف لیائویانگ — محاربهٔ میدان مزبور — تعرضات ژاپونیان — پیش رفتن اردوی چهارم و دویم — حکم ژنرال کوروپاتکین — فرمان ژنرال اویاما — حرکات تعرضکارانهٔ اردوی اول و دوم و چهارم ژاپونیان — اقدامات ژنرال کوروکی — اقدامات ژنرال کوروپاتکین — رجعت روسها.

برای اشغال جزایر یالو و اقامه کردن قوهٔ توپخانه در جزیرهٔ (سیامالیندو Siamalindo) و بجهة تفتیش دقیقانهٔ جزیرهٔ (جبولیتو djebolito) لازم بود که پیش قراولان روس را از آنجا از جزیرهٔ (اوسه کیتو Obsekito) بیرون کرده برای حصول این مقصود عصر ۲۵ ماه آوریل یکدسته قشون ژاپونی از دویزیون دوم بسمت شمالی جزیرهٔ (سیامالیندو) حرکت کرده بیکدسته ضعیف قشون روسی برخورده و آنها را از آنجا دفع نمودند. سه شب بعد همین دسته برای اشغال

جناح

جناح راست رود یالو پست ها روانه داشته و این پست ها بفاصلهٔ سه یا چهار هزار متر از مواضع روسی دورتر مانده بودند. یک رژیمان از دیویزیون قشون خاصه هم در ۲۶ آوریل بجزایر (اوسه کیتو) و (جیولیتو) پیاده شده و آنجارا اشغال نمودند. یکدسته قشون اکتشافیه روس پس از محاربهٔ کوچکی بسمت (تورنچون torintohon) عقب نشستند. و بعد یک رژیمان دیگر ژاپونی هم از (سینجاغو Sindjago) شعبهٔ اصلی رود یالورا گذشته ۲۸ ماه دستجات اکتشافیه روس ها را از جوزان Hozan و (لتیزان Litzen) بیرون نمودند.

فرقهٔ دوم در ۲۶ آوریل در جوار (ویجو) بسمت غربش بانشای یک پل مبادرت ورزیدند و بچهار ساعت و نیم قبل از ظهر در جوار (تورنچون) بموقع روس هائی که چهار پل درست کرده بودند شلیک کرده و نیمساعت بعد هم نیم باطری توپخانه دیگری ژاپونی باین شلیک شراکت نمود.

با آنکه مسافت طرفین ششهزار متر بود آتش توپخانه اینقدر مؤثر بود که توپخانهٔ روس پس از اینکه پنجاه شراپنل انداخت بیل و کلنگ زنهای ژاپونی مجبور شدند که از عملیات خویش دست بکشند ۲۸ ماه شبانه شروع بانشاآت نموده در عرض چهل و پنج ساعت یک پل خوبی بطول ۲۲۶ متر ترتیب دادند توپخانه روس تماشای ام آوریل پل مزبور را به آتش گرفته با وجود شلیک سخت هیچگونه خسارت و صدمه به پل نتوانستند وارد آورند و بعکس کماندان ژاپونی در میان آتش توپخانه روسی اطلاعات کافیه راجع بمواقع توپخانه ایشان و اثرات گلوله های ایشان حاصل کرده فهمید که خصم دارای توپهای سنگینی نیست. با وجود این آتش مزبور حرکت عبور توپخانه ژاپونی را مشکل ساخته و ژنرال (قوروکی) برای آنکه در مقابل جزیرهٔ (سیا مالیندو) نقطهٔ طرف اعتماد و امنی بجهت مرور تدارک نماید در شب ۲۸ آوریل یک قدری در جنوب آن یک محلیکه پر از اشجار است یک پل خوبی بطول هشتاد متر در عرض هشت ساعت انشا نمود و مصادف همین زمان در کنغادو

(کنغادو Kingado) واقعه در شمال ویجو و در (تونته هو tonteho) دو پل دیگری ژاپونی ها ساختند و بعد هم مداومت بساختن پل کردند در عرض سه روز در سمت چپ یالو شش پل انشا نمودند.



جنرال ساسولیچ



ژنرال قوروکی

توپخانه روس در (تورنچون) در ۲۷ و ۲۸ آوریل (ویجو) را بتوپ بستند ولی توپخانهٔ ژاپونی محض اینکه مواضع خود را بخصم نشان ندهد اختیار سکوت نمود.

۲۸ ماه فرمان ترتیب و تهیهٔ عبور اردوی اول ژاپون از یالو داده شده.

اردوی اول ژاپون که در تحت فرماندهی ژنرال (کوروکی) بود مرکب از دوازده رژیمان پیادهٔ نظام که هر رژیمانی هزار و چهارصد نفر سرباز باشد با شش اسکادرون سوار که هر اسکادرونی ششصد نفر و شش باطری توپخانه که هر باطری دوازده توپ سنگین و متسلسل از اقسام مختلف با سه رژیمان افواج

سرباز پل ساز دوبل
افواج خاصه و دوازده دسته سوار دارای توپخانه سریع خمپاره دار و سه دسته سرباز پل ساز دوبل
زن و صنعت کار و چهار دسته مهندس و نقشه کش با انضمام دیویزیون دوم و دوازدهم بود.
مقصود اردوی اول اشغال تپه (حوزان) و بعد عبور از رودخانه یالو از سمت جنوب غربی (جیولیتو)
و حمله از خط (جوشیکو و تورنچون) بخصم بود.
در ضمن اقدامات اردوی اول دیویزیون فرقه گارد که مرکب از شش دسته ششصد نفری با توپهای کافی
و چهارصد سوار است از (شیغوپو) گذشته تپه نمره ۳۱۲ (موررو کو) را ضبط نموده و یک دسته را
در صورت امکان از سمت منبع (ایجو) به (کیوقاتو Kiokato) خواهد فرستاد.
کشفیات روس‌ها - ژنرال (ساسولیچ Sasolitch) فرمانده قوای روسی در حوالی یالو
بیست و نهم آوریل فرمان داد که بطول (لیزادن - حوزان) تا یالو کشفیات شدیده و دستجات خویش
بجای آرند و برای این کار یک رژیمان پیاده و دو دسته سوار صد نفری با دو توپ کوهستانی
در تحت کماندانی رئیس ارکان حرب فرقه سوم لیوتنان ژنرال (لیندا) مأمور شدند. و این عده
بمعاونت نیم باطری توپخانه روسی قوه ضعیفه ژاپونی را از تپه (چلنک) خارج کرده آنجا را اشغال
نمودند ولی بمجرد دیگر دستجات روس از سمت جنوب شرقی دامنه (حوزان) پیدا شدند چهار آتشخانه
ژاپونی شمال (ویجو) شده و معاون ژنرال (لیندا) با وجود این با دو توپ پل (کنغادو) را
هدف گلوله‌های خویش قرار داد ولی طرف عصر پس از اینکه فهمید که در جزایر (اوسه کیتو - جیولیتو)
قوه مهمه خصم موجود است (لیندا) مراجعت نمود و در این وظیفه اکتشافیه از روسها دو نفر مقتول
و دو نفر مجروح اتفاق افتاده بود و بنا بتقریر روسها از ژاپونی‌ها ده نفر مقتول و بیست و شش نفر
مجروح شده بود.
سی ام آوریل وقت ظهر فرقه دوازدهم تپه حوزان را ضبط نموده و قطعات اخیره روس مجبور شدند
که بآنطرف

که بآنطرف رود (ایجو) عقب نشینند و در روز مزبور توپخانه رژیمان خاصه ژاپونی بجزیره
(سیاماالیدو) رفته در مواضع خویش قرار گرفتند.
سه باطری توپخانه ژاپونی که عبارت از هشتاد و دو توپ و سی خمپاره انداز بود فردا بالستی باطری
توپخانه روسی در (تورنچون) شلیک نمایند.
توپخانه اول ژاپونی بعد از ظهر شروع بشلیک نموده تمام توپخانه روس را محو ساخته با کماندان
توپخانه روسی چهار صاحبمنصب و قسمت کلی توپچی‌ها را معدوم کرد و یک فرمانده روسی ژنرال
(کاجالنسکی) از سرش بطور خفیف مجروح گردید.
یک صاحبمنصب روسی در اینباب اینطور تقریر میکند (ژاپونی‌ها سپرهای سنگرهای ما را بتوپ گرفته‌اند
فقط بسنگرهای (تورنچون) چهارصد گلوله خالی کرده در اینموقع صاحبمنصب‌ها و تابین‌ها تماماً تکیه
بر سپرها کرده توی خندقها نشسته و ختام این آتش خانه را از خدا تضرع میکردند.
مقصود ژاپونیان از بمباردمان (تورنچون) بعمل آمده بود. توپخانه ژاپونی با افراد بیل و کلنگ زن
و فرقه دوازدهم پیاده نظام هم بموقع از عهده وظایف خویش برآمده و جهازات ژاپونی از یکطرف
مواضع روس را در (انطون) قریب بیست دقیقه بتوپ بسته توجه کماندان روس را بسمت جناح راست
خویش جلب نموده بودند و بدینجهت در شعبه اصلی یالو و در (سینجاغو) انشاءات پل بفراغت اتمام
یافته بود.
۳۰ ماه وقت ظهر پل‌ها را بهم چیدند. بمجرد دیکه پل‌ها در انتهای جنوب غربی جزیره با پل (سیجاغو)
تکمیل یافت فرقه دوم در ساعت هشت عبور کرده و فرقه خاصه عقب سر آنها حرکت نمود.
کماندان دستجات روسی در (تورنچون) ژنرال کاچالینسکی بمجرد یکه خبر ورود قوای مهمه خصم را بدامنه
های شرقی (آنجو) شنید برای تدبیر مقابله بالمثل رژیمان بیست و دوم را به (جوشیکو) فرستاد در صورتیکه

دو رژیمان دیگر در خطوط (یاغو - بوته توجا) بودند. ژنرال مزبور از ژنرال (ساسولیچ) که ریاست براو داشت دستور العمل لازم را گرفته قرارداد و ترتیبات ذیل را داد. بسمت جبهه (تورنچون - یوغو) سه گردهان رژیمان دوازدهم و سه گروهان رژیمان یازدهم با یک توپخانه صحرائی در تحت فرماندهی معاون ژنرال (چیوسکی) مأمور شده و این قوه تا (یاتوچو) باید جلو بروند.

بسمت جبهه (یاغو - پوسته توپخا - چوشیکو) هم در تحت کماندانی معاون ژنرال (غروموف) سه گردهان رژیمان ۲۲ و یکدسته از رژیمان یازدهم با یک توپخانه صحرائی.

هنگام شب بژنرال (کاچالینسکی) خبر دادند که ژاپونی ها از رود یالو میگذرند و چرخهای توپهایشان که از پل میروند شنیده میشود بنا براین مشارالیه حکم داد که دستجات قشون روسی مواضعی را که اشغال کرده اند نباید ترک نمایند فقط در بدایت بمباردمان میتوانند از خندقهای سنگرچی بیرون آمده در گوديهائیکه طبعاً در دامنه ها حاصل شده مأمن ایجاد نمایند.

اردوی اول ژاپونی کاملاً بسمت جناح چپ روسها جلو میرفت و تا اول ماه مه بقوای ژنرال (کاچالینسکی) فقط یگانه قوه امدادیه که رسیده بود همانا دسته قشونیت که دارای تفنگهای ماشین دار بودند و در مقابل تمام حملات قشون (کاچالینسکی) بالستی به تنهائی مقابله و مدافعه نمایند.

هنوز تاریک بود که دستجات ژاپونی به نقاطیکه برای آنها معین شده بود رسیده (محاربه تورنچون) و در دو هزار متری روسها قرار گرفتند. دیویزیون قشون خاصه و توپخانه فرقه دوم در ساحل راست یالو اخذ موقع کرده با قرارگاه عمومی اردو که در دو منه های (کنغادو) بود با تلگراف بی سیم مربوط بودند یکدسته پیاده نظام فرقه دوازدهم با یک باطری توپخانه مأمور شدند که بسمت جناح چپ روسها جلو بروند. اول ماه مه یک هوای ابر دمه داری بود بمحض اینکه تیرگی دمه قدری مرتفع شد توپخانه ژاپونی بنای شلیک گذارده و برای هجوم بدوا فرقه دوازدهم شروع نمود ولی ژنرال

(کرو کی)

(کروکی) پس از آنی که ملاحظه نمود که توپخانه ژاپونی ها هیچگونه اظهار حیات مینمایند فرمان یورش عمومی را داد. حملات شدیده ژاپونی ها بموضع روسهائی که در جناح راست (تورنچون - یوغو) بود اتفاق افتاد که در آنجا (چیوسکی) قوای خود را بقرار ذیل قسمت کرده بود.

در جنوب غربی جناح راست ژاپونی .... دو دسته.

در تورنچون و شمال آن .... چهار دسته با انضمام سه دسته قشون احتیاطی.

در یوغو .... دو دسته با دو دسته دیگر احتیاط.

دستجات (غروموف) مقاومت نتوانستند بنمایند و بنا براین ژنرال (کاچالینسکی) حکم رجعت داد. ژاپونی ها از نتیجه حملات خویش خطوط (تورنچون - یوغو) را مالک و دستجات روسی را با تلفات زیاد عقب نشانده و در آنجا توقف نمودند.

دیویزیون قشون خاصه ژاپونی هم بخطوط (ماغو - پوشن توچا) هجوم نموده ولی روسها بواسطه تفوق توپخانه ژاپونی مجبور بسکوت شدند مهذا همین جناح چپ روسها را در خطوط (توپه نتوچا) تهدید کرده و بسمت جبهه و جناح راست هم بسرعت حمله کردند (غروموف) مجبور گردید که قوه خود را بسمت غربی عقب بکشد و تصور میکرد که در آنجا دستجات (چوشیکو) باو ملحق خواهند شد ولی خبریکه از لیوتنان (یوکوتیلو) رسید مشعر براین بود که دستجات وی هم در معرض محاصره قرار گرفته است.

و بدینجهة بطرف (چینکو) عقب نشست و از این تاریخ صفحه بحران آمیز جنگ شروع یافته و دستجات قشونی که در حال عقب نشستن بودند راه را گم کرده بجای (چیسکو) به (تورنچون) متوجه شده در یک دره دستجات ژاپونی با آنها برخورده تمام جبه خانه و توپخانه و مهمات ایشان را ضبط کرده و غروموف هم ناچار با تلفات زیاد عقب نشست. درصورتیکه دستجات غروموف در یک حالت

پریشانی

پریشانی بودند قشون ژنرال (کاچالنیسکی) در یک حالت منظم و مرتبی بود ولی حملات خصم قوای
وی را هم بطیر و تالی غروموف نمود. بالاخره ژنرال (ساسولیچ) پهلوی ژنرال مشار الیه آمده
و از اوضاع دستجات وی اطلاع حاصل کرده فرمان رجعت را داد و قوای موجودی خویش را
عموماً چه در تحت ریاست خود و چه در تحت فرماندهی (غروموف) و (کاچالنیسکی) مرکزیت داده
حتی الامکان برای جلوگیری پیشرفت دشمن مقرر ساخت.

از اینطرف ژاپونیها بسمت (سیبری باشیما) حرکت کرده و پس از اینکه خطوط (تورنچون) و
(خودایدوچی) را بتصرف در آوردند ژنرال کوروکی بدستجات خسته شده خویش فرمان راحت
باش برای غذا خوردن و رفع خستگی کردن داد. در اینموقع فرقه دوم در جوار (تورنچون) و
دیویزیون قشون خاصه در (یوغو) جمع شده و جناح چپ فرقه دوازدهم هم به تپه های شمالی
(یوته نوچا) بالا میرفتند و جناح راست هم دامنه های غربی (خودایدوچی) را گرفته بودند
در اثنای این جنگ توپخانه ژاپونی از موقع قدیمش جلو رفته رژیمان دوم هم از قوی آب رود
(ایچو) را عبور کرده در تورنچون اخذ موقع نمودند. یک باطری توپخانه ژاپونی هم برای آنکه
بخوبی نشانه هایش بهدف مقصود برسد بجنوب جزیره (چوکودای) عزیمت نموده و توپخانه
دیویزیون خاصه هم با کمال عجله هم از پلی که ساخته بودند گذشته مابین (یوغو - ماغو) قرار
گرفتند.

در محاربه حاماتان اردوی ژاپون بنقاط ذیل متوجه شدند.

فرقه دوم بسمت (آنطون) اردوی احتیاط به (حاماتان) دیویزیون خاصه در شمال حاماتان
فرقه سیزدهم به (تالونعان) ژنرال (کاچالنیسکی) با هزاران مشکلات قوای خویش را در (حاماتان)
جمع نمود. ولی بعد از ظهر بمجردیکه بمقصود خود موفق گردید بغتتاً به شلیک ژاپونیان که از
هزار قدمی اجرا میکردند هدف گشته با تلفات زیاد عقب نشسته بزحمت خودشانرا به (فنچی)
رساندند

محاربات رود یالو

رساندند مواقع روسها در تپه نمره (۱۷۹) بمناسبت این اتفاقات تنگ تر شده و بالاخره
حملات خصم ایشانرا هم متواری ساخته و از نتایج جنگ سختی که مابین قشون ژاپون و روس در گرفت
روسها از (انچی) هم فرار کرده کماندان رژیمان در حالتی که در دستش صلیب بود با کشیش رژیمان
و بیست و چهار نفر صاحبمنصب دیگر در این جنگ مقتول شدند.

دستجات ژاپونی اردوی اول شب دوم ماه مه بقرار ذیل جا گرفتند. قرارگاه عمومی در تورنچون
توقف نمود. دیویزیون قشون خاصه در (دوجاشی Dodjachi) فرقه دوم در (آنطون)
ضایعات ژاپونیها در این جنگ عبارت از پنج صاحبمنصب و ۱۶۳ مقتول با انضمام ۲۹ صاحبمنصب
و ۸۷۳ مجروح بود.

تلفات روسها شانزده صاحبمنصب و ۵۶۴ نفر مقتول و ۳۹ صاحب منصب با انضمام ۶۲۹
نفر مجروح شده بود علاوه ۲۲ توپ با هشت تفنگ ماشین دار روسها از دست داده بودند.
بنابراین قوه ژاپونی علاوه از اینکه در نقاط مختلفه جوار رود یالو دشمن را متفرق ساخت اردوی اول
موفق گردید که از رود مزبور گذشته مرکزیت تامی بخود ترتیب بدهد.

ژنرال (ساسولیچ) تصور میکرد که قوای ژاپونی را با هفت رژیمان و شانزده باطری توپخانه که در سواحل
نهر (ایچو) متفرق شده بودند جلوگیری نماید و از اینرو نمیدانست که در مقابل پنج و بلکه ده برابر
قوه خویش قوه خصم موجود است و این غفلت ژنرال باعث شکست قوای وی گردید.

حرکت اردوی اول ژاپون از یالو بسمت (فنگ هوانشان) — قشون ژنرال ساسولیچ پس از
اینکه از نتایج شکستهای خود در (فنگ هوانشان) جمع شدند برجعت خودشان مداومت کرده
در اواسط ماه مه (لیان شانکوانک) رسیدند.

اردوی اول ژاپون پس از رفع خستگی در جوار (آنطون) در چهارم ماه مه سواره نظام خاصه اش
بسمت

بسمت (فنگ هوانشان) حرکت کرده ولی چون موقع مزبور در تحت تصرف دشمن بود در (کولیون)
توقف کرده و ششم ماه مه با آنجا واصل گردید دشمن را بقوه قهریه بیرون کرده نقطه مزبور را متصرف
شد اردوی تاکوشان — اردوی اول ژاپونی بمجرد یکه از رود یالو گذشت اردوی دوم هم به خلیج
(هنطوای) واقعه در شبه جزیره (لیاوتونگ) پیاده شده و برای ملحق شدن این اردو در بیستم
ماه مه اردوی سوم بهمان خلیج وارد و بخشکی رسیده و دولت ژاپون اردوی چهارم را هم از نقطه
(تاکوشان) بساحل پیاده نمود و این اردو از حوضه (کایان) به (سیوین) رفته محلهای خالی
(فنگ هوانشان — کایچو) را پُر نمودند. نزدیکترین نقطه که ژاپونی ها قشون پیاده میکردند موقع
ژنرال (میچنکو) فرمانده دستجات سوار بود. ژنرال مزبور از آغاز جنگ فرمانده دستجات
سوار قزاق روسی بود که برای اکتشاف نقاط خشکی در قوره متوقف شده و در دوم ماه آوریل
با سواره نظام خویش از جلو اردوی ژاپونی عقب نشسته در ساحل راست یالو قرار گرفته بود
. در آخر ماه آوریل دستجات (میچنکو) بموجب امریکه گرفته بودند در صورت تفوق قوای ژاپونی
یک قسمت ایشان به (فنگ هوانشان) و یک قسمت دیگر به (حایچون) بایستی عقب نشینند.
دستجات مزبوره تا ماه مه بهمین ترتیب مانده بعد هم دستجات ژنرال (میچنکو) از رود یالو
بسمت (کولیمون) عقب نشست با وجود این ژنرال (کوروپاتکین) فرمان داد که سواره نظام
مزبور از (سالیجاتورا) خود شانرا الی کشیده راه (تاکوشان — سیوین — حایچون) را
مسدود سازند و در اواسط ماه میچنکو در (سیوین) قرار گرفته بود. تاکوشان را پس از آنی
که طرف مقابل تخلیه نمود ژاپونیان با کمال سهولت توانستند قشون پیاده نمایند و اردوی
خود شانرا در نقطه مزبوره مرکزیت بدهند

محاربه وافانکو — از روزیکه امیرال (الکسیف) فرمان فرمای کل اقصای شرق پرت آرتور را
ترک

ترک نمود ژنرال استوسل مکرر از اشکالات آتیه و عدم کفایت آذوقه و مهمات بندر مزبور
شکایت کرده و خواهش ارسال قوه لازمه برای تخلیص پرت آرتور از امیرال الکسیف نموده بود
در صورتیکه در اینموقع پیش قراولان اردوی دوم دور تر از شصت کیلومتر یعنی در ایستگاه (نانشان)
بودند. امیرال (الکسیف) در مقابل تقاضای فرمانده مدافعین پرت آرتور وجوب ارسال قوه
امدادیه کافیه را به بندر مزبور تصمیم کرده بنابراین در ۱۹ ماه مه به ژنرال کوروپاتکین حکمی فرستاده وکل
لول آن بمشار الیه اکیداً اخطار و توصیه نمود که در سمت جنوب یک عده قشون دفاعیه گذارده و ما بقی
تمام قوای خویش را برای تعرض اردوی اول ژاپونی و دفع کردن آن به پشت یالو حرکت بدهد.
و در اینصورت یا جلوگیری از اردوی دوم ژاپونی بسمت پرت آرتور خواهد نمود و یا آنکه جبهات
(فنگ هوانشان) را بخوبی تفتیش و معاینه کرده پس از کسب اطمینان از نقاط مزبوره مستقیماً با قوه
فائقه بطرف (پرت آرتور) جلو خواهد رفت.
ژنرال کوروپاتکین در حین وصول امرنامه فرمانفرمای کل از ژنرال (میچنکو) هم یک خبری
گرفته بود و آنهم عبارت از این بود که دولت ژاپون در جوار (تاکوشان) در نوزدهم ماه مه قوای
جدیده پیاده میکرد بنابرین ژنرال مزبور قبل از اطمینان بر تفوق و تقدم قوای حربیه خویش
بر قوه خصم اقدام بر حرکات تعرضکارانه را صحیح و مقرون بر صواب ندانسته و از اینجهه اوامر الکسیف
را بدوا در بوته مسامحه و اهمال گذارده لهذا موضع (نانشان) پس از مقاومت یکروزه بدست
ژاپونیان افتاده و از اینرو کوروپاتکین تغییر مسلک و اقدام نموده حاضر گردید که موافق اخطار
الکسیف با اردوی دوم ژاپونی حملات تعرضکارانه نموده به معاونت پرت آرتور بشتابد و این
قرار خویش را مشار الیه در موقعی که در شهر (موکدن) با فرمانفرمای کل اقصای شرق ملاقات
مینمود اظهار کرد. لوازمات حمل و نقل اردوی روس چون خیلی ناقص بود و بدین جهة
حمله

حمله بردن باردوی اول ژاپونی خیلی مشکل بوده و ازاینرو تحصیل یک نتیجه موفقیت آمیزی هم تقریبا غیر متحمل بنظر میآید و برای اقدام قرارداد مقصوره قوای ذیل را روسها در مقابل ژاپونی ها داشتند اگر قوای خود شانرا روسها در مقابل اردوی اول ژاپونی و در روبروی تاکوشان گذاشته اند دست نزنند ما بقی هفت دیویزیون پیاده با یک فرقه سواره نظام داشتند که ازاین مقدار دیویزیون پیاده نظام سیبری را خارج میکردند شش فرقه پیاده و یکفرقه سواره موجود بود که نیم فرقه قشون پیاده ازین عده برای تقویت دستجات شرقی و نیم فرقه دیگر معاونت ژنرال (میچنکو) لازم بود بنابرین در مقابل اردوی اول ژاپونی روسها فقط پنج دیویزیون پیاده نظام و یک فرقه ضعیفه سواره داشتند.

در هشتم ماه ژوین امرنامه ذیل از فرماندهی کل به بارون (شتاکلبرگ) رسید (وظیفه اردوئی که در تحت فرماندهی شما قرار گرفته اینست که بسمت پرت آرتور حرکت کرده قوای عمده خصم را بطرف خویش متوجه ساخته و ازاینرو در شبه جزیره (قوانطون) مشغول اجرای حرکات عسکریه شده اردوی دشمن را تضعیف باید برسانید. وچون دستجات قشون تامینیه ژاپونی که بسمت شمال تفرقی شده اند لازم است هرچه زودتر تعقیب کشانده شود و اگر دراین ضمن بیک قوای فایق خصم مصادف شوید با کمال احتیاط باید رفتار نمود برای آنکه مقصود ازاین حرکت بسمت جنوب ضبط و تسخیر (کینچو) و پیش رفتن بطرف پرت آرتور است.

ازاین تعلیمات فوق بخوبی معلوم میشود که مقصد حرکت پرت آرتور بوده و برای حصول آنهم یک مدت مدیده لازم بوده و در واقع قوائی که برای تعرض و حملات پرت آرتور مامور بودند بایستی از (لیائویانگ) بطول راه آهن به (کایچو) رفته و در عرض راه یعنی در (فک هوانشان) و (سیوین Ciün) در مقابل قوای دشمن یک حرکت موربی و متمایلی پیش گرفته و حرکات

مزبوره

مزبوره را باید با قشون جانب داریکه کاملاً مستور و محفوظ بماند مجری داشت و بعد از (کایچو) به (کینچو) پیشرفت نمود ولی چیزیکه محل تامل است دراین حرکات جلو کینچو همواره روسها بواسطه حملات عقب سر ژاپونی ها دچار مخاطرات میشدند و بنابراین لازم بود که قبل از آنکه در مقابل اردوی سوم اقدامات مجدانه بعمل آرند و اردوی دیگر خصم را بایستی بدواً مغلوب ساخت در صورتیکه در اوایل ژوین برای اجرای این مقصود قوای روس خیلی ضعیف بود و بدبختانه بنابدستورالعمل کماندانی کل اشغال (کینچو) از جمله خیالات بعیده بنظر میآمد و باوجود اینهمه اشکالات و موانع ارسال قوای امدادیه بسمت پرت آرتور) واجب گشته و برای جمع ضدین و مزج و تالیف دو مقصود کوروپاتکین باعزام یک اردو اقدام نمود مصادمات مابین سوارهای طرفین — دستجات سوار ژاپونی که در تحت فرماندهی ژنرال (آقیچاما) که عبارت از دو رژیمان سوار و دو تفنگ ماشین دار بود با دو رژیمان پیاده نظام هم تقویت یافته در سی ام ماه مه (از پولانتین) به (وافانکو) فرستاده شده و ژنرال ژاپونی مطلع گردید که نقطه (پوچیاتون) با یک قوه مختصره روس اشغال شده و قوه مذکوره نیز راجع و جزو رژیمان اول سیبری اردوی ژنرال (صاموئوف) است

ژنرال صاموئوف چون احتمال میداد که بزودی با دشمن مشغول مصادمه بشود بنابراین در اوایل ماه ژوین یکدسته از قشون خویش را که مرکب از چهل دراغون بود برای تهیه خوراک و لوازم خواب و غیره به قصبه (وافانکو) فرستاد خود اردوی ژنرال مزبور در صورتیکه در جلوش یک دسته پیش قراول بود از پشت سر آنها حرکت میکرد. یکساعت بعد زمانی که پیش قراولان بدره (فوچو) رسیده بودند. صاموئوف خبردار گردید که نیم رژیمان پیاده و یکدسته و نیم سواره که بجنوب (وافانکو) فرستاده شده بودند بایک قوه مهمه دشمن مصادف گشته

مشغول

مشغول جنگ است بنابراین ژنرال روسی با کمال سرعت بسمت جلو حرکت کرده در این ضمن:



ایستگاه (وافانگو) قبلاً سه فرقه سرباز و برای تقویت دستجات (یوجاتون) نیز دو فرقه دیگری ارسال نمود که ساحل راست رود (فوچو) را تعقیب کرده به تپه مغربی (یوجاتون) برسند.
ژنرال ژاپونی دو رژیمان سوار خویش را فرمان حمله (یوجاتون) داده و در اینموقع دستجات پیاده روس هم تپه های جنوبی (لوشاغو) را ضبط و بدستجات سوار خویش که در آنجا بود ملحق گردیده دستجات ژاپونی بسمت یوجاتون حرکت کرده و در حوالی آنجا بدستجات قزاق روسی برخورده پس از آن مصادمه شدیده مابین سوارهای طرفین روس ها با تلفات زیاد عقب نشسته یوجاتون را ژاپونی ها متصرف شدند و بعد از ظهر روز مزبور هم به تپه های جنوبی (لوشاغو) حمله برده و بعد از یک جنگ سختی روس ها مجبوراً بسمت (وافانگو) عقب نشستند. ضایعات ژاپونی ها

دراین

دراین محاربه عبارت از بیست و پنج نفر سرباز و سه صاحبمنصب مقتول و سی و دو نفر مجروح از روسها ۳ سرباز و دو صاحبمنصب مقتول سی و دو نفر مجروح افتاده علاوه ازاین روس ها چهل آن از دست داده بودند ازین محاربه پیداست که طرفین هیچکدام داخل یک محاربه جدی نشده و مقصود ژنرال (اقیجاما) نه یک حمله شدیدی بوده بلکه قصدش این بود که قوای خصم را بهم و از همدیگر متفرق سازد. پس ازین محاربه دستجات سوار طرفین بواسطه ورود قوه جدیده تقویت یافته و دو طرف در اواسط ماه ژوئن مشغول کشفیات مواقع و مواضع اطراف و جوانب شدند. بنابراین ژنرال صاموسونوف یکدسته پیاده و چهار دسته سواره با یک باطری توپخانه بسمت (یوجاتون) برای تعرض و کشف و تدقیق فرستاد و از طرفین زد و خوردی بوقوع پیوسته نتیجه آن این شد که ژنرال روسی اطلاع حاصل نمود که از سمت امه بانیطرف ژاپونی ها براز دیاد قوا و توپخانه خویش کوشیده اند و ژنرال ژاپونی هم مسبوق شد که دستجات پیش قراول پیاده نظام اردوی اول روس خیلی دفعات به (وافانگو) وارد شده اند.

ورود اردوی سیبری به (وافانگو) — بعد از قرار گرفتن دستجات پیش قراول روس در (وافانگو) چندین دسته سوار و یک قسمت اردوی سیبری هم بدانجا وارد شده روس ها مشغول حمل و نقل لوازمات و مهمات اردوی مزبور در زمیان سی و چهارم باراه آهن شدند و یک قسمت دستجات اردوی صاموسونوف موقعیکه در هشت کیلومتری (وافانگو) و در معبر خط آهن بود تحکیم یافتند. در اراضی مجاور راه آهن را هم ژنرال (شتاکلبرغ Chtakelberg) بشخصه کشف کرده دستجات مهمی تپه های شمالی خط (یوجاتون — وافان دوبون) را انتخاب کرده و استحکامات مختصره ساخته قرار مقاومت تعرضات دشمن را دادند و چون (شتاکلبرغ) احتمال میداد که عنقریب خصم اجرای هجوم نماید بنابراین در مسئله تحکیمات آنقدر فعالیت بخرج نداده و در

بالخصوص

بخصوص اغلب عمله جات مستخدم عمله جات چینی بودند. بعد از ورود رژیمان سی و چهارم قوای سابقه روس با به (وافانگو) فرقهٔ اول قشون تکارچی و دو (ویزیون قشون دیگری بدان محل رسید و تشکیل یک قوه مهمه را نموده و متعاقب آن دوروز حمل و نقل تعطیل یافت.

در این اثنا دو فرقهٔ قشون ژاپونی بسمت (سیوین) یعنی به نقطهٔ اتصال دستجات اردوی (شتاکلبرغ) پیش میآید و این قوه در ۱۸ ژوین (سیوین) را ضبط کرده و ژنرال (مینچکو) مجبوراً از آنجا رجعت کرده بود علاوه از این هشتم ماه مزبور یکدسته جهازات جنگی ژاپونی در تحت کماندانی معاون امیرال (توکو) در جوار (کایجو) ظاهر شده پل راه آهن را هدف گلوله های توپ نمود. وقایع (سیوین) و ظهور جهازات ژاپونی باعث گردید که اتصالات قطعات اردوی سیبری را دچار اشکال نماید و بنابرین قسمت کلیه فرقهٔ نهم مجبور شدند که در (کایجو) توقف نمایند و از طرف دیگر نیز اردوئی که در استقامت (پولانیه‌ن) قرار گرفته بود بخطرات متصوره نزدیک میشد

نظر بهمین جهت حکم بارون (شتاکلبرغ) ژنرال صاموسوف به نقطهٔ (دافانشین) که در بیست کیلومتری (دافانگو) است حرکت کرده و قسمت کلیه قوای خویش را در آنجا قرار داده و بعد بطول خطوط رماتوباگی ـ سیاعوجاجان ـ چی جاتون) یک زنجیر تامینیه که مرکب از پستهای متعدده بود تشکیل داده و (دامانشین) را مرکز زنجیر این خط تامینیه نموده و در هشت کیلومتری اطراف آن جناح های قوی دافعیه را قرار داد.

ژنرال (شتاکلبرغ) برای پوشاندن تهیات (دفانگو) از انظار تجسس دشمن در عقب نشاندن قوای وی از سمت شمال در دهم ژوین شش رژیمان فرقهٔ اول را با یک باطری توپخانه به (دافانیه‌ن) ارسال کرده و در تحت ژنرالی (سمیرنوف) معین نمود از این قوه دو دسته برای تقویت پستهای سوار مجزی یافت.

روسها در بیست و سیم ژوین بنقشهٔ استکشاف سمت (پولانشین) اقدام نموده و یک عده کافیه قشون شبانه بدان نقطه حرکت نموده ولی هم عرض راه بقوه دشمن برخورده و چون طرف مقابل دارای استعداد مهمه بود مقاومت خصم را روسها بی فایده دیده تمام پستهای خود شانرا عقب کشیدند و ژاپونیها بچهار کیلومتری (وافانیه‌ن) واصل و تعطیل حرکات نمودند و ژنرال (سمیرنوف) هم در تپه های (اوجاتون) توقف کرده و مجدداً برای کشف اوضاع دشمن قطعات تفتیشیه بجلو فرستاده ولی در مقابل هوشیاری و مواظبت ژاپونیها هیچ کاری نتوانست از پیش ببرد.

ختم نقلیات اردوی اول سیبری ـ بمحض اینکه اخبار تحکیم ژاپونی نقطهٔ (سیوین) و جلو نیامدن ایشان و عودت جهازات جنگی ژاپون بقرارگاه مرکزی رسید سوقیات و تحشیدات وافانقو را روسها دوباره از سر گرفته قطعات اولیه فرقهٔ نهم و بعد رژیمانهای ۳۶ و ۳۵ و اردوی سی و هفتم اروپا و باقی ماندهٔ اردوی اول سیبری را در نقطهٔ مرکزیت دادند.

بنابر آنکه در فوق مذکور افتاد قوای روس که در (وافانگو) در تحت کماندانی بارون (شتاکلبرغ) در پانزدهم ژوین جمع و تحشید یافت عبارت از سی و پنج رژیمان پیاده و هیجده رژیمان سوار و یازده باطری توپخانه بانضمام بیست و پنجهزار تفنگ و دو هزار و پانصد قبضه شمشیر و هشتاد و چهار توپ متفرقه بعلاوه بود وضعیت موقع وافانگو ـ جوار وافانگو با سراز بیرهای سخت برهنه و لم یزرع مقطوع و دارای وادیهائی است که بتفاوت از یک الی دو کیلومتر وسعت داشته و مرکب از مزارع محصول خیز است رود (فوجو) که از آن نقاط جاری است بعکس موسم باراندگی در آن موقع قابل عبور بود موضعی را که بارون (شتاکلبرغ) انتخاب کرده بود از (لونگو) شروع نموده رود مزبور را قطع کرده بمسافت هفت کیلومتر تا (وافان دوپن) امتداد داشت.

برای مدافعه این موضع بارون مزبور در تحت فرمان خویش قوای ذیل را داشت:

فرقهٔ اول شکارچی ....

(در تحت ریاست ژنرال کرن غرس) ۱۲ رژیمان – چهار باطری توپخانه

فرقهٔ نهم شکارچی

(ژنرال کوندراتوویچ) .... ۵ رژیمان – دو باطری توپ

فرقهٔ ۳۵ پیاده با دو رژیمان .... ۸ رژیمان – دو باطری توپ

سوار مجموعاً

دستجات سوار مخلوط و متفرقه .... ۱۸ رژیمان و نیم – دو باطری توپ

(ژنرال سمیرنوف) کلیهٔ قوای فوق الذکر عبارت از ۴۳ رژیمان و نیم ده باطری توپ بود

همینکه قوای همه مذکوره کاملاً تجهیز یافت از فرماندهی کل اخطار ذیل رسید: (قوای خصم در صورتی که بسمت استیگاه (وافانکو) حرکت نماید قطعاً موضع مستحکم شمال (یوجاتون) را که در جنبین راه آهن واقع است اشغال خواهد کرد بنابراین قوای ما باید بقراریکه مذکور میشود در نقاط معینه تقسیم و توزیع شود.

منطقهٔ جناح راست را که در مغرب خط آهن واقع است بواسطهٔ قطعات فرقهٔ نهم یعنی رژیمانهای سی و سیم و سی و ششم و باطری سیم و چهارم توپخانه در تحت ژنرالی (کوندراتوویچ) مدافعه خواهد یافت منطقهٔ جناح چپ بواسطهٔ رژیمان دوم فرقهٔ اول ۳ باطری توپخانه با فرماندهی ژنرال (کرن غرس) اشغال شده رژیمان دوم (دیویزیون) سی و پنجم هم با دو باطری توپ در استیگاه وافانکو قشون احتیاط را تشکیل خواهد داد. ژنرال (سمیرنوف) هم که تاکنون خدمات پیش قراولی را انجام میداد از (سانجانی) مراجعت کرده در رأس دسته جات سوار سمت راست اردو را محافظت و مناطق (تافانشین – تنکه تون – چونجاتون) را تفتیش نموده در غرب (تافانشین) قرار

باید بگیرد که در موقع قوای فائقه دشمن بسمت (لونکو) خود را خواهد کشید. رژیمان اول فرقهٔ اول شکارچی با باطری اول خویش صبح بسمت جناح چپ ژنرال (کرن غرس) آمده در آنجا قشون احتیاط خود را تشکیل خواهد داد. در عقب سر هر منطقه هم یکدسته از هیئت داوطلبان مریضخانه قرار گرفته و سایر قطار مهمات و ترتیبات عسکری در دوازده کیلومتری خواهند بود. نظر باین تشکیلات در روز چهاردهم ژوئن نصف اردوی روس یعنی فرقهٔ اول با پنج باطری در شرق چند رژیمان با دو باطری در غرب و یک فرقه قشون پیاده با دو باطری توپخانه در مرکز برقرار گردیده و اگرچه جناح راست نسبت بجناح چپ و مرکز ضعیف بود ولی تا عصری بواسطهٔ سوق قشون نقطهٔ مزبوره هم تقویت یافت.

اجتماع اردوی دوم ژاپونی و تهیهٔ هجوم – ژاپونی‌ها بعد از ضبط موضع (نانشان) فرقه‌های سوم و چهارم اردوی دوم را برای استقبال اردوی (بارون شتاکلبرغ) بسمت شمال عزیمت کرده و تا آنزمان رژیمان سواره مستقل با فرقهٔ پنجم برای پوشاندن این حرکات عسکری و کسب معلومات از اوضاع دشمن راه شمال را گرفته و قسمت کلی فرقهٔ پنجم پس از آن خط راه آهن را تعاقب کرده بطرف شمال غربی متوجه خواهد بود.

قوهٔ اردوی دوم ژاپونی که مرکب از سی و شش رژیمان هفده اسکادرون سوار و چهارده باطری توپ با انضمام سی و شش هزار تفنگ و دو هزار و پانصد شمشیر با سی و شش توپ کوهستانی که مجموع توپهای اردوی مزبور که دویست و چهل و شش قطعه بود که این قوه از حیث تفنگ یک ثلث و از حیث توپ سه برابر زیادتر از قوهٔ (شتاکلبرغ) بود. علاوه از این در سیزدهم ژوئن انتظار الحاق فرقهٔ ششم برای معاونت اردوی دوم بواسطهٔ خلیج (میتوغا) میرفت.

ژاپونیان نسبت باوضاع و اقدامات دشمن اطلاع صحیحه بدست آورده بودند. مصادمات سوارهای طرفین و کشفیات معاون امیرال (توغو) و معلوماتیکه بواسطهٔ عملجات چینی در استحکامات

وافانکو) کار میکردند بدست آمده بود ژنرال بایاردن (ادگو) نقشهٔ اقدامات مجدانه را ترتیب داده بود. و آنهم عبارت ازین بود که هر قدر بقوای خصم در جوار (وافانکو) که مشغول تحشیدات است زودتر حمله بیاورد فتح و ظفر بیشتر و زودتر نصیب قوای خویش خواهد بود بنا برین پس از چند روز توقف برای رفع نواقص جبه‌خانه با یک جبههٔ وسیعه اردوی ژاپونها حرکت کرده پیش‌قراولان روس را از خطوط (چایی ـ نیزوان ـ کوجاتون ـ اوجاتن) خارج نموده مواقع مزبوره را اشغال کرده دستجات سوار جناح چپ و دستجات مستقل توپخانه با فرقهٔ پنجم آن مرکز را تشکیل داده قرارگاه اردو هم در (اوجاتن) قرار گرفت.

در چهاردهم ژوین حکم ذیل از فرماندهی کل ژاپون وارد گردید: (اردو روز چهاردهم ژوین تا خط (سیوجاتون ـ یوجاغو) حرکت خواهد کرد). توضیح آنکه ازین دو موقع (اونی) در ۹ کیلومتری شرق (وافانکو) و (دویی) در دوازده کیلومتری جنوب غربی آن واقع است.

وظیفهٔ فرقهٔ سوم این است که در طلوع شمس با بیرق شمس طالع از خطوط (یونجاتون ـ سوجاتون) جلو رفته وادی (تاراهو) را تعاقب کرده بسمت منطقه که مابین (سیوجاتون) و (لوشاغو) پیش خواهد آمد. توپخانهٔ صحرائی هم بمعیت فرقهٔ سوم حرکت خواهد نمود.

تکلیف فرقهٔ پنجم در طلیعهٔ صبح از جبههٔ (سوجاتون) و (سانیتاکو) حرکت نموده راه آهن را تعاقب کرده مقابل خط (لوشاغو ـ لیوجاغو) پیش خواهد رفت.

فرقهٔ چهارم ـ در طلوع آفتاب از (اوجادن) حرکت کرده به نقطهٔ (ساجوجی) که در ساحل رود (فوجو) است رسیده در آنجا منتظر فرمان جدید بوده حاضر به حملهٔ جناح راست خصم خواهد شد. دستجات سوار به (شابوجی) یورش خواهند برد. قرارگاه مرکزی در (وافانیتن) خواهد بود.

بنا بترتیب فوق الذکر وسعت جبههٔ اردوی ژاپونی بالغ بر سی کیلومتر بوده و در پانزدهم ژوین در مواقع (وافانکو) دشمن را از دو طرف احاطه بایستی بنمایند و علاوه ازین یاردن او گو ازین نقشه و تصورات مقصودش ترتیبات هجوم اصلی نبود بلکه مقدمات آنرا میخواست فراهم نماید.

وقایع جاریهٔ پانزدهم ژوین ـ حرکات اولیه اردوی دوم ژاپونی از روز چهاردهم شروع یافته و هیچ گونه اشکالاتی دچار نگردید. درین ضمن کماندان اردو خبر پیاده شدن قطعات اولیه فرقهٔ ششم را گرفته فوراً حکم داد که دستجات مزبوره به پانزده کیلومتری جنوب (تیانجاتون) بیایند و بموجب حکم مزبور رژیمان بیست و سوم فرقهٔ مزبوره در تحت کماندان آن بدانسمت متوجه گردید.

فرقهٔ سوم و پنجم هر دو با دو ردیف بعد از ظهر با پیش‌قراولان فرقهٔ سوم و دو باطری توپخانهٔ ژاپونی به تپه‌های شمال (چوجاتون) منبسط شده توپخانهٔ روس را که در جنوب (لوشاغو) بود مجبور بسکوت نمودند و بعد هم سه باطری توپخانهٔ ژاپونی هم با قوای کافیه در غرب (چوجاتون) قرار گرفته مقابل توپخانهٔ روسی شلیک کردند. درین موقع کماندان منطقهٔ شرقی قوای روس ژنرال (کرن غرس) حرکات تجاوزانهٔ پیش‌قراولان ژاپونی را تماشا میکرد ولی اجازهٔ شلیک را نداد مگر وقتی که توپخانهٔ ژاپونی پس از دو ساعت مشغول آتش کردن گردید و پس ازیکساعت توپخانهٔ ژاپونی دست از شلیک کشیده به قریهٔ (چوجاتون) خود شانرا کشیدند ولی توپخانهٔ روسی بفکر توپ بستن قریهٔ مزبوره نیفتاده در صورتیکه در آنجا علاوه از توپخانهٔ ژاپونی چندین دستجات قشون پیاده هم موجود بود و علت این غفلت هم این بود که توپخانهٔ روسی فقط با شراپنل مجهز بود.

در شب پانزدهم ژوین حکم هجوم عمومی از قرارگاه اردوی ژاپونی داده شد. مقابل این تصمیمات ژاپونها ژنرال (کرن غرس) رژیمان چهارم شکارچی را با دو باطری توپ در تپهٔ جنوب (لوشاغو) و رژیمان های اول و دوم و سوم را از سمت چپ با قوای مرکزی اش مهیای مقابله و مقاتله نمود

دستجات ژنرال (غلاسقو) هم مأمور هجوم دشمن گردیده و در این اثنا فرقه های سیم و پنجم ژاپونی نزدیکتر شده به تپه های جنوبی (لوساغو) یورش برده باطری های روسها را هدف شلیک قرار دادند. ژنرال (غلاسقو) که یکی از رشیدترین نظامیان روس بود یک مجلس مشورتی با صاحب منصبان دایر ترتیب داده و از نتایج آن قرار را بر حمله و هجوم گذارد ولی در مقابل شلیک های سخت دشمن اقداماتش بجائی منتهی نشده دستجات وی مجبوراً بسمت (جوجاتون) برگشتند از طرف دیگر ژنرال (کرن غرس) حکم هجوم داده در جنوب (وافان ودین) بواسطه قوه فائقه ژاپونیان و تهورات شجاعانه ایشان شو نشستند کاری بسیار زدند و بالاخره ژاپونیان به تپه های مستحکمهٔ روسها هجوم کرده ایشانرا پس از یک محاربه سختی با تلفات زیاد خارج نمودند و ژنرال (کرن غروس) با دستجات خویش بواسطه تهدیدات شدیده دشمن عقب نشسته و (غلاسقو) هم بموجب حکم فرمانده کل مشغول رجعت گردید. ژنرال (آقیجاما) بلافاصله به تعقیب وی افتاده در تپه های (جوجاتون) ژنرال غلاسقو را در تحت تضییق و فشار قرار داد و بالاخره دستجات روس که در شمال شرقی (لونکو) قرار گرفته بودند از طرف ژاپونی ها بشدت محاصره شده و در همین موقع جناح راست روسها هم در تحت حملات ژاپونی دچار مخاطرات وخیمه گردید از هر طرف ژاپونی ها حملات مؤثره برده علاوه از آنکه در جنوب لوشاغو قوای ژنرال (کرن غرس) را مغلوب و مجبور بسکوت نمود در دو طرف جنوب رود (فوجو) هم محاربات بمساعدت ژاپونی ها خاتمه پذیرفته و اتصالاً بسمت جلو حرکت میکردند گرچه دستجات سوار ژنرال (سیمونوف) که مأمور توقیف حرکات ژاپونیان بود ولی بعد از ظهر او هم از حوالی (لونکو) خود را عقب کشیده و فرقهٔ نهم روسها نیز در حالتی که اتصالاً با خصم محاربه مینمود بتدریج بشمال غربی (دافانگو) مجبور برجعت شدند و جناح چپ آنهم بسمت (سیزان) برگشت.

پس از این محاربه خونریزانه اتفاق افتاده دو دسته قشون روس که تمام صاحب منصبانش بکلی محو و نابود شده بودند در مغرب (دافانگو) مقاومت سختی در مقابل حملات متهورانه خصم نموده و فرقهٔ نهم روسی

هم در غرب (سیزان) اخذ موضع کرده سعی داشتند که مجروحین را بواگونها سوار کرده و ژاپونی ها را نگذارند بایستگاه (وافانگو) وارد شوند. قشون مزبور تا آخرین قطار راه آهن که مجروحین را حمل و نقل میکرد صبر و مقاومت نمود تا آنکه اولین گلولههای ژاپونی بایستگاه مزبور بنای باریدن گذاشت و در این ضمن فرقهٔ نوزدهم ژاپونی بمغرب (لونتاینجو) وارد شده فرقهٔ نهم اردوی اول سیبری هم مصادف آنروز با راه آهن در (چاجورین) پیاده شده با یک سرعت تمامی جلو دستجات ژاپونی حرکت نمودند ولی بواسطه حملات و شلیک های خصم مجبور برجعت شده در پل (فوچو) ناچاراً توقف نمودند زیراکه وقت تنگ و راه تقریباً مسدود بود. اما از جناح چپ قشون روس قبلاً رژیمان چهارم از فرقه تکارچی ها عقب نشسته و پس از تلفات زیاد برحمت خودشانرا از مهلکه نجات دادند.

فرقهٔ سوم ژاپونی بدشمن بشدت حمله کرده نقطه (پوجاتون) را اشغال نموده و بعد از ظهر چهار باطری توپخانه ژاپونی تپه جنوبی (لوشاغو) را متصرف شده رژیمان تکارچی خصم را که فرار میکردند بشدت بتوپ بست در این اثنا رژیمانهای سایرهٔ روسی هم رجعت کرده از اثرات گلوله های ژاپونی یک قسمتش رو بفرار و یک قسمت دیگر هم تسلیم شدند.

فرقهٔ اول تکارچی روسها با یک حالت پریشانی رجعت کرده عصر به نقطهٔ (دانچه لین) رسیده در آنجا جمع شدند.

یکی از اطبای نظامی روس تفصیلات محاربهٔ وافانگو را اینطور مینویسد. ژنرال کرن غروس از هنگام محاربه از ران راستش بواسطهٔ یک گلوله شراپنل مجروح افتاد و برای مرهم بندی و معالجهٔ زخم خود بس با دائره صحیهٔ ما وارد شده از نتیجه معاینه معلوم شد که زخمش بیخطر است پس از بستن زخم ژنرال مزبور که چند دقیقه بود مشارالیه با همراهانش رفته بودند که در پانزده قدمی جلو یک گلوله افتاده و بشدت منتشر گردید نمیدانم از برای ترس بود یا از فشار هوا که من بزمین خوردم تا حلول شب محاربه

مداومت داشت و از اول شب مأمورین صحیهٔ مشغول خدمات مرجوعه شدند در عرض چند دقیقه جنگلی که هیئت صحیهٔ ما قرار گرفته اند مملو از زخمی ها و محتضرین و اموات گردید تا نصف شب مشغول کار شده بعد مختصر مجالی برای غذا خوردن پیدا کردیم.

صبح زود برخواستیم هنوز تاریک بود بقسمی سکوت حکمفرما بود که مرده ها را از زخمی ها تشخیص نمیدادم اهالی اردو یواش یواش بیدار می شدند. بعد از مدتی دفن اموات در کنار اردو بیک گودال بزرگی یک منظرهٔ حزن انگیزی را تشکیل داد بلافاصله توپها بنای غریدن گذاردند هنوز این قبرستان بزرگ با خاک پوشیده شده بود که یکدفعه گلوله های متوالیهٔ خصم تولید هرج و مرج غریبی نمود. خطوط جنگ از یک تپه به تپهٔ دیگر امتداد داشت تمام طول افق یکپارچه شعلهٔ مدهشه را تشکیل میداد. در ایستگاه وافانگو که ما بودیم تمام اوضاع جاریه جنگ مشهود بود از هر طرف اشتعالات و شراپنل ها و آتش های وحشتناکی پدیدار بود. ژاپونی ها در ظرف دو ساعت و نیم بروی توپخانهٔ ما بیست هزار شراپنل انداختند و خسارت و تلفاتی را که وارد آوردند اگر صرف نظر نمائیم یک منظرهٔ قابل تماشائی را تشکیل میداد. بعد از ظهر از نتایج حملات خصم قوای ما مجبور برجعت شدند و تمام اردو با یک تفرقه معاودت مینمودند. وقتی که ما بوادی پائین تر رسیدیم تماماً از سوار و پیاده و عراده ها پر شده بود.

ژاپونی ها تمام طول راه آهن را بشدت شلیک مینمودند بقسمی که در ایستگاه یک هیجان و تشویش بزرگی حکمرانی داشت زخمی ها را بسرعت هرچه تمامتر بواغونهای مریضخانه بار کرده ایستگاه را تخلیه نمودند. ما هم بسمت ایستگاه (وانجیالین) حرکت کردیم و از پشت سر ما شراپنل های ژاپونی اتصالاً می ترکیدند. در جناح راست ما محاربه مداومت داشت و بالاخره خود ما را به (وانجیالین) رسانده و یک محل اردو زنی پیدا کردیم.

رجعت اردوی اول سیبری به کایچو — ۱۶ ژوئن اردوی اول سیبری پس از توقف و استراحت

در وانجیالین فردای آن بدو قسمت منقسم شده از هشتاد کیلومتر دورتر کایچو بسمت کایچو حرکت نمودند ولی حرکات منظم اردو در عرض راه پس از چندین تبدیل بیک عدم انتظام و هرج و مرجی گردیده و آنهم ناشی از ترس و اضطراب افراد اردو و از کمین گاه های خصم بود فقط دستجات توپخانه و حمل و نقلی منظماً از جاده حرکت میکردند ما بقی قشون سوار و پیاده از مزرعه ها و سربالائی و دره ها رجعت مینمودند.

بدینجهة چندین مرتبه مجبور بتوقف شدیم و علت این اوضاع بواسطهٔ خیالات واهیه از وجود خصم بود و بنا براین چندین مرتبه حدوث پارهٔ صداها در تاریکی شب باعث شد که پارهٔ دستجات پیاده و سوار بیکدیگر شلیک میکردند چنانچه سه ساعت بصبح مانده یکدسته قزاق بیک فرقه از قشون پیاده نظام اردوی سیبری شلیک نموده و بهمین سبب فرقهٔ مزبوره بحالت دفاع و نظام قرار گرفته تا دمیدهٔ صبح انتظار کشیدند و بعد بواسطهٔ یک هیئت اکتشافیه معلوم شد که هر دو طرف قوای روسی بود و یک خطا و سهوی اینها اسباب را فراهم آورده است. روز مزبور یک تگرگ باشدتی تمام افراد قشون را خسته کرده و بیک حالت ناتوانی رساند. بعد از ظهر بایستگاه (سیونوچن) رسیده در آنجا توقف نمودند.

در هیجدهم و نوزدهم ماه فرمانده اردو حکم حرکت قشون را بقرار ذیل داد: چون دشمن بخط (وانجاتون — ماچاپو) آمده و از شارع (ماندارین) به (کایچو) خواهد رفت بنابرین قبل از ورود خصم قشون ما باید حرکت کرده در کایچو قرار بگیرند.

نظر بفرمانده کماندان اردوی اول سیبری در نوزدهم ماه عزیمت کرده به کایچو وارد و در آنجا قرار گرفت و پیش قراولان هم در (غوانجیاتون) ماندند و لهذا اردوی سیبری که مأمور کینچو بود پس از سه هفته دیگر مجدداً به کایچو معاودت نمود.

حرکات اولیه ژاپونی ها بطرف (لیائوئیانگ) — در اواخر ماه ژوئن اردو های ژاپونی در یک مسافت وسیعه یکصد و هشتاد کیلومتری مقام تعرضی را بقرار ذیل گرفته شد:

اردوی اول با دستجات و فرقه‌های خاصه دوم و دوازدهم در مقابل قوای ژنرال (کللر) روسی
در سمت (فنک هوانشون) که بعد از مدتی با دیویزیون پنجم اردوی چهارم را تشکیل دادند.
اردوی دوم با فرقه‌های سوم و چهارم و پنج و ششم خاصه مقابل قوای ژنرال (میچنکو) در (سیوین)
قرار گرفته و اردوی دیگری هم در (سیونوچن) در مقابل اردوی اول سیبری اخذ مقام کرده بودند
این اردوها در سه جادهٔ جنوب ماچوری حرکت کرده در حوالی (لیائو یانک) با یکدیگر جمع و ملحق
بایستی بشوند.

در این میان اردوهای وسطی ژاپونی‌ها یعنی اردوی ژنرال نوژی بسمت (حایچونک - تا شیجاعو) حرکت
کرده و ژنرال کوروکی هم با اردوی خویش باین حرکت شراکت نمود. و در ظرف چند روز پس از محاربات
متعدده معابر مهمه بالای سلسلهٔ جبال را ضبط نمودند. نزدیکترین قوای ژاپونی باردوهای روس
قشون ژنرال (اوکو) بود یا بعبارت اخری اردوی روس بسمت (اینکو - دا شیجاعو) خود شانرا کشیده
و کایچو را اشغال نمودند.

قوای روس در سمت جنوب بقرار ذیل بودند. اردوی اول سیبری با فرقه‌های اول و نهم (در اینکو -
دا شیجاعو) اردوی چهارم سیبری با فرقهٔ سوم پیاده نظام و اردوی دوم با تعاقب در (دا شیجاعو)
و باقی اردوی دوم با فرقهٔ یازدهم و چند رژیمان از اردوی دهم در (سیموشان) مقابل اردوی
ژنرال نوژو واقع شده بود.

ژنرال (کللر) با یک قوهٔ مرکب از فرقه‌های سوم و ششم و نهم و دوم در اوایل ماه ژوییه بسمت
(لیان شانقوان) حرکت نمود و مقصود مشار الیه کشف قوای مقابلهٔ خصم بود ولی چون اراضی
کوهستانی بود توپخانهٔ سنگین خویش را نتوانست کاملاً بیاورد و بنابرین دچار محذور شده و بنوز دشمن
قوای خود را بسط نداده مجبور بتوقف گردیده و پس از دادن هزار نفر تلفات ناچار عقب نشست

فردای آن ژنرال کوروکی بحرکات تجاوز کارانه شروع کرده ولی حملات وی در مقابل جبههٔ
روس‌ها بی‌نتیجه و عقیم ماند. هجدهم ماه قشون روس را قوای ژنرال (کروکی) بشدت در تحت
تضییق قرار داده بنابرین روس‌ها مجبور شدند که بطرف (لیو شولنیک) عقب بکشند و بمناسبت
کسب اهمیت جبههٔ شرقی ژنرال کوروپاتکین احساس تقویت آنجا را کرده و بدینجهت دو فرقه پرقوه
تشکیل داد.

ژنرال نوژو در ۲۲ ماه ژوییه با کمال تأنی و احتیاط بمناسبت کمی قوهٔ آتش نزدیک (سیموشون)
رسیده و در آنجا بواسطهٔ دستجات با قوت خصم که اشغال کرده بود برای انتظار ورود اردوی ژنرال
(اوگو) توقف نمود. اردوی اوکو ۲۳ ماه از کایچو حرکت کرده فردای آن با روس‌ها در (دا شیجاعو)
مشغول محاربه گردید. روس‌ها شب بیست و پنجم ماه نظر بفرمان ژنرال کوروپاتکین مواضع خود شانرا
تخلیه کرده بطرف (حایچونک) خود شانرا کشیدند.

اینکه دستور العمل فرمانده کل قوای روسی از حیث وضعیت عمومی سوق الجیشی خیلی موافق بود زیرا که
در این نقاط مقاومت زیاد با خصم موجب نتایج الیمه بود زیرا که اردوی (نوزو) پشت سر اردوی
روس را در (دا شیجاعو) میخواست بگیرد ژاپونی‌ها وقتی که یورش بمواضع خصم بردند دشمن بلافاصله
(اینکو) را نیز تخلیه کردند. ژاپونی‌ها در بیست و پنجم ژوییه آنجا و موقع را اشغال و بدینجهت یک
بندر نزدیکی برای خود تحصیل نمودند.

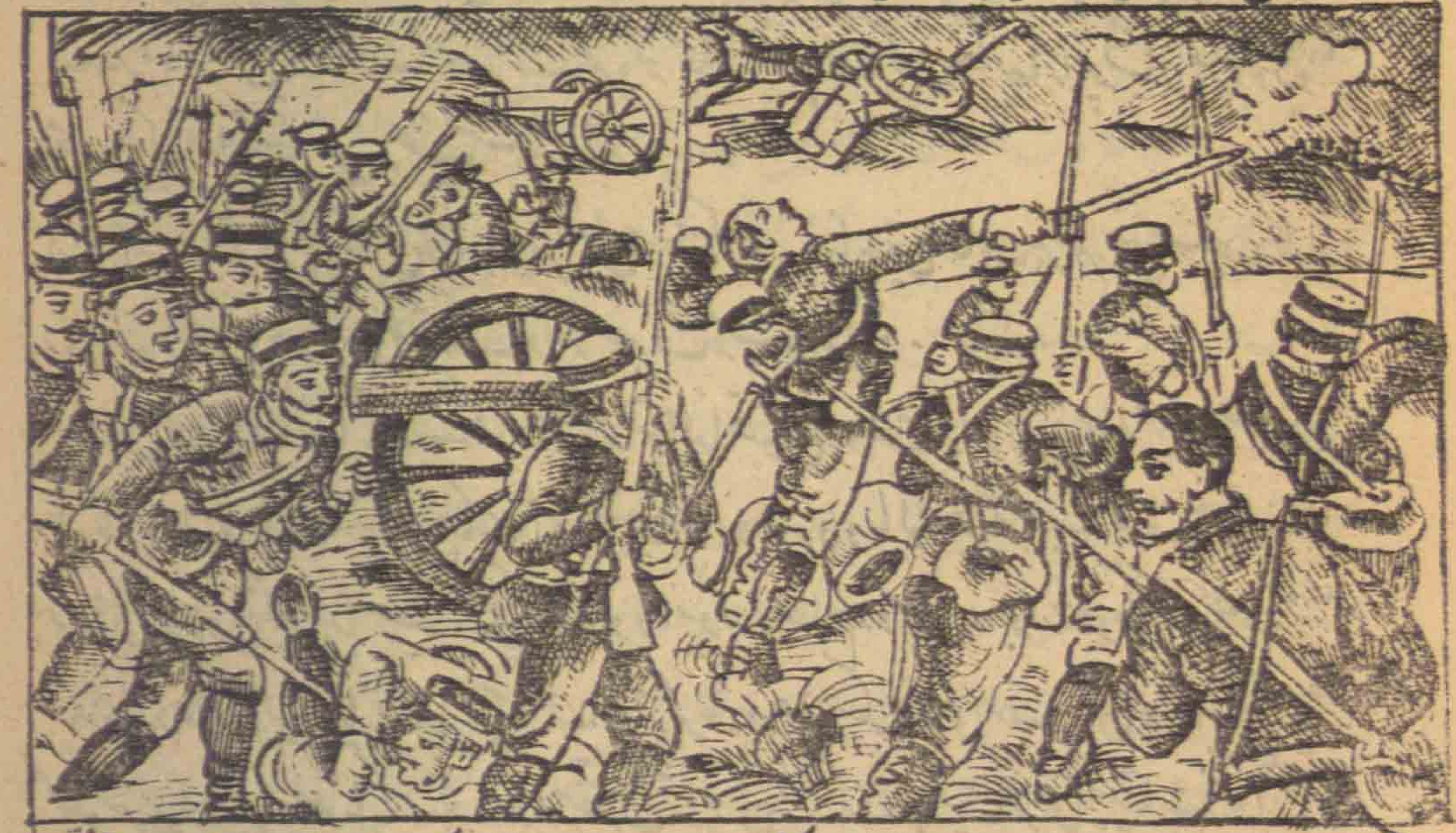
محاربهٔ دا شیجاعو - مخبر نظامی روزنامهٔ (برلینر تاغبلات) ژنرال (کدکه) در باب محاربهٔ (دا شیجاعو)
اینطور می‌نویسد. روز بیست و چهارم ماه ژوییه صبح زود آفتاب نزده با یک مسرت بزرگی با
کمال عجله از (اینکو) به (دا شیجاعو) حرکت نمودم. هنوز محاربه شروع کرده بود. در عرض راه از دور
صدای توپهارا می‌شنیدم. پس از اینکه مسافت سه ساعتی را پیمودم در هوا اشتعال شرابنل‌های توپهای

ژاپونیرا از دور مشاهده میکردم که این شراپنل ها بطرف جناح راست اردوی چهارم متوجه بود.
مع التأسف بمحض اینکه بدار الحرب رسیدم خبر حزن انگیز عدم وقوع محاربات قطعی را گرفتم. زیرا که فرماندهی کل روس نقشه جات جنگی خویشرا در این حوالی بموقع تطبیق و اجرا نگذارده و فقط مقصودش جلوگیری حرکات ژنرال اوکو) بود بواسطه آنکه ژنرال کوروپاتکین ضربهٔ جدید را بخصم اصلاً در شمال وارد کرده و بعد بحرکات تعرضکارانه شروع کرده باستیلای (کوره) مبادرت خواهد ورزید.
عرابه‌های متعدد مریضخانه از حالا بسمت شمال اعزام شده و قصبه (واشیجاعو) را روسها تخلیه میکردند در عقب سر جبهه دستجات حاملین نقلیه که مشغول رجعت بودند مصادف شدیم وقتی که بدهات و تپه‌های مجاور که قشون احتیاط راحت کرده بودند رسیدم صاحب منصبان و کماندانها مشغول تماشای جریان محاربات بودند در اینجا آتش خانه توپ کسب شدت کرده بود. اسبم را بدرختی بسته پیاده ببالای تپه رفتم و بمحض رسیدن منظرهٔ جنگ را یک دورنمای حیرت افزائی مشاهده نمودم که ولولهٔ جنگ باطراف و اکناف آن پیچیده اولاد انسانی برای محو و افنای یکدیگر سعی و کوشش مینمایند. تپه‌های منفرده که بشکل مقطوع مانند هرمهای مصر جنوب قصبه (واشیجاعو) را تشکیل داده بودند مواضع دفاعیهٔ روسها بود که وسط آن یک سلسلهٔ صخرها بر پا بود که اردوهای اول و چهارم را از یکدیگر منجزی میکرد خطوط مدافعه روسها اساساً مابین جادهٔ (تاپچی) و راه آهن قرار گرفته دوازده کیلومتر امتداد داشت موضع مزبور که متعلق بهر دو اردو بود در تحت ادارهٔ مشترکه ژنرال (ساروباف) و ژنرال (شتاکلبرغ) وضع و با چهل و هفت گروهان پیاده و یکصد و بیست و سه توپ مدافعه میشد وقتی که من بتماشای میدان حرب آمدم محاربات توپخانه بشدت مداومت داشت در جلو من یک قسمت توپخانه اردوی اول واقع و مابقی آن که از شانزده توپ احتیاط بود در عقب سر جناح راست اردوی چهارم قرار گرفته و ایندفعه روسها مواضع خوبی انتخاب کرده بودند چنانچه

در این جنگی که پانزده ساعت طول کشید ژاپونیها حملات و صدمات مؤثرانه نتوانستند بیاورند در تحت حرارت شدیدهٔ آفتاب محاربات توپ دوام پیدا کرده گرچه بعد از چند ساعت قدری تعدیل یافت ولی مجدداً شروع نموده هر که از اردو میدید تصور میکرد که ژاپونیان دچار هزیمت شدند اما بالعکس بارشادت و تهورات محیره توپخانهٔ خصم را ساکت و آنها را پریشان کرده روسها مجبور بترک مواقع خویش و عقب نشستند شدند.
در این جنگ روسها اقلاً سی و پنج هزار شراپنل صرف کرده و بنابدین حساب هر شراپنلی سیصد گلوله انداخته و تقریباً ده ملیون فشنگ و تیر بمصرف رسیده بود.
میدان محاربهٔ لیائویانگ — فتوحاتی که متوالیاً قشون دولت ژاپون در میدانهای متعدده عموماً و در (تیوچانگ - های چنگ) و (واشیجاعو) و در رود یالو اخیراً تحصیل کردند عملیات فعالیه ژنرال کوروپاتکین راست و بطی کرده بود. سواره نظام روس در جوار خطوط آهن بخصم نزدیک شده و مابین لیائویانگ و هایچانگ قرار گرفته در صورتیکه قوای عمدهٔ روسی بفاصلهٔ دوازده کیلومتری در شهر لیائویانگ بودند در مقابل ژاپونی ها با یک جدیت غریبی تضییقات سختی از سمت جنوب تا شمال و از شرق تا غرب موقع مزبور بدشمن وارد میآوردند عقاید عامهٔ روسها با وجود این بر مظفریت ایشان بود و امتداد جنگ را تا دو سه سال یقین داشتند.
چنانچه خود اولیای امور با شخص امپراطور بهمین اعتقاد بودند. و در این ضمن نطقی در اینموقع تزار روس کرده حاکی احساسات دولت و ملت روس است (ژاپونی ها گرچه در اوایل نایل موفقیات شده و از این رو خیلی مغرورند ولی دولت و ملت روس دارای سه حصار متینی است که اهم عبارت از صبر و ارادهٔ ثابت و قوت و فنا ناپذیر و این سه اساس ما را بفتوحات قطعیه آتیه مطمئن میسازد اگر از مقدار جهازات بحری ما کاسته است ولی بقوای حربیهٔ ما نقصان و فتوری وارد نیامده.

و قبل از زمستان ژاپونی‌ها تسلیم محض خواهند شد.

ژاپونی‌ها در خطوط (لیائویانگ) مشغول عملیات تجاوزکارانه بوده وارد و جادهٔ شهر مزبور و موکدن حرکت می‌کنند یکی از (مانیتانی) و دیگری از معابر دهنهٔ کوهها میگذرد.



مصادف این ایام یعنی در جریان عملیات جنگی طرفین در حوالی لیائویانگ در پانزدهم اوت ابلاغیه فرمانده کل بتمام اردوهای روسی اعلام تولد ولیعهد سلطنت امپراطوری را نمود.

امپراطور روس تا آنوقت ولد ذکوری نداشت جز چهار تا دختر بنام (گراند دشه‌های اولگا، تاتیانا ماری، آناستازی) و بدینجهت اهالی روس از نبودن وارث تاج و تخت مستقیم محزون بودند گرچه برادر امپراطور (گراند دوک میشل الکساندرویچ) ولیعهد موقتی بود تا آنکه در ۱۲ اوت در یک موقعی که دولت روس گرفتار محاربات شدیده و مغلوبیت‌های متوالیه و مصایب کثیره بوده تمام روسیه را یک حزن و کدر فوق العاده احاطه کرده بود اعلیحضرت الکساندرا فئودوروونا)

امپراطریس روس در حالیکه دستش را امپراطور گرفته و خانوادهٔ سلطنتی از مادر و خواهران امپراطور حضور داشتند بدستیاری دکتور هوت وضع حمل نموده دکتر مجرد دیدن طفل اعلیحضرت را تبشیر نمود فرزند ذکور داده فوراً شهر را آئین بسته اهالی موقتاً آلام و مصایب وارده را فراموش کرده مشغول عیش و عشرت از مولود جدید (گراند دوک الکسیس) ولیعهد دولت روس شدند. یک ارادهٔ امپراطوری در عفو جرایم و تقصیرات سیاسی مقصرین پولتیکی و تخفیف وجوهات مقروضی از بقایای مالیات سنوات سابقه وغیره صادر گردید.

انتشار خبر تولد گراند دوک در میدانهای جنگ اقصای شرق هیچگونه حسن اثری نبخشید زیرا که قوای جنگی مغلوبه که در جلو در مقابل خصم قوی پنجه دعالم باید جانفشانی کاملی نماید جشن و سرور بموقع وغیره واقعی است خصوصاً فوت ژنرال (کللر) در اینموقع که یکی از فرماندهان قوای جبههٔ دولت روس بوده و با یک شراپنل خصم مقتول افتاد بیشتر بر اثر افسردگی حالات روحیهٔ نظامیان جنگجو افزوده و مبادرت قرار بد

اردوهای اول و دوم و چهارم ژاپونی بخوالشتن مرکزیت محکمی داده و یک نصف دائره وسیعه بمسافت چهل الی پنجاه کیلومتراز (ئی یوچوانغ) در جنوب (لیائویانگ) تا قسمت علیای (یانچه لنیک – یوچولنیک) که محل عبور رود (تایچه تو) بود فرا گرفته و در مقابل آنهم قوای روس در مانچوری عموماً در اطراف لیائویانگ قرار گرفته بودند. بهر اندازه که ژاپونی‌ها جلو میآمدند دستجات کوروپاتکین بیشتر بهمدیگر نزدیک شده و دایرهٔ ایشان تنگ‌تر و کم وسعت‌تر می‌شد گرچه فرماندهی کل تا آنوقت مقاومت و مدافعهٔ شدیده نموده و کم کم بلکه قدم بقدم با کمال انتظام عقب نشسته و انتظار ورود قوای امدادیه بوده است ولی ژاپونی‌ها بدون اتلاف وقت بعجله جلو رفته بودند که تمام معابر یکه منتهی به لیائویانگ میشد قشون دولت نیپون گرفته و مصمم حملات قطعیه شده بود و فردا تا پس فردای روز مزبور احتمال شروع محاربات جبهه میرفت

ولی سه هفته در تفصیل گذشته. ظاهراً تا اخیر آن بواسطهٔ اکمال قوای لازمهٔ حربیه ژاپون بود.

قوای روس و ژاپون — در مقابل این عملیات عظیمهٔ جنگی که در واقع تقدیرات نتایج جنگ را تا یک اندازه مشخص مینمود قوای ژاپون مرکب از تجهیزات ذیل بود.

اردوی اول در تحت فرماندهی ژنرال کوروکی فرقهٔ دوم و دوازدهم گارد امپریال (فرقهٔ خاصه)

اردوی دوم بفرماندهی ژنرال (اوکو) دیویزیونهای سیم و چهارم و ششم که ریاست اتا ماژوری اردوی اول با ماژور ژنرال (فوژی) و دومی با ماژور ژنرال (اوشیتری) است.

اردوی سوم که از پرت آرتر پس از تسخیر و ضبط انجا ملحق بقوای مرکزی ژاپون شدند در تحت کماندانی فاتح پرت آرتور ژنرال (نوژی) و رئیس ارکان حربش هم ماژور ژنرال (تومیشی) است که مرکب از فرقه های اول و نهم و یازدهم بود با انضمام قوای جههٔ توپخانهٔ جدیده اردوی چهارم در فرماندهی ژنرال (نوزو) آتا ماژورش ماژور ژنرال (اویشارا) مرکب از فرقهٔ پنجم و دهم بانضمام یک بریگاد احتیاطی.

در بیست و سوم اوت قوای روس که در جنوب (لیائویانگ) جمعشده بودند عبارت از شش کردارمه بود.

اولی: اردوی اول سیبری در فرماندهی ژنرال (شتاکلبرغ) مرکب از فرقهٔ اول و نهم بود.

دومی: اردوی دوم سیبری در تحت فرمان ژنرال (ساسولیچ) مرکب از فرقهٔ پنجم شرقی شکارچیان سیبری و فرقهٔ اول قشون احتیاط و فرقهٔ دویم سیبری

سومی: اردوی سوم سیبری به کماندانی ژنرال (ایوانوف) فرقهٔ سوم و ششم سیبری با فرقهٔ دوم ماورای بایکال.

چهارمی: اردوی چهارم سیبری در فرماندهی ژنرال (زاروبائیف) مرکب از قشون احتیاط فرقهٔ دوم و سوم سیبری

پنجمی: اردوی دهم اروپای شرقی با ژنرالی (شلوچوسکی) فرقهٔ نهم و شانزدهم پیاده نظام

ششمی: اردوی هفدهم اروپای شرقی در فرماندهی ژنرال (بیلدرلینگ) فرقهٔ پیاده نظام سیم و سی و پنجم با دستجات مستقل سوار.

هر کدام ازین اردوها مجهز با توپخانه ها و قورخانه و جبه خانهٔ کافیه با دستجات اکتشافیه و حفظ الصحه وغیره بودند

وقایع جاریه که بنام عمومی محاربات (لیائویانگ) معروف شده از ۲۴ ماه اوت تا سیم سپتامبر طول کشیده و سلسلهٔ جنگ های مزبوره بچهار دوره تقسیم یافته است.

اول — دورهٔ ضبط و اشغال خطوط از ۲۴ الی ۲۹ ماه اوت است.

دوم — حملات و تعرضات ژاپونیان بمواضع اصلیه از سی ام و سی و یکم اوت.

سوم — حملات جانبی اردوی اول ژاپون در اول و سوم ماه سپتامبر باستحکامات سرپل (لیائویانگ)

چهارم — حملات روس ها است.

ضبط و اشغال خطوط اولیه — در بیست و چهارم اوت اردوی مانچوری با فاصلهٔ بیست کیلومتر از یکدیگر منقسم، اولی در جنوب در دو سمت راه آهن از محاذی (انشانتی ین) تا شرق (چیلین چو) امتداد یافته مستقیماً در تحت کماندانی ژنرال (کوروپاتکین) عبارت از اردوهای اول و دوم و چهارم سیبری بود دویمی در شرق از (تولنسی پو) تا (کوفینچو) امتداد داشت و عبارت از اردوها و قوای مابقی بود که ژنرال (بیلدرلینغ) فرمان میداد.

قسمت اعظم سوار قزاق با فرقه های (سامسونوف) و (کرکوف) در تحت کماندانی (سامسونوف) جنبهٔ چپ اردو را ستر و حمایت میکرد.

درهمین زمان مارشال اویاما آغاز حملات تعرضانه نموده اردوی اول ژاپون با سه قسمت بسمت جلو حرکت میکردند. فرقهٔ دوازدهم ژاپونی بفرقهٔ هفتم روس در شرق (آنپنگ) برخورده پس از محاربهٔ سه روزه آنرا بساحل چپ (تانهو) انداخت. روز بیست و ششم ماه از نتایج حملات متعددهٔ

ژاپونی بمواضع روسها محاربات شدیده شروع یافته و در سایه ورود دستجات جدید اردوی روس تا بیست و هشتم ماه بدون خوردن و خوابیدن سی و شش ساعت جنگ کرده و بیتاب و توان مانده مجبور بتخلیه و ترک موضع خویش شدند.

فرقه دوم و سوم مرکز ژاپون پیش قراولان (لی یاندی یازان) روسها را عقب نشاندند. فرقه خاصه که بسمت (ترّاحو) پیش میرفت وارد (تونسی کو) شده پس از مشکلات مختصره پیش قراولان روس را عقب نشانده بطرف (کوفینچو) جلو میرفت.

فرقه پنجم اردوی چهارم با اردوی دوم ملحق و چهار اردوی روس را از جلو خویش تبعید کرده بسمت شمال غربی حرکت و در این ضمن فرقه دهم هم با اردوی سوم تعرضات شدیده کرده بطول وادی علیای (شاحو) جلو رفت. اردوی دوم پیش قراولان روسها را عقب نشانده و بجناح راست قوای روس حمله کرده آنها را بسمت چپ برگردانده و موضع (انشانتی ین) را اشغال نمود.

یک حمله جاپنی. — در محاربات شش روزه بیست و ششم ماه حمله که بدستجات کارد امپریال ژاپونی از طرف رژیمان صد و چهلم روس وارد آمده فرمانده رژیمان ماژور ژنرال (مارتینوف) بقرار ذیل ذکر مینماید: (برای مقابله حملات ژاپونیان که از جانب راست قشون ما می کردند بواسطه (ایوانوف) صاحبمنصب ارکان حرب از فرمانده کل فرمان گرفتیم که از (ویداغو) گذشته بسمت (جوفانتون) حرکت نمایند. در نصف شب تا طلوع ماه از (جوفانتون) حرکت کرده از معبر تنگی به (ویداغو) میرفت با توپخانه و پیاده نظام خودمان با اشکالات زیاد گذشته وقت طلیعه صبح بوادی که تا (اتوفینچو) ممتد بود رسیدیم. در این اثنا از جهات جنوب غربی صدای توپها را می شنیدیم در عرض راه بقزاقهای ژنرال (دکره کو) تصادف نمودیم که از مأموریت اکتشافیه برمی گشتند و بما خبر دادند که جناح راست دستجات ما در روی خطوط (کوفینچو - سه زیغو) قرار گرفته و ژاپونیان با یک صورت جدی سمت جانبی ایشان را

احاطه کرده اند بنابرین برای حمله خصم مصمم شده بسمت (پاوشوغو) پیش رفتیم ژاپونی ها با خطوط دراز و باریک از (نازیغو) تا (پاوشوغو) بمسافت پنج فرسخ جناح راست قشون ما را احاطه کرده و پیاده نظام ما برای مقابله ایشان غیر کافی بود ولی با وجود این قرار دادم که با یک حرکات تعرضکارانه با دشمن حمله نمائیم و بنابرین سه دسته قشون را حرکت داده و یک دسته قشون احتیاط را در عقب قرار داده و سریعاً بسمت پهلوی خصم هجوم بردیم. ژاپونی ها از این ظهور ناگهانی که هیچ منتظر آن نبودند متحیر مانده با کمال عجله جناح چپ خودشان را برگردانده کوشش نمودند که در سمت شرقی (پاوشوغو - نازیغو) جاگیر ند ولی حملات ما مجال با یشان نداده ژاپونیان را از آن نقطه و از تپه های مجاور عقب نشاندیم. در این اثنا رژیمان (زارائیسک) و رژیمان اکتشافیه دوازدهم جناح غربی طرف مقابل را تهدید نموده ژاپونی ها بشکل غیر منظم خودشان را عقب می کشیدند و افراد ما به تعاقب آنها را شروع نمودند ولی چون بملاحظه اینکه مبادا قوه امدادیه به ژاپونیان رسیده و این موفقیت ما مبدل بمغلوبیت نماید قشون خود مرا در آن نقطه متوقف ساختیم. در این محاربه مجروح و مقتول من حیث المجموع شش صاحبمنصب و صد و پنجاه و شش سرباز است علت کمی ضایعات ما بواسطه حمله ناگهانی ما بود. و در این جنگ صد و پنجاه و هشت هزار و دویست فشنگ صرف کردیم.

سی ام اوت ژنرال (کوروپاتکین) فرمان ذیل صادر را نموده و تقسیمات دستجات قشون را در نقاط و نواحی متعدده معین و محدود ساخت: اردوی پنجم سیبری با فرقه پنجاه و چهارم احتیاط مأمور اشغال معادن (ینتیای) بوده و سایر دستجات در مواقع خود تا اخطار ثانوی باید برقرار باشند.

از بیست و هشتم اوت اردوهای اول و دوم و چهارم خصم در جبهه های (چیوگو Tchego) وادی (تاحو Chaho) (وان باتای Van-batay) (توندیایوچو Tonda-yayotcho) و (شاحو - دونتای Doun-taay) منبسط شده بودند:

اردوئی که در تحت اداره من بود در منطقه مستحکمه (لیائوبانغ) جمع شده بود جناح راست اردو با دستجات ماژور ژنرال (کوساغوفسکی) که در خط (تانکوانگ - کاولیزان) بود دستور شده و جناح چپش با دستجات اردوی هفدهم حمایت میشد. درصورتیکه خصم بسمت جلو حرکت میکرد اردوی ما خطوطی که از دهات (مانیطون - واچین - سیکوانطوم) میگذشت مقابله و مدافعه نماید.

بنابرین اجرای مواد ذیل فرمانده کل را بار دو اخطار نمودم:

دستجات خط اول اردوی اول سیبری در تحت کماندانی (لیوتنان ژنرال بارون شتاکلبرغ) باید مواقعیکه از تپه های شمال دهات (مایطون - واچین - سی یااو یاپچو) میگذرد مدافعه کرده ودر ابطه خویش را با اردوی سوم محافظه کرده اراضی شرقی مابین (شاپخیاپو Chan-thiapo) و (تاسی Tasci) را استرو تأمین نماید.

کماندان اردوی سوم ژنرال لیوتنان (ایوانوف) مأمور مدافعه تپه هائی است که تا (سیچانیو - مندیافان) امتداد دارد و ژنرال لیوتنان (شلوچوسکی) کماندان اردوی دهم سیبری هم مدافعه از راه (سیچانیو - مندیافان) تا قریه (سی یاپو) خواهد نمود.

کماندان اردوی دهم سیبری لیوتنان ژنرال (شلوچوسکی) مدافعه راه (سیچانیو - مندیافان) تا (سی یاپو) خواهد کرد و فرمانده اردوی هفدهم برای حفظ جناح راست آن مأمور است.

اردوی چهارم احتیاط سیبری در تحت کماندانی (زارو یائی لیف) و اردوی دوم احتیاط در فرماندهی (ماسولیچ) در جوار دهات (سیطودیاواچو - سی یودیاطون) جمع خواهند شد.

ماژور ژنرال (گره کوف) فرمانده فرقهٔ قزاق در ساحل راست (تایچو حو) قرار گرفته و توپخانه هم در سمت غربی راه آهن در تحت کماندانی ماژور (ماسلوف) باید مدافعه نماید.

ترن ها در سر راه ها حاضر برای حمل و نقل مهمات و مجروحین اردوها خواهد بود.

تمام

تمام راپورت ها از قرارگاه عمومی (لیائویانگ) بمن وارد شده و بواسطه تلگراف و تلفون بتمام قطعات اردو ها مخابره خواهد شد.

خلاصه اش این است که ژنرال کوروپاتکین هفت اردوی خویشرا که در تحت اوامر مستقیم وی بود بدینقرار مقرر ساخت: چهار اردو با تمام مهمات و توپخانه و سوار و هیئت اکتشافیه مأمور خطوط اولیه که جبهه آن سی کیلومتر طول داشت نموده و مابقی را که یک قوه مهمه بود برای قشون احتیاط نگهداشت و هرگاه این قوه را عاطل و معطل نمیگذاشت موفقیات ژاپونی ها در لیائویانگ بدست روس ها می افتاد.

اوامریکه از طرف مارشال اویاما فرمانده کل قوای حربیه ژاپون داده شد خلاصه اش بقرار ذیل است: اردوی اول در جناح راست از میان رود (تایچوحو) ولیائویانگ و جاده ماندارین که به (فنگ - هوانشان) میرود حرکت کرده در جبهه (قوطووای - تی یه اوچو) پیشرفته بدشمن حمله خواهد کرد. این اردو قشون احتیاطی خویشرا در جناح راست خود نگه خواهد داشت.

اردوی چهارم مستقیماً از سمت شمال از جبهه جنوبی (سیچانیو - چوانطون) بدشمن هجوم خواهد کرد اردوی دوم در جناح چپ در جاده ماندارین راه آهن پورت آرتور را محور حرکات خویش قرار داده به تپه های شمال خط (سنیلیطون - سی یااو یاپچو - مایه طون) حمله باید نماید فقط قوای احتیاطیه اردو های دوم و چهارم در تحت فرماندهی شخصی مارشال اویاما قرار خواهد گرفت.

اردوی اول بچندین قسمت منقسم شده ژنرال (کوروکی) در راس آن رود (تایچو) را عبور کرده تپه های (کوانطون) را اشغال نمود. و در این اثنا کارد امیرالی ژاپونی با فرقه های دوم و دهم با اردوی اول روس مقابله کرده با یک تهور فوق العاده از نتایج حملات تعرضکارانه اش تپه های (چودیاگو) و (وانباطائی) را ضبط نمود.

۲۹ اوت اردوهای دوم و چهارم ژاپون از ساحل راست (شاحو) بسمت شمال که حاکم خطوط آهن بود جلو رفته مقام تعرضی را احراز نمود. در مقابل این اردوها اردوی اول سیبری تپه های (شوشانپو) را گرفته بود. فرقه های پنجم و سیم ژاپونی مأمور مقابله اردوی مزبور شده پس از یک جنگ سرنیزه تپه (ع) را از روس ها گرفتند.

از سی ام ماه تا سی و یکم محاربه بشدت مابین دو قوای متقابله در گرفته پیاده نظام ژاپونی مشغول اجرای حملات عمده شده ولی رشادت روس ها هجومهای آنها را بی نتیجه می گذاشت تا آنکه مارشال اویاما یک قسمت قشون احتیاط خویش را بکمک آنها فرستاده و خطوط مدافعه روسها را در تپه های (ح – ف) ضبط نمودند ولی بواسطه شلیک سخت مواضع روسها نتوانستند جلو بروند و بدینجهت برای استحکام مواضع خویش پرداخته در آنجا توقف نمودند. زمانی که اردوی اول سیبری همان شب برای تخلیه مواضع خویش محکوم و مأمور شدند هنوز پیاده نظام ژاپونی در حملات خویش کاملاً موفق نشده بود. بنابراین اول شب توپخانه ژاپون پس از تهیه و تدارک هجومهای جدی تمام سنگرهای روسها را سرتاسر هدف شلیک سخت خویش قرار داده و مجبور ساخت که اردوی اول در تحت حمایه پلهای متحرک که قبلاً آماده شده بود بآنطرف رود (مانچو) رجعت نمود.

خود مارشال اویاما در راپورتی که به توکیو فرستاده اینطور مینویسد (محاربات بشدت مداومت دارد ولی هنوز نتیجه قطعیه بدست نیامده است.

چنانچه سابقاً مذکور افتاد اگر ژنرال (کوروپاتکین) قشون احتیاط را نگهداشته و بمیدان حرب سوق میداد عدم موفقیت ژاپونیها در محاربات سی و یکم اوت یقیناً منجر بهزیمت و مغلوبیت میشد ولی کماندان روسی برای مغلوبیت ژاپونیها قوای متناهی را شرط اعظم اصول استراتژی میدانست بنابراین احتیاط را طریقه یگانه برای اجتناب از هرگونه مخاطرات دانسته و لهذا بمجرد دید که قوای ژنرال (کوروکی) را

تهدید که از رود (تایچوحو) عبور نمود متشبث وسایل عمده گشته استحکامات پلهای لیائویانگ را باردوهای دوم و چهارم واگذار کرده اردوهای اول و سیم سیبری را با اردوی دهم اروپای شرقی بساحل راست (تایچوحو) جلب کرده قوای موجوده اردوی پنجم را هم بآنها ملحق ساخته بقوای ژنرال (کوروکی) حمله تعرضکارانه برد. گرچه ژنرال (کوروپاتکین) وضعیت خطرناک اردوی اول ژاپونی را احساس نموده و بر این صدد افتاد که با حملات شدیده قوای (کوروکی) را که از سایر اردوهای ژاپونی مجزی شده بود محو و پریشان نماید ولی این اقدام که در قوه مخیله ژنرال روسی رسوخ یافته بود بموقع اجرا در نیامده و فرمانده کل قوای روسی چون همواره در صدد تأمین خط رجعت خویش بود بنابرین مشارالیه را از این صرافت هجومات قطعیه منصرف ساخت.

از آنطرف ژنرال (کوروکی) که قوای خویش را در مقابل دفع حملات خصم غیر کافی دیده و خویشتن را در معرض خطر پنداشت نقاط خود را محکم و مستحکم نموده رژیمان سیم را از رود (تایچوحو) گذرانده و دستجات احتیاطیه را هم نزد خویش قرار داده و قبل از ظهر مقام تعرضی را احراز نموده و پس از یک محاربه سختی که توپخانه روسی بشدت مدافعه کرده و حملات ویرا بی نتیجه میگذاردند باوجود این با کمال اصرار و ایستادگی تپه های شمالی (سیکوانطون) را ضبط کرده برای خود یک نقطه قیمتی برای تأمین قوای خویش بدست آورد.

شب اول سپتامبر ژنرال کوروپاتکین اوامر ذیل را بقوای موجوده خویش داد: اردوی هفدهم در جوار (سیکوانطون) از حملات ژاپونیها باید مدافعه بکند. و اردوی اول سیبری باردوی هفدهم معاونت خواهد کرد. گردارمه دهم در خط دوم (ساکوطون) قرار گرفته و دستجات (اورلوف) سمت راست آنرا محافظت خواهد نمود. اردوی سوم بطور موقت در پشت سر موقع (شی چوری) قرار گرفته منتظر دستورالعمل ثانوی خواهد بود.

درهنگامی که کماندان روس مشغول اجرای نقشهٔ خویش بود ژنرال (کوروکی) بمقام تعرض گذشته تپه‌های (سیکوانطون) را مطمح نظر خود قرار داد. نقشهٔ هجوم ژنرال مزبور ژاپونی عبارت از یک حملهٔ متقابل بود که فرقهٔ دوم از سمت راست و قوای احتیاطیه هم از طرف عقب بموقع اجرا گذارند.

محاربات (سیکوانطون) و (نیتای) — فرقهٔ دوم ژاپونی که درصدد حمله برون بود از طرف خصم دچار هجمات شدیده گشته در (سیکوانطون) با کمال رشادت مشغول مدافعه بود درصورتیکه فرقهٔ دوازدهم ژاپونی‌ها برای برگرداندن جناح چپ روس‌ها بسمت شمال حرکت کرده و بالاخره فرقهٔ مزبوره بدستجات اورلوف که مأمور حمایت گردارمهٔ هیفدهم از طرف ژنرال (بیلدرلینگ) بود تصادف نموده پس از جنگ سخت مجبور برجعت گردیده ژاپونی‌ها تپه‌های (نیتای) را اشغال نمودند. و قوای ژنرال مزبور که در مزارع اطراف از سطوت ژاپونی‌ها بطور پریشان متفرق شده بودند هرچه سعی کرد که بیک جا جمع نماید موفق نشده در این ضمن بدرقه قوای وی در سمت (سیاودلیهتو) بقشون ژنرال (شتاکلبرغ) که بمیدان جنگ میآمد برخورده و تفصیلات وقایع جنگ را اطلاع دادند. ژنرال (شتاکلبرغ) بی اندازه از این اوضاع متغیر گشته و ژنرال (اورلوف) را ندامت و ملامت زیاد کرده شخصاً فرماندهی قوای هردو قسمت را بعهده گرفت. از نتیجهٔ این تصمیم ژنرال (اورلوف) مجروح و مابقی مانده دستجاتش که عقب مانده بودند در تحت شلیک سخت دشمن متفرق و مقتول گردیدند.

هنگامیکه این وقایع در غرب اتفاق می‌افتاد ژنرال (ساسونوف) هم با کمال صعوبت توانست پیشرفت جناح راست ژاپونیها را نگهدارد ولی اخطار ژنرال (شتاکلبرغ) برای الحاق قوهٔ خویش برای مشارالیه را مجبور ساخت که تا (غوجی یا چیا) خودش را عقب کشیده در نزدیکی راه آهن قرار بگیرد با وجود تعاقب قوای ژاپونی همه جا در تحت توقیف مانده و ژنرال شتاکلبرغ پس از زد و خوردهای حربی بسمت (لیمانیو) برگشت.

اردوهای دوم و چهارم ژاپونی با مساعی کامله استحکامات (سرپل) لیائویانگ را در این ضمن هدف حملات

(محاربات لیائویانگ حملات متهورانه و متوالیهٔ ژاپونیان بمواضع محکمهٔ روسها و عقب نشستن ایشان).

۱۶۴



خویش قرار داد. ژاپونی‌ها که توپهای چاپ بزرگ خودشان را که از مسافت دور هدف را می‌زدند و در تپه‌هائی که از روسها گرفته بودند جاده مشغول بمباردمان (لیائویانگ) شده و در چندین موقع باعث حریق گشته و در همان زمان گردارمه‌های اول و سوم و دهم از رود (تایچی) گذشتند. دوم و سوم ماه سپتامبر دستجات ژاپونی بسمت جبهه‌های جنوب روسها حمله برده و گرچه چندین مرتبه عقب نشسته

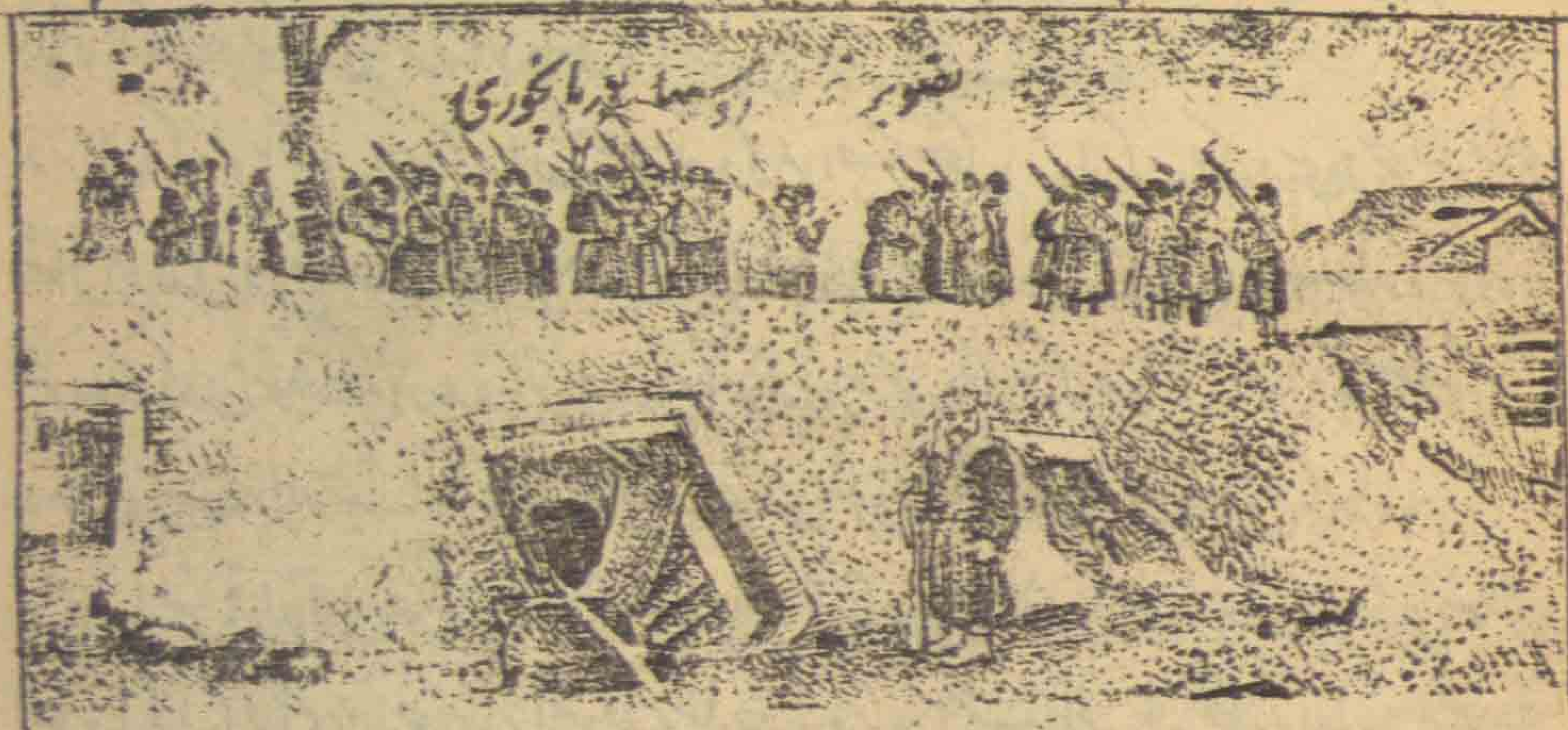
ولی بالاخره با حملات شدیده تمام مواضع روس ها را در آن نقاط ضبط و تسخیر نمودند رجعت روس ها
— وقایعات جاریهٔ حاضرهٔ محاربات لیائوُیانگ (ژنرال کوروپاتکین) را مجبور نمود که بقوای خویش
فرمان رجعت بدهد و چهارم ماه ایلول یعنی (دسپتامبر) نهر لیائوُیانگ را قهراً تخلیه کرده بسمت موکدن
حرکت نمود و در این ضمن پلها و خطوط تلگرافی را خراب کرده بدون آنکه بدست ژاپونی ها روس ها
یک نفر اسیر و یا یک توپ و مهمات حربیه بدهند بجنوب موکدن بنقطهٔ (شاحو) عقب نشستند.
چهارم اوت پیش قراولان اردوی چهارم ژاپونی لیائوُیانگ را اشغال کرده و در صدد تعاقب قوای
دشمن بر نیامدند.
ژنرال کوروکی، برای مداومت حرکات پیشرفت خویش منتظر عبور کار دامپریال ازرود (تایچو) از سمت
(کوانطون) گردید. گرچه مارشال اویاما بمقصود خویش کاملاً موفق نشد ولی مظفریت لیائوُیانگ گرچه
ناقص و ناتمام بود با وجود اینها دارای کمال اهمیت بود زیرا که قلعهٔ (پرت آرتور) را از هر جهت محصور
و منفرد گذاشته شده بقوای عمدهٔ دولت روس در فضای شرق ضربهٔ عمده وارد آورده بود نظر
به استاتیستیک رسمی طرفین تلفات ژاپونی ها و روس ها در محاربات لیائوُیانگ تجاوز از بیست هزار
نفر از هر طرف بوده است.

باب سیزدهم

رجعت بسمت موکدن — محاربات میدان شاحو — حملات ژاپونیان بمواضع شاحو — جنگ های اخیره
و حملات جبهه — نوتهای و یادداشت های مفیدهٔ اتاشهٔ میلیتر آلمان راجع بارد و های مانچوری —
حرکات سواری ژنرال میچنکو — محاربهٔ ساندیو — محاربات میدانهای موکدن — نظریات
در اوضاع موکدن و محاکمات حربی نقطهٔ مذکوره.

رجعت بسمت موکدن — پس از محاربهٔ لیائوُیانگ با وجود یکه اوضاع مساعد قشون ژاپون بود
و ژنرال کوروکی بواسطهٔ تضییقات و تشنجات روس از سمت یسار موقع دشمن را دچار محذورات
ساخته بود با وجود این ژاپونیها در صدد تعقیب و تعاقب خصم بر نیامدند. و معلوم نشد که این غفلت
و بطائت از کثرت خستگی غالبین یا فقدان جبه خانه کافیه بود و یا آنکه بواسطهٔ کثرت احتیاط سرداران
ژاپونی است بهر حال روس ها ازین موقع استفاده کرده بدون اضطراب و وحشت از معبر تنگ مابین
لیائوُیانگ و موکدن با ترنها و قافله ها باسودگی مشغول رجعت شدند.
ژنرال (کوروپاتکین) هم که سابقاً مصمم بود که بمواضع مستحکمه (تیه لینگ) که در سی و پنج کیلومتری
شمال موکدن واقع است قوا اشرا عقب بکشد از عطالت و رخاوت ژاپونیها استفاده کرده در
جنوب موکدن متوقف گردید و باین صدد بر آمد که شهر مزبور را که مرکز مقابر خانوادهٔ سلطنتی چین
و کمال اهمیت را از حیث مسائل پولتیکی در فضای شرق داشت در تصرف خویش نگهدارد.
ژاپونیها پیش قراولان خویش را تا خط (ینتای — بانیاپوچا) اعزام کرده در چند کیلومتری شمال
(لیائوُیانگ) قوای عمدهٔ خود شان را متوقف ساختند. و تمام ماه سپتامبر را به تحکیم و تقویت مواضعیکه
از روس ها گرفته بودند مشغول شدند.
تشکیل اردوی دوم — بمناسبت عدم موفقیت قوای دولت روس در میدانهای جنگ فضای
شرق فرمان امپراطوری برای تشکیل قوای جدیده و اعزام اردوی دوم در تحت فرماندهی ژنرال
(کرپیبرگ [illegible]) صادر گردید و امرنامهٔ ذیل مستقیماً از طرف تزار روس به ژنرال
مزبور تبلیغ یافت: (اوسکار کاسیمیرویچ گرپیبرگ: در این جنگی که با ژاپون مشغول هستیم لجاجت
و عناد ژاپونیها در حرکات رشیدانهٔ ایشان ما را مجبور ساخت که به تزیید و تکمیل قوای حربیه
خودمان بیفزائیم و از اینرو بر مغلوبیت خصم کاملاً موفق خواهیم شد بنابراین تجهیز و تشکیل قوای

جدید و برای عزیمت بمانچوری فرمانداده و کماندانی این اردوی جدید را بعهدهٔ کفایت و مهارت شما که خدمات مهمه نظامی تاکنون بدولت ما کرده اید قابل تمجید و تقدیر و تحسین است واگذار میکنیم باینمعنی قوای موجوده در شرق ما که با قوای ژاپونیها مشغول جنگند تشکیل اردوی اول را میدهند که در تحت فرماندهی ژنرال کوروپاتکین است و این قوای جدیده که اردوی دوم است در تحت کماندانی مستقل شخص شما است و امیدوارم که در اینمورد از عهدهٔ خدمت مهمه که تماماً پیروی اهالی روسیه بر آن نگران و منتظرند بخوبی برآئید خداوند شما را موفق دارد و اردوهای بری و بحری ما را مظفر و منصور بدارند در خاتمه خاطرنشان میکنیم که خصم ما خیلی پرزور و پرقوه است مقهور ساختن وی جانفشانی زیاد لازم دارد



(نیکلا) فرمان فوق امپراطوری مقام کماندانی کل ژنرال کوروپاتکین را تا یک اندازه متزلزل ساخته و بلکه میتوان کشف یک رخوت و سستی در قوای حربیه روسی در اقصای شرق تولید نمود زیرا که اولاً ژنرال (گریپنبرغ) با ژنرال (کوروپاتکین) دارای یک رتبه و مقامی شده مسلماً او آمر یکدیگر را تمکین ننموده اختلاف آرائی در موضع جنگ حاصل خواهد شد و ثانیاً مانند وقعه (ساندپو) میانهٔ ایندو ژنرال رقابت و حسادتی ظهور یافته و ناچار این تبدیلات تقسیم قوای جامعه حربیه بدو قسمت متفرقه و اختلال امور نظامی خواهد بود که گذشته از اینکه سلب فعالیت و جدیت از اردوهای متحارب خواهد کرد بطالت و رخاوت عمده وارد خواهد آورد. باوجود اینها در بارپطرزبورغ در تکثیر قوای مانچوری

وتزیید استعداد و مهمات جنگی اقصای شرق مشغول اقدامات مجدانه شده و تا یک اندازه موفق بمرام گردید خصوصاً از ۲۶ سپتامبر هم راه آهن دریاچه بایکال هم نواقصش تمام گشته مساعد سوقیات عسکری گردید. وعلاوه ازین در همان تاریخ فرقه قزاق (دون) و رژیمان چهارم (هوان) و فرقه احتیاطیه شصت و یکم با راه آهن بسمت خاربین فرستاده شد. دولت روس بدین هم اکتفا نکرده اردوی هشتم او دسا را برای ارسال اقصای شرق تجهیز نموده و اوامر مؤکده در اعزام اردوهای چهارم و چهاردهم و رژیمان پنجم سگارچی را داده و لزوم تشکیل و تجهیز یک اردوی سوم را هم احساس و اقدام بر تنسیق آن نمود و تمام این تدابیر حاکی و مدل بر این بود که دربار پطرزبورغ با کمال جد و جهد بمداومت جنگ حاضر و مهیا شده است. و در حقیقت در اواخر ایام سپتامبر قوای حربیه دولت روس در مانچوری منتهای فعالیت و جدیت بخرج داده در تمام جبهه های اردوهای محاربات پیش قراولان اتفاق می افتاد. ولی هنوز آثاری برای محاربات عمومیه دو قوای مهمه روس و ژاپون در میان نبود. یکدفعه فرمانده کل روس احساس تفوق عددی قوای خویش را نموده و مظفریت خود را در تبدیل حرکات دفاعیه باقدامات تعرضکارانه فرض کرده اعلان ذیل را بتمام افراد اردوهای جنگی مانچوری صادر نمود: (خصم ما بدون اعلان جنگ بشکل خائنانه در پرت آرتور بما حمله نمود و از آن تاریخ تاحال هفت ماه گذشته قوای بری و بحری دولت روس که مدار شرف و افتخار تمام مملکت روسیه است حرکات مشعشع و اقدامات قابل تمجید و تحسینی بخرج داد ولی باوجود اینهمه فداکاری دشمن خود ما نتوانستیم تاکنون بواسطهٔ حدوث پاره محذورات او را بخاک هلاکت بیاندازیم و بعکس عدوی اکبر ما در صدد احراز مظفریت قطعیه برآمده چون برای مغلوبیت تامهٔ ژاپونیها استعداد کاملهٔ حربیه و تفوق عددی را هنوز تحصیل نکرده بودیم قوای حربیه ما در حالت دفاع و سکون این مدت را گذراند. وبدین جهة در محاربات و حملات (وافنجاغو - لیاندیانشان - لیائویانگ)

ژاپونیها نیز موفقیات شده اند. تهورات و رشادتهای شما فتهای تعریف و تمجید است. شما بودید که در موقع تهاجمات شدیده خصم مدافعه نمودید حالیه در سایه امپراطور قوای حربیه برای جنگ با ژاپون بدرجه کمال رسیده و مظفریت را نصیب ما خواهد کرد اینهمه قوا و اردوهای تکمیل را که از مسافت ده هزار ورس آمده اند فقط ناشی از سطوت و قوت دولت روس است. تا حال دشمن از کثرت قوای خویش استفاده کرده قوای ما را مزاحم میشد حالیه نوبه ما است که با ضربات قطعیه ژاپونیان را تادیب و تنبیه نمائیم.

فرمانده کل تمام قوای بری و بحری ما اعلیحضرت امپراطور روسیه با تمام اتباع صادق خویش برای فتح و فیروزی ما بدرگاه خداوندی دعا و نیاز میکنند امیدواریم سربازان غیور امپراطور نام و شرافت روسیه را مرتفع ساخته نصرت را در آغوش گیرند).

این اقدامات جسورانه ژنرال کوروپاتکین درمیان تمام افراد قشون یک غرور و تکبر فوق العاده را باعث شده تمام اردوهای روسی بجوش و خروش آمده هرچه زودتر حاضر بحمله و هجوم خصم شده بودند.

وضعیت اوایل اکتبر — در دوم ماه اکتبر قوای روسی بقرار ذیل بود: در تحت فرماندهی ژنرال کوروپاتکین ۲ اردوی سیبری و اردوهای دهم و هفدهم اروپا بود که بتفصیل آن سابقاً مذکور افتاد در تحت اداره ژنرال (میندورف) اردوی اول اروپای روسی فرقه بیست و دوم پیاده با شش باطری توپخانه. فرقه بیست و هفتم پیاده با شش باطری با دسته بیل زن اول.

در زیر فرمان ژنرال (سوبولف) اردوی ششم با فرقه پیاده نظام احتیاط پنجاه و پنجم با شش باطری، فرقه پیاده نظام احتیاط هفتاد و دوم با شش باطری و یکدسته سرباز بیل زن و سنگرساز شش دسته بزرگ قزاق ماورای بایکال به فرماندهی ژنرال (رننکامف) رژیمان (گرکوف) رژیمان دوم (ورکنه اودینسک) و (چیتا) رژیمان (لی یوبادین) باطری سوم و چهارم

ماورای بایکال رژیمان (هردمان) و (تولماچن) و رژیمان یازدهم و دوازدهم و دستجات قزاق سامسونوف.

مجموع قوای فوق الذکر دویست هزار نفر بود که سیزده هزار آن سوار با انضمام هفتصد توپ تشکیل میداد که در سمت راست (قوهن هو) در اطراف قرارگاه عمومی موکدن ما بین (فولن — فوشون) جمع و تحشید یافته بواسطه دستجات سوار ذیل ستر و حمایه میشد. در جلو مجرای علیای رود (شیلی حو) در نقطه التقای (شاحو) سوارهای ماورای بایکال و قفقازیه در تحت اداره ژنرال (میچنکو) قرار گرفته بود. در جناح راست ما بین (هونهو — لیاهو) دستجات (غرقوف) و در چپ بسمت بالای شاحو.

دستجات صامسونوف و در منتهای جناح چپ در روی راه فوشون در تنگه (تالنک) سوارهای (رننکامف) موجود بود و ده هزار سوار در جلو اردوی روسی یک سد محکمی برای منع عبور قوای ژاپونی متوقف شده بود. در نقاط قابل تجاوز رودهای (شاحو — هونهو) استحکام متعدده و رد سیها ساخته و در شمال موکدن در جاده ماندارین هم استحکامات مهمه ساخته بودند.

قوای حربیه ژاپونی مرکب از ۳ اردوی معظمی بود که بواسطه ورود دستجات مهمه امدادیه و فرقه های قشون احتیاطیه تکمیل نواقص کرده ساحل جنوبی (شیلی حو) را اشغال نموده بودند که با سنگرها و استحکامات کثیره خودشان را حمایه و وقایه مینمودند:

اردوی اول (قوروکی) ما بین معادن (نیتای) و (پنیسکو) عبارت از فرقه دوازدهم و گارد امپریال با دستجات سوار مستقل و توپخانه مستقل با پنج رژیمان احتیاط بود. اردوی چهارم در تحت فرماندهی (نوزو) در جنوب معادن نیتای اردوی دوم (اوکو) در سمت غربی جاده ماندارین. و اردوی اول در سر راههای (فنک هوانشنک — ویجو — ستول — شمولیو) و اردوی چهارم هم در راه (کایچه تو — تالین وان) قرار گرفته و مجموع قوای عسکریه دولت ژاپون در اینموقع یکصد

وشصت و یکهزار نفر بود که اولین عده پنجهزار سوار با انضمام شصت و یک توپ تشکیل داده بود .

اراضی که ما بین موکدن ولیائو یانگ واقع بود یک مسافت شصت کیلومتری را تشکیل داده با نهار (هونهو – تایچه هو – شاحو – سیلی هو) آب یاری می شد .

اردوهای روسی با ژنرال کوروپاتکین در چهارم سپتامبر به غروب تقسیم شده اولی در اداره ژنرال (بیلدرلینگ) قسمت غربی و دومی قسمت شرقی را در فرمان ژنرال (شتاکلبرغ) و سومی قوای عمومیه احتیاط را تشکیل داده بود . ژنرال (غره قو) سمت راست اردوها را حمایت میکرد . نقشه را که ژنرال روسی اتخاذ کرده بود چنین تصور میرفت که اردوی قورو کی را در شرق (منیسکو) با اردوهای (نوزو) و (اوکو) مجزا ساخته و بواسطه قوای تامه احتیاطیه کار قوروکی ، اوکو و نوزو را خواهد ساخت ولی حقیقتا امر اینطور نبوده زیرا که نظر به بیانات متحده شاهدهای کثیره جبال کوروپاتکین با قوای شتاکلبرغ سمت چپ ژاپونیان را احاطه کرده و اتصالات ایشانرا ما بین (سایه ماچو) و (فنک هوانچنک) مقطوع نماید و بهر حال ژنرال روسی مرکز ثقلت قوای خویش را بسمت شرق یعنی باراضی کوهستانی نقل داده و این حرکت مشارالیه قهرا اجرای روس ها غیر مساعد بود زیرا که روس ها در اراضی کوهستانی مانند ژاپونی ها در مانور نظامی آنقدر مقتدر نبودند . علاوه ازین کوروپاتکین تقسیمات اردوها را بیک طرز غیر مساوی بلکه مختلف منقسم ساخته مثلا اردوهای پنجم سیبری نسبت قسمت چهارم را بدو فرقه دهم را هم بدو قطعه تقسیم کرده و این قبیل خطاهای شایان تاسف در میدان محاربات موکدن بیشتر بظهور پیوست و نتیجه که داد قوای خویش را متشتت و متفرق ساخت .

محاربات شاحو – جنگ های میدانگاه شاحو از نهم سپتامبر تا هیجدهم ماه مزبور یعنی نه روز تمام امتداد یافته تشکیل یک سلسله محارباتیکه بیکدیگر غیر مربوط است داده و صحنه عمده آن بر سه زمینه تفریق گردید (۱) حملات تعرضانه روس ها از چهارم سپتامبر تا نهم ماه مزبور .

(۲) هجوم بمواضع ژاپونیها و حملات متقابله ژاپونیها بر روسها از دهم الی سیزدهم و رجعت روسها بسمت شاحو (۳) حملات ژاپونیها از چهاردهم الی هجدهم بعلیه روس ها در مواضع شاحو .

روسها چنانچه در بالا مذکور افتاد از چهارم ماه سپتامبر بترتیب ذیل شروع بحرکات تعرضکارانه نمودند .



تصویر قشلاق روسها در مانچوری جلد ۲ صفحه ۲۱۳

قطعات ژنرال (بیلدرلینگ) از غرب بتدریج جلو رفته و هر قدر مواضعرا که اشغال میکردند تحکیم و تقویت داده ما بین راه آهن و جاده ماندارین بطرف (ینتای) پیش رفته در نهم ماه بخطوط (شیلی هو) واصل شدند دستجات فرقه (شتاکلبرغ) از سمت غربی در حالتیکه به شعبه تفریق یافته بودند پیش میآمدند : اولا از ردوا اردوی اول سیبری با فرقه شکارچی پنجم و اردوی دوم سیبری بسمت (بانیاپوچا) حرکت کردند . ثانیا از مرکز اردوی سوم سیبری و یک فرقه از اردوی چهارم از راه (سونشو – سونیچو) گذشته بسمت (دوی نیوزین) جلو می آمدند . این دو شعبه را از عده کثیره سوارهای ابو انجمی (ساموسونوف) حمایت کرده و وظیفه پیش قراولی را انجام میدادند . ثالثا : از سمت چپ ژنرال (رنتقامف) الطرف راه (سی باپچیاچو) پیش میرفت این شخص علاوه از دستجات مهمه سوار یک فرقه کافیه پیاده نظام هم همراه داشت

در

در هشتم سپتامبر قزاقهای سامسونوف) در جنوب (بانیابوچا) مصادف پیش قراولان ژاپونی شده و بدینجهت باستقامت جنوب شرقی خویشتن را تبدیل داده از (چودی نماپوچا) به (ژوغو-دی ینوژین) حرکت نمودند. قزاق های مزبور وقتی که باینموقع رسیدند پیاده نظام ژنرال (رننکامف) که از (سی یانچیاچو) عزیمت نموده بودند وارد نقطهٔ مزبوره شده و بنابراین (سامسونوف) از تنگهٔ (کوواتلیغ) گذشته بسمت سربالا رفته در جوار (سی یانشانچو) به پیش قراولان ژاپون برخورد مصادف این ایام پیش قراولان اردوی اول سیبری هم بقراولان ژاپون هجوم کرده بودند نهم ماه اردوی سوم سیبری به (کائوتایچی) وصل و از سمت چپ با پیاده نظام (رننکامف) رابطه پیدا کرده باستحکامات ژاپونیان حمله بردند. بنابرین قوای عمده روس در ملتقای نهرین (شیلی هو- شاحو) در یک جبهه پنجاه کیلومتری قرار گرفته وضعیف ترین نقطهٔ آن مرکز اردوهای روسی بود.

مارشال اویاما تمام اسرار و جزئیات بازیهای جنگی خصم را چون مسبوق و مطلع بود یک قسمت اردوی اول (ژنرال کورودکی) را برای محافظهٔ جناح راست خویش نگهداشته و قسمت عمدهٔ اردوی مزبور را برای حملهٔ دشمن بجادهٔ ماندارین سوق نمود.

حملات بمواضع ژاپونی ها- نقشهٔ حملات روس ها بمواضع ژاپونی ها بکلی از یکدیگر متفاوت و اساساً باعث سه دوره از محاربات گردید؛ اولی جنگهای قطعات (شتاکلبرغ) با اردوی (کورودکی) در منطقهٔ کوهستانی. دومی محاربات دستجات (بیلدرلنیک) با اردوی (اوکو) در داخلهٔ وادی؛ وسومی هم جنگهای قطعات تقویت یافته ارتباطیه با اردوی (نوزو) و قوای مرکزی ژاپون.

قطعات (بیلدرلنیک) در دهم سپتامبر تا پنج کیلومتری جنوب (شیلی هو) پیش رفته دهات (نادوسامبو -اولیتایچو) را اشغال نمودند، همانروز مارشال اویاما شروع بتعرضات از سمت جناح چپ نمود.

دریازدهم ماه در قریهای (سانتایچو- اولیتایچو) محاربات شدیده اتفاق افتاده ژاپونی ها از جهات (لیلیدیانطون) یک حرکت احاطه کننده بجناح روس ها نموده و ژنرال (اوکو) روز دوازدهم حرکات خویش را بیشتر بجلو برده بخطوط (شیلی هو) بشدت هجوم کردند و از انیرو در قریهای (شیلی هو- لونوان میاثو- خنطونیولو- ترزیدیازا) محاربات خونینی وقوع یافته دهات مزبوره را گاهی اینطرف گاهی آنطرف اشغال مینمودند بالاخره قطعات ژنرال (بیلدرلنیک) تاب مقاومت نیاورده شش باطری توپخانه با سنگر بدشمن ترک کرده فقط تپهٔ (تک آغاج) را در تحت اشغال خویش قرار داده بعقب سر رودخانهٔ (شاحو) خود را کشید.

اردوی چهارم روسی هم بچند کیلومتری شمال (خیتای) تقرب کرده بود بهدف حملات قوای ژنرال (کورودکی و نوزو) شده مجبور برجعت گردید و اگر حرکات دلیرانه سوارهای میچنکو نبود اردوی مزبور از این مخاطرات شدیده جان بدر نمی برد.

ژنرال (کوروپاتکین) که ازین اوضاع جنگ اطلاع حاصل نمود برای احتراز از هر گونه مخاطرات از اقدامات تعرضکارانهٔ خویش که بعد از هفته ها بطالت و عطالت از قوه بفعل آورده بود صرف نظر کرده مجدداً حالت معهودهٔ دفاعیه را اتخاذ نمود:

روز سیزدهم اردوی چهارم ژاپونی با بعض قطعات اردوهای سایره مشترکاً بعلیه قوای مرکزی روس ها حملهٔ سختی برده از نتایج آن دستجات قشون روس کم کم بسمت شمال عقب میکشیدند و بنابراین در روز مزبور نه تنها تعرضات و هجومات اردوی روسی بی نتیجه و بی اثر گردید بلکه مجدداً قوای مزبوره بسمت خطوط شاحو انداخته شده. درین موقع قطعات ژنرال (بیلدرلنیک) مواضع ذیل را اشغال میکردند. درسمت راست فرقهٔ هفدهم از (لنک سیپو) تا (لاموطون) و در مرکز فرقهٔ دهم در تپه های جنوب (شاحوپو) در چپ (یوبزیون) ۲۲ پیاده با اردوی اول اروپا در (تک آغاج) قرار گرفته قطعات

مرکزی شمال (شاحو) عقب نشسته بودند اکنون فرقه های شرقی کاملاً در حالت رجعت بودند. ژنرال (اوکو) برای حمله مواضع قطعات غربی روس ها طرق آتیه را بدستجات خویش ارائه نمود: فرقه ششم از راست بطرف (قوان - جادو پان) پیش رفته و فرقه ۴ مرکزی هم باید جادهٔ ماندارین را تعقیب نماید. فرقه چهارم از چپ مابین راه آهن و شاحو حرکت کرده و دو رژیمان احتیاط هم از عقب سر جناح چپ خواهد رفت.

اوامریکه از طرف فرمانده دستجات اردوی سوم ژاپونی راجع بمحاربات شاحو صادر شده بقرار ذیل است:

۱) فرقه سوم به تپه های جنوب قریه (شاحو پو) هنگام فجر هجوم خواهد کرد.

۲) دستجات چپ بسمت موگدن حرکت کرده اطراف شمال و غرب قریه (حونای) را اشغال و وقت طلوع تپه های مجاور را ضبط نموده علاوه ازین ده (سادیازا) حمایت خواهد کرد.

۳) فرقه راست با چپ ارتباط پیدا کرده تا مقابل شمال (حونای) پیش رفته با فرقه چپ به تپه های اطراف حمله باید بنمایند.

۴) توپخانه بسیار حتی الامکان در نزدیکترین نقطه شمال دریاچه (پادیازا) در قرب خصم قرار گرفته قریه (لامونطون) را شلیک خواهد نمود.

۵) قوای احتیاطیه هم در شمال دریاچه (پادیازا) مجتمع خواهند شد.

۶) هیئت صحیه با اسباب جراحی و لوازمات و ادویه مجروحین در دریاچه فوق الذکر هیئت نظامی تاسیس خواهد نمود.

۷) فرقه سوم سواره نظام تأمین قوای اتصالیه دهات مجاور را بعهده خواهد گرفت.

۸) کماندان فرقه ها در جنب قوای احتیاطیه قرار گرفته و در قریه (هویچه پو) هم محل جبه خانه خواهد بود

محاربه شدید در تحت اشغالات سخت توپخانه طرفین در یازدهم ماه شروع یافته قریه (لیک سیپو) را ژاپونی ها اشغال کرده بودند درین صورت روس ها در سمت چپ خطوط (شاحو)

تپه (تک آغاج) را با قریه (شاحو پو) در تصرف داشتند. ژنرال (بیلدرلنیک) هر چه سعی در استرداد قریه (لیک سیپو) نمود موفق بمقصود نشد بعکس ژاپونیها از تاریکی شب استفاده کرده رژیمان (یاماتا) تپه (تک آغاج) را متصرف شدند ولی شانزدهم ماه برحسب امریکه در طلب دوباره ضبط کردن تپه مزبوره از ژنرال کوروپاتکین وارد شد فرمانده رژیمان شانزدهم مسئولیت حمله را بعهده گرفته با یک فداکاری مهم که از رژیمان مزبور جز از هشت صاحبمنصب سالم باقی نمانده بود تپه را مجدداً اشغال نمودند.

بعد هم بمناسبت بارندگی مصادمات مختصره اتفاق افتاده و بعد هم جنگهای متوالیه شروع یافت ولی بالآخره پس ازین جنگهائی که ده روز تمام طول کشید طرفین متخاصمین بجاهای اولی خویش نشسته و دست از محاربات کشیدند. درین جنگها از روس ها بانضمام یکهزار صاحبمنصب چهل هزار سرباز و از طرف ژاپونیها با پانصد صاحبمنصب شانزده هزار مقتول و مجروح افتاده بودند. از محاربات (ایلو) و (مسکو) ناپلیون باینطرف هیچ جنگی مثل محاربات فوق الذکر واقع نشده بود که اینقدر خونهای بی ثمر ریخته شده و نتیجه هیچکدام از طرفین وارد نیاید. نظیر جنگ حالیه بین دول اروپا.

تفاوت عظیمه که مابین ضایعات دو طرف مشهود است علتش همانا مهارت توپچی های ژاپونی و برتری و تفوق توپخانه و قورخانه قوای حربیه اعلیحضرت میکادو بود.

صرفیات جبه خانه - در میدان محاربه شاحو صرفیات جبه خانه که بخرج رفته حاکی براین است که بنسبت باین مقدار صرفیات تا آخر محاربات مقدار مهمی باید جبه خانه و مهمات جنگی بمصرف خواهد رسید. مثلاً در روز دوازدهم و سیزدهم سپتامبر فقط فرقه سی و پنجم توپخانه روس از سی و شش توپ سه هزار و هفتصد گلوله انداخته و در چهاردهم پیاده نظام روس از طرف دشمن که در چار منتهای تضییق و فشار شده بود برای نجات خویش دوازده هزار و هفتصد و نود و هفت گلوله خالی کرده بودند و بمناطق مختلفه ژاپونی همانروز هشتهزار تیر شلیک نمودند.

یادداشت‌های معیده راجع باردوهای مانچوری - ماژور (شلندرف) که از طرف دولت آلمان بسمت
آتاشه میلیتری) مأمور همراهی پرنس (هوهنزولرن) بود درباب محاربات شاحو و ملاقات مارشال
اویاما) فرمانده کل قوای ژاپون اینطور تفصیلات میدهد. روز بیست و یکم ماه سپتامبر روز زیارت معین
شده با ماشین باستاسیون (نیتای) واصل و رئیس آتاماژور ژنرال (بارون کوداما) با عدهٔ از
صاحب منصبان پرنس را استقبال کرده و از آنجا سوار اسب شده عزیمت نمودیم. مارشال ژاپونی
تا محاربات شاحو در منزل سابق ژنرال (کوروپاتکین) در لیائویانگ متوقف بود ولی بعد از
جنگهای مزبور در نیتای در یک عمارت زارعین
و ملاکین چینی رحل اقامت انداخته و پرنس
(هوهنزولرن) با یک گرمیت و صمیمیت پذیرائی
نموده از قبل تمام افراد اردوی خویش از ورود
ایشان برای زیارت اظهار تشکر کرد. در
ملاقات این دو نفر تفاوت سیما و قیافه
مارشال و پرنس گرچه متضاد بود ولی بی‌اندازه
جالب دقت و توجه است زیرا که مارشال
ژاپونی دارای قد بلند



تصویر ژنرال کوداما رئیس ارکان حرب اردوی ژاپون

و صورت بزرگ مانند اهالی جنوبی آلمان بود و پرنس بعکس آن شخص کوتاه قد و لاغر و سر کوچکی مانند
یک فرانسوی داشت. ژنرال (کوداما) رئیس آتاماژوری کل مارشال اویاما هم قیافه متوسطه را دارا
و از چشمهایش کمال فعالیت و فراست پدیدار بود. با وجودیکه نسبت بیکدیگر انید و ژنرال ژاپونی
مختلف العقیده بودند ولی باز از بدایت جنگ تا آخر آن با کمال موافقت و مساعدت بیکدیگر کار میکردند

منازل ژنرالها و صاحب منصبان ژاپونی خیلی ساده و هر کدام یک اطاقی دارند که در آنجا هم کار میکنند
و هم میخورند و هم میخوابند. در بین فرمانده اردوی چهارم ژنرال (کنت نوزو) هم برای خوش
آمدی پرنس وارد و یک شخص کوتاه قد و موقر و فربه محبوبی بود.
رئیس ارکان حرب تفصیلات محاربات شاحو را ذکر مینمود که من در یادداشت‌های خود بجهة استفادهٔ
آتیه عمومی بعضی از آنها را نوشته‌ام. از آنجمله میگفت (بمحض اینکه خبر حملهٔ روسها را بمن دادند من فوراً فرمان
یورش را بقوای روسی دادم. زیرا که بمناسبت تفوق عددی دشمن اگر ما بدواً هجوم نکرده هدف حمله
میشدیم. موفقیت حاصل نمیکردیم) رئیس آتاماژور مزبور چون مبتلا بکشیدن دخانیات زیاد بود در وقتی
که پیش پرنس میآمد از قوطی مشارالیه یک سیگاری آتش زده پس از کشیدن آن مشغول شرح وقایع
جنگ میشد و در سر هر مطلب مجدداً تجدید سیگار میکرد و گاهی با مزاحهای شیرین ما را میخنداند.
باری آنچه در این مسافرت برأی العین دیده و شنیده‌ام با نوتهای کوچک در یادداشت‌های خود هم
ثبت کرده‌ام. پس از ملاقات‌های متعدده با ژنرالها و صاحب منصبان ژاپونی بسیاحت اطراف و
اکناف مشغول از آنجمله بتفرج شهر (لیائویانگ) رفتیم. اصل شهر در مساحه سطحیه یک کیلومتر و نیم مربع
با چهار دیوار محاط است. برای رفتن بشهر باید از محله که روسها ساخته‌اند عبور نمود. عمارات منظمه
و ابنیه عالیه این محله حالیه مخصوص مریضخانه‌ها و دفترخانه‌های تشکیلات نظامی شده است. پس از
گذشتن این محله بجلو باغ (کوروپاتکین) رسیدیم که در پهلوی آن یک مجسمه بزرگ (پاغود)
موجود بود. گرچه تاریخ ساخته شدن مجسمه مزبوره معلوم نیست ولی متواتر است که یکی از سلاطین
کره چند قرن قبل ازین که با فتح و فیروزی وارد اینجا شده ساخته بوده. مانند شهر والنی بزرگ
ترین و عالی‌ترین عمارات شهر (لیائویانگ) عمارت تیاتر است که یکطرف آن سوخته بود که
ژاپونی‌ها تعمیر کرده برای خویش انبار اسلحه و مهمات جنگی قرار دادند. یک قبرستان روسی در آن

جوار بود که بر حزن شهر و قساوت یغماگران چینی می افزود.

در لیائو یانگ گرچه خیلی دکان و مغازه موجود است ولی فقط برای احتیاج ضروری اهالی فقیر کافی است در میان اصنافهای شهر مزبور فقط دواسازها و دواخانه ها خوب کاسبی می کنند. این شهر بواسطه حدوث محاربات دچار خسارات عمده نشده اهالی دکانها را البته بعد از ورود ژاپونی ها مجدداً باز کردند. ساکنین دهات حول و حوش مشغول تعمیر خرابی های منازل و مساکن خویش بودند. بمناسبت وجود اردو کاسبها دهاتی ها بقیمت گران ارزاق فروخته و از اینرو جبران خسارات خویش می نمودند.

روزها گاهی پیاده و گاهی با عرابه شهر و اطراف آنرا سیر و گردش می کردیم.

بمناسبت تصادف یوم میلاد امپراطور ژاپون بروز سوم ماه اکتبر در اردوهای ژاپونی مراسم جشن و شلیک شایانی بعمل آمده صاحبمنصبان همه در یکجا غذا میخوردند. روسها در موقع مراجعت از لیائو یانگ مقدار معتابهی شراب شامپانی فرانسه جا گذاشته بودند بدینجهت در روز مزبور شرابهای ژاپونیان بسلامتی میکادوی محبوب خویش صرف میگردید. نمایشات و اسب دوانی ها و سایر مشق های شمشیربازی وغیره ترتیب یافت. مارشال اویاما یک مهمانی باشکوهی داد که پرنس و من و ژنرالها و صاحب منصبان بزرگ و مأمورین عالی کشوری ژاپون حضور داشتند. مازور شللندرف پس از ذکر این مطالب مجدداً در باب محاربات شاحو وقایع ذیل را در یادداشت خود می نویسد: بالاخره مابین پیش قراولان قوای طرفین که در یک مسافت جزئی نسبت بیکدیگر بودند با یک مدت معینه تعطیل مخاصمات کردند که در واقع یک قسم متارکه موقته بود علت آنهم تهیه و تدارک آب از رودخانه شاحو بود که اردوهای دو طرف در سواحل آن قرار گرفته بودند. افراد سربازان برای آب آوردن بدون اسلحه بسمت رودخانه میرفتند و پیش قراولان طرف مقابل ابداً حق اسلحه خالی کردن نداشتند این مراوده بعد منتهی بمعاشرت و مخابره پیش قراولان طرفین گردید. گاهی با یکدیگر شوخی و مزاح

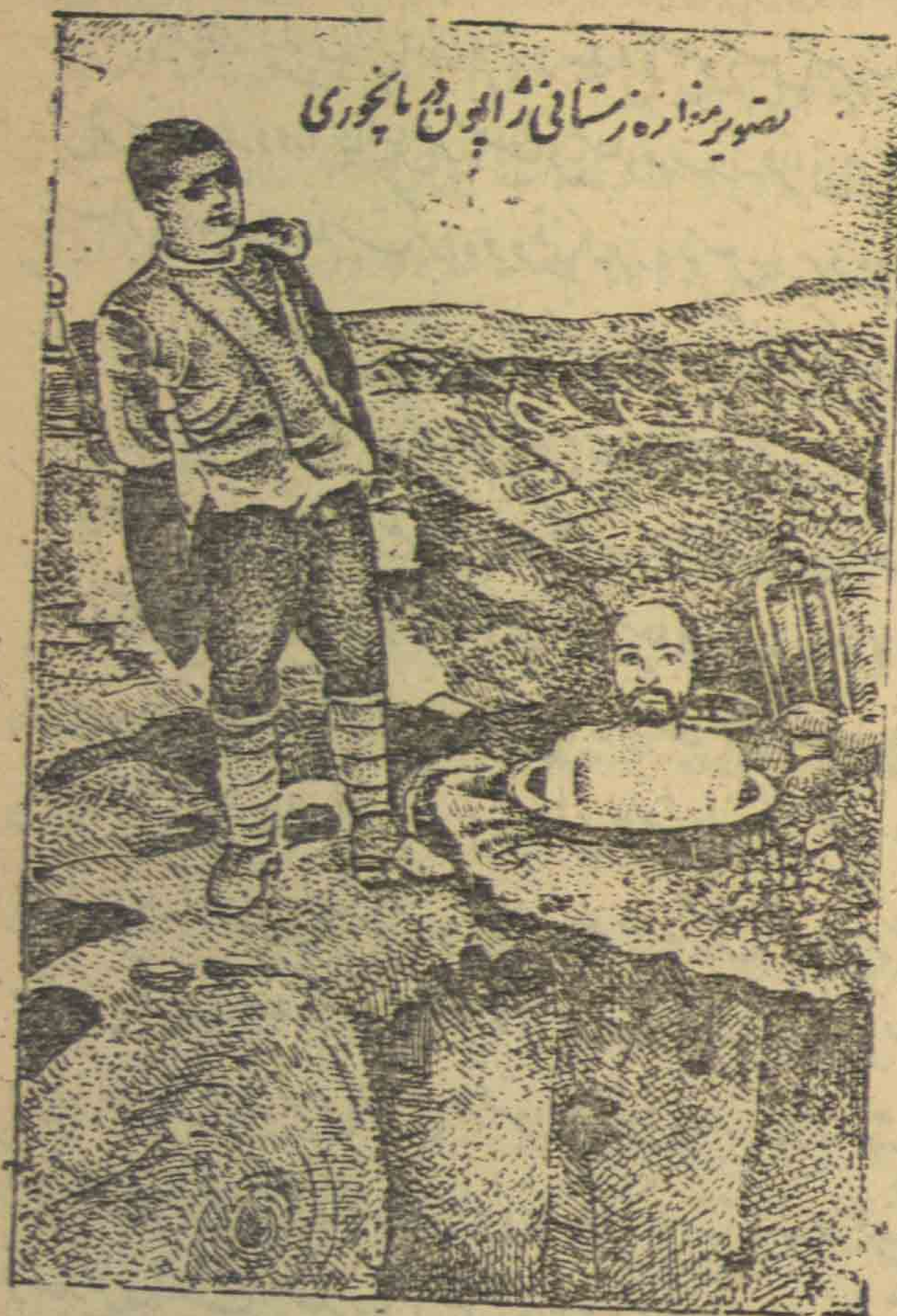
نموده

نموده و گاهی هم هدیه های کوچکی بهم یکدیگر رد و بدل میکردند. یکروز در این اثنا یکنفر قزاقی بدون اسلحه بخطوط پیش قراولان ژاپونی وارد شده و مقصودش اسیر شدن بود ژاپونیها ویرا گرفته نزد فرمانده کل فرستادند و در آنجا پس از استنطاق معلوم شد که قزاق مزبور زن و دختر یکنفر قزاق است که بسمت پرستاری در اردو خدمت کرده و وقتی که زره پوش (پترو پاولوسک) در پرت آرتور محترق و مغروق گردید زن مزبور خود را بدریا انداخته نجات یافته با گراندوک سیریل بمسکو عزیمت و از آنجا مجدداً به اردوی روس معاودت نموده حالیه چون برادرش مجروح و اسیر ژاپونیها است خودش شخصاً آمده که پرستاری برادرش را نماید و چندین کارت ویزیت حاکی صدق بیانات خویش ارائه داد ولی رجاء و تمنیات وی مؤثر نیفتاده ویرا مجبور بمعاودت اردوگاه روسی نمودند اما چون زن دیگر نمی توانست نزد روسها برگردد ژاپونیها به (چیفو) نزد کونسل فرانسه فرستادند.

مازور شللندورف در خاتمه یادداشت های خویش از حفظ الصحه افراد ژاپونی اظهار میداد که برای جلوگیری از گرفتاری و سرایت امراض مسریه از قبیل تیفوئید وغیره هر فرد ژاپونی یک قوطی کوچک با خود پر از حب ضد میکروبی دارد که بعد از غذا یکدانه میخورد گرچه اثرات این حب بمن معلوم نیست ولی تاکنون هیچگونه مرض مسری در قشون ژاپونی پیدا نشده است منع خوردن آب جوشیده بمناسبت آب و هوای مانچوری از جمله تدابیری است که اثرات مستحسنه در صحت مزاج و قوت بنیه ژاپونی ها تولید کرده است. مقدار ناخوشهای اردوی ژاپون حد وسطش نسبت سه در صد است که این مقیاس بهیچوجه قابل اعتنا نیست فقط در محاربات پرت آرتور ظهور مرض تب باعث تلفات کثیره در ژاپونیها گردید.

سربازهای ژاپونی همه روزه معتاد بشست و شو و آب تنی هستند حتی در ایام سخت زمستان که درجه هوا ۳۰ زیر صفر بود توی طشت های بلند چینی آب گرم پر کرده رفته تن و بدنشانرا می شستند. اقدامات

وحرکات



وحرکات سواره نظام ژنرال میچنکو — قبل از ذکر حرکات سواره نظام ژنرال میچنکو لازم است. از وضعیت کلی حربیه و تشکیلات اردوهای نظامی دول روس و ژاپون از آغاز ماه ژانویه سال جدید ۱۹۰۵ میلادی که علاقه دار وقایع حربیه آتیه است مختصرا بیان شود روسها در مابین رودهای (لیاعو ... و هون Hun در جوار (سیفانتای) در مقابل جناح راست

خویش مشغول تفتیشات و کشفیات بودند. قزاقهای (کرکوف) که چهار فرقه و نیم را تشکیل میدادند جناح راست اردو را تقویت میکردند که عقب سر آنها هم فرقه های (اورال) و (ماورای بایکال) و سوارهای قفقازیه با ژنرال (میچنکو) قرار گرفته بود.

اردوی دوم مانچوری که در تحت فرماندهی ژنرال (گریپنبرغ) بود و هم چنین اردوی پنجم سیبری که ملحق بآن شده بود در میانه (تاشوانهو — سوبالیزا — والیانطون) خطوط مدافعه را اشغال

کرده پشت سر آن نیز در مشرق (سویاتون) اردوی دهم و در جنوب موکدن در سرپل هم اردوی هشتم جمع شده بودند. اردوی مخلوط اول سیبری یک قسمتش در ایستگاه موکدن پیاده شده و اردوی سوم مانچوری در زیر اداره ژنرال (کاولبارس) با فرقه های هفدهم و ششم سیبری موضع (شاحو) را مدافعه میکردند. اردوی اول مانچوری با فرقه های دوم و سوم و چهارم سیبری در فرماندهی ژنرال (لینه ویچ) مکلف محافظت حوالی شرقی بودند. قرارگاه عمومی در (جانزاموتون) جا گرفته بود مجموع قوای روس در موکدن و اطراف آن عبارت از ۳۴۶ رژیمان ۱۶۹ اسکادرون سوار و ۱۴۷ (۱) باطری بود و تمام ضایعات را اکمال کرده موجود افراد این اردوها سیصد هزار نفر مسلح با تفنگ و شمشیر و هزار و یکصد توپ بود. ازین حساب مهمات اردوی شانزدهم که جدیدا تشکیل یافته و در سیم ژانویه بمیدانهای جنگ وارد میشوند خارج است زیرا که اردوی مزبور دارای بیست و هشت هزار تفنگ و نود و شش توپ است.

جناح چپ اردوی ژاپون نیز از دستجات سوار (اکیجاما) با دو رژیمان و دوازده گروهان و یک باطری حفظ و حمایت کرده و جناح مزبور را فرقه های سوم و چهارم و ششم با قطعات احتیاطیه دوم ژنرال اوکو تشکیل میداد. این قسمت قشون مأمور مدافعه خط (واندیازا — لین شیپو — لاموتون — کودیازا) بودند. در شرق این اردوی چهارم (نوزو) قرار گرفته اردوی اول هم تمام روبروی قوای روسی در (بیان یاپورا) توقف کرده بود.

روسها قوای ابواب جمعی مارشال اویامارا در ماه ژانویه (۱۷۸) رژیمان پیاده (۶۱) اسکادرون سوار (۱۱۱) باطری توپ و عده افراد نظامی را دویست و بیست و پنج هزار نفر با انضمام سیصد و شصت و شش توپ تخمین کرده اند. ازین حساب اردوی سوم ژاپونی محاصره کننده پرت آرتور که پس از اکمال نواقص خویش متجاوز از هشتاد هزار نفر بود خارج است که بزودی ملحق بقوای مانچوری خواهند شد.

در اوایل ماه ژانویه سال جدید ۱۹۰۵) ژنرال کوروپاتکین مصمم شد که حرکات تعرضکارانهٔ خویش را تجدید نماید. مقصود سردار روسی این بود قبل از آنکه اردوی سوم ژنرال (نوژی) فاتح پرت آرتور وارد شده و اوضاع جنگ را وخیم سازد خطوط مواصله و مراودهٔ ژاپونی‌ها را خصوصاً در (لیائو یانگ) و (وا ایشجاعو) مقطوع سازد ولی برای نیل این مقصود اقدامات سوار نظام اش حرکات لازمه را تشکیل میداد. بنابرین به ژنرال (میچنکو) وظیفه که تودیع شده بود تخریب خطوط (لیائو یانگ - وا ایشجاعو) و از (وا ایشجاعو - تا اینکو) بود و برای اجرای اینکار ژنرال مزبور با سه فرقه بسمت (اینکو) حرکت نمود. خرابی راه آهن واگذار فرقهٔ چپ گردید.

و این سه فرقه خط حرکت خود شانرا اینطور قرار دادند:

فرقهٔ راست با فرماندهی ژنرال (صاموسونوف) عبارت از دوازده اسکادرون سوار و یک توپخانه سوار با توپخانهٔ کوهستانی.

فرقهٔ وسطی با کماندانی ژنرال (ابراموف) کلیمی دارای بیست و دو اسکادرون سوار با شش باطری توپ

فرقهٔ چپ در زیر ادارهٔ ژنرال (تله شوف) سی اسکادرون سوار با چهار توپخانه سوار و چهار باطری تفنگ مسلسل بود. در فرقهٔ وسطی اردوی حفظ الصحه مرکب از سه دسته افراد صحیه با ارزاق و ماکولاتیکه که هزار و پانصد اسب حامل بودند که تشکیل هیئت صلیب احمر را داده بودند.

در نهم ژانویه ژنرال (میچنکو) از (سیفانتای) حرکت و بموقع (کالیاما) در ساحل (لیاعو) رسید و سطح منجمد آنرا گذشته بسمت غربی واصل و دو فرقهٔ سوار دیگر هم ساحل شرقی را تعقیب کرده مقابل (تاوان) رسیده شب را در آنجا گذرانده و دهم ماه سه فرقه بساحل (کالیهو) عزیمت نموده بعد از استراحت بانطرف رود (هون) گذشتند در جنوب کالیهو بدو گروهان قشون ژاپونی با نیم دسته سوار و عدهٔ زیادی از کونغوزها که یک قریه را تصرف کرده بودند بر میخورند. پس از یک زد و خورد

مختصری جبراً داخل ده شده ولی با دادن تلفات زیاد عقب می نشینند. متعاقب اینکار یک محاربهٔ بختی اتفاق افتاده بود و شب ژاپونیها خود شانرا کنار می کشند. روسها راجع بخصم در قریهٔ مزبوره راپرت های متعددی تحصیل کردند که در (نیوشوانک) بطور خفیف دور (حایچونگ) و (اینکو) با کمال قوت دشمن قرار گرفته است.

در یازدهم ژانویه ژنرال (میچنکو) با تمام قوایش در جوار (کالیغان) از رود (تایچه) گذشته شب را در نقطهٔ (چیچیاتون) که ژاپونیها قبلاً تخلیه کرده بودند بسر بردند. دسته‌جات سوار مأمور تخریب راه آهن بدون اینکه موفق بمقصود بشوند از فعالیت ژاپونیها بی نیل و مرام برگشتند.

فردای آن سوارهای کماندان میچنکو در صدد تسخیر ایستگاه (اینکو) برآمده ولی چون دیر حرکت کردند بموقع (چیانچیاتی) نزدیک ظهر رسیده پیاده نظام ژاپونی چون قبلاً اشغال کرده بودند براه آهن مزبور شلیک کرده سوار نظام روس محض اینکه خود شانرا بمخاطره نیندازند از نقشهٔ خویش صرف نظر کرده عقب نشستند. ژاپونی‌ها بملاحظه آنکه ژنرال (میچنکو) بروی خط (لیائو یانگ - تایچوان) قرار گرفته حمل و نقل راه آهن را تعطیل نمایند. حملات شدیده بسوار نظام روسی وارد آورده و آنهارا شکست فاحشی دادند. پس از هزیمت سواره نظام مزبور تمام سعی و کوشش خود شان را مصروف بالتحاق جناح راست اردوی خویش کرده برای آنکه در عرض راه دچار محذورات نشوند یک راه دیگر پیش گرفته در چهاردهم ماه ژنرال (میچنکو) فرمان رجعت بسمت (سالنیک) داده و در وصول لیاعو دچار حمله و محاصرهٔ توپخانهٔ ژاپونی شده بالاخره با کمال زحمت بموقع مزبور رسیدند و در پانزدهم ماه باردوگاه ملحق شده و ژنرال میچنکو) حرکات تعرضکارانهٔ خویش را باین قسم خاتمه داد. ضایعات ایشان در این سفر هفت صاحب منصب و (۷۳) سرباز مقتول (۳۲) صاحبمنصب و (۲۳۷) سرباز مجروح و (۲۷) نفر سرباز با (۱۴۴) اسب مفقود بود

محاربات سانده پو. (این محاربه مقدمهٔ جنگهای موکدن است که مذکور می افتد) - ژنرال کوروپاتکین برای اجرای حرکات تعرضکارانهٔ خویش جدیده عقیده و آرای کماندانهای سه اردو را استفسار کرده و در همان زمان ثقلت قوای مرکزیهٔ خویش را بسمت غرب نقل داد. در مجلس مشاورهٔ عالی جنگی که با حضور ژنرالهای روسی بمیل فرمانده کل انعقاد یافت همه متفق الرأی دادند که نقطهٔ اصلیه حملات و تعرضات را جناح چپ اردوهای ژاپونی یعنی اردوی ژنرال اوکو قرار داده و از ایستگاه (نیتای) داخل عملیات بشوند و با اشتراک اردوی شانزدهم مهاجمات هفت اردو را از دوازده اردوی موجودی روس برای تحصیل موفقیت کافی دانسته و بنابرین ژنرال کوروپاتکین مصمم گردید که جناح چپ قوای ژاپونی را هدف حملات خویش قرار دهد و در نوزدهم ماه ژانویه اوامر مؤکده در اجرای این اقدام داد:

اردوی دوم روس در صدد ضبط و اشغال نقاط تکیه گاه خصم برآمده از طرف رود هون برای حمله و هجوم قرار داد در اینموقع سواره نظام (میچنکو) در (اوبانیولو) و دستجات ژنرال (قوزدغوفسکی) در غرب (بانیوزا) و اردوی اول سیبری هم عقب سر آن با یک حرکات سخت و مشکل جلو رفته و قوای ژاپونی ها این حرکات روس ها را با کمال دقت و مواظبت متوجه و مراقب بودند.

در ۲۱ ژانویه ژنرال (کریپنبرغ) شروع بحرکات تعرضیه نموده قطعات (میچنکو) و (قوزدغوفسکی) هم معبرهای رود (هون) را در جوار (مامیاکای - جتیاجی) اشغال و فرقه های پانزدهم با اردوی دهم روس هم بسمت (ساندپو) و (لیدیاتون) حرکت نمودند. پیش قراولان ژاپونی از مواقع مزبور خودشانرا عقب کشیدند. ازین تاریخ ژنرال کوروپاتکین فعالیت امور را بعهدهٔ توپخانه قرار داد. رژیمانهای دوم و پنجم را (کریپنبرغ) بسمت (جانتای) گسیل داشت ولی به اشغال آنجا موفق نشده سهل است رژیمان اولش هم در عرض راه ناچار متوقف گردید.

قوای جبههٔ روس ازانیرو با دستجات عمده تقسیم یافته از هر طرف به قوای ژاپونی حمله و هجوم بردند و این تهاجم تقریباً برای ژاپونی ها بغتی بود. باوجود اینها مارشال اویاما نظر برپورتهای پیشتازهای سواره نظام فرقه (لاندونلو) را فرمان یورش داده و کماندان (تازوجی) را در رأس آن مأمور نمود. فرقهٔ مزبوره از نیتای عزیمت کرده قبل از ظهر وارد (یاتای - سوماپو) شده مشغول حرکات تعرضکارانهٔ اردوی اول سیبری گردید. ولی بمناسبت کثرت عدد و تقویت مواقع روس ها خصوصاً حملات سواره نظام ژنرال (میچنکو) فرقهٔ هشتم را در تحت تهدید قرار داده بود ژنرال تازوجی مطلع گردید که چندین فرقه احتیاط برای تقویت وی حرکت کرده اند. ازطرف دیگر فرقهٔ چهاردهم با اردوی اول سیبری به (ساندپو) یورش برده و با وجود قلت عدهٔ ژاپون در قصبهٔ مزبوره قسمت اعظم آنجا را اشغال کرده ولی در مرکز آن متانت تامه و مدافعهٔ کاملهٔ ژاپونیها که پشت سر آنهم قوهٔ امدادیه وارد گردید روس ها را مجبور نمود که بکلی ساندپو را تخلیه کرده با یک حالت ناتوانی عقب بنشینند.

فردای روز مذکور دستجات ژاپونی از (لاندونکو) به (سیوپو) حرکت کرده بسوارهای میچنکو مصادف و پس از محاربهٔ شدیده ایشانرا مجبور بفرار بسمت شمال نمودند. متعاقب آن در خطوط (ساندوپو - سوماپو) نایرهٔ محاربات با کمال سختی مشتعل گردید و ازانیرو اردوی اول سیبری مقابل فرقهٔ هشتم ژاپونی حمله برده پس از تلفات زیاد قسمت شمالی (سوماپو) را اشغال کردند ولی در سمت شرقی (سانشاپیاو) سواره نظام میچنکو از نتایج حملاتیکه بژاپونیان وارد آوردند چار هزیمت شدند. قسمت کلی فرقهٔ پنجم ژاپون در شمال (یاتای) جاگرفته بدستجات روسی در (لیوتیاکو) بغتةً تاخته بودند که محاربه از تیر و تفنگ بسرنیزه و کلاویز منجر و بعقب نشستن روس ها خاتمه پذیرفت. در جبهه های دیگر میدانهای جنگ حوادث عمدهٔ اتفاق نیفتاد.

۲۷ ژانویه ژنرال (کریپنبرغ) از فرمانده کل تمنای ارسال قوهٔ امدادیه نمود زیرا که قوای

موجودیش کافی برمداومت حرکات تعرضیه نبود. ژنرال کوروپاتکین درجواب اردوی دوم را که در تحت فرماندهی ژنرال مزبور بود کافی برای جلوگیری حملات ژاپونیان با احراز مقام تعرضکارانه دانسته و عدم تجویز تمنای ژنرال گریپنبرغ را تبلیغ نمود بعکس آن فرمانده کل ژاپونی قوای امدادیه کافیه بدستجات دفاعیه یا تعرضیه اردوی دوم ژاپون ارسال و اعزام نمود ۲۸ ماه فرقهٔ پانزدهم ژاپونی وارد (لاندونلو) شده با فرقهٔ پنجم مشترکاً قراقهای (میچنکو) را بسمت غرب طرد و دفع کرده وارد (سوماپو) شدند. در اینجا بعد از رسیدن قوای امدادیه فرقه شکارچی دوم و رژمانهای جدا هم و پانزدهم و سیم و (دیویزیون) اول حمله باردوی اول سیبیری که منظم ترین و ممتاز ترین قوای جبههٔ روس بود برده پس از محاربات شدیده قصبات (سوماپو) و (جولیاچی) را که مواقع مستحکمهٔ روسها را تشکیل داده بود بقوهٔ قهریه ضبط و تسخیر نموده از آنطرف هم دیویزیون پنجم ژاپونی همانروز بعد از ظهر (لیاتیاکو) را اشغال نمود. کماندان اردوی جزو دهم روس ژنرال (چرپنسکی) برای خود چندین رژیمان و سوار و توپخانه برای جلوگیری ژاپونیان از اشغال قریه‌های (لابوتای) و (سیاعوتایچی) فرستاده ولی علاوه از آنکه دیر بمقصود رسیدند با یک ضربهٔ قطعی شکست خورده ژاپونیان دو قریهٔ مزبور را بسهولت متصرف شدند علاوه از این در چندین جبهه‌های دیگر حملات ژاپونی با تلفات و خسارات عمده بر قوای جامعهٔ روسی وارد آورده بود.

چیزیکه محل توجه و دقت است چه در این جنگ و چه در محاربات قبل و بعد کثرت احتیاط سردار بزرگ روس و آراء و عقاید اقدامات تردیدیه و کجی در مقابل خصم قوی پنجه که اتصالاً در تغییر و تبدیل بود علاوه از آنکه قوای جبههٔ دولت روس را که از مسافات بعیده با هزاران جانفشانی و مخارج گزاف و طول مدت امپراطور روس تجهیز و تشکیل داده باقصای شرق اعزام نموده و در واقع تمام دول معظمه را از این قدرت و سطوت بات و متحیر ساخته بود بلا تکلیف و عاطل و باطل ساخته و یک مرعوبیت

باطنی و ضعف معنوی که بهیچوجه وجود خارجی نداشت در تمام قشون روس تولید و ایجاد کرده بود که هرگاه خطاهای علم تاکتیک و استراتژیک که عبارت از نقشهٔ تامه (تعبیهٔ الجیش و فنون نظامی تدابیر و حیل جنگی است) سردار معروف روسی را ضمیمه نمائیم بخوبی ثابت خواهد شد که نتیجهٔ این محاربات بطور قطع با مظفریت دولت آفتابی(۱) منتهی خواهد شد. چنانچه آتاماژوری کل وزارت جنگ آلمان در موقع محاربات روس و ژاپون در ضمن تفتیشات عسکری و تجهیزات نظامی دولت روس اینطور تقدیر و تحسین نمود (از مرکز تشکیلات نظامی روسیه سوق و اعزام قشون و توپخانه و مهمات و آذوقه بواسطهٔ یک رشته خط آهن ماورای سیبیری با مسافت چندصد کیلومتری باقصای شرق و تجهیز اردوهای مکمل در نقاط مذکوره مانند نزدیکترین میدانهای جنگ اروپا دلیل کافی بر قدرت و قوت نظامی و سطوت و ابهت دولتی دربار پطرزبورغ است و تاکنون در عرصهٔ تاریخ یک این چنین میدان جنگ در یک فضای دور و درازی بطور نه پیوسته است. حتی در قرون قدیمه هم لشکر کشی الکساندر کبیر و داریوش و سیروس ترکیس کبیر و امرای مغول و امپراطوران روم وغیره حتی اردوهای منظمهٔ قرون جدیده ناپولیون و شارل دوازدهم سوئدی هم باین اهمیت نبود این قوهٔ مهمه (اگر آغوش فتح را بغل بگیرد اسباب منتهای تعجب و تحیر خواهد بود) مگر آنکه ژاپونیان اعجاز بخرج بدهند.

لاقیدی و عدم حسن انتظام قوای بری و بحری دولت روس بواسطهٔ گردانندهٔ امور محورهای جنگی صرف نظر از آنکه یک غرور و تکبری در میان ژنرالها و صاحب منصبان بزرگ دولت روس

(۱) دولت آفتابی دولت ژاپون و دولت آسمانی دولت چین است چنانچه امپراطور ژاپون را مظهر شمس طالع و خاقان چین را ابن السما موسوم و موصوف میدارند گرچه دولت چین حالیه بحکومت جمهوری بلکه به بحکومت انفرادی و عدم مرکزی تبدیل یافته است . . . .

تولید کرده یک نفاق و عدم موافقت آراء مابین رجال بزرگ نظامی در بار پطرزبورگ ایجاد نمود و این مسئله بتدریج سرایت بر تمام قوای معنویهٔ حربیهٔ روسیه کرده و از این جهت در میدانهای جنگ اقصای شرق باطناً بهیچوجه مرکزیت و اتحادی در اردوهای جنگی دولت روس موجود نبود و بنابراین کوروپاتکین در اجرای اوامر خویش گذشته از آنکه همرائی و مطیع نداشت بلکه ژنرالهای دیگر هم مخالف تصمیمات فرمانده کل بودند. پس با این علل موجه مغلوبیت دولت روس در اقصای شرق و مملکت مانچوری بعقیدهٔ غالب متخصصین نظامی آلمان و فرانسه حتمی و محقق بود. بعکس آن تحصیلات و تعلیمات افراد نظامیان ژاپون و حسن اخلاق و جان فشانی واقعی ایشان نسبت بامپراطور که معبود خویش فرض میکردند با حب وطن و علاقهٔ باطنی بر آب و خاک نیاکان و اطاعت رؤساء اتحاد و موافقت سرداران ژاپونی در تعقیب یک مسلک و مقصود فقط حفظ شرافت و ناموس وطن بعضی یک روحانیت و معنویتی در قوای مهمهٔ ژاپونی تشکیل داده بود که بهیچوجه حوادث و قضایای غیر متصورهٔ عالم هم نمیتوانست این رشتهٔ مستحکمه را قطع نماید.

از جمله وقایعیکه مطالب فوق را تائید و تصدیق مینماید. حرکات تعرضکارانهٔ ژنرال (گری پنبرغ) است که چون از دربار پطرزبورغ بفرماندهی مستقل اردوی دوم مأمور گردید خود را مستغنی از اطاعت (ژنرالیسیم generalissimus) یعنی فرمانده کل تمام قوای حربی دانسته در ۲۹ ماه اردوی خویش را برای حمله سانده پو حاضر و مهیا ساخت و علی رغم قوای امدادیه که دو مرتبه از ژنرال کوروپاتکین مطالبه نموده و بموقع اسعاف و اجابت نرسیده بود.

از قوای مهمهٔ ژاپونی یک ضربهٔ شدیده بقسمی خورد که راه مراجعت را گم کرده با یک حالت پریشانی باردوگاه مرکزی خود در ارساند. پس از این واقعه اردوهای منظمهٔ روسی از هر سمت و طرفی بخصم حمله کرده و با دادن تلفات زیاد منهزماً عقب نشانده شده و ژاپونیها تا سواحل رود (هون)

تعاقب کردند زیرا که از قرارگاه عمومی ژاپونی بیش از این تعقیب را تجویز و تصویب نموده فرقه‌های پنجم و هشتم پس از ضبط و تسخیر (سانده پو) خطوط استحکامیه در نقطهٔ مذکوره و (هوکوتای) برقرار ساخته مختصر آنکه در میدانهای سانده پو قوای روس کاملاً مغلوب گردید. کلیه تلفات ژاپونیها از مقتول و مجروح هشت هزار و هفتصد نفر و تلفات روسها پانزده هزار نفر بود. علاوه از آنکه (ژنرال بتشتاکلبرغ - میشچنکو - کوندراتویچ) سخت مجروح شده بودند. درصورتیکه در این جنگ شصت هزار قشون روسی با (۲۷) باطری توپخانه و (۴۸) اسکادرون سوار (۱) مقابله با یک قوهٔ ژاپونی پنجاه هزاری با انضمام (۴۲) اسکادرون سوار و هفت باطری توپخانه کرده بودند. با وجود قلت عدهٔ افراد حربیهٔ ژاپون



نقشهٔ میدان جنگ لیائویانگ در موکدن

عکس نمره ۱۳۶ (از جلد ۳)

و کثرت قشون روس این مغلوبیت مهمه در صفحهٔ میدانهای جنگ اولین دفعه سوء ظن نسبت بعدم کفایت ژنرال کوروپاتکین تولید کرده و بالأخره بدربار پطرزبورغ منعکس گردید و از این رو ابوا

۱) چنانچه سابقاً مذکور افتاد هر باطری دارای شش توپ و چهل و هشت توپچی است و هر اسکادرونی باختلاف قواعد و ترتیبات نظامی دول حاضره عده وسطش چهارصد نفر است . . . .

تنقید و اعتراضات سخت از محافل رسمی بر ژنرال مزبور باز شده مطبوعات روسیه هم آنچه که مقدور و میسرشان بود از نوشتن ایرادات موجهه فروگذاری ننمودند خصوصاً جریده (نوویه ورمیا) کوروپاتکین را آلت معطله محاربات مانچوری فرض کرده. انفصال آنرا از دولت روسیه جداً با مقالات حرارت انگیز مطالبه مینمود ولی اینهمه هیجان هیچگونه اثری نبخشید و ژنرال (گریپنبرغ) از نتایج مغلوبیت محاربات خود فرماندهی قوای ابواب جمعی خویش را ترک نموده و با کمال انفعال راه روسیه را گرفته عازم وطن خویش گردید.

در اینموقع متخصصین فنون نظامی آلمان اظهار عقیده اینطور مینمایند که قوای مهمه دولت روس با این تشکیلات عظیمه با نداشتن علم نظام و نفاق سرداران در حکم یک گله را تشکیل داده بود که ژاپونی ها ناچار مغلوب میکردند.

دولت آلمان که مرکز نظام و محور قوای حربیه عالم را تشکیل داده با یکدقت و توجه دوراندیشانه جریان محاربات اقصای شرق و جنگهای دو اردوهای معظم روس و ژاپون را تدقیق مینمود. و چندین نفر از صاحبمنصبان بزرگ و آتاشه میلیتری های مجرب و عالم را مأمور اردوهای دو دولت متحارب کرده همه روزه راپورت های مبسوط و اطلاعات مشروح و مفصلی از تجهیزات و حرکات دولتین روس و ژاپون و اسلحه و قورخانه، نظام، آلات محترقه، نقشه حرکت اردوها، وضع محاربات، عده اردوها وغیره کلاً و جزءاً مسبوق و مطلع بود مثل اینکه دربار برلن محاربات اقصای شرق را در آتیه برای تکمیل و ترتیب قوای حربیه خویش و اجرای مقاصد دیرینه اش بهترین وسیله ترقیات نظام خود می پنداشت و آنطوریکه دولت مزبوره درین لشکرکشی عمده خود را در تحصیل فواید مهمه علاقه دار میدید که دول معظمه سایره آنقدر عطف توجه بدین جنگ مهم نمی کردند و علی الرسم هرکدام از دول یکنفر مخبر نظامی در اردوگاهها داشتند.

میدان محاربه موکدن — مخبر یکی از جراید مهمه ایتالیا بنام (میو بارزینی) که در محاربات موکدن حضور

داشتند شرح شروع محاربات مذکوره را بقرار ذیل مینویسد: جنگهای میدان موکدن قریب الوقوع بنظر میآید. برای آنکه چند روز است توپخانه ها ساکت شده و معلوم بود که برای شروع عملیات جدیده راحت نشسته. حرکات عسکریه در حول و حوش تعطیل یافته حمل و نقل توپهای مدهش که از چاپ بزرگ بعد از فتح پرت آرتور آورده بودند خاتمه پذیرفته هیچگونه نمایش و مانوری نمیدادند. ژنرالها و امرای نظامی ژاپون بیش از سابق خوشوقت و مسرور بودند. هوا را کدر از گرما حکمفرما است سکونت اطراف حاکی آغاز محاربات شدیده جدیده است اردوی ژنرال اوکو که ما در آنجا متوقفیم در صورتیکه در اواخر ماه دسامبر مرکب از دیویزیون های [1] سیم و چهارم و ششم بود در اواسط ماه فوریه از فرقه های پنجم و چهارم و هشتم تشکیل یافته. و فرقه سیم بیک محل غیر معلومی مأمور شده بود. اردوی ژنرال (نوزو) هم که از فرقه پنجم و دهم بانضمام یک رژیمان مستقل عبارت بود یکدفعه با دیویزیون ششم و دهم بانضمام دو رژیمان مستقل ترکیب و تشکیل یافت. این تغییرات مهمه گذشته از آنکه تمام توجهات متخصصین علم نظام اروپائی را که در اقصای شرق بودند جلب کرده بود حاکی تبدلات عمده نقشه جنگی هم بود. اگر بمحاورات و مکالماتیکه ما بین صاحبمنصبان اروپائی جاری میشود با یک نظر دقت اصغا نمائیم صحبت های ذیل را می شنویم: (ژنرال نوزی کجاست آیا احتمال میرود که در منتهای جناح چپ اردوهای ژاپون باشد — نه: در منتها الیه جناح راست است — بعکس در مرکز قوای احتیاطیه قرار گرفته است —

اردوی نوزی بسمت (سین مین تین) حرکت می کند — نه بطرف فوشان میرود — ......

ژاپونیها در خیال عزیمت (تیه لین) هستند و مقام تعرضی را حالیه نخواهند گرفت و در حالت دفاع باقی خواهند ماند — فرقه سیم مفقود شده ژاپونی کجا است — این فرقه از جلو چشم ما غایب شده و بیک محل مجهولی حرکت

۱) دیویزیون یا فرقه از تقسیمات مهمه یک (کردوارمه) یعنی اردو است که مرکب از چندین رژیمان پیاده نظام و اسکادرون سوار و چندین باطری توپخانه است که در نزد دول عده آن مختلف و حد وسطش دوازده هزار است. ......

نمود – عجب! چه معماهای اسرار انگیزی نه در صورتیکه فرقهٔ مزبوره در (پایکوتای) جنگ میکرد – صحیح ترین اخبار را از توکیو باید کسب نمود – بعکس آن با باید صبر کرد جراید اروپا بیاید تا تحصیل خبر نمائیم) مقصود از ذکر جملات فوق این است که اروپائیان متوقف اقصای شرق که غالبا یا از طرف جداول مطبوعه خویش مأموریت نظامی و یا مخبری یک جریدهٔ معروفه را داشتند از حرکات و عملیات ژاپونیها مثل اهالی اروپا بکلی بیخبر بوده از یکدیگر پرسش و استفسار مینمودند یا آنکه در انتظار ورود اخبار توکیو یا جراید اروپا بودند و از این قرار معلوم میشود که مهمترین نقشه و مقدم ترین پلان نظامی که دولت ژاپون در این محاربات اتخاذ کرده بود مکتوم و مستور داشتن تمام خیالات و اقدامات خویش بوده و در حصول و وصول این نیل و مقصود منتهای جدیت بخرج میداد.

ژنرال (نوژی) دستور العمل های ذیل را در اوایل فوریه بار دوی سوم تبلیغ نمود. (برادران و هم مسلکان من! شما موفق بفتح و ضبط پرت آرتور که تمام عالم عموما و روس ها خصوصا غیر قابل تسخیر میدانستند شدید. شجاعت و فداکاری شما تمام عالم و مرا هم مبهوت و متحیر ساخته ولی چیزیکه بیش از این اهمیت دارد داخل شدن بمیدانهای جدید محاربات موکدن است که نتیجهٔ زحمات دو سالهٔ پرت آرتور شما محسوب خواهد بود. بعد از پرت آرتور وظیفهٔ مهم ما تسویهٔ جنگهای موکدن و تعقیب رویهٔ سابقهٔ پرت آرتور است ولی بعض نکاتی را مجبورم که یادآور خاطر رفقای خود بشوم و آن این است که جنگهای قلاع و استحکامات بکلی با محاربات میدانهای مفتوح و غیر مستحکم متفاوت بوده و محض جلب توجه شما چند مسئله را در این خصوص خاطر نشان شما می کنم.

۱) در صورتیکه در یک جنگی احیانا نتیجهٔ نامساعدی پیش آید نباید حرکات مشترکهٔ دستجات سایره را بهانه قرار داده مسئولیت را بعهدهٔ ایشان واگذار کرد زیرا این یک جرم و خطای بزرگی است یک فرقه یا یکدسته قشون در هر مورد بدستجات دیگر خویش که دچار اشکالات میشوند باید معاونت و کمک مجدانه

نماید

نماید بدون آنکه آنها منتظر باشند.

۲) در محاربات صحرائی یگانه چاره برای تحصیل مظفریت عزم راسخ و جسارت فوق العاده است هرگاه یک قسمت اردو را هم خصم متفرق و پریشان سازد نباید بخود یأس راه داد بلکه زیادتر از سابق متانت و شجاعت بخرج داد.

۳) برای نایل شدن موفقیت و نصرت شرط اساسی حسن استعمال جبه خانه است زیرا وقتی میرسد که تهیهٔ جبه خانه باشکال می افتد.

۴) عمدهٔ مقصود در محاربات پیدا کردن قوهٔ عمدهٔ خصم و محو و پریشان کردن او است و بدین جهت بدستجات کوچک و قوای مختصرهٔ دشمن چندان نباید صرف اوقات نموده خود را خسته کرد.

۵) دشمن مالک یک قوهٔ عمدهٔ سوارهٔ نظام است و ممکن است از پشت سر اردوی ما را دچار تعرض و تهدید نماید ولی این مسئله دارای هیچگونه اهمیتی نبوده باید بدون تشویش و خلجان جلو رفت.

من کمال یقین و اطمینان را دارم که شما وظایف محولهٔ خودتان را از روی کمال فداکاری انجام داده موفقیات سابقهٔ خودتان را تکمیل خواهید کرد.



عکس ورود ژنرال کوروپاتکین بموکدن

در هفتم ماه فوریه ژنرال (اوکو) بصاحبمنصبان جزو و کل اردوی دوم بعض تعلیمات و وصایای محرمانه

داد که پارهٔ فقرات آن که قابل منتهای استفاده است ذیلاً نگاشته میشود : از صلح گفتگو در میان است ولی این مذاکرات بما بهیچ‌وجه مربوط نیست و نباید گوش خود ما نیز مأنوس و آشنا باین قبیل صحبت‌ها نمود بلکه بعکس بکلی بیگانه ماند زیرا که وظیفهٔ ما نیست که بمسائل سیاسی و پولیتیکی مشغول شویم. تکلیف حتمی ما اشتغال بامور حربیه است که هر وقت خصم را بکلی مغلوب و پریشان کردیم جنگ خاتمه یافته است درصورتیکه هنوز قوای دشمن پریشان نشده است سهل است در حالت اصلیه‌اش باقی و ابراز منتهای فعالیت و هشیاری برای پیدا کردن فرصت مناسب است که با ما داخل جنگ شود. حالیه هم سرمای سخت مانچوری در شرف تمام شدن است تا بخصم غالب نشده و روسها را کاملاً مقهور و منهزم نسازیم وظیفهٔ ما تمام نشده است بنابراین پس از تذکر این مطالب شما را برعایت و اطاعت احکام دستور العمل ذیل توصیه مینمائیم .

اولاً) بهترین ترتیب برای هجوم پیاده نظام آتش توپخانه است و در موقعیکه گلوله‌های توپهای سنگین ما خالی میشود دسته‌جات پیاده نظام ما باید پیش بروند والا با توقف ایشان شلیک توپخانه بی ثمر است حرکات پیاده بسمت جلو ولو با کمال بطائت هم اجرا شود باز مفید است زیرا لااقل یک مسافت مختصری پیش رفته است. اگر حرکت پیاده غیرممکن باشد توپخانه باید منتظر باشد تا وقتیکه پیاده بتواند حرکت نماید پیاده باید هرچه باد اباد بجلو برود.

ثانیاً) یک موقعی را که یکدفعه اشغال نمودید بکوشید تا از دست ندهید و اگر احتمال حملات تعرضیهٔ دشمن را پس از آن میدهید باید برای طرد و دفع آن با تفنگهای مسلسل و خمپاره‌ها و سایر آلات احتراقیه حاضر و مصمم گردید ولی باید این اسلحه را همواره از روی علم مکانیزم (اصلاح ماشین‌ها و علم جر اثقال) تعمیر کرده با روغن زیتون اتصالاً پاک نمود. در سخت‌ترین موقع جنگ هم از وظایف تعمیر و مرمت کاری غفلت نباید کرد. میترالیوزها هیچوقت علیحده بکار نباید برد همیشه باتفاق آنها را بموقع استعمال درآورد

ثالثاً) در این موسم سرما که زمین بکلی منجمد است برای دسته‌جاتیکه حمله و هجوم می‌نمایند حفر خندق خیلی مشکل است

بنابر

بنابراین برای تأسیس مواضع دفاعیه پیاده نظام باید با خود جوالهای ریگ و شن داشته باشند که در موقع لزوم شن را یک تل کوچکی برای سنگر درست نماید. درصورتیکه دشمن ابراز متانت نموده و تفنگهای مسلسل بکار برد برای خطوط تعرضیه لازم است یک عده توپچی و توپخانه مخصوصاً توپ کوهستانی فرستاده شود.

رابعاً) زمانیکه حملات در یک جبههٔ وسیعه واقع میشود دسته‌جات قشون را لازم است که دهات حول و حوش را ضبط و مستحکم کرده نقاط تکیه‌گاهی برای خود قرار بدهند و در اراضی مفتوح هم مابین آنها خطوط باریک شکارچیان تعبیه نمایند.

خامساً) بمجرد ضبط مواضع جدیده از اوضاع حرکات و ترتیبات دشمن و جریان احوال باید راپورت مفصلی بلافاصله تقدیم نمود.

در محاربات میدانهای موکدن قوای طرفین بقرار ذیل است :

اردوهای ژاپون — اردوهای ژاپون از ابتدای جناح چپ مرکب از پنج اردو بود. اردوی پنجم بفرماندهی ژنرال (کاوامورا) قرارگاهش در (کین شانگ) رئیس ارکان حربش ژنرال (اولی جاما) عبارت از ۲۹ باتالیون و چهارده باطری.

اردوی اول در تحت کماندانی ژنرال (قوروکی) قرارگاهش (پانیزاپچی) ارکان حربش ژنرال (فوجی) دارای پنجاه و چهار باتالیون و بیست و هشت باطری توپخانه.

اردوی چهارم بفرماندهی ژنرال (نوزو) قرارگاهش (تاپو) آتاماژور کل وی ژنرال (اویه حارا) عبارت از پنجاه و چهار باتالیون باسی و چهار باطری توپخانه.

اردوی دوم در زیر ریاست ژنرال (اوکو) محل توقفش در (تاوزامپو) رئیس ارکان حربش ژنرال (اوزه کو) مرکب از پنجاه و چهار باتالیون با بیست و دو باطری توپخانه.

اردوی

اردوی سوم بفرماندهی ژنرال نوژی قرارگاهش (سیاعوبایچو) رئیس آتامارورش ژنرال (ماچوناغا) دارای چهل و دو باتالیون و چهل و پنج باطری توپخانه.

علاوه ازاین پنج اردوی فوق الذکر دولت ژاپون سی باتالیون قشون احتیاطیه باهفت باطری توپخانه و یک صد و هشتاد توپ چاپ بزرگ با دویست تفنگ مسلسل داشت که تمام این قوا در تحت فرماندهی کل مارشال اویاما مستقیماً و مستقلاً قرار گرفته بود.

اردوهای روس — تمام قوای حربیهٔ دولت روس در اقصای شرق در تحت ریاست و فرماندهی کل ژنرال (کوروپاتکین) قرار گرفته و رئیس کل ارکان حربش ژنرال (ساخاروف) و کماندان قرارگاه عمومی ژنرال (ثورت) و محل قرار مرکزی در (سیاخون) بود که وضعیت و ترتیب اردوهای مزبور که از شرق بسمت غرب قرار گرفته بودند عبارت از اردوی اول در تحت کماندانی ژنرال لینویچ قرارگاهش (هونشان) رئیس ارکان حرب ژنرال (حارکویچ) دارای یکصد و بیست و چهار باتالیون با شانزده باطری توپخانه.

اردوی سوم بریاست ژنرال (بیلدرلینغ) قرارگاهش (سوبانون) رئیس آتامارور (ژنرال مارسون) دارای هشتاد و شش باتالیون و سی باطری توپخانه.

اردوی دوم بفرماندهی ژنرال (کولبارس) قرارگاه (ماتوران) رئیس ارکان حرب ژنرال (روسکی) دارای یکصد و بیست و دو باتالیون و سی و شش باطری توپخانه.

علاوه ازین عدهٔ دستجات عمدهٔ قزاق آمور چهار بریگان پیاده با سوار قزاق اوسوری و قزاق اورنبورغ بانضمام دو باطری توپخانه ها وان ده باطری توپخانهٔ صحرائی قدیم چهل و هشت توپ چاپ بزرگ و دوازده ماشین مسلسل مزید قوای دولت روس بود.

بنابحساب فوق اردوهای روس در اینموقع سیصد و هشتاد باتالیون پیاده (۱۴۲) اسکادرون

سوار (۱۵۳) باطری توپ که مجموع عدهٔ آن سیصد و بیست و پنج هزار پیاده و هیجده هزار سوار شده بود که پس از کمال نواقص محاربهٔ (ساندپو) تقریباً عدهٔ قوای طرفین مساوی و معادل یکدیگر بود.

ده فرقه از قشون روس در خطوط مستحکمه مابین (چانتان — کاوتولین) بامتداد هشتاد و پنج کیلومتر قرار گرفته و بکوههای شرقی هم سه فرقهٔ علیحده فرستاده شد که این قوا بدون آنکه بخصم مصادف شوند ایام خود شانرا چندی بیفایده گذرانده و بالاخره در اواسط ماه مارس بسمت شمال خود شانرا کشیدند. روس ها بواسطهٔ مساعی چندین ماهه خطوط متعددهٔ مستحکمه تأسیس کرده در نواحی (چانتان — شاحوپو — بیان بوپوزا — کاوتولین) خطوط متعددهٔ دفاعیه پشت سر هم یکدیگر ترتیب داده بودند.

علاوه ازین در ساحل چپ رود (هون) در جنوب موکدن خطوط دوم استحکامیه بوجود آورده و تا بین نقطهٔ غربی شهر موکدن راهم بواسطهٔ تحکیم و تقویت دهات مابین (هوتا — ماویاپو) کرده بودند خطوط مدافعهٔ ژاپون که ناظر سمت شمال بود از غرب (نوباچی) تا شرق (نیانیوپوزا) امتداد یافته و دارای یک مسافت شصت و پنج کیلومتری بود که خط مزبور تشکیل یک زاویه کرده تا داخل موضع روس ها جلو میرفت رودخانهٔ هون هم در قسمت (نوباچی — سیااوبایهو) منجمد شده موانع رابر طرف ساخته و از اینرو ژاپونی ها دهات غربی رود مزبور را تحکیم و تقویت داده بودند.

ژاپونی ها از پورت آرتور نود هزار قشون با یکصد قطعه توپ چاپ بزرگ قوهٔ امدادیه گرفته و قسمت اعظم این اردو برای اجرای یک نمایش احاطه بسمت جناح چپ متوجه گردید. توپهای سنگین راهم برای خراب کردن استحکامات روس ها بمرکز فرستاده شد و اجمال تدارکات ژاپونی ها اینست که پس از چهل روز از سقوط پرت آرتور گذشته سکوهای آهک و فولادی برای برقراری توپهای چاپ بزرگ ساخته شده و منجمد گشته و تمام آنهارا در پشت تپه ها با تل های بزرگ شن و ریگ با یک وضعیت مدهشی قرار داده بودند که هر که تماشای این عملیات نظامی و تدارکات جنگی را میکرد میفهمید که عقریبت

محاربات سخت و خونریزانه در صحنه نمایشات موکدن بوقوع خواهد پیوست.
در ۱۹ فوریه در قرارگاه عمومی روس یک مجلس عالی حربیه تشکیل یافته پس از مشاوره و مداقه تامه
قرار تعرض را بواسطه جناح راست اردو به قوای ژاپونی دادند ولی در ۲۴ ماه مزبور وضعیت بکلی
تغییر یافته قرار مزبور را بهم زد زیرا که قرارگاه عمومی ژاپون قرار تعرض اردوی روسها را از دو سمت
داده بود. اولین نمایش جنگ را که تشکیل سلسله محاربات فجیعه موکدن را کرده اردوی
(کاواموار) شروع نمود. وظیفه این اردو مستور و مکتوم ساختن جناح راست قوای ژاپونی بود که مصمم
حمله موکدن شده بود. در ۱۹ ماه فوریه اول طلیعه صبح اردوی یالو در حالتی که در سمت یمین وی فرقه یازدهم
احتیاط و در یسارش دستجات سوار بود حرکت کرده دستجات شرقی روسها را از جوار (چیندولی —
چنیجوچن) طرد کرده و موفق بعقب نشاندن آنها بطرف شمال غربی کردند. وظیفه تسخیر موضع مستحکم
(چنیجوچن) بعهده فرقه یازدهم واگذار گشت. شرح این حملات را یک مخبر از موکدن اینطور مینویسد.
(مواضع روسها عبارت از تپه های متعدده بود که اطراف آنها با برج و بارو و سنگرهای محکمی تقویت
یافته بود که ژاپونیها اینجا را بنام پرت آرتور کوچک مسمی کرده بودند. فرقه مزبوره در ۲۳ فوریه
آغاز هجوم نمود. از نصف شب بآنطرف برف بشدت میبارید و از اینرو حرکات را مشکل ساخته.
از آنطرف یخ بندی رود (تایجه) هم که ژاپونیها بایستی از آنجا بگذرند شکسته و مجبورشان کرده بود
که یک پل بسازند بنابرین در هجوم تأخیر اتفاق افتاده وقت ظهر شروع یافته و از چهارصد متری
دهنه تپه ها خط حرکت حملات تأسیس یافت و توپخانه روسها هم اظهار فعالیت نموده نتیجه حملات روز
و شب مزبور فایده و ثمری نبخشید فردا مجدداً محاربه شروع گشته مواضع روسها را از شرق و جنوب غربی
احاطه نمودند و برای آنکه بتوانند به ضبط مواقع دشمن ژاپونیها موفق شوند نقشه عملیات پرت آرتور را
در اینجا بموقع اجرا گذاردند باینمعنی یکدسته قشون استحکاماتی که با خمپاره های دستی مجهز بودند بسنگرها حمله

برده با انداختن خمپاره های متعدده و گلوله و غرش غریبی باطراف انداخته از اشتعال آنها و کثرت دود
وغیره روسها سراسیمه و متوحش گشته به تخلیه سنگرهای مزبور مجبور شدند. در این اثنا توپخانه ژاپونی
با شلیک سخت بمهاجمین کمک کرده ژاپونیان با یک تهور و رشادت حیرت انگیزی خطوط دفاعیه
اولیه روسها را ضبط و سنگرهای دوم را اشغال کرده. روسها از بالای تپه بروی ایشان سنگهای
بزرگی میباراندند. ژاپونیها با خمپاره و گلوله ها بسنگرهای سوم حمله برده روسها را توی شعلات
سخت و شلیک های متوالی بیک حالت پریشانی متفرق و منهدم ساخته تا بالای تپه ها خودشان را رساندند
و دستجات خصم را هدف گلوله های مدهشه کرده عاقبت روسها با تلفات زیاد و تخریبات مهمه
عقب نشستند. توپخانه ژاپونیها پشت سر آنها شلیک کرده دسته دسته ایشان را بخاک هلاکت می نشاندند
بطوری که همه جا پوشیده با تلهای نعش روسی شده بود در این محاربه ژاپونیها عده زیادی اسیر با سه توپ
گرفتند) یک صاحبمنصب روس که اسیر افتاده میگفت (در این حملات یقین دارم باز ژنرال نوژی
شراکت کرده است زیرا تمام عملیات حملات پرت آرتور را در اینموقع مجری داشته اند)
ژنرال (کوروپاتکین) پس از آنکه از نتایج جنگ مسبوق گردید فهمید که اردوی پرت آرتور هم ملحق
بقوای ژاپونی شده و از اینرو توجه و دقت خود را بسمت جناح چپ خصم معطوف ساخت. از طرف
هم ژنرال نوژی برای آنکه ضربه قطعیه بروسها بزند این نیت و اقدامات سردار روسی را حسن استقبال نمود
بدشمن حمله برده پس از یک محاربه که دو شبانه روز بشدت امتداد داشت بالاخره روسها در مواضع
مستحکمه خودشان نتوانستند ایستادگی و مقاومت نمایند بنابرین مواقع خویش را تخلیه کرده بسمت (والین)
عقب نشستند. ژاپونیها بعد از طرد داخل قریه (چنیجوچن) شدند ولی قریه مزبوره توی آتش میسوخت.
در ۲۵ فوریه این اردو بیشتر جلو رفته جناح راستش به (زیته شالین [illegible]) و جناح
چپش به تنگه و معبرهای (والین) وارد شده مقام تعرضی را در مقابل خصم احراز کردند که تفصیل آنرا

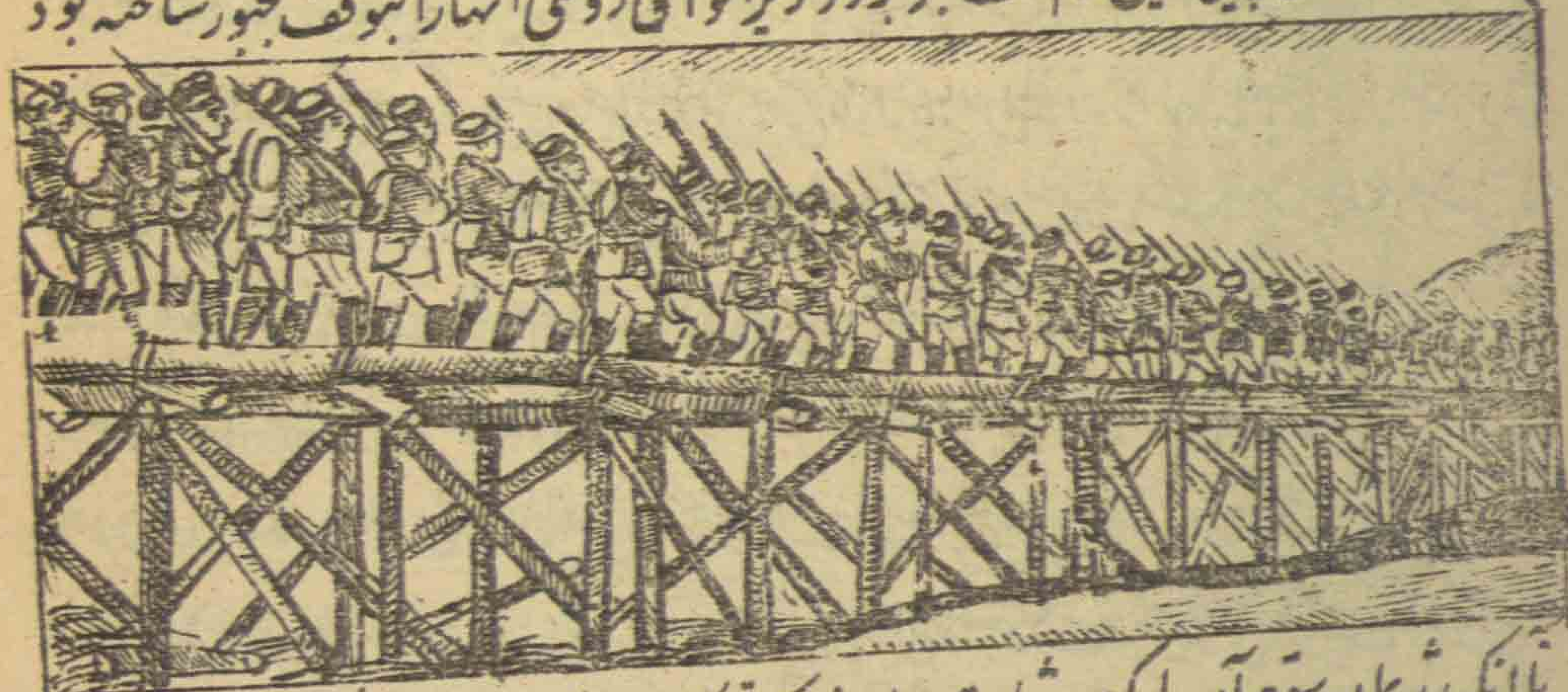
یک مخبر مخصوص بقرار ذیل شرح میدهد: (درجهٔ هوا بقسمی سرد است که ترمومتر سانتیغرادی ۲۲ درجه زیر صفر آمده و برف سختی می بارید یک سکونت و سکوت عظیمی حکمفرما بود. در روشنی اول فجر مواضع دشمن در (والین) دیده شد. ژاپونیها حرکات تعرضکارانهٔ خویش را گرفته بسمت مواقع دشمن حمله بردند روسها تپه های صعب المرور را اشغال کرده بودند بدینجهة دچار مشکلات شده مقتولین و مجروحین ژاپونی از بالای تپه تا قعر وادی می غلطیدند. روسها پس از ابراز یک مقاومت قابل تقدیری در مقابل حملات ژاپونیها ناچار اردوگاه خویش آتش زده بسمت (ماچونطان) عقب نشسته و در آنجا قوای احتیاطیه که از (قشون) آنها ملحق شد بنای ایستادگی تعرضات ژاپونی ها گذاردند)

حالیه نقطهٔ دیگر میدان حرب جلب نظر دقت میکند، آتش جنگ و جدال از راست شروع کرده تا بطرف چپ وسعت و سرایت میکرد، در اندک مدتی صحنهٔ حرب تماماً از جبال شرق گرفته تا اقصای غرب وادی (لیاحو) فرا گرفته و نایرهٔ حرب بشدت مشتعل شده بود.

اردوی اول روس در این روزها هدف حملات ژاپونی ها گردیده و دو فرقه اردوی (قروکی) بسمت مشرق حرکت کرده قسمت کلی آن وارد (لیدیاوان) شده و فرداشمال شرقی متوجه گردید. حرکات ابتدائیه اردوی (قروکی) را (بارزینی) اینطور تفصیل میدهد: (۲۴ فوریه اردوی مزبور که چهار ماه تمام در توی خندق ها قرار گرفته بودند ترک کرده حرکت نمودند برای سنگر ساختن هنگام محاربه پشت سربازها کیسه های شن بود. ژاپونیها ملتفت شده بودند که در حملات شبانه سگهای اردوی روس اتصالاً پارس کرده افراد آنها را بیدار میکردند و بدینجهه آتاماروری ژاپون اینمسئله را در تحت نظر دقت گرفته و فهمیدند که سگهای اهالی اطراف از حرکات شبانهٔ ایشان پارس نموده سگهای اردوی روس را هم بصدا می آورند و بدینجهة باهالی اخطار کردند که هرگاه شبها سگها را حبس نکنند ژاپونی ها آنها را تلف خواهند کرد. مجرای شاحو خط فاصل طرفین بوده چند دهاتی که در وادی مزبور بودند

گاهی از طرف روسها گاهی از طرف ژاپونی ها ضبط و اشغال می شد. بواسطهٔ یک حملهٔ ژاپونیها روسها دفعه آخر دهات مزبور را با استحکاماتی که درست کرده بودند تخلیه نمودند معلوم میشود که ایشان در اینموقع بجنگ حاضر نبودند و بتدریج جلو رفته در موقعی که اردوی اول سیبری به (سان لینجی) رسید قوای ژاپونی هم بآنها نزدیک شده بودند.

۲۶ فوریه جناح راست اردوی پنجم ژاپونی وارد (اولونکو) شده و جناح چپش را با (سانلونیو) تهدید نمود ولی پیش از این نتوانست جلو برود زیرا قوای روسی آنها را بتوقف مجبور ساخته بود



تا آنکه رژیمان سوم آن با یک رشادت دلیرانه باستحکامات روس در معبر (وانغولین) حمله برده بضبط آنها موفق گردید.

وضع اردوی (قروکی) آنقدر مساعد نبود و هرگاه اردوی یالو با اردوی نوزو که در مقابل قوای کری روسها قرار گرفته موفق بمرام نمی شد اردوی قروکی دچار اشکالات می شد.

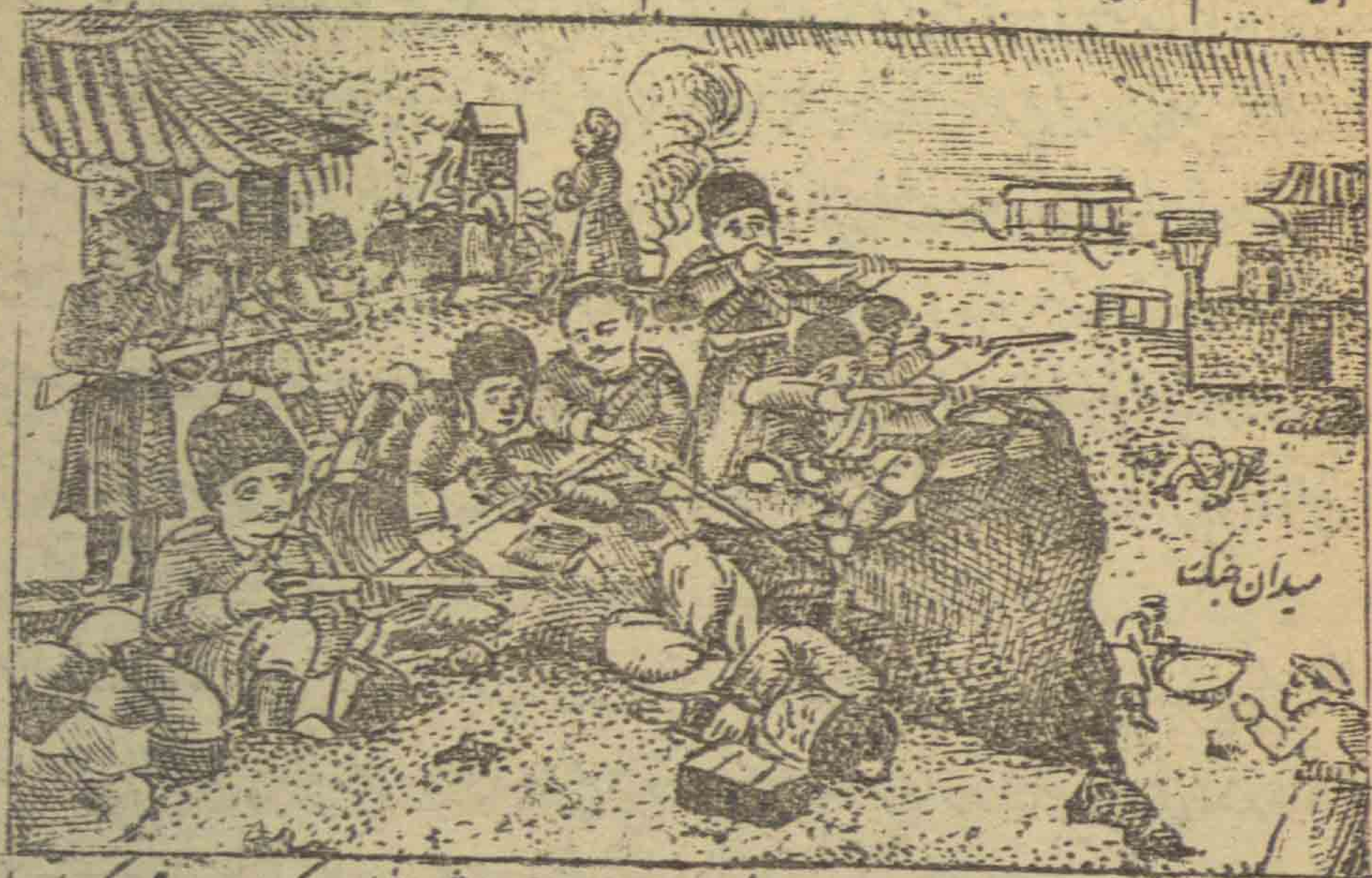
در اینموقع اردوی ژنرال نوزی در منتها الیه جناح چپ مقاومت روسها را شکسته یک شاهراه مظفریتی بروی ژاپونیان باز کرده و اردوی چهارم هم از اینرو تپه های جوار (پوتیلوف) را بتوپ بسته و اردوی چهارم با چهار خط بسمت دشمن حرکت کرده به نقطهٔ (مامیکای - کالیاما) واصل شد.

ژنرال نوزو برای انجام دادن اوامریکه از قرارگاه عمومی گرفته بود قرار هجوم را بموضع هفتم (پوتیلوف)
داده فرقه هشتم از مشرق خط آهن به (ساحوپو) و دستجات (اوکوبو) به تپه مابین (شاحو) و (پوتیلوف)
و چند دسته دیگر به (هورانتو – جانجو) هجوم کرده و فرقه دهم بخود تپه اصلی حمله بردند. فرقه مزبوره
خندق ها را ترک کرده متوجه مقصود گردیده روس ها از تپه مزبوره بشدت شلیک می کردند از این رو
بیش از هزار نفر ژاپونیها نتوانستند پیش بروند و فردا تا (شاخوجوتو) رفته با استحکامات (حولوتون)
دشمن حمله بردند و در جریان سمت چپ فرقه مهاجم ژاپونی بیشتر هدف آتش روس ها گشته ۲۴۰۰ نفر تلف شد
و محاربه از طرفین بشدت درگرفت توپخانه طرفین بسختی گلوله باران نموده ژاپونیها با توپخانه سنگین خطوط
دفاعیه خصم را خراب کرده سیم های مفتولی و چوب های موانع تجاوزات را با سنگرها و سپرهای روس ها
اتصالاً پامال کرده بحملات خویش ادامت نموده پس از دادن تلفات عمده و قتل چندین صاحب منصب تپه
مستحکمه دشمن را ضبط نمودند. دستجات فرقه دوم هم معبر (کاوتولین) را اشغال کردند.
ژنرال کوروپاتکین برای نجات یافتن از تهلکه حملات سمت غربی مجبور به برگرداندن جناح راست اردوی
خویش گردید بنابرین اردوی اول با فرقه هفدهم با چندین دستجات دیگر روسی در سمت موکدن
در تحت فرماندهی ژنرال (ده ویت) یک فرقه جمعه تشکیل داد و جناح چپ اردوی اول سیبری
هم تا (نیاهو) حرکت کرده عصری به (سین شوپوزا) واصل گردید ولی حمله ناگهانی ژاپونیها آنها را
مجبور برجعت کرده و از اینرو دستجات غربی هم فرمان رجعت گرفته انبارهای آذوقه را در (سیاوتین
— مین تین) آتش زدند و بنابراین جناح راست اردوی سوم و جناح چپ اردوی دوم روس ها
گرفتار تضییقات شدیده در جوار (سیفاتنای) مشغول محاربه شده بالاخره با حالت پریشان
مغلوب بسمت (آیدیاپو) عقب نشستند.
فرقه نهم ژاپونی دستجات روس ها را که از ساحل رود (هون) رجعت میکردند تعقیب نموده تا غرب

(ساچازا)

(ساچازا) واصل شد. ژنرال نوزی دستجات دیگر را بجلو رفتن فرمان داده فرقه هفتم بخط (ماش هیر
— تازی پو) و فرقه اول به (چاندیافان — بزین پولو) و دستجات احتیاط به (سالین پو) دشمن را عقب
کشان رسیده و دستجات سوار ژاپونی هم به (چودیاتا) واصل گردید که در شمال شرقی آن دستجات
سوار روس قرار گرفته بود. بعد از ظهر سوار روس ها در (سالین پو) برای جلوگیری پیشرفت ژاپونیها
حمله برده با دادن تلفات عقب نشسته و از اینرو تا خطوط (ساتاپجی — ده تیازی) واصل شدند.
دوم مارس محاربات شدیده در قریه های جوار (سانده پو) شروع یافته با وجود کثرت بارندگی برف
ژاپونیها با توپخانه قوی و حملات سخت روس ها را از آنجاها طرد و دفع نموده مواقع سانده پو را که توی
آتش سوزان بود اشغال نمودند و بعد از آن بعقب سر قوای روسی شتافته دشمن را با حالت پریشان تا (کوچاجو) راندند
صاحب منصبان فرقه های متعدده روس متفقاً برای نگهداری خصم حملات متوالیه برده ولی ژاپونی ها با آن اسلحه
و توپخانه و قورخانه کامله و رشادت تامه که داشتند هجمات ایشان را دفع کرده بحالت تعرضی گذشته
پشت سرهم نقاط (سیفاتنای) (چاتنان) (پاتیاچو) را ضبط نمودند. ژاپونیها چهار ماه تمام
در مقابل این استحکامات متوقف بوده و حالا باشغال آنها موفق گردیدند. متعاقب این موفقیات
بقصبه (چوچاتنای) حمله بردند ولی پیش قراولان ژاپونی خبر دادند که روس ها قصبه مزبوره را
آتش زده عقب می نشینند و در واقع از بالای خانه دودهای کثیفی متصاعد میشد. ژاپونی ها وقتی که
وارد قصبه شدند بکپارچه آتش سوزان شده بود.
ژنرال نوزی در مقابل تعرضات ژاپونیان توقف کرده منتظر ورود فرقه نهم با جناح چپ اردوی
دوم و فرقه های احتیاطیه گردید و در واقع فرقه نهم در سیم مارس وارد (لینویاتای) شده و
فرقه هشتم هم که از ساحل شمالی (هونهو) پیش میآمدند بجوار (آیدیاپو) رسید.
فرقه هشتم روس که در مقابل این فرقه ژاپونی بود بدون زد و خورد بسمت (یابوشوپو) خود را
کشید

کشید. فرقه های پیاده نظام روسی هم در (سالین پو) حملات سختی که به ژاپونی ها وارد آوردند
نتایج جنگ خونریزانه بدادن تلفات عقب نشست و عساکر روسی باحالت پریشان بسمت استحکامات
مغرب موکدن رانده شدند. فرقهٔ شانیلوف نسبتاً بایک ترتیب منظمی رجعت کرده در جوار
(چانزنتیون) توانست بتشکیل یک جبههٔ مجددی موفق شود.
اردوی دوم ژاپون درساحل جنوبی رود (هون) بسمت راست مشغول حرکت بوده و پیش قراولان
خصم تماماً عقب می نشستند و جبههٔ اردوی پنجم سیبری هم مجبور بر تبدیل محل بطرف مغرب شده بود.
اوضاع اردوی چهارم ژاپونی درحوالی (شاحو) تغییر نیافته و جز از محاربه توپخانه اتفاقی نیفتاده بود.
پیاده نظام طرفین درمسافت نزدیکتر روبروی هم قرار گرفته بودند. یک مخبر نظامی از وضعیت شب ۲۴



ژاپونی نزدیک نصف شب افروخته شدن شعله ها را در مواضع دشمن مشاهده کرده و وقتی که علت این
اشتعال را میخواستند بفهمند صداهای پاهای متعددی راشنیدند. این یک گروهان قشون ژاپونی

درتحت

درتحت ریاست ماژور (تاکافورا) بود که تمامه این شعله را دیده و قال وقیل را میشنیدند. یکدفعه
گروهان مزبور صدا کردند (تاروا) یعنی کیست. جواب آمد (واغاغون) اردوی ما و یکصدای دیگر
رسید (میقافا) رفقای شما. ژاپونی ها بشبهه و تردید افتاده اسلحهٔ خودشانرا حاضر و متوجه تاریکی نمود
ولی بخالی کردن تیر جسارت نمی نمودند. دراین ضمن سایه های آدمها نزدیکتر شده یکدفعه صدای (هورا)
بلند گردید. چندین گروهان روسی شبانه بهجوم اقدام کرده بودند. جنگ خونریزانه سرنیزه و گلوله
آویزی در تاریکی اتفاق افتاده صداهای آه وناله وضجه و سرنیزه و ضربات شنیده میشد.
قبل از شبیخون گروهان مزبور که از نتایج جنگ یکروز قبل عده شان بهفتاد و پنج نفر تنزیل و تقلیل
یافته بود مشغول غذا خوردن بودند که دچار حملهٔ شبانه گردیده و بعد از دادن تلفات و مجروحین
زیاد مجبور برجعت شدند. روسها موقع ایشانرا ضبط کرده بتصنیف و سرود خواندن پرداخته و در
ضمن اشیای ژاپونیها را خرمن کرده نفت ریخته آتش زدند. نزدیک صبح باین افراد قلیله قوه امدادیه
رسیده بروسها حمله برده انتقام شب را بخوبی گرفتند.
محاربات تا چهارم ماه مارس مداومت داشت با وجود حملات شدیده ژاپونیان نتوانستند بمواضع
اصلی روسها داخل شوند گرچه اردوی دوم ژاپونی با فرقهٔ خاصه اقدامات مجدانه در پیشرفت
ساحل نهر (شاحو) نموده بودند.
ازین تاریخ فرقهٔ خاصهٔ ژاپونی محاربات یأسانه میکرد. ششم مارس شبانه روسها چندین حملهٔ سختی
نموده ولی در همه حملات مجبور بعقب نشستن شدند. وضعیت طرفین بقسمی بود که هیچکدام جسارت و جرئت
نداشتند که روز ترک خندقهای خویش را نمایند فقط شبها باهمدیگر زد و خورد میکردند. روابط فرقهٔ
ژاپونی با قوای پشت سرش منقطع شده و بنابرین ژاپونیها در خندقها با نان بکسمات و برف قناعت
میکردند. بعض شبها برای آوردن برنج و آب میرفتند ولی برای آوردن آنها تلفات زیاد میدادند

ازینرو

از اینرو سطح منجمد رودخانه پوشیده از نعش‌های روس و ژاپون شده بود.

فرقهٔ دوم و دوازدهم با اردوی پنجم روز سیم مارس نتوانستند پیش بروند. فرقهٔ دوم صبح بمعبر (کاتولین) هجوم کرد. یک رژیمانی که بواسطهٔ کلنل (کیچاوا) اداره میشد مأمور ضبط دو تپه گردید که یا باید ضبط کرد و یا نباید برگشت. و اول کسیکه مقتول افتاد کلنل مزبور بود در صورتیکه یکنفر از رژیمان مزبور برنگشته همه کشته گردید. رژیمان عقب سرش مجدداً مأمور ضبط دو تپهٔ مذکوره شد فرماندهش جلو افتاده با روسها مشغول محاربه شدند ولی در سر از یری تپه فرمانده مقتول و ژاپونیها با دادن تلفات کثیره عقب نشستند.

فرقهٔ جدیدهٔ احتیاطیهٔ روس در سیم ماه به (هونا - تاوان) که در شمال غربی خط موکدن است رسید اردوی اول سیبری هم با تلفات و ضایعات جمه داخل ایستگاه موکدن شدند. در چهارم مارس فرقهٔ اول از اردوی سوم ژاپونی به (تیاندر یاتون) فرقهٔ هفتم بقبرستان امپراطوری (تایچونگ) و فرقهٔ نهم هم بایستگاه موکدن رسیدند. در محاربات سخت و خونریزانه یکروز قبل چنین احتمال میرفت که روسها مشغول رجعت عمومی هستند.

فرقهٔ اول بدون آنکه بیک مقاومت و مانعی برخورد به (تاشیچائو) رسیده در آنجا توقف نمود. زیرا که فرقهٔ هفتم در (نیاز یاتون) و نهم در (یانزیتون - بوهوتون) با استحکامات دشمن تصادف نموده بودند. این فرقه‌ها بتعرضات خود شانزا لشب پنجم مارس معوق ساخته بودند. فرقهٔ شانیلوف برای امتداد جبههٔ فرقهٔ پیاده نظام بیست و پنجم بسمت جناح راست رسیده و بشمال آنهم فرقه (دوبیت) قرار گرفته و یک رژیمان آن بقبرهٔ امپراطوری (تایچونگ) گذاشته شده بود. ژنرال نوژی در چهارم مارس مأمور شد که بسمت شمال متوجه شده و جناح راست روس را پیدا کرده محصور سازد. اردوی سوم هم با ستناد اردوی دوم مأمور حرکت بسمت چپ گردید. فرقهٔ هشتم داخل خطوط (ماولین پو - تین غوانتون) گشته فرقهٔ پنجم

هم

هم اقسام اردوی هشتم را از سواحل شمالی طرد کرده بجوار (زاتوزا) رسید.

در روز مزبور اردوی ژنرال (اوکو) قریب چهل ساعت در حرکت بود. جناح راست روسها با جناح چپ ژاپونیها خطوط مستحکمهٔ خویش را ترک کرده با دستجات لاتعد و لاتحصی بوادیهای (هون) منبسط شده مشغول محاربات شدیده شده. روسها در رجعت و ژاپونیها در تعاقب آنها بوده در هر طرف اشیاء متروکه از قبیل چرخها و بیل و کلنگها و بالطوها وغیرآنها. کفش و نیم چکمه و اسلحه ریخته شده بود. از قراین ظاهری روسها برای تسهیل حرکت خویش تمام اشیای زاید و سنگین را انداخته میرفتند. ژاپونیها بهمه طرف حمله برده با توپ و خمپاره و نارنجک و گلوله روسها را هدف تلفات کرده و روسها را بعتمی مستأصل ساخته بودند که مجال دفن اموات خویش نداشتند. روسها (سن تایچو) را تخلیه کرده تمام دهات حول و حوش تویی آتش سوزان بودند. اردوی چهارم ژاپونی با فرقهٔ پنجم آن در جنوب رود (هون) بتعرضات خویش مداومت داشتند و از نتایج آن اردوی پنجم سیبری تا خط (قازو یانو - سیاکیوشینو) عقب نشستند مصادف این ایام فرقهٔ چهارم روسی دچار حملات اردوی (اوکو) شده پس از محاربهٔ خونریزانه مأیوس و پریشان رجعت نمود.

در همین روز فرمان هجوم وقت صبح بقوای ژاپونی داده شد بدین ترتیب دستجات طرف راست دهات (شالینچو) و (کالیمپو) را اشغال کرده با اردوی (نوزو) که مشغول ضبط تپه‌های (پوتیلوف) بود رابطه تحصیل خواهد کرد و در ضمن (لاشیمپو) را اشغال و بسمت (شاشو یا پو) متوجهاً پیش باید برود. یک مخبر ایتالیائی تفصیل حرکات ژاپونیانرا اینطور راپورت میدهد. در ساعت شش دستجات (خوناغا) شروع بحرکت نمودند در صورتیکه هوا بدرجهٔ محسوس سرد و تاریک بود در ساعت هشت خطوط جلوی بمسافت (۱۵۰۰) متری دشمن رسیده و هوا مه دار و پوشیده بود از طرف روسها هیچ سر و صدائی پیدا نبود و یک سکونت و خاموشی تمامی حکمفرما است در ساعت ده مه و دود غلیظ مرتفع گشته ده مجدداً با برج

وبارو

و بارو و مزغل هائیکه روسها آماده دفاع بودند با سیمهای مفتولی و تنه های درخت دارای کودی ها
و موانع حرکات عسکری پیدا شد. در جلو قریه یک موضع استحکام منفردی هم موجود بود. در این نقطه اولین شلیک
شروع شده چند نفری مجروح افتاده بعد شلیک شدت پیدا نمود آتشخانه روس ها خیلی مؤثر بود یک
دو گروهان جلوی ژاپون از آثار توپ و گلوله دشمن محو و نابود گردید بالاخره فرمانده دستجات ژاپونی
امر بتوقف داده از سمت غرب و جنوب بطرف قریه حمله برد در صورتی که هدف عمده توپخانه ژاپونی متوجه
(شالیچو) بود از نتایج بمباردمان توپخانه خانهای ده بتدریج رو بانهدام میگذارد در میانه خانهها
خراب نشده هنوز خانه مشاهده میشد که بالای سرش بیرق روسی نصب شده بود. ژاپونیها بخیال اینکه شاید
خانه مزبور متعلق بفرمانده است توپ بسته از هر طرف اضطراب و پریشانی در کار و مردم رو بفرار گذارده بودند.
ما با دوربین تماشای منظره جنگ را میکردیم که از هر طرف سنگرها و سپرهای روسی متوالیاً خراب میشد یک گلوله
ژاپونی بیک توپ روسی برخورده قطعه قطعه نمود در مواضع روس ها بهم خوردگی و پریشانی ظاهر گشته شعلهای
آتش در قریه مذکوره که علامت رجعت روس ها بود مشاهده گردید. دستجات (جوتاغا) قراولهای
دشمن را اشغال و چندین صد تفنگ مسلسل و متعارفی متروک مانده بدست آوردند و یک سرور و فرح فوق
العاده در میان دستجات ژاپونی موجود و همه با صدای (بانزائی نیپون) یعنی زنده باد ژاپون ولوله
برحول و حوش انداختند. ضایعات ژاپونیها در این محاربه چهار صد نفر بود.
بموجب فرمانیکه دستجات (هایاشی) از ژاپون گرفته بودند قریه (لاشیجو) را با کمال سهولت گرفته
و روس ها بدون مقاومت عقب نشستند مقصودشان این بود که دشمن را مشغول کرده از یک موضع مخفی که
قبلاً با توپخانه و قوه جمعه ترتیب و تجهیز داده بودند ژاپونیها هدف آتشخانه خویش نمایند. ژاپونی ها به
مجرد اینکه از ده خارج شدند شصت توپ روسی یکدفعه شلیک نموده و اثرات بدی حاصل نمود. روس ها
بحمله مبادرت ورزیده و ژاپونیها بدون فوت وقت دیوارهای قریه را با ساختن مزغل فوری استحکامی قرار

دادند روسها با کمال سرعت نزدیک شده در دویست متری ژاپونی ها بنای گلوله بارانی گذارده و
چندین خطوط اولیه دشمن را محو و نابود نمودند خطوط دوم و سوم پیش آمده در یکصد متری بکلی معدوم گردید
قوای عقبی رو بر فرار گذارد و بیرق نصرت و فیروزی را بدست دستجات ژاپونی داده تلفات ژاپون
هشتصد نفر و مال روس ها هزار و سیصد نفر شده بود.
امروز که پنجم ماه مارس است ژنرال کوروپاتکین مصمم گردید که بقوای ژاپونی که بسمت موکدن پیش میروند
حمله نماید و ترتیب آنرا بقرار ذیل مقرر نمود: ابواب جمعی ژنرال (گرنغروس) با فرقه (دویت) و
اردوی اول سیبری و فرقه (شاتیلوف) با چند رژیمان فرقه دهم اردوی اول متعرض جناح چپ ژاپونیها
خواهند شد. اردوی مرکزی ژنرال (توپورنین) با فرقه بیست و پنجم پیاده نظام بسمت خطوط
(شاندیارا – چانزنیتون) پیش باید بروند. قوای ژنرال (جرپیچکی) با باقی مانده فرقه دهم و هشتم و
رژیمان پنجم و هشتم دوم فرقه سوم مقابل خطوط (لین غوانتون – چیدیاپو) حرکت خواهند نمود.
دستجات اورال – ماورای بایکال – قفقازیه هم بسمت عقب سر خصم حمله باید ببرند.
اجرای اوامر فرماندهی کل تا ظهر ممکن و میسر نشد و بالاخره در پنجم مارس در مقابل تعرضات ژاپونی ها
محاربات حربیه بوقوع پیوست که همه آنها با عدم موفقیت روسها نتیجه پذیر شد.
و در حقیقت ژاپونی ها زودتر از روس ها حرکت کرده صبح زود روزیکه اوامر سردار کل روسی بایستی
بموقع اجرا برسد و قهراً تأخیر افتاده بود آغاز حمله و هجوم کرده. فرقه پنجم ژاپونی در شمال (هونهو)
مواضع روس ها را اشغال و اردوی ژنرال نوژی هم جناح راست اردوهای روس را احاطه نمود.
اردوی چهارم هم به تپه های (پوتیلوف) و (نووغورود) که بطور خصوصی از طرف روسها تحکیم شده
بود هجوم کردند و نزدیکترین موقع مستحکم تپه های مزبور را که بنام (ونشونپو) موسوم است ضبط کردند
روسها از تپه (نوغورود) چندین مرتبه حرکت خروجی بعمل آورده با دادن تلفات عقب نشستند.

اردوی اول ژاپونی هم در سواحل شمالی رود (هون) با موفقیات تمام پیش میرفت خلاصه آنش اینست
که اردوهای ژاپونی از هر طرف با فرق و دستجات خویش با یک نقشه متینه که قبلاً از طرف مارشال اویاما
فرمانده کل قوای ژاپون ترتیب یافته بود بمواقع و نقاط مستحکمه وارد و ملی روس حملات و صدمات شدیده
وارد آورده قوای روس را از هر سمت تضییق کرده بسمت موکدن راه باز میکردند و ژنرالهامی سایره
ژاپونی بقسمی مواظب اجرای احکام فرماندهی کل بودند که بمجرد صدور حکم یا تجدید و تغییر نقشه و حرکات
جنگی فوراً مجری و معمول داشته و از این انتظام تام و تبعیات تمام قوای حربیه خویش که بیک رشته کاملاً
اتحاد مربوط بود تمام متخصصین فنون نظامی را بحیرت و تعجب انداخته بودند. بعکس آن در اردوهای روس
حکم فرماندهی کل وقتیکه صادر میشد یا بموقع اجرا در می آمد چندین ساعت میگذشت که خصم کاملاً از این
تعویق و تاخیر استفاده میکرد زیرا که هر حکمی که از طرف ژنرال کوروپاتکین صادر میشد فرماندهان ژنرال
های اردوها در آن تردید پیدا کرده و تحقیقات تنقیدیه بعمل میآوردند. چرا — برای آنکه اتفاق موجود نبود
نفاق و خلاف حکمفرما بود. اما اوامر صادره فرماندهی کل ژاپون بامضای (اویاما — فدائی وطن و
سرباز حقیر) در آن واحد مرعی و مجرا میشد و حتی در اجرای جزئیات آن دقت و مواظبت میکردند. برای
آنکه افراد ژاپونی ها از ما بین گرفته الی صاحبمنصبان جزء و کل فقط تعقیب یک مسلک میکردند که حفظ وطن
و تحصیل شرافت و آنرا هم منوط باتحاد و اطاعت و امر امپراطور معبود و محبوب خویش میدانستند که شخص
مارشال اویاما را من حیث مصلحت بفرماندهی کل منصوب داشته و انگهی شورای عالی نظامی در اردوگاه
مرکزی و فرماندهی کل برای تدقیق و مداقه جزئیات تمام وقایع جنگ کافی بود برای اینکه هر حکمی از قرارگاه
عمومی صادر شود عین صواب و صلاح قوای ژاپونیست بهمین جهة در غالب نقاط اقدامات و نقشه
جات ارکان حرب کل روس را در منچوری ژاپونی ها بی نتیجه و عقیم گذاردند و قبل از آنی که روسها
اقدام باجرای یک نقشه نظامی برآیند ژاپونیها جلو افتاده آنرا بوقوع و اجرا میگذاردند.

مهاجمات اردوی چهارم منتهی باشغال تپه های مستحکمه (پوتیلوف) گردید. عصر روسها یک هجوم مقابلی
کردند و مقصودشان از این تهاجم پوشاندن خط رجعت خویش بود. ولی با وجود اینها رجعت روسها
واتیان با شلیک های بی اثر پیدا بود.
در این ضمن دستجات (ایمباشی) به (حولاتون) حمله برده و بی اعتنا از شب گذشته هم در (لوشیانتون)
یک شلیک شدیدی شنیده شد که آخرین نشانه مقاومت و حیات پیش قراولان روس را حاکی بود.
از آنامارو دیوژنرال (نوزو) فرمان عبور از شاحو و پیشرفت بسمت (فانشان) رسید. دشمن در حالت رجعت تام بود
آفتاب غروب کرده میدان محاربه بکلی خالی و متروک و تمام دهات سمت شمال در توی شعله آتش بود.
نزدیک صبح از مسافات بعیده صداهای تیر باشدت ولی بمدت مختصر شنیده شد. از فانشان قوای
ژاپونی گذشت حالا محاربات نزدیک موکدن اتفاق می افتد.
تپه (پوتیلوف) و استحکامات (حولاتون) و (لوشیانتون) که در اطراف و جوار آنها هفت شبانه روز محاربه
سختی بوقوع پیوست حالیه خالی و متروک مانده بکلی از آن اهمیت جنگی اش افتاد زیرا که قوای روس پس از
شکست های فاحش پی در پی مواقع و حوالی مزبور را از دست داده بسمت موکدن خودشانرا میکشیدند
و ژاپونیها هم عقب سر آنها دایره قوای خصم را تحت تضییق و فشار آورده میدانهای جنگ را بموکدن
و حوالی آنجا تبدیل دادند. پس از جنگهای لجوجانه (لاشیمو) ژاپونیها راحت ننشسته به تسخیر قلعه جات
منفرده پرداخته و بعد از آنهم بسمت جلو پیش میرفتند در صورتیکه شعله های دهاتیکه میسوختند در ظلمت شب
بهترین دلیل و هادی دستجات ژاپون بود.
در ساعت هشت سه کیلومتر راه دستجات ژاپونی فوق الذکر که بنام (هاباشی) موسوم بود پیش
رفته وارد یک دهی که خالی و در توی آتش سوزان بود شدند روسها به دو فرسخ شرقی یعنی
به (تاموزانپو) خودشانرا کشیده بودند. فرقه (صوناغای) ژاپونی هم دهم روس قرارگاه خویش را

ترک کرده بسمت جلو پیش رفته قریهٔ (قوجاجو) را اشغال نمود.
دستجات (هایاشی) به قسمت جنوبی قریهٔ (تازوزاپو) رفته و روس‌ها بدون آنکه یک تیری هم خالی کنند بطرف (پای تاچون) که قوای مهمه ایشان در آنجا جمع بود در رفتند.
یک صاحبمنصب با چندین نفر ژاپونی برای تفتیش و تجسس جلو رفته چند دقیقه بعد با حالت دویدن و دو معاودت کرده بکماندان خبر دادند یک قوّهٔ مهمه سوار روسی از (پای تاچون) برای هجوم قریه حرکت کرده اند ژنرال هایاشی فرمانداد که (یک هجوم مقابل بکنیم) ولی صاحبمنصبان فرقهٔ مزبوره بمناسبت اینکه در (لاشیمو) یکدسته تلخ عبرتی گرفته بودند پیشنهاد دفاع نمودند ولی ژنرال ژاپونی با یک متانت و رشادت غیر قابل الحنایی شمشیر را کشیده و جلو افتاده گفت (باید هجوم کرد و خودم در جلو شخصاً اینکار را انجام خواهم داد) مسافت دو قسمت مابین قریه را بسرعت پیموده بروس‌ها حمله بردند و روس‌ها ازین تعرض ناگهانی که هیچ منتظر نبودند متزلزل گشته خطوط اولیه ایشان بخاک هلاکت افتاد با وجود این بمباردمان مداومت داشت و

یک منظره در اردوگاه روس



(تازازاپو) توی شعله‌های آتش قرار گرفته بودند یک و دو باطری توپخانهٔ ژاپونی بقریه نزدیک شده جواب روسها را میدادند و پیاده هم راحت کرده بودند. ژاپونیها دارای توپهای هاوان از چاپ ۱۲

و ۱۵ سانتیمتری بودند و روس باسی توپ سنگین و شش توپخانهٔ صحرائی با یکدیگر مقابله کرده و نایرهٔ جنگ از طرفین در روز پنجم مارس بشدت شروع یافته بود.
آسمان با ابرهای مظلم و کثیف پوشیده و یکحس حزن انگیزی را تشکیل میداد با وجود این ژاپونی‌ها در اردوگاه خویش مشغول فرح و سرور بودند. در (تازازاپو) شراب و نان و ذغال و مغازه‌های پر از البسه و سایر اشیاء لازمه موجود و علاوه ازین عدّهٔ زیادی جبه خانه و لوازم حربیه و نقشه جات و سیم‌های منقولی و غیره بود. افراد سربازان برای تحصیل آنچه که میخواستند اجازه گرفته بودند ازینرو یک عیش پر ولوله و پر شوری جاری بود ولی یک عیش معصومانه که با کمال معقولیت سرود میخواندند درین شادیها از یکطرف صدا و ولوله یکصد و پنجاه توپ منعکس شده هزاران گلوله باطراف و اکناف میپاشید چهار از شب گذشته فرمان ذیل از کماندان فرقه صادر گردید: (باید قریهٔ پاتیاچون را هرچه بادا باد گرفت) مطابق این حکم در توی چادر یک مجلس مختصر شوری تشکیل یافته و از نتیجهٔ آن (اوردر دوژور) یعنی دستورالعمل روزانه بواسطهٔ مأمورین تبلیغ اخطارات در تمام افراد سرباز انتشار یافت.
اوی ژنرال (نوزو) برای ضبط (حانجایو) حرکت نموده و دستجات (صوناغا) مستقیماً بطرف راه آهن جلو افتاده و قوای هایاشی هم از تازوزاپو بدهات پاتیاچون حمله نمود درصورتیکه این حرکات تعرضیه را توپخانهٔ ژاپونی با شلیک و بمباردمان سخت مستور و مکتوم میداشت از پیشرفت دستجات (صوناغا) هیچ نتیجه بدست نیامد. گرچه (حانجایو) سقوط کرده بدست ژاپونی‌ها افتاد ولی بواسطهٔ ضعیفیکه عارض شده بود ژاپونی‌ها حالت هجوم ثانوی را نداشتند. امروز بدین ترتیب گذشت در مقابل یک پیشرفت جزئی چهار صد نفر تلفات داده بودند و قوای هایاشی قبل از هجوم پاتیاچون برای اشغال (شاکین پو) مشغول شده ولی دچار ضایعات گشته نتوانست کاری پیش ببرد بنابرین ژنرال هایاشی یک مجلس با حضور صاحبمنصبان منعقد ساخته با یک رقت قلبی اظهار نمود که

امروز صبح چند دسته از اردوی ما به تسخیر قصبه حانجایو موفق گردید در صورتیکه ما هنوز نتوانستیم تا این درا
ضبط نمائیم. آیا شما راضی هستید که ما از رفقای خویش عقب بمانیم. من برای ضبط این قریه حاضرم تمام
قوای موجوده ام با خودم محو و نابود شود آیا شما هم حاضر هستید یا نه) صاحبمنصبان جواب دادند که ما هم
حاضریم. نطق و بیانات ژنرال یک جوش و غلیان غریبی در افراد اردو تولید کرده و همه را مستعد فتح یا مرگ نمود
ترتیب حملهٔ قریهٔ (شاعولین پو) یا (شالین پو) شبانه داده شد تمام دستجات صبح علی الطلیعه مهیای
هجوم شده و یورش اول دو دسته پیاده که خط اول را تشکیل داده بود شروع نمود. نقشهٔ هجوم عبارت
از نزدیک شدن بمواضع مستحکمهٔ دشمن و بعد محاربه سرنیزه بود. ژاپونی‌ها بدون آنکه جنگ نمایند بجلو
میدویدند. خطوط اولیه بزمین افتاد و عدهٔ مقتولین هر قدر جلوتر میرفتند زیادتر میشد در چند دقیقه دو
دستهٔ مزبوره محو شده و فقط نوزده نفر بخطوط دویمی ملحق شده. خطوط ثانوی هم بهمین قسم گرفتار قتل
فوری گردید با وجود این ژاپونی‌ها از روی نعش‌ها جست و خیز کرده با یک حالت دلیرانه و متهورانه
که مرگ را حقیرترین چیز عالم فرض میکردند جلو رفته تمام سیم و مفتول‌های بافته که مانع حرکت بود از جلو
بریده و سنگرهای جزئی و مختصر را کوبیده تا سیمتری مواضع روس خطوط جلوی ژاپونیها رسیدند.
کلنل (کاجوغازه) با رژیمان خویش که در جلو افتاده بود مأمور هجوم از طرف شمال قریه شده ولی روس‌ها
محیط شمالی را چون بخوبی مستحکم کرده بودند باران گلوله بروی رژیمان مزبور می‌بارید کلنل از ساق پای
بشدت مجروح گشته و بزمین افتاد و بماژور رژیمان خویش صدا کرده گفت (که من خواهم مرد و ایفای
وظیفهٔ محوله بعهدهٔ شما است) ماژور جواب داد که (کلنل راحت باش آنطوریکه مقصود شما است بانجام خواهم داد)
افراد بیل زن و توپهای هاوان که همراه قوای مهاجمهٔ ژاپونی بود با خمپاره‌های دستی بمواضع مستحکمهٔ
روس بنای شلیک گذارده در عرض یک ساعت دیوارها و سپرها و برج و باروها از آثار گلوله‌های
و مواد مشتعلهٔ مدهشهٔ ایشان خراب گشته بیک آتش سوزان سختی تبدیل یافت. مهاجمین ازین موقع
استفاده

استفاده کرده بهجوم سرنیزه مبادرت ورزیدند. از نتایج صولت و شجاعت و عزم راسخ ژاپونیها که هر
گونه موانع را مانند سیل سالم خراب کن از جلو بر میداشتند سدهای جلوی را بکلی از میان برداشته و در چند دقیقه
ژاپونیها از نتایج موفقیات خویش با سرنیزه با روس‌ها مقابله کردند.
مدافعین روسی نقاط اولیه را تخلیه کرده از این کوچه بآن کوچه و از این نقطه بآن نقطه ملتجی شده و بالاخره
در معبر آزاد شرقی قریهٔ مزبوره بطول راه آهن قرار گرفته و قریهٔ مزبوره کاملاً در تحت تصرف ژاپونی‌ها
قرار گرفت در صورتیکه دو هزار نفر از ایشان و هزار و هفتصد نفر از روس‌ها تلف شده بود.
فرمانده کل قوای روسی از استماع حوادث متوالیهٔ موفقیات ژاپونی خطوط (شاحو) را تخلیه کرده قوای
خویشرا در جبههٔ غربی آن قوت داد.
در ششم مارس اردوی سوم روس توپهای سنگین خویشرا باردوی دوم نقل داده بسمت (تیه لینغ) خود را کشید
هفتم مارس اردوی سوم ژاپونی واصل (نیاندزیاتون - مقبرهٔ امپراطوری تایچونگ) شده و برای برگردیدن
خطوط خصم مشغول گردید و فرقهٔ اول آن در (تادیتون) راه آهنی که بسمت شمال موکدن میرفت موقتاً
تعطیل نمود. فرقهٔ نهم ژاپونی از جادهٔ بزرگ شمالی حرکت کرده از (یوهو) گذشته قوای خصم را در غرب
(ناکانزیتون - زانتایجی) شکست داده بعقب نشاندند.
در نهم مارس دو قوای روس و ژاپون در قرب قریهٔ (لیقامپو) باهم مقابل شده و بمناسبت تزاید
مقدار قوای روسی از حالت دفاع بمقام تعرض گذشته با وجود قلت قشون ژاپون در آن نقطه ژاپونیها
چند ساعتی با کمال رشادت جنگیده و بالمره روسها با دادن تلفات زیاد بعقب نشستن مجبور گردید.
فرقهٔ پنجم و چهارم اردوی چهارم ژاپونی در ساحل جنوبی رود هون پس از محاربات خونریزانه روس‌ها را
تا خط راه آهن قدیم مابین (مادیاپو) و (سویاتون) راندند. فرقهٔ چهارم بعد ازین حاضر حرکت شده.
ولی چون از جبههٔ مقابل به (حانچوپو) حمله بردن غیر ممکن بود بایستی از سمت پهلو هجوم بنمایند. بدواً
کرده‌ان

کروهان سیصد متری نزدیک شده با وجود شلیک سخت دشمن مقاومت کرده قطعات سایره قشون ژاپونی هم عقب سرشان حمله ور شدند در دو دقیقه محاربه با شدت و وحشیانه شروع یافته ژاپونی ها از روی نقشه آقا ماژوری خویش با یک سرعت فوق العاده خویش میرفتند. با وجود شدت آتش استحکامات و سنگرهای روسی که از کشته پشته ترتیب میداد ژاپونیها ابدا اعتنا باین تلفات و کشتار نکرده دستجات جلوی با یک رشادت فوق العاده خود شانرا بخندق ها رسانده و از خندقها بسنگرها وار سنگرها باستحکامات حمله برده با خصم با سر نیزه و کلوله آویز بنای جنگ را گذارده با نیزه و قداره و حتی مشت دشمن را سراسیمه و مضطرب نمودند و این حملات بقسمی سریع و با شدت بعمل آمده بود که روس ها یکدفعه ملتفت شدند که سنگر و سپر و استحکامات ضبط شده و دشمن توی قلعه جات مشغول جنگ و جدال است. روس ها از نتایج این جنگهای مدهش و خونریزانه دست و پای خود شانرا گم کرده در ساعت یازده بعد از یک محاربه پنج ساعتی (حانچوپو) را تخلیه کرده و ژاپونی ها اشغال نمودند.

موقع (حانچوپو) کمال اهمیت را دارا بود زیرا که تپه (پوتیلوف) را که ژاپونی ها در دست داشتند استحکامات مزبوره تهدید مینمود و سقوط آنجا ژاپونیها را در امتداد خط وسیع مابین (شاحوپو) و (لوشیانتون) آزاد و مقتدر ساخته بود فی الحقیقه سقوط (حانچوپو) موقع روس ها را متزلزل و مشکل ساخته برجعت عمومی شروع نمودند. در مقابل اردوهای (قروکی) (قاوامورا) را دشمن نتوانست تاب مقاومت بیاورد و ناچار بعقب نشستن پرداخت. هشتم مارس تمام مرکز قوای ژاپون با جناح چپ آن مقابل خطوط مدافعه جدیده روس ها پیش رفتند.

اداره جریان میدانهای محاربات (موکدن) در یک خانه معمولی که یک قریه جنوب (لاموتون) در دوازده کیلومتری آن مجری و معمول میشد. هزاران توپهای آتشین خطوط جنگی که باعث تخریبات و تلفات عمده میشد شاید در اینخانه آنقدر انعکاس نمی یافت. در اینخانه سکوت و سکونت تامی کار بود.

چطوریکه

چطوریکه تمام اعضا و اعصاب و جوارح وجود انسانی بمغز و دماغ بشریه با عروق متصل است بهمان قسم از هر نقطه و گوشه میدانهای حرب موکدن هم باینخانه سیم ها و مفتولهای الکتریکی مربوط و در آن واحد جبهه صفوف جنگ را باینجا رسانده و از این خانه هم اوامر و ارادات را باردوها ایصال مینمود.

تمام فعالیت و عملیات چندین صد هزار قشون که معادل نفوس چند ایالت است که در یک جبهه و مسافت وسیعه صدها کیلومتر منبسط شده بودند تابع دماغ و علم و اقدامات یکنفری بود که در توی این چهار دیوار قرار گرفته و متصلا مشغول تفکر و نقشه کشی و طرح تدابیر مقتضیه و مؤثره بود که گویی از عالم اجتماعیات دست کشیده و انزوا و عزلت را اختیار نموده است این شخص مارشال اویاما فرمانده کل قوای ژاپون و خانه مذکوره هم قرارگاه مرکزی کماندانی کل میدانهای جنگ صفحه مانچوری بود.

یک مخبریکه قرارگاه مارشال مذکور را اخیرا زیارت کرده بقرار ذیل شرح میدهد: (قرارگاه عمومی ژاپونی عبارت از یک خانه چینی است که یک اطاق آن بحد کافی با وسعت و دارای یک بخاری است سیمهای مفتولهای متعدد الکتریکی از هر طرف دیوار بر روی یک میز بزرگی کشیده شده و روی میز یک نقشه بزرگی گسترده شده و روی نقشه مهره های الوان عاجی چیده شده بود. پهلوی میز یک شخصی که توی دریای خیال غوطه ور شده نشسته بود این شخص ژنرال (کوداما) رئیس آقا ماژوری کل مارشال (اویاما) بود و نزدیک وی یک ژنرال دیگری نشسته بمشارالیه معاونت فکری و کمک تدبیری مینمود و اسم آنهم ژنرال (فوکوشیما) معاون وی بود. در یک گوشه اطاق ها باز یک میز تحریری موجود و در آنجا هم دو صاحب منصب بزرگ ارکان حرب مشغول کار بودند. خود مارشال در وسط اطاق روی یک صندلی فنری نشسته و در چپ و راست وی هم دو ژنرال از درجه بزرگی قرار گرفته مشغول مذاکره و مشاوره بودند. دو صاحب منصب دیگر اوامر فرماندهی کل را با (اشنه نوغراف) ماشین چاپ نوشته و امضای مارشال ژاپونی میرساندند. جلو میز سردار ژاپونی یک میز بزرگی که دارای دستگاههای تلفون و تلگراف و سایر مفتولها و سیم های الکتریکی

باچندین

با چندین ماشین دیگر و نقشه‌های متعدده موجود بود که از روی آن نقشه‌ها که خط حرکت صفوف حرب و نقاط مستحکمه و خطوط دفاعیه و تناسب وضعیت قوای متقابله طرفین و سایر جزئیات آن با دقائق قراء و انهار و غیره منقوش و مرتسم بود مارشال اویاما با صوابدید و شور ژنرال‌های معیت خویش اوامر لازمه و فرمانهای کافیه باردوی ژاپونی که در مواقع مختلفه جا گرفته و یا در حرکت و هجوم بودند میداد رئیس ارکان حرب و معاونش هم قبلاً نقشه و طرح ریزی وضعیات جنگ را پخته بنظر دقت فرمانده کل میرسانیدند. در پهلوی این اطاق اطاق بزرگ دیگری بود که در واقع کابینه و دارالانشای مارشال اویاما را تشکیل میداد که عدهٔ زیادی از اشخاص عالم و با اطلاعی در سر میزها نشسته هفت دستگاه بزرگ تلگراف را اداره میکردند. چندین اطاق دیگری هم برای اتصال روابط اردوهای ژاپونی و مرکزیت دادن قوای دولت مزبوره با فرماندهی کل موجود و هر اطاقی متعلق بیک اردو بود و در تمام این اطاقها جز صدای دستگاههای تلفون و تلگراف و الکتریک و مکالمات خیلی آهسته هیچگونه سر و صدائی دیگر شنیده نمیشد و یک سکوت و سکونتی حکم فرما بود. این بود وضع و ترتیب قرارگاه عمومی مارشال اویاما که مذکور افتاد.

دستجات گارد امپریالی ژاپونی که از منطقهٔ اردوی هشتم پیش رفته بود به تعرضات شدیدهٔ دشمن که من حیث العدد اضعاف آن بود دچار شده ولی بواسطهٔ ثبات و متانت، کاملهٔ روسها را عقب نشاندند. رژیمان پانزدهم فرقهٔ دوم از روی (پازاپوچو) تا سمت غربی (طوداغو) جلو رفته با اردوی پنجم تماس ارتباط نمود و اردوی مذکور تا (طوداغو) و (ماتچاندای) حرکت کردند.

ژنرال کوروپاتکین در هشتم مارس در ساعت هشت برای تخلیهٔ جبههٔ جنوبی فرمان داد از این رو دستجات (رنتغامپف) از شوارع (این پان) (یولین پو) و (ماچیوندان) با کمال نظام رجعت میکردند. اردوی اول روس در حال رجعت از (تشیوچون) به (فوشون) اردوی دوم سیبری از (لهونزو) به (تیتا) اردوی چهارم سمت هونهو حرکت نمودند.

ژاپونیها

ژاپونیها از چند روز باینطرف رجعت عمومی ژاپونیها را تحت ملاحظه و دقت آورده بودند ولی کشف قطعی آن در شب هشتم مارس ممکن شده و بنابراین تعاقب قوای روسی قدری بتأخیر افتاد.

مصادف این ایام اخطار ذیل بتمام دستجات روسی وارد گردید: (مهمترین مسئله مجزی کردن قوای خصم مابین (فوشون) و (موکدن) است و برای حصول این مقصود بدون اینکه ضایعات و تلفات را بنظر دقت آورید بسرعت هرچه تمامتر حرکت کرده و باید امروز بر رود (هون) برسید. دستجات مختصر دشمن را محل توجه نباید قرار داد.

رژیمان پانزدهم فرقهٔ دوم بعد از ظهر حرکت کرده عصر پس از قطع هشت کیلومتر مسافت وارد (مین شوپوزا) شده و یک فرقهٔ دیگر هم به (تیندیاتوی) رسید. رژیمان سوم هم نصف شب به (لیوگیاجی) آمده و فرقهٔ دوازدهم هم حرکت کرده دوازده کیلومتر قطع مسافت نمود ولی جناح چپ این فرقه همواره با قوای خصم در حالت تماس و اصطکاک بود:

دستجات خاصهٔ احتیاطیهٔ فرقهٔ دوازدهم را تعقیب کرده جبههٔ تخلیه شدهٔ دشمن را اشغال کرده و امر تعقیب خصم در هشتم مارس باین فرقه تبلیغ گردید از این رو رژیمان دوم خاصه در (لیوچن هونون) و اولی در (فیدیاپو) جمع شده بعد از ظهر حرکت و پیش قراولان طرف مقابل را دفع و طرد نموده تا عصر هفده کیلومتر راه پیمودند. فرقه‌های سیم و ششم و دهم هم ده کیلومتر قطع مسافت کردند. فرقهٔ چهارم با دو رژیمان احتیاط در تحت کماندانی اردوی دوم قرار گرفته تا جوار (شانتون) پیش رفته در جلو استحکامات روسی توقف نمودند. فرقهٔ پنجم در جنوب (هونهو) قبل از ظهر (تلیایزا) و بعد از ظهر (مادیاپو) را اشغال کرده و پس از آن در جوار (زاتوزها) بصد و پنجاه متری استحکامات روسها نزدیک شدند. اردوی سوم سمت چپ حرکت کرده و فاصلهٔ خالی مابین اردوی مزبور و اردوی دوم ژاپونی حاصل شده و برای پر کردن این فاصله ژنرال (اوکو) قسمت کلی فرقهٔ هشتم را فرمان حرکت و گرفتن جای

مزبور

مزبور داد زیرا که اردوی سوم مأمور شده بود که بهر قیمتی تمام بشود در هشتم ارس قوای روس‌ها را از جلو طرد و دفع کرده خط رجعت روس‌ها را مقطوع سازد و از اینرو بخطوط (تاکانزیتون ـ سیاو ماتون) تعرض نموده نزدیک غروب موقع (سیاو ماتون) را اشغال نمود. فرقهٔ اول ژاپونی اتصالاً حملات خویشرا تجدید کرده سعی و کوشش داشت که خطوط (لیو یاکو ـ زانتایجی) را ضبط نماید ولی باردوی سوم روس‌ها که با فرقهٔ مزبوره طرفیت داشتند متوالیاً قوای امدادیه رسیده و جناحهای چپ خویشرا تمدید میداد. عصر هشتم مارس ژنرال کوروپاتکین شبانه بسمت (تیه لینغ) رجعت کردنرا قرار داد و شب مذکور ژنرال (سار دبایف) کماندان دستجات ششم سیبری برای مکتوم داشتن خط رجعت مأمور شد که چهل و هشت باتالیون قشون در جوار (طاوا) جمع نماید و شرح این صحنه را یک مخبر نظامی اینطور میدهد: (هشتم مارس روسها بغتتاً قسمت جنوبی رود هون را تخلیه کردند. ژاپونی‌ها گرچه موفق باشغال مواقع مهمه روس‌ها که حمله برده بودند شدند ولی نتوانستند بشکست قطعی خصم وادارند حالا مانع عمدهٔ رودخانه (هون) بود.

اردوی بزرگ روس که اتصالاً طرف مصادمات متعددهٔ ژاپونی‌ها بودند از این مزاحمت و تضییقات الی آخر خسته شده یکدفعه پانزده کیلومتر عقب نشستند و از اینرو تعرضات معتدانه از طرفین منقطع گردید. و قوای (نوزو ـ قوروکی ـ قاواموار) بخطوط دفاعیهٔ جدیده پیش میرفتند.

در نهم مارس در اطراف و جوانب اردوگاه طوفانهای گرد و خاک بشدت درکار و بقسمی هوا را تیره و تار کرده بود که چشمها یکدیگر را نمیدیدند. این طوفان مفید و نافع هر دو طرف گردید. زیرا که روسها در این رجعت پر خطر خویش و ژاپونی‌ها در پیشرفت اردوهای دوم و سوم خود موقع سهل و مناسبی برای استفاده پیدا کردند. مارشال اویاما پس از آنکه تصور نمود که تعرضات اردوی سوم در استقامت جنوب شرقی منتج نتیجه نشده سهل است باعث تهلکه و مخاطرات جناح چپ قوای مرکزی شده

فرمانداد که اردوی مزبور خط حرکت خویشرا بسمت شمال برگردانده موازی بجادهٔ (موکدن ـ تیه لینغ) فرار کرد قبل از این مذکور افتاد که مجموع قوای حربیه بریهٔ دولت ژاپون بدون استثناء در تحت فرماندهی و مسئولیت تام و تمام مارشال اویاما قرار گرفته و تمام سرداران بزرگ ژاپونی از قبیل ژنرال‌های (نوزو ـ اوکو ـ قوروکی ـ نوژی) که فرماندهان اردوهای اول و دوم و سوم و چهارم بودند. بازوهای ارکان حرب اردوهای مزبور و سایر قوای دولت ژاپون از سوار و توپخانه و قشون احتیاط



عقب نشینی اردوی روس بطرف موکدن

و مهندس و هیئت صحیه و غیره عموماً در تحت ریاست عالیهٔ مارشال معظم الیه بود و بهر چیز که اراده وی تعلق میگرفت تمام افراد قشون بلکه سایر مأمورین کشوری و غیر نظامی هم که در مجاور نقاط حربیه علاقه دار میدانهای جنگ بودند مجبور براجرا و اطاعت آن بودند و خود فرماندهٔ کل در یک خانه که پیش از این شرح داده شد با قوای عاملهٔ اش زمام فرماندهی خویشرا بعهده گرفته و اداره مینمود همواره در قرارگاه مزبور متوقف نبود بلکه در میدانهای جنگ هم حضور رسانده شخصاً فرمان حمله تعرض یا اتخاذ حالت دفاعیه را



میداد. و از آغاز جنگ تا خاتمهٔ آن زیادترین اوقاتش را در راس قوای حربیه که در تحت کماندانی وی قرار
گرفته بود بسر میبرد.

اردوی دوم ژاپونی در روز نهم مارس یک قسمت کلی داخل جنوب
(تاشیمائو) شده در مابین جادهٔ بزرگ تقریباً منبسط میشد ولی هنوز با دشمن برنخورده بود.
فرقهٔ سوم و فرقهٔ پنجم اردوی ژنرال اوکو که جناح چپ و مرکز را تشکیل میدادند در چهارم مارس مقابل سد
خط آهن آمده و با دشمن مشغول زد و خورد گردید. ژنرال مزبور با بنیه و فرقه فرمان یورش داد. مواقعی را
که روس تقویت و تحکیم کرده بودند. از نقاط (چنچی تین ــ یانزیتون ــ زاناجو) گذشته تا محل (موجاپو)
که در ساحل چپ رود (هون) بود امتداد داشت. عملیات تحکیمیه در آخر ژانویه تمام یافته و ژنرال
کوروپاتکین مضطرب بود که مبادا خصم با ینموقع حمله نماید و ژنرال روسی در اضطراب خویش ذیحق بود
زیرا که ژاپونیها باینموضع مستحکم بیشتر از سایر مواضع اهمیت میدادند. زیرا اگر این استحکامات نبود راه
موکدن زودتر از این ضبط شده و خط رجعت قوای روسی بکلی مقطوع میشد.

پیاده نظام روسی بطول سد قرار گرفته و در جلو ایشان یک فضای صد و پنجاه متری برای تیراندازی
موجود بود. دستجات اولیه ژاپون از دهات مجاور پیدا شدند. فرقه پنجم از قریهٔ (تایوشوپو) حرکت
کرده بجنوب موضع مستحکم (زاناجو) و فرقهٔ هشتم از قریهٔ (چاچاتون) عزیمت نموده بشمال موضع مزبور
حمله کردند. اولین شلیک توپخانهٔ روسی آغاز یافته و بعد تمام توپخانهٔ استحکامات بشدت داخل
عملیات شدند. توپهای ژاپونی در مقابل با یک ترتیب و حسن انتظام جواب روسیها را میدادند ولی
قشون پیاده با کمال بطائت و سنگینی حرکت میکردند. این هجوم تا غروب مداومت داشت ولی آنروز
نتیجه حاصل نشد و با ظلمت شب تعطیل یافت. فردای روز مزبور پنجم مارس که هوا را دود و مه غلیظی
احاطه کرده ژاپونیها مجدداً هجوم کردند ولی توپخانهٔ طرفین بواسطهٔ تاریکی هدف اصابت نمیکردند
سربازان رژیمان (سورنیراوایی) ژاپونی بالاخره خودشانرا بزیر سد رسانده و یک قسمت آنرا اشغال

نمودند

نمودند. ازین اقدام رژیمان مزبور موفقیت قطعیه برای ژاپونیها نزدیکتر شده و تسخیر موکدن عنقریب ممکن
الوقوع بود زیرا شهر مذکور در منتهاالیه افق پیدا بود.

محاربه با کمال شدت شروع یافت پیاده نظام بمواضع شرقی سد تعرض کردند و دستجات احتیاطیه
پس از دادن تلفات زیاد سد را گذشته در یک حفرهٔ زمین هفتصد متری خندقهای روس قرار گرفته
ولی از اینجا بیرون آمدن غیر ممکن بنظر میآمد زیرا که بواسطهٔ رسیدن قوه امدادیه بروسها عدهٔ ایشان
بیک دیویزیون رسیده بود. سه روز و سه شب جنگ مداومت داشت. با وجود شلیک سخت
مدافعین مهاجمین تا صد و پنجاه متری نزدیک شده بودند. در میان صفوف ژاپونیها مقتول زیادی بود
وقتی که قشون ژاپون دراز کشیده بودند معلوم نبود و بمحض اینکه فرمان یورش داده شد ثلث قوای
مهاجمین از زمین برنخواستند. و در حین حملهٔ رژیمان تقریباً از افراد ژاپونی بخاک هلاکت می‌افتاد
و پس از چند دقیقه ژنرال و بعد کلنل رژیمان مقتول شده فرماندهی مهاجمین بعهدهٔ یک ماژور قرار
گرفت ولی ورود ظلمت شب و کثرت تلفات مهاجمین را تعطیل نمود. فرقهٔ پنجم در دهم مارس بقصبهٔ
(زاناچو) حمله کرده روسها پس از یک مقاومت سخت دست از شلیک کشیده و ژاپونیها قصبهٔ
مزبوره را متصرف و بسمت ایستگاه خط آهن موکدن پیش میرفتند. محلهٔ روسی در قصبه توی آتش سوزان
مشتعل بود در حینیکه فرقهٔ پنجم مقابل (زاناچو) جنگ میکردند فرقهٔ هشتم هم به (یانزیاتون ــ تاکیاتن)
هجوم کرده و در اینجا شش شبانه روز محاربهٔ خونریزانه اتفاق افتاد. روز اول آن با عدم موفقیت
ژاپونیها گذشت زیرا که توپخانهٔ قویهٔ روس مجال بر مهاجمین نمیداد. ژنرال اوکو توپخانهٔ فرقهٔ مزبوره را
محتاج به تقویت دیده از اردوی نوزی توپ خواست و بنابرین بیست و چهار توپ که دوازده قطعهٔ آن
از روسها گرفته شده بود تسلیم فرقهٔ مهاجمین گردید یک باطری توپخانهٔ صحرائی ژاپونی در تحت توپخانهٔ
سخت دو باطری توپخانهٔ روس در پهلوی قریهٔ (اولیمپو) قرار گرفته با کمال عجله سنگرها برای خود درست

کرد

کرد ولی توپخانهٔ روسی بقریهٔ مذکوره آتش انداخته و حریق بنقاطیکه بهب‌های توپخانهٔ ژاپونی بسته شده بود سرایت نمود و حیوانات مزبور را تماماً سوزاند. کماندان فرقه بواسطهٔ تلفات مهمه که در ضمن حملات وارد آمده بود از ژنرال اوکو عاجلاً کمک خواست ولی چون قشون احتیاط برای ژنرال مزبور باقی نمانده بود فرقهٔ سوم بمعاونت وی شتافت.

این فرقه که از قشون احتیاط مارشال اویاما بود هنگام فجر بموقع جنگ وارد و مقابل (لیکامپو) و (چینچی تین) منبسط گردید. صحراها و وادیها پر از مجروحین و زخمی‌ها بیکه محروم از هرگونه معاونت بودند شده اغلب صاحبمنصبان دستجات مهاجمین مقتول افتاده بود. در ششم مارس ژاپونیها در مقابل (یانزیتون) و (کانکیاتین) نتوانستند یکقدم هم پیش بروند. دو کلنل در این میانه کشته شده بود عصر روز مزبور آتش خانهٔ مدافعین قدری تخفیف یافته و ژاپونی‌ها استفاده کرده حملهٔ جدیده بردند ولی بلافاصله آتشخانهٔ دشمن بشدت تجدید یافته تلفات کلیه بمهاجمین وارد آورده ناچار دست از کار کشیده قرار دادند که شبانه هجوم بکنند و برای اینکه باتالیون پیاده و عدهٔ کافی توپ و قشون کلنگ و بیل زن معین بجهة حمله (یانزیتون) و چهارصد نفر پیاده با عدهٔ دیگر توپخانه و بیل زن هم برای حمله (کانکیاتین) مشخص گردید. کماندان فرقه در تعیین یک فرماندهی برای این قوهٔ متهاجمه عاجز و معطل مانده بود. زیرا که غالب کماندانهای رژیمان مقتول افتاده بودند. ماژور (یوکوما) داوطلب این مأموریت شد و تمنای وی مقرون باجابت شد. شبانه حرکت کرده تا صد متری قوای مدافعهٔ دشمن رسیدند گرچه با یک شلیک ناگهانی اول خصم را مشوش و مضطرب ساخته ولی روس‌ها باعجله خودشان را حاضر بجنگ کرده بنای باراندن گلوله‌های متعدده و پی‌درپی گذاردند. ماژور (یوکوما) فرمان حملهٔ سرنیزه داد ولی در مقابل آتشخانهٔ سخت دشمن جلو رفتن غیر ممکن بود قریب سه ساعت مجبور بتوقف شده و پس از آن داد تلفات کثیره بی‌نیل و مرام باردوگاه رسیدند درصورتیکه از تمام عدهٔ مهاجمین (۲۱) نفر برگشته بود

ماژور در موقعیکه راپورت خویش را میداد با یک حالت جگرخراشی گریه میکرد و اشک میریخت و همینکه تقریر خویش را بانجام رسانید یکدفعه بزمین افتاده و مرد. از معاینهٔ دوکتر معلوم شد که یک زخم مهلکی خورده بود. قوای عسکریه که مأمور هجوم (یانزیتون) شده بودند صبح حرکت کرده و توپخانهٔ ژاپونی مهاجمین مزبور را حمایه می‌نمود ولی در دفعهٔ اول بمناسبت یک خطای توپخانهٔ مزبوره گلوله‌ها مسافهٔ خیلی کمی رفته و از اینرو شراپنل‌های دشمن موقع داد که مخلوطاً اولیهٔ ژاپونی تلفات مهمه وارد آورد ولی مهاجمین با یک عزم راسخی جلو رفته چند خندق خارجی دشمن را گرفتند و بلافاصله شلیک سخت مدافعین همه حمله کنندگان را بخاک هلاکت انداخت. و روس‌ها قطع شلیک نمودند.

ورود اخبار وحشت انگیز از قبیل محو و نابود شدن تمام افراد فرقهٔ سوم بواسطهٔ پنجاه هزار قشون روس (لیکامپو) کماندان فرقه را از اقدام بهجوم باز داشته. علاوه از این فرقهٔ هشتم ناچار گردید که به پشت سر راه آهن عقب نشسته از حالت تعرض و تجاوز بدفاع گذشته و مصمم گردید هرچه زودتر به کمک فرقهٔ سوم بشتابد برای اینکار یک رژیمان فرستاده شد. روز نهم بود که یک گرد و باد سختی میوزید و تمام تلهای خاک و شن با اطراف و اکناف می‌پاشید ولی این باد مساعد حال ژاپونی‌ها بود زیرا که اردوهای (نوزو – فوروکی – اوکو) را که از رود هون از سمت جنوب و شرق موکدن میگذشتند از انظار دشمن بکلی مستور داشت. هر سه اردو از عقب سر قوای روس‌ها که بیک حالت غیر منظمی قرار گرفته بودند هجوم کردند از اینرو اضمحلال اردوی روسی شروع یافت. روس‌ها در مواضع خویش با آنکه مأیوس از هرگونه فتح و ظفر بودند با یک رشادت تامه جنگیده و مقاومت مینمودند گرچه هنوز جنگ تمام نشده بود ولی قوای روسی کاملاً از یکدیگر تجزیه یافته بسمت معبر (تیه لین) خودشان را میکشیدند. رژیمانی که بکمک فرقهٔ سوم رفته بود فرقهٔ مزبوره را سالم و آزاد دیده از میان دستجات دشمنی که اسلحهٔ خودشان را انداخته عقب می‌نشستند گذشته بسمت (سین مین تین) پیش میرفت. یک رژیمان دیگر فرقهٔ هشتم که از دشمن دو باطری توپ ضبط کرده بود

قافله های روس را که بسمت (تیه لین) بیک حالت پریشانی برمی گشتند هدف حملات خویش قرار دادند ژنرالهای (نوژی - نوزو - قروکی - کاوامورا) بتعاقب دشمن مشغول و فقط اردوی اوکو در حالت ناتوانی مانده بود ولی بلاوجود این از میان کشته ها و نعش های متعدده اسلحه های شکسته حرکت کرده بسمت موکدن جلو میرفتند اما در تمام افراد اردوی مزبور علایم حزن و ملالت پیدا بود زیرا که بیست و دو هزار نفر از رفقای خویش در میدان جنگ مقتول افتاده بود. در شمال شرقی (موکدن) در جوار (تاوا) ۲۸ رژیمان قشون روس که از اردوهای دوم و سوم و چهارم سیبری جمع شده بود قوای ژاپونی آنها را هم از یکدیگر متفرق و منجز ساخته و حالا نوبت اردوی اول روسی رسیده بود که آنهم تاب مقاومت حملات خصم را نتوانست بیاورد.

اردوی چهارم ژاپون بسمت جنوب و جنوب شرقی (موکدن) رسیده و فرقه ششم هم باستحکامات (زانغوتوی) روس نزدیک شده و فرقه دهم هم تا (یانغواتتون - واندایتون) جلو رفته بود. فرقه خاصه اردوی اول ژاپونی بجوار (هواندانغو) واصل و دستجات خصم را تا (هوشین پو) عقب نشاندند. فرقه دوازدهم تپه های (تاهیتون) را اشغال کرده و فرقه دوم هم تپهای (کاپوکای) و (فوشون) را ضبط کردند. ازین پیشرفت متوالیه قشون ژاپون بسمت موکدن و تضییق خطوط اردوهای روس و متفرق و منجزی شدن ابواب جمعی ژنرال کوروپاتکین روسها بیشتر مجبور ساخت که دایره قوای خودشان را تنگ کرده بسمت موکدن بیشتر عقب نشینند و بنابرین مریضخانه های سیار و قطعات نقلیه قشون روس از نهم مارس با راه آهن بسمت عقب یعنی بطرف استقامت شمالی کشیده شده و ژنرال کوروپاتکین حکم رجعت را در روز مزبور بتمام قوای روسی داد. در سمت غربی موکدن از نتایج محاربات متوالیه قوای متحاربه طرفین خطوط جنگ سوق و ادغام شده و از ۹ فرقه روس که در مقابل قوای ژاپونی اتصالا در مصادمه و زد و خورد بودند خیلی کاسته و بیشتر بر تفوق و غالبیت ژاپونی ها افزوده بود

وازاین جهة یک سوء اثری در رجعت روسها تولید کرده و زیادتر تولید اشکال بر آنها نموده بود. در دهم مارس اردوهای خاصه و اول و دوم روسی از یکدیگر تجزیه یافته و بدوا مستحفظین خطوط سرپل جنوب و جنوب شرقی شروع بمراجعت نموده بودند. وظیفه تأمین خط رجعت بعهده ژنرالهای (فوندرلاونیچ) و (ساروبایف) واگذار گردید که در معیت آنها چهل و هشت رژیمان از اردوهای چهارم و سوم و دوم سیبری که در جوار (تاوا) در حرکت بودند قرار گرفته و بعد از ظهر هم اردوی ششم سیبری برای کشتن بجبهه جنوب و شرقی (یوهو - سینتون) مصمم جنگ شدند زیرا که دشمن وقت عصر به تعرضات خویش آغاز نمودند.

اینرا هم نگفته نگذریم که دستجات مستحفظ موقع سرپل جنوب موکدن در شب دهم مارس رجعت کرده از نوی شهر گذشته بسمت شمال رفتند. فرقه سی و پنجم پیاده روسی بطرف شرق موکدن عبور کرده و فرقه سوم آنرا تعقیب نموده و این فرقه سوم در دهم مارس دچار تعرضات فرقه ششم ژاپونی که از (زانغوتو) میآمد شده فقط توانست خودشرا با هزار زحمت نگهداری کرده با سایر فرقه هائیکه از سرپل میآمدند مخلوط شده برجعت خویش مداومت نمود. در اینموقع فرقه سی و پنجم در شمال در جوار (پولین پو) بود که دستجات ژاپونی از جنوب شرقی بجبهه آن متعرض گردید و بنابرین فرقه مذکوره با دستجاتیکه از جناح راست گرفته بود جناح چپ خویشرا تقویت داده بتدریج بسمت شمال عقب کشیده و بعد از ظهر به (تاوا) واصل شد. فرقه سوم هم مواضع خود را تخلیه کرده پشت سر فرقه سی و پنجم حرکت نموده بشمال (یوهو) رسید.

اردوی اول سیبری هم در دهم مارس از موقع (هوانغواتون) حرکت کرده از استقامت (تیلینغ) رجعت میکرد. فرقه پنجم پیاده نظام روس تا صبح دهم مارس (یوهوتون) را در زیر اشغال خویش قرار داده و فرقه سوم ژاپونی باهسته کی در تعقیب وی افتاد. ولی فرقه مزبوره روس از آن نقطه رجعت کرده در ایستگاه شمال غربی موکدن اردو زد. فرقه هشتم با فرقه های (شاتیلوف) و (دویت) در یازدهم

ماه مواضع خود شان را تخلیه کرده در تپه‌های (هوتا) جمع شده و در جنوب فرقهٔ سوم در جوار ایستگاه خط آهن موکدن جا گرفتند.

چهار ژنرال فرقهٔ هفتم اردوی سوم ژاپونی در لیالی نهم و دهم موفق بشکافتن خطوط و مواضع روسها در ما بین (تاقواتون — زاتیایجی) شده تا مقبرهٔ امپراطوری (تایچونک) پیش رفت در اینجا گرچه بواسطهٔ قوای روسی مجبور بتوقف گردید ولی ما بقی دستجات فرقهٔ هفتم بعد از ظهر (تاقواتون) را اشغال و روسها را مجبور برجعت نمودند

فرقهٔ اول صبح دهم مارس تجدید حملات بخطوط (زاتیایجی — لیودیاقو) نموده پس از شش ساعت نبرد خونین بضبط آن مواقع موفق و در (لیودیاقو) متوقف گردید.

فرقهٔ نهم ژاپونی بعلیه (اونغواتون — سوقوچو) پیش رفته گرچه در بدایت امر نایل موفقیت نگردید. و بر عکس روسها هجوهای با شدتی در مقابل تعرضات فرقهٔ نهم اجرا میکردند ولی بعد از چند ساعت خطوط ایشان شکافته و مقطوع از یکدیگر شده و روسها مجبوراً بسمت شمال عقب نشستند.

دیویزیون ششم اردوی چهارم ژاپون شب دهم مارس باستحکامات (زانغوتو) حمله برده با روسها داخل یک محاربه که خیلی مدت کمی طول کشیده شده و آنها را مغلوب و مجبور برجعت کرده و در شمال شرقی موکدن شانزده توپ از دشمن ضبط نمود و بعد از ین بسمت شمال پیچیده و از آثار پیشرفت وی روسها مواقع (اورتایجی) و (یولین یو) را تخلیه نمودند. چهار ساعت بعد از ظهر فرقهٔ مزبوره در خط (سیلاهوتون — یولین یو) بود ند که یک قوهٔ مهمه روسی در آن خط ظاهر گردید. فرقهٔ ژاپونی بقوهٔ مذکوره حمله برده روسها را در میان شلیک های توپ و تفنگ با شدت تمام قرار داده و از نتیجه یک جنگ متهورانه روسها را بکلی مغلوب نموده دوازده هزار اسیر گرفتند ضایعات و تلفات روسها در این حرب پنجهزار نفر است.

دیویزیون دهم ژاپونی در دهم مارس در طلیعهٔ صبح از (واندایتون) حرکت کرده در مقبرهٔ امپراطوری در شمال شرقی موکدن هزار و پانصد عرابه حمل و نقل روسی را ضبط و قشون مستحفظ عرابه‌ها را بشمال و مغرب متفرق ساخته با وجود اراضی کوهستانی نزدیک ظهر به (سیندیغوا) واصل گردیده و از رجعت خصم از



تصویر رجعت قشون روس در موکدن

جوار (تاوا — سیالوا) مطلع گشته فوراً حرکت نموده در ما بین راه آهن و جادهٔ ماندارین بقوای روسی برخورده بشلیک توپ مجبور بهزیمت کرد و قوهٔ روسی با حالت تفرقه بسمت شمال موکدن رانده شد از نتایج محاربانی که در دهم مارس ما بین اردوهای اول و چهارم ژاپونی با قوای روسی جوار موکدن اتفاق افتاد قوای روس چندین فرسنگ منهزماً عقب نشسته پانزده هزار اسیر با انضمام پنجاه و هشت توپ از دست دادند. و از طرف دیگر قوای عمده و اصلی جبههٔ غربی روس با توپخانه و نقلیات خویش هدف حملات ژاپونی گشته پس از دادن تلفات بیک حالت هرج و مرجی در میانهٔ جادهٔ

ماندارین بسمت (تیه لینغ) رجعت نموده ولی توپخانهٔ بی انصاف ژاپونی که درجنوب ایستگاه خط آهن (موزیتیای) قرارگرفته بود دسته‌جات روس را هدف تلفات گلوله‌های مدهش خویش ساخته آخرین نظام و دیسیپلین وی را محو و از یکدیگر متفرق ساخته بیک حالت ترحم و تأسف آوری رسانده بود. در اینموقع قریب چندین صد نفر از سوارهای چپاول و غارت‌گر (غونغوز) هم پیدا شده حمله بدسته‌جات مغلوب و پریشان روسها نموده بیچاره‌ها را بقتیمی مستأصل نمودند که تمام دسته‌جات مزبوره از کثرت ترس و وحشت بارهای سنگین و حتی اسلحه و کیف‌های دوشی خویشرا انداخته مانند یک رمهٔ رم خورده رو بفرار گذاردند. دیویزیون امپریال اردوی اول هم از جوار (کیوزان) حرکت کرده بطلیعه (یوهو-سیانوا) جلو رفته و با کمال بطالت و سنگینی بواسطهٔ مقاومت پیش قراولان اردوی اول روس بزحمت بخطوط (سین تون-یوهو) وارد گردید و خطوط مزبوره که چند ساعت قبل قوای روسی تخلیه کرده بود اشغال نمود. فرقهٔ دوم خاصه خود را بنقاط (یوهو-سیانوا) رسانده و خصم را که از میانهٔ جادهٔ ماندارین و راه آهن رجعت میکردند هدف گلوله‌های مدهشهٔ توپخانهٔ خویش ساخت. دسته‌جاتیکه در نهم مارس (هوشین پو) را اشغال نموده بودند در دهم مارس مجدداً به دیویزیون اول گارد امپریال ملحق شدند درصورتیکه سواره‌های دسته‌جات مزبوره عدهٔ زیادی از عرابه‌های حمل و نقل دشمن را اغتنام کرده بودند. فرقهٔ دوازدهم به تپه‌های مستحکمه که در شرق (تاغوواتزا) و در شمال (تیتیا) واقع است حمله برده درصورتیکه رژیمان ۳۳ فرقهٔ مزبوره از جنوب پیشرفت میکرد خود فرقهٔ دوازدهم از سمت غرب پیش آمده متعرض (تاغوانزا) گردید روسها قریب شش ساعت با کمال رشادت مقاومت و مدافعه کرده بالأخره مجبور تخلیهٔ مواقع خویش شده بسمت شمال عقب نشستند.

وقایعات فوق الذکر مصادف روزهای نهم و دهم مارس و حالت قهقرائی و رجعت قوای متعددهٔ روس بسمت موکدن است که از هر طرف هدف حملات و تعرضات فرق و قوای مختلفهٔ ژاپونی

شده

شده استحکامات و مواقع متینهٔ خویشرا در بلاد و قصبات و قراء ایالت وسیعهٔ مانچوری بتدریج تخلیه کرده و بدست دشمن سپرده بیک محیط دایرهٔ محدود و تنگ حوالی موکدن تجمع و پناهنده شده و در واقع محاربات و مصادماتیکه در این ایام مابین قوای متهاجمهٔ ژاپونی و قوای دفاع کنندهٔ روسی چه در استحکامات در حالت مدافعه و چه در حالت حرکت بشکل رجعت و هزیمت اتفاق افتاده در دهم مارس تقریباً بانجام پذیرفته و شاهد فتح و فیروزی را بآغوش ژاپونیان قرار داده و ابواب تسخیر شهر موکدن مرکز ایالت وسیعهٔ مانچوری را بدست دولت امپراطوری آفتابی داده بود.

در یازدهم مارس جنگهای سختی در جنوب (یوهو) فیمابین دسته‌جات مهمهٔ روس و ژاپون اتفاق افتاده روسها را بکلی مغلوب و بیست و سه هزار اسیر با مهمات زیاد جنگی بدشمن دادند. قوای روسی از نتیجهٔ این جنگ رجعت نموده و اردوهای اول و پنجم با فرقه‌های خاصهٔ دوم و سوم بتعاقب ایشان پرداختند. در عرض راه مجدداً از فرقه‌های مختلفهٔ روس که در حالت رجعت بسمت موکدن بودند قوهٔ امدادیه گرفته و یک ترتیب و انتظام مادی بر قوای خویش داده مشغول مدافعه و محاربه با خصم قوی پنجه شدند ولی طولی نکشید که تفوق عده و حسن انتظام و رشادت فوق العاده. اتحاد معنویه خوبی اسلحه و تجهیزات قوای ژاپونی که یک روحانیت و جدیتی در تمام افراد اردوهای مزبور حکمفرما بود نظام و انتظام مادی را که آلوده بیأس و نقصان عده و اسلحه بوده و حالت رجعت و فرار را داشت بکلی ازهم گسیخته نتایج جنگ خونریزانهٔ مذکوره این شد که روسها بکلی متفرق و پریشان با دادن تلفات و ضایعات کثیره و اسرا و غنایم و مهمات حربیه و غیره بیک حالت بی نظمی فرار بسمت شمال موکدن عقب نشستند.

نظر باشعارات اتاماژوری کل قوای روس تلفات روسها در اثنای این محاربات نود و شش هزار و پانصد نفر است که از این میانه (۲۴۵۷) نفر صاحب‌منصب مقتول و (۶۴۵) نفر اسیر افتادند.

مجروحین

مجروحین روسها که عبارت از چهار هزار نفر است خارج ازین حساب بوده و تلفات ژاپونی ها من حیث المجموع از مقتول و مجروح و از صاحبمنصب و سرباز و تامین چهل و یکهزار نفر است.

کلیهٔ وقایع و حوادثی که در فوق مشروحاً مذکور افتاد تشکیل صحنهٔ محاربات موکدن را داده و آخرین ضربهٔ قطعی بود که دولت ژاپون بر ابقوای روسی وارد آورد یعنی اردوهای معظم و منظم دولت روس کاملاً در میدانهای مانچوری مغلوب و منهزم ساخته ژنرال کوروپاتکین را مجبور بالتجای سمت شمال موکدن نمود بعبارت اخری از ایالات وسیعهٔ مانچوری جز یک قسمت کوچک موکدن و حوالی آن برای قرارگاه بلکه رزمگاه قوای متشتته و متفرقهٔ روس باقی نمانده و اتصالاً این قسمت هم دچار ضیق و فشار شده بود مصادف این ایام از اهمیت و ابهت اردوهای روس گذشته از آنکه کاسته شده بود بهیچوجه آثار فعالیت و جدیتی و لو حرکات ظاهره و مذبوحه هم باشد از ژنرالهای روسی خصوصاً از ژنرال کوروپاتکین در میان نبوده و تا آنوقت که دولت روس با وجود مغلوبیت های متواترهٔ اش اخبار مظفریت و موفقیت های مجعولهٔ خویش را منتشر مینمود ناچار بعدم موفقیت و مغلوبیت خویش اقرار و اذعان نموده ولی امیدواری کامل بجبران مافات و غالبیت قطعیهٔ آتیهٔ خود میداد حتی شرایط تأدیب و تنبیه کامل و مجازات تامهٔ دولت متخاصم ژاپون را هم انتشار داده خیالات واهیه برای استقرار قوهٔ تنفیذیه و سطوت خویش در اقصای شرق میباهات ولی افسوس که قوای متعدده و جهبهٔ دولت امپراطوری نیپون یکسره این تصورات واهیه را سهل است بلکه اقدامات مجدانه در بار پطرزبورغ را از ریشه برکنده و یک درس عبرت و گوشمال سختی بخصم جابر و متجاوز خویش داد که در آتیه تکلیف خود را فهمیده و پا از جادهٔ حدود خویش یعنی (از گلیم خود) دراز نکند.

مهمترین وظیفه و خدمت را در محاربات موکدن اردوی (نوژی) فاتح قلاع پرت آرتور انجام داده و میتوان گفت اگر ضبط و تسخیر بندر پرت آرتور باندازهٔ طول می کشید که قوای وی در نقاط مستحکمه

بندر مزبوره معطل میشد احتمال میرفت که این موفقیات میدانهای حرب شاخو و سوداشیجاعو و حوالی موکدن نصیب ژاپونیها باین زودی نمیشد و ممکن بود بواسطهٔ ورود جهازات بالتیک یا تمرکز و تجمع قوای بریهٔ روس که حالت فراغتی را پیدا کرده و در اجرای نقشه های جنگی خویش آزادی حاصل میکرد تمام نقشه های دربار ژاپون را زیر و رو نماید. بنابرین ناچاراً از حرکات عسکریه و اقدامات حربیهٔ ژنرال نوژی در محاربات موکدن ذیلاً مذکور میکردد که تا وقایع محاربات روس و ژاپون ناقص و ناتمام نشود. اردوی ژنرال نوژی قوی ترین اردوهای پنجگانهٔ دولت ژاپون است کم کم از نوزده هزار قشون بود که در ۲۷ فوریه از مابین رودهای (هون - لیاعو) حرکت کرده و روسها درین حوالی قریهٔ (سوفانتای) را تسلیم کرده و چهل توپ با یک قوهٔ کافیه مستحفظ گذاشته بودند دستجات سوار (میچنکو) هم در این اطراف قرار گرفته ولی خود ژنرال میچنکو در آنجا نبود زیرا که بواسطهٔ زخمی که برداشته بود در مریضخانه خوابیده بود.

ژاپونیها برای اینکه روسها را احاطه کرده و بدون جنگ مجبور برجعت نمایند جناح چپ خود شان را با کمال عجله متحرک ساختند و اول مارس به سوفانتای حمله کرده تمام روز را روسها با توپخانهٔ خویش مدافعه کردند و در این ضمن صاحبمنصبهای یک باطری توپخانهٔ ژاپونی مقتول افتادند شبانه مدافعین روس در تحت تهدید هجومهای خصم قرار گرفته ناچار خالی کرده عقب نشستند.

دوم مارس اردوی نوژی به بیست کیلومتری غرب موکدن رسیده بود در صورتی که جناح راست اردو محاربه میکرد چهل و پنج کیلومتر و جناح چپش هشت کیلومتر قطع مسافه کرده بودند. و بنابرین جبههٔ تمام اردوی مزبور مصادف ایام اخیرهٔ محاربات موکدن از سمت شمال تا جنوب امتداد داشت دستجات روس که از سوفانتای خارج شده بسمت شرق عقب می نشستند پس از تسخیر (چانتان) دچار تعقیب سخت اردوی دوم و شلیک توپخانهٔ ژاپونی گردید.

ازین تاریخ اردوهای (نوژی) و (اوکو) بهم ملحق شده در فضای دشت وسیع بعتبی منبسط شده بودند
که گویی یک دام بزرگ ماهی گیری است در سطح بی پایان دریا.

در این ضمن پیش قراولان فرقهٔ نهم بیک هجوم ناگهانی روسها دچار شدند بعتبی که توپچی های ژاپونی مجال استعمال



توپهای خویش ندا شتند هر چه بدحت ایشان میرسید برای مدافعه بکار برده ولی بلافاصله قوهٔ امدادیه
رسیده روسها را منهزم و بجلو رفتن مداومت نمودند. صبح دوم مارس یک فرقهٔ روسی که از موکدن
میآمد مرکز اردوی نوژی را از سه جهه حمله نموده ولی تهدیدات جناح چپ ژاپونی باین جنگ مختصر خاتمه
داد و روسها با دادن چهارصد نفر تلفات عقب نشستند حالیه قوای ژاپونی بهفده کیلومتری موکدن

رسیده بود تا حال جریان اوضاع موافق مرام و آرزوی ژاپونی ها بوقوع پیوسته و ژاپونیان در نقشه
جنگی خویش موفق شده افراد قشون ایشان مطمئن بیک فتح و فیروزی قریب و محقق بودند.

چهارم مارس تمام این خیالات ژاپونیها در موفقیت و مظفریت ایشان بکلی بهم خورد زیرا که بجای
حمله کردن بجناح چپ دشمن روسها برای حفظ و وقایهٔ خویش ازین ضربهٔ قطعی تدابیر لازمه اتخاذ
کرده بودند. اردوی اوکو در این ایام در حالتیکه مشغول زد و خورد در راه آهن بود اردوی نوژی
هم مصادف مواضع محکمهٔ دفاعیه خصم گشته جناح راستش با ستحکامات (چینچه تین) مرکزش بمواضع متینه
(لیکامیو) و جناح چپش بمواقع محکمهٔ (داشیجاعو) که در سر راه موکدن و (سین مین تین) واقع بود
متصادم گردید. نوژی تصور میکرد که دشمن را خارج از میدان حرب ملاقات خواهد کرد و ابداً
از خاطرش خطور نمی کرد که اردویش یکدفعه بمواضع متینهٔ خصم برخورده مجبوراً متوقف خواهد بود.
فقط جناح چپ نوژی میتوانست اجرای عملیات جنگی و حرکات دفاعی نماید و چون از حیثیت ارکانی
برای اجرای مقصود و پیشرفت خیال ژنرال مزبور نبود لهذا مطالبهٔ کمک خواسته و مارشال اویاما
فرقهٔ سوم احتیاط را بسمت جناح چپ اردوی نوژی ارسال کرده و فرقهٔ مزبوره مابین نوژی
و اردوی اوکو قرار گرفت.

دهات این حوالی عموماً مستحکم بود. راه آهن در چند کیلومتری مشهود و ستونهای متعدد تلگراف که دشت
وسیع را سرتاسر می پیمود یک خط مستقیم طولانی را تشکیل میداد. و اصل شدن با آن خط مستقیم مزبور
شاه راه فتح را در آغوش می گرفت.

اگر قطع کردن جادهٔ عقب سر قوای روس ممکن میشد ژاپونی ها تمام اردوهای روس را اسیر می گرفتند
ولی چه فایده که یکقدم پیش رفتن هزاران اشکال داشت. قطارهای واغون که پر از بار بود مابین
(تیه لین) و موکدن رفت و آمد کرده و قطارهای مزبور در زیر آتش توپخانه مراوده میکردند.

در هر قریه یک جنگی اتفاق می افتاد و توپخانه ژاپونی برای تحصیل موفقیات عمده بیشتر بمواضع روسها نزدیک میشدند ولی اسب و افراد نظامی بود که بخاک می افتاد. بعضی باطریها بمسافت ششصد متری تقرب کرده بودند. یکدقیقه وقت برای فوت کردن باقی نبود و برای هجوم بایستی بهر گونه فداکاری تحمل کرد. هفتم مارس در (لیغاپو) سیلابهای خونین جاری و اردوی نوژی شب و روز بلا فاصله بخصم حمله میبردند و در ضمن مواضع خویشرا هم محفوظ میداشتند. ژاپونیها برای جلو رفتن ولو چند قدم باشد حاضر بهمه قسم قربانی و فداکاری بودند ولاینقطع قوای امدادیه بروسها میرسید. در یک قریه بنام (ماکیاچو) توپخانه ژاپونی تمام صاحبمنصبان خویش را از دست داده و یک سرجوقه فرماندهی میکرد.

هشتم مارس با یک یورش توپچی های مواضع روس را ژاپونیها از شمشیر گذرانده و خط آهن را بطول هشت متر و خطوط تلگراف را بطول یکصد متر با مواد مشتعله خراب کردند ولی روسها در عرض هشت ساعت تعمیر کرده و راه آهن مجدداً کار میکرد. اردوی روس مشغول رجعت و در چهار هزار متری مقابل قوای ژاپونی حرکت می کردند. جنگ بشدت تمام درگرفت معروفترین قهرمانان پورت آرتور مقتول افتاد. نهم مارس ژاپونیها به (پولین) هجوم کردند در این ضمن گرد و باد سختی برخواست و جنگ هم با آن گرد و باد رو بشدت گذاشت. روسها با قوای عمده از هر طرف هجوم کرده یک هرج و مرجی در کار بود. هیچکس در این گیرودار نمیدانست چه اتفاق می افتد شدت جنگ و گرد و باد تیره طرفین را در این میدان مقاتله بدون دیدن و فهمیدن اوضاع جنگ بجان همدیگر انداخته تیر و توپ و تفنگ و گلوله از هر سو و لوله باطراف و اکناف انداخته بود ولی ژاپونیها با وجود این هرج و مرج تیره کی و شدت کولاک خاک نظام و انتظام خویشرا از دست ندادند حملات خصم با کمال شدت از جناح چپ دفع و برطرف گردید هیچکس نمیدانست چه اتفاق می افتد فقط از هر طرف جنگهای سرنیزه و آتش توپخانه و حملات متوالیه پیدا بود ژاپونیها بر تهور و شجاعت افزودند و روسها با یک حالت پریشانی مشغول رجعت ولی انقلاب هوا مانع درک این

مسئله بودند. در این گیرودار جناح چپ اردوی نوژی مشرف بهزیمت بود کماندان جناح مزبور تلگراف ذیل را بژنرال فرستاد (دچار مخاطرات هزیمت هستیم. عده قشون ما کم شده بیش از چهار ساعت تاب مقاومت نداریم قوه امدادیه اگر نفرستید تمام زحمات ما بهدر رفته و موفقیات ما بیأس و پریشانی تبدیل خواهد یافت). بنابرین فرقه نهم از مرکز عاجلاً بسمت جناح چپ حرکت کرده و فرقه یازدهم هم جای فرقه نهم را در مرکز گرفت. در دهم مارس که فرقه نهم وارد جناح چپ گردید محاربات سمت جنوبی با مظفریت ژاپونیها خاتمه یافته و هنوز در این حوالی جنگ در کار بود. ورود فرقه نهم یک فعالیتی بجناح چپ اردوی نوژی داده که گذشته از آنکه شکست فاحش بروسها دادند و رجعت روسها را بسمت (تیه لین) سخت و بلکه دچار تخریبات و ضایعات عمده نمودند در این ضمن اردوی اوکو از نتایج حملات متوالیه دشمن را از جلو موکدن کنده و شهر موکدن را ضبط و اشغال نمود. مصادف همان روز قشون نوژی با یک صولت محیر العقول خود را بخط آهن رسانده و از اینرو قسمت کلی قوای روس فرار کرده بسمت شمال رفتند.

یازدهم مارس جناح چپ و راست اردوی نوژی باهم ملحق شده قوای روس را احاطه نمودند ولی چون قبلاً موکدن تسخیر یافته بود بدبختانه خط حرکت قدری تأخیر افتاده و بجای سیصد هزار نفر اسیر سی هزار اسیر از روس گرفته قوای روس را کاملاً بسمت شمال موکدن چندین فرسخ دورتر از شهر مزبور راندند. وقت صبح دهم مارس دستجات ژنرال (اوقوبو) رود هون را با تعقیب دشمن میگذشت مشارالیه دید که بوادی رود مزبور رسید سطح منجمد آب را آلوده بخون و اطراف و اکناف را مستور از تل های نعش های ژاپونی دیده فوراً فرمان توقف بدستجات خویش داده کلاهش را برداشت و تمام صاحبمنصبان و افراد قشون نیز با کمال احترام جلو تلهای نعشها سر برهنه صف بسته ژنرال نطق ذیل را خطاب بفدائیان وطن ایراد نمود: ای اولادان غیور و خیر الخلفهای وطن! روح شما شاد و بر روان شما بشارت باد که

در سایه جانفشانی شما مغلوب و منهزم گردید تمام ابنای وطن رهین و مدیون تشکرات شما هستند زیرا این مظفریت را در سایه شما بدست آوردند. این خطابه یک رقت و ملالت خیلی مؤثری بتمام افراد دسته‌جات حاصل کرده چند دقیقه غریق عالم حزن بودند و پس از این مراسم احترام حرکت کرده و تا مسافت بعیده تمام افراد یکیک برگشته بنعش‌ها با یک حالت تأثر و تأسف و با یک چشم شفقت و حرمتی نگاه کرده آه کشیده براه می‌افتادند گرچه اردوهای ژاپونی موکدن را متصرف و در جوار آن اردوهای خویش را قرار داده و اهالی موکدن شهر را زینت داده از ورود ژاپونی‌ها اظهار مسرت میکردند ولی خود ژاپونیها از افراد نظامی گرفته تا صاحبمنصبان جزء و کل و حتی فرماندهان اردوها هم با آنکه بدشمن سومین بلکه چهارمین مرتبه ضربه قطعی غیر قابل تعمیر و ترمیمی وارد آورده و در محاربات موکدن قوای عمده روس را بکلی مغلوب و منهزم کرده بودند بجای آنکه اظهار مسرت و شادی نمایند و مشغول عیش و عشرت بشوند با یک متانت و سکونت و وقار معقولانه امرار ایام نموده بلکه از وجنات ایشان آثار حزن باطنی هم هویدا بود و علت آنهم فقدان ژاپونی‌ها و ملالت رفقای خویش بود که در دشتهای وسیعه مانچوری نعشهای بیجون غلطیده ایشان را گذاشته و گذشته بودند و این تولید عزم راسخی در افراد ژاپونیها برای گرفتن انتقام کامل برای راحتی روح و استراحت روان جان نثاران وطن خودشان کرده بود که هیچ قوه نمیتوانست ایشانرا ازین عزم منصرف سازد.

اوضاع داخلی موکدن در هنگام محاربات — قبل از آنکه این فصل را بانجام برسانیم لازم دیدیم گوشه از جریان اوضاع داخلی شهر موکدن در هنگام محاربات میدانهای شهر مزبور مذکور داریم در اواخر ایام محاربات موکدن، روسها در خود شهر یک زندگی فوق‌العاده اختیار کرده بودند.

انظار یکه در اثنای این جنگها متوجه شهر موکدن بود شهر مزبور را در توی یک جشن و شادیهای فوق‌العاده مشاهده میکرد گویا از آثار فتوحات کامله موکدن را آئین و آذین بسته بودند. درصورتیکه نایره جنگ

در تمام اطراف و اکناف مشتعل بود در توی چهار حصار موکدن که مقر حکومت مملکت سابقه مانچوری بود هیچکس نمیدانست چه وقایعی جاری است درحینی که هشتصد هزار نفر نفوس با یک جدال و جنگ خونریزانه و وحشیانه بمحو و افنای یکدیگر مبادرت و مسارعت مینمودند شهر موکدن غریق یک سکونت و استراحتی بود فقط گاه گاهی اخبار مبهم و مجهول راجع بفتوحات روس انتشار می‌یافت.

هفتم مارس درصورتیکه ژاپونی‌ها نزدیک محوطه موکدن شده و از حیات شهر مزبور در دست روسها بیش از دو سه روز باقی نمانده بود که بدست ژاپونی‌ها سقوطش واقع شود یکدسته قزاق دو نفر ژاپونی اسیر را کشان کشان در چهار طرف شهر گردانده و بچینی‌ها نشان میدادند و میفهماندند که اینک علائم فتح و فیروزی ماست بر دشمن.

یک هیئتی از تجار مقیم موکدن نزد مدیر پولیس شهر مزبور مسیو (لیپونوف) رفته و از مشارالیه مستفسر میشوند که اوضاع جنگ بچه ترتیب است آیا باید شهر را ترک کرد یا متوقف شد جواباً مدیر پولیس اظهار میدارد (آسوده باشید و براحتی خیال بروید پی کسب و کار خودتان مشغول باشید موکدن بطور همیشگی در دست روسها خواهد ماند. اردوهای ما حالا مشغول اجرای یک حرکت عمده هست و از این حرکت تا دو روز دیگر قوای ژاپون را بکلی محو و پریشان خواهیم کرد)

گرچه هیئت تجار ازین جواب و اظهارات مدیر پولیس موکدن خوشوقت برگشتند ولی بیچاره‌ها مسبوق و مستحضر نبودند که این حرکات عمده اردوهای روسی که مسیو (لیپونوف) خبر میداد و محو و پریشانی قوای ژاپونیرا پیش‌بینی میکرد ناشی از یک حرکت رجعت و مغلوبیت قشون روس از محاربات موکدن بود که باین عنوان مجبور شدند اهالی را ساکت و متقاعد ساخته شهر را تخلیه کرده قوای خودشانرا در یک نقطه دیگر مرکزیت بدهند. این خوشوقتی تجار موکدن نه از راه نفرت از ژاپونی‌ها است بلکه سود عظیم مستلزم این فرح و شادی بود زیرا که در هنگام جنگ مانچوری شهر موکدن یک بازارگاه عمومیرا

تشکیل داده بود که در واقع یک تجارتگاه مهم و معتنابه مملکت وسیعهٔ چین شده بود که از هر طرف مملکت مغولستان و سیبری و اطراف آن اشخاص مختلف و متنوعی که منسوب باقوام و نژادهای متفرقه بودند با یک جزئی سرمایه بموکدن شتافته در عرض یک مدت کمی با یک ثروت مهمه برمی گشتند. این اشخاص موکدن را مملو از مسکرات کرده تمام دکانهای اهل چین را تبدیل بیک میخانه کرده بودند که برای قشون روس در حقیقت در حکم یک عشرتگاه و بلکه تفرجگاه بود.

دستجات قشون روس از یکطرف دار الحرب بطرف دیگر یکه می شتافتند بعض اوقات از توی شهر موکدن گذشته و در آنجا مست میکردند. این سربازها با یک حالت خسته و ناتوانی می آمدند مست و سرخوش و حریص جنگ و جدال میرفتند و پولهائی را که در عرض چند ماه در پشت سنگرها و استحکامات جمع کرده بودند بجیب مسکرات فروشها خالی کرده برمیگشتند آنهائی هم که پول نداشتند از اسلحه و تجهیزات یا از بالاپوشهای بلند خویش منصرف و خلع میشدند یک عصری دو نفر قزاق داخل یک مغازهٔ فرانسوی شده موافق میل و دلخواه خویش خورده و نوشیده و عوض اینکه پول بدهند بصاحب دکان هم با یک حالت سرخوش و مست تکلیف کردند که هرچه پول دارد با آنها تسلیم نماید درین موقع دو صاحبمنصب از جلو دکان میگذشتند. فرانسوی بآنها خطاب کرده و گفت (نگاه کنید سربازهای شما را لخت میکنند) صاحبمنصبها خندیده و راه خود شانرا گرفته و رفتند. تاجر مذکور به پشت دکان رفته و از آنجا بقزاقها می گفت که (بشما پول میآورم) و چند دقیقه بعد با یک تفنگ پر وارد شده بهر دو قزاقها تیر خالی کرده و آنها را کشت و هرچه اشیاء قیمتی اش بود برداشته به (سین مین تین) فرار کرد. این قبیل اتفاقات از وقایع متعارفه محسوب می شد زیرا اتصالاً از اینگونه حوادث اتفاق می افتاد.

بهترین و باشکوه ترین خیابانهای بلاد عالم یکی هم جادهٔ کبیر موکدن بود که شب و روز صاحب منصبان روس و رجال بزرگ با عرابه های مجلل و مزین چینی اتصالاً در خیابان مزبور گردش کرده و افراد اهالی و

ونظامیان روس هم از میان ازدحام مخلوق بزحمت و اشکال تردد میکردند و در جلو میخانه ها جمع و بعشرت و خوش گذرانی می پرداختند و چون بالای هر دکان و عمارتی بیرقهای متعددی نصب و مزین کرده بودند روسها این جاده را بنام خیابان (بیرق دار) موسوم کرده بودند. تمام حیات و فعالیت موکدن در این خیابان جمع شده و هر قدر دایرهٔ محاربات باین شهر پر شور و ولوله نزدیک تر میشد حیات رذیلانه و زندگانی مسرفانهٔ روسها که اسم آنرا عیش و شادکامی گذاشته بودند زیادتر میشد برای آنکه آلام و مصایبی که روسها باطناً از نتایج مغلوبیت خویش احساس میکردند مجبور میشدند با ذوق و صفا و زد و مستی مسکرات از خاطر محو و بیرون نمایند و برای بدست آوردن اسباب مشتهیات نفسانی موقتی خویش که از آثار هوا و هوس و اخلاق فاسده است هرچه پول و دارائی داشتند وقف می کردند. خصوصاً ایام یکشنبه و شبها که تمام صاحبمنصبان و سربازها با خانمها و رفقای خویش دست بدست داده مست و سرخوش با حرکات مجنونانه در خیابان بیرقدار گردش کرده و بقسمی ازدحام میشد که مردم بعسرت عبور میکردند. تجار چینی و سایرین هم ازین اسراف و تبذیر روسها استفاده کرده مداخل زیادی میکردند.

خبر سقوط پرت آرتور که در شهر و حوالی موکدن رسید روسها محض اینکه از اهمیت آن کاسته و مردم را دچار وحشت نسازند در دهات مجاور و خود شهر مراسم جشن و شادمانی زیادتر از سابق فراهم آوردند تمام روسها از نایب و صاحبمنصب گرفته در این جشن شرکت کرده مشغول تفریح و رقص بودند حتی زنان صلیب احمر هم میرقصیدند از هر سمت صدای ساز و آواز و موزیک شنیده میشد پیش قراولان قشون ژاپونی از استماع این صداها و جشنهای عیش و عشرت مات و مبهوت شده بودند.

ولی بمجرد یکه عدم موفقیت روسها در محاربات موکدن تحقق پیدا کرده و مغلوبیت ناگزیر روسها واضح و ثابت گردید یکدفعه این عیش و خوش گذرانی بیک رنگ و صورت دیگری تبدیل یافت روسها تغییر مسلک و حرکت کرده بنای ضبط و توقیف اموال و دارائی اهالی گذاشتند. رئیس نظمیه روس ماژور

(چارچوف) بیشتر از همه حاضر بفرار شده و اداره و اجزاء و اسباب مخابره راجع به نظمیه خویشرا قبلاً بیک ترن با شتاب حمل و نقل داده و بعد متمول ترین و معروفترین تجار موکدن را احضار کرده در صورتیکه تمام ایشان کلاهها بر داشته سر برهنه با کمال احترام صف بسته بودند مازور مزبور با ایشان اخطار کرد که تا بیست و چهار ساعت باید شهر موکدن را تخلیه و ترک نمایند و هر چه تجار تمنا و استغاثه نمودند که لااقل زیادتر ازین مدت مهلت داده شود تا آنکه آنها بتوانند اموال شانرا بفروشند و یا بتوانند حمل و نقل کنند والا اسباب ضرر و ورشکستگی آنها خواهد بود بدرجه قبول مقرون نگردید.

یگانه طریق فرار جادهٔ (سین مین تین) بود که خیلی وقت قبل ازین در تحت اشغال دشمن قرار گرفته بود. معاون مدیر پولیس (لیپونوف) یک چارهٔ نجات برای تجار مزبور ارائه و تلقین داد و گفت (برای من دوازده هزار منات بیاورید من وسائل تأمین و سلامتی شمارا فراهم میاورم) آنهائیکه مبلغ مزبور را تقدیم (لیپونوف) نمودند با آزادی کافی لسابق مشغول داد و ستد و تجارت خویش شدند.

از صبح نهم مارس در موکدن برعدهٔ قشون روس بی اندازه افزوده شده بود زیرا که از نتایج رجعت اردوهای روس بشمال موکدن و مغلوبیت متوالیه ایشان سربازها بشهر و حوالی خیلی نزدیک ملتجی شده و ازینرو ازدحام مردم بدرجه کمال رسیده بود از کثرت جمعیت گرد و بادهای کوچها و خیابانها تمام عمارات و ابنیه و حتی معابدیکه در دروازه ها بود با یک طبقه سفید گرد و خاک مستور شده بود. حالیه نظمیه چینیها با البسه قرمز در توی دیوار سوم شهر جمع شده و برای حفظ و حراست مقابر و معابد و عمارات امپراطوران خویش که یادگارهای گرانبهای قرون و اعصار سالفه و سابقهٔ تاریخی بود کمال جدیت و کوشش مینمودند. قشون روس باین مقابر نزدیک شده و درصدد داخلشدن توی آنها بودند ولی قرمزپوشهای نظمیه و سیاه پوشهای پاسبان چینی مخالفت کرده آنهارا بیرون مینمودند و ازینرو مابین ایشان این محاربات خونینی اتفاق می افتاد با وجودیکه ورود قشون فاتح و غالب ژاپون بشهر موکدن حتمی الوقوع بود و علاوه از آن علایم مادی

و آثار

و آثار ظاهری هم کاملاً حاکی و مؤید این مسئله شده بود زیرا که از هر طرف حمل و نقل مهمات. حرکت دسته‌جات رجعت قشون، اضطراب و تشویش نظامیان روس، فشار و تضییق محصورین موکدن، تغییر رفتار سالداتها نسبت باهالی. عجله و شتاب. هجرت و فراریکه از هر سو پدیدار بود از یکطرف و از طرف دیگر برچیده شدن بازار کاهها. تهیه وسائل عزیمت اجنبی ها. حرکت مأمورین کشوری موکدن و اشغال اسناد و دفاتر ایالت مانچوری از مرکز مزبور. تغییر محل قرارگاه عمومی وغیره هم مزید بر علت شده بود با وصف این حال هنوز در وضع ترتیب و حیات شرب الیهود خیابان بیرقدار تبدلاتی عارض نشده و همان طریقهٔ سابقه عیش و بد مستی و لوله و هرج و مرج و امثال آن اجرای نفوذ میکرد. چنانچه بیک مغازهٔ سلمانی اروپائی صاحبمنصبان روسی که تمام لباس و کلاه و چکمهٔ ایشان پر از گرد و خاک بود اتصالاً داخل و خارج شده مثل اینکه بیک مجلس ساز و رقص یا نمایش عالی میخواهند بروند در توی مغازهٔ مزبوره گرد و خاک کلاه و چکمه و لباس خویشرا پاک کرده سر و زلف خویشرا شسته و شانه و عطر زده و توآلت کاملی کرده بیرون میآمدند و هر یک از صاحبمنصبهای مزبور پس از خاکی کردن یک شیشه عطر سلمانی و نیمساعت توآلت چندین منات پول روی میز انداخته بیرون میآمدند.

آرایش و زینت کردن سر و صورت

مصادف این ایام یکدفعه از یکی از دروازه های جنوب موکدن یکدسته سوار اکتشافیه قزاق روسی چهار نعل با کمال تندی از خیابان عبور کرده و اتصالاً (ژاپونی ها - ژاپونی ها) صدا میکردند اهالی از مشاهدهٔ اینحال بوحشت افتاده در و تخته و دکانها و مغازه های خویشرا با کمال عجله تخلیه کرده خانه های خویشرا ترک کرده با یک تشویش و اضطراب تمامی گروه گروه رو بفرار و بهر طرف و آنطرف دویده برای خویش پناه و تأمینی میجستند. در یک آن تمام خیابان بیرقدار که با آن شکوه و جلال مملو از خلایق بود بکلی خالی شده و یکنفر ذیروح و جنبنده پیدا نمی شد. از هر طرف صداهای با شدت بسته شدن درهای عمارات شنیده میشد. پس از چند دقیقه خوف و وحشت شهر یکدفعه غرق یک سکوت و سکوت عمیقی گردید. اوامر منوالیه

ازفرار

از قرارگاه عمومی روس‌ها وارد دستجات متفرق مأمور ساخلوی شهر و حفظ و حراست اطراف و دروازه‌ها دسته دسته آمده در خیابانها جمع شده و بیک حالت نظامی شهر را تخلیه کردند

ایستگاه خط آهن در غرب شهر موکدن و در مسافت دو کیلومتریمی بود. این ایام در اینجا یک فعالیت غریبی پیدا شده از هر طرف دستجات سوار در حرکت و اوامر لازمه باینطرف و آنطرف میبردند. رژیمانها و باطریها پشت سر همدیگر حرکت و رجعت میکردند. قرارگاه مرکزی هیئت عسکریه روس در اینجا جا گرفته و در اطراف ایستگاه مزبور عمارات عالیه. مغازه و مریضخانه‌ها و تفرجگاه‌ها بازارگاه و تجارتخانه و میخانه‌ها و باغچه‌ها و آب جو فروشی و سایر ابنیهٔ نظامی و ادارات حکومتی و کشوری تأسیس یافته و یک شهر موکدن ثانوی ایجاد یافته و روز بروز بر عدهٔ دکانها و مغازه‌ها بترتیب اروپائی‌ها افزوده و یک بلدهٔ جدیده بوجود آورده بود که اینجا تشکیل محلهٔ روس‌ها را کرده بود. در این نقطه یک هرج و مرج غیر قابل تصوری از هیجان قشون خسته و ناتوان و صدای اسلحه و طبل دستجات روسی که با یک پریشانی و هزیمت تمامی رجعت کرده و در آنجا جمع شده بودند حاصل شده و اینها اردوها و فرقه‌های دفاع کنندهٔ دولت روس بودند که از حملات و محاربات شدیده اردوهای (اوکو) و (نوژی) شکست خورده با کمال عجله وارد میشدند. و مسلماً این عقب نشستن و رجعت با سرعت روس‌ها که رشادت متهورانه و تهاجمات غیورانهٔ ژاپونیها مجال نظام و حسن انتظام بر آنها نداده تبدیل بیک بی‌نظمی و اختلال شده بود که ورود ایشان بقرارگاه جدید مرکزی و تشکیل نظام و دسیپلین صحیح برای خط حرکت آتیهٔ خویش گذشته از آنکه خیلی مشکل و متوقف بچند مدتی بود یک انقلاب و اغتشاشی هم در حوالی محلهٔ روس‌ها تولید کرده بود. خصوصاً از میدانهای جنگ بتدریج قافله‌های مجروحین و عرابه‌های جبه‌خانه‌ها که غالباً خالی و چرخ و سایر قسمتهای ایشان خون آلود بود یک منظرهٔ حزین و عجیبی هم پیدا کرده و پشت سر آنهم پنج مریضخانهٔ بزرگ هیئت صلیب احمر که مالامال و پر از زخمی‌ها و ناخوش‌ها

بود وارد گردید و برای تعیین محل و جابجا کردن ایشان هم اشکالات جدیده فراهم آمد بدین ترتیب اشخاصیکه بطور مهلک زخم برداشته بودند بیرون مریضخانه‌ها جا داده و نعش‌های ایشانرا و هم تل کرده توی گودالهای عمیقی دفن میکردند و این منظرهٔ خودش کاملاً حاکی نمایشات میدانهای جنگ موکدن و مغلوبیت‌ها بلکه بدبختی‌های قشون روس را در صفحهٔ شطرنج مانچوری بود که علی‌رغم سعی و کوشش تاماً ماژوری کل قوای روس در پوشیدن حقایق و دقایق دارالحرب با کمال دقت بمعرض جلوه و تماشا میگذاشت.

قرارگاه عمومی ژنرال کوروپاتکین در همین ایستگاه بود مشارالیه در هشتم مارس صبح در حوالی مزبور با سواره یک تفتیشی تا استقامت معبد (په‌لین) نمود ولی در وجناتش آثار حزن و تأثر پیدا بود. راه آهن‌ها با هزاران واغون و لوکوموتیف پر از قشون و مهمات جنگی بسمت (تیه‌لینغ) متوالیاً حرکت میکردند. اینها همان قطارهائی بودند که ژنرال نوژی در موقع جنگ در پانصد متری جناح در بالا مذکور افتاد دیده بود که اتصالاً در تردد بودند. علاوه ازین دستجات و فرقه‌های متعدد هم پیاده با یک تلاش مخوفی بسمت شمال عزیمت میکردند و همواره بر عدهٔ حرکت کنندگان می‌افزود و بعض فرقه‌ها بطول راه آهن بشکل موازی راه میرفتند.

بعد از خطر اولیای امور دولت روس بتمام تجار و اهالی که در جوار ایستگاه خط آهن توقف کرده بودند امر تخلیه و ترک شهر را داده و علاوه از این وسائل تخریب و احراق محلهٔ روسی را هم فراهم نمودند هیچگونه عرابه برای حمل و نقل باقی نمانده تمام عرابه‌ها و اتوموبیل‌ها حتی دوچرخه‌ها و سایر اسباب نقلیه را ادارهٔ عسکریه اجاره نموده و قریب هزار عرابه در ایستگاه حاضر و مشغول حمل و نقل اشیاء و لوازمات حتی اسبابهای تلگرافهای صحرائی وغیره بودند.

نهم مارس قسمت جنوب اردوگاه بکلی خالی مانده بود. دشمن شبانه خط عبور را قطع کرده بدینجهه سکته برای حرکت ترنها وارد شد ولی وقت سحر مجدداً به نقلیات مداومت نمودند. ترنها

بعضی پر از اشیاء و قشون بود که از افرادهای سربازها بالای واغونها نشسته بودند.
روس‌ها که در مواقع ترک مواقع خویش شهر و محلهٔ روسی را آتش زده رفته بودند باد سخت میوزید



ازاین جهت آتش حریق بیشتر بر شدت و سرایت خویش افزوده تمام اطراف و اکناف را توی طوفان و سیل های حریق خانمانسوز قرار داده بود. نایرهٔ اشتعال بتدریج به سربازخانه‌ها مغازه و قراولخانه های چوبی و کم کم بچادرها. مغازه‌ها. تجارتخانه‌ها و مبانی عالیه رسیده یکدود غلیظی که چندین فرسخ حول و حوش را احاطه کرده بود متصاعد شده و بقیة السیف سربازانی که عقب مانده متفرق و با یک عدهٔ قلیله بفاصله میآمدند بنای غارت و چپاول را گذاشتند. سربازان روسی

بانیزه‌ها

بانیزه‌ها جیب های مشروبات را سوراخ کرده در توی آتش میخوردند ولی تقرب آتش و اشتعال ظروف الکل و عرق و سایر مشروبات الکلی اشیاء را مجبور بفرار کرد.

مبانی و اماکن متعاقب یکدیگر طعمهٔ لهیب گشته و بالاخره بدو مریضخانهٔ بزرگ صلیب احمر سرایت کرد مجروحین و زخمی‌ها باهزاران زحمت ازمیان یک کروه مخلوقیکه در عیش و عشرت بودند نجات یافتند. حوادث رجعت و یغما بشهر موکدن رسیده یک عدهٔ اراذل و گرسنه بی سر و پای چینی که در کنار شهر متوقف و دائماً منتظر یک موقع استفاده بودند با یکصدا و حرکات وحشیانه بسمت ایستگاه دویدند و با وجود شدت آتش بغارت بقیة السیف پرداخته و حتی عدهٔ در زیر خرابی های عمارات بواسطهٔ حریق تلف شده و یا توی آتش سوختند.

صبح دهم مارس دسته سوار اکتشافیهٔ ژاپونی منسوب باردوی ژنرال نوژی پیدا شده پس از تفتیش اطراف و جوانب در سمت شمال از چشم پنهان شدند. هنوز محلهٔ روسی میسوخت در جاده‌های حول و حوش جز نعش های مقتولین و اموات کسی پیدا نبود زیرا همه بدون استثنا فرار کرده بودند.

چند دقیقه بعد پیش قراولان اردوی چهارم وارد شدند. بعد از ظهر اردوی نوژی از میانهٔ ایستگاه خراب شده خط آهن که هنوز میسوخت عبور کردند. در سمت شمال باز محاربه شروع یافت برای آنکه مارشال اویاما قدغن کرده بود که در داخل موکدن جنگ ننمایند بنابراین قوای ژاپونی از دیوار خارجی شهر حرکت میکرد. اشغال و تسخیر شهر و حفظ نظم و امنیت آنجا بعهدهٔ اردوی دوم تفویض کردید و همانروز دستجات متعددهٔ ژنرال اوکو وارد شهر گردید. عصری بعض سوارهای قزاق در محله‌های دوردست شهر برای سرقت گردش میکردند پاره از اوباش و اراذل سیبری درهای مغازه‌ها را باز کرده و هرچه اموال در درون آنها بود بغارت میبردند. شب صداهای مهیب چرخ عرابه‌ها و توپها و حرکات دستجات و مهمات در کوچه‌ها شنیده میشد و صبح هم قتل و غارت در اینطرف و آنطرف

شروع

شروع نمود. در کوچها بمحض اینکه یک چینی بیچاره پیدا میشد مقتول می افتاد. قزاقها از یک خیابان بخیابان دیگر جهار نعل دویده با نوک نیزه ها و قنداق تفنگ بدرهای خانه ها زور می آوردند بمجرد که یکدر باز میشد توی آن وارد شده مشغول قتل و غارت میشدند. این افراد قشونی که در میدانهای جنگ نتوانستند بوظیفهٔ خویش عمل نموده جواب خصم مقتدر را بدهند حالا حرص خونخوارانهٔ خود شانرا بدینواسطه تأمین و تطمین مینمودند. مختصراً شرح وقایع فجیع و حرکات وحشیانه و خونریزانهٔ قراریان قشون روس در موقع رجعت از شهر موکدن غیر قابل تصویر و تصور است و عاقبت الامر خطر رجعت این نعجا گرا نرا ژاپونی ها مقطوع ساخته و آنهارا مجبور نمودند که برای برگشتن بدستجات کوچک ملحق شده با مصادمات راه فرار پیدا نمایند ولی غالباً هدف گلوله و تفنگ های خصم شده جانرا در راه غارت برایگان دادند. عصر روز مزبور فرقهٔ چهارم با یک شکوه و جلال تمامی از دروازهٔ جنوب بشهر موکدن فاتح و مظفر داخل شده و بیرقهای شمس طالع را در تمام دروازه های شهر مزبور نصب و مرکوز کردند.

فردای روز مذکور تمام شهر با بیرقهای چینی و ژاپون آراسته گشته و یک حیات جدیده در شهر پیدا شد اهالی با یک فرح و شادی از منازل و مساکن خویش بیرون آمده یکدیگر را برای نجات یافتن از ظلم و حرکات بابرانهٔ روس تبریک گفته مغازه ها و دکانهای بسته که صاحبانش فرار کرده بودند باز شده مردم فوج فوج دسته بدسته در کوچها و معابر گردش و سیاحت میکردند یک نفر روسی برای نمونه در شهر پیدا نبود. دولت ژاپون ادارهٔ کشوری. حکومت و نظمیه برای تأمین رفاهیت و آسایش خلق ترتیب داده قشون ژاپونی با اهالی با کمال حسن خلق و خوش رفتاری سلوک میکردند وضعیت شهر بقسمی تغییر یافته بود که بجای قتل و غارت وحشت و اضطراب دیروز سکونت. امنیت رفاهیت جانشین و قایم مقام آن شده بود

اهالی چین برای تماشای دستجات کثیرهٔ اسرای روس بکوچها ریخته برای رفتن اردوگاه ژاپونی از

یکدیگر سبقت و تقدم میجستند و از مشاهدهٔ ایشان قلباً یک حظ و فرح فوق العاده احساس میکردند و نهایت تعظیم و احترام به بیرقها و دستجات قشون ژاپونی بعمل میآوردند. موزیک نظامی ژاپونی در چندین نقطهٔ شهر با نغمات قشنگ اهالی را مسرور و محظوظ میکرد اهالی چین از دیدن سربازان ژاپونی چنان اظهار خوشوقتی مینمودند که مثل آنکه قشون چین فاتح را مشاهده میکردند.

نظریات متخصصین نظامی راجع بمحاربات موکدن — محاربات موکدن از جملهٔ جنگهای مهم و قابل استفادهٔ میدانهای حرب قرون حاضرهٔ جدیده است. در این جنگها ژاپونیها که عدهٔ ایشان بطرف مقابل مساوی و بلکه در پاره اوقات در مادون خصم واقع بودند با یک فداکاری تمامی که و اقعاً سرمشق تمام عالمیان است بمواضع مستحکمهٔ روسها حمله برده و دشمن را با یک رشادت و تهور فوق العاده از میدان حرب مغلوب و منهزم خارج نمودند.

تحصیل موفقیات در محاربات فقط با مدافعهٔ مطلقه نبوده بلکه بدون عطف توجه بانکالات و نواقص موجوده با کمال عزم حرکات تعرضکارانه را اختیار کرده خصم را بهر وسیله است مبتلا و گرفتار عملیات اقدامات جنگی نمود. گرچه ژاپونی ها در موکدن نایل موفقیات شدند ولی از حیث نقطهٔ نظر جنگی نتوانستند باضمحلال و محو قوای روسی کاملاً موفق شوند و بدبختانه نتایج محاربات (بیه نا) و (سدان) در این میدانها بمنصهٔ ظهور و بروز نرسید مارشال اویاما فرمانده کل از آغاز جنگ علاوه از دستجات احتیاط خصوصی اردوها قوای احتیاط عمومیه را که عبارت از فرقهٔ سوم و رزیانهای اول و سیزدهم و چهاردهم بود در پشت سر مرکز برای تقویت آن قرار داده بود که این نقشه بهیچوجه با وضعیت جنگ با قوای روسی آنوقت مقتضی و موافق نبود. علت حرکات فرمانده کل ژاپونی این بود که در موقع تعرض اردوهای سوم و پنجم بجناحهای اردوهای روس حملات دشمن را برای قطع مرکز وی جلوگیری نماید و بنتیجه متوسل بقوای عمومیه احتیاطیه شده بود در صورتیکه مرکز قوای ژاپونی چند ماه بود با کمال دقت تقویت و تحکیم یافته.

و توپهای سنگین که از پرت آرتور آورده بودند بیشتر مستحکم شده بود و بدینجهت هیچگونه احتمال آسیب و صدمه به قوهٔ مرکزی ژاپون نمیرفت خصوصا روسها یکه از یک مغلوبیت بیک مغلوبیت دیگری گرفتار شده بودند دارای آن قوه و استعدادی نبودند که بتوانند مرکز اردوهای ژاپونیها از هم مجزی و مقطوع سازند فقط این احتیاط بی لزوم و مفرط مارشال اویاما سبب شد که سه فرقهٔ مهمه از قوای عمومیهٔ احتیاطیه عاطل و باطل مانده بودند.

این قوهٔ احتیاطیه فوق الذکر چنانچه در مرکز بیفایده بود در جناح راست هم وجودش مثمر ثمری نمیشد زیرا که جناح راست اردوی ژاپون تکیه بجبال و بلند و پستی های مهمی که در حکم استحکامات طبیعی بود کرده و بدین جهة خصم نمیتوانست از آنطرف کاری بکند و در صورت حملات دشمن هم قوای جناح راست کافی بر دفع آن بود پس بنابراین اگر این قوه را برای تقویت جناح چپ اردو مأمور میکردند نتایج مهمه بدست میآمد سهل است اردوی ژنرال نوژی دچار اشکالات عظیمه که در فوق مذکور افتاد نمیشد.

اگر این قوه از بدایت حرب بجای سه فرقه از شش فرقه تشکیل یافته مقام تعرضی احراز مینمودند جناح راست روسها را خیلی زودتر شکست داده و در جادهٔ موکدن — تیه لینغ) قرار گرفته خط رجعت روسها را از موکدن بسمت شمال میبریدند و بدینواسطه تمام قوای روس برای قوای ژاپونیها یک ثمرهٔ قطعیهٔ مظفریت و نصرت می بخشید. گرچه بعدها فرقهٔ سوم با رژیمانهای اول و سیزده و چهاردهم باردوی سوم فرستاده شد ولی چون وقت گذشته و موقع از دست رفته بود آن استفادهٔ کامله که بکلی جنگرا باغالبیت حتمیهٔ دولت ژاپون خاتمه میداد تحصیل نشد.

بانیمعنی با وجودیکه قوای ژاپون با تسخیر شهر موکدن در محاربات جاریهٔ صفحهٔ مانچوری برّا در همه جا فاتح درآمد ولی فرصت را میتوان گفت یا بواسطهٔ تردید و یا بواسطهٔ احتیاط تمام از دست داد و الا مجدداً بعد از جنگهای موکدن قوای روسی نمیتوانست جمع بیک مرکز شده پس از اکمال پاره نواقصات دوباره

داخل میدان حرب گردد و باز مدتی خیال قشون ژاپون را بخود جلب و مشغول سازد.

در محاربات موکدن سهو و اشتباهات اتاماژوری کل ژاپون نه تنها نگهداری قوای احتیاطیه عمومیه در پشت سر قوه مرکزیه نبود بلکه اگر به قوت اردوهای ژاپون و تشکیلات جبههٔ جنگ بدقت عطف نظر توجه بشود در هیچ طرف قوای ژاپونی یک مرکز ثقلت مهم و یا یک قسمت کلی از تجهیزات قشونی موجود نبود و تمام اردوهای دولت شمس طالع در یک صورت متساوی و متناسبی در تمام خطوط و جبهه های حرب منبسط شده و ازاینرو نتایج قطعیه در عرض مدت قلیله ممکن نبود بدست بیاید. و اسلم شقوق این بود که این اردوها در بدایت حرب حالت مدافعی را اتخاذ کرده و برای استحصال مقام مدافعه تشکیل بندی مینمودند زیرا بدین وسیله از مقام دفاع بکمال سهولت بحالت تعرض گذشته خصم را بهتر و مؤثرتر دچار هزیمت و پریشانی مینمودند. چنانچه علت حقیقی عقب نشستن جبههٔ جنوب اردوهای روس بامر ژنرال کوروپاتکین حرکات تعرضکارانهٔ ژاپونیان در جبههٔ مذکوره بود که احراز موفقیت مهاجمین باعث افتتاح راه سلامت و نجات مدافعین شده و ابواب جمعی کوروپاتکین را از یک خطر بزرگی نجات داد و اگر حالت دفاعیه را اتخاذ میکردند نتایج مطلوبه ژاپونیها بدست میآوردند.

میدان جنگ موکدن قاعدهٔ قدیمهٔ حربیه را از نو تجدید و احیا نمود و این قاعدهٔ متروکه سابقه متضمن اساس ذیل است (در محارباتی که در مواضع متحکمهٔ صحرائی اتفاق می افتد نتیجهٔ قطعیه موفقیت در جبهه نبوده بلکه در جناحهاست که در نقاط منتهاالیه مواضع متحکمه واقع است). در این قبیل محاربات اثراتی که از مصادمات جبهه های اردو نسبت بمهاجمین و مدافعین می بخشد نمیتوان بخوبی فهمید مگر آنکه محاربات موکدن را با دو محاربات بزرگ و مهمی که در میدانهای (کونیغرج) و (رکیمبسبورغ) اتفاق افتاده در تحت مقایسه بیاوریم آنوقت معلوم میشود که ناپلیون اول و ژنرال مولتکه بچه قسم پیش بینی از نکات دقیقهٔ جنگی کرده بودند.

ایز اهم قبلاً باید متذکر شد گرچه جناح های یمین و یسار بیشتر مساعد بر حرکات جنگی است ولی جبهه اردو که مستقیماً با خصم روبرو هست اگر مقام تعرضی را احراز نماید بمراتب بهتر از جناحین بمقصود فتح نایل میشود در صورتیکه مارشال اویاما مرکز خویش را با چندین فرقه در حالت دفاع قرار داده و بدون اقدامات قوه مرکزیه جناحین قوای خویش را بعملیات واداشت در صورتیکه یک قوه احتیاطیه را با قشون دیگر اهم بها

و چون سابقاً شرح جبهه و جناح گرچه از معانی الفاظ معلوم است مذکور نیفتاده لزوماً اظهار میشود که جبهه قشون وسط اردوئی است که روبروی دشمن واقع و جناحهای چپ و راست دو سمت آخر مرکز است که مانند بال مرغ با حرکتهای مختلفه با خصم طرف میشود و در واقع جنگ را جناحها می کنند و شمال و جنوب و شرق بعضی که مقتضی است حرکت می کنند.

هم در مرکز عاطل و باطل گذاشت و یک موقع مهم قابل استفاده کلی از کثرت احتیاط چشم پوشید تا آنکه نتوانست بدرک و فهم جزئیات فنون (تاکتیک tactique) یا (استراتژی Strategie) پی برد

بهرحال با وجود فتوحات قوای ژاپونی با مراعات نکات جنگ ممکن بود که اینقدر گران تمام نشود.

در محاربات (رکینبورغ) دستجات قشون ناپلیون که مأمور حملات جناحهای قوای خصم بود ناپلیون شخصه با یک هجوم جبهه قشون اطریش را بدو قسمت منقسم و مجزی ساخته و دستجات خویش را از مهلکه نجات داد ژنرال (ماسه نا) که یکی از سرکردگان نامی مشارالیه بود وقتی بمیدان جنگ رسید که کار از کار گذشته و از حملات جناح چپ اطریش ها که اتصالاً متعرض میشد بدون تحصیل فایده برگشته بود. بتقسیم قوای اطریشی بواسطه حمله ناپلیون باعث پریشانی وی نگردید بلکه جبران مافات هم نمود علتش هم تعجیل ناپلیون بحمله جبهه قشون اطریش و عدم مراعات اقدامات ژنرال (ماسه نا) و اقلاً عدم تطبیق آن بر نقشه خویش از سمت جناح چپ بود.

در محاربات (کونیغرح) کماندان اردوی اول برای حمله جبهه در صورتیکه مشغول اقدامات لازمه بود ژنرال

مولکیه

مولکیه شخصاً مداخله کرده فرقه های پنجم و ششم را توقیف نموده جلوگیری از اطریشی ها کرد و این تشبثات و حرکات مولکه و ناپلیون با اویاما خیلی فرق داشت

مارشال اویاما و ژنرال کوداما و سایر فرماندهان ژاپونی اشخاص با علم و تجربه دیده هستند که وظایف محوله خویش را بخوبی انجام داده اند خصوصاً مارشال و ژنرال مزبور در مدرسه حربیه اکمال تحصیل و مدارج علوم و فنون نظامی را کاملاً پیموده بودند ولی با وصف این دارای طبیعت تهور و جسارتی که مستلزم نتایج خارق العاده است نبوده اند و بدیهی است فرمانده یک قشون تا مخاطرات عظیمه را مد نظر خویش قرار ندهد نخواهد بتحصیل موفقیات عمده نماید و از اینجهت مارشال اویاما از آن سرکردگان با احتیاط و معتدلی بود که پس از تأمل اندیشی زیاد از روی حزم و احتیاط رفتار کرده و در موقع احتمال خطر مدافعه را شعار خود میساخت و بنابراین نظیر وقایع حربیه (چالدیران — سیه نا — سدان) در محاربات قصبات شرق ظاهر نشده است. اما در باب اردوی روس فرمانده کل بجای آنکه از استحکامات و قلاع متینه که چندین ماه در انشای آن صرف اوقات نمود استفاده کرده پس از گذاردن یک قوه کافیه در استحکامات مزبوره مقام تعرض را با باقی قوای خویش بنماید بحالت مدافعه و تبدیل حرکات و تغییر جبهه های اردو مشغول شده خود را دچار تضییقات نمود که بالاخره موجب عدم موفقیات گردید زیرا که تحصیل نتایج مستحسنه در هنگام دفاع وجود فرماندهان بزرگ باشند (فرادریک اول و ناپلیون اول) لازم است که دارای علم و تجربه کافیه و رشادت و تهور غیر قابل توصیفی باشد. و ژنرال کوروپاتکین علاوه از آنکه جامع اوصاف و شرایط فرماندهی کل قوای مهمه نبود سهل است استقامت مزاج و عزم راسخی هم نداشت و همواره تردید و تغییر و انصراف خیال وی را از تحصیل یک مختصر موفقیتی هم باز میداشت. اگرچه اردوهای روس طریقه تعرض را بخوبی نمیدانستند که چطور و چه قسم بخصم حمله و هجوم نمود که بتوان نتیجه مطلوبه بدست آورد. چنانچه علت هزیمت و مغلوبیت روسها در محاربات موکدن با وجودیکه قوای ایشان زیادتر از ژاپونی ها بود خصوصاً

سعید

سعید قطعه توپ صحرائی و صد قطعه توپ محاصره علاوه از خصم و اشد همین است که ژنرال کوروپاتکین قطع نظر از اینکه از مزایائی که مخصوص سرداران بزرگ است محروم بود و خیال ثابت و عزم راسخی هم در اجرای مقررات خویش نداشت. علل دیگریکه باعث شکست قوای روس گردید عدم خبرت و اطلاعات کافیه



افراد و صاحب‌منصبان روسی موافق احتیاجات حاضره و مقتضیات وقت بود مثلاً نظامیان روسی بهیچوجه فرق و تفاوتی مابین محاربات (پلونا) یا (قارص و سیواستوپول) با جنگهای پرت آرتور ولیائویانگ و موکدن نمیگذاشتند و حال آنکه هر کدام ازین میدانهای جنگ شرایط و وسائل مختلفه و متفاوته را داشت که شاید در بعض اوقات متضاد یکدیگر بودند.

این بود خلاصهٔ عقاید و نظریات متخصصین فنون نظامی در محاربات موکدن که مجملاً شرح و مذکور افتاد اینرا هم - متذکر

میشویم که در نزد صاحب‌منصبان روسی افکار تصرف و ایجاد و یک قوهٔ فکریه احاطه کننده موجود نبود و سربازان روس هم آنچه که لازمهٔ تعلیم و تربیهٔ مادی و معنوی باشد تحصیل نکرده بودند.

فصل چهارم

باب چهاردهم

(انقلابات روسیه بضد حکومت)

نتایج منحوسهٔ مغلوبیت - ضدیت بحکومت استبدادی و مطالبهٔ اصلاحات - اقدامات در تشکیل حکومت شوروی و تأسیس مجلس ملی - انقلاب یازدهم دسامبر - مطبوعات - شورشیان و گروه - شلیک بقصر تزار - راهب غابون و نفوذ وی - نمایشات عمله‌جات در پطرزبورغ - اجتماعات و تقدیم عریضه بامپراطور - تعرض و توقیف - منظرهٔ پطرزبورغ بعد از روز خونریزانه ۲۲ - تولستوی. غورکی - پذیرائی نمایندگان عمله‌جات از طرف امپراطور - در ایالات - حکومت ضد انقلاب.

چنانچه مغلوبیت دولت فرانسه در روز منحوس سدان سال ۱۸۷۰ میلادی تولید انقلاب چهارم سپتامبر را نموده و باعث سقوط امپراطوری و اعلان جمهوریت فرانسه گردید مغلوبیت‌های پی در پی اقصای شرق دولت روس هم موجب اغتشاش و هیجان در روسیه شده خاطر اولیای امور را بیش از بیش در یک موقع بحران آمیز مشغول و مشوب ساخت. اهالی روسیه که در اقدامات دولت ابداً حق مداخله و اشتراک نداشته و جز از امپراطور یک حامی و رئیس کل و صاحب اختیار کبیرائی نمیشناختند.

از نتایج مغلوبیت‌های صفحه حرب منچوری ملتفت شده و حس کردند که ارادهٔ مطلقهٔ امپراطوری و سلطنت مستبدهٔ کیف مایشائی باعث اینهمه ادبار و فلاکت شده و عدم خبرت و مهارت زمامداران امور و غرور و نخوت درباریان پرشور بدون ملاحظه و مآل و تفکر منافع و فواید جمهور در بار پطرزبورغ را دچار این مصائب جبران ناپذیر نمود. طریقهٔ حکومت دولت روس یک شالوده استبداد مطلقه

قرار

قرار گرفته امپراطور مالک اختیارات غیر محدود و در اجرای تمام نیات و مقاصد خویش بود و هیچکس حق گفتن چون و چرا نداشت. کیف مایشائی وی اندازه نداشت و در نتیجه درباریان و هیئت دولت از این اقتدارات تام استفاده کرده هرچه میل و مقصود ایشان بوده بموقع اجرا میگذاردند و اهالی و رعایای بیچاره در زیر تحمیلات و صدمات آمرانه و جابرانه ایشان با یک حالت ناتوان و پریشانی قرار گرفته بودند شخص امپراطور دارای ریاست عالیه جسمانی و روحانی بوده در امور دولت رتق و فتق مصالح مملکت تعیین و عزل وزرا و حکام وضع مالیات و عوارض خارج از تناسب و تحشید قشون. فرماندهی قوای بر و بحر. تنبیه و سیاست بدون مراعات قوانین مدنی یا وجدانی اقتدار تام و اختیارات تمام داشتن دارا بود و مظالم و اجحافات کثیره و تعدیات تحمل ناپذیری نسبت باهالی خصوصاً بطبقات متوسطه و رنجبران و زارعین در تمام مملکت وسیعه روسیه مجری و معمول میشد و غالباً طبقات صالحه متوسطه و رنجبران و رعایا خیلیهای نفرت و انزجار از این حکومت مستبده داشتند ولی تضییقات حکومت و اقدامات شدیده اولیای دولت مجال و فرصتی برای خاتمه این مصائب نمیداد تا آنکه هزیمتهای متوالیه محاربات اقصای شرق باهالی موقع مناسبی داد که از دولت متبوعه خویش مطالبه حقوق مشروعه خود را نموده و معایب و مفاسد حکومت مستبده را پیشنهاد هیئت دولت بکنند که علل قطعیه مغلوبیت روس همین استبداد مطلقه بوده است و الا چه جهت داشت که یک دولت کوچک مشرق الاقصی که خمس قوه و نفوس دولت روس را نداشته باشد اردوهای متعدد و منظمی تجهیز کرده احراز موفقیت نماید و چرا در اندک مدتی ژاپونیها ترقیات سریعه در امور نظامی و مالیه و علوم کرده در شاهراه تمدن گوی سبقت از دول قویه قدیمه ربوده اند.

فشار و تضییقات شدیده و متوالیه حکومت جابره و مستبده روس تمام اهالی را بجنگ آورده و پی بهانه می گشتند که خویشتن را از این رقیت و اسارت نجات داده در فضای آزادی و عدالت استنشاق هوا نمایند ولی چیزیکه محل دقت و توجه است نمیدانستند بکدام وسیله شود

اقداماتی کرد که نتیجه مطلوبه بدست آورد و تدابیری بخرج داد که در اجرای آن موفق برمرام گردید.

گرچه در طبقات رعایا و زارعین و صنوف رنجبران و متوسطین یک هیجان و انقلابی از دیرگاهی باینطرف جاری و ساری بود ولی چه فایده جهالت و عدم علم و اطلاع طبقات مذکوره مانع بر اقدامات و عملیات بود و نمیدانستند از کدام راهی نایل مقصد و مقصود میشوند. یکی از طرفداران متعصب حکومت مطلقه پرنس (مچ چرسکی) در اینباب اینطور اظهار عقیده مینماید (در روسیه یکصد و هیجده ملیون نفوس موجود است که اکثریت آن بکلی جاهل و بیخبر از اصلاحات و مشروطیت بوده و حتی این الفاظ بخاطر ایشان خطور نکرده است فقط دو ملیون از این نفوس از فواید سلطنت شوری و دولت مشروطه مطلع بوده و همقدار کافی برای وضع اصلاحات و تأسیس حکومت ملی نبوده و اقدامات مجدانه و حرکات مؤثرانه در هیئت اجتماعیه نمیتوانستند از ایشان بنمایند) و حال آنکه قضیه بکلی بعکس بود دو ملیون نفوس منورالافکار و عالم و با اطلاع برای بیداری افکار عامه و تحریک و تشویق سایرین باسترداد حقوق حقه و حاکمیت ملیه و هدایت ایشان بشاهراه حریت و مشروطیت و تهیه وسایل و وسایط قلع شجره استبداد و تبدیل حکومت مطلقه کافی بلکه زیادتر بود.

چنانچه در بالا مذکور افتاد طریقه سلطنت روسیه مانند بعض از دول آسیائی یا افریکائی حکومت مطلقه و مستبده نبوده بلکه دارای دو جنبه حاکمیت روحانی و جسمانی را داشت و این وضع حکومت از قرون سابقه از ترتیب حکومتهای بیزانطین و خانهای تاتار مخلوط شده و هیچوجه شباهت باداره حکومتهای سابقه شاهان ایران. پادشاهان ترک و خاقان چین و ژاپن اینها نداشت با اینمعنی تزار یا امپراطور روس در تمام امور دولتی. مذهبی و حتی نصب و تعیین کشیشان و راهب ها هم مختار بوده امورات و تنبیه و اداره دوائر کلیسا و معابد هم مستقیماً بشخص وی راجع بود گرچه مجلس سنای مرکب از وجوه مملکت و اعیان دولت داشت و علاوه از این مجلس شورای دولتی از وزرای سابق و لاحق و رجال بزرگ در تسویه

وتصفیهٔ مصالح مملکت وملت و... بود داشت ولی مع هذا عموماً در مقابل ارادهٔ امپراطوری مستهلک و آلت اجرای تزار بودند حتی اگر دار الشوری دولتی یا مجلس سنا در جرح و تعدیل بودجهٔ دولت اقدامات کافیه مینمود بدون تصویب پادشاه لغو و باطل بود، چنانچه وقتی یکی از وزراء در باریان تعرض ایراد کرده بودند که چرا اینطور اقداماتی کرده است مشار الیه جواباً گفته بود که من وزیر نیستم من قوهٔ مجریهٔ خیالات و ارادات امپراطور بوده هیچگونه مسئولیتی جز اطاعت و اجرای جزئیات اوامر پادشاه وظیفهٔ دیگری ندارم.

مصادف بکشتهای صفحهٔ مانچوری اشخاص منور الافکار بدواً بواسطهٔ مطبوعات و جراید و سایر رسالات منتشره اذهان عموم را بر مخاطرات حاضره متوجه و کم کم بواسطهٔ مأمورین و مبلغین ماهر و قابل مشغول هیجان عامه بر ضد حکومت مطلقهٔ حاضره شده تا آنکه وسایل شورش و اغتشاش را فراهم آورده انقلابیون بوسایط متعدده از قبیل تعطیل از کار و گرو کردن و با اقدامات مغایر اوامر حکومت در تمام روسیه اسباب قیام اهالی را تهیه دیده و جداً از دولت تقاضای اصغاء و استماع مطالبات و پیشنهاد خویش را نمودند. دربار پطرزبورغ هم نظر بوخامت امور برای اسکات هیجان جمهور بوزارت داخله فرمان داد که نمایندگان هیئت انقلابیون را احضار کرده از مقاصد و مطالب ایشان مستفسر گشته راپورت صحیحی در این باب تقدیم امپراطور نماید.

در جلسهٔ نمایندگان که بنام (هیئت زمیستووس) در روسیه معروف است مطالبات ذیل را پیشنهاد نمودند

۱) سلب اعتماد مابین حکومت و هیئت جمهور شده تهیهٔ وسایل رفع آن. —

۲) هیئت جمهور بکلی از امور داخلی و جریان آن بی اطلاع است مستحضر ساختن ایشان. —

۳) حکومت حاضره که دارای مقام روحانیت و جسمانیت را توأم است سد بزرگی مابین اقتدارات دولت و هیئت جماعت قرار داده است برداشتن سد مزبور. —

۴) برای جلوگیری مفاسد عظیم حکومت باید قوانین اساسی وضع نمود که در آن حقوق ملت معین و مشخص گردد. —

۵) ترقیات و تزاید قدرت و عظمت دولت متصور نیست مگر آنکه هیئت ملت در امور داخلی مداخله و شرکت نماید

۶) آزادی مطبوعات و اجتماعات و انعقادات اساس ترقیات ملک و ملت است. —

۷) تمام اهالی از عالی و دانی در مقابل قانون مساوی باید باشند و هیچگونه امتیاز و اختصاصی در میانه نباشد.

۸) تربیت اخلاق و تصفیهٔ عادات از جملهٔ شرایط انبساط حیات سیاسی و اقتصادی است.

۹) زارعین و رنجبران باید از هرگونه طوق رقیت و اسارت مالکین و متنفذین مستخلص باشند.

مختصر آنکه اهالی از این تکلیفات مقصودشان مطالبهٔ حکومت ملی و مشروطیت بود.

تزار روس در قبول و رد پیشنهاد فوق معطل و مردد مانده اگر تقاضای نمایندگان مزبور را اخیراً باکلاره مینمود اوضاع حاضره وخیم تر گشته و مملکت را در توی هرج و مرج غیر قابل اصلاحی میانداخت و اگر قبول میکرد دچار محذورات و اشکالات متعدده می شد.

از نتایج لشکرکشی های اقصای شرق) صرف مبالغ مهمه و اتلاف منابع ثروت و تحمیل مالیاتهای جدیده که بالاخره باعث مغلوبیت دربار پطرزبورغ شده قحطی و گرانی بی اندازه در آذوقه و ماکولات اهالی در غالب ولایات و ایالات روسیه حاصل شده تولید هیجانهای سختی کرده بود که بیش از بیش هیئت دولت را دچار تشویش و اضطراب میکرد. چنانچه در لهستان افلاس های پی در پی در مسکو و سایر بلاد تعطیل صنایع و کسادی امتعه و تجارت یک سوء اثری در تمام ساکنین و ملل متفرقه روسیه بخشیده و یهودیهای مملکت مزبوره بدواً در مطالبهٔ پاره حقوق بدولت شوریده. افراد اهالی از دخول خدمات نظامی و از ادای مالیات دیوانی سرپیچیدند یک اختلال و اغتشاشی علاوه از این در مقامات عسکریه ظاهر شده بود.

امپراطور روس بعض امتیازاتی که یهودیها در روسیه محروم بودند بخشید تا آنکه آنها را بمساعدت دولت امیدوار و از شراکت بلوی و انقلاب داخلی ایشان را منصرف نماید.

در شهر و شو اول ماه اکتبر نمایشات هیجان انگیز و اغتشاشات فتنه انگیزی شروع یافته ولی بیشترین خصومت
و نمایشات را تلامذهٔ مدارس متوسطه و عالیه و دار الفنون ها بموقع اجرا گذارده محصلین و شاگردان با حسن و فهم
بلاد مختلفهٔ روسیه علیه حکومت حاضره شوریدند از آنجمله در پانزدهم دسامبر در پطرزبورغ جوانان ذکور
و اناث مدارس عالیه با یک عدهٔ کثیره که در جلو آنها بیرق بزرگ قرمز در حرکت بود در کوچه‌های پایتخت
گردش کنان با اهالی بیانامه‌ها و دعوت نامه‌های تشویق بر بلوا توزیع کرده و با صداهای بلند (پست
باد سلطنت اوتوکراسی [illegible]) زنده باد دموکراسی اجتماعیون (مرده باد جنگ و زنده باد
مجمع نمایندگان ملت) گویا مردم را ترغیب و تحریک مینمودند. پولیس این دسته‌جات مزبور شلیک کرد
بزحمت زیادی آنها را متفرق ساخت ولی اهالی این دسته‌جات جوانان تحسین کرده را که عدهٔ ایشان
متجاوز از ده هزار نفر بودند با یک محبت و صمیمیت باطنی استقبال و پذیرائی مینمودند.
مطبوعات بشدت تنقید سلطنت مستبده را کرده با نشر مقالات موثره مفاسد و معایب حکومت
مطلقه و مختاره را جلوه گر نظاره و متذکر اذهان میکردند خصوصاً مقالهٔ پروفسور دار الفنون (کیف)
در تحت عنوان (جنگ و بوروکراسی Воина и бюрократия) که در روزنامهٔ (پراود) منتشر شده
بود تمام اهالی مملکت امپراطوری را دچار یک هیجان نموده از هر طرف علایم و آثار بلوی روز
بروز کسب شدت میکرد خصوصاً کثرت تحمیلات و تضییقات دولت بزارعین و دهقانان بیچاره
که تمام اوقات و ایام خودشان را مصروف رنجبری فوق العاده کرده و کلیهٔ نتیجه و خلاصهٔ زراعت
و محصول زحمات خودشان را طوعاً و کرهاً تقدیم بهیئت دولت و امنای مالیه نموده خودشان با یک
عسرت و پریشانی زندگی میکردند رنجبران و فلاحین را از یکطرف و عمله‌جات کارخانه‌جات و
معادن وغیره را از طرف دیگر برای خاتمه دادن حرکات جابرانه و اقدامات مقتدرانه و ظالمانه
اولیای امور دولت روس

(۱

(۱) اوتوکراسی یا حکومت مطلقه دولت و سلطنتی است که در راس آن یک شخص صاحب اختیار
و دارای اقتدار تامی قرار گرفته و با یک تسلط و نفوذ تامی اجرای حکومت نماید —
۲) بوروکراسی یعنی قدرت و نفوذ مامورین کشوری در اجرای امور دولت است بدون مسئولیت —
۳) در موقع انقلاب و شورش دسته‌جات عصات حامل بیرق قرمز میشوند که یعنی حاضر باغشته شدن بخون قرمز خویش
هستیم ....)

وادار بشورش و اغتشاش نموده همه جا علم طغیان بضد حکومت برافراشته شد و هیئت دولت برای جلوگیری از
این مقدمات انقلاب که کم کم دامنهٔ آن وسعت یافته و کسب اهمیت میکرد متشبث بوسایل مجدانه شده و از
اینرو یک (اوکاز) یعنی ارادهٔ امپراطوری برای اصلاح حال عمله‌جات کارخانجات و دار الصنایع‌ها
صادر و هیئت وزراء برای اجرای ارادهٔ مذکور یک کمیسیونی منعقد ساخته و از نتیجهٔ آن قانونی راجع به تخفیف
و تحدید ساعات کار عمله‌جات وضع کرده بعقیدهٔ خودشان بعضی مساعدات برای رفاهیت حال ایشان
بقرار ذیل اعطا کرده و مطمئن بودند که این تدابیر باعث اسکات نایرهٔ اغتشاش خواهد بود.

۱) ساعات و اوقات کار کردن عمله‌جات باید محدود باشد —
۲) صاحبان کارخانجات و دار الصنایع عمله‌جات را خارج از وظایف خویش در امورات شخصی نباید مستخدم و موظف سازند
۳) درصورتیکه ارباب صنایع و کارخانجات مغایر دو مادهٔ فوق رفتار کنند محکوم بیک جریمهٔ پنجاه منات خواهند بود
۴) در همه جا هیئت صحیه برای جلوگیری امراض مسریه و معالجات عمله‌جات اقدامات مجدانه در حفظ
صحت و سلامتی مزاج ایشان خواهد نمود —
۵) تعطیل و دست کشیدن از کار عمله‌جات بدون آنکه قبلاً ادلهٔ موجههٔ ابراز اقامه نمایند و یا آنکه
بدوایر راجعه اظهار بکنند بموجب قانون دچار مجازات سخت خواهند شد —

با وجود این تدابیر متخذهٔ دولت هیچگونه تخفیف و اصلاحی در حال عمله‌جات پیدا نشده همه جا گروهای

بکلی ظاهر و کلیه رنجبران دست از کار کشیده یک سکته و صدمهٔ بزرگی به صنایع و تجارت روس وارد آوردند. یکی از عمله جات در موضع گرو به مخبر جریده (تان) در پطرزبورغ اینطور اظهار کرده است (من سه سال است در کارخانه مشغول به رنجبری بوده تا کنون نه قبلاً مسکرات نوشیده ام و نه جریمه داده ام و معاش من روزی (۸۵) کوپک و ماهی نوزده منات و پنجاه و پنج کوپک یعنی پنجاه و سه فرانک است با این معاش غیر ممکن است هر قدر قناعت نمایم از عهدهٔ مخارج منزل و معیشت و لباس زن و چهار پسر و خودم برآیم). از هر گوشه شکایات از ظلم اربابان و مسامحهٔ درباریان بلند شده و مساعی متصدیان امور در رفع اغتشاشات هیئت جمهور هیچوجه مؤثر و مفید نمی افتاد.

در کشمکش این انقلاب یک حادثهٔ غریبه در نوزدهم ژانویه اتفاق افتاد و وقتی که خبر مذکور منتشر گردید بدواً هیچکس باور نداشت و اتفاق مزبور محافل عالیهٔ دولت روس را بی اندازه مشوش و پریشان ساخت و تفصیل آن بقرار ذیل است. (نظر بعادات قدیمهٔ ملی و رسومات جاریهٔ مذهبی تزار روس بایستی در روز مزبور در مراسم روحانی (نوا) در قصر زمستانی حضور برساند. کشیش ها تماماً لباس آیینی روحانی را پوشیده و در کلیسای خصوصی با یک طرز باشکوهی صف کشیده و در روی مذبح هم تصویرات و کتب مقدسه و شمعدانهای مخصوصی وضع کرده بودند. موکب امپراطوری با یک جلال و تشریفات تامه بسمت کلیسای مزبور حرکت کرده تمام کشیش ها و قسیسین و مغنیان سرود گویان سر برهنه باستقبال موکب امپراطوری مشغول بودند و یک باطری توپخانه که در ساحل رود نوا نزدیک (بورس حصرستان) در محلیکه پطر کبیر کشتی که خودش درست کرده و به آب انداخته بود گذاشته شده با توپخانه قلاع (پیر و پول) بمقصود یک تیر شلیک برای احترام این مراسم میکردند رئیس اساقفه صلیب مقدس را بآب نوا انداخته و از ترشحات و قطرات آن امپراطور و گراندوک ها خورده و پس از اجرای مراسم مذهبی و دعاخوانی تزار روس در تالار قصر زمستانی برای اکمال رسومات سلام جلوس

کرده

کرده دستجات قشون و سوار و توپخانه و قزاق و غیره با یک نظام و ترتیب مخصوصی از حضور امپراطوری میگذشتند و هنوز شلیک توپ سلام تمام نشده بود که یکدفعه چند گلوله بتالار و عمارت مزبوره خورده و در چندین نقطه خرابی وارد آورده یکی از گلوله های مزبور که متر الیوز بود پنجره و شیشه های تالار را شکسته از اشیاء و مبل های طلا و ظروف چینی گرانبها خورد نمود و خسارات عمده وارد آورد و مراسم سلام و رسومات مذهبی را ناقص و ناتمام گذارده و شلیک توپ سلام تبدیل بشلیک قصر سلطنتی گردید حاضرین سلام امپراطوری از شاهزادگان و وزرا و رجال بزرگ از این حقیقه متوحش و مضطرب و موکب امپراطوری عاجلاً عودت نمود.

حادثهٔ مذکوره ناشی از گلوله های متر الیوز بود که عمداً یا سهواً بتوپها گذاشته شده بود و چون مصادف این ایام انقلاب بود در محافل عالیهٔ دولت امپراطوری سوء اثری بخشیده عدهٔ از نظامیان و توپچیان را از صاحبمنصب و تابین با انضمام بعض از مأمورین کشوری که سوء ظن با آنها میرفت

(تزار لقب امپراطور روس و پادشاه بلغار و صربستان است که بلسان اسلاو معنی پادشاهی میدهد) اسلاو تزار در روسیه

توقیف و جلب محکمهٔ عالی نظامی گردید و هیئت دولت در اینموقع بر جدیت و فعالیت خویش افزوده اهالی بی گناه را بیشتر از سابق در تحت ظلم و فشار قرار دادند با وجود این سختگیری نایرهٔ شورش مشتعل تر و گرو عمله جات در روسیه عموماً و در پطرزبورغ خصوصاً شدید تر گشته متجاوز از شصت هزار عمله و رنجبر کارخانجات (پوتیلوف) و فابریکهای طناب سازی (نوا) و مزدوران کارخانجات کشتی سازی بالتیک دست از کار کشیده نمایشات مهیجه میدادند همه جای پای تخت روس علی رغم نظارت و مراقبت تامهٔ پولیس مجامع مهمه و متعدده از عملجات انعقاد یافته و در آن اجتماعات در باب مطالبهٔ حقوق مشروعهٔ خود (جور و اجحافات اربابان و متنفذین مملکت و شدت سیاست هیئت دولت) میتینگهای مؤثره تشکیل میدادند و در رأس این دستجات گروکنندگان یا انقلابیون راهب معروف (غابون) بود

که بدواً

که بدواً باجازهٔ دولت وارد پطرزبورغ شده و بعدها به بادزدن نایرهٔ اغتشاش و تحریک و تشویق عمله جات پرداخت.

شخص (غابون) پسر یکنفر از دهاتی های ایالت (پولتاوا) است که در صغر سن مشغول چوپانی بود و بعد داخل یکی از مدارس کوچک شده در اندک مدتی هوش و فراست فطری اش رؤسای مدرسه را بخود جلب نموده و با تشویقات ایشان داخل مدرسهٔ روحانی (پولتاوا) گردید. و بعد از مدتی که با کمال تحصیلات خویش موفق گردید بدار الفنون شهر مزبور وارد شد که بتحصیلات خود مداومت نماید چندی نگذشت که داخل طریقت و فلسفه (لیون تولستوی) شده مصادف یکدختر جوانی شد که حیات خویش را منحصر بخدمات ملت کرده بود از اینرو مشار الیه هم بانجذمت داوطلب گشته و برای آنکه نفوذ و مقام مهمی برای انجام خدمات ملت احراز نماید عازم پطرزبورغ شده داخل اکادمی یا مجمع علمی شعبهٔ علم ادیان و فقه و فلسفه هر شرایع گشت. و چون حقیقت مسلک و باطن عقاید و خط حرکت وی مجهول و مکتوم بود و فقط علی الظاهر خود را دولتخواه وانمود ساخته بود از اینرو طرف اعتماد و میل تزار و رجال دولت روس خصوصاً رئیس نظمیه گردید تا آنکه از تعرضات پولیس آسوده گشته بفراغت بال بوظایف معنوی خویش بپردازد.

(تولستون — از مشاهیر ادبا و فلاسفهٔ قرن اخیر روسیه است که در راه آزادی و مشروطیت خدمات مهمه نموده تألیفات کثیره ممدوحه و مطبوعه بوجود آورد که امروزه تمام عالمیان تقدیر و تحسین میکنند.)

مصادف این اوقات که گرو عمله جات کسب اهمیت نمود اولیاء دولت و تزار روس برای رفع گرو و اصلاح امور بحران که خاتمه بر تعطیل داده و منتهی به بحرانهای سخت نشود غابون را مأمور کردند مشار الیه ظاهراً بجهه جلوگیری گرو و اغتشاش عمله جات و باطناً برای بادزدن و شدت اشتعال نایرهٔ شورش که مقصودش منجر ساختن بیک انقلاب بزرگ سیاسی بود مشغول گردیده و در ضمن اولیای دولت را متذکر میشد که هرگاه تدابیر لازمه اتخاذ ننمایند زمام امور بدست اشخاص ناقابل افتاده عوض اصلاح

اسباب

اسباب اختلال امور سیاسی و اجتماعی دولت روسیه خواهد بود.

رئیس اساقفه و کشیش بزرگ مذهب ارتودوکس شهر پطرزبورغ (آرشوک آنتونی) هم که بعدها غابون را تکفیر نمود از مشار الیه حمایت میکرد.

پانزدهم ژانویه که مفتشین کارخانجات عمله جات را با تهدید و تطمیع مجبور بترک گرو و اشتغال امور کردند غابون آشکارا تشویق بایستادگی و مقاومت نموده بر عدهٔ اجتماعات افزوده تمام کارگران پطرزبورغ و اطراف آنرا وادار بشورش و تعطیل کرده بنام ایشان پیش نهادی بهیئت دولت تنظیم و تقدیم نمود در واقع اولین پروگرام مشروطیت و خط حرکت انقلابیون بوصول مقصد بود و هرگاه بمواد پیش نهاد مزبور که ذیلاً مذکور افتاد عطف توجه شود بخوبی واضح خواهد شد که در این پروگرام تمام مصالح سیاسی و اجتماعی و اقتصادی عموم ملت و خصوصاً مقاصد مکنونهٔ طبقات متوسطه و رنجبران مملکت روسیه کاملاً منظور و مرعی شده و علاوه عوام الناس بیچاره را بواسطهٔ این پیش نهاد متذکر و متنبه حقوق مشروعه و مسلمهٔ خودشان نمود:

مطالبات گروکنندگان بعبارة اخری رزولسیونها که بدولت با تعلیمات غابون پیش نهاد شد و از سه قسمت عمده تشکیل یافته بود بقرار ذیل است.

(اولاً راجع بجهالت و ضیق معارف و اطلاعات اهالی)

۱) مصونیت حقوق افرادی — آزادی قول — مطبوعات — اجتماعات و مسائل وجدانی در عقاید مذهبی — ۲) تدریسات عمومی و تعلیمات مجانی با مخارج دولت —

۳) مسئولیت وزراء در مقابل ملت —

(گرو یا غرو) لفظ فرانسوی است بمعنای تعطیل عمومی و دست کشیدن از کار یک هیئت کثیره صنعتگران یا اصناف

۴) تساوی تمام افراد بدون استثنا مقابل قانون —

۵) آزادی

۵) آزادی معضرین و محبوسین که بجرم اجتماعات متهم شده اند —

(ثانیا: راجع بفقر و ضرورت ملت)

۱) فسخ و لغو مالیات غیر مستقیم و ابقای مالیات مستقیمه بجای آن بتدریج و متناسب عایدات مملکت

۲) فسخ اصول مالکیت اشراف و قسمت اراضی و مزارع بزارعین و دهاتی ها در مقابل یک قیمتی که بتدریج فلاحین بملاکین بپردازند در تحت حمایت دولت با افتتاح یک بانک زراعتی در تشریف این مقصود —

(ثالثا: در باب تحمیلات شاقه برای کارگران)

۱) تمام وظایف رنجبری و شرایط کارگری از روی قانون و در تحت حمایت باید باشد —

۲) آزادی شرکت ها و اجتماعات اقتصادی و تجارتی در صرفه جوئی استعمال و مصرف محصولات و تکثیر منابع

۳) کار نکردن عمله جات و رنجبران زیاده از هشت ساعت و تنظیم قوانین و شرایط لازمه در امور کارهای فنی و عادی

۴) آزادی مسابقت و رقابت در کارگری —

۵) اشتراک نمایندگان عمله جات در تدوین یا اصلاح قوانین برای انتظام امور کارگران و رنجبران —

۶) قرار عادلانه در اجرت رنجبران —

این است پیشنهادات ما که ای اعلیحضرت که نمایندگان ما تقدیم داشتند و اجرای آن سلطنت اعلیحضرت امپراطوری را مستحکم و دولت را نایل ترقیات عالیه و ملت را قرین رفاهیت و سعادت کامله خواهد کرد و اگر بمطالبات ما وقعی نگذارند و در غوررسی آن مسامحه نمایند و جواب قطعی بما ندهند ما را جز وظیفه و تکلیف آخری که آنهم جان دادن در جلو قصر امپراطوری است نبوده و نخواهد بود.

امپراطور با القائات و تشویقات درباریان متعذر جوابی بمطالبات فوق الذکر نداده سهل است در بوته نسیان و فراموش کاری گذاشت و همین مسئله بیشتر اسباب هیجان در افکار عمومی ملت تولید کرده روز بروز اوضاع داخلی روسیه را وخیم و منقلب تر ساخت شورشیان و گروکنندگان

پای تخت هم بشدت ضدیت و عصیان خویش افزوده و بالاخره مسیو نزا مامور و منتخب نمودند که بحضور اعلیحضرت امپراطوری مشرف شده اظهارات و مطالبات ایشان را شفاها تبلیغ نماید. مشار الیه پس از شرح وخامت عواقب امور در حضور امپراطوری و مخاطرات بحران حاضره و ذکر اوضاع شورش و گرو اهالی و عمله جات که مفصلا و مبسوطا گوشزد تزار روس نموده و یک اهمیت مخصوصی باین مسئله داد تا آنکه خاطر امپراطور را کاملا از جریان امور که درباریان مانع بودند که پادشاه کاملا مستحضر و مسبوق باشد مطلع ساخته و اظهار داشت (اعلیحضرت امپراطوری تصور نفرمایند که ملت مقصودشان از این اقدامات ضدیت و تولید اختلال در امور دولت یا سرپیچی از اوامر سلطنت است بلکه اهالی روسیه بعکس رعایای صدیق و مطیع شخص امپراطور بوده و آنچه که الآن مطالبه و تمنا مینمایند فقط عین صرفه و صلاح دولت در ترقی ملت و آبادی مملکت و کثرت ثروت و ترویج تجارت و سطوت و قدرت دولت امپراطوری است کثرت علاقه و محبت اتباع صادق اعلیحضرت شما نسبت بتاج و تخت دولت روسیه آشکارا واز این حرکات و اقدامات نموده تا آنکه کاملا ملتفت باشند که حرص و جاه طلبی درباریان و دسایس و وساوس اعیان و اغفالات زمامداران امور برای حفظ شئون و ارتقای مراتب و مدارج عالیه و تحصیل فواید غیر کافیه و تامین اقبال و جلالت خویش اعلیحضرت را با زبان چرب و لین اغفال کرده یک سد سدید و حایل شدیدی مابین پدر مهربان و فرزندان وی قرار داده اند و حقایق امر را در نظر پادشاه محجوب و مشتبه ساخته و از اینرو یک سوء تفاهمی پیدا شده است. اعلیحضرتا ملت یاغی و طاغی دولت متبوعه خویش نیست بلکه طالب قدرت و قوت دولت و عظمت سلطنت است که نگهبان و پاسبان ملت بشود و ملت جز سعادت و عمران مملکت چیزی را خواهان نیست اینهمه هیاهو و شورش و انقلاب متضمن هیچگونه نوایا یا اغراض شخصی نبوده و دست اشتراک کسی توی کار نیست گروکنندگان و شورشیان آلت دست

این دو آن مستبد و مجذوب و مفتون لقانات و تشویقات ابن الوقت ها با مفسدین نبوده بلکه بحکم حس طبیعی و با مر وجدان وظیفه دولتخواهی را در این دیده اند که شخص اعلی حضرت را یادآور این بدبختی ها و مصائب ایام حاضره مستحضر دارند که خرابی مملکت و مغلوبیت دولت در اینحالت کنونی بیکدولت کوچک و بی اهمیتی همانا ناشی از اوضاع استبداد و تملقات و چاپلوسی های دربار سلطنت است که باقتضای وقت کاهی پشه را عنقا و کهی شیر را گربه جلوه میدهند و حال آنکه قضیه برعکس است زیرا که استقلال و شوکت دولت از قوه حربیه و تجربه است که مع التأسف در مملکت امپراطوری صورتی آراسته و معنا و حقیقت مقصوره را ندارد برای آنکه اخلاق نظامی مفقود ـ اختلال و نفاق موجود ـ امرا و سرکردکان برای تحصیل جاه و اقنای رقیب مشغول حیل و دسائس مالیات مختل ـ رعایا در فشار مملکت یکسره کرفتار خرابی و ظلمات نه ملجا و پناهی است که داد مظلومین برسد و نه کوش شنوائی که ملتفت معایب و مفاسد مملکتی شده در صدد اصلاح آن برآید ـ اعلیحضرتا شما در قصر سلطنتی با ناز و نعمت مشغول عیش و عشرت بوده و از امور مملکتی هم جز حوادث اطمینان بخش و مسرت انگیز بواسطه درباریان که غیر آنرا نمیگذارند بسمع شما برسد نمی شنوید و غافل از جریان امورید تا فرصتی هست زودتر اقدامی برای علاج کار بنمایید و الا وقتی که رشته امور از دست رفت جز پشیمانی نتیجه نخواهید برد. اینست عقاید ملت و نظریات جمهور که مرا مجبور به تبلیغ آن در حضور شما کرده و مختصراً رفع این غوائل بعقیده بنده جز اجابت تقاضای ملت در تبدیل دولت مستبده بمشروطه و افتتاح مجمع نمایندکان ملی چاره دیگر متصور نیست و بدیهی است این وسیله شخص اعلیحضرت را محبوب و مقدس تر در نظر ملت جلوه کر از سابق خواهد ساخت. دیگر مختارید)

غابون مأموریت خود را اگر چه بانجام داد ولی باطناً مایل نبود که ملت بتوسط نمایندکان قلیله خویش داخل مذاکرات باشد زیرا که بخوبی میدانست که جز جواب یأس نتیجه نخواهد داد بلکه مقصود

مشار الیه این بود که انقلابیون بدون تعیین نماینده یا وکیل با هیئت اجتماع جلو عمارت سلطنتی رفته تقاضای خودشانرا با حالت اجتماع مطالبه نمایند تا آنکه در نظر دولت اثر یک چند نفر از مغرضین و با جاه طلبان یا اشخاص که اینمقدمه را چیده اند وانمود نشود و شخص امپراطور بخوبی مسبوق بشود که این شورش اختصاص بیک عده معینه که کورکورانه آلت دست چند نفر متحرک شده اند نبوده بلکه ملت بیدار شده و پی حقوق مشروعه خویش برده در استرداد آن باتفاق تمام از روی حس و اشتباه داخل در عملیات شده است که درباریان آنرا بنام شورش و اغتشاش در نزد امپراطوری وانمود کرده اند. بنابراین باشاره و اخطار غابون عمله جات و شورشیان قرار گذاردند که در ۲۲ ژانویه در یک نقطه معینه جمع شده و از آنجا با حالت اجتماع عازم قصر امپراطوری بشوند و هنوز دولت هم قرار قطعی در اقدامات خویش تصمیم و اتخاذ نکرده بود. اخطار مزبور در میان تمام افراد بسرعت انتشار یافت که با هیئت اجتماعیه نزد امپراطور رفته و حضوراً عرایض خودشانرا خواهند گفت.

و شورشیان در همین موقعیکه پرت آرتور سقوط کرده و دولت روس در محاربات مانچوری دچار شکست های متواتر شده در اسعاف و اجابت ایشان تردیدی نخواهد کرد.

این حرکات و اقدامات گروکنندکان بواسطه یک بیان نامه بدولت پیش نهاد شده و دربار پطرزبورغ در اختیار سه شق مشغول مداقه و مذاکره گردید. شق اول) دادن آزادی تمام در اجرای نمایشات عمله جات و قبول کردن چند نفر از نمایندکان ایشان بحضور امپراطوری. شق ثانی) مذاکره و مشاوره کردن با غابون و منصرف کردن وی از اتخاذ این اقدامات. و شق ثالث) متفرق ساختن شورشیان بقوه قهریه شق اول در نظر اولیای امور خطرناک و وخیم تر جلوه نمود زیرا که اجازه نمایش شصت هزار نفر در خیابانهای پطرزبورغ در رفتن این عده عظیمه جلو قصر شاید منتهی بحمله و هجوم عمارت سلطنتی شده و وقایع انقلاب کبیر فرانسه را در پنجم و ششم اکتبر سال ۱۷۸۹ در ورسای و ۲۰ ژوین ۱۷۹۲ را در (توئیلری)

در روسیه تجدید نماید و نیکلای دوم مانند لوی شانزدهم ترک سلطنت کرده تسلیم انقلابیون شود.
اما در باب شق ثانی هم عقیدهٔ شورای دولتی و رجال دربار مخالف با احضار غابون و انصراف وی ازین کار بود و بالاخره شق ثالث را اختیار و تدابیر لازمه در این خصوص اتخاذ کردند و خود امپراطور از قصر زمستانی بسمت (غاچینا) عزیمت نمود. بشیوع این خبر اسباب وحشت اهالی شده عدهٔ از تجار. وکلای بلدیه. معلمین و متعلمین وادبا اجتماعی عقد کرده برای جلوگیری هر قسم قتل و کشتار با پرنس (میرسکی) وزیر داخله وقتی برای ملاقات خواستند و یک نماینده تعیین کردند که با وزیر مزبور در این باب گفتگو نماید نویسندهٔ معروف روسی (ماکزیم غورکی) در دو ساعت صبح بسمت نمایندگی نزد پرنس (میرسکی) رفته و با حالت یأس برگشت زیرا که وزیر مشار الیه با ایشان صراحتاً گفته بود که ارادهٔ امپراطوری غیر قابل تغییر است (غورکی) بعد ازین پیش مسیو (ویت) رئیس کابینه وزرا رفته از ایشان تمنا نمود که در نزد وزیر داخله و پرنس (اسویاتوپولک) وزیر مالیه وساطت نماید تا اسباب خونریزی فراهم نیاید ولی مثمر ثمری نگردید.
پولیس و نظامیان شهر محض اینکه در بدو امر اجتماعات خونریزی نشود ساکت و آرام در قرارگاههای خویش ایستاده واقعاً متعرض ازدحام جماعت نشدند.
۲۲ ژانویه صبح گروکنندگان با دستجات کوچک بدون اینکه بمانعی مصادف شوند در محل معین جمع شده و بسمت وسط شهر حرکت کردند.
تمام ساخلوی شهر و قشون مستحفظ قصر زمستانی مجهز و مسلح مستعد قتال و در تحت اداره و فرمان شخص وزیر داخله با ژنرال فولون قرار گرفته بود. فرمان یورش حرکت از طرف غابون گوشزد تمام مردم گردیده جمعیت بسمت قصر سلطنتی روانه شدند و منتظر بودند که امپراطور عرایض ایشان را شخصاً گوش خواهد داد. همینکه این عدهٔ کثیره بسر پل نوا رسیدند پولیس و سواره نظام جلوگیری کرده

عملجات اعتنا نکرده جلو رفته بلافاصله سوار بروی جمعیت شلیک نموده عدهٔ زیادی مجروح و مقتول افتاد در پل (تروئتسکی) بضرب قنداق و شمشیر نظامیان جماعت را قدری متفرق ساختند ولی تشویقات رؤسای شورشیان مجدداً آنها را مجتمع کرده بسمت قصر پیش میرفتند عدهٔ سوار و پولیس برای جلوگیری این اجتماع که بالغ بر صد هزار نفر بود کفایت نکرده و شورشیان زور کرده موانع را از پیش برداشته دو ساعت بعد از ظهر جبراً و قهراً وارد مدخل باغچه جلو عمارت — امپراطوری شدند. اوضاع سخت و وخیم تر گردید زیرا که شلیک سخت تر و مقاومت و فشار اهالی زیادتر گشته با وجود تلفات شورشیان در پیشرفت خویش اصرار داشتند تا آنکه آن ساعت خونریزی آن رسید قشون و توپخانه از هر طرف بروی اجتماعیون بشدت شلیک کرده در عرض چند دقیقه هزاران نفر مجروح و مقتول افتاده مجدداً شورشیان مقاومت کرده فشار آوردند که بلکه بتوانند داخل قصر بشوند ایندفعه سخت تر از سابق شلیک شده چندین هزار نفر بخاک هلاکت افتاد عملجات متفرق و هر کدام برای پیدا کردن پناه و مأمنی رو بفرار خون مانند سیل جاری نعش بروی نعش قرار گرفته و با وصف این تحریکات رؤسای گروکنندگان آنها را بغیرت آورده دوباره بسمت عمارت حمله بردند ولی با دادن تلفات زیاد کاملاً مغلوب و منهزم شده فرار را بر قرار ترجیح دادند و خود غابون هم بیک خانه ملتجی شده خویشتن را بدینوسیله از خطر نجات داد.
در ورود ظلمت شب تخفیفی با وضاع جاریه داد عملجات از جلو قصر خود شان را کشیده سکوت و خاموشی عالم را فرا گرفت و یک محله تمام شهر بواسطه تعطیل کارگران فابریک چراغ برق در تاریکی مانده و مستحفظین با نظامیان و پولیس باز در مواقع خویش برای حفظ و حراست شهر و جلوگیری از حوادث آتیه باقی ماندند خشم و غضب و هیجان شورشیان از این اتفاق و قتل و کشتار بیشتر شده همان شب در مرکز اجتماعیه عملجات عکس نیکلای دوم را که بدیوار زده بودند تا آنوقت نسبت بعکس مزبور کمال تعظیم و تکریم را

بجا میآوردند از دیوار کنده قطعه قطعه نمودند .
قبل از ظهر ۲۳ ماه تمام شعبات هیئت اجتماعیون بسته شد و در همان روز دستجات شورشیان باز در بعض نقاط مشغول اختلال و دادن نمایشات ضد حکومت حاضره شدند ولی زودتر جلوگیری شده مثل روز قبل سخت و وخیم تر نشد .
در بیست و چهارم تزار روس ژنرال تره پوف را که بواسطهٔ فعالیت و جدیتش معروف بود به حکمرانی پطرزبورغ و حوالی آن منصوب نمود و فرمان ذیل را صادر نمود : (افکار عمومی شهر پطرزبورغ بواسطهٔ تعطیل عملجات کارخانجات و دار الصنایعها در این روزها مضطرب و متوحش گشته است . دست کشیدن کارگران باعث خسارات عمدهٔ اربابان صنایع و فابریکها شده و عمله جات در باب اصلاح امور خویش چندین شرطی پیشنهاد صاحبان کارخانجات کردند . در این گرو اشخاص مغرض استفاده کرده رنجبران را آلت دست خویش قرار داده تولید اختلال و ناامنی نمودند . عمله جات کارخانجات پطرزبورغ فراموش کرده اند اینرا که حکومت همواره کمال مساعدت را نسبت بایشان کرده و در رفع حوایج و اعطای پاداش زحمات ایشان حاضر بوده و همیشه مطالبات حقه و مشروعهٔ ایشان را بجا آورده است و اگر حالیه هم در مدعیات و مطالبات خویش ذیحق هستند بدواً بدون آنکه گرو برپا دارند بحکومت دولت پیشنهاد کرده و مجالی برای دولت در تحقیق و تدقیق تکالیف حقه خود بدهند و این مسلم است تقاضای حقهٔ کارگران با تعطیل کار و ترتیب گرو و تولید ناامنی و هیجان در شهر و اهالی قابل استماع نبوده و دولت را مجبور باتخاذ تدابیر شدیده مینماید . مشاغل عمله جات گذشته از آنکه برای رفاهیت مملکت است سبب نفقه و گذران اهل و عیال ایشان بوده بدون آن دچار ضرورت و استیصال خواهند شد و علاوه از این پیش نهاداتیکه بدولت تقدیم داشته اند ابداً مربوط بوظیفه و مشاغل ایشان نبوده و هیچگونه تناسبی با تعطیل و گرو رنجبران ندارد اگر مقصود ایشان ترفیه حال . تحدید

ساعات

ساعات کار . اضافهٔ حقوق و پاره امتیازات دیگر راجع بکار و رنجبری عمله جات است ممکن است هیئت دولت را مسبوق سازند و از این تاریخ وزیر داخله و مالیه مأمور وارسی شکایات کارگرانی که دست از تعطیل کشیده و مشغول کار شده اند بوده همه قسم همراهی خواهند کرد و در صورتیکه در مدعیات خویش ایستادگی کرده آلت دست شورش طلبان بشوند حکومت در حق ایشان مجازات و سیاست سختی مرعی و معمول خواهد داشت)
از این تاریخ یک ارادهٔ امپراطوری در شهر پطرزبورغ حکومت نظامی برپا نمود . گرچه قوهٔ قهریهٔ دولت در روز قتل و کشتار ۲۲ ماه اغتشاش و تعطیل عمله جات را ساکت نمود ولی در تمام روسیه یک سوء اثر غریبی بخشیده در نقاط مختلفهٔ مملکت مزبوره تولید هیجان و شورش نمود .
در پطرزبورغ ادارهٔ بلدیه دو هزار منات برای مجروحین ۲۲ ماه تخصیص نموده و از این رو سه عضو ادارهٔ مزبوره گرفتار و محبوس گشته و همین ایام چند نفر از روزنامه نویسها . آدوکا و از علما و ادبای معروف هم توقیف و در قلعهٔ (پیر د پول) حبس شدند از این میانه ادیب معروف (غورکی) بود و بدین جهت سکونت و امنیت عادی از شدت عملیات دولت برقرار گردید و شهر پطرزبورغ بحالت سابقهٔ خویش عودت نموده ولی بقسمی عرصه را باهالی تنگ نموده بودند که اجتماع چند نفر بیک جا غیر ممکن و بعض سوء ظنی که نسبت بیک نفر حاصل میشد گرفتار و محبوس میگردید .
نویسندهٔ معروف روسی (تولستوی) در باب هیجان و انقلاب روسیه مینویسد که ملت روس با آنکه موقع مناسبی بدست ایشان آمده بود در استرداد حقوق مشروعهٔ خویش سوء استفاده کرده از راه انارشیستی داخل شدند و اینهم بواسطهٔ فقدان علم و نداشتن راه تحصیل آن بوده و بدبختانه موفق بمرام نشدند ولی باید اشخاص منور الافکار و حساس عوام الناس را که اکثریت اهالی را تشکیل میدهند بخوبی مطلع و آگاه از مضرات و مفاسد حاضرهٔ حکومت نموده و برای خط حرکت ایشان در حصول مقصود هدایت

و راه

وراه نمائی بکنند هیچ قوه قهریه نمیتوانند در مقابل مقاومت قوه ملی در تحصیل آزادی و حاکمیت خویش ایستادگی و ممانعت بکنند بشرطیکه در اینمسئله فواید و اغراض شخصی اجرای نفوذ ننماید و وقتی ملت با یک هیئت جامعه بحقوق مشروعه خود که متنفذین مملکت و اشرافیین دولت غصب کرده اند پی برد باکمال سهولت باسترداد آن موفق میشود. هیچوقتی زمانه اینطور درس عبرتی بملت روس نداده بود اهالی مملکت روسیه بخوبی ملتفت شدند که اینهمه مصایب و بدبختی های وارده بر این آب و خاک از نتایج حکومت استبدادی است. استبداد باعث مغلوبیت ما در محاربات اقصای شرق گردیده از نتایج استبداد چشم و گوش ملت بسته و از هر گونه ترقیات مدنی و اخلاقی محروم کرده است افکار عامه را قبلاً باید بحقوق و بقا و عزت یک دولت و عظمت و رفاهیت یک ملت متوجه ساخت و پس از حاضر و مستعد کردن اذهان داخل عملیات از روی وسایل کافیه گردید).

ادیب معروف (ماکزیم غورکی) که اولیای دولت از نتایج انقلابات روسیه مشارالیه را یکی از محرکین بلوای مزبور فرض و محبوس کرده بودند در باب بیداری ملت میگوید (روسیه جنبش ناقص و هیجانی نمود در مقابل اقتدارات نامه یک عده قلیله ملت روس را نمیتوان گفت بلکه کارهای متعدده بزرگی است که هر کدام در تحت طوق اسارت و رقیت کیفر قرار گرفته. ملیونها نفوس چرا باید آلت اغراض و جاه طلبی یک عده معینه باشند اگر حس و درک میداشتیم و میفهمیدیم که سلطنت و دولت و حکومت همه تشکیلات هیئت جامعه ملت است و حاکمیت از حقوق محققه ملت بوده با دست خویش خود مانرا محکوم و محروم از هر گونه آزادی ملی نمیساختیم. جهالت و بی علمی هیئت جامعه که اکثریت ملت را حائز و دارا هستند مانع از اینست که از فواید و محسنات سلطنت ملی و معایب و مضرات استبداد و حکومت مایشائی را درک نموده اول باید علاج اینرا کرد و بعد بچیزهای دیگر پرداخت).

در مقابل اقدامات مجدانه رؤسای آزادی طلبان روسیه که غالباً از علماء و مطلعین و نخبه اهالی مملکت

مزبوره بودند در بیداری ملت و تشویق و تحریکات اهالی برای وصول شاهراه حریت که بوسایل متعدده با مطبوعات و تألیفات و اجتماعات و نطقات و غیره زارعین و رنجبران و طبقات صالحه متوسطه مملکت را هدایت برنجات از طوق این اسارت مینمودند و تولید هیجان و انقلابات را در اکثر نقاط کرده از هر طرف پروتستهای سختی بواسطه تلگرافهای انقلابی از این مسلک تکرار نموده و حتی کمی مانده بود که اعلان جنگ بضد (اوتوکرات) و (استبداد شمالی) نمایند اولیای امور اجنبی ها را متهم کرده و تعطیل و گرو و شورش های روسیه را ناشی از تحریکات اجانب مخصوصاً انتریکهای دول انگلیس و ژاپون میدانستند و در انظار اهالی اغتشاشات عمله جات فابریکهای بحری پطرزبورغ - لیبو - و کارگران کارخانجات ذغال و استغفالی را از ترغیبات رقبای دولت جلوه گر میساختند.

چنانچه تزار روس یک خطابه که نمایندگان عمله جات در اول فوریه در عمارت تزارسکوسیلو که بحضور قبول کرده بود ایراد کرده اینطور میگوید (که من شما را برای آن احضار کردم که تقریرات مرا حضوراً شنیده برفقای خودتان کاملاً تبلیغ نمائید. این حوادث ناگوار بواسطه خائنین و دشمنان مملکت ما پیش آمده که شما را آلت خیالات خویش قرار داده اند شما را وادار باغتشاش تعطیلیه نمودند باید ملتفت باشید که روسیه از شما متوقع و منتظر این قسم حرکات نبود حالا موقع اتحاد در مقابل دشمن وطن است من بخوبی میفهمم که گذران عمله جات خیلی سخت و اصلاحات لازمه باید مجری داشت ولی حصول اینمقصود بصبر و حوصله است و اگر پیش نهادات ضروری خودتانرا بواسطه اغتشاش بعمل آرید مرتکب گناه بزرگی شده اید من وعده میدهیم که وسایل رفاهیت و راحتی شما را فراهم آرم و از اینحرکات بلوا انگیز شما عفو و اغماض کردم و توفیق خداوند در موفقیت خویش تمنا مینمایم).

با وجود این بازهم اغتشاش خاموش نشده در مراکز بزرگ صنایع روسیه از قبیل (مسکو - لودز - ورشو) مصادمات خونریزانه می افتاد. خصوصاً در ورشو با وجود حکومت نظامی شلیک های سختی در کوچه ها

و معابر مانند انقلابات ۱۸۳۱ و ۱۸۶۳ اتفاق می افتاد.

گرچه پایتخت روسیه شورش علی الظاهر فرونشسته بود ولی یک حادثهٔ جدیده که در مسکو در ۳۰ ژانویه رخ داد حاکی براین بود که هنوز شورشیان دست از کار نکشیده اند. گراندوک (سرژ) عموی نیکلای دوم حاکم مسکو با درشکه سه ساعت بعد از ظهر بسمت قصر سلطنتی (نیکلا) حرکت کرده جلو عمارت عدلیه یک سورتمه[1] مصادف شد که دو شخص سوار بود ند یکی از آنها بدرشکه یک بمبی انداخته و احتراق آن تمام درشکه و خود گراندوک را قطعه قطعه نمود یک پولیس مرتکب را گرفتار کرده و نعش را بدیر (چود وسکی) حرکت دادند زوجه اش بالای سر مقتول رسیده و بنای گریه و زاری و بی تابی بعتمی میکرد که اهالی را که دورش جمع شده بودند برقت آورد گراند وکهای پول و کنستانتین دو برادر متوفا در مراسم حرکت جنازهٔ حضور رسانده و در (کرلمین) هم اجرای آیین روحانی بعمل آمد.

انقلاب مسکو شبیه بطرز بورغ بود زیرا که بتمام اذهان جوانان حساس سرایت کرده و تمام اهالی را داخل عملیات انقلابیهٔ خویش نموده نمایشات شدیده و هیجه میدادند چنانکه یک هیئتی از محصلین بامپراطور روس بیان نامه فرستاده و در او نوشته بودند که (اعلیحضرت تصور نفرمایید که شورش حکمفرما است بلکه این یک انقلاب اساسی و سیاسی است)

دار الفنونها بسته شده محصلین عدم امکان تحصیل را با بحران حاضره اظهار و تعطیل کردند فردای آن شاگردان مدرسه (ترزارسکو سیلو) بهمین علت گرو کردند و این مسئله مجدداً به پطرز بورغ سرایت کرده محصلین تمام مدارس از مداومت تحصیل دست کشیده در سیتم فوریه در یک اجتماع بزرگی در تالار دار الفنون نمایشات شدیده دادند که در میان ایشان از جنگ کنندگان میدانهای بحری که مدت علیلی بود د بروسیه عودت کرده بودند عدهٔ زیادی حضور داشتند. و آنها هم نسبت

بروسای نظامی خویش زبان طعن و لعن گشوده خطبا و ناطقین هم به گراندوک (سرژ) و (ترپوف) و تمام درباریان فحش می کفتند و عکس امپراطور را تکه تکه کردند.

قبل از انفصال محصلین مزبور با کثریت بیان نامهٔ ذیل را ترتیب و تنظیم دادند (مطلق العنانی حکومت روسیه هر ساعت و هر روز باضمحلال و خرابی غیر قابل اجتناب ما را می کشاند. این مسلک حکومتی که حالت احتضار را دارد بیهوده ملت بیدار شده را اغفال مینماید و تشبث و سایل متعدده میشود که بمخاطرات جدیدهٔ آتیه ملت و مملکت را گرفتار کند. چندین صد هزار نفوس را با قصای شرق فرستاده آنها را فدای استبداد و قربان مطلق العنانی و کیف ما یشائی خویش نمود. مدتی است ما محصلین برای حفظ حقوق طبیعی و مسلم رنجبران و زارعین با حکومت مستبده مشغول مبارزه و مدافعه هستیم و از همت و غیرت عملجات کمال تشکر را داریم که در استرداد آزادی اهالی از پنجهٔ ظلم و اجحافات فوق الطاقهٔ درباریان پطرز بورغ کمال جدیت و فعالیت را بخرج داده و میدهند و ما که خود مان را حساس ترین و باهوش ترین طبقات اهالی فرض میکنیم اولیای امور را متوجه پیشنهادات ذیل و اجرای آن مینمائیم:

۱) انعقاد مجلس مقننه باکثریت آرا و انتخاب سری برای اعطای آزادی مطبوعات و اجتماعات.

۲) عفو عمومی که هدف تحریکات سیاسی یا مذهبی شده اند.

۳) تشکیل قشون ملی برای پشتیبان و نگهبانی حقوق ملت در موقع تجاوز.

امپراطور روس در مقابل این بلوای محصلین تمام مدارس را موقتاً بسته و شاگردان مصمم شدند تا ماه سپتامبر مشغول تحصیل نباشند. بنابرین مجدداً بر اهمیت شورشیان و کثرت ایشان افزوده و کم کم برا کز نظامی و سیاسی هم سرایت نمود.

[1] سورتمه عرابه مخصوصه است بدون چرخ برای مسافرت و حرکت در اراضی منجمد و روی یخ و برف که مخصوصاً در روسیهٔ شمالی خیلی معمول است)

دولت ژاپون از این اختلال داخلی روسیه استفاده کرده با کمال تجهیزات خویش و مقهور ساختن خصم خویش برای آنکه دولت روس را مجبور بصلح نماید پرداخت و دربار پطرزبورغ علی رغم سقوط پرت آرتور مغلوبیت های محاربات شاحو و حوادثات بلوائی روسیه بمداومت جنگ جداً مصمم گردید و به تجهیزات و تحشیدات جدیده می پرداخت) (بترتیب جنگی)

فراریان و مهاجرین طرفداران مشروطیت در پاریس متینگهای متعددی بضد حکومت مستبده داده و فرانسویها هم شراکت کرده و بنام انقلابات ملی اقدامات مجدانه مینمودند چنانچه در متینگ عمومی ۳۱ ژانویه مسیو (وایلان) با صدای بلند گفت که نه تنها ما باید به برادران روسی خودمان معاونت و کمک لازمه نمائیم بلکه در مقابل شجرهٔ استبداد و ظلم که باعث قتل و غارت اهالی و جور و شکنجهٔ نفوس مظلوم مملکت روسیه میشود مدافعه نموده خاتمه باین قساوت قلب درباریان و جاه طلبی و خبث فطرت متنفذین مملکت داد. مسیو پرسانسه در نطق خویش گفت اظهار داشت که این طریقهٔ حکومت را که باعث ننگ و شرم روسیه است برداشت و اهالی را از تنفس این هوای مسموم و متعفن نجات داد تا آنکه استنشاق هوای آزادی و حریت را نموده در عالم ترقی و تکوین نشو و نمای کاملی نمایند.

بهر حال چندی نگذشت اقدامات دولت مجدانه انقلابات داخله را قهراً و جبراً ساکت و خاموش کرده باصلاح نواقص قوای حربیه و بحریه خویش برای اخذ انتقام از خصم قوی پنجه پرداخت.

باب پانزدهم

دولت ژاپون مالک الرقاب دریا - سفاین حربیه روس در اروپا و در سواستوپول - ترار در روال - کانال سوئیش - جهازات دوم بحر محیط - آمیرال توغو و قوهٔ بحریهٔ ژاپون - جهازات

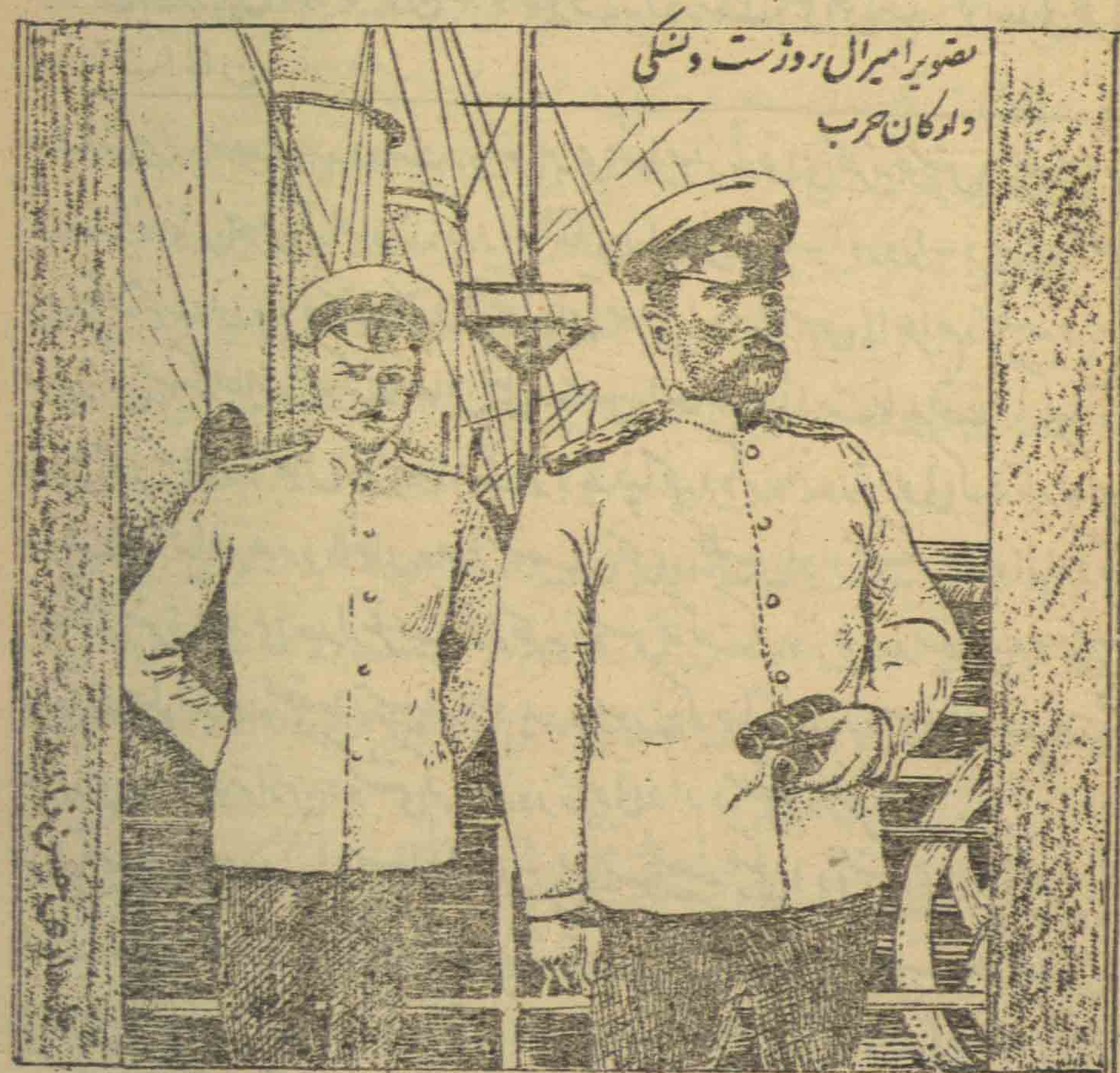
روس در ماداگاسکار - زره پوش ها و توربیل ها - آمیرال روژستونسکی فرمانده کل جهازات بالتیک - نگرانی در ژاپون - در لنگرگاه نوسی به - جهازات روس در سینکاپور - در سواحل هند و چین و در سایغون - نبوگاتوف به روژستونسکی ملحق شد - قواعد بی طرفی - اقدامات آلمان -

---

در سال هزار و نهصد و سه دولت روس برای حفظ موازنهٔ قوای بحریهٔ خویش در اقصای شرق یکدسته از سفاین حربیه که عبارت از زره پوشهای (اوسلی یابیا - اورورا - دمیتری دونسکوی) با چند قطعه مخرب توربید در تحت کماندانی معاون آمیرال (ویرنیوس) اعزام داشته و آمیرال مزبور مثل اینکه بطائت حرکت سفاین جنگی روس را بعالمیان ثابت نماید قصداً با یک تأنی و تأمل فوق العاده مشغول سیر و سیاحت گردید چنانچه دو کروازور ژاپونی که در بار توکیو از دولت ایتالیا خریده و ملاحان و صاحبمنصبان بحری انگلیس اداره میکردند و از اروپا بسمت اقصای شرق چندی بعد از عزیمت قوهٔ بحریهٔ روس حرکت کرده بودند بسفاین روسی رسیده و از آنها جلو افتاده بمقصد رهسپار گردید. درصورتی که جهازات روسی نظر بمقتضیات وقت ضروری بود که جلوتر ازین دو کشتی کروازور ژاپونی وارد مقصود بشوند.

هرگاه آمیرال روسی در اثنای سیاحت خویش بطائت سفینهٔ جنگی (دونسکوی) را با مخربین توربید فهمیده و از تأخیر حرکت آنها واهمه داشت ممکن بود سفاین مزبور را بعقب انداخته با کشتیهای (اوسلی یابیا) و (اورورا) باتفاق با یک سرعت ممکنه عزیمت میکرد ولی افسوس که روسها مخاطرات و تهلکه هائیکه بآنها متوجه بود درک و مشاهده نمیکردند بنابراین قوهٔ بحریهٔ روس بالاخره در شانزدهم فوریه در پیمودن منازل مختصره وارد (جیبوتی) شده و بمحض وصول حکم عودت سفاین مذکوره بدریای بالتیک وارد شد درصورتیکه هشت روز بود ابواب مخاصمات از

طرفین مفتوح شده بود. این دسته سفاین وقتی که به بندر (کرونشتاد) رسید دوباره مأمور گردید که با جهازات دوم بحر محیط بسمت اقصای شرق عزیمت نماید.



تصویر امیرال روژست ونسکی ولوکان حرب

از ماه نوامبر ۱۹۰۴ الی ماه آوریل ۱۹۰۵ حوادث جنگی در دریا خیلی بندرت در فضای شرق اتفاق می افتاد زیرا که جهازات دولت روس که در پرت آرتور محصور شده بود کاملاً یا غرق یا تخریب گردید

گردید و یا متفرق شده بود و جهازات ولادوستوک هم بواسطه یخ بندی محبوس شده و بمیتوانست هیچگونه نمایش بحری بدهد. کشتی های جنگی که به (کیاچئو) و (شانغای) (سایغون) ملتجی شده بودند آنها هم کاملاً خلع اسلحه و تجهیزات گشته ابداً حالت حرب کردن از اندشان شد.

آمیرال توغو که مدتی مشغول محاربات بحری بود برای اکمال نواقص سفاین جنگی و جهازات خویش آنهارا دارد بنادر حربیهٔ ژاپون نمود تا آنکه با کمال عجله تعمیرات لازمه را کرده مستعد و مهیای جنگ با قوای حربیه روس نماید.

دولت روس مصمم گردید که جهازات بالتیک را که قوهٔ دوم بحری دولت مزبوره را تشکیل میداد باقصای شرق روانه سازد برای آنکه قوای بحریه خصم تمام سفاین و کشتی های ویراچه در پرت آرتور وچه در ولادوستوک بکلی مضمحل ومعدوم ساخته واز اینجهة در باریطرزبورغ مجبور بود که برای محصورین پرت آرتور و سفاین محبوسه ولادوستوک. معاونت و مظاهرت کافیه نموده از سمت بحر مشغول عملیات خصمانه گردد.

مصادف این ایام آمیرال توغو مالک الرقاب و آمر مطلق دریای قوره وچین و بحر اصفر و تمام سواحل اقصای شرق شده با کمال آزادی به تجهیزات و تنسیقات خویش میپرداخت.

ولی دولت روس بسفاین جنگی بالتیک خویش در بندر (کرونشتاد) و جهازات حربیه بحر اسود خود در سواستوپول مطمئن و مستظهر بوده مصمم تجهیز و اعزام آنها برای مقابله رب النوع دریا یعنی دولت آفتابی گردید ولی چیزیکه محل تأمل بود موانع متعدده و اشکالات عدیده بود که دولت روس را برای اجرای این مقصود مجبور بفدا کاریهای معتنابهی می نمود و اولاً بعد مسافت که منتهای اهمیت را داشت زیرا که حرکت یکدسته جهازات جنگی از بالتیک تا اقصای شرق چقدر محذورات داشت. از کدام بنادر تهیه ذوغال سنگ نماید و در کدام لنگرگاه ها توقف کرده

کرده باصلاح نواقص پردازد. و علاوه ازین بچه قسم این مسافت مهمه را به پیماید که آسیبی بر قوهٔ بحریه اش وارد نگردد چه در وسایل و تدابیری اتخاذ نماید که دول بیطرف بوی مساعدت و همراهی نمایند همه اینها یک سلسلهٔ مسایل مبهمه و مجهوله بود که حل آن خیلی مشکل و سخت بنظر میاید. ثانیاً مشکلتر و وخیم تر از همهٔ اینها رقابت و مخالفت باطنی دول انگلیس و امریکا در حرکت جهازات بالتیک باقصای شرق بود که شاید یک بهانه پیش کشیده راه مخاصمت را با دربار پطرزبورغ پیشه خویش سازد. صرف نظر ازین موانع و محذورات جهازات بالتیک لوازم حرکت خود را کاملاً فراهم نموده و اشکالات را مرتفع ساخت ولی تجهیز و اعزام جهازات بحر اسود روس بمراتب سخت تر و بلکه غیر ممکن بود زیرا که نظر بقرار دادیکه از نتیجهٔ ائتلاف دول در ۱۳ ژوییه ۱۸۴۱ منعقد شد سلطان عثمانی متعهد گردید که هیچگونه سفاین حربیه را از داردانل نگذارد عبور نمایند و خصوصاً پس از محاربات کریمیه بغاز بوسفور و داردانل بکشتی های جنگی روس بکلی مسدود گشته و قوای بحریه بحر اسود وی بدینجهة محبوس مانده بود و معاهدهٔ پاریس سال ۱۸۵۶ هم قرار داد فوق الذکر را تصدیق و با شرایط ثانوی محکمتر ساخته و بدولت عثمانی اقتدارات تامه داده شده بود که بهر وسیله و قوه باشد جلوگیری از تمام سفاین حربیهٔ دول عالم از دو بغاز بنماید در موقع جنگ و هنگام صلح هم باب عالی در صورتیکه مغایر مصالح خویش نداند میتواند اجازهٔ عبور بدول متحده و دوست خویش بدهد. بنابرین دربار پطرزبورغ اضطراراً از تجهیز و اعزام قوای بحریهٔ بحر اسود خویش منصرف شده و جهازات بالتیک را مأمور اقصای شرق نمود.

نهم اوکتبر امپراطور بهمراهی امپراطریس و ولیعهد نوزادش که چند هفته بیشتر از عمرش نگذشته بود باتفاق گراندوک (آلکزیس) وزیر بحریهٔ دولت روس برای سان دیدن جهازات خویش به بندر روال عزیمت نمود. در آنموقع جهازات بالتیک که از سان امپراطوری گذشتند بقرار ذیل

بودند شش زره پوش که بدو دسته تقسیم یافته بود اولی در تحت اوامر مستقیمهٔ ویس امیرال (روژستونسکی) فرمانده کل که عبارت از سفاین (کنیاز سوواروف) که حامل بیرق امیرالی بود با کشتی (بورودینو) و (امپراطور الکساندر سوم) که دارای سیزده هزار تون ظرفیت و هیجده میل سرعت و هفتصد و پنجاه نفر عمله جات بود که این سه کشتی بهترین سفاین حربیه دولت روس بشمار میرفت. قسمت دوم در تحت فرمان ویس امیرال (دون فولکرسام) محتوی سفاین اوسلابلیا حامل بیرق امیرالی با کشتی های (ناوارین) و (سیسوی ولیکی) بود که حجمشان دوازده هزار تن و سرعتشان هیجده میل بود ولی از سفاین قسمت اول پست تر و ناقص تر بودند. علاوه ازین کشتی معادن زره پوش (امیرال ناکیموف) و (دمیتری دونسکوی) در تحت کماندانی (رودیانوف) با جهازات (سیوتلیانا) (آلماز) حامل بیرق امیرالی (آورورا) (اولغ) (ایزومرود) و (المشوغ) در تحت کماندانی آمیرال (انکیست) موجود بود. پنج مخرب توربیل و چندین کشتی موشکن و توربیل انداز باسه چهار قطعه جهاز جنگی قدیم تکمیل قوای بحریهٔ بالتیک را نموده بود.

شخص تزار با خانوادهٔ سلطنتی در کشتی (استاندار) دفیله و سان جهازات جنگی را دیده و چند روز بعد سفاین حربیهٔ مزبوره با سه قسمت منقسم حرکت شدند.

اولی در تحت فرمان آمیرال (روژستونسکی) که مأمور بود دور افریکا را پیموده از دماغهٔ امید عازم مقصد شود. دومی در کماندانی آمیرال (پلکوهام) و سومی از بندر (لیبو) بعدها عقب سر آنها حرکت خواهد کرد هیجدهم ماه یک قسمت سفاین متوجه شمال برای تفتیش طرق و مواضع سیر سفاین برای جلوگیری از هرگونه خطرات گشته فردای آن به (بلت) واصل و بیستم ماه هشت کشتی در خلیج (اسکاژن) نمودار شده و هشت کشتی دیگر از جلو (هورتسهلم) رهسپار مقصود گردید. ملاحان ساحل شناس و رهنمایان سواحل تنگه های دانیمارک با یک دقت و مراقبت تامی سفاین روس را از معابر سخت گذرانده و در بار کوپنهاک همه

قسم اقدامات مجدانه نمود تا اینکه جهازات روسی در سواحل مملکت خویش دچار صدمه و آسیبی نشوند و بدینجهة چندین کشتی اجانب را توقیف و چندروزی سیر سفاین را تعطیل و موقوف داشت زیرا که از چندی باینطرف جاسوسان ژاپونی و سفاین مفتش ایشان در آن حوالی پیدا شده بودند. دولت روس پس از اینکه تمام محذورات را در باب عبور و مرور سفاین بالتیک از دریای مانش مرتفع ساخت و جلب ضمانت دولت بریتانیای کبیر را با وسایل مخصوصه فراهم آورد بملاحظه اینکه در حین عبور کانال سوئیش ژاپونی ها بواسطه غرق بعض سفاین راه را مسدود و قوای مزبوره روس را عاطل و باطل نسازند مهمترین سفاین حربیه خویشرا مأمور نمود که دور افریک را پیموده از راه دماغه امید بسمت اقصای شرق متوجه گردند.

مؤلفین دولت ژاپون یعنی دول آتازونی و انگلیس تصور میکردند که این جهازات بالتیک یا بواسطه بعد مسافت دچار مخاطرات در عرض راه شده بمقصود نخواهد رسید و یا آنکه وقتی واصل خواهند شد که پرت آرتور سقوط کرده و کار از کار گذشته است. آنوقت باید با قوای بحریه ژاپون مشغول زد و خورد شده و معلوم است نتیجه جز مغلوبیت بدست نخواهند آورد زیرا که خستگی طول راه و عدم تناسب سفاین جنگی روسها و تفوق قوای دریائی مملکت نیپون از حیث استعداد و عدّه که از دیرگاهی مطلق العنان بر و بحر شده است دربار پطرزبورغ را نایل مقصود نخواهند کرد. چنانچه در فوق مذکور افتاد جهازات بالتیک منقسم بر دو قسمت شده یکی از سمت سواحل افریکا و دیگری از کانال سوئیش و بحر احمر باقصای شرق عزیمت کردند که در آبهای جزیره مادا گاسکار با انتظار یکدیگر توقف کرده و جزیره مزبوره را موعد ملاقات و محل التحاق دو دسته بحریه قرار دادند دسته سوم جهازات بحری دولت روس که از لیبو در تحت فرمان آمیرال (نبوگاتوف) حرکت نموده بود در اول بهار سال ۱۹۰۵ به قوای اول و دوم روس در اقصای شرق ملحق خواهد شد.

اگرچه در محاربات بحری دو دولت متخاصم در صورتیکه سفاین و جهازات جنگی ایشان لااقل قابل مقایسه و موازنه یکدیگر باشد نمیتوان تصور قطعی در غالبیت یکطرف و یا مغلوبیت طرف دیگر نمود باینمعنی تجهیزات بحری و اطلاعات و خبرت نظامی در جنگهای دریائی بهیچوجه کافی بر تحصیل موفقیت نبوده و میتوان گفت که در این قبیل محاربات بحری تصادف و طالع هم مؤید کار است زیرا که تلاطم دریا و باد و غلظت مه طوفان و کولاک. صخره های وسط دریا و سایر عوارض طبیعی ممکن است منظره جنگ را بغتتاً تغییر و تبدیل داده نتیجه معکوسه تولید نماید و از اینرو بهیچوجه فرمانده کل یکدسته از سفاین حربیه که از هر حیث اضعاف قوای خصم خویشرا داشته باشد باوجود این در محاربات بحری مطمئن و خاطر جمع بموفقیات قطعیه خود نبوده و مثبت بخلاف محاربات خشکی طالع و سرنوشت و با تصادف نمیتواند مؤثر واقع شود.

روح و حیات جهازات بالتیک مأمور اقصای شرق دولت روس را آمیرال (روژست ونسکی) تشکیل داده تمام امیدواریهای دربار پطرزبورغ پس از شکست های محاربات شاحو و جنگهای موکدن متوجه اقدامات آمیرال مزبور بود که جبران مافات خواهد نمود. از خدمات سابقه مشارالیه جز یک مظفریتی در موقع محاربه دولت عثمانی با روس در سال ۱۸۷۷ کار حتمی بظهور نرسیده و در آنوقت هم که در سن بیست و نه سال و فرمانده زره پوش (وستا) بود در یک محاربه بحری با عثمانی ها کسب موفقیت کرده آمر مطلق دریای اسود گردیده و از اینرو نشان صلیب (سن ژورژ) از طرف امپراطور بمعزی الیه احسان گردید که در وقت حرکت بمحاربات اقصای شرق در سینه خویش زده بود و بعد از آن ده سال تمام مأمور تجهیز و تشکیل قوه بحریه دولت بلغارستان شده و با یک جدیت تمامی از عهده خدمات خویش بخوبی برآمده نایل تحسینات و تقدیرات دربار صوفیا گردید.

وقتی که بروسیه عودت نمود اداره قسمت توپخانه بحری (روال) بمشارالیه واگذار گردیده در نمایشات بزرگ سال ۱۹۰۰ که بشرف امپراطور آلمان در بندر مزبور داده شد حضور رسانده و اعلیحضرت گیلیوم

ثانی در تقدیر خدمات وی گفت (من خیلی مایلم که مثل شما امیرالی داشته باشم) در ۱۷ مارس ۱۹۰۳ بریاست کل ارکان حرب بحری و در ۲۵ آوریل ۱۹۰۴ بفرماندهی جهازات بالتیک و به وایس امیرالی معین و منصوب گردید.

هنگامیکه آمیرال روژست ونسکی مأمور قصای شرق گردید ژاپونیان جاسوسهای متعدده مأمور کردند که از اوضاع قوه بحریه دوم بحر محیط و از قوای استعدادیه و جنگیه جهازات بالتیک و از فرماندهان و از اطلاعات و قابلیت خود امیرال تحقیقات کامله بعمل آرند یکی از این جاسوسها تا بندر (لیبو) وارد شده و راپورتهای مفصل و مفیدی بدربار توکیو ارسال نمود از آنجمله راپورت ذیل است که یکی از مأمورین سری ژاپونی بدولت متبوعه خویش فرستاد (۲۵ اکتبر — من حالا باور میکنیم که حرکت قسمت اول جهازات روسی فقط یک خدعه برای ما بوده اگر روسها میخواستند زودتر به پرت آرتور برسند سفاین سنگین خود شان را با کشتی سریع با هم مخلوط کرده و متفقا حرکت نمیدادند. مخبر من از کرونشتاد خبر میدهد که چهار سفینه حربیه روس دور دماغه امید را قطع خواهند کرد و سایرین از کانال سوئیش و دلیل آن این است که (سزاروویچ) از تولون بسمت پرت آرتور رهسپار گردید.

امیرال روسی برای جلوگیری از جاسوسان ژاپونی بوسایل جدیه متشبث شده چندین نفر صاحب منصب بحری را که از آنها مظنون و بدگمان شده بود خارج کرده و چند نفر دیگر را محبوس نموده در پانزدهم نوامبر با وجود تأخیر حرکت باز روژست ونسکی خمس مسافت را یعنی دو هزار و چهار صد میل را پیموده بود. یکی از مخبرین ژاپونی وقتی که مطلع شد که امیرال روسی در آبهای مادا گاسکار توقف خواهد کرد نوت ذیل را تبلیغ نمود (بموجب حسابی که کرده ام جهازات روسی پانزدهم ژانویه در (پاساندوا) خواهند بود و دسته سفاین (فلکارسام) در بیست روز از راه سوئیش بدان نقطه عازم و در ۲۵ دسامبر بجزیره مادا گاسکار وارد خواهد شد. فرض کنیم که هرگاه امیرال توغو

تمام

تمام سفاین خود شرا جمع کرده از ژاپون بجزیره مزبوره حرکت نماید اواسط دسامبر واصل آبهای (مالگاش) خواهد شد و اگر روژست ونسکی از عزیمت توغو مطلع شده بسرعت حرکات سفاین خویش بیفزاید آمیرال ژاپونی در (شاغوس) یا در (سیلان) توقف کرده جهازات (فلکرسام) را تهدید خواهد کرد.

در ۲۸ نوامبر آمیرال روژست ونسکی وارد (ماسیاماو) و (فلکرسام) بسوئیش گردید در ۱۴ دسامبر مشار الیه در (جیبوتی) توقف نمود. اوایل ژانویه جهازات (کنیاز سوواروف — بورودینو — اورل — اوسلیابلیا) با زره پوشهای (آمیرال ناکیموف — دمیتری دونسکوی) و سفاین نقلیه (کامچاتکا — آناویر) وکشتی مریضخانه (اورل) جلو بندر حس هارن جزیره مادا گاسکار پس از طی دوره افریکا لنگر انداختند.

در این بحر پیمائی مفصل جهازات روسی یکوقعه مؤلمه اتفاق افتاد که کم مانده بود مابین دولت انگلیس و روس قطع مناسبات بشود و آنهم عبارت از حادثه (هول) بود که پس از هشت روز از حرکت (روژست ونسکی) گذشته بوقوع پیوست (در ۱۹۰۴ در ۲۲ اکتبر جهازات بالتیک بندر (شاکن) را ترک کرده در موقع معروف (دوگر بانک) بیکدسته کشتی های ماهی گیری انگلستان که منسوب به بندر (هول) بود برخورده و بروی سفاین مزبوره شلیک نموده یکی از این کشتی ها را غرق نمود این حادثه در بریتانیای کبیر تولید هیجان بزرگی نموده بطوری که سفیر روس کنت بکندروف چار حقارت و توهین اهالی لندن شده و دربار پطرزبورغ برای اسکات خشم و غضب اولیای امور لندن مشغول اقدامات مجدانه گردید. رئیس الوزرا مسیو بالفور در پارلمان وعده داد که با دولت روس جداً داخل مذاکرات شده قرار خسارت و جبران آنرا خواهد داد. تزار روس به ادوارد هفتم پادشاه انگلیس تلگرافی مشعر باظهار تأسف از وقوع این حادثه مخابره نمود و بالاخره قرار شد که

ذکر

دریک کمیسیونی این مسئله حل شود. کمیسیون مزبور در نهم ژانویه مشغول تدقیقات و تحقیقات شده و تقریرات
در اپورتهای شاهدها و ملاحان انگلیسی و سایر علاقه داران حادثه هول رسیدگی کرده حقانیت را
بعهده جهازات روسی دادند زیرا که سفاین ماهی گیری بیک حالت نظامی در معبر جهازات متوقف
و باشارات و اوامر آمیرال وقعی نگذارده بودند. بهرحال مساعی افراد اعضای کمیسیون بزودی
این غائله را مرتفع ساخت و خاطر اولیای امور دو دربار را ازین تشویش فارغ البال نمود.

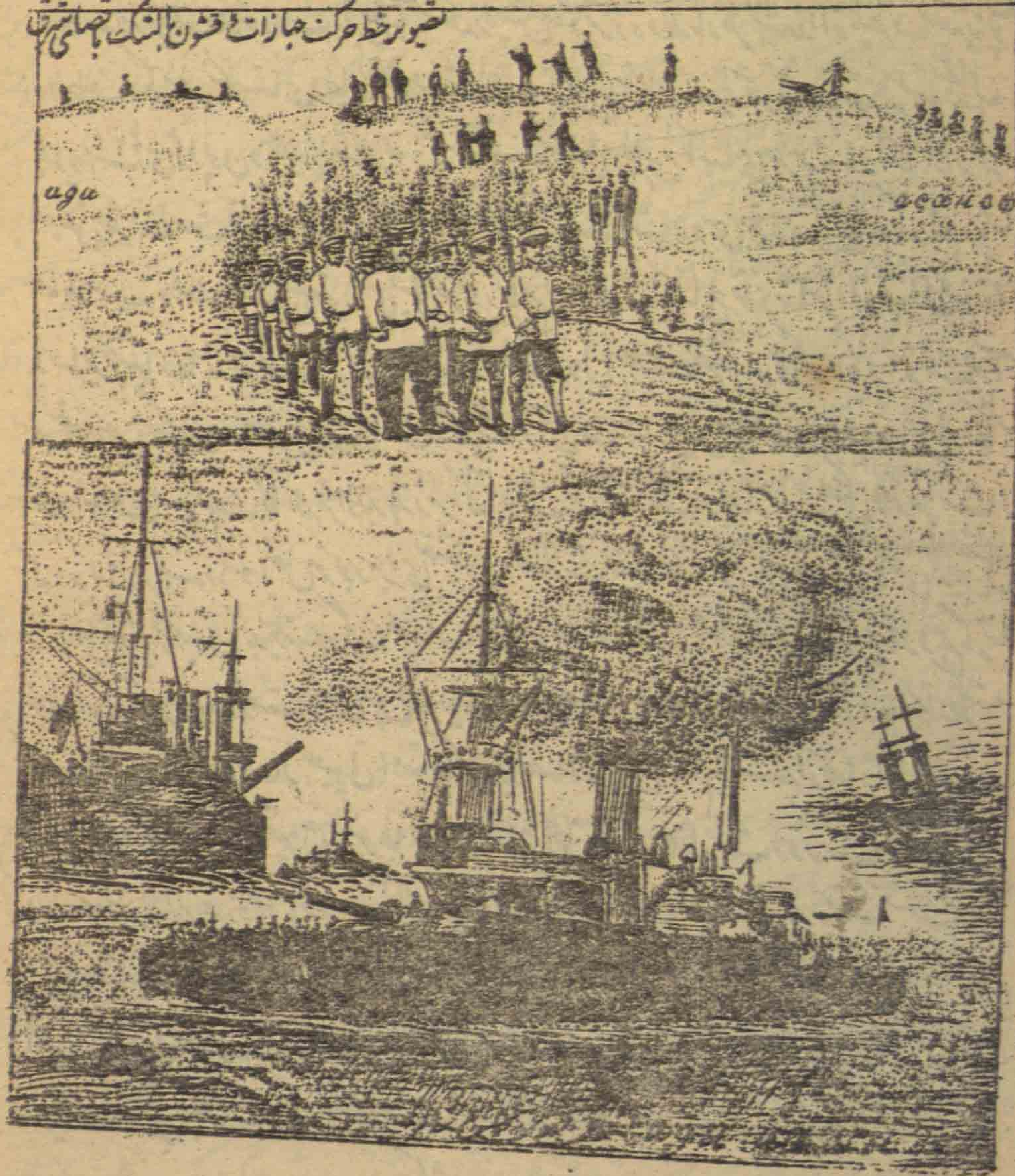
سفاین روس چنانچه در بالا مذکور شد پس از ترک کردن بندر طنجه بدو قسمت منقسم شده اولی از راه
دماغه امید و دومی از کانال سوئیس حرکت کرده در نهم ژانویه وارد (نوسی به) که محل التحاق و اتصال
تمام قوای بحری روس و میعاد ملاقات جهازات بالتیک بیکدیگر بود وارد گردید خبر سقوط پرت
آرتور و تخریب قوای بحریه اول دولت روس در بحر محیط در همین جا بآمیرال روسی و بسایر صاحب
منصبان و ژنرالها و ملاحین جهازات رسید و شیوع این خبر یک سوء اثری بخشید که هرگاه تجهیز
جهازات سوم و تهیه حرکت آنها از (لیبو) محقق نبود روژستونکی مجبوراً ازین بحر پیمائی و محاربه
دریائی با یک خصم قوی پنجه منصرف می شد.

آمیرال روسی برای رفع تشویش افراد بحریه خویش و کسب اطمینان ایشان نطق ذیل را ایراد نمود
(گمان ندارم که توغو مرتکب یک خطای بزرگی شده برای حمله جهازات ما که دارای قوه و استعداد
مهمه است بدینجا بیاید زیرا که مشارالیه دارای این جرئت و عملیات متهورانه نیست و در مقابل
دقت و کنجکاوی ما هیچگونه اقداماتی خصم نمیتواند بکند)

عده افراد بحریه و عمله جات سفاین بالتیک که در (نواسی به) جمع شده بودند عبارت از ده هزار نفر
بود که یک شهر مستحکم و متحرکی را تشکیل میداد.

توقف مدید سفاین روس در ماداگاسکار تولید اضطراب و عدم اعتماد در دربار ژاپون و لندن گردیده

پروتستهای متعدده در باب مساعدت و موافقت دولت فرانسه در پناه دادن جهازات بالتیک
از طرف دربار توکیو و دولت انگلیس بدربار پاریس وارد شده و حتی مطبوعات و افکار عمومی مملکت نیپون



ازین قضیه سخت آشفته و مضطرب شده زبان تنقید و علایم خشم و غضب ابراز و اظهار نمودند تا آنکه کم کم مطرح مذاکرهٔ محافل سیاسیهٔ دول علاقه‌دار گردید. مسیو موتونو سفیر ژاپون مقیم پاریس بمسیو دلکاسه وزیر امور خارجه نوت راجع باین مسئله را پیش نهاد کرده و دربار فرانسه را از یکطرف سفیر ژاپون و از طرف دیگر سفیر انگلستان دچار تضییق و فشار نمودند مسیو دلکاسه وزیر خارجهٔ دولت فرانسه در مقابل یادداشتهای ژاپون و انگلیس اظهار نمود که سفاین روس در خارج آبهای جزیرهٔ مادا گاسکار که متعلق بفرانسه است قرار گرفته و در واقع محل توقف جهازات روسی جزو و تابع هیچیک از دول عالم نیست و علاوه ازین کشتی‌های جنگی مزبور تمام آذوقه و مایحتاج خود شانرا از خوراک و ذغال و سایر تجهیزات و تدارکات از نقاط و بنادر مختلفهٔ دول بیطرف خریداری کرده و دولت فرانسه در این خصوص هیچگونه مساعدتی ننموده است. گذشته از آن دربار پاریس نمیتواند در تمام سواحل مادا گاسکار خود را در تحت مسئولیت کامله قرار بدهد زیرا که آنوقت یکدستهٔ مهمه از جهازات جنگی لازم است که دولت فرانسه در سواحل مزبور برای تفتیش و نظارت تهیه نماید و آنگهی چون با دنختی در این فصل در حوالی جزیرهٔ میوزد بدینجهة هرگونه عملیات بحریه دچار مخاطرات عظیمه خواهد گردید چهاردهم مارس جهازات آمیرال روژست ونسکی پس از پیاده کردن چندین نفر از ناخوشها از مادا گاسکار حرکت کرده و بسمت شمال بطرف (جیبوتی) متوجه گردید مصادف این ایام یکدسته از جهازات جدیده از (لیبو) در تحت فرمان آمیرال (نبوغاتوف) برای ملحق شدن بجهازات روژست ونسکی حرکت و راه سوئیش را گرفته و قبل از وقت بایستی تمام سفاین بالنیک بیکدیگر رسیده متفقا بسمت قصای شرق عزیمت نمایند.

آمیرال توغو که همواره دریای چین و جزیرهٔ فورموز را اساس حرکات بحریه خویش قرار داده بود تمام عملیات نظامی جهازات جنگی خویشرا در پردهٔ استتار گذشته و بهیچوجه یک جزئی اقدام و نقشهٔ خویش را

مکشوف

مکشوف نمیداشت. پانزدهم مارس تلگرافی مشعر به پیدا شدن بیست و دو قطعه سفینهٔ ژاپونی در جلو (سینگاپور) بآمیرال روسی وارد شده و روژست ونسکی با سفاین روس راه دریا را گرفته برای جلوگیری خصم مصمم گردیده در بیست و هیجدهم مارس مرکز قوای بحریه آتش بجزیرهٔ (لابوئان) وارد شده و جزیرهٔ مزبوره را میدان مانورهای بحری و عملیات نظامی قرار داد زیرا که دارای فواید متعدده بود که انتخاب آن خیلی مستحسن و بجا شده بود زیرا که از یکطرف با تلگراف تحت البحری با (سینگاپور) مربوط و از طرف دیگر تا (هونگ-کونگ) متصل بود که آنطرف (هونگ-کونگ) هم با سیم تحت البحری بجزایر (فیلیپین) و سواحل چین امتداد داشت و از اینرو میتوانست روابطی با قوای توغو و کامیمورا داشته از عملیات و تدارکات و خط حرکت ایشان اطلاعات لازمه بدست آرد.

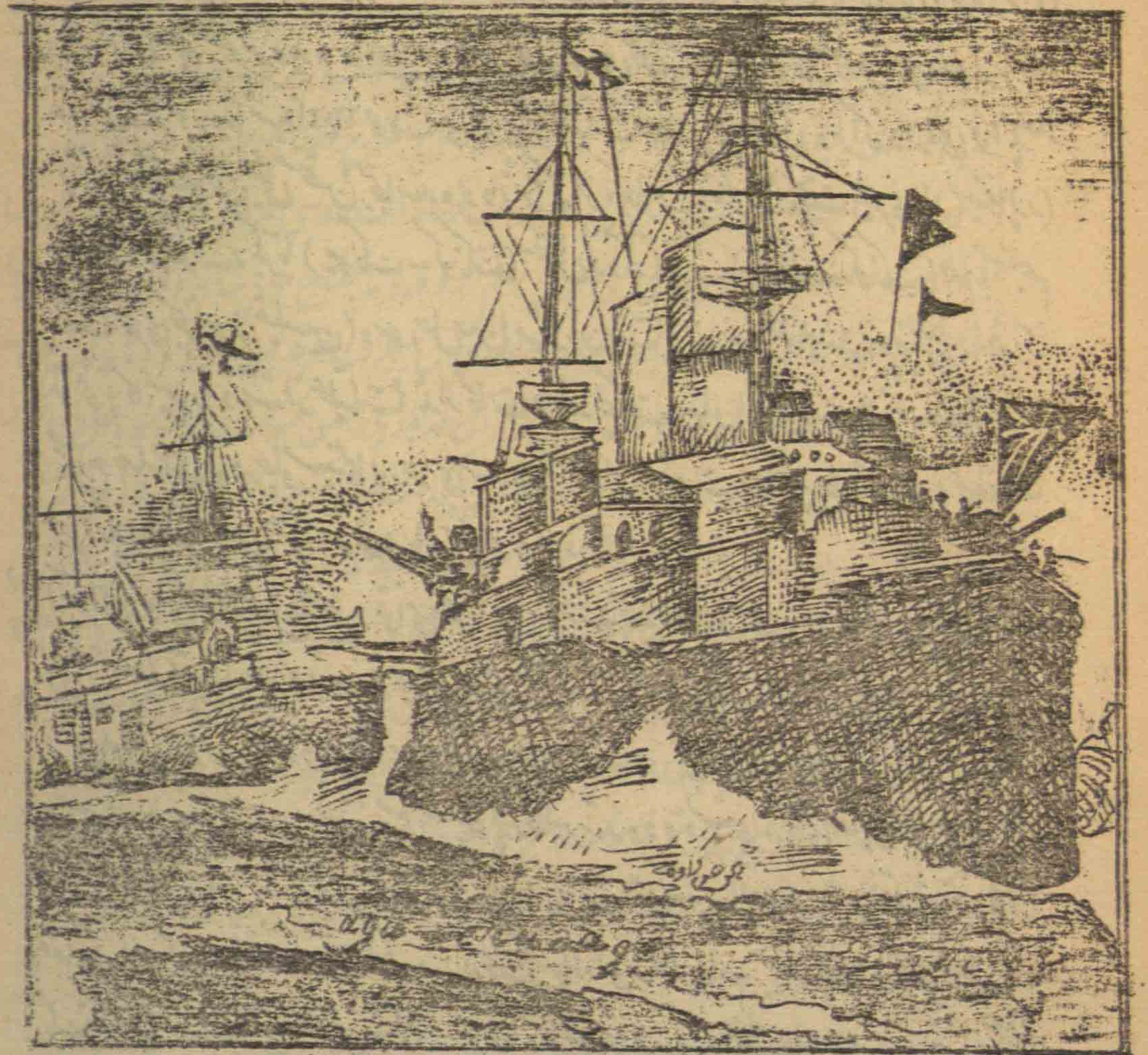
مجموع جهازاتی که در جلو سینگاپور برای مسدود نمودن راه روژست ونسکی پیدا شده بود عبارت از سی و یک قطعه سفاین جنگی متفرقه دربار میکادو بود.

آمیرال روسی از اوضاع خصم و قوای بحریهٔ وی از حیث تجهیزات و اسلحه و افراد بحری کاملاً مطلع بود ولی با وجود یکه آمیرال نبوگاتوف بوی ملحق نشده نمیتوانست داخل هیچگونه عملیات بشود برای آنکه قوهٔ دشمن برابر برتری و تفوق بر قوای موجودهٔ وی داشت.

در هشتم آوریل سفاین روسی در هفت میلی سینگاپور ظاهر شده دود آتشخانه‌های سفاین جنگی مزبور تمام فضای اطراف را تیره و تار کرده عبارت از چهل و هفت قطعه کشتی با انضمام سفاین نقلیه و زره پوشهای معاون بود که با سه قطار حرکت میکردند در تحت آمیرالهای (فلکرسام - اینکیست - بوستروتسکی) یک تلگرافیکه در باب شرح سفاین مذکوره باروپا و توکیو مخابره شد اینطور اطلاع میدهد (مشاهدهٔ چهل و هفت سفینهٔ مهیبهٔ جنگی با سه قطار منظم که هر ساعتی هشت میل طی مسافت می کنند خیلی جالب دقت و تماشا هست در مقدمه پیشرو جهازات یک فرقه از زره پوش حرکت کرده و عقب سر هم

سایرین

جهازات جنگی ژاپون در جلو سنگاپور



وسایرین راه میرفتند . از صورت ظاهرهٔ سفاین پیدا بود که مدت مدیدی در نواحی خط استوائی معطل شده اند زیرا که غالب آنها با خزه های متعدد دریائی پوشیده شده بود . عرشه های کشتی مملو از ذوغال سنگ بود .

قونسول روس مسیو (رودانوسکی) بسفاین بالتیک نزدیک شده و تلگرافات لازمه را بیک کشتی توربیل تسلیم نمود بدون آنکه جهازات توقف نمایند و پس از آن بکشتی امیرالی رفته بدون آنکه در آنجا هم پیاده شود در توی کشتی خویش اخبار مغلوبیت موکدن روس ها را داد . چندین کشتی های تجارتی در دریا برای تماشای سفاین حربیهٔ روس در سیر و حرکت بودند ولی هیچکدام مأذون نبودند که نزدیک جهازات بیایند فقط قونسول روس با یک روزنامه نویس اجازه تحصیل نموده بود . سفاین روس در ساعت پنج از افق مفقود گردیده و متخصصین بحریهٔ انگلستان با یک نظر موشکافانه و مضطربانه خط حرکت روژستونسکی را ملاحظه مینمودند و میترسیدند که مبادا در مدخل دریای چین بسفاینی که بکشتی های ژاپونی آذوقه میدهند و یا با ژاپون و سواحل چین تجارت مینمایند حمله برده و یک صدمه و تلفات مهمی بتجارت و تجار سفاین انگلیسی وارد آورد . امیرال بیرق خویشرا بزره پوش (اورورا) انتقال داد . دستجات سفاینی که در تحت فرمان امیرال (انکیست) و (فلکرسام) بودند در خط راست سینگاپور یکی از جزایر (آنامبا) را برای عملیات نظامی خویش اشغال نمودند .

امیرال نبوگاتوف تازه از (جیبوتی) مفارقت کرده و یک ماه طول داشت که بروژستونسکی ملحق بشود . سفاین ژاپونی با چراغهای برقی تمام معابر یکه کشتی های روس از آنجا گذشته داخل دریای چین خواهند شد در تحت مواظبت و مراقبت تامهٔ خویش قرار داده بودند ولی جهازات روسی هیچگونه مانع و محذوری بر نخورده حتی عدهٔ زیاد ایشان در ۱۳ آوریل بجلو (سایغون) وارد شدند . روژستونسکی با کمال تأنی حرکت کرده در صدد جستجوی پناه گاهی برای انتظار ورود نبوغاتوف بود

و مشارالیه

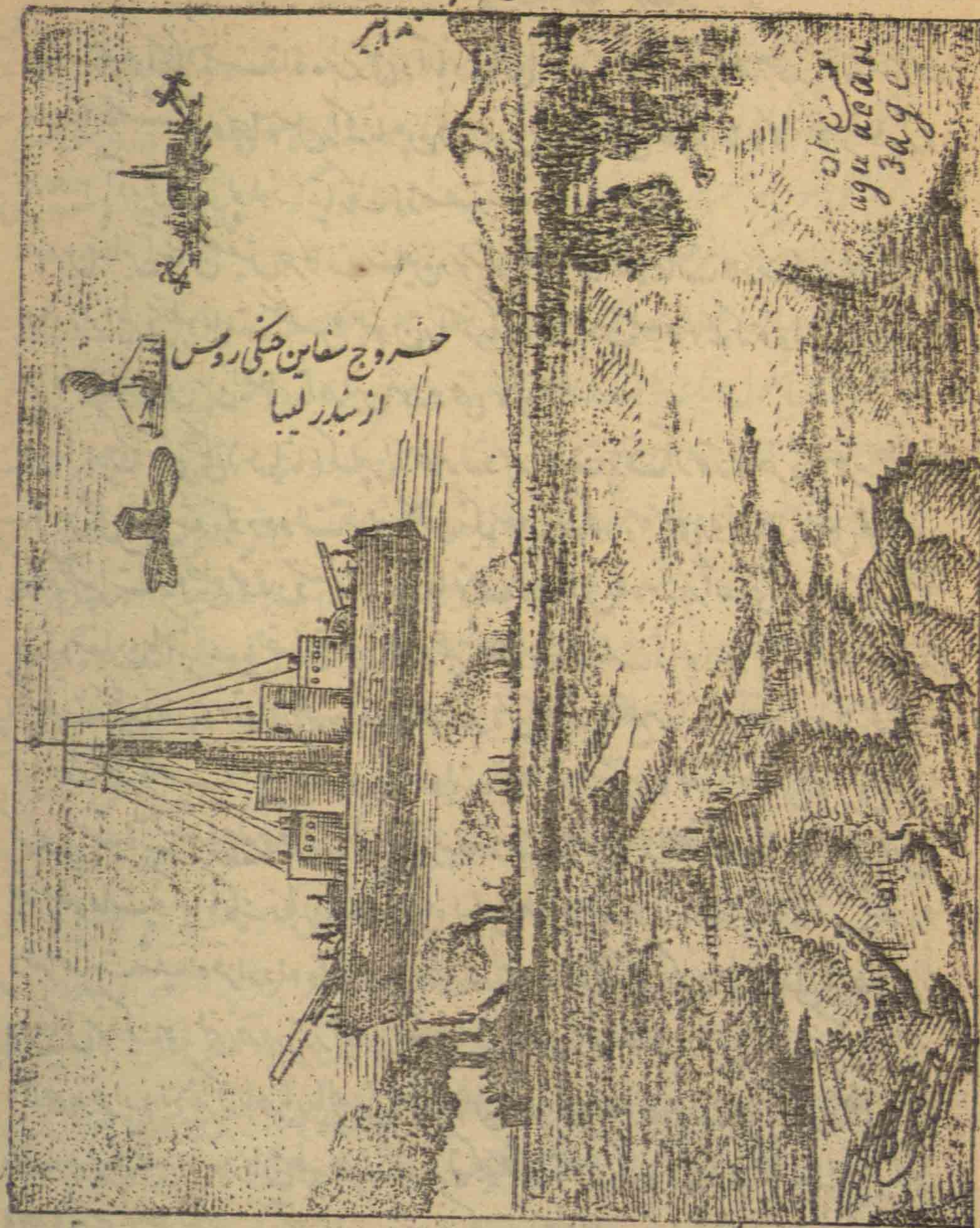
ومشارالیه خاطرجمعی کاملی داشت که در سواحل هند وچین فرانسه مدت مدیدی بقدر امکان میتواند توقف نماید برای آنکه اولیای بحریهٔ فرانسه بی اندازه اظهار مودت و دوستی نموده و بدون آنکه نقض قوانین بین المللی بشود همه قسم همراهی داشتند و از اینجهة ببندر سایگون که متعلق بدولت دوست صمیمی اش است اتکا کرده از هرگونه تعرضات خصم خویشتن را محفوظ دارد.

ولی توغو ابداً در انخیال نبود که در این حوالی آغاز حمله و مخاصمت نماید و میل داشت در یک نقطه باخصم خویش مشغول جنگ باشد که دشمن نتواند در موقع هزیمت و مغلوبیت به یک بندر و پناهی ملتجی شود تلگرافات از آمیرال روسی بندرت وارد میشد باوجودیکه دولت منتهای آزادی را در اقدامات روژستونسکی داده ولی توقف زیاد جهازات روس در آبهای فرانسه که قهراً تولید مشاجرات سیاسیه و پروتستهای شدیده خواهد نمود بیش از این میتوانست بمشارالیه مساعدت غیرمحدود بدهد بنابا خطارات و تأکیدات دربار پاریس در حرکت دادن آمیرال روسی اظهار نمود که بمجرد ورود سفاین نبوگاتوف از سواحل هند وچین فرانسه حرکت خواهد کرد. قوای بحریه مزبوره در خلیج (کام ـ ران) که یکی از بهترین ملجأ سواحل شمال دماغه (ناداران) واقعه در سواحل آننام بود لنگر انداخت یکدسته چهارم سفاین جنگی در دریای بالتیک در تحت فرماندهی آمیرال (دبرلیف) تجهیز و تشکیل می یافت. اهمیت خلیج (کام ـ ران) را آمیرال کوربه فهمیده و از حیث لنگر اندازی سفاین مناسب ترین ساحلی مانند بندر (هانگ کنگ) در جزایر (پزکادور) و بندر پرت آرتور دانسته و دربار فرانسه را مسبوق ساخت و هفده سال بعد در اوایل سال ۱۹۰۲ چندین نفر از فرانسویهای جدی و عالم و وطن پرست عقیدهٔ آمیرال مزبور را تعقیب کرده در ساحل (کام ـ ران) بلدهٔ کوچکی که تا آن وقت غیرمعمور و بایر بود ساخته و نام بندر (کام ـ ران) دادند و این تنها بندری است در سواحل آننام برای پناه سفاین و کشتی ها که بتدریج دولت

فرانسه هم بدانجا اهمیت داده بر ترقی و آبادی آن افزود. نبوغاتوف در هیجده روز مسافت سه هزار و ششصد و پنجاه میل را که مابین (جیبوتی) و مدخل تنگهٔ (مالاکا) بود قطع کرده در ۲۶ آوریل به (پولو ـ نپانگ) رسید.

چندین سفاین آلمان بتفتیش حرکات سفاین روس مشغول و اطلاعات لازمه باروپا و ژاپون داده از اینرو مطبوعات انگلیس و ژاپون را تحریک و ترغیب مینمودند که دولت فرانسه مراعات قوانین بین المللی را در این مورد نمی نماید.

در سایگون کشتی جنگی (دیانا) که پس از محاربهٔ دهم اوت پرت آرتور و تفرقه و تخریب جهازات روس ملتجی بانجا شده بود دولت فرانسه محض اینکه سفینهٔ مذکوره بعدها بروژستونسکی ملحق نشود تمام تجهیزات آنرا خلع نمود. دستجات نبوغاتوف در اوایل ماه مه در آبهای فرانسه پدیدار شدند ورود سفاین بالتیک باقصای شرق علی رغم اخطارات دولت ژاپون و انگلیس که بواسطهٔ عدم تکمیلیت تجهیزات و فقدان تجربهٔ امراء و فرماندهان بحریه با قطع مسافات مهمه اسباب تحیر و تعجب و باعث خشم و غضب ژاپونیها گردیده دولت فرانسه را متهم میساختند که نقض قوانین بیطرفی را کرده و اسباب تسهیل سیر و حرکت قوای بحریه روژستونسکی را فراهم آورده است و در این ضمن مطبوعات توکیو با یک زبان تند و تلخی اولیای امور فرانسه و دربار پاریس را در تحت تنقید و اعتراضات شدیده قرار داده بودند در همان روز یعنی در نهم آوریل یک مجلس عالی با حضور وزرا و رجال بزرگ دولتی در دربار ژاپون انعقاد یافته قریب پنج ساعت در این باب مذاکره کرده بالاخره قرار دادند که با دربار پاریس مستقیماً داخل گفتگو شده با اقدامات مجدانه قرار قطعی در این باب بدهند تمام نمایندگان مطبوعات محلی در توکیو عقد اجتماعی کرده در باب تخطئات فرانسه نسبت به بیطرفی بین المللی تعرضات و تنقیدات شدیده کرده و پیشنهادی بدولت متبوعهٔ خویش در اتخاذ



خروج سفاین جنگی روس از بندر لیبا

تدابیر لازمه تقدیم نمودند.

جریده ژاپونی (آساهی) دراین باب مینویسد: دولت فرانسه نقاط توقف جهازات روس را مستور و مکتوم داشت. در بنادر خودش چندین روز سفاین خصم ما را که بیش از بیست و چهار ساعت موافق بی طرفی حق توقف نداشتند نگهداشت و هیچگونه ممانعتی ازین مهمان نوازی بموقع فرانسه نشد پس باید تصدیق نمود که دربار پاریس در عین بیطرفی منتهای طرفیت را از روسها نمود.

یکروزنامه دیگری بنام (ژیژی) دولت میکادو را متذکر میشود براینکه دولت روس خلیج (کام-ران) فرانسه را مانند اساس حرکات بحریه خویش قرار داده و محل اجتماع و التحاق تمام قوای دریائی خود قرار داده است و از انیقرار خلیج مزبور از حقوق بی طرفی خارج و بدولت ما لازمست که عملیات خصمانه در خلیج مزبور مجری سازد.

مسیو هرمان سفیر فرانسه مقیم دربار ژاپون از اظهار وحشت و نگرانی ازاین هیجان عمومی نتوانست خودداری نماید. دولت انگلیس که یگانه مسلکش نگهداری تفوق و تقدم بحری خویش بود برکلات جاریه اهمیت داده از یکطرف هم رقابت آلمان دراینموقع بر وخامت اینمسئله افزوده و مابین دربارهای لندن و پاریس ازاینرو اختلافات مهمه سرزده بود و اگر بمداخله صلح جویانه امریکا نبود محققاً مابین انگلیس و فرانسه ابواب خصومت مفتوح میشد ولی چیزیکه دربار لندن را ازین مخاصمات بازداشت ترقیات سریعه قوه بحریه دولت آلمان بود که میترسید از نتایج محاربات از قوای خویش کاسته و رقیب پرزور و حریف جدید در قوای دریائی تقدم و تفوق پیدا نماید.

دربار برلن چندی باینطرف با یک جدیت تمامی قوای بحریه خود را تکمیل و باحسن وجهی مشغول تجهیز و تشکیل جهازات جنگی خویش بود خصوصاً ترقیات محیره و فوق العاده دولت آلمان در صنایع و تجارت که تمام بازارکاههای عالم را اشغال و احراز مقام مهمی را در منابع عمده کرده با دول

متمدنهٔ اروپا، امریک عموماً و دولت انگلیس مخصوصاً رقابت و مسابقت مینمود و بیشتر بازو با قوای
بحریهٔ خویش مساعدت کرده و گیلیوم ثانی از کثرت جاه طلبی در تمام قطعات کرهٔ ارض نفوذ و بتسلط
خویشرا بواسطهٔ افتتاح ابواب تجارت و استقرار منابع ثروت از راه ترویج صنایع و تکثیر حرف
برقرار ساخته اولین درجه را در اقتصادیات تحصیل نموده بود. در مواقع مختلفهٔ اروپا و آسیا
خودنمائی کرده مستعمرات و امتیازات عالیه حتی در فضای شرق بدست آورد و روز بروز بر
فعالیت خود افزوده شهر هامبورغ را اولین بندر بحری و تجارتی اروپا قرار داده تجارت بحری
مملکتش را بوسایل ممکنه تشویق و ترغیب کرده پیشنهاد تشکیل یک قوهٔ بحریهٔ تامه و ایجاد سفائن
حربیهٔ مهمه خود را در (رئیخشتاغ) یا مجلس شورای ملی آلمان از تصویب هیئت نمایندگان گذرانده و
از آن تاریخ مجاهدت کامله را در ترقیات قوای حربیه و بحریه - بسط تجارت - ترویج صنایع و
ازدیاد کارخانجات - اصلاح امور زراعت - حفر معادن و غیره مصروف داشته در این صدد
افتاد که یک سلطنت امپراطوری مقتدر و وسیعی قایم مقام امپراطوری شارلمانی ایجاد نماید و دست
تصرف ببندر (آنور) گذارده موازنهٔ سیاسیات بحری را بهم زده حاکمیت خویشرا در بحرهای محیط و در
مدبرانه مستقر نماید و چون با یک سرعت و ترقی فوق العاده برفع موانع و تهیهٔ وسایل انجام مقاصد
خویش موفق شده و اتصالاً بر نفوذ خویش در مراکز مهمهٔ تجارتی میافزود از نیرو دولت انگلیس را
بوحشت و اضطراب انداخته و میترسید که این رقیب مقتدر و جوان که تمام نواقص مملکت خویشرا
بالکمال رسانده دست تجارت و سیادت بحری وی را ببسته و در آتیه مستعمرات دربار لندن را در
تحت تهدید و تضییق قرار بدهد بنابرین صلاح در این دید بهر قیمتی است از مشاجرات و محاربات
صرف نظر کرده آسیبی بقوای بحری و وسائل تجارتی خویش وارد نیاورد.
محاربات فضای شرق و فتوحات دولت ژاپون از یکطرف و ترقیات سریعهٔ دولت آلمان

ازهر

ازهر حیث از طرف دیگر شالودهٔ ائتلاف فرانسه و روس را ریخت. مسئلهٔ مهمی که در اینموقع دربار برلین را
مجبور باقدامات مجدانه نمود مسئلهٔ مراکش بود که بواسطهٔ یک عهدنامه که مابین سنه دربارهای پاریس و لندن
و مادرید منعقد گردید موقع سیاسی دولت فرانسه را در مملکت مذکوره محکم نمود و در مقابل این نفوذ
فرانسه در مراکش دولت انگلیس نایل امتیازات عالیه در مصر گردید. امپراطور آلمان ازین پیش آمد
ناگهانی مضطرب گشته شخصاً برای جلوگیری این قرارداد و رفع نتایج سیئهٔ آن شخصاً بطنجه
عزیمت نمود و باز بحران سختی در سیاسیات دول معظمهٔ اروپا ظاهر گشته کمی مانده بود نایرهٔ جنگ
بشدت مشتعل گردد ولی مساعداتی که دول فرانسه و انگلیس بدربار برلن مبذول داشتند
تا یکدرجه حدت حرص و جاه طلبی گیلیوم ثانی را فرونشاندند و چندی نگذشت پولتیک هوهنزولرن
در سنوات اخیره زنجیر محکمی از کارخانجات سیاسی خویش برای ربط بندر هامبورگ ببغداد ساخته از
این رو خویشتن را در دهنهٔ خلیج فارس و بین النهرین و مصب شط العرب که مهمترین مرکز تجارت و بهترین
موقع سیاست برای اجرای نفوذ پولیتیکی و اقتصادی در آسیای مرکزی و حوالی هند بود قرار داد
. دولت آلمان برای شکستن روابط ائتلاف فرانسه و انگلیس که برای وی تولید نگرانی نموده بود
مصمم شده دولت ژاپون را تحریک و تشویق مینمود که مسئلهٔ نقض بیطرفی فرانسه را در باب سفاین
بالتیک دولت روس پیش کشیده و با یک اهمیت زیادی داخل مذاکرات گشته در تسویهٔ آن
سعی وافی نماید بنابراین دربار توکیو یک قطار ایراداتی بدولت فرانسه پیشنهاد نموده مطالبهٔ
توضیحات کافیه و اجوبهٔ شافیه در مواد ذیل نمود:

۱) در حین عبور سفاین روس از شربورغ کشتیهای ذوغالی در لنگرگاه شهر متوقف و پس از گرفتن
ذوغال دو مخرب تورپیل روس را هم که مختصر تعمیر لازم داشت مرمت کاری نمودند.

۲) قسمت سفاین روس که دور دماغهٔ امید را قطع میکردند چندین روز در نواحی (داکار)

متعلق

متعلق بفرانسه توقف کرده مواد محترقه تحصیل نمودند.

۳) دو سفینهٔ جنگی که از راه کانال عازم اقصای شرق بودند در سواحل آلژری ایستاده تحصیل لوازمات نمودند.

۴) سفاین روس در بندر (جیبوتی) متوقف شده از فرانسوی‌ها ذوغال سنگ ابتیاع نمودند.

۵) دو قطعه از جهازات روسی در ساحل (ماژونکا) ایستاده واولیای تجریه دولت فرانسه آنها را تعمیر نموده اند.

۶) دو ماه تمام دستجات سفاین روژستونسکی در (نوسی به) در آبهای فرانسه توقف نمود در مقابل توضیحات دربار ژاپون بمسائل فوق الذکر دولت فرانسه جهلتی خواست که با کمال دقت غوررسی و تحقیقات نموده جواب مسکت و کافی عطا نماید

دربار پاریس پس از چند روز در جواب یادداشت دولت ژاپون اظهار نمود که بموجب قواعد و قوانین موضوعه راجع به بی طرفی در موقع جنگ هیچیک از بنادر فرانسه نمیتواند بیکی از قوای بحریه دو دولت متخاصم اسلحه و مهمات جنگی داده و یا با کمال نواقص آنها در تجهیزات سفاین جنگی بپردازد ولی در موضوع آذوقه و احتیاجات افراد عمله جات یک کشتی که دوچار عسرت معیشت و زندگی نباشد ممنوع نبوده و ذوغال سنگ هم جزو احتیاجات ضروری کشتی و مستثنا از مواد ممنوعه است و مدت توقف سفاین جنگی دول متحارب در بنادر بیطرف خصوصاً در سواحل فرانسه غیر محدود است و در باب تعمیرات جهازات روسی در هیچیک از بنادر متعلقه فرانسه اقدامی نشده جز در سواحل (ماژونکا) که مرمت کاری جزئی واقع شده و آنهم راجع بکارخانجات دولت بحری فرانسه نبوده کارخانجات مخصوص اینکار را کرده اند و علاوه از آن سفاین روس در عرض راه اگر ذوغال هم خریده اند از آلمانها و انگلیسها ابتیاع نموده اند و دولت فرانسه کمال مواظبت را داشت

حتی

حتی ذوغال سنگ نیز بکشتیهای مزبور نفروشد و بنابرین دولت فرانسه یقین دارد که تاکنون بهیچوجه مغایر بیطرفی رفتار نکرده و نقض قوانین آنرا ننموده است روژستونسکی حق داشت در سواحل هند و چین مدتی توقف نماید برای انتظار ورود قوای عقب افتاده نبوغاتوف و در صورتیکه در عرض اینمدت هیچگونه اضافه در تجهیزات و مهمات جنگی خویش ننموده است و انگهی دولت فرانسه تنها حق داشته و دارد که در امتداد توقف روژستونسکی ایراد و اعتراض نماید نه دول سایره. اگر نقض قواعد بیطرفی را که دربار توکیو بما اسناد داده و در این باب یک سلسله از پیشنهادات خود را خاطرنشان دربار پاریس کرده و در این باب پروتست مینماید درست در تحت مداقه قرار دهیم دولت ژاپون پیش از همه حقوق بیطرفی را بهم شکسته در فورموزه و بنادر چمولپو و (چفو) ابداً مراعات قوانین بیطرفی را راجع بحقوق بین المللی ننموده است و اگر دولت فرانسه در خاطر داشته باشد در سال ۱۸۷۰ در (یوکوهاما) یک کشتی دولت پروس از تعاقب دو کشتی حامل توپ فرانسوی فرار کرده ملتجی به بندر مزبور شده و دولت ژاپون مدت مدیدی سفینه پروس را نگهداشته و مخالف بیطرفی رفتار نمود.



عکس [illegible] وزیر

پس از این جواب دولت فرانسه دستورالعمل لازمه بفرمانفرمای خویش در هند و چین مسیو (بو) و آمیرال (ژونکی یر) فرمانده قوای بحریه خویش در سواحل هند و چین داد که با میرال روژستونسکی

ونسکی

ونسکی) بطور دوستانه اخطار نماید که هرچه زودتر است از آبهای فرانسه حرکت نموده و بیش از این دربار پاریس را دچار اشکالات و مسئولیت ها ننماید.

حرکت روژست ونسکی از بنادر فرانسه تا یک اندازه هیجان افکار عمومی ژاپون را ساکت کرده و تخفیفی در شدت مطالبات دربار توکیو داد.

در پارلمان فرانسه چندین نفر از نمایندگان ملت مسیو دلکاسه بشدت تعرض و تنقید کرده و ویرا ملامت نمودند که در حفظ حقوق بیطرفی مسامحه نموده و دولت را دوچار اشکالات کرده است.

و این مسئله کمی مانده بود که مقام مسیو دلکاسه را در وزارت بحریه متزلزل سازد ولی توضیحات کابینه تا یک اندازه این غائله را مرتفع ساخت و رئیس الوزراء در پارلمان اظهار داشت که هیئت دولت در این چند روزه اقدامات مجدانه در اجرای تمام قوانین بیطرفی اتخاذ کرده و اوامر و دستور العمل های لازمه بمأمورین و حکام مستعمرات آسیای شرقی و هند و چین داده شد که کاملاً این مسئله مهمه را مراعات نموده بهیچیک از دو طرف متخاصم ابراز مساعدت و همراهی ننمایند.

تقریرات رئیس الوزرای فرانسه موجب رضائیت نمایندگان پارلمان شده و هیئت دولت هم توانست از این اختلافات مابین ژاپون را در موضوع بیطرفی تسویه نماید. چنانچه دربار پاریس خبر ورود سفاین بالتیک را بخلیج (کام - ران) گرفته فوراً بحاکم هند و چین اخطار مراعات قوانین بیطرفی را نموده و بدولت روس پیشنهاد کرد که دربار پطرزبورغ امر حرکت روژست ونسکی را بدهد و دولت روس جواباً اظهار داشت که تعلیمات و اوامر لازمه در حرکت و عزیمت سفاین روس از هند و چین داده شد با وجود این سفاین روژست ونسکی در اول مه در سواحل آنام بودند جلو جهازات روس دو شاهراه مهمی بود که یکی مستقیماً به (ولادیوستوک) و دیگری (فورموز) و تنگه (کوره) امتداد داشت. امیرال روسی بسمت خلیج (هانکای) متوجه و راه شمال غربی را گرفته

حقوق محاربین و قوانین بیطرفی - بمناسبت اینکه توقف جهازات بالتیک در بنادر فرانسه موجب شکایات دربار توکیو در نقض بیطرفی دولت فرانسه گردید لهذا لازم دیدیم شمه از حقوق محاربین و قوانین بی طرفی در اینجا مذکور داریم:

در ازمنه سابقه بمحض اینکه ابواب مخاصمات فیمابین دو دولت یا حکومتی مفتوح میشد طرفین تمام قواعد حقوقی و مدنیرا که سابقاً مرعی و ملحوظ بود متروک و مسلوب الاجرا گذارده بیکدیگر با کمال شدت و وحشت مقابله و معامله میکردند و هیچگونه خصوصیت و حقوقی در دار الحرب نمیشناختند.

در ایام حاضره بعض امتیازاتی در اوضاع جنگ پیدا شده است که محاربات قدیمه را از جدیده تفریق و تمیز داده و علاوه تمایلات انسانیت پرورانه ابنای بشر هم بر آن اضافه شده شکل و زمینه دیگری بجنگهای ازمنه حالیه داده است.

رساله که بعنوان حقوق محاربین در میدانهای جنگ آتامارژوری کل قوای حربیه آلمان منتشر کرده اینطور مینویسد (مقصود از جنگ نه تنها محو و افنای قوای حربیه خصم و قلعه و استحکامات اوست بلکه باید تمام منابع ثروت مادی و معنوی مملکت متخاصم را تخریب نمود ولی در باب ملاحظات انسانیت پرورانه راجع بعدم تعرض اموال و املاک اشخاص وقتی باید منظور داشت که در جریان حرب علاقه نداشته و اثرات ضرری ننمایند) مارشال مولتکه در این خصوص میگوید (مقصود از جنگ ضعیف کردن دشمن است و آنهم ممکن نمیشود مگر بمحو قوای عسکریه و تخریب مالیه و سایر منابع تعیشیه خصم.

آتامارژوری آلمان در حقوق محاربین و بیطرف ها تألیف خود را به قسمت اساسی منقسم ساخته است:

اولی) معامله در حق اردوی دشمن. — . . . .

دوم) رفتار نسبت به ممالک و اهالی دشمن. — . . . .

سوم) رفتار نسبت بدول بی طرف. — . . . .

آنهائی که داخل ردیف محاربین وجزو خصم هستند: اولاً) رئوسای دولت یعنی هیئت دولت ووزرا اگرچه دارای شئونات نظامی ودرجات عسکری نداشته باشند. - ثانیاً) اردوی محارب ومتوقف. - ثالثاً) دستجات غیر منظم وداوطلبی که بطور مستقیم وغیر مستقیم بقوای دشمن معاونت نمایند. حرکاتی که غیر مشروع ومخالف حقوق حربیه ومحاربین است عبارت از مسموم ساختن چشمه ها وچاهها وکمک کردن بسرایت امراض مسریه وکشتن اهالی بیجهة واستعمال گلوله های مسموم وقتل اسرا ومجروحین وهم چنین کشتن محاربینیکه حاضر به تسلیم شده اند بوده واین قبیل معاملات ممنوع وجزو حرکات خائنانه محسوب است.

چون ذکر تمام مباحث تألیف ریاست ارکان حرب آلمان در موضوع حقوق حرب در اینجا زاید ولی لزوم است فقط بعض مطالب مفیده آنرا استخراج کرده ذیلاً مذکور داشتیم:

۱) درباب محاصره وبمباردمان مواقع آتاماژوری آلمان مینویسد که قلاع ومواضع مستحکمه دشمن را میشود محاصره وبمبارده نمود بخلاف مواقع غیر مستحکمه ولی هرگاه خصم شهر یا قریه ویا خانهٔ منفرد غیر مستحکم را اشغال واز آن استفادهٔ جنگی نماید آنوقت میشود آنجا را در تحت محاصره وشلیک قرار داد. متهاجمین میتوانند در موقع بمباردمان بدون استثنا استحکامات وابنیهٔ خصوصی را بتوپ ببندند ولی ابنیهٔ مذهبی ومعابد. مدارس وکتابخانه ها وموزه وتیاترها ممنوع از هر قسم تعرض وحمله وشلیک هستند

۲) در حیل جنگی وقاچاق - پوشیدن لباس نظامی دشمن از حرکات غیر مشروعه است ودر مقابل آن فریب دادن قشون طرف ومواجب دادن آنها ویا رشوه مجبور بفرار کردن ایشان از میدان جنگ جایز است.

۳) در مأمورین مطبوعات در اردوها - نظر بخدمات مهمه که مطبوعات باردوهای نظامی میتوانند انجام بدهند مأمورین مطبوعات را اجازهٔ ورود وتوقف در دار الحرب داده اند ولی برای

جلوگیری مخدوراتی که از وجود مأمورین مزبور تولید میشود مخابرین را خواه دوست خواه دشمن باشد بقرارگاه عمومی قبول وبر پنج مادهٔ ذیل قسم میدهند: اولاً - عدم انتشار اخبار راجع بقوه وحرکات قشون ونیات ومقاصد فرماندهی کل مگر با اجازه. ثانیاً - تحصیل اجازه در ورود بجوار قطعات عسکریه ودر عدم آن حرکت بلا توقف. ثالثاً - در دست داشتن اسناد وکاغذهای مصدقه راجع بهویت وشخصیت ایشان برای رفع هر گونه سوء ظن وارائهٔ آنها در هر موقع مطلوب. رابعاً - نشان دادن صورت مخابرات خویش با آتاماژوری مرکزی. خامساً - اطاعت اوامر مأموریکه میانه قرارگاه عمومی ومخبر روزنامه مکلف است.

مخبرین جراید ملی یا اجنبی درصورتیکه راجع باوضاع وحرکات اردو اشاعهٔ نشریاتی نمایند فوراً از قرارگاه عمومی طرد وتبعید گشته وهرگاه در انتشارات مهمه که منافی صلاح اردو نموده باشد به دیوان عالی عسکری جلب ومحاکمه میشود

در محاربات ۱۸۷۰ آلمانها راجع به مملکت واهالی دشمن چیزیکه ضمیمه کردند اینست که طرف غالب در مملکت دشمن حق تصرف واستملاک املاک خیریه وابنیهٔ مخصوص بصنایع نفیسه وتدریس علوم وفنون نداشته بلکه از کلیساها ومعابد ومدارس. کتابخانه وموزه خانه وغیره باید حمایت نموده کما فی السابق در ترقیات اداری آنها صرف مساعی نماید.

درباب حقوق ووظایف دول بیطرف همینقدر بس که دولت مزبوره بدون استثنای هم جواری وعلاقهٔ نژادی یا مذهبی ویا مناسبات تجارتی وغیره نمیتوانند لوازمات جنگی ومهمات حربیه هیچ بطرفین متخاصمین تهیه وتدارک نماید.

اشیائیکه جزو قاچاق حرب محسوب میشوند: اولاً) اسلحه حربیه از قبیل توپ - تفنگ - شمشیر وغیره یا جبه خانه. باروت. مواد ناریه. سفاین وامثال آنست. ثانیاً) موادیکه برای ساختن

لوازمات جنگ بکار میخورد مثل (گوگرد - شوره و پوست و نظایر آن). ثالثاً) اسب و قاطر رابعاً) اشیای راجع بملبوسات و تجهیزات از قبیل لباس نظامی. کفش و نیم چکمه و کمربند و اسباب و آلات اردوگاه - لوکوموتیف و اتوموبیل - دوچرخه و دستگاه تلگراف و غیره. ولی چیزیکه هست یک قسمت مهم مواد فوق از جمله ضروریات حوایج انسانی در هنگام صلح بوده و بدون آن امر معیشت و زندگی ابنای بشر چون در منتهای عسرت و ضرورت میشود بنابراین شرایط جداگانه درباب جلوگیری سختی حیات هیئت اجتماعیه بقرار ذیل مدوّن و منظم کرده‌اند:

۱) در اراضی و ممالک بیطرف خرید و فروش ارزاق و حیوانات به نفع یکدولت متحارب با ضرر دیگری اخلال بیطرفی را مینماید.

۲) اتباع یکدولت بی طرف بیکی از متخاصمین حتی از راه تجارت و داد و ستد نمیتوانند مواد حربیه قاچاق بفروشد و حتی الامکان دولت بیطرف مواظبت و مراقبت تامه باید بنماید که ازین قبیل وقایع سر نزند -

۳) دولت بیطرف خودش هم لوازمات حربیه یکی از متحاربین تهیه و تدارک ننماید -

بعقیده ارکان حرب دربار برلن از خاک مملکت بیطرف ممکن است قافله های زخمی و مجروحین عبور نمایند باستثنای قافله های اسرا که عبور و مرور آنها مغایر بیطرفی است.

تمام دول در موقع حدوث جنگ رسماً اعلان بیطرفی خود شانرا کرده و شرایط استفاده متخاصمین را در بنادر خویش تبلیغ میدارند: چنانچه دولت انگلیس قرار داده بود که طرفین متخاصمین زیاده از بیست و چهار ساعت در بنادر وی حق توقف نداشته و باندازه اینکه خود را بنزدیکترین بندری برسانند ذغال سنگ باید بگیرد و در سه ماه یکدفعه بیشتر نمیتوانند از یک بندری استفاده نماید. دولت روس در بیانامه که راجع بشرایط حرب منتشر کرده

باستثنای

باستثنای پول مواد احتراقیه را هم از قبیل نفت و اسپرت جزء مواد قاچاق جنگ قرار داده بود این است مختصری از حقوق حرب و شرایط بی طرفی که در اینجا ذکر و بیان گردید.

چنانچه در فوق اشاره شد امیرال (روژست و نسکی) پس از آنیکه دو ماه و نیم در جوار ماداگاسکار توقف نمود در شانزدهم مارس برای حرکت و عزیمت اقصای شرق لنگر را برداشت و تصور میکرد که در این نزدیکی ها بسفاین اکتشافیه ژاپون مصادف خواهد شد زیرا که سیر و حرکت بعض دوازده های ژاپونی در اوقیانوس هند و جزایر (سوند) گوشزد امیرال مزبور گشته و در صورتیکه این اخبار برای فریب دادن قوای خصم توسط امیرال توغو انتشار یافته بود. روژست و نسکی با وجود این نشریات نزدیکترین راه را پیش گرفته پس از عبور بغاز (سنگاپور) در هشتم آوریل وارد دریای آزادی شده و همانروز قسمت دوم جهازات روسی از (جیبوتی) حرکت کرده بودند.

امیرال روژست و نسکی تا ورود (نبوغاتوف) در جوار (آنتام) توقف کرده و بالاخره پس از آنی که تولید بحرانهای سخت مابین دو دربار توکیو و پاریس کرده و کمی مانده بود که مشاجرات منجر بمصادمات سخت طرفین گردد هشتم آوریل جهازات جنگی روژست و نسکی و نبوغاتوف بیکدیگر ملحق شدند که در اینموقع قوای بحریه دولت روس بقرار ذیل بود:

۱) سفاین زره پوش (کنیاز سواروف - امپراطور الکساندر سوم - بورودینو - اورل - اوسلیابیا - سیصوئی ولیکی - ناوارین - امپراطور نیکلای اول - ادمیرال سنیاوین - ژنرال آپراکسین -)

۲) قروازورهای محفوظ (اورورا - اولغ - آلماز - ژمچوغ - سویتلانا - ایزومرود)

۳) قروازورهای معاون (کوبان - اورال - توک - ریون - دینه پر - بوینی ئی - برادی ئی)

۴) مخرب تورپید (بلستیاچی ئی - بیستری ئی - بودری ئی - بزوپره چن ئی - بیدوئی -

غرومتی

غرومقی ئی - غروزنی ئی -

۵) کشتی های نقلیه (همالانا - یاروسلاوک - تامبوف - وورنژ - ولادیمیر - کیف - کوره ما - مالاقا - مرکوری ئی - کسنیا - ژوپی تر - غراف سترو غانوف - کیتائی - کورونیا - کیناز غورچاکوف - هرمانلرشه)

۶) کشتی های مریضخانه (اورل - قوستروما) سفاین تعمیریه (کامچاتقا - آنادیر) کشتی های احتیاط (مته اور - تاجدا) سفاین آذوقه (وانوب. روس - سویر).

پس از چند روز سفاین حربیه مذکوره بسمت شمال متوجه شده و کم کم داخل دورهٔ محاربات دریائی میشد. اخبارات قبل از محاربات دریائی - از سفاین جنگی ژاپون هیچگونه خبری در دست نبود گرچه اخبار راجع به پیدا شدن سفاین ژاپون در جنوب فورموز و بعدهم سیر و سیاحت هشتاد و پنج قطعه جهاز جنگی دولت مزبوره در (پزکادور) شیوع یافت ولی هیچگونه اثری مؤید این حوادث نبود درصورتیکه بعکس آن اخبار و حوادث راجع بجهازات بالتیک از بدو حرکت ایشان تا آغاز محاربات منتشر گشته و حتی در محاربات دریائی پرت آرتور خود روسها حوادثی شیوع میدادند که غالباً بژاپونیها دراینموقع خیلی مفید اتفاق می افتاد:

ازآنجمله در ۲۳ ژوین چهار روز قبل از حرکت جهازات پرت آرتور برای خارج شدن از بندر مزبور از طرف آمیرال (ویت هفت) اعلانی درباب تعمیر و مرمت کاری تمام سفاین جنگی پرت آرتور اشاعت یافت. نتیجهٔ اینخبر این شد که کماندانهای ژاپونی پس از اطلاع آن تمام جهازات خویش را در جلو پرت آرتور جمع کرده و منتظر خروج سفاین روس شدند.

حوادث مختلفه هم که ژنرال (کرپنبرغ) و سایر فرماندهان اردوهای روسی قبل از وقت راجع بتوقیفات و وضعیات عسکری انتشار میدادند بژاپونیها نتایج مفیده بخشید و حال آنکه

نشر یک خبر غیر حقیقی هم در میدانهای جنگ علاوه از بی احتیاطی جز ندامت و خسارت فایدهٔ دیگری ندارد. چنانچه روزنامه باسم روس در شمارهٔ ۱۴۲ یک شرحی از ملاقات خویش با وزیر بحریهٔ دولت روس نوشته و در ضمن اظهار داشته است که (روژستونسکی) بمناسبت علت مزاج نمیتواند مدت مدیدی مشغول بحرپیمائی بشود و بدین جهة آمیرال (فلکرسام) را کاندیدای جای وی معین کرده اند ولی چون حالا او هم ناخوش است نمیتواند از عهدهٔ فرماندهی برآید) مسلماً نشر این قبیل حوادث چقدر مضر بحالت روحیهٔ یک دولتی است که داخل در جنگ شده و بهمین روزنامه باز در یک شمارهٔ دیگرش مینویسد که (بمناسبت طول اقامت جهازات روسی در جزیرهٔ مادا گاسکار و منطقهٔ حاره غالب امرای بحری علیل مزاج شده اند بدیهی است اینگونه اخبار در حرکت سفاین روسی بسمت (ولادوستوک) تا چه اندازه نافع و مفید برای آمیرال توغو بود.

متخصصین فنون نظامی و بحری دول معظمه از سکوت و عدم فعالیت آمیرال توغو متحیر و متعجب و با یک نظر دقیقانه تفتیش و تماشای اعمال و حرکات مشارالیه را مینمودند ولی هیچ وجه معلومات و اطلاعات کافیه بدست نمیاوردند و بخلاف انتظار ایشان آمیرال ژاپونی هیچگونه مزاحمت و ممانعتی در التحاق قوای روژستونسکی و نبوغاتوف نکرده باوجود سرعت سیر قوه و ازورهای ژاپونی تصادمی اتفاق نیفتاد زیرا که آمیرال توغو نمیخواست خود را بی جهة دچار مخاطرات سازد و سعی و کوشش داشت قوای بحری خویش را مرکزیت بدهد و از جزیرهٔ فورموز در ماه آوریل متباعد نشده و در آنجا حکومت نظامی اعلان داد. بندر (کلنگ) را در حالت دفاع نگهداشته و مین های متعددی در مدخل آن قرار داده بود که سفاین بدون رهنما نمیتوانستند وارد و خارج شوند.

آمیرال ژاپونی مثل اینکه از حالات و نیات خصم خویش بی اطلاع بوده فقط مشغول نظارت دریای ژاپون و اطراف آن بود و بنا بحدسیات اهل خبره در فنون نظامی عنقریب تصادم و تصادف

در شرق و غرب فورموزتا مدخل دریای ژاپون و بغاز قوره احتمال میرفت. اروپای متمدن با کمال اضطراب و یک نگرانی فوق العاده انتظار نتایج قطعیه این محاربات بحری را میکشیدند زیرا که اثرات غریبی ممکن است در مسایل پالیاتی و تجارتی دول علاقه‌دار و بیطرف حاصل نماید

باب پنجم

مراجعه باخرین وقایع جنگهای موکدن — در سمت (تیه لینغ) — حسیات متکبرانه ژاپونیان — تلفات عمده روس و ضایعات ژاپون — علت مغلوبیت روسها — مخاطرات عمده قشون روس و پریشانی ایشان — تخلیه تیه لینغ — انفصال کوروپاتکین از فرماندهی و نصب ژنرال لینویچ به کماندانی کل — اقدامات کماندان جدید در موکدن — هزیمت روسها — تقاضای کوروپاتکین برای فرماندهی اردوی اول و اجابت آن — اعلان میکادو.

حرکات عمده تجاوزکارانه ژاپونیان که از ۲۳ فوریه باینطرف شروع یافته حاکی متانت ثبات و حدیت اقدامات مارشال اویاما بود که بدون آنکه بقوای خصم که مدتی متوقف و جز از مقام تدافعی بهیچگونه حملات مجدانه اقدام ننموده و اردوهای خویشرا عاطل و باطل ساخته ذره‌جای تردید و شکی در فعالیت خویش باقی نگذارده جناح چپ روس را ظاهراً با هجومهای عاری از حقیقت مشغول داشته و یکدفعه با تهاجمات جدی بجناح راست حمله برده در سایه مهارت تامه و عزم راسخ و رشادت محیره در بیست جنگ کوچک و در سه محاربه خونریزانه بزرگ و چندین جنگهای محاصره قوای روس را دچار تلفات و هزیمت‌های متعدده کرده دشمن را بطرف شمال موکدن رانده شهر مزبور را از دستجات اشغالیه روس تخلیه و تطهیر نمود.

در ۲۴ فوریه که قشون روس بیحرکت مانده دشمن جناح چپ را در تحت تهدید سختی قرار داد نتیجه

قوای

قوای (رننکامپ) باین سمت مأمور و ۲۵ حملات ژاپونی‌ها شدیدتر از سابق مداومت کرده اردوی لینویچ مجبوراً عقب نشست ۲۸ اردوی نوژی متعرض روسها گردید که ازین تاریخ آغاز محاربات موکدن شده منتهی بمغلوبیت قطعیه روسها گردید.

کوروپاتکین هرگاه از بدایت جنگ قوای جنگی خویشرا در حالت دفاع نگه نمیداشت باین قسم مقهور خصم نمیگشت برای آنکه توقف جبری اردوهای روس و عطالت و عدم فعالیت ایشان یک نوع مرعوبیت و اختلالی در دیسیپلین نظامی تولید کرده و باعث تشتت آرا و عدم تمکین افراد صاحب منصبان و سربازان گردید وقتی که جناح چپ روس در تحت تهدید قرار گرفت مرکز اردو که در فرماندهی ژنرال (کولبار) بود مشغول عقب نشستن شده و یکدفعه به ژنرال مزبور خبر رسید که در دستجات یک عدم رضایت و شورش هیجان آمیزی شروع یافته و این باعث گردید که ژاپونیها بشدت به تهورات خویش افزوده با حملات کثیره خصم را از جلو موکدن راندند و این بود دلیل خطای فرماندهی کل که در افراد نظامی بواسطه معطل گذاردن اوقات و قوای ایشان تولید فساد اخلاق نموده بود بعضی که در مقابل تهاجمات دشمن گذشته از آنکه جزئی مقاومتی نمینمودند با دادن تلفات کثیره متفرق و پریشان و بدون نظام عقب می‌نشستند چنانچه در منظره دهم مارس که از نتایج مغلوبیت‌های عمده رئیس ارکان حرب روسها را در تخلیه موکدن نظارت و مراقبت داشت بقدری فجیع و مؤثر بود که خصم هم ازین وضع برقت آمده در عقب نشستن قوای روس و حمل و نقل مجروحین بهیچوجه مزاحمت ننمود.

اما ماژوری کوروپاتکین در این باب اینطور مینویسد: ضیق وقت و کثرت زخمی‌ها مارا مجبور ساخت که عده معتنابهی واغون و عرابه‌های نقلیه تهیه نموده با کمال عجله بدواً مجروحین را سوار ماشین‌ها کرده از موکدن خارج نمائیم و در سر هر ساعتی یک ترن بزرگی روانه میشد و در حمل و نقل مجروحین

کثیره

کیشره ناچار شدیم که ترنهای مخصوص دستجات ژنرالهای (کولبار - ساخاروف - زاربیه لین - بیلدرلینغ) بابیکار واداریم و با آخرین قطار آهن تمام مأمورین خطوط آهن با اشیای شخصی و اسباب ولوازمات ایستگاهها فرستاده شد و اینرا هم نگفته نگذریم که ترنهائی که بهفت فرسخی شمال موکدن میرسید هدف گلوله های دشمن از اطراف و جوانب میشد.)

روسها در موقع خارج شدن موکدن محلات اطراف را بیک خرابه زاری تبدیل داده و در صدد تخریب شهر موکدن که شهر مقدس مانچوری و چین است بودند چنانچه ژنرال (روزتوپچشن) در موقع محاصرهٔ ناپلیون مسکو را تخریب کرده و خارج شد ولی ورود ناگهانی پیش قراولان ژاپونی تا یک اندازه مانع این مقصد شده مقابر امپراطوران و معابد و سایر ابنیهٔ قدیمهٔ عالیه و آثار نفیسهٔ تاریخی ایشان بدینحیثیت محفوظ ماند.

یکی از آتاشه های نظامی در اواخر ایام موکدن مصادف تخلیه شهر مزبور و عقب نشستن قوای روس چنین خبر میدهد: (دهم مارس حزین ترین روز شهر موکدن بود از هر طرف عملیات و اقدامات نقلیه با یک جدیت و فعالیت تمامی مجری میشد و میتوان گفت روسها در تخلیهٔ موکدن آنطور جدیتی که بخرج دادند در میدانهای محاربات صد یک آنرا بروز نداده از سه ساعت صبح مشغول حمل و نقل گشته هر ترنی که دارای پنجاه و دو الی پنجاه و پنج واغون پر از مجروحین و دستجات قشون و لوازمات جنگی وغیره بود اتصالاً حرکت میکرد چنانچه با سه ترن مهمات حربیه یک ترن باقی ماندهٔ قورخانه که یک روز قبل با پانصد و چهل واغون آمده بود و یک ترن لباسهای زمستانی و دو ترن دیگر ذوغال سنگ و اشیاء یک ترن اسباب مهندسی و سه ترن لوازمات و آذوقه برای گذران قشون برده شد در ساعت شش پل هون هو را خراب کرده و آخرین ترن در شرف حرکت بود که هشت تلگرافچی داوطلب شدند تا ورود ژاپونی ها اسبابهای تلگراف را محافظت نمایند

نتیجه پانزدهم روز محاربات که قشون روس را بکلی خسته کرده مجبورشان ساخت که (تیه لینگ) را معسکر خویش سازند و در عرض چهل و هشت ساعت شهر مزبور تشکیل یک اردوگاه بزرگی داده بود ولی تمام رجعت کنندگان قشون از محاربات موکدن با یک حالت غیر منظمی وارد میشدند فقط اردوی لینویچ بطور منظم واصل گردید.

عقب ماندهٔ روسها هزار هزار بواسطهٔ تضییقات و حملات ژاپونی ها اسیر و گرفتار می شدند.

شب قبل رجعت روسها از موکدن به تیه لین ژاپونیها وارد (فونشون) شده و بدون آنکه به استراحت و توقف نمایند از صبح زود از شمال مواقع خویش بروسها تجدید حملات نمودند و در این خصوص مخبر روزنامهٔ (نوویه ورمیا) تلگرافاً در پانزدهم مارس خبر میدهد (نهم مارس روسها بطول هون هو یک مسافت پانزده کیلومتری را در مشرق از فوشون تا مادیاپو اشغال داشته و از غرب در ۹ کیلومتری ایستگاه موکدن قرار گرفته بودند. ژنرال کوروپاتکین شخصاً یک قوهٔ مهمه را اداره میکرد و از حوالی شرقی راه آهن دستجات دشمن را تبعید نموده و در این صدد بود که دشمن را بسمت (سین مین تین) طرد نماید و امید از موفقیت خویش داشت ولی حملات ژاپونی در یکهوای طوفان و گرد و خاکی شدید اردوی اول و چهارم روس را از هم شکست و کوروپاتکین را مجبور ساخت در ساعت نه به تین لین عقب نشینند)

خبر فتوحات نژاد صفر به نژاد ابیض و تسخیر شهر موکدن بواسطهٔ ژاپونیان باعث هیجان و تأثر زیادی در روسیه گردید بعکس در نزد ژاپونیان یک موفقیت عمدهٔ اخلاقی جلوه گر گردید. مارشال اویاما در این باب بتوکیو تلگراف ذیل را مخابره نمود (شهر موکدن را در ساعت ده امروز ضبط و اشغال کردیم. عملیات جنگی ما که چندین روز متوالی امتداد داشت با یک نتیجه مستحسنه خاتمه پذیرفت. در مواقع متعدده اطراف شهر حملات متهورانه قشون ما مداومت دارد. اسلحه زیاد. مهمات

چنکی واذ وقه. لوازمات معتنابهی که مجال تخمین و تقدیر آنرا نداریم بدست ما افتاد روسها ذخیرهٔ خود شانرا تلف نکرده بودند زیرا قریب سی هزار صندوق فشنک و مواد کثیرهٔ خطوط آهن گندم و نان سخاری نصیب ما شده عدهٔ اسرا اتصالاً زیاد میشود)

باوجود فتح موکدن باز محاربات در مؤخر الجیش قشون روس با یک یأس و نا امیدی مداومت داشت ژنرال (بیلدرلینک) در جنوب ژنرال (میلوف) در غرب دره راه (لین مین تن) تا موکدن دره راه آهن ژنرال (دومبروسکی) در حوالهٔ مقبرهٔ امپراطوری ژنرال (لوتیز) هنوز می جنگیدند توپخانهٔ دشمن متوالیاً روی فراریان راه (ماندارین) شلیک مینمود. کوروپاتکین تلگراف ذیل را تبرار نمود. (قشون ما عقب نشست. ژاپونیها از سمت ما دان وارد کوهها شده دسته جات ما را تهدید میکنند ولی در سایه رشادت نظامیان اردوی ما از خطر جست. ژنرال زرپنیکی مجروح افتاد)

بروز سقوط موکدن مؤخر الجیش قشون وارد (سانتای تزه) در ده میلی شمال موکدن شده در آنجا قدری توقف نمود که رفع خستگی نماید ولی توپخانه ژاپونی مجال با ایشان نداده گلوله و شراپنل های متعددی با ایشان از یکطرف بارانده و از طرف دیگر سوارهای ایشان حمله برده با انداختن نارنجک های فراوان دسته جات مزبور را دچار تفرقه و پریشانی نموده مجبور کردند که راه خویش را بگیرند.

یازدهم مارس فراریها و غالب دسته جات اردوی اول و دوم در دشت تیه لین جمع شده صاحب منصبان در اتحاد و تشجیع ایشان اقدامات مجدانه میکردند. اردوی سوم در عقب قرار گرفته بود. پیش قراولان اویاما به بیست میلی (هوهو) رسیده و در عرض راه چندین هزار روسهای اسیر و گرسنه و مضطر را جمع کردند. تا چهل کیلومتری شمال موکدن اطراف و جوانب از محاربات طرفین خلاص شده و تمام دسته جات روسی از آن نقاط رفته بودند.

کوروپاتکین در تیه لین بتهیه مقدمات تخلیهٔ آنجا را هم میدید زیرا که وضعیت و حالت اردوهای وی

مساعد

مساعد جلوگیری قوای ژاپونی نبود در تلگراف کوروپاتکین که بطرز بورغ مخابره کرده بود مشعر بر اجتماع قوای نوری با سایر اردوهای ژاپون با یکدیگر بود در تشکیل یک قوهٔ مهمه بالاتر از قوهٔ خویش میداد مارشال اویاما از هر طرف تلگرافات تبریک و تهنیت بر فتوحات موکدن خویش دریافت میکرد مشار الیه از وزارت جنگ بنام میکادو و هیئت دولت و ملت تلگرافی تهنیتی گرفته بتمام صاحب منصبان و سربازان تبلیغ نمود. در نتیجه جنگ (اویاما) راپورت ذیل را داد



عکس ژنرال لینویچ

(ما از دشمن دو بیرق - شصت توپ - شصت هزار تفنگ (۱۵۰) واکون (۱۰۰۰) عرابه مهمات (۲۰۰۰) خمپاره (۲۵) ملیون فشنگ - غله با علوفه و اسباب جغرافیائی و هندسه هزار عرابه لباس نظام و یک ملیون قرص نان با هفتاد هزار تن مواد محترقه و هشت تن علف گرفتیم. علاوه از لوازم و اسباب و چادر و کاو و سیم و ستون تلگراف.) روسها در محاربات موکدن یکصد و پنجاه هزار سرباز با صد توپ از دست داده و تلفات ژاپونیها از ۲۶ فوریه تا ۱۲ مارس پنجاه و دو هزار و دویست و بیست و دو نفر شده بود که با پنجاه هزار مجروحین که نتوانستند بعدها بجنگ شراکت نمایند مجموع ضایعات ژاپونیها قریب بصد هزار نفر بود.

علت مغلوبیت و مخاطرات مهمه روسها و تخلیه تیه لینغ - اردوی روس در بحبوحهٔ رجعت خویش که جا بجا ایش طرف تهدایت شدیدهٔ قوای ژاپونی شده بود بیک وضعیت خطرناک تر از اوضاع محاربات (لیائویانک) دوچار گشته و بیم آن میرفت که در تیه لینک و خارج خطوط

حرکتش

حرکتش مقطوع گردد. ژاپونیهای فاتح از هر طرف دستجات ایشانرا متفرق ساخته در تمام مصادمات غالب و مظفر در آمده توپ عرابه ها و غارتهای فراوانی تحصیل میکردند.

کوروپاتکین در مؤخر الجیش اردوی دوم که در تحت فرماندهی ژنرال (گرشلمان) بود قرار گرفته و انتظار اخبار از اردوی سوم داشت. اردوی اول به جبهت پنج ورسی ۱) در جنوب تیه لنیک در دوازدهم مارس رسیده بود.

دریازدهم و دوازدهم ماه حرکت رجعت در تحت آتش توپخانه ژاپونی که در غرب راه آهن در نقاط مرتفعهٔ (تائوتا-پوهو) قرار گرفته بود مداومت داشت. از موکدن (تا تیه لنیغ) یک عدهٔ زیادی از دستجات روس مانند امواج دریا حرکت کرده سعی داشتند یک راهی باز کرده از دشمن نجات بیابند. ژاپونیها از مهاجرین قشون اسیر نموده از صاحبمنصبان ایشان قداره و رولور و دوربین و سایر اسلحه ایشانرا گرفته بسمت (لیائو یانگ) میبردند.

۱) ورس فرسخ روسی است که هفت ورس آن معادل یک فرسخ ایرانی است.

یک مخابره انگلیسی نقل میکند: که من هزاران روسی را دیدم که در توی محوطه های نزدیکی ایستگاه محبوس و لباس پاره پاره روی خاک خوابیده بودند. ژاپونیها و چینی ها از میان شکافها و دریچها مانند باغ وحش نگاه کرده و تماشا مینمودند.

در تیه لین یک منظرهٔ وحشت و اضطرابی حکمفرما بود تمام دستجات روس از یک حملهٔ ناگهانی خصم مشوش و مضطرب بودند و متصلاً صدای شلیک توپ نزدیکتر میشد. راپورت ژاپونیها ثابت میکرد که ایشان در دوازدهم و سیزدهم ماه در تعقیب دشمن مداومت داشتند. در ۱۴ ژاپونیها وارد (فان هو) پانزده کیلومتری (تیه لنیک) شده خط رجعت مؤخر الجیش روسها را احاطه کردند ولی این دستجات قشون روس چون با مواقع مستحکم تقویت یافته بودند بهاجمات ژاپونیها با کمال

شجاعت مقاومت نمودند. یک راپورت تلگرافی کوروپاتکین حاکی است که در این مصادمات چندین هزار نعش دشمن در جلو مواضع روسها افتاده بود. در سایهٔ این استعدادی عنودانه و مقاومت دلیرانهٔ روس تخلیهٔ شهر (تیه لنیغ) بفراغت بموقع اجرا گذارده شد. مجروحین را سوار ترنها کرده روانهٔ خاربین نمودند. اغلب سربازها که از همدیگر سوا شده بودند باهم ملحق شده بدستجات خویش داخل گشتند.

راپورت روسی اشعار میداد (وحشتیکه دیروز حکمفرما بود و از نبرد جلو ژاپونیها فرار میکردند تبدیل بسکونت شده و حالا دستجات روس با کمال جدیت حاضر مدافعهٔ تیه لنیغ هستند) از طرف ژاپونیها حملات متوالیه قدری تخفیف یافته بود. در تیه لنیغ کوروپاتکین چهاردهم ماه فرقه های پیاده نظام را سان داده بسربازها تقریرات و بیانات مدح و تعریف از رشادت ایشان نموده در توزیع و تقسیم جهات و آذوقه نظارت میکرد. افواج جدیده از روسیه همانروز وارد شده و برای عقب نشستن قوای روسی مساعدت و معاونت نمود بدینجهة (تیه لنیک) در عصر پانزدهم کاملاً تخلیه یافته و شبانه ژاپونیها وارد شدند. روسها در حالت عقب نشستن انبارهای بزرگ ملزومات خویشرا آتش زده بودند. مؤخر الجیش کوروپاتکین از شانزده تا شش کیلومتری تیه لنیغ با یک نظام و ترتیب خوبی قرار گرفته و قوای معظمهٔ روس از حملات خصم حالیه نجات یافته بودند.

راپورت ژاپونی میگوید (یکدسته از قشون ما هشت اسکادرون سوار روسی را که دارای قورخانه هم بودند متفرق ساخته نقاط مختلفه و مرتفعهٔ تیه لنیغ را در ساحل راست رود (لیائو حو) اشغال کرده و یکدستهٔ عمدهٔ قشون روس را که مشغول عقب نشستن بودند هدف توپهای خویش قرار دادند) در شانزدهم ماه مرکز قوای ژاپون در هشتاد کیلومتری شمال موکدن بود و فاصلهٔ شهر موکدن با شهر خاربین هم ۴۹۰ کیلومتر است. اما دو جناح قشون ژاپون که از دو طرف اردوی روس حمله کرده و جلو میرفتند شکل هلال را تشکیل میدادند.

راپورت روسی در باب رجعت روسها از تیه لینغ اینطور مینویسد بخصوص کلیه شهر و حرکت آخرین ترن
پل رودیکه از (چائی هو) میگذشت خراب کرده و باندازه که قشون روس بسمت شمال عزیمت میکرد
تمام پلها و سدهای عرض راهها را با دینامیت تخریب نموده و آنچه که از آذوقه و مهماتی که بود و
احتمال استفادهٔ دشمن میرفت آتش زدیم. و بدین وسیله موانع عمدهٔ در پیشرفت خصم فراهم آمد
و چند روزی عملیات خویشرا التعطیل نمودند. چهار روز تمام برای روسها فراغت و مجالی پیدا شد
که رفع خستگی نموده نواقص تشکیلات و تجهیزات خویشرا اکمال کردند. قشون روس با یک نظام و انتظام
تمامی مشغول حرکت و مانند یک مار بینهایه درازی در فضای وسیعه موج زنان در شش جادهٔ متوازی راه آهن بود
۱۷ مارس یک تلگراف و از دشن پطرزبورغ ارادهٔ تزار را در تفویض فرماندهی کل بژنرال لینویچ
بعنوان کوروپاتکین اشعار داشت و بعد ازوصول تلگراف مزبور ژنرال کوروپاتکین که از آغاز جنگ تا
کنون فرمانده کل قوای حربیه روس بود از مقام خویش منفصل و ژنرال لینویچ بجای وی منصوب
و معین گردید. علت تغییر فرماندهی کل بواسطه سوء ظنی بود که از عدم قابلیت ژنرال مزبور
از چندی باینطرف در روسیه نسبت بوی حاصل و از هر طرف مشارالیه را هدف ایرادات و تنقیدات
شدیده کرده بودند. و علل تمام مغلوبیتهای متوالیه را از خود کوروپاتکین میدانستند چنانچه در محاربات
(لیائویانگ) اسناد عدم جرئت و جبن بمشارالیه در مقابل حملات اردوی کوروکی داده و ویرا
متهم این مصایب واردهٔ قشون شرق کرده بودند.

چنانچه بعد از محاربات ماه اوکتبر مواقع و میدانهای (شاحو) که با هزیمت روسها منتهی گردید
ژنرال (گریپمبرغ) ویرا مسئول این شکستها کرده بود. تمام افکار عمومی خصوصاً فرقهٔ نقادین روسیه
عقیده براین داشتند که ژنرال کوروپاتکین بواسطه اتخاذ یک مسلک مدافعهٔ دائمی که ویرا از اتخاذ
مقام تعرضی باز داشته و تولید مرعوبیت کرده بود ژاپونیها را زیادتر جری و جسور کرده بر شدت حملات

خویش افزودند. علت اصلی خط حرکت ژاپونیها که همواره نایل موفقیات در یالو و
جنگهای (لیائوتونگ) در وافانگو و محاربات لیائویانگ) و در میدانهای (شاحو و موکدن)
شدند. همین بود که ژاپونیها خوب جنگ میکردند و فداکاریهای قشون نیپون در حمله و پیشرفت
محدود به هیچ حدودی نبود مساعی و اقدامات خود شانرا ما فوق قوهٔ خصم مصروف داشته هیچ چیز
ایشانرا از حصول مقصود باز نمیداشت مگر فتح و ظفر. مختصرش اینست که ژاپونیها از تقدیم آخرین قطرهٔ
خون خویش برای استفادهٔ وطن بهیچوجه مضایقه نداشتند.

کوروپاتکین خود را یک (ارکانیزاتور[1]) قابل و ماهری بخرج داده بود و با وجود عدم کفایت منابع
استعداد حربی در تجهیز قوای روسی در صفحهٔ مانچوری وظیفهٔ خود را بخوبی انجام داد و توانست قورخانه
و توپخانه قوای خویشرا بموقع و بیک حالت و ترتیب قابل تقدیری اداره کرده و هیئت جامعه
یک اردوی بزرگی را که مرکب از چهار صد هزار نفر سرباز بود در یک فضای چهل هزار کیلومتری سوق
و حرکت داده منظم و مرتب نگهداری نمود ولی عدم کفایت کادرهای[2] افواج و عدهٔ صاحب
منصبان یک بار سنگین و مسئولیت بزرگی بکوروپاتکین تحمیل کرده و برای اجتناب از هر گونه
مخاطرات که قوای معظمه اشرا متفرق بسازد ویرا مجبور باتخاذ منتها احتیاط و اعتدال ساخته بود
خطای عمدهٔ کوروپاتکین این بود که بطور وضوح در فقدان اطلاعات کافیه نمایشات و حرکات حربیه
مارشال اویاما را درک و استنباط نمود حتی در دوازدهم ماه الحاق اردوی نوژی و شراکت ویرا در محاربات
موکدن نمیدانست.

کوروپاتکین فریب خورده و قناعت بحفظ مواقع مستحکمهٔ خویش نمود در صورتیکه از دو طرف دو جناح
قوای ویرا از شرق و غرب دشمن احاطه کرده و در صدد رسیدن بسمت شمال موکدن بود فرمانده

۱) ارکانیزاتور — تشکیل دهنده و منظم کنندهٔ یک اداره را گویند ۲) کادر در فهرست صفوف سربازان و صاحب منصبان

مزبور پس از مدتی فهمید که قوای خصم در تحت تهدید و تضییق جناحهای وی را قرار داده و از اینرو اردوی سوم را بمظاهرت و معاونت آنها مأمور نمود ولی وقت گذشته و حملات متوالیه ژاپونی ها مرکز وی را هم هدف تعرضات سخت قرار داده و از اینرو فرمان رجعت و عقب نشستن داد تا اردوهای خویش را از مخاطرات متصوره محفوظ دارد. اگر کوروپاتکین را بتهمت بطائت حرکت و عطالت و تأنی در کار متهم سازند فقط این قضیه را میتوانند در محاربات موکدن ثابت نمایند خصوصاً مسئولیتهای علیحده هم بوی راجع است عدم دقت در قلت قوای ابو الجمعی خویش در مقابل خصم. نفاق مابین ژنرالها. خصومت چینی ها که متحد قشون وی بودند و که اخبار مجعوله بوی داده اسباب تردید رأی فرمانده کل و سلب جرئت و رشادت افراد سربازان را فراهم میآوردند و مامحض اثبات تفوق قوای ژاپون بر روس راپورت خود وارده از کار روسی را در این باب مذکور میداریم: (ژاپونیها در میدانهای جنگ فضای شرق سیصد هزار سرباز و هزار توپ تجهیز کرده و قوای کوروپاتکین کمتر از سیصد هزار بود با همان مقدار توپ ژاپونی ها در صورتیکه سیصد و پنجاه هزار تفنگ و سرنیزه داشت بعکس ژاپونیها که سیصد هزار تفنگ و سرنیزه داشتند و همه آنرا در جنگ بموقع استعمال گذارده بودند ولی روسها در مقابل عده قشون خویش مهمات و تفنگهای زیادی داشتند که بکلی عاطل و باطل مانده و بالأخره بدست خصم افتاد.

قشون ژاپون در آغاز جنگ سیصد باتالیون حاضر کرده بودند که همانا در محاربات موکدن اشتراک کرده و ۲۹۵ هزار تفنگ و سرنیزه در بدایت حرب با آنها بود و تلفات پنجاه الی شصت هزار قشون ژاپون در جریان محاربات اخر و حساب آوریم که نصف آن با ورود سی باتالیون جدید تکمیل و اضافه یافت پس از آن قریب ۳۲۵ هزار سرنیزه در محاربات مداخله و شراکت نمودند. علاوه از این در صورتیکه فرض نمائیم که در یک میدان جنگ روزی پنجهزار مجروح میشود و برای حمل و نقل آنها اقلاً بیست هزار عرابه دستی و لوازمات بیست باتالیون قشون لازم و ضروری است و حال آنکه در اردوی روسی نصف

بلکه

بلکه ثلث آن را هم بطور ناقص موجود بود. پس بنابراین که مذکور افتاد فهم و درک این نواقص عهده اقدامات مجدانه در تهیه آنها از وظایف فرماندهی کل بود و چیزیکه در نظر کوروپاتکین قابل توجه بود همین مسائل خصوصی است)

ولی طرفداران کوروپاتکین در این تنقیدات از وی مدافعه کرده و میگفتند که ژاپونیها بمناسبت نزدیکی راه و داشتن طرق متعدده و وسایل مختلفه بزودی نواقص خویش را اکمال کرده از عهده جبران تلفات و خسارات بخوبی بر میآمدند اما کوروپاتکین با آنکه همه این نکات را امیدوار است ولی زیاد کردن قشون و تدارک مهمات جنگی با طول مسافت و محذورات و موانعی که بعض از اولیای امور دولت روس که ضدیت و مخالفت با وی میکردند و در عدم انجام مرام مشار الیه تیر شدند کوروپاتکین را دچار اشکالات عدیده کرده بود خصوصاً اعتماد امپراطور بواسطه مغلوبیت های موکدن نسبت بمشار الیه متزلزل شده و درباریان روس و رؤسای نظامی و رجال بزرگی که در اطراف تزار را گرفته بودند لزوم تغییر وی را اتصالاً القای ذهن امپراطور مینمودند.

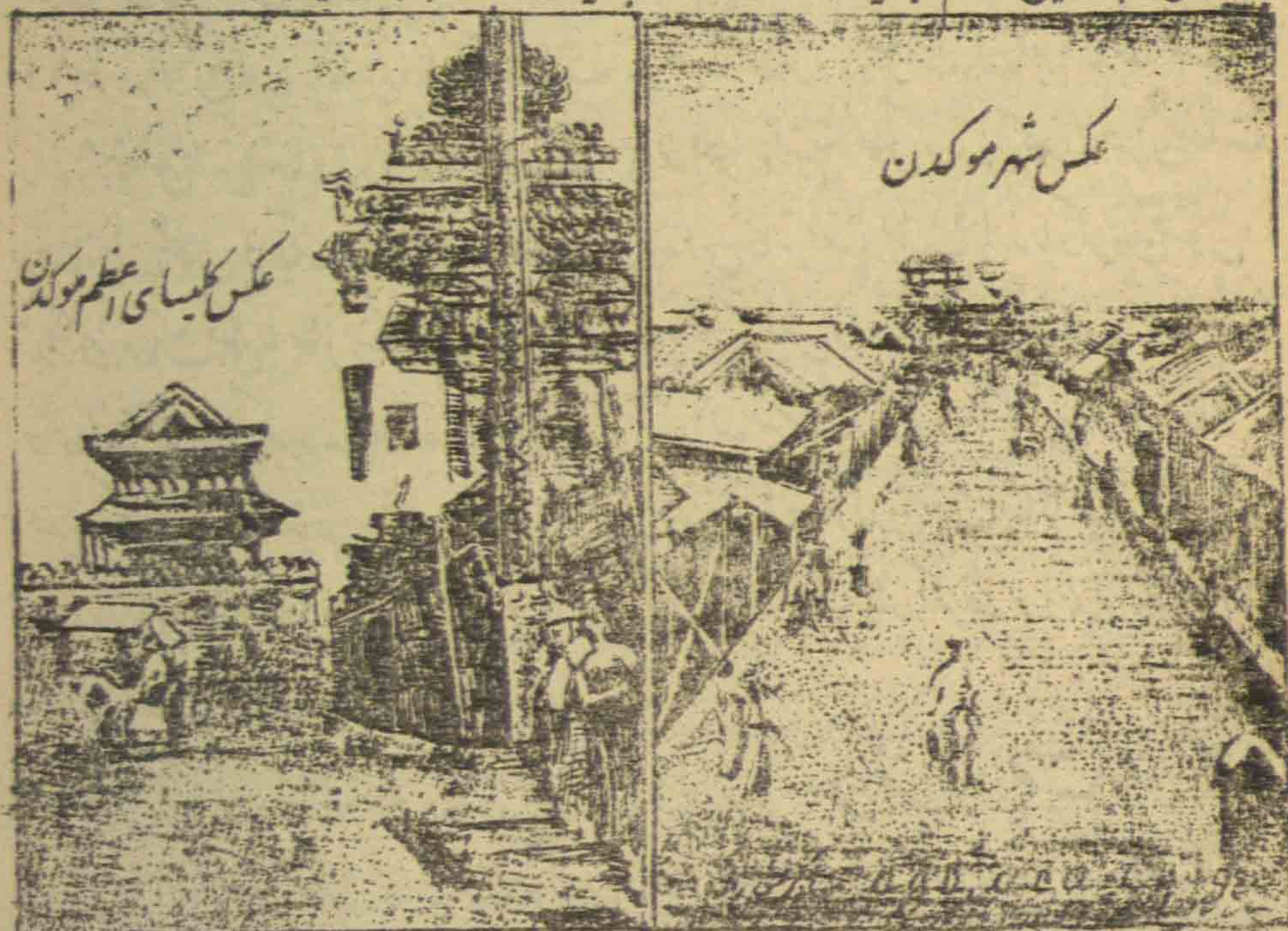
در مقابل تلگرافی که کوروپاتکین بامپراطور کرده راپورت اوضاع قشون و موقعیت خویش را در تجهیزات ثانوی قوای خویش بعد از محاربات موکدن و حسن نظام و تشکیلات اردوها از حیث مهمات جنگی و آذوقه و لوازم نقلیه و اسلحه وغیره داده و عزیمت خود را بسمت خارمین اشعار داده بود امپراطور جواباً تفویض فرماندهی کل را بعهده ژنرال لینویچ جداً از مشار الیه مطالبه نمود.

۱۷ ماه کوروپاتکین در باب اجرای اوامر امپراطوری تزار تلگراف ذیل را مخابره کرد:

(بنا با حکام وارده ۱۵ مارس اعلیحضرت امپراطوری فرماندهی قوای بری و بحری را که مشغول جنگ با ژاپونیها است بژنرال لینویچ تفویض نمودم) ژنرال لینویچ هم یک تلگراف علیحده در این باب نمود (برای اطاعت اوامر صادره امپراطوری مورخه ۱۵ مارس امروز که هفدهم مارس است فرماندهی

کل

کل تمام قوای بری و بحری را که با دولت ژاپون مشغول مخاصمات و محاربات است بعهدهٔ خویش قبول
نمودم) خاتمهٔ محاربات موکدن بر تغییر و تبدیل فرماندهی کل قوای روس گردیده و دولت
روس بواسطهٔ این اقدام جدید خواست که از نو جدیت تامه و خط حرکت صحیحه در تشکیلات اردوهای



خویش اتخاذ نموده و جبران جنگهای خونریزانهٔ موکدن را که نظیر آن از حیث وقایع موسفه در حوادث
تاریخی عالم کمتر دیده میشود بنماید. گرچه میدانهای جنگ موکدن از جملهٔ محاربات مدهشه و مهمهٔ عالمست
که چقدر طرفین دچار ضایعات و خسارات عمده شده که ترمیم آن بهر دو دولت باین زودی غیر
ممکن است و عنوان کعبهٔ خونریزترین مصادماتی است که اتفاق افتاده ولی محاربات مذکوره
که بیش از سیزده روز طول نکشیده در جنبهٔ محاربات عمدهٔ سابقه که ذیلاً نسبت بیکدیگر حساب
تخمینی تلفات و موجودی آنها را برای مزید اطلاع مذکور داشتیم چندان معتنابه نبوده ولی از حیث
اهمیت

اهمیت فنون نظامی و اثرات سیاسی در آتیه محل منتهای دقت و توجه است.
قوای روسی در جنگهای موکدن مرکب از سیصد و ده هزار محارب و عدهٔ قوای دولت ژاپون هم
در صحنهٔ محاربات مذکوره بهمان اندازه بود. از مجموع مقدار قشون طرفین تقریباً یکصد و بیست هزار بخاک
هلاکت افتاد که این عدهٔ تلفات و ضایعات اردوهای روس و ژاپون نسبت بتمام قوای موجوده آنها
از قرار بیست و یک درصد بود اما میزان عده و تلفات و نسبت ضایعات محاربات جاریه ذیل بقوای
مجموع از اینقرار است:

۱) محاربایکه در کان در جوار رود (اوفانتو) جزو مملکت ایتالی که در سال ۲۱۶ قبل از میلاد اتفاق افتاده
و سرداری شهیر (آنیبال) کارتاژی رومنها را مغلوب نمود. عدهٔ موجودی قشون دولت روم
(۸۶ هزار) تلفات هفتاد هزار نسبت ایشان هشتاد و هشت درصد بود.

۲) در محاربات (دورت Woerth) که هفتهٔ است در آلساس و آنرا بنام جنگهای (رشوفن)
هم موسوم کرده اند قشون سیصد هزار پروس قوای فرانسه را در تحت فرماندهی ژنرال (ماکماهون)
مغلوب ساخته در این محاربه که ۶ اوت ۱۸۷۰ اتفاق افتاد تلفات آلمانها ده هزار و ششصد و پنجاه
قوائیکه در آنروز شراکت بجنگ داشتند (۸۳ هزار) نسبت تلفات ۱۳ درصد. تلفات فرانسویها
هشت هزار موجود ۴۸ هزار و پانصد نسبت ۱۵ درصد.

۳- در حرب (اسپی کرن Spicheren) قشون موجودی آلمانها (۳۵۰۰۰) تلفات
(۵۴۰۰) نسبت ۱۴ درصد.

۴) تیون ویل Thionville که مرکز ولایت موزل بود که بآلمانها واگذار شده و دارای
(۸۹۵۰) نفوس است در جنگ نقطهٔ مزبوره قوای موجودی آلمان (۶۱۰۰۰) تلفات (۱۵۸۱۰)
و نسبت آن ۲۵ درصد بود.

۵) در جنگ غراولوت Gravelotte عدهٔ محاربین آلمانها (۱۸۸۰۰۰) تلفات (۲۰۷۰۰) و نسبتش ۱۲ درصد است. غراولوت قصبه‌ایست در لورن نزدیک (متز) بجمع ترین جنگ مابین آلمان و اطریش در ۱۶ اوت ۱۸۷۰ اتفاق افتاد.

۶) در محاربهٔ ایلو Eylau نزدیکی شهر (کونیغبرک) که ناپلیون اول پس از یک جنگ سختی که با روسها و پروسها نمود نایل فتح درخشانی در ماه فوریه ۱۸۰۷ گردید قوای فرانسویها (۷۱۰۰۰) تلفات (۱۵۰۰۰) نسبتش ۲۱ درصد بود.

۷) در محاربات مسکوا که در جوار قصبه (بورودینو Borodino) در ۷ سپتامبر ۱۸۱۲ مابین ناپلیون و دولت روس اتفاق افتاد. قوای روس (۱۲۲۰۰۰) تلفات (۴۳۰۰۰) نسبت آن ۳۵ درصد و قشون فرانسه در جنگ مذکور (۱۳۰۰۰۰) تلفات (۳۲۰۰۰) و مقیاسش ۲۴ درصد است

۸) در میدانهای آسپرن Aspern موجودی فرانسویها (۹۰۰۰۰) تلفات (۴۴۰۰۰) که نسبت آن ۴۹ درصد ولی قوای اطریش (۷۵۰۰۰) تلفات (۲۳۰۰۰) و نسبتش ۳۲ درصد بود.

۹) واغرام Wagram قصبه اطریش نزدیک وین است که ناپلیون اول اردوی آرشیدوک شارل اطریشی را در ۱۸۰۹ شکست داد موجودی (۱۸۱۷۰۰) تلفات (۳۰۰۰۰) نسبت آن ۲۶ درصد است

۱۰) در روز اول جنگ (لیپزیک Leipzig) با مؤتلفین قوای فرانسه (۱۶۵۰۰۰) و مال مؤتلفین (۱۷۲۰۰۰) تلفات اولی (۳۸۰۰۰) و دومی (۲۳۰۰۰) نسبت تلفات فرانسه بیست درصد و مؤتلفین چهارده درصد است. — در روز دوم جنگ از دویست و هشتاد هزار قشون فرانسه سی هزار مقتول شد که نسبتش دوازده درصد و تلفات مؤتلفین از صد و پنجاه و چهار هزار موجودی بیست و دو هزار نفر و میزانش هفده درصد است.

۱۱) در واترلو Waterloo) که قصبه ایست در خاک بلژیک که ناپلیون اول از قشون دول

انگلیس

انگلیس و پروس در ۱۸ روس ۱۸۱۵ شکست خورد موجودی فرانسویها (۷۲۰۰۰) تلفات (۳۱۰۰۰) و میزانش ۴۳ درصد است.

۱۲) در جنگ آلبوکرک Albuera قشون انگلیس (۷۸۰۰) تلفات (۶۰۰۰) و نسبت آن هشتاد درصد بود

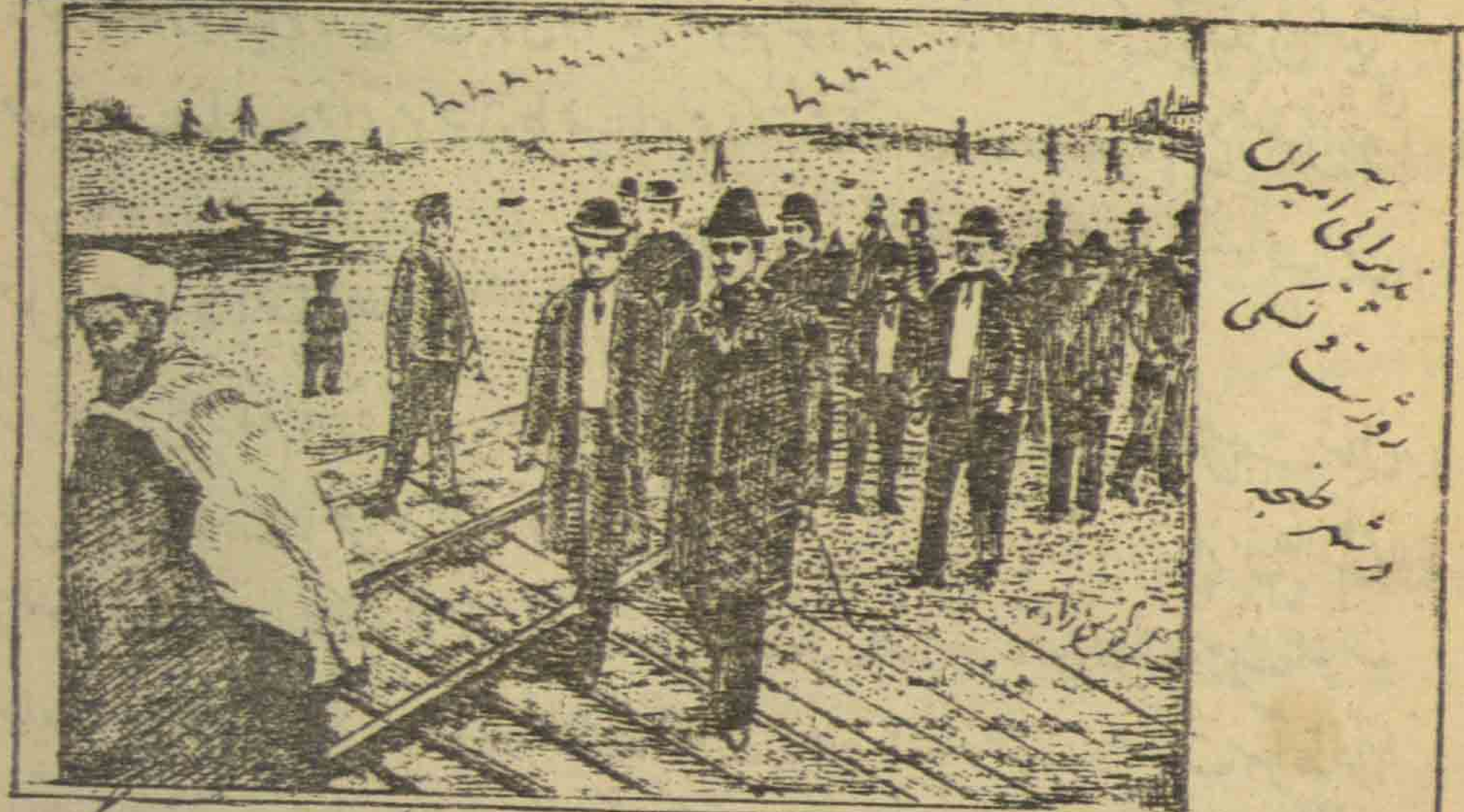
از شرح محاربات مندرجه در فوق که بطور اختصار برای موازنهٔ مقیاس و نسبت اهمیت و تلفات جنگهای مذکور با محاربات موکدن است بخوبی واضح و معلوم میشود که در میدانهای موکدن چندان ضایعات مهمه از حیث تناسب قوای موجودهٔ طرفین با وجود کثرت قشون دو دولت روس و ژاپون در اقصای شرق دار دنیا مده و اگر بمیزان حساب جنگهای فوق تلفات وارد میشد چندین اضعاف این قتل و کشتارها بایستی در صحنهٔ فجیعهٔ مانچوری اتفاق بیفتد.

ژنرال لینویچ زمام امور فرماندهی کل را بعهدهٔ خویش گرفته و در رجعت قوای روس بسمت شمال کمال دقت و نظارت را بخرج میداد. ژنرال لینویچ جدید یعنی کماندان کل که یکی از سربازان عالم و قابل و مطلعین فنون نظامی بود که در جریان مدت مدیدی با خدمات مهمه اش در قوهٔ حربیه و هیئت عمومیه نظام روس ترقیات مطلوبه داده و در حیث رشادت و عزم راسخ و خبرت و بصیرت سرآمد اقران و اماثل خویش بود وقتی که این مسئولیت بزرگی را که پس از مرعوب شدن قوای نظامی روس از نتایج مغلوبیت های مانچوری بعهدهٔ خویش گرفت تمام اولیای امور در پطرزبورغ را با یک حالت تردید و تشویشی بخود مجذوب ساخت و عموماً نگران بودند که آیا ژنرال جدید از عهدهٔ این مسئولیت بر می آید یا نه. و آیا یک نمونه و سرمشقی دلوجرئی باشد در تعمیر و جبران فلاکت های سابقهٔ موکدن خواهد گردد یا خیر. ۱۹ مارس مؤخر الجیش قوای روسی در هشتاد میلی شمال (تیه لینغ) در (شی تین کای) قرار گرفته و مارشال اویاما قوای مهمهٔ خویش را در (تیه لینغ) جمع و تحشید نموده بود.

کوروپاتکین وارد خاربین شده اهالی با یک حسن پذیرائی و اشتیاق تمامی استقبال کرده ابراز نهایت

خلوص

خلوص نیت و صمیمیت و بلکه ارادت و صداقت نسبت بمشارالیه در موقع ورودش بخرج داده لفظی در تقدیر خدمات ولیاقت وقابلیت او بجیدات حرارت انگیزی نمودند که ژنرال مزبور رابی اندازه متأثر ساختند. از آثار فریادهای اهالی (زنده باد پدر محترم ما — ورود شما باعث ورود سعادت برماست) نه چنان کوروپاتکین رامنقلب ساخته بود که بوصف وتعریف آید بنابرین در مقابل این تشکرات و تمنیات خیرخواهانهٔ اهالی خاربین ژنرال مزبور باین صدد افتاد که مجدداً در محاربات ژاپون



شراکت نموده باایفای خدمات شاید جبران مافات بکند و لهذا پس از تفکرات زیاد مصمم براین گردید از تزار روس تمنا و تقاضای کماندانی اردوی اول رابنماید تاآنکه از صحنهٔ محاربات مانچوری دور نشده و علاقه مند وقایع جنگ بشود چنانچه پس از آنی که دراین نیت ثابت قدم گردید گفته بود که در دنیا بهتر ازین نمیشود که لکههای مغلوبیت راپاک کرده وباخطوط سفید سطور فتوحات در خسارا بجای آن منقوش و مرتسم ساخت —

ژنرال کوروپاتکین بنابر تصمیمات قطعیهٔ خویش تلگرافی باامپراطور روس کرده و بموجب آن تقاضا

واستدعا

واستدعا نمود که بمشارالیه کماندانی اردوی اوّل روس را در تحت فرماندهی کل ژنرال لینویچ واگذار نمایند وتزار روس باکمال رضائیت تمنای ژنرال مزبور راقبول نمود واین اقدام کوروپاتکین یک حسن اثری که تایک اندازه سوءظن ومفتریات اولیای امور را محو کرده و یک اعتماد تمامی را تولید کرده بود نسبت بمشارالیه بخشید که میتوان گفت کوروپاتکین بخوبی ثابت کرد که مقصودش تا آخرین قطرهٔ خون خدمت بوطن وتحصیل شرف وافتخار در محاربات ژاپون است ولی موانع و نواقص ضروری ویرا ازین مقصد ومقصود بازداشت وحالیه هم که در تحت فرماندهی ژنرال لینویچ قرار گرفت حیاتش فقط صرف خدمت وطن وجبران حوادث ناگواری است که در مانچوری تاکنون اتفاق افتاده ودرصورتیکه سابقاً تمام قوای بری وبحری دولت روس در تحت فرمان کوروپاتکین قرار گرفته وژنرال لینویچ جزو فرماندهان زیردست وی بود حالیه حاضر شده که در زیر کماندانی لینویچ خدمت نماید واین منتهای استغنای طبع مشارالیه است چنانچه نظر این قضیه پنجاه سال قبل ازین در سال ۱۸۵۵ جلو محاربات بحری سواستوپول اتفاق افتاد :

چنانچه اختلافی که مابین (لرد راغلان) انگلیسی وژنرال (کان روبرت) فرانسوی کناره جوئی از کماندان خویش نماید که هردو در محاربات روس بمساعدت عثمانی شراکت داشتند سرزده وحاضر گردید که ژنرال فرانسوی کناره جوئی از کماندان خویش نماید ودراین باب تلگرافی بوزارت جنگ مخابره نمود (علت مزاج من مانع است که فرماندهی کل رامتصدی بشوم حیات قلبیهٔ من نسبت بدولت متبوعه ووطن محبوب خودم بحد کمال است ولی میلدارم که عجالتاً فرماندهی کل بعهدهٔ ژنرال (پلیسیه) که یکی از فرماندهان عالم وتجربه دیدهٔ نظامی واگذار گردد ومن در جزو کماندانی او بفرماندهی یک رشته قشون نظامیرا متقبل بشوم وپس از مخابرهٔ تلگراف ژنرال (پلیسیه) رااحضار کرده (کان روبرت) بمشارالیه گفت ژنرال من مدتی زیر فرمان تو

بودم

تلگراف اعلیحضرت میکادو

بودم وامروز شما در تحت اوآمر من هستید و حالا برای آنکه اطمینان کامل بقابلیت و لیاقت شما دارم فرماندهی العهده شما واگذار میکنم که کدورت و اختلافیکه ما بین من و (لرد راغلان) حاصل شده مجبورم که کناره جوئی نمایم. کان روبرت در جواب تلگراف خویش از وزارت جنگ قبول تقاضای خود را دریافت کرد بدینمضمون که (امپراطور استدعای شمارا قبول کرد) واین مسئله باعث شد که قوای متفقه فرانسه وانگلیس مقصود خویش را پیش بردند و اختلاف دو سردار باعث اختلال اردو نگردید وکان روبرت بواسطه این استغنای طبع که فقط وظیفه اش را مصروف خدمت وطن کرده بود در انظار طرف تمجید واحترام گردید.

۲۱ ماه کوروپاتکین بقرارگاه عمومی خویش در اردوی اول وارد گشته و در تحت اوآمر ژنرال لینویچ قرار گرفت. در اردوی ژاپونی هم فداکاری و استغنای طبع ژنرال (کوداما) کمتر از کروپاتکین نبود مشارالیه که فاعل و قوه عامله نقشه جنگی لشکرکشی سال ۱۸۹۴ مقابل دولت چین و قوای روسی در ۱۹۰۴ بود و که نایل موفقیات گردید بزیردستی مارشال اویاما تن داد و آنا مأموری اردوی مارشال مزبور را قبول کرده در درجه دوم قرار گرفت.

شهر توکیو را بواسطه فتوحات اخیره موکدن آئین بسته و اهالی مشغول جشن و چراغانی مفصل شده بودند اعلیحضرت میکادو تلگرافاً تحسینات صمیمانه اهالی را در تبریک شجاعت و رشادت افراد سربازان ژاپون و در خدمات صادقانه مارشال اویاما و سایر سرداران و صاحبمنصبان بفرماندهی کل تبلیغ نمود.

باب ششم

اوضاع مغشوشه در روسیه و مداومت جنگ — حالت روحیه اهالی پطرزبورغ — س سینود باطاعت امپراطور و سکونت اهالی موعظه میکند — دعوت شورشیان بضد جنگ — اراده امپراطوری در تاسیس

تاسیس مجلس ملی — عدم رضائیت اهالی و شورش زارعین — توسعه انارشی گری — پرولتاریای در انقلاب — کنگره و اجتماعات — حوادث مهمه در پولونی — اول ماه مه در ورشو — مقتولین و مجروحین متعدد — تزار محبوس در عمارت سلطنتی است — منازعات مذهبی — مسئله صلح — تجهیزات جدیده — نمایشات در توکیو —

انتشارات اخبارات اخیره مغلوبیت ها قوای روس و تخلیه شهر موکدن و تیه لین بواسطه روس ها و مظفریت متوالیه ژاپونیان علی رغم جلوگیری هیئت دولت از شیوع آنها شهر پطرزبورغ را دچار یک بحران سخت انقلاب انگیزی نموده در هر نقطه شهر اغتشاشات اهالی و گروه های متعدد و سوءقصدهای فراوان پای تخت دولت روس را مجدداً منقلب و مغشوش ساخته بود.

نمایشات متعدده افراد اهالی از هر طبقه بازخاطر درباریان پطرزبورغ را مشوب ساخته و دولت ژاپون هم از اینموقع استفاده کرده بتحریک استبداد و ترغیب ازدیاد بلوای مزبور میپرداخت تا باین وسیله دولت روس را در داخله سخت مشغول کرده مجال تجهیزات استعداد جدیده بر مداومت جنگ نداده و ویرا مجبور بانعقاد صلح نماید و مسلماً بروز انقلابات در اینموقع مغلوبیت های روس در مانچوری علاوه از آنکه مانع اعزام قوای نظامی و مهمات حربیه باقصای شرق است یک سوء اثر غریبی هم در حالت روحیه اردوهای مانچوری روس تولید میکرد.

از نتایج شورش خونریزانه ماه ژانویه که دولت در جلوگیری و اسکات شورش اتخاذ اقدامات بیرحمانه کرده و چندین هزار نفر را غشته بخون نمود علی الظاهر در کارخانجات بزرگ حوالی شهر یک سکوت و سکونت موقتی برقرار گردید.

تزار روس نمایندگان طبقه جاثرا با حضور رئیس مجلس (سن سینود) احضار و رفتار و حرکات آنها را در اینموقع توبیخ و ملامت کرده اظهار داشت اشخاصیکه نایره این اشتعالات شورش داخلی را دامن میزنند

میزنند خائنین وطن و دشمنان خانوادهٔ سلطنتی و رفاهیت و استقلال دولت و مملکت روسیه هستند که بتحریک مفسدین دست از کسب و کار خویش کشیده بعلیه حکومت حاضره شوریده اند. ما باید در اینموقع دست بدست داده انتریکهای خصمای مملکت و دولت ما را که ضعف و اختلال دولت بل انقراض وطن ما را منجر خواهند بی نتیجه بگذاریم نه آنکه آلت دست آنها شده موقع فرصت بایشان بدهیم.

متعاقب تقریرات تزار مجلس عالی (سن سینود) مذهب ارتودوکس حکم تکفیر پوپ غابون و طرفداران او را داد و پس از آنهم بیانامهٔ متحد المآلی را از طرف دولت خطاب باهالی عموماً بمضمون ذیل صادر گردید (در این ایام عوض آنکه اهالی مملکت باهمدیگر متحد و متفق شده وطن را از مخاطرات نجات بدهند متأسفانه گروههای متعددی در پای تخت و در سایر بلاد روسیه نموده و از نتیجه تحریکات اجانب و دشمنان ما چه در داخله و چه در خارجه ده هزاران اتباع صادق ارتودوکس ما دست از کار کشیده آلت اغراض خارجی شده اسباب فقر و ضرورت خویش و چندین ملیون اهالی شده اند. وسایل این تعطیل و عصیان را بعضی از خائنین وطن که رشوه گرفته اهالی مظلوم را بعلیه دولت برانگیخته اند خصوصاً آن راهب فاسد الاخلاق غابون که مقدمهٔ این انقلاب را چید چون دشمنان ما عظمت و قدرت فنا ناپذیر دولت ما را دیده و فهمیدند که ما دست از مخاصمت بر نخواهیم داشت مگر آنکه خصم خود ما را کاملاً مقهور و مغلوب بسازیم اینست که اسباب اختلال و انقلاب را در مملکت ما فراهم آورده محاربات داخلی را تولید و ایجاد کردند تا آنکه دولت را ضعیف و عاجز از تحشید قشون و تجهیز سپاه و مهمات تامه حربیه نمایند و موانع عمده برای اعزام قوای بری و بحری بجبهه قصای شرق پیش بکشند چقدر جای تأسف است جوانان و سربازان روس در چندین صد فرسخ دور از وطن برای شرافت و سعادت وطن با خصم قوی پنجه مشغول جنگ باشند و اهالی داخلی هم در اینموقع بجان همدیگر افتاده گویی دشمن یکدیگرند بجنگ و جدال بپردازند و در اینموقعیکه اعلیحضرت امپراطور و امپراطریس وسایل تسلیت

باز ماندگان فدائیان وطن و معالجه و پرستاری مجروحین را تهیه مینمایند رعایای روسیه بخلاف میل پادشاه خویش (ضد منافع و مصالح مملکت اقدامات غافلانه بکنند) در خاتمه بیانامه فوق اهالی را باطاعت اوامر امپراطور و احکام صادره دربار روس تشویق و ترغیب مینماید.

ژنرال (تربوف) حکمران پطرزبورغ اقدامات مجدانه در جلوگیری نایرهٔ اغتشاش نموده رؤسای ادارهٔ نظمیه و قوای نظامی روس که در زیر اقتدار و اختیار تامهٔ وی قرار گرفته بود دست بتشبث انواع و اقسام ظلم و جور و تهدید و تضییق شده هر روزی عدهٔ معتنابهی از اهالی را گرفتار و حبس و زجر و طرد و تبعید نموده دوچار اقسام شکنجه و اذیت میکرد الحاصل بر شدت مظالم خویش افزوده هر جا مختصر اجتماعی و یا یک سوء ظنی مشاهده میکرد چندین صد نفر را هدف جور و اجحافات طاقت شکنانه خویش مینمود با وجود این شدت سیاست این بحران را مرتفع نساخته و دامنهٔ انقلاب روز بروز کسب وسعت میکرد.

شورش و انقلاب انحصار بتعطیل عمله جات در پطرزبورغ نداشت بلکه در ایالات و ولایات هم ظاهر گشته در لهستان. قفقازیه. باطوم هم اغتشاشات مهمه حکمفرما گردید اولیای امور و حکام ولایات اظهار عجز در تأمین بلاد بواسطه عدم کفایت قوای تأمینیه و دستجات نظامی کرده تجارت و صنایع و زراعت بواسطه تهدیدات گروکنندگان در حالت تعطیل مانده و در همه جا کمیته های سری در تحریک اهالی بحکومت حاضره تشکیل یافته و ارامنه و یهودی ها هم با یک جدیت تمامی بشورش و اغتشاش داخلی مداخله و اشتراک میکردند. در بادکوبه شدت بلوا قوای نظامیرا مجبور باستعمال اسلحه نموده و از اینرو چندین صد نفر مقتول و مجروح افتاد و بالاخره بر این انقلاب داخلی اختلافات سابقهٔ مذهبی و تباین نژادی هم منظم گشته اوضاع داخلی روسیه را بی اندازه سخت و منقلب نمود. غابون معروف که محرک اول این اغتشاشات بود که در روز خونریزانه ۲۲ ژانویه بطور اعجاز فرار کرده

خود را از مخاطرات بخاندان محرمانه از خارج طرفداران خویش را تحریک بتشکیل کمیته‌های سری و ندادن
مالیات و استنکاف از خدمات نظامی وادار میکرد و با انتشار بیانامه‌ها مهیج و مؤثر مردم را به مقاومت
و ایستادگی تشویق مینمود چنانچه در یکی از بیانامه‌هایش اینطور مینویسد (اهالی غیور روسیه باید
تشکیل اجتماعات بزرگ و کوچک در تمام نواحی و نقاط داده بدون فرق و امتیاز تمام مردم را از
عالم و جاهل. عوام و خواص متمول و فقیر با یکدیگر متحد و مربوط ساخت بدولت مالیات نباید پرداخت
زیرا ادای مالیات برای حفظ حقوق اهالی است نه تهیه وسایط قهریه در اقنای حقوق مشروعه ملت
حتی بتول اشراف را از میان برداریم هیچکس را برخود آمر و مسلط قرار ندهیم و اهالی بیچاره را که جزو قشون
حاضر سلاح یا قشون ردیف و احتیاط هستند باید جلوگیری کرد که بمیدان جنگ دور و درازی نزوند
زیرا که این محاربات اقصای شرق اسباب ننگ و شرم است جنگی است که نوکرهای پست فطرت
و جاه طلب تزار و امرای ناقابل و خائنین وطن فراهم آورده‌اند. ملت نباید منصرف و مأیوس از
اقدامات خویش باشند زیرا این قلادهٔ اسارت موجب سلب فاهمیت و اقنای اهالی بدبخت
مملکت ما است باید جنبید و شورید تا آنکه این سلسلهٔ استبداد را محو و ارادهٔ ملت را جانشین ارادهٔ
تزار نمود) در یک بیانامه دیگر غابون میگوید (قسم بخوریم تا آخرین قطرهٔ خون خویش این مادر خود ما را
از لگدکوب اغیار و ظالمین نجات دهیم. این مادر مریض ما یعنی وطن محبوب ما از شما اولادان با وفا
و نمک شناس انتظار خدمت دارد امروز وقت فرصت است از اقدامات دولت و تهدیدات
حکومت نترسید اکثریت و قوت با شما است گوش بحرف لین و ملایم حکام و اولیای امور ندهید که
با کمال ملایمت شما را فریب داده طوق رقیت را با نوازش و مداهنهٔ ظاهری بگردن شما خواهند گذارد
بحکام و امرا و رؤسای پولیس و مأمورین دولت که شجرهٔ فساد و استبداد هستند مجال ندهید که قدرت
پیدا کرده بشما مسلط بشوند. از هر گونه اقدامات متعرضانه فروگذاری ننموده با چوب و تفنگ و اسلحه

وحتی

و حتی با مشت هم باشد مدافعه و مبارزه بکنید. از تکفیر و لعن کشیشان و قسیسین نترسید آنها مهمترین آلت
استبداد هستند. تمام بدبختی‌ها و فلاکت مملکت ما از وجود این اشخاص فاسد الاخلاق و ابن الوقت است
که ما را نمیگذارند پی بحقوق مشروع خود ببریم. زیرا دکان ایشان بسته میشود و از مفتخوری و عزت ظاهری
محروم میمانند و اینرا بدانید که تمام زحمات و رنجبری شما متحمل میشوید برای راحتی یک عده از رجال
و کشیشان که نماینده بی استحقاق بل غاصب مقام جسمانیت و روحانیت هیئت جامعهٔ ملت هستند)
در این گیرودار انقلاب که همه جا آتش ظلم و اجحافات هزاران خانمان مظلوم را میسوزاند تمام طبقات
اهالی بتدریج با شورشیان هم آواز و متفق شده از دولت اصلاح امور ملت و مملکت را با وسایل مختلفه
و بیانامه‌های متعدده جداً مطالبه میکردند خصوصاً جوانان تحصیل کرده و شاگردان مدارس و مکاتب
متوسطه و عالیه و افکار منوره. مطبوعات و تربیت شدگان درجات متفرقهٔ ملت روس بیشتر از همه
هیئت دولت را بمضرات و وخامت امور حاضره جلب و جذب میکردند و اولیای امور را یگانه
عامل اینهمه بلایا و مصایب وارده قرارداده نتایج استبداد را استشهاد درباریان پطرزبورغ میکردند
که هزیمت‌های اقصای شرق و خرابی مملکت. پریشانی ملت. اختلال امور کشوری. همه از خطاهای
غیر قابل عفو زمامداران امور است و علاج فوری و فوتی آن اعطای مشروطیت و تأسیس مجلس ملی است
تزار روس پس از چندی ملتفت شد که با قوهٔ قهریه و جبریه و اتخاذ تدابیر شدیده عنفاً نمیتواند جلو
گیری حسیات ملت نماید بنابرین مصمم گردید که با دادن وعدهٔ تشکیل شورای نمایندگان ملت دلخوش
و امیدوار ساخته بلکه با این پولتیک خدعه انگیز اهالی را فریب داده از این حرکات منصرف سازد
و بنابرین در دوم مارس ارادهٔ در باب تأسیس مجلس ملی در یک زمان قریب صادر نمود و ملت را
در آتیه امیدوار آزادی و مشروطیت ساخت. بمحض انتشار ارادهٔ مذکوره در یک مهمانخانهٔ بزرگ
پطرزبورغ احتراق سختی حاصل شده بجای سکوت و سکونت اغتشاش بر وحشت و دهشت اهالی افزود

وعلت آنهم این بود که شخص مجهولی مدت دوماه در یکی از اطاقهای مهمانخانه مذکوره منزل کرده و در آنجا مشغول درست کردن مواد محترقه ولوازمات قورخانه وبمب ونارنجک بود که یکدفعه یکی از آنها آتش گرفته باعث احتراق واشتعال گردید وچندین نفر را مقتول ساخت. حدوث اینوقعه بشدت عملیات رولسیونرها وانقلابیون افزود وکم کم بدهات وقراء وقصبات شورش سرایت کرده عمل فلاحت وزراعت ورعیتی را دچار سکته وصدمه نمود اغتشاش دهات بیشتر اولیای امور را از شورش شهرهای بزرگ مشوش ومشوب ساخت زیرا که اصلاح امور رعیت ودهقانان ومسئله رفوم ساکنین دهات وفلاحت که بهترین سرچشمه رفاهیت وثروت وسعادت یک مملکت است مدت مدیدی مابین اشخاص منورالافکار وآزادی طلبان واقتصادیون روسیه مطرح مذاکره بود وهمواره فسخ والغای تیول ومملوکیت رعایا از چهل سال باینطرف ومعایب این اصول طرف تنقید واعتراضات شدیده خواص اهالی وتربیت شدگان مدارس داخلی وخارجی شده بود.

ارکان دولت که ساعی خود شانرا دائما مصروف باسکات زارعین ودهقانان میکردند در اینموقع اغتشاش زارعین در استخلاص از جور واجحاف ملاکین وارباب تیول وغیره باغماض ومسامحه گذرانده از تخطیات دهاتی ها باملاک اربابان وملاکین تجاوز وجلوگیری نمود واین هم باعث شدت عصیان گردید ومصادف این ایام در ماه ژانویه یک خبر مجهولی در میانه زارعین شیوع یافت که تزار روس بمناسبت زحمات رنجبران وفلاحین نفوذ وتسلط اربابان غاصب را از سر دهاتی ها برداشت واملاک ملاکین را که دهقانان رنج وزحمت کشیده زراعت نموده وتمام محصول زحمات خویش را بجیب اربابان میریزند در مقابل کارگری ایشان بزارعین واگذار نمود. انتشار این خبر بی اصل در یک موقع انقلاب چقدر موثر میشود حاجت به بیان نیست. دهاتیهای ساده لوح که از دیرگاهی باینطرف کینه وبغض ملاکین را در دل داشتند از اینموقع استفاده کرده در صدد انتقام برآمده

وتصور میکردند که بعدها صاحب مزارع واراضی خویش که دسترنج وکارکنی ایشان محصول دار میکنند خواهند بود مشغول تخطیات وتعدیات باموال واملاک متمولین شده ودر جلو عمارات وقصور اربابان بازدحام تمام جمع گشته ایشانرا تهدید وتخویف مینمودند وبدون ترس وپروا بغارت کردن انبار وضبط اغنام واحشام وبریدن جنگلها وفروش آنها برداختند.

در نقاط غربی مجاور رود (وولغا) اوضاع سخت تر بود. در ناحیه (سوسکت) اهالی بکارخانجات قندسازی وعرق کشی حمله کرده پس از غارت آنها آتش زدند وتیماگران واراذل ناس هم از اینموقع استفاده کرده در همه جا مشغول چپاولی شدند وبدبخت در این نقاط آشوب روبشدت گذارد دهاتی ها با اسباب زراعت خویش مسلح شده با قامتگاه ومنازل ملاکین ریختند واوضاع آن سامان یک منظره مجمعه ووخیمه را تشکیل داده بود در همه جا قتل ونهب وغارت وخرابی برپا بود تمام اهالی از فقیر وغنی شهری ودهاتی در وحشت وانقلاب وحکومت محلی هم از جلوگیری آن عاجز بود بالاخره اشتراک ودخالت اوباشی ها هم رولسیون مزبور را بیک آشوب وانارشی گری سختی تبدیل داده اربابان وملاکین برای مدافعه خویش تدارکات کافیه دیده از اینروزد وخوردهای متعددی در هر گوشه وکنار اتفاق می افتاد وبمجرد دیکه یکدسته قزاق ویا قوه نظامی دولت روس پیدا میشد دهاتی ها راه فرار میگرفتند. خلاصه آتش اینست که هیچ معلوم نبود که مقصود ازین شورش چیست برای آنکه عموم زارعین ودهاتی ها عامی صرف وبی سواد بوده ونمیدانستند چه میکنند. وهرگاه فی الجمله اطلاعاتی هم میداشتند شاید نتیجه خوبی از این اغتشاشات بدست می آوردند.

محاربات اقصای شرق وخصوصا مغلوبیتهای متوالیه بروسای شورشیان ومحرکین وعاملین رولسیون روسیه مجال وفرصت خوبی داد که در اغلب نقاط مجاوره مراکز صنایع مملکت

در مابین

و در ماهین زارعین و دهقانان حقیقات حرکت پروانه بیدار نموده و اهالی را از این پیش آمدهای ناگوار متنبه و متذکر سازند .

در ابتدای جنگ تمام مردم مطمئن فتوحات قطعیه دولت روس بوده و ژاپونی ها را با یک نظر حقارت



و بی قیدی نگاه میکردند بدبختانه شکست های اولیه قوای روس بدواً اسباب حیرت و تعجب اهالی گردید ولی چندی نگذشت مغلوبیت های متوالیه موجب خشم و غضب و هیجان ملت گشته سوء اداره استبداد در آثار این هزیمت ها دانسته شد . با وجود اینها دولت روس با جدیت تمام مشغول تجهیزات و تشکیلات نظامی بوده غالب دهاتی و رعایا را زیر اسلحه جلب و بمیدان جنگ سوق مینمود ولی اهالی از خدمات نظامی سر پیچیده و تمکین احکامات مقرره دولت نمی نمودند . یک پروگرام مبسوط و مفصلی در اعمال و خط حرکت علاقه داران رووسیون [1] منتشر گردیده

اهالی را بوقایع جاریه در مدت انقلاب در ضمن چهار کنفرانس مسبوق و متذکر نمود که در حقیقت یک خط حرکت آتیه بود .

کنفرانس اول) خلاصه حوادث ماضیه و آتیه رووسیون از آغاز ۲۲ ژانویه — و مسلک سوسیالها [2] و در اقدامات طبقات اجتماعیه (بوروکراسی . اشرافی — دهقانان و صنعت کاران . زارعین و روحانیون) در جریان انقلابات و خدمات و خیانات یکی ها و دیگری ها .

دوم) عملیات بلوائیان در فهماندن اهالی از مضرات استبداد و معنی سوسیالیست و انقلابیون — وظیفه و تکالیف زارعین . اصلاح امور فلاحت . ایجاد ملیت واقعی . حمایت از رنجبران .

سوم) مقصود از انقلاب بلاد . تروری [3] در ولایات . هیجان در تخریب بعضی و اثر از قبیل کارخانجات و محبس ها و پست و تلگراف و نظمیه وغیره .

چهارم) مسئله قمع و قلع حکومت حاضره و تشکیل حکومت موقته رووسیونی — اعلان آزادی اشخاص و اقوال و مطبوعات و اجتماعات — تساوی امور پولیتیکی برای تمام ملل — تشکیل مجلس ملی و مشروطیت

پروگرام فوق الذکر برای مذاکره و اتخاذ قرار قطعی در مواد متفرقه بود که اهالی را بخلاصه وقایع متذکر و مباحث با معنی که ملت باید در جریان انقلابات تسلط بوروکراسی و اشرافی را مرتفع و حقوق دهقانان و صنعت کاران و زارعین را معین و حدودی هم برای روحانیون مشخص ساخته کسانیکه بضد رووسیون کار کرده و میکنند دچار مجازات و خادمین را ماجور دارد و در ضمن عملیات بلوائی مردم را از مسلک و معنای سوسیالیست و انقلابیون آگاه ساخته زنجبران زراعت را با وضع اصلاحات لازمه قرین رفاهیت سازند و با برداشتن نفاق و تقسیمات امتیازی طبقات اهالی تشکیل ایجاد ملیت واقعی نموده حمایت رنجبران شعار خود سازند .

مفهوم کنفرانس سوم از انقلاب بلاد استرداد حقوق آزادی و مقصد از تروری هم محو و اعدام متنفذین

۲) [illegible] اقدامات شورشیان در موضوع ... با دولت از قبیل قتل و غارت وغیره

۱) رووُلسیون یا انقلاب غالباً با الفاظ شورش و آشوب و عصیان اشتباه میشود و حال آنکه رووُلسیون یک انقلابی است برای جلوگیری مضرات و مظالم استبداد و تأسیس حاکمیت ملیه در مداخله امور کشوری و سیاسی که عموم ملت حق داشته باشند —

۲) سوسیال یا سوسیالیست : ادارهٔ امور دولت و مملکت بدستیاری هیئت اجتماعیه که در همه جا فرقه بنام اجتماعیون دارند —

۳) ترور : اقدامات تهدید آمیز در وحشت انداختن اشخاص متنفذ و ترساندن ایشان تخریب دوایر پست و تلگراف هم ممانعت انتشار اخبار تلگرافی و سانسوری پست بوده و اقدامات نظمیه هم چون بخلاف آزادی انقلاب بعمل میآید بنابرین در جزو یادداشت های کنفرانس چهارم گردید .

انهدام کارخانجات برای صدمه رساندن صاحبان آن در تقویت رووُلسیون و تخریب محبس ها هم برای نجات دادن اشخاص بیچاره و بی تقصیر بود .

کنگره های متعددی در پطرزبورغ در موضوع مواد پروگرام کنفرانس چهارگانه انعقاد یافته و پس از مذاکرات زیاد بالأخره در استقامت شورشیان در مطالبات خویش و بامتداد اغتشاش رأی دادند و تحصیل مقاصد خود را اجرا از این راه از طریق دیگر تصور و تعقل ننمودند بنابرین شورش در حالت سابقه بلکه شدیدتر از آن در تمام نقاط روسیه جاری و طبقات روحانیون هم در بعض جاها بعنوان اصلاحات امور دینی بنای اغتشاش را گذاردند .

دولت امپراطوری تمام اجتماعات را اکیداً قدغن نمود و غالب جرایدرا توقیف و سانسورهای سختی معین کرده باوصف این قوهٔ قهریه در پطرزبورغ نتوانست عملیات و اقدامات شورش انگیز اول ماه مه که بدواً ببهانهٔ یک نمایش عملجات بین المللی شروع یافته بود جلوگیری نماید . لهستان توی یک بحران قرار گرفته روز اول ماه مه پنجهزار نفر از عمله جات با اهل و عیال خویش در حالتی که

حامل بیرق های قرمز بودند از میدان (وتیکوویسکی) حرکت کرده پیاده نظام روس شلیک نموده چندین صد نفر را مقتول و مجروح ساخته اهالی را متفرق نمود . شب روز مزبور یک دسته قزاق و یک آژانرا کشته و پولیس ها در صدد گرفتار مرتکب برآمدند ولی رفقایش و یرا احاطه کرده با رولور و اسلحه چند نفر از آنهارا مجروح نموده مشارالیه را نجات دادند . فردای آنروز تمام کارخانجات و دارالصنایع وغیره در شهر ورشو دست از کار کشیده و عموم اهالی لعلیه حکومت قیام کرده مطالبه مواد ذیل را نمودند

۱) تحصیل زبان پولونی (لهستانی) در تمام مدارس و رسمیت دادن آن در کلیهٔ ادارات و دوائر و محاکم مملکت .

۲) اعطای آزادی و امتیازات در امور کلیسا های کاتولیک و حریت تمام آئین مذهب مذکور .

۳) استقرار اصول حکومت و ادارهٔ امور مملکت از روی عناصر ملت پولونی .

۴) استقلال داخلی پولونی باشتراک تمام طبقات اهالی لهستان

سانسور ۱) تفتیش سخت در جلوگیری نشریات و مراسلات وغیره بخلاف مصالح حاضرهٔ دولت

---

۵) خدمات نظامی در موقع صلح فقط برای داخلهٔ مملکت . —

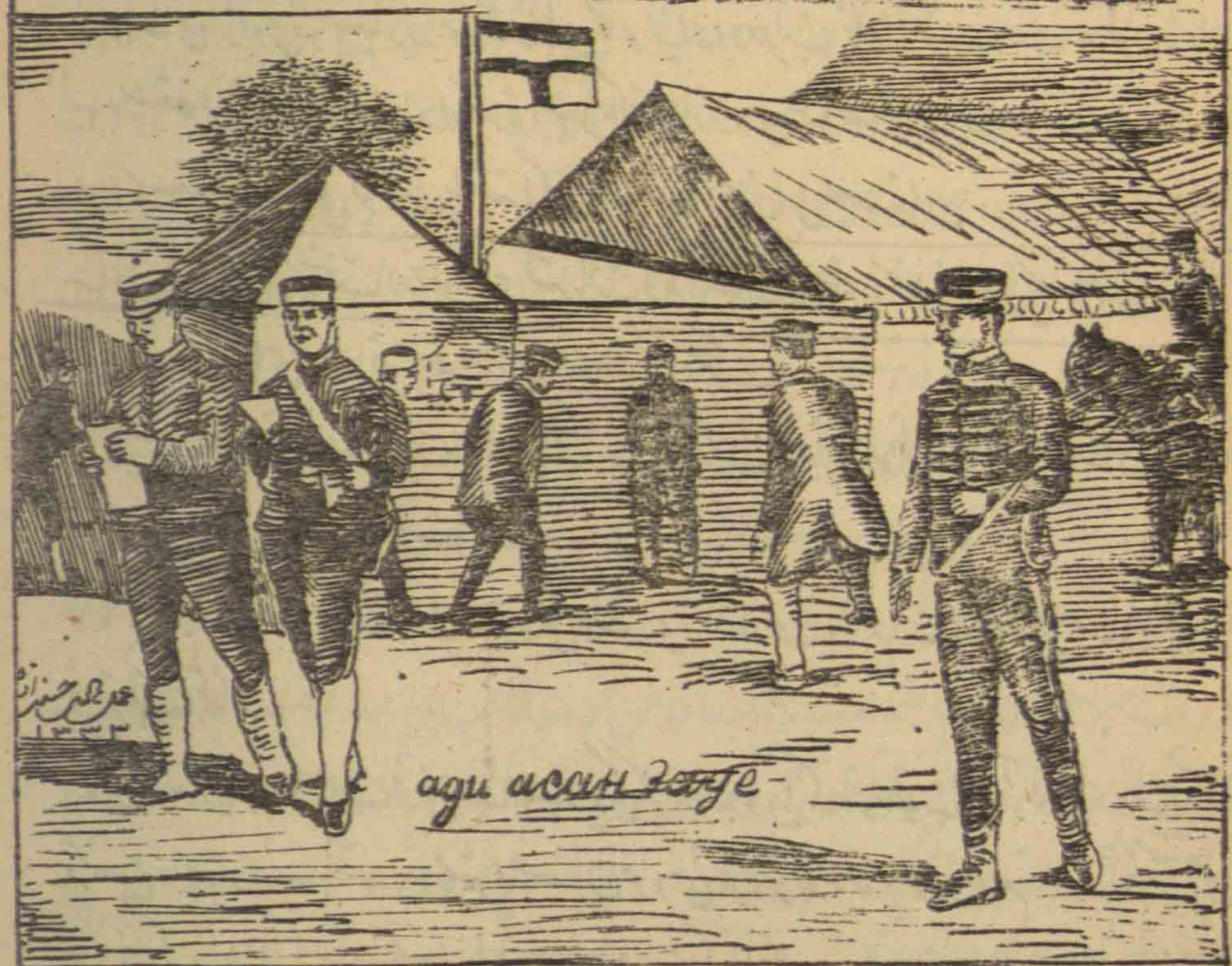
۶) فسخ و الغای تمام حدودات از قبیل تذکره و پاسپورت وغیره محفوظیت حقوق و منازل اشخاص و آزادی مذهب و اجتماعات .

۷) تشکیلات داخلی از قضاوت و امور ملکی و کشوری . معارف . مالیات موافق میل ملت پولونی و بترتیب انتخاب . —

اهالی لهستان در مطالبات فوق جداً ایستادگی کرده بدون آنکه از سطوت و قوهٔ قهریهٔ دولت روس ترس و واهمه داشته باشند بشورش و عصیان خود می افزودند . در (لوتز) هم نایرهٔ انقلاب مشتعل گردید . گرچه در پطرزبورغ تخفیف یافته بود ولی در مسکو انقلاب مداومت داشت . علی رغم اقدامات

وساعی





وساعی

وساعی دولت آتش شورش در همه جاجای روسیه برافروخته تر میگشت اگر در یک جائی تخفیف می یافت در جای دیگر مشتعل می شد.—

درمیان این شورش که با آنارشی گری و انقلاب توأم و مخلوط امپراطور روس از ترس خویش از عمارت (تزار سکویه سلو) نمیتوانست خارج شود و در واقع خود را محبوس کرده فقط را پورتهای رجال دولت را در اداره امور مملکت و تلگرافات ژنرالها را در جریان محاربات قصای شرق دریافت مینمود مصادف این ایام منازعات مذهبی هم با مشاجرات سیاسی داخل مباحث بحران آمیز مملکت شده بود. دراین ضمن جرائد و مطبوعات داخله و خارجه هم خسارات و تلفات جنگهای قصای شرق منتشر کرده بر مراتب تأثر و هیجان اهالی و تشویش و اضطراب هیئت دولت می افزودند.

اکثریت مطبوعات روسیه دولت را نصیحت میکردند که پس ازین ضایعات عمده بباید داخل مذاکرات صلح شد مگر آنکه جبران اینهمه تلفات را معتنا نمود و در ضمن با نشر استاتیستیک ا) خسارات و ضایعات محاربات مانچوری را که درعرض چهارده ماه در بار پطرزبورغ دچار شده بود هیئت دولت را بر اهمیت و گرانی همیت جنگهای مزبور متوجه ساخته تشویق و ترغیب بر مداومت جنگ و اتخاذ تدابیر جدیه در مغلوبیت قطعی دشمن میکردند و هرگاه بر مقدار خسارات

استاتیستیک ا) یا نفوس شماری و احصائیه صورت و حساب عدهٔ اهالی و وفیات و خسارات و تلفات یک مملکت و دولت است.—

وتلفات دولت روس در جنگهای ژاپون که در بار پطرزبورغ بدواً از انتشار آن جلوگیری داشت وارسی شود معلوم خواهد شد که چقدر اولیای امور مرتکب خطاهای غیر قابل ترمیم و تعمیری در اینموقع گشته مملکت وسیعه و دولت با عظمت مقتدره روسیه بچه اندازه دچار خسارات نموده اند و ملت روس حق داشت در مقابل این ضایعات و صدمات که قهراً بخود ایشان عاید و راجع بود شورش و آشوب

نموده

نموده وسایلی فراهم آرند که بعدها نظیر آن اتفاق نیفتد.

و اینک بطور اختصار صورت تلفات و ضایعات قشون روس را با مخارج و خسارات آن در میدانهای جنگ قصای شرق لزوماً در اینجا مذکور میداریم که مزید اطلاع و بصیرت گردد.

(اسامی میدانهای جنگ)	(عدهٔ تلفات)
در شاهو	(۴۵۰۰۰) نفر مقتول و مجروح —
پرت آرتور - کینچو	(۴۵۰۰۰) //
لیائوبانک	(۲۵۰۰۰) //
حالیشنگ	(۱۵۰۰۰) //
دافانکو	(۴۰۰۰) //
در معابر و تنگهای وافانکو	(۲۶۰۰) //
در تورنچن	(۲۴۰۰)
در سموچن	(۱۹۰۰) //
تاشی کیائو	(۷۰۰) //
در مصادمات متفرقه	(۶۰۰) //
در محاربات بحری	(۹۹۰۰) //
در ساندپو	(۱۰۰۰) //

مجروحین و مقتولین محاربات موکدن بانضمام اسرا تا اول ژانویه که همراه عدهٔ مریضها هفت هزار نفر بالغ میشد .... (صد هزار نفر ضایعات و تلفات بود)

مجموع اینها عبارت از چهارصد و سی پنجهزار نفر ضایعات و تلفات بود که از قوای کلیه دولت روس

در میدان

در میدانهای جنگ کاسته و ثانیاً تلافی کسر و نواقص آن باین زودی با این بعد مسافت و اختلال امور داخلی مملکت و فقدان پول خیلی مشکل بنظر میآمد.

اما خسارات مادی از حیث اسلحه و مهمات و قورخانه و ذخیره و آذوقه و غیره بموجب راپورتهای رسمی و استاتیستیک محافل سیاسی دربار پطرزبورغ از اینقرار است.

(اسامی نقاطیکه دولت روس دچار خسارات شده)	ارزش خسارات بدولت از قرار حساب منات
در خطوط مانچوری	(۲۵۳) ملیون منات خسارت
در مدافعه و نگهداری خطوط	(۴۶) ملیون منات
خساراتیکه بواسطهٔ نوکرزها وارد شده	(۷۹) ملیون منات
ساختن شهر و پل های دالنی	(۲۰) ملیون منات
تجهیزات خدمات بحری	(۱۱) ملیون منات
مخارج پرت آرتور و انشای استحکامات آن	(۵۰۰) ملیون منات
	جمع کل (۹۰۰) ملیون منات است
کلیه مخارج جنگ و استقراض خارجی	(۵۷۰) ملیون منات
اسهام دولتی	(۱۵۰) ملیون //
قیمت هزار و چهارصد و هشتاد توپ از دست رفته ..	(۱۰) ملیون //
سفاین تجاری ضبط شده	(۱۰)
جهازات متفرقه	(۱۶۰)
مجموع —	(۹۰۰) ملیون

بنا

بنا بحساب فوق جنگهای اقصای شرق برای دولت روس بدو ملیار یعنی بچهار هزار کرور منات تمام شده بود. با وجود اینها دربار پطرزبورغ نخواست باین محاربات خونریزانه و خسارات مهمه خاتمه بدهد بلکه بیشتر از سابق بجمع آوری قشون و ارسال آنها بمانچوری بپرداخت هزاران فراری ها از طبقات ردیف از سرحدات روس عبور کرده و غالب سربازان از دخول خدمت و عزیمت دار الحرب اقصای شرق امتناع میورزند. جراید انگلیس عدۀ فراریان قشون روس را که بلندن و به لیورپول پناهنده شده و از آنجا بسمت آمازونی و کانادا می رفتند سیزده هزار تخمین کرده است

مطبوعات روسیه هیچ وقعی باین فراریان نظامی نداده و آمیرال (دوماتوف) در یکی از ملاقاتها افکار و عقاید جراید پطرزبورغ و مسکو را اینطور اظهار میکرد (روسیه دست از کارزار نخواهد کشید زیرا که دولت نمیتواند قبول شرایط شاقه برای انعقاد صلح و القای مسالمت بنماید) در اینباب نوویه ورمیا مینویسد: (که روسیه مغلوب نشده است و ما بسمت شمال حرکت کرده ژاپونیها را عقب سر خودمان کشانیده و بالاخره آنها را دچار هزیمت خواهیم کرد و بالاخره نایل موفقیت شده یک صلح باشرافتی برای حفظ قوت و سطوت دولت خودمان خواهیم بست)

یک مجلس عالی نظامی در تحت ریاست نیکلای دوم انعقاد یافته و در آن مجلس مقرر گردید که به تجهیز بعث اردو پرداخته و فرقۀ دهم سواره نظام را با بریگادهای ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ توپخانه بهمراهی اردوهای مزبور روانه اقصای شرق نموده محلهای خالی دستجات قشون را پر نمایند)

دولت ژاپون مغرور فتوحات خویش برای ترک خصومت با شرایط سهل و قابل قبول حاضر صلح نبود. چنانچه مدعیات دربار توکیو را در این باب (کنت اوگوما) اینطور پیشنهاد ساخت:

۱) واگذاری ولادوستوک و سواحل متعلقۀ آن با جزیرۀ ساخالین بدولت ژاپون.—

۲) تفویض راه آهن مانچوری بژاپون.—

۳) افتتاح سیبری به تجارت عالم.—

۴) تخلیۀ مانچوری و تمام ایالت چین.—

۵) واگذاری مانچوری بتحت و حمایت ژاپون با نگهداری حقوق مالکیت چین.—

علاوه از این عقاید رجال دربار توکیو بهمه اهمیت که شهر ولادوستوک اساس مصالحه را تشکیل داده و باید بعنوان رهن در ادامۀ صلح و سالمت اقصای شرق در تحت اشغال دولت ژاپون قرار بگیرد. اما در باب کوره یا باید جزو متصرفات ژاپون باشد و یا اقلاً در زیر حمایت وی واقع شود.

دربار توکیو مخارج جنگ سنوات ۱۹۰۵ — ۱۹۰۶ آتیه را هزار و هفتصد و پنجاه ملیون تخمین کرده که دویست ملیون آن برای صرف استقراض جنگ معین گردیده و مابقی آن بقرار ذیل تقسیم یافت. پس از ضمیمه بودجۀ حاضره مبلغ ۴۹۷ ملیون و نیم) استقراض ۱۴۲۷ ملیون) متفرقه ۲۵ ملیون) جمع کل ۱۹۵۰ ملیون) خواهد بود.

ولی وطن پرستی ژاپونیان بیش از اینها بود و حاضر همه قسم فداکاری در ترقی و شرافت وطن بودند در توکیو جشن های متعددی برپا کرده اهالی با یک ازدحام تمامی سرودهای ملی خوانده اظهار شادمانی میکردند. رجال بزرگ با همدیگر در موضوع جنگ مباحثه کرده و میگفتند که حالا هنگام صلح رسید زیرا که دیگر دولت روس نمیتواند محاربه نماید.

واینرا هم نباید فراموش کرد که ولایات اقصای شرقی که در آنجا دول روس و ژاپون بر سر آن جنگ میکردند بهیچکدام از دول متخاصم متعلق نبوده و جزو متصرفات یکدولت ثالث مستقلی بود که با یکدیگر در سر قوای تغذیه خویش و تحصیل رقابت و سابقت تامه می جنگیدند.

باب هفتم

(در جلو خاربین)

آخرین

اخرین منازل رجعت قشون روس – روسها آیا منتظر قوای امدادیه خواهند شد – ژاپونیها بروسها متعرض نمیشوند – درخاربین – جنگ جبهه – آتامازور جدید ژنرال کارکویچ – اهالی بومی – گلوله و شراپنل ها – حیله و خدعه های حربیه – اعلان نامه او یاما – ژنرال باتینوف – سان قشون روس بواسطه لینویچ و کوروپاتکین – محاربه آخر آوریل – سواره نظام منچیکو – ترتیب اکمال نواقص در قشون ژاپون – حالت دفاعیه لینویچ – مراسم تشییع و دفن اموات و جشن ها – زندگی صاحب منصبان روس – اظهار دو ژنرال روسی به نتیجه قطعیه محاربات بحری –

اردوهای لینویچ بدون آنکه از طرف خصم مزاحمتی بعمل آید مداوم رجعت خویش بوده بسمت شمال متوجه شدند. دستجات قشون تشکیل شش ستون کرده متوازی خط آهن حرکت مینمودند و ستون مرکزی جاده ماندارین را تعقیب میکرد مقدمه الجیش قوای روس پانزدهم مارس از تیه لین مفارقت کرده ۱۸ ماه وارد (شانته فو) و بیستم به (شی فینغای) شدند این سه شهر در ماورای مملکت مانچوری و نسبت به موکدن در هشتاد و صد و سی و پنج و یکصد و نود کیلومتری واقع بودند بنابراین روسها هر روزی بیست کیلومتر قطع مسافت میکردند. راه آهن از سمت راست از تیه لین بخاربین بواسطه خطوط (کوئانغ چیت – یویانک – ستیاتو) امتداد داشت و از سمت چپ بواسطه یکراه دیگری که به (بدون) هدایت میکرد بجنوب غربی خاربین اتصال میداد.

در ۲۴ ماه قرارگاه عمومی اردوی اول در (کوئان – چن تزه) و قرارگاه عمومی کل هم در (غونو – تیه لین) مستقر شده بود که در آنجا یک ایستگاه وسیع راه آهن محتوی ذخایر و لوازمات جبهه و مریضخانه ها و غیره جمع گشته بود ژاپونیها پشت سر هر فتح و فیروزی برای تحصیل یک نصرت جدیده تدارکات کافیه عسکریه دیده و حتی در جزئیات آنهم مداقه میکردند. مارشال اویاما برای آنکه محتاج باستراحت و ترمیم تلفات وارده قوای خویش بود بنابرین نمیخواست قبل از ورود قوه امدادیه که مخصوص به تشکیلات جدیده است

متعرض

متعرض خصم بشود بنابرین اردوهای روس با کمال آزادی بساحل شمال رود (سونغاری) خود شانرا عقب کشیدند. عبور قوای حربیه از آنطرف رود بزرگ در اینموقعیکه یخ آب رودخانه ها شکسته بود از بزرگترین محذورات و اشکالاتی بود بجهت آنکه علاوه از بحرکت ساختن اردوها باعث تلفات و ضایعات عمده بواسطه طغیان آب می شد.

آب شدن یخ بندهای رود سونغاری در اینموقع عملیات جدیده جنگی کمال اهمیت را داشت زیرا که عرض رود مزبور جلو (ژیرین) ششصد متر و جلو (دالاژائو) هزار و ششصد متر در واقع رودخانه مذکور در حکم یک رشته وسیعه دریا بود بعبارة اخری بوسفور قصای شرق محسوب میشد تاریخ یاد ندارد که در محاربات جاریه عالم یکبار دوئی از یک چنین رودی گذشته باشد برای آنکه باید در جلو نظر خویش هزاران صدمات و مخاطرا گرفته با یک فداکاری فوق العاده اقدام باین امر خطیر نماید (فقط عبور فرقه چهاردهم قشون روس در ۲۶ ماه ژوئن ۱۸۷۷ از رود دانوب یکی از وقایع فنون جنگی و علم نظامی است که اهلیت و لیاقت کامله ژنرال دراغومیروف را بعالمیان ثابت نمود) قوای امدادیه اتصالاً بخاربین وارد میشد و مخصوصاً ورود اردوی چهارم که سی هزار نفر بود باعث تقویت قشون روس گردیده و جبهه اردوهای روس از (ژیرین) تا (بودونه) دویست و پنجاه کیلومتر وسعت را تشکیل داده بود. دولت روس که بتعقیب مسلک خویش را در تجهیزات جدیده میکرد متوالیا استعداد حربی و قشون و سایر مهمات جنگی با قصای شرق اعزام مینمود چنانچه ژنرال لینویچ بعد از محاربات موکدن که فرماندهی کل را بعهده خویش گرفت مشاهده نمود که بدواً بریکاد سوم و چهارم دستجات تکارچی اروپای روسی و بعدها هم اردوی چهارم که از (منیسک) وارد شد و جمعاً چهل و هشت باتالیون با صد و چهل و شش توپ ضمیمه قوای ژنرال مشارالیه شده بود. در ماه آوریل بار شش باطری توپ کوهستانی و هیجده میترالیوز با شش دویزیون سواره وارد گردید

بنابر



حرکت سفاین بالتیک بسمت چوشیما

بنابرین قوای دولت روس مرکب از (۲۲۵) اسکادرون سوار (۴۲۰) باتالیون پیاده و (۲۰۰) باطری توپخانه که دارای هزار و پانصد توپ مختلف باشد بوده و هرگاه این قوهٔ حربیه از حیث تشکیلات نظامی کامل بود دولت روس باستثنای فرقهٔ هشتم ساخلوی ولادوستوک و مستحفظین خطوط آهن دارای ششصد هزار نفر نفوس بود که پانصد هزار نفر آن جنگجو و محارب بودند و این قوه در اینموقع زیادتر از قوای ژاپونی بود که در خطوط جنگ مهیا میکرد.

فرماندهی کل قوای روس هم با جدیت تمام مشغول ترتیب و تنظیم اردوها گشته و ژنرال کارکویچ را بریاست ارکان حرب خویش معین نمود مشارالیه از بدایت جنگ جزو صاحبمنصبان آتاماژوری کل بود در ۲۹ سپتامبر ۱۸۵۶ متولد در هفده سالگی داخل مدرسهٔ توپخانه میشل شده و از آنجا با منصب (لیوتنان) خارج و در محاربات ۱۸۸۶-۷۷ در جنگهای بالکان شراکت کرده بعد بمدرسهٔ آتاماژوری وارد و کاپیتن شده و از نتایج امتحانات خوبی که داد با هیئت نظامی مأمور تشکیل اردوهای بلغار گردید و بعد به آتاماژوری کردار مه نهم و در ۱۸۸۶ به منصب لیوتنان کلنلی و بتدریج مناصب کلنل و ماژور ژنرالی را طی کرده در میدانهای جنگ مانچوری بمعاونت آتاماژوری کل منصوب گردید ژاپونی‌ها پس از فتح موکدن تصور میکردند که روسها را خسته کرده دیگر حالت محاربه نخواهند داشت از تجهیزات جدیده و اکمال نواقص حربیه ایشان متحیر مانده با کمال فعالیت آنها هم به تنظیم و ترتیب قوای خویش و مرکزیت دادن اردوها مشغول شده مترجمین و مخبرین و اشخاصیکه تهیهٔ ملزومات میکردند از مرکز قرارگاه خود بیرون کرده و با یک دقت و مراقبت تمامی اجنبی‌ها را تفتیش و تفحص میکردند حتی بعضی از اهالی چین را بخیال اینکه جاسوسی و سهامی کنند گرفته حبس نمودند.

در مریضخانه‌های (خارمین. لیائویانگ. نوچوانک) مجروحین زیاد موجود بود و اطبا و مأمورین

حفظ الصحه: دو اردوی روس و ژاپون قبل از آنکه داخل محاربات جدیده بشوند در ضمن تشکیلات و ترتیبات ابتدائی و معالجه زخمی ها پرداخته و زخمهای مجروحین را بدقت وارسی میکردند و بموجب راپورت جراحین و پرستاران زخمی های دو اردوی متحارب علی رغم تکمیلیت توپخانه در سرعت سیر زخمی های شراپنل و خمپاره ها هشت در صد و مجروحین اسلحه سفید هم هفت در صد بوده بخلاف آن زخمی های گلوله تفنگ ۸۵ در صد بود ولی زخمهای گلوله های توپخانه و شراپنل و خمپاره مهلک تر از گلوله های تفنگ بود چنانچه از غالب زخمی های تفنگ گذشته از آنکه در میدان حرب با وجود مجروح شدن چند ساعتی مشغول جنگ بوده و در مریضخانه ها معالجه شده اند مگر آنهائیکه از جاهای خطرناک زخم برداشته بودند ولی بعکس جراحتهای شراپنل و خمپاره های طرفین بندرت التیام پذیر بود.

چنانچه دوکتور و درین رئیس جراحین اردوی مانچوری در راپورت ۳۱ ماه مه ۱۹۰۴ در این باب مینویسد که در جنگ (تورچن) از عده مجروحین گلوله تفنگ ۳۲ در صد بزودی معالجه شده مجدداً بمحاربات شراکت نمودند ولی شراپنل ها تلفات زیاد بصفوف قشون در جنگهای لیائوبانگ و موکدن داد و این شراپنل ها پس از اشتعال وقتی که بیک عضو سرباز میخورد زخم را متعفن کرده و تمام گوشت و جای جراحت را بعفنی میرساند که مریض بسختی معالجه میشد و اغلب بواسطه زخم مزبور در ضمن مداوا تلف میشدند.

زخمی های روسی از حیله های جنگی دشمن با یکدیگر گفتگو کرده و اظهار میداشتند که ژاپونیها با این تدابیر کار خود شانرا پیش میبردند با نیمغی در تحت بیرق (صلیب ژنو) که برای پذیرائی مجروحین هر دو طرف مخصوص بود خندقهای پر از باروت درست کرده و بمجرد تقرب دسته جات خصم یکدفعه آتش زده چندین صفوف روس ها را بخاک هلاکت می نشاندند.

روس ها نسبت بژاپونی ها آنقدر خصومت و عداوتیکه ژاپونی ها با آنها داشتند ابراز نمیکردند.

مأمورین دولت نیپون در ممالک مفتوحه با کمال شدت رفتار کرده هیچگونه مداخله بسایرین نمیدادند چنانچه در آغاز محاربات که کوره و سئول را اشغال نمودند در تمام دوایر و ادارات حکومتی. از کشوری. مالیاتی و نظامی و گرداندن امور مملکت مذکوره اهالی کوره را خارج کرده ژاپونی ها را مستخدم میداشتند و اداره مالیات یک بانک ژاپونی تأسیس کرده بلیت های کاغذی ده و بیست و پنجاه ینی رواج داد.

راه آهن های کوره را که امتیاز آن بشراکت های خارجه بود آنا مأموری ژاپون تماماً ضبط نموده بعد از موفقیات موکدن زمام امور تمام نقاط مملکت مانچوری و کوره و پرت آرتور و سواحل آنرا بدست گرفته خطوط تلگراف و پست و مالیات و گمرکات را عموماً ضبط کرده و بعهده مأمورین ژاپونی واگذار نمود و باستثنای نقاطیکه در تحت تصرف اردوهای روس بود در سائر نواحی اقصای شرق دولت امپراطوری میکادو مسلط و نافذ و با یک تعقید و مواظبت تمامی رشته امور را اداره مینمود قسمتی که از مانچوری در تحت تصرف قوای روس از نیمه ماه مارس سال مزبور بود از مغرب با مغولستان و ماورای بایکال و از شرق با ولایت بحری و منتهای شمال شرقی کوره محدود و یک مسافت چهار صد کیلومتر را داشت.

باندازه که روس ها بسمت شمال حرکت میکردند تمام معابر و پل ها را خراب کرده و باستثنای سدها و پل هائیکه قابل حمل و نقل بود ما بقی را آتش میزدند یا بکلی منهدم می ساختند.

ژنرال لینویچ چند روزی بتمام افراد قشون ایام راحتی و استراحت داد. تا آنکه رفع خستگی کامل از زحمات و صدمات محاربات متوالیه نموده خود شانرا حاضر بجنگهای آتیه نمایند و در این ضمن هم خودش بتفتیش و وارسی قوای جدیده که از روسیه وارد میشدند کرده با کمال نواقص تجهیزات قوای خویش میپرداخت. مصادف این ایام مقدمة الجیش اردوهای ژاپون به (شانک توفو)

که ۱۳۵ کیلومتری شمال موکدن بود رسیدند. فقط ژنرال اوکو در خود موکدن با اردوی دوم برای اصلاح مزارع وتعمیر خطوط آهن وشوارع وپلها مخصوصاً پلهای (هون هو) مشغول ومأمور گردید ۲۵ مارس لینویچ سواره از جلو دستجات که مشغول ساختن استحکامات خطوط جلوی گذشته و تفتیش عملیات آنها میکرد جلو یک فوجی که در محاربات موکدن کمال رشادت را بخرج داده وراهی از میان خطوط خصم باز کرده بود ایستاده از اقدامات شجاعانهٔ ایشان تعریف وتبریک کرده بآنها وعدهٔ مکافات خدمات آتیهٔ ایشان را داد سربازها عموماً (هورا) کشیده واحترامات صمیمانه نسبت بژنرال خویش نمودند.

ژنرال باتیانوف بجای ژنرال کولبار در رأس اردوی سوم بکماندانی اردوی مزبور منصوب گردید مشارٌالیه در مدت تحصیلات نظامیش ابراز کمال لیاقت واستعداد را نموده در ۱۸۵۲ بصاحب منصبی جزو پیاده نظام منصوب ودر تمام لشکرکشی های دولت روس دخالت داشته بتدریج بکلنلی رسید وسپس تمام در رأس یکفوج مأمور ترکستان قرار گرفته ودر ۱۸۷۳ بواسطهٔ خدمات خویش نایل نشان سن ژرژ ودر ۱۸۷۷ رتبهٔ ژنرالی ودر ۱۸۹۳ فرماندهٔ کل اردوی ونیترا ودر ۱۸۹۷ بفرماندهی اردوی شانزدهم معین شد. نصب ژنرال باتیانوف بفرماندهی اردوی سوم باعث برقراری ژنرال کولبار بکماندانی اردوی دوم مستقلاً گردید زیرا که مشارالیه بواسطهٔ غیبت ژنرال (گریپنبرغ) وکالتاً فرماندهی اردوی دوم را متقبل بود.

در اوایل آوریل در مواضع دستجات روسی هیچگونه تغییر وتبدیلی اتفاق نیفتاد. قشون روس مشغول ساختن سنگرها در اطراف خارپین بودند. راپورتهای وارده هم جز از مصادمات متفرقهٔ دستجات ساخلوها وگزمه ها وزد وخوردهای سوارهای طرفین در موقع تفتیش واکتشاف حوادث مهمه را مشعر نبود. — اخبار وارده توکیو خبر میدهد که ژاپونیها قطعات قشون روس را که

(های شنک - کان) را اشغال کرده بودند طرد وبیرون کردند. این موقع در چهل کیلومتری شمال (کای یوئن) در خط متصرفی روسها بود که پیش قراولانش پانزده روز قبل اشغال کرده بودند وبموجب یک تلگراف دیگری پنجهزار نفر از مأمورین حفظ الصحهٔ روسی که در محاربات موکدن بدست ژاپونیها اسیر افتاده بودند بتوسط مارشال اویاما باردوی دولت روس فرستاده شد وبمسئلهٔ تصدیق راپورتهای مخبرین خارجه را مینمودند که در میان محبوسین واسرای ژاپون عدهٔ زیادی از اشخاص غیر محارب موجود است اردوی اوکو تاکنون موکدن را ترک نکرده بود زیرا که وظایف تعمیر واصلاح طرق وشوارع هنوز تمام نشده بود. روسها در موقع عقب نشستن نه تنها خرابی های جزئی وارد آوردند بلکه برای گرفتاری ومشغولیت کاملهٔ خصم در عرض راه بتمامی پلها وخطوط آهن را تخریب کرده بودند که درست کردن آنها که نداشته از لوازم واسبابهای کامله متوقف بیک مدت مدیده بود. در سیم آوریل یکدسته از قزاقهای میشچنکو در ناحیه (چان تفو) بیک قسمت اردوی دشمن که مرکب از پیاده وسواره نظام وعدهٔ از کونغوزهائی (ترین تزیافو) را اشغال کرده بودند برخورده وپس از یک مصادمهٔ سختی مجبور بعقب نشستن شدند وبموجب اخبار سوارهای مزبور پیش قراولان ژاپونی در ارتفاع (ترزن - لوشو) تا بیست وپنج کیلومتری شرق راه آهن منبسط شده اند. ولی قوای عمدهٔ اویاما در نواحی (تیه لینغ - موکدن) قرار گرفته ودر صورتیکه اردوهای لینویچ خطوط (غو دزیادان - کیرین) را اشغال کرده بودند وبنابر این فاصلهٔ دو اردوی متخاصم از یکدیگر قریب صد کیلومتر بود.

ژنرال لینویچ با یک خشونت تمامی یک دیسیپلین (یعنی نظام) سخت وشدیدی مابین تمام افراد قشون از صاحب منصب وسرباز گرفته برقرار نموده بود.

ژاپونیها آهسته آهسته بسمت (کیرین) جلو میآمدند ودر اثنای مصادمات مختصرهٔ دهات (نیاکوکائی - شویوکوئون) را در چهل کیلومتری شمال (کای یوئن) اشغال کردند وخود کیرین بواسطهٔ پنجاه هزار

قشون روس مدافعه و محافظه می شد.

ژنرال لینویچ و کوروپاتکین تمام اردوها را سان دیده تلگرافات ذیل را بتزار روس مخابره نمودند
(بریگاد چهارم تیرانداز را سان دیدم و خوش‌بخت هستم از اینکه اعلیحضرت امپراطور از لیاقت و قابلیت
و رشادت افراد قشون مدافع روس متشکر دارم. در قلب تمام قشون جز آرزوی فتح و فیروزی و خدمت
وطن و ارتقای شرافت تاج و تخت امپراطوری چیز دیگری نیست. کلیه قشون تا آخرین قطره خون
خودشان حاضر خدمت و تحصیل شاهد نصرت و موفقیت بوده و هستند)
امپراطور جواباً تلگراف نمود (از حسن خدمات و قابلیت بریگاد چهارم خیلی لینویچ خوش‌بخت بوده
و یقین دارم رشادت و حسیات صمیمانه ایشان نسبت بخدمت امپراطور و مملکت روسیه ایشان را موفق
برام خواهد نمود سلام خالصانه مرا بایشان تبلیغ دارید با کمال نگرانی منتظر خدمات وطن‌پرورانه ایشان هستم.. نیکلا)
کوروپاتکین هم اینطور تلگراف نمود (افواج یازدهم و دوازدهم سیبری مشغول اجرای جشن مرسومی
خویش بوده و در ضمن شادمانی دعای بقای عزت و صحت و سعادت اعلیحضرت امپراطور و امپراطریس
و ملکه مادر امپراطور و ولیعهد سلطنت و رئیس فوج خویش بوده ابراز منتهای حسیات صمیمانه در فداکاری
وطن و خدمت تاج و تخت امپراطور نمودند. آنها با سر و جان حاضر جبران مافات و تحصیل فتوحات
هستند و تمام صاحبمنصبان اردوی سوم سیبری پس از انجام مراسم مذهبی از من تقاضا کرده اند که با
اعلیحضرت امپراطوری اطمینان کامل بدهم که این دفعه خصم را بکلی مقهور و منکوب خواهند کرد تزار
روس جواباً اظهار داشت (از حسیات وطن‌پرورانه افواج یازدهم و دوازدهم (کوروپاتکین)
و اردوی سوم سیبری خیلی ممنونم و امیدوارم که از این تاریخ بواسطه خدمات فداکارانه خویش شاهد
فتح و ظفر را در آغوش گرفته تمام اهالی روسیه را رهین منت خویش سازند حسیات صمیمانه قلبی مرا بایشان
تبلیغ دارید) اردوی دوم در فرماندهی کل در باب مواظبت تامه عملیات دشمن و مراقبت

کامله کلیه دستجات و قوای حربیه روس صادر گردیده از اینرو اردوهای روس لوازم دفاع
را تهیه دیده خود را حاضر محاربات شدیده نمودند در این ضمن قوای ژاپونی برای آغاز مخاصمات
نزدیکتر میشدند و یک مصادمه هم با پیش‌قراولان ژاپون در موقع حمله جناح چپ اتفاق افتاد
که ژنرال لینویچ تفصیل آنرا به تزار روس باین قسم راپورت داد (یکی از فرقه های ما در چهارم
آوریل نزدیک شین شیاتون بدشمن برخورده و دوازده روز تمام مشغول محاربه بودند. آتش
توپخانه و پیاده نظام ما بخصم تلفات مهمه وارد آورد در این جنگ کاپیتن (ماسالسکی) و چهار نفر از
صاحبمنصبان قزاق مقتول گردید. پنجم آوریل پیش‌قراولان ما بعد از یک جنگ مختصر ژاپونی ها را
با (تای پن لین) عقب نشاندند و همانروز پیاده نظام ما قصبه (کویوشن) را اشغال کردند و دشمن
هم قصبه (مانشان شن تزه) را متصرف شد. متعاقب این چند مصادمات دیگری در ۲۲ و ۲۵ آوریل
در نواحی (کای یوئن) اتفاق افتاده و در سایه یک باران شدیدی روسها بمواضع ژاپونیها نزدیک
شده ژاپونیها از این حمله ناگهانی مجبور بعقب نشستن بسمت (وه یوهن - پومن) شدند.
سوارهای میچنکو هم چندین بار بدستجات متفرقه ژاپونی حمله برده دچار صدمات کردند.
۲۳ ماه دویست قزاق روسی در تحت فرمان کلنل (کوندراتویچ) پست تلگرافی ژاپونی را ما بین
(چان تان فو) و (کای یوئن) را خراب کرد.
۲۵ ماه یکدسته قشون روس ژاپونی‌ها را از (تونغ کو ئامسین) بیرون کرده در آنجا قرار گرفتند
شهر مزبور در دویست کیلومتری شرق موکدن روی رود (تونگ کیا کیانغ) واقع و محلش برای
مواظبت عملیات دشمن در سمت ولادوستوک خیلی مناسب بود.
اردوهای (نوزی) و (نوزو) در پایتگاه (شاناتافو) قرار گرفته در صورتیکه قوای (کوروکی) و
(اوکو) ما بین موکدن و تیه لین متوقف بودند. اما مأمورین های دول اجنبیه که در موقع عقب نشستن

قشون روس از موکدن از اردوگاه عمومی مفارقت کرده بودند مجدداً بنزد لینویچ حاضر گشتند.
روسها مواضع خودشان را با سنگرها و توپخانه مستور ساخته بودند. ژاپونی ها اوقات خودشان را مصروف
بتعمیر خط آهن برای حمل و نقل آذوقه کرده پل (هونهو) را که بامر کوروپاتکین خراب شده بود درست کردند
در ۲۳ ماه مزبور مشغول حرکت شده و یک خط دیگری تا (لیائوهو) ساخته شد ژاپونیها مقدار خیلی آذوقه
و مهمات جنگی از هر قبیل بواسطه قایق و لتکه های چینی از (نوچوانگ) به تیه لین وارد گردید.

حالیه پیش قراولان اردوی اول و دوم ژنرال کوروکی و اوکو بیکدیگر نزدیک شده و اردوهای سوم
و چهارم نوزو و نوژی هم مابین موکدن و تیه لین برای اکمال تجهیزات خویش قرار گرفته بودند
یک اردوی پنجمی بواسطه فرقه یازدهم ژنرال (تسوتسیا) و بریگادهای اول و ششم و نهم قشون احتیاط
تشکیل یافته و فرماندهی آن بژنرال (کاوامورا) ژاپونی واگذار شده و اردوی مزبور در وادی علیای
(هونهو) توقف کرده بود. مارشال اویاما در ماه آوریل یک قوه هشتاد هزار نفر قشون جدید کمک
دریافت کرد. علت احراز موفقیت ژاپونیان رساندن قوای لازمه فوری برای ازدیاد قشون و تهیه
تدارکات حربیه در اندک مدت و تجهیز مهمات و تحشید قشون در هر نقطه از دار الحرب بود.

عملیات اردوهای ژاپونی در اواخر آوریل و در اوایل ماه مه ثابت میکرد که عنقریب شروع بحرکات
تجاوزکارانه خواهند نمود. قشون ژاپونی در جلو قشون روس بخود مرکزیت داده اردوی چهارم
نوژی در سمت چپ و دوم و سوم اوکو و نوزو در مرکز و پنجم بال کاوامورا در راست قرار گرفته بود
اردوی دوم روس جناح راست لینویچ را تشکیل داده مابین راه آهن و لیائوهو متوقف و راهرا
برای اردوی چهارم و دوم ژاپونی مسدود کرده بود و در مشرق راه آهن اردوی سوم روس
مقابل اردوی سوم ژاپون قرار گرفته و اردوی اول هم مواظبت خطوط (غیرین) و موکدن بود
خطوط دفاعیه لینویچ اگرچه خیلی محکم بود ولی انجام وظیفه مدافعه چندان سهل و آسان بنظر نمیآمد.

زیرا

زیراکه بایستی از راه آهنی که خارچین به (غیرین) و تا ولادوستوک مربوط و متصل میکرد مدافعه نماید و
نگذارد که ژاپونی ها خط مزبور را قطع نمایند چنانچه یکسال قبل در پرت آرتور قطع کردند. ژاپونی ها
از سه ماه باینطرف مشغول جمع آوری قشون جدید و تهیه لوازمات و ذخیره جنگی در (سونگ چین)
در شمال (هام هونگ) مملکت کوره در تحت حمایت جهازات جنگی خویش بودند و در این نواحی ژنرال
(هازه غاوا) مشغول تحشیدات بود و بی شک این تدارکات بجهة حملات ولادوستوک مجری میشد.
قوای طرفین تقریباً مانند محاربات بزرگ لیائویانگ و موکدن مقابل همدیگر اتخاذ وضعیت نموده
بودند و تصادم قطعی اردوهای متخاصم قریب الوقوع در دشت چهار گوشه وسیعیکه در چهار سمت آن
راههای آهن ساخته شده بود بنظر میآمد. ژنرال میچنکو با دستجات سوار خویش بجناح چپ خصم در
(لیائوهو) گاه بگاهی متعرض میشد. ژنرال لینویچ در راپورت خویش میگوید که در تاریخ ۲۶ سوار نظامی
میچنکو که مرکب از یک قسمت بریگاد قفقازیه و قزاق ماورای بایکال بوده (سنلون - شونان) نزدیک
شده ژاپونیها را بسمت جنوب عقب نشاندند.

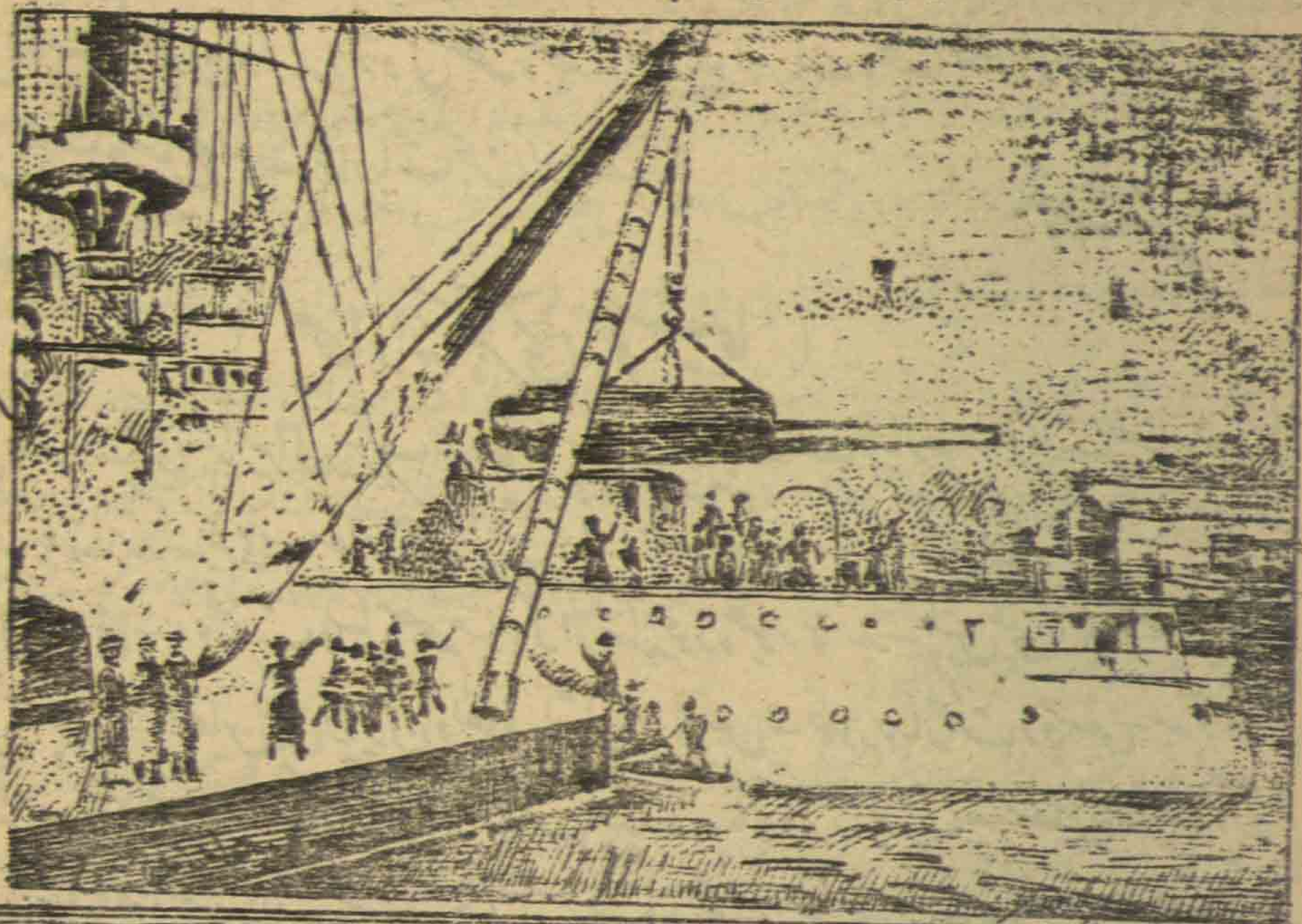
۱۸ مه الکادروهای پیش قراول راه (فاکومن) وارد و یک مخزن آذوقه ژاپونیها را ضبط و خط تلگراف را
یک مسافت زیادی خراب کرده و دستجات متعدده قشون ژاپونی را در این حوالی متفرق و پریشان ساختند.
۱۹ مه یک فرقه قشون روس وارد راه فاکومن و شغار و سته شده یک قطعه از قشون کارد ژاپونی را
که با توپ ردوتوری مسلح بودند حمله کرده یک گروهان را مقتول و یک گروهان دیگر را اسیر کردند.

علاوه از این مصادمات جزئی که مابین دستجات متفرقه طرفین اتفاق میافتاد هر روزی در نقاط مختلفه
اطراف و جوانب اردوهای متخاصمین زد و خوردها و محاربات جزئیه مابین فرق و دستجات کشافیه
یا پیش قراولان و یا میانه متحفظین و مدافعین بارهٔ نقاط حول و حوش بوقوع میپیوست که گاهی روسها
و گاهی ژاپونی ها فایق میشدند و اینهمه بسته بر کثرت عده و مساعدت موقع با وضعیت طرفین نسبت

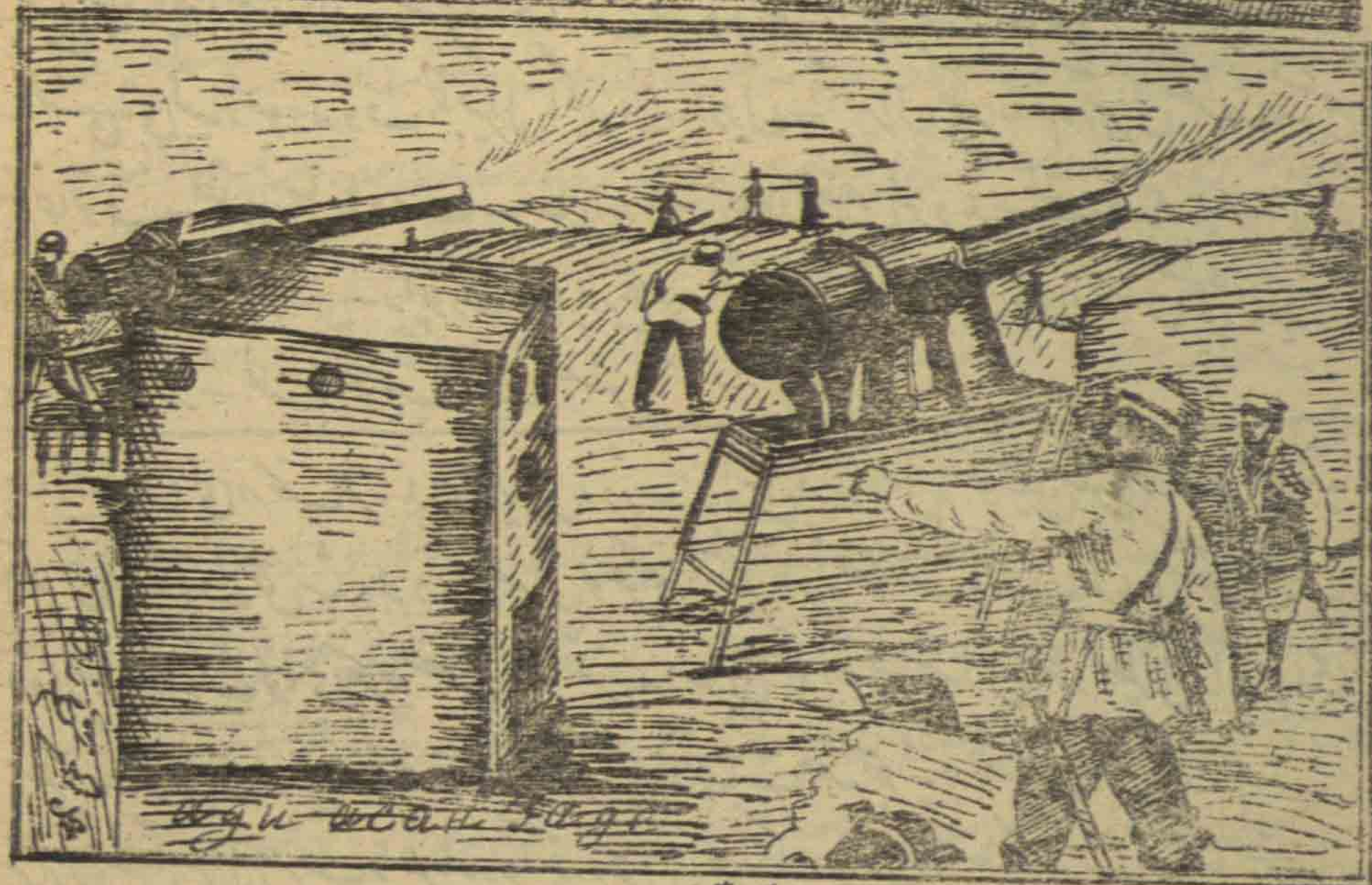
بیکدیگر

بیکدیگر بود و چندان اثر و اهمیتی در محاربات عمومیه نداشت و هردو اردوی روس و ژاپون بتحصیل تجهیزات
و لشکر بندی اکرده و هنوز داخل عملیات کلیهٔ حربیه نشده بودند. قوای روس پس از شنیدن خبر
موفقیت ژنرال روژستونسکی در بحرپیمائی طویل خویش و ورود سفاین و جهازات روس پس
از طی مسافات بعیده مابین بالتیک و اقصای شرق بدریای چین بر فتوحات آتیه خود با طمینان و پشت
گرمی قوای بحریهٔ روس مستظهر شده یک امیدواری و فرح فوق التصوری در مابین تمام قشون روس
حاصل و این مسئله را فال نیک بر موفقیات و فتوحات خویش میدانستند و با کمال اشتیاق منتظر نزدیک
شدن سفاین جنگی بوده و بخودشان نوید و امید میدادند که در سایهٔ جهازات بالتیک روابط اردوهای
مارشال اویاما با ژاپون مقطوع شده و قوای روس از اینرو به مغلوب و مقهور ساختن خصم موفق خواهند شد
قوای مارشال اویاما هم از استماع حوادث تقرب سفاین بالتیک بمیدان کارزار اقصای شرق و محاربات
بحری ایشان با جهازات امیرال توغو تا یک اندازه مضطرب و نگران بودند زیرا که سرنوشت آتیهٔ
جنگهای مانچوری را این محاربات بحری معین میکرد و مسلماً غلبهٔ قوای دریائی روس بر ژاپون اوضاع
جنگ را بکلی بعلیه دولت امپراطوری نیپون که مدت مدیدی با فداکاری های متعدد نائل فتوحات
درخشانی شده بودند تغییر و تبدیل میداد.

خبر ورود سفاین بالتیک عملیات حربیهٔ دو قوای متخاصمهٔ روس و ژاپون را که از چندی باینطرف
در جلو خاربین مشغول تجهیزات مهمه و تنسیقات لازمه کافیه بوده و خویشتن را حاضر محاربات عمده
آتیه میکردند تا یک اندازه معطل و معوق ساخت زیرا که یک قوهٔ عالمهٔ بزرگی داخل صفحهٔ شطرنج محاربات
اقصای شرق شده بود که مقدرات آیندهٔ هردو دولت وابسته و مربوط بجنگهای بزرگ دریائی بود
بنابراین یک تشویش معنوی در اردوهای طرفین بواسطهٔ رسیدن جهازات جنگی روس بدریای چین
حاصل شده دربارهای توکیو و پطرزبورغ با یک بی صبری تمام نگران نتایج مصادمات دو قوهٔ



ترتیب وضع توپهای بزرگ بروی جهازات



بحریهٔ روس و ژاپون بودند. دول معظمه متمدنه اروپا و آمریک و کلیه افکار عمومی عالم متوجه اقصای شرق و منتظر نتایج قطعیهٔ محاربات بحری بودند.

باب هشتم

(محاربهٔ بحری چوشیما)

جهازات جنگی — آمیرال بیرلف در ولادوستوک — جهازات چهارم — حرکات بطیئانه سفاین — محاربات بزرگ بحری — سفاین جنگی طرفین در مواجههٔ یکدیگر — نقشهٔ آمیرال توغو — متانت و شجاعت آمیرال ژاپونی — روژست ونسکی مصمم میشود که از تنگهٔ قوره عبور نماید — پیش بینی های توغو — عملیات بحری ژاپون — سفاین جنگی ژاپون و تفوق ایشان بر روس — ظهور جهازات روس — مه و دود غلیظ — شروع جنگ بحری — شلیک مکمل از مسافت بعیده — مانور ژاپونی ها — سفاین غرق شدهٔ روس — شرح حکایت صاحبمنصبان روس — جهازات بورودینو — امپراطور الکساندر سوم. کامچاتکا و غیره — کشتی های کنیاز سوواروف. آمیرال ماکیموف. اورل — آمیرال فلکرسام و آمیرال انکیست — تسلیم نبوغاتوف — حملهٔ توربیل ها در شب — سفاین روس کاملا منقرض گردید — نتیجه روز ۲۸ مه و اسارت آمیرال کل سفاین روس — راپورت پطرزبورغ — راپورت توغو — کشتی های روس ملتجی و ولادوستوک و مانیل میشوند — علت مغلوبیت قطعیهٔ روس

جهازات روسی در تحت فرماندهی آمیرال روژست ونسکی در سواحل (کوشین شین) با سفاین حربیه آمیرال نبوغاتوف ملحق شده بودند آمیرال توغو هم در تنگهٔ قوره متوقف و مدت مدیدی مشغول تفتیش دوارسی خط حرکت قوای بحریهٔ خصم بود. تقرب سفاین جنگی طرفین مسائل مشکلهٔ بیطرفی را که چندی مطرح مذاکره بود مرتفع ساخت همه منتظر وقوع محاربات مهمه بحریه در اقصای شرق بودند.

تزار روس آمیرال بیریف را فرمانده آتیه و قوای بحریه که دولت روس تجهیز میداد و بالستی در

ولادوستوک با بنام مرکزیت بدهد معین نمود و ارادهٔ امپراطور در تشکیل دستهٔ چهارم جهازات جنگی را در بندر لیباو صادر کرده و کشتی های مزبور مصمم حرکت شده بودند دستهٔ چهارم بحری هم از قروادو (اسلاوا) دارای حجم ۱۳۶۰۰ و بسرعت ۱۸ میل در هر ساعت و قروازور کورنیلوف که در ۱۸۸۷ ساخته شده بود با سفاین حربیهٔ الکساندر دوم زره پوش پوسیات آزاد و یک عدهٔ مهمه توربیل و مخرب توربیل مرکب بود. آمیرال بیریف از جملهٔ امرای بحری بود که با مزایای علم و خبرت و تجربه آراسته تمام متخصصین قوای بحریهٔ دول معظمه تصدیق کفایت و مهارت و قابلیت مشارالیه را مینمودند و بنابرین آمیرال روژست ونسکی خیلی میل داشت که فرماندهی جهازات سوم بعهدهٔ وی تفویض گشته در آبها و سواحل هند و چین با و ملحق شود.

گرچه مزاج و بنیهٔ آمیرال روژست ونسکی آنقدر خوب نبود ولی باز علت مزاج و ضعف بنیه اش نه چندان بود که مشارالیه را از انجام وظایف مهمه اش که تا ولادوستوک با و رجوع و واگذار شده بود باز دارد. در غالب محافل رسمیهٔ اروپا عموما و در فرانسه خصوصا اقدامات و عملیات روژست ونسکی را از سوق حرکت سفاین جنگی در یک مسافت بحری شانزده هزار کیلومتری و رساندن عدهٔ معتنابه جهازات جنگی را باقصای شرق تقدیر و تمجید نموده و اذعان و تصدیق مهارت و قابلیت وی را میکردند که بدون آسیب و صدمه و ضرری و لو آنکه جزئی باشد افراد و نظامیان بحری و سفاین جنگی را از دریای بالتیک تا اقصای شرق برده و از دریای چین سر در آورد

الحاق دستجات کشتی های نبوغاتوف یک قوهٔ مهمه برای روژست ونسکی بود که وی را باجرای عملیات و تمایلات آتیهٔ بحری مساعدت و موافقت میکرد اگرچه خصم مالک تفوق عددی از حیث قروازورهای سریع بود ولی این مسئله آنقدر ایراث خلل و صدمه بقوای روژست ونسکی وارد نمیآورد مسئله که جالب توجه است عبور سفاین روس از فورموزا یا از عرض دریا بود در صورتیکه تحصیل

وغال سنگ یکدفعه دیگر برای جهازات مزبور بی اندازه لازم و ضروری شده و برای ورود



دریای ژاپون سه معبر قابل استفاده بود یکی از غرب بشرق: (تنگه قوره و نیپون) دیگری تنگه تسوغارو در حوالی (نیپون ویزو) سومی هم تنگه پروز در حوالی (یزو و ساخالین) بوذ.
طریق اول مستقیم تر و مناسب تر برای حرکت بنظر میآید که جزایر (چوشیما) هم در معبر آن واقع است. راه تزوغارو کمتر ولی تنگ تر بود و در معرض هدف توپخانه واقع میشد اما معبر پروز یک راه کج و معوجی را تشکیل میداد که مستلزم مصرف ذوغال سنگ زیادی بود.
محاربات عظیمه بحری که در آخر قرن هیجدهم و نوزدهم اتفاق افتاد نفوذ و تسلط انگلیس را بواسطه تخریب جهازات فرانسه در (ابوقیر) و (ترافالگار) مسلم ساخت. و جنگهای دریائی نادارین سال ۱۸۲۷ که قوه بحریه دولت عثمانی را محو و نابود کرد مانند محاربات چوشیما حائز اهمیت نبود.
در محاربات کریمه سفاین جنگی از یکطرف برای مساعدت حملات قوامی بری بنادر (بومارسوند) و سواستوپول را بمباردمان نمودند ولی مصادف سفاین روس نشدند. در ۱۸۵۹ هم در اثنای محاربات ایتالیا بحریه فرانسه در محاصره و نیز میخواست مداخله نماید که عهدنامه صلح امضا کردند گرچه در چین از سوریه و در کوشین شین و مکزیک هم جنگهای متعدده دریائی اتفاق افتاد ولی هیچکدام اینقدر جدی و معتنابه نبود. فقط در ۱۸۶۶ دو دسته جهازات جنگی اروپا در دریای آدریاتیک متقابل همدیگر جنگ کردند که سفاین اطریش در آن جنگ فتح نمایانی در حوالی (لیسان) ایتالیا نمود.
در ۱۸۷۰ که محاربه مابین فرانسه و آلمان اتفاق افتاد جهازات جنگی فرانسه که از حیث عده و تجهیزات آنوقت فایق تر و کاملتر از آلمان بود در دریای شمال مشغول عملیات حربی شده و قوای دریائی دربار برلن را در بنادر خویش محبوس ساخت ولی مغلوبیت اردوهای نظامی فرانسه در خشکی خاتمه بر مخاصمات داده جلوگیری از محاربات دریائی که تازه شروع شده بود نمود گرچه قوه بحریه روس در محاربات عثمانی سال ۱۸۷۷ نایل فتوحات در مقابل سفاین ضعیفه سلطان شد

ولی نه در دریا و نه در خشکی آنطوریکه مقتضی بود مصادمات شدیده بوقوع نه پیوست و هیچگونه عملیات بحری مهم و قابل توجهی در بوسفور و دریای مارمارا اتفاق نیفتاد.

بیست و یکسال بعد جهازات دولت اتازونی آمریک در کوبا توانست سفاین جنگی دولت اسپانیا را در (پورتوریکو) محبوس و بیحرکت ساخته و بعد هم مغروق کرد. و پس از آنهم فتوحات درخشان دیگری در جزایر فیلیپین بدست آورد ولی تاریخ عالم از محاربات دریائی ابوقیر و ترافالکار و لیسا بانیطرف مانند محاربات بحری اقصای شرق مهمترین جنگی ثبت و ضبط اوراق خویش ننموده است سابقا سفاین جنگی نزدیک هم دیگر مقابل ایستاده محاربه میکردند ولی حالا بالعکس آن تکمیل تجهیزات و توپهای بزرگ سفاین مانع است که این قبیل جنگ بشود بلکه قوای حربیه متخاصمین باید از دور تبدیل سفاین به کشتی های بخاری و اختراع توپهای دوررس بانیطرف مهندسین سفاین جنگی با یک کمربند آهنی محاط ساخته و ضخامت آنرا برای مقاومت توپخانهٔ قوهٔ دشمن و جلوگیری از حریق افزوده و بعد این کمربند آهنی را بزره فولادی تغییر داده اند.

از روز سقوط پرت آرتور سفاین ژاپونی در حالت سکون و آرامی مانده و هیچگونه عملیات جنگی نکرده فقط ولادوستوک را در تحت تفتیش و مراقبت خویش قرار داده بود با وجود این چندین کشتی کوچکی خود را بواسطهٔ تصادم بمین های دریائی از دست داده بود از آن جمله (یاشیما) در ۵ امه (آکاتسوکی) و کشتی توپکش (اوشیما) در ۱۷ همان ماه در شبه جزیرهٔ (لیائوتونک) غرق یافت. بعلاوه (هایاتوری) ۳ سپتامبر ۱۹۰۴ و توپکش (آتاغو) در ششم نوامبر بمین برخوردند. تاکاساکو در ۱۲ دسامبر خراب گردید و برای دانستن علت وقوع این قضاهای بحری اینرا هم متذکر میشویم که روسها متجاوز (۲۵۰۰) مین ثابت و متحرکی در اطراف دالنی و پرت آرتور وضع کرده بودند گرچه ژاپونیها عدهٔ زیاد آنهارا بر داشته بودند ولی باز مقدار زیاد غیر مکشوفی موجود بود که

برای سیر سفاین تولید مخاطرات میکرد.

در ورود سفاین روژستونسکی یک جنبشی بجهازات محبوسه و بیحرکت روس در ولادوستوک بواسطهٔ سرما داده و چهار کشتی توربیل آنها در چهارم مه تا حوالی (هوکاندو) حرکت کردند که بعض اطلاعات و معلومات قابل استفاده از وضعیت و قوای ژاپون برای تبلیغ آمیرال روژستونسکی بدست بیاورند و در جریان این سیر و حرکت یک کشتی بادبانی ژاپونی را گرفته در خلیج (سوتزو) آتش زدند و همینه اسباب تشویش در بار توکیو گردید ولی آمیرال توغو هیچوجه مضطرب نشده و نقشهٔ عملیات جنگی خود را فقط منحصر بسواحل ساخت تا آنکه هم حرکات جهازات ولادوستوک را از نظر دور نسازد و هم مراقب عملیات روژستونسکی شود.

در دهم مه بعد از التحاق نبوغاتوف روژستونسکی راه شمال را پیش گرفته و در بیستم دور فورموز را پیموده و ۲۴ ماه مقابل (شانغای) رسیده بسمت تنگهٔ قوره متوجه گردید. در پهنای دریا آمیرال روسی یک (استمر Steamer) کشتی کوچک بخار نوروژی را که حامل امتعه برای یک خانواده ژاپونی بود نگهداشت و بناخدای کشتی مزبور خبرداد که مقصد سفاین جنگی بسمت جوشیما است آمیرال روژستونسکی موفق نشد که اطلاعات لازمه از عملیات و حرکات آمیرال توغو بدست بیاورد و کماندان ژاپونی بقسمی در کتمان حقایق و اسرار ابراز مهارت مینمود که بهیچوجه ممکن نشد که محل توقف و نقشه جنگ و اندازهٔ قوای بحری سفاین ژاپونی و لو جزئی باشد مطلبی تحصیل نماید حتی تا آخرین نقطه که جنگ بحری در گرفت افکار عمومی ژاپونیان هم از عدم وقوف جریان اوضاع جهازات و سکوت محض آمیرال توغو به تشویش و اضطراب افتاده بودند

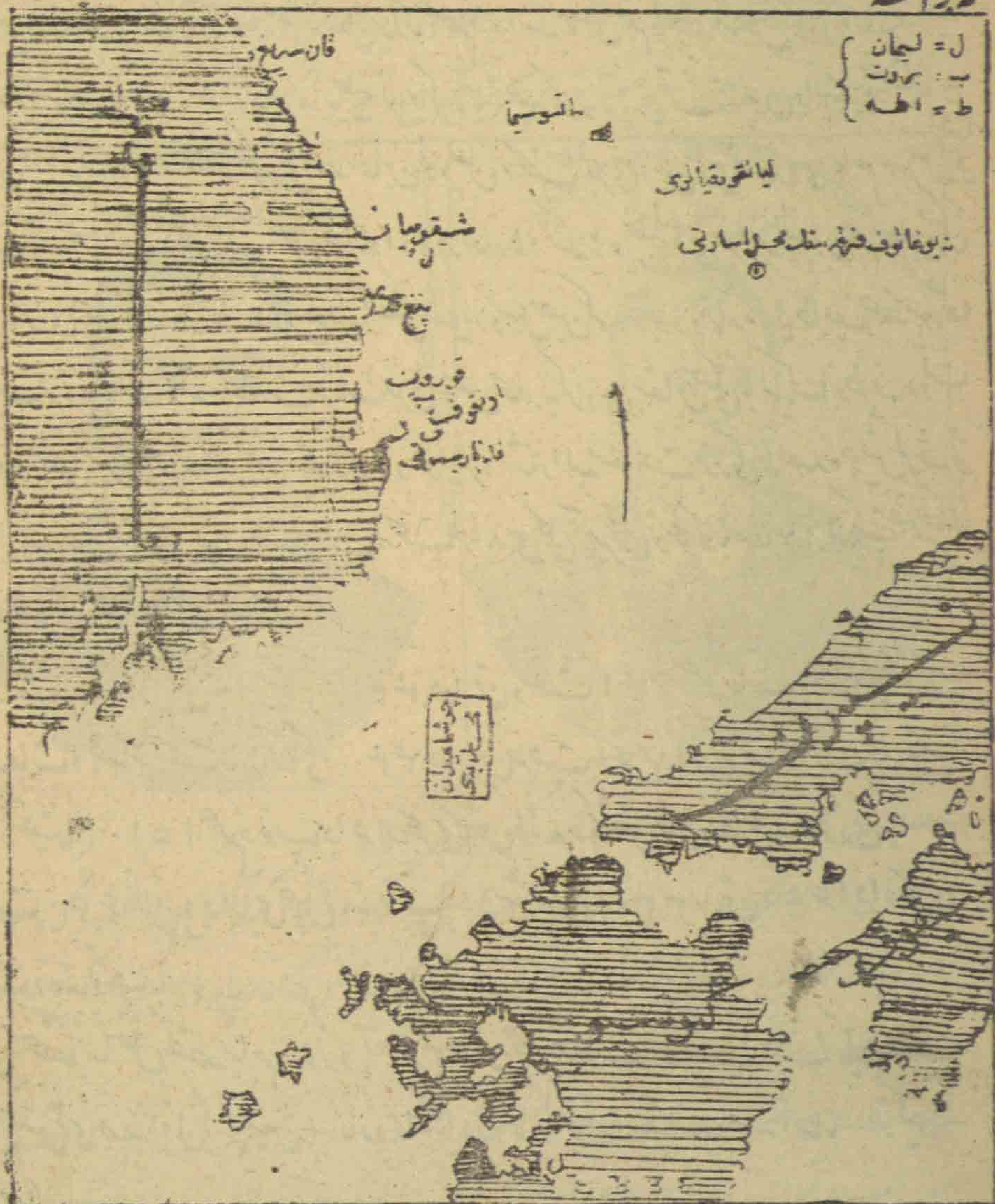
۲۵ مه شش قروواز ورنقلیه روسی داخل (یانگ - تزه) شده و شیوع اینخبر با وجودیکه در توکیو اسباب قال و قیل گردید بهیچوجه در شخص امیرال ژاپونی مؤثر نیفتاد و فقط همینه مزید اطلاع توغو

کشت که سفاین بالتیک در دریای چین هستند. روژستونسکی تکیه بر سواحل چین داده و تهیهٔ ذوغال
از جزیره (سادل) نموده در (دونک سونک) بعضی از سفاین خویشرا که زاید و بیمصرف بودند و که
بکار محاربات بحری نمیخوردند گذاشت و بدون افاتهٔ وقت بسمت کانال (جوشیما) حرکت نمود.
و از هنقرار معلوم شد که از طرق مختلفه که سابقاً مذکور افتاد کوتاه ترین ولی پرخطرترین راه را پیش
گرفته بسمت میدان جنگ عزیمت نمود. روژستونسکی ممکن بود برای رسیدن ولادوستوک)
از دور ژاپون پیموده و بواسطهٔ راه دور و درازی بمقصود عازم گردد ولی ذخیره ذوغال سنک مکفی
برای اجرای این خیال نبود. سفاین روس وقتی که از جزیرهٔ (جوشیما) گذشتند در جلو ایشان دریای
آزادی باز نبود. بعد از همه مقدمه آمیرال بخوبی میدانست که تنگه کوره خطرناک تر است با توپخانه
موجودی اش از معبر (تسوغارو) با استحکامات متینه اش و توربیل های دهشتناکش و تنگه پروز هم خیلی
دور به ولادوستوک بود مع هذا خیال آمیرال روسی این بود که حتی الامکان صرف جوئی از موقع
نموده اوقات خویش را بیهوده ضایع نکند.

تهیه ذوغال سنک پس از دیده شدن روژستونسکی کشتی نقالهٔ بیمصرف خویش را به (کائوسان)
بندر کوره فرستاده و در سه روز مسافت شانغهای را تا تنگه کوره که هر روز ۱۶۶ میل با یک سرعت
شش و هفت میل در ساعتی باشد پیمود که این سرعت چندان زیاد نبود.

روژستونسکی قرار قطعی خود را گرفت از اینکه در جوشیما با خصم داخل جنگ بشود زیرا راه (پروز)
وقتش را تلف میکرد و بایستی ذوغال زیاد مصرف نماید و طریق (تسوغارو) هم پر از مین دریائی بود
علاوه از این تصور میکرد که اگر زودتر بمحاربهٔ بحری شروع نماید شاید قوای دشمن که در (پرکادور
- آموی - کلنک - وتاموی) متفرق است نتوانند به قوای توغو ملحق شوند و در اینصورت فقط
با یک قسمت سفاین جنگی میکادو مشغول مصادمه خواهد شد. دولت ژاپون مالک سیصد فرسنخ ساحل است

نقشهٔ میدان جنگ بحری جوشیما



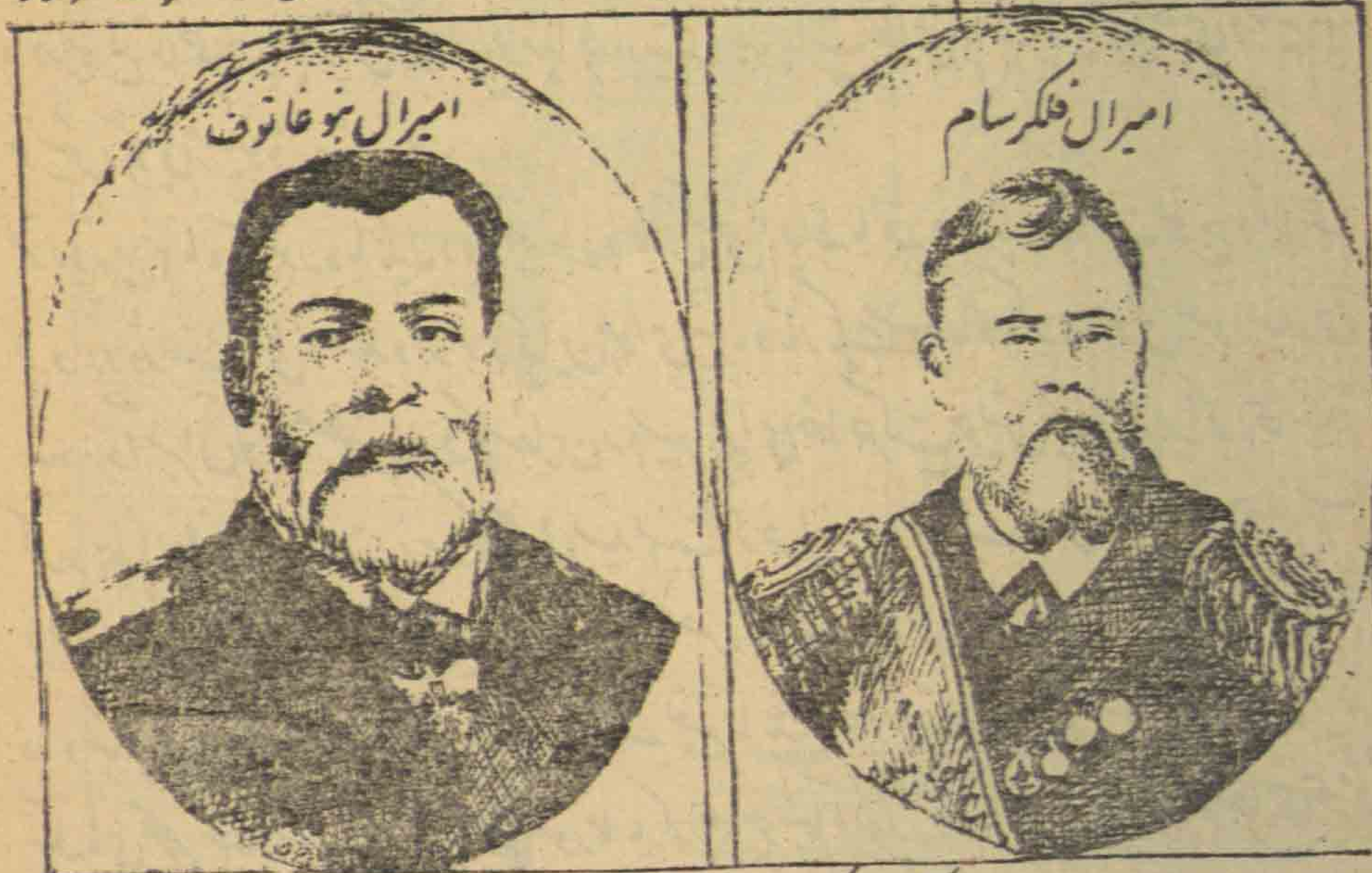
که بواسطه اوقیانوس کبیر مشروب میشود و دشمن نیت که سواحل مزبور را بدین قوه کافیهٔ دفاعیه گذاشته هدف تعرضات و حملات خصم گردد زیرا که خصم و لو اینکه موقتی هم باشد در موقع تجاوزات خود خط حرکت خویش را از (لیوچیو) قرار داده از خلیج (یوکوهاما) عبور کرده پایتخت ژاپون را تهدید مینماید بنابراین دربار توکیو یک حصار محکمی بواسطه سفاین تورپیل و تحت البحری و مین های متعددی تمام سواحل جو بشرا در تحت یک حراست و محافظت سختی قرار داده در بغازها و تنگه ها و خلیج های جزایر نیپون هم سفاین جنگی علیحده برای حمله و تجاوزات در موقع ظهور کشتی های روس معین کرده بود و تمام این وظایف حفظ سواحل و ترتیب قوهٔ دفاعیه تامه و نظارت حرکات جزئی دشمن محاربه کردن با سفاین جنگی بالتیک از طرف دولت میکادو شخص آمیرال توغو تفویض شده بود و از این رو مشارالیه مسئولیت بزرگی را بعهدهٔ خویش گرفته بود قوهٔ بحریه و جهازات حربیه دولت ژاپون در تحت فرماندهی کل آمیرال توغو که با سفاین بالتیک مصمم جنگ شده بودند بقرار ذیل است :

جهازات درجه اول جنگی : (میکازا) ۱۵۴۴۰ تن وسعت ۷۴۱ عمله جات دارای پنجاه توپ از درجات و اقسام مختلف — (آزاکی) ۱۵۴۴۰ تن ظرفیت ۷۴۱ افراد بحری و مالک پنجاه توپ — (ثیکیشیما) ۱۵۱۰۰ حجم و توپ و افراد بحری اش مانند دو کشتی فوق الذکر — (فوژی) ۱۲۶۰۰ وسعت ۶۵۰ ملاح و دارای چهل و سه توپ — (شین ین) ۷۳۳۰ تن ۶۵۰ افراد بحری بیست و سه توپ. —

کشتی متحفظ ساحل ملقطه بنام (فوزو) ۷۳۳۰ تن حجم چهارصد عمله جات و بیست و یک توپ —
زره پوش های درجه اول (نیشین — کازوغا — آدزوما — ایوات — ایدزمو — آساما — توکیوا — یاکومو). —

زره پوشهای درجه دوم (اوتاوا — جوشیما — نیتاکا — چیچاکا — کازاژی — شیتوزه — تاکازاکو —

آکاش — سوما — آکیت — سوشیما — هاشیدات — ماتسوشیما — حیودا — نانیوا — تاکاشیو امیرال فلکرسام امیرال نوغاتوف ایدزومی — اتسوکوشیما —). علاوه ازین سفاین تورپیل دار و مخرب تورپیل و مین جمع کن و کشتی های نقلیه و مریضخانه هم ضمیمهٔ قوای بحریهٔ آمیرال توغو بود که از ذکر اسامی آنها صرف نظر کرده



و در جریان محاربهٔ جوشیما بعض از آنها مذکور خواهد افتاد.

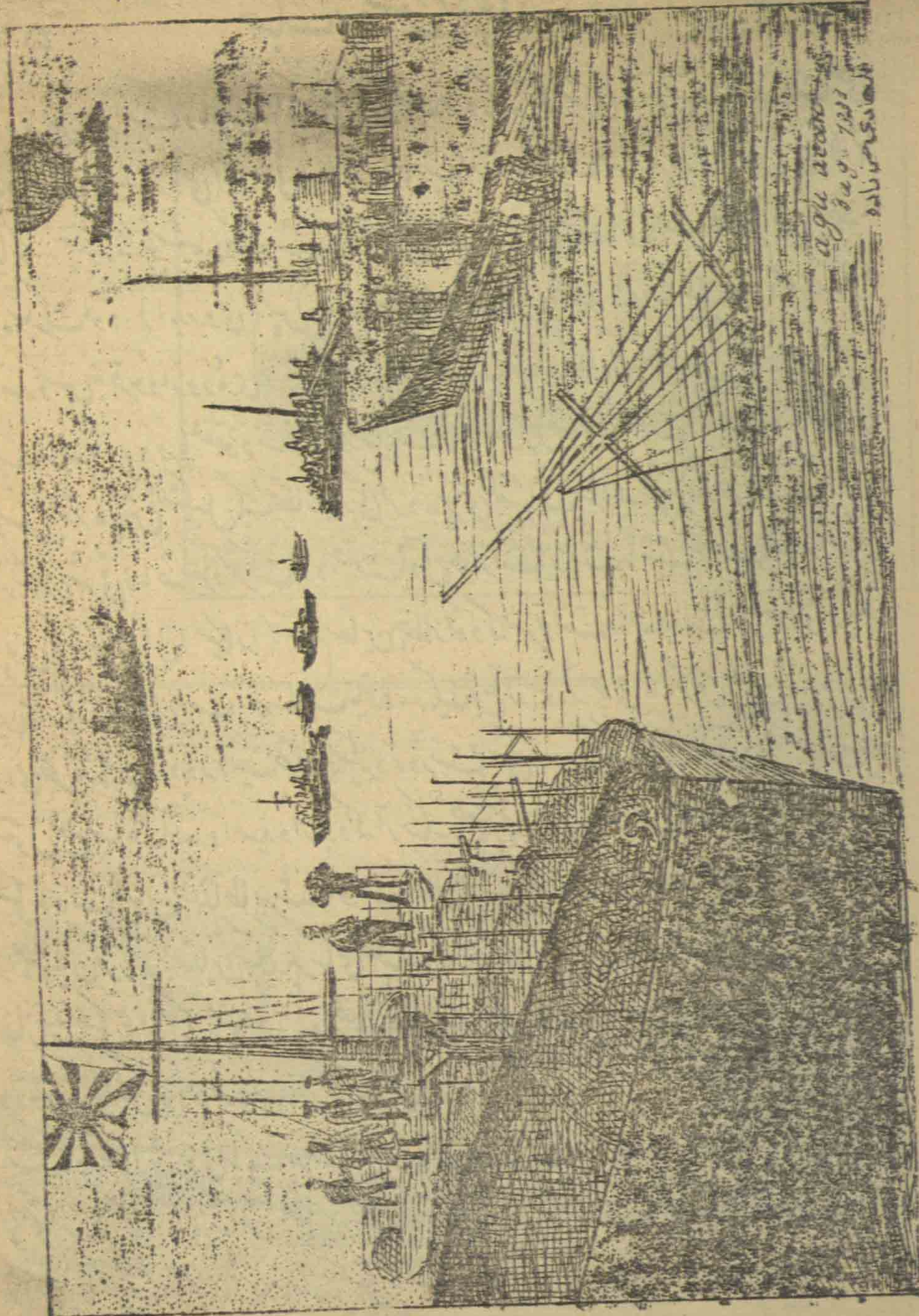
در مقابل قوای بحری ژاپون از دوازده جهاز جنگی یا گروه از دو یک کشتی پیدا نمیشود که با توپها و قورخانهٔ جدیده و تامه مجهز نباشد بخلاف جهازات روس که از چهارده سفینه فقط پنج تا با توپخانه و اسلحه جدیده تجهیز یافته بود.

آمیرال روسی تصور میکرد که قوای توغو منقسم بدو قسمت شده و مهمترین آن مامور محافظت تنگه های شمال است و آمیرال ژاپونی هم فرض مینمود که روژدستونسکی جرئت حمله در مواقع خطرناک را بخاین دی ندا شته و انتظار ورود قوای جدیدهٔ حربیه خواهد بود ورود و ظهور جهازات وسیع ۱۲ ما

در مدخل بغاز (جوشیما) اسباب حیرت و تعجب آمیرال توغو گردید در صورتیکه تا آنوقت امیرال روژدستونسکی در دریاهای وسیعه با اجرای مانورهای متعدد تمام افراد و صاحبمنصبان بحری اش آزموده و کلیه توپ و اسلحه و سایر تجهیزاتش را بامتحان و تجربه رسانده و چندین مرتبه در هوای طوفانی و در موقع تلاطم دریا با خالی کردن توپها مهارت و اطلاعات نظامی تمام عمله جات کشتی و تجهیزات خویش بخوبی مسبوق شده بود.

از روز ۲۷ ماه مزبور کره با یک دود غلیظ و دخان کثیفی احاطه یافته و دریا در حالت تموج و تلاطم بود و روژدستونسکی امیدوار بود که این هوای تیره و تاریک استفاده کرده موفق بعبور بغاز خواهند شد. و آمیرال توغو مطمئن بود که سفاین روس برای خط حرکت خویش یگانه معبری را که انتخاب خواهند کرد همانا بغاز جوشیما است زیرا که بخوبی میدانست که فرماندهی کل یک قوای مهمه بحری جهازات خود را از تنگه شمالی در فصل طوفان و مه و یا از معبر (تسوغارو) که پرخطرترین طرق است سوق نخواهد داد بنابرین توغو با کمال دقت در تعقیب نقشهٔ تغییر ناپذیر خود ایستاده و مهمترین قوای خویش را در تنگه های مخفی نگهداشت تا آنکه خصم تصور نماید که راه جوشیما آنقدر محفوظ نبوده و هرگاه سفاینی هم موجود باشد از درجه دوم و سوم جنگی است. چنانچه بعضی از کشتی های کوچک جنگی را مأمور سیر و حرکت نقاط مزبوره مینمود که خیال و تصورات روژدستونسکی را تقویت بدهد. تا اوایل جوشیما آمیرال روسی قروواز ورهای معاون را بجلو انداخته بود ولی بمجرد اینکه داخل تنگه شد آنها را العقب گذاشته جهازات (امپراطور الکساندر ـ ناوارین ـ کنیاز ساوورف) را مأمور کرد که جلوتر از سفاین حرکت نمایند. باد بشدت برخواسته و دریا کم کم سخت تر متلاطم میشد.

در ینجا ساعت و سی دقیقه کشتی های اکتشافیهٔ ژاپونی با تلگراف بی سیم خبر تقرب جهازات روس را به جوشیما به آمیرال توغو دادند. سفاین روس با دو قطار در حرکت بوذ جهازات در سمت چپ

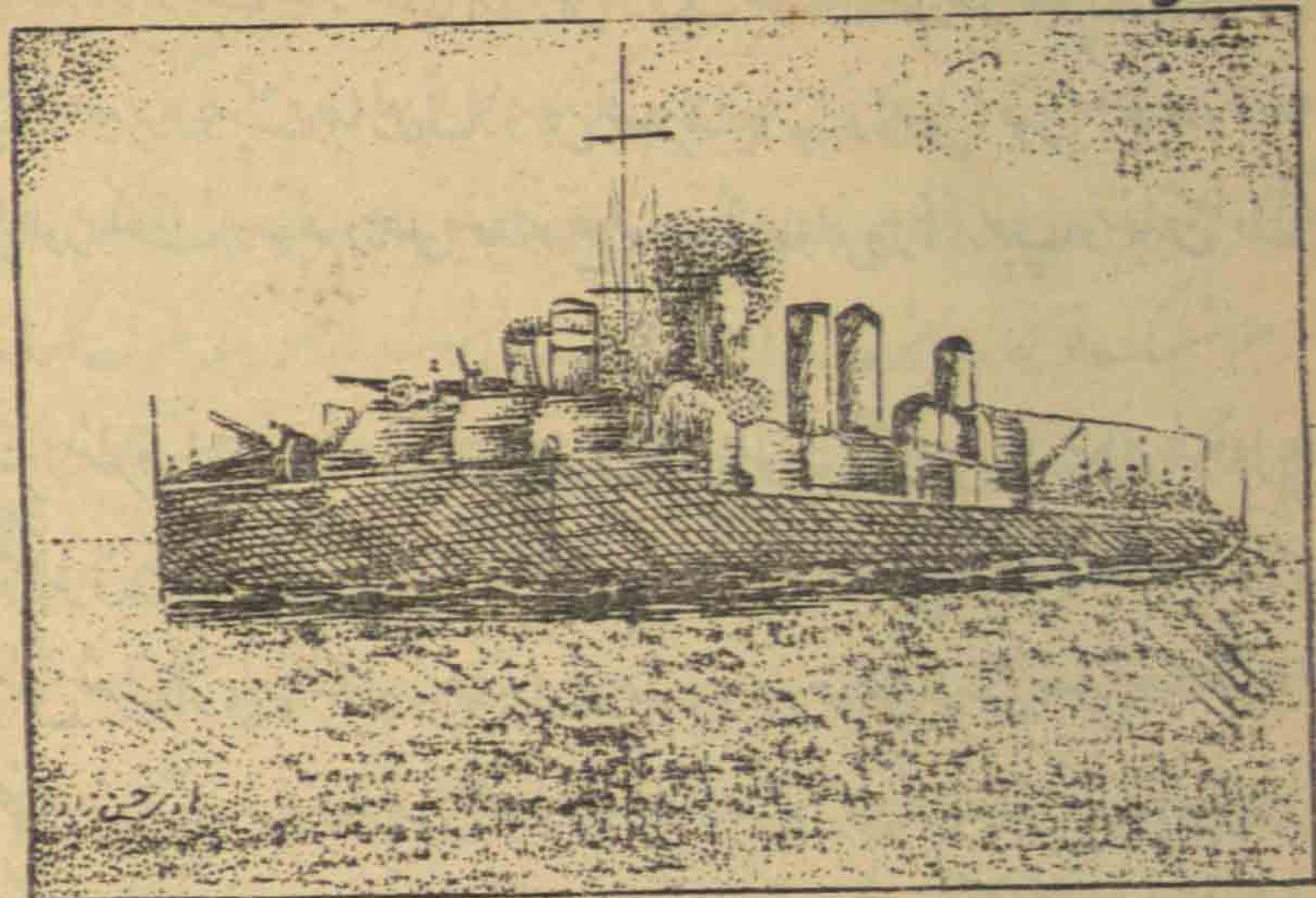


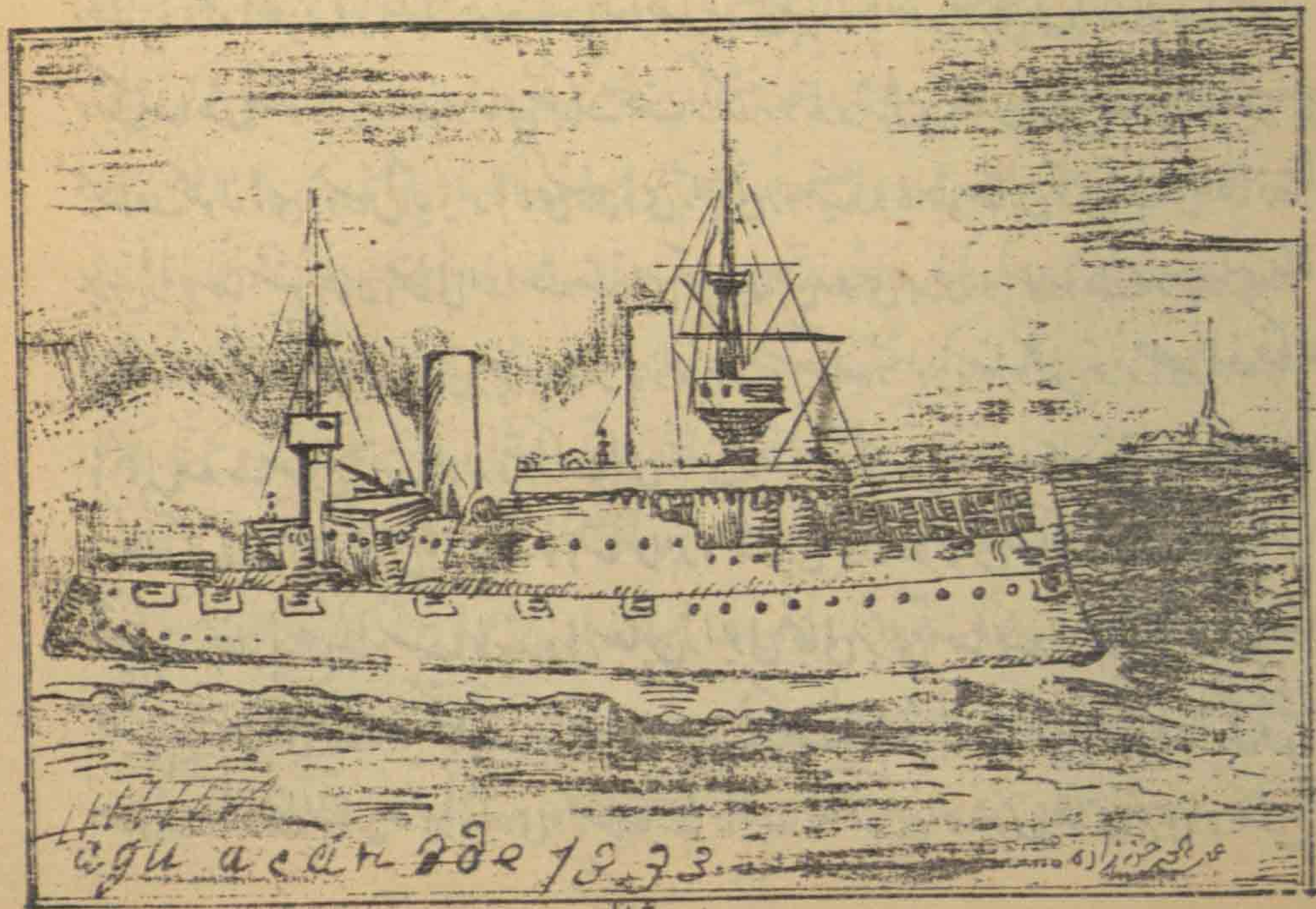
وزره پوش در راست و ما بین ایشان کشتی های نقلیه نزدیک تنگه شرقی قوره میشدند. در هفت ساعتی صبح قرووازور (ایدزومی) ژاپونی در یازده میلی پیدا شده و پشت سرانهم زره پوش های (کازاغی - نیاتکا - چینوز - جوشیما) ظاهر شدند در انموقع کشتی (ولادیمیر - مانوماش) بحکم آمیرال جلو آمده شلیک نمود. (ایدزومی) پس از جواب شلیک از نظر ناپدید شد و در ساعت یازدهم زره پوشهای دوم روسیه قرووازورهای فوق الذکر ژاپونی شلیک کردند ولی آنها بدون آنکه جواب خصم را بدهند در مه و دود دریا مفقود شدند. در ساعت یازده و چهل دقیقه قسمت دوم و سوم سفاین روس با زره پوش ها تشکیل یک قطار بزرگی کرده برای اکتشاف اطراف تغییر خط حرکت داد.

وار شمال شرقی دماغه سیر و حرکت نمود. قسمت اول جهازات از سمت راست عزیمت نمود آمیرال ژاپونی در کشتی امیرالی (میکازا) بتمام سفاین اخطار نمود که سرنوشت نامه دولت امپراطوری مربوط باین محاربات دریائی است. در ساعت یازده و یک ربع که هنوز ژاپونی ها متعرض دشمن نشده بودند قوای بحریه روس در دو ردیف حرکت میکرد روژدستونسکی بدون آنکه حرکت سفاین را تخفیف بدهد مشغول قطع مسافت گشته و امیدوار بود که از جنگ خصم نجات خواهد یافت مصادف انجال جهازات جنگی دولت نیپون نغتتا ظاهر شده از سمت شمال غرب جلو سفاین روس را گرفته و مانع مداومت راه ایشان گردید. سفاین یکدیگر بنای شلیک گذاردند. یکساعت بعد از ظهر آمیرال توغو با بهترین جهازات جنگی خویش که بدو قسمت و هر قسمتی شش قطعه سفاین مخصوصه اش که هر کدام مرکب از چهار جهاز و دو زره پوش بود وارد میدان جنگ بحری گردید.

کشتی های آمیرال ژاپونی با یک سرعت چهارده میلی حرکت میکرد و عقب سرانهم جهازات جنگی آمیرال (کامیمورا) که دارای شانزده میل سرعت بود قرار گرفته و یکساعت و نیم بعد از ظهر قدری که مه دا بر غلیظ تخفیف یافت (روژدستونسکی) مشاهده نمود که سفاین توغو در یک ردیف بسمت ساحل

شمالی





شمالی جوشیما متوجه شده و از سمت بسیار بسفاین روس نزدیک میشوند در صورتیکه کشتی های (کامیمورا)
ساحل جنوب جزیره را سیر کرده پشت جهازات روس را تهدید مینماید. روسها فوراً تشکیل دو ردیف
کرده و سفینهٔ امپراطور الکساندر سوم در جلو اخذ موقع نمود و قروه ازورها در چپ و سفاین معاون هم
در وسط جا گرفتند.

در این بین دریا بیشتر از پیشتر در تلاطم و باد بشدت از جنوب غربی میوزید. ژاپونی ها از هوای طوفانی و
کولاک هم استفاده میکردند برای آنکه ایشان در هوای امواج و متلاطم که کشتی ها روی آب موج دار انتها
در تزلزل هستند مشق تیراندازی و جنگیدن را عادت کرده با وجود عدم سکونت کشتی هر نقطه را
در دریای مواج میخواستند نشانه بزنند تیرشان بمقصود میخورد در روسها از دوازده هزار متری مشغول تیر
اندازی شدند ولی گلوله های آنها بواسطهٔ تلاطم سخت دریا هیچگونه نتیجه و اثری نمی بخشید ولی ژاپونی ها
جواب نداده گلوله ها و آتشخانهٔ خود شانرا بفاصله هفت هزار و پانصد متری نگهداشته بودند و بمحض
اینکه بمسافت مذکور درسیدند بنای شلیک سخت را گذاردند و تیرهای ایشان بخوبی بسفاین خصم میرسید
بخلاف گلوله های روسها که یا از بالای کشتی های ژاپونی رد میشد و یا جلو سفاین توی آب می افتاد و بنا
براین ژاپونیها شش گلوله امتحانی انداخته تا یک آن بسفاین روسی برخورد. علاوه از عدم مساعدت
هوا بر روسها که آتشخانهٔ ایشان هیچ چه مؤثر نبود توپخانه و آتشخانهٔ ژاپون بهتر و مکمل تر از خصم بود. جنگ
با کمال شدت شروع یافت گلوله و شلیک های دشمن عرصه را بر روسها تنگ نمود و روسها سعی و مجاهدت
داشتند که یک راهی از شمال باز کرده خود شانرا از وسط این معرکهٔ خطرناک بکنار کشیده جنگ جائی
تهیه کرده بمحاربات مداومت نمایند ولی سفاین ژاپونی مجالی برای آنها نمیداد برای آنکه از هر حیث
تجهیزات و زیادتی قورخانه تکمیلیت توپخانه و سرعت حرکت ژاپونی ها بر روسها تقدم و برتری داشتند
خصوصاً مهارت ایشان در تیراندازی و اطلاعات و قابلیت کاملهٔ آنها در فنون نظامی بحری اوضاع

جنگ را

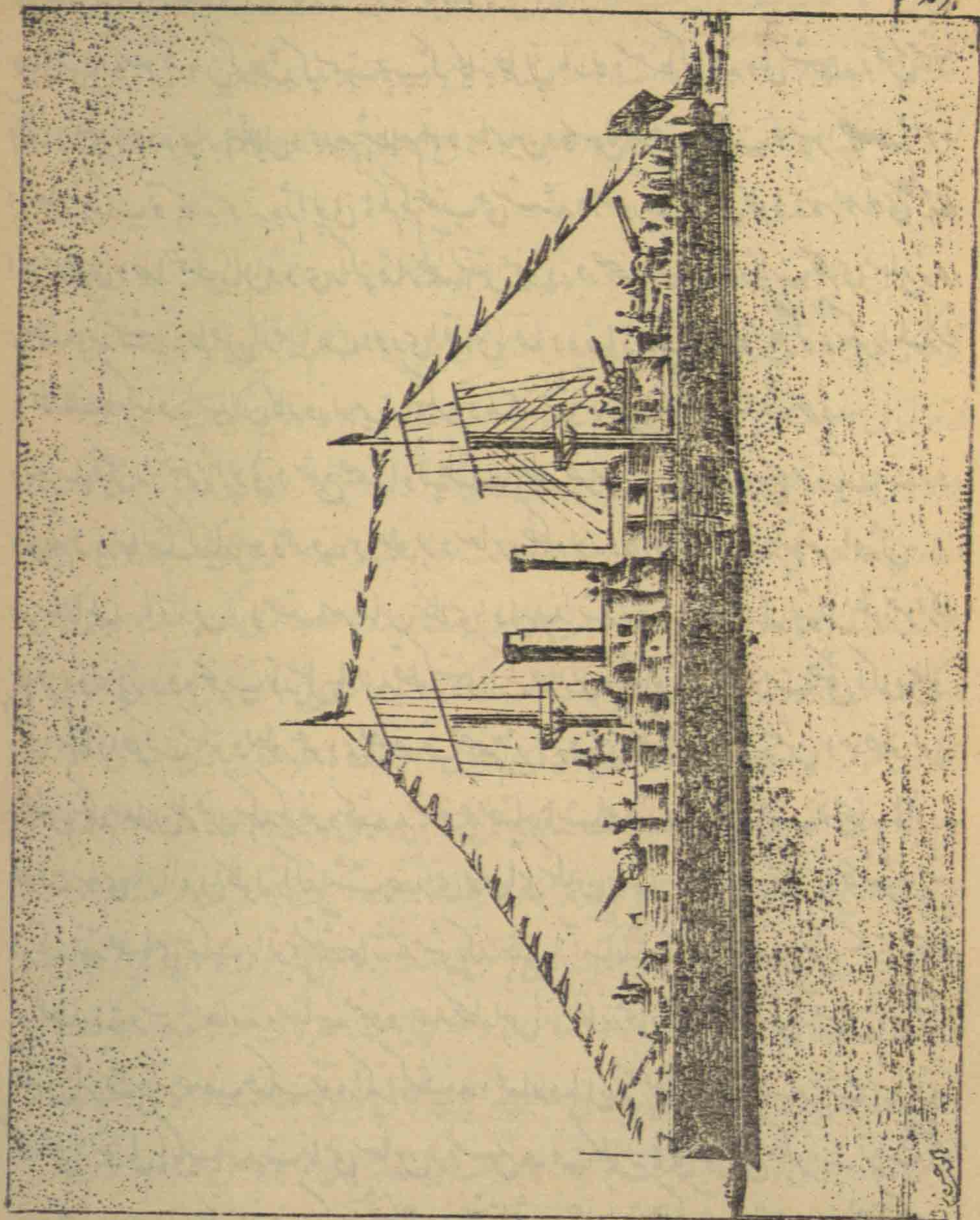
جنگ را بمساعدت سفاین میکادو تغییر داده بود.

جهازات روس فرمان گرفتند که بسمت چپ که یگانه طریق باز بود منبسط گردند ولی آتشخانهٔ دشمن ترتیب
آنها را بهم زده دوچار اختلال و عدم انتظام نمود بنابرین روسها سرعت حرکت خویش را تخفیف داده
از جلو شلیک توپخانهٔ مؤثرهٔ ژاپونی ها کم کم عقب می نشستند در صورتیکه تگرگ گلوها هنوز در توی سفاین
افراد بحری و صاحبمنصبان روسی را گرفتار طعمهٔ آتش مینمود. در صحنهٔ اولیه محاربات بحری مبارزه
و مصادمهٔ آتشخانهٔ طرفین از مسافت دوری اتفاق افتاده و باد سخت هم امواج کوه پیکر را بلند کرده
باطراف و اکناف میدان کارزار پرت میکرد و بدینجهة نشانه زنی را مشکل ساخته بود.

راپرت ذیل را مخبر ژاپونی در شرح صحنهٔ اولیه جنگ اینطور خبر میدهد: (ما بتدریج نزدیک شده و
دیدیم که در حالتیکه کنیاز سوواروف در جلو بود سفاین جنگی بورودینو. آلکساندر سوم. اورل.
اوسلیابلیا. ناوارین. و عقب سر شان نیکلای اول پیدا شده و در خط حرکت ایشان بطور متوازی
پنج قروه ازور و دو مخرب توربیل با چند قطعه کشتی دیگر قرار گرفته بودند. جهازات جنگی ما که در جلو
آنها میکارا حرکت میکردند بطور عمودی بصفوف خصم پیش میرفت. کلیه کشتی های دشمن ۳۲ قطعه بود
بمحض اینکه سفاین طرفین بیکدیگر نزدیک کشیدند شروع بمصادمات نمودند و شلیک سخت توپخانه ها از دو
طرف بنای باراندن گلوله را گذاشت صدای توپهای سنگین و لوله و غریوی الجول و جوش انداخته
در یکدقیقه فضای جنگ را توی آتشخانهٔ مدهش گذاشت. آساما تا سه هزار متری نزدیک کشیده بحرکات
و عملیات روس نظاره و معاینه مینمود چند لحظه پس از آغاز محاربه عرشهٔ کشتی (آمیرال اچاکوف)
آتش گرفته و از صف جنگ خود را کنار کشید. بمباردمان ژاپونی و توپخانهٔ مدهشهٔ ایشان
که علی التوالی با یک شدت تمامی سفاین روسرا هدف گلوله های خویش میکردند ترتیب و انتظام
قوه بحریهٔ روسرا بکلی بهم زده و یک اختلال و اغتشاشی در عملیات جنگی آنها تولید نمود بقسمی که هر

هر کدام

هرکدام



هرکدام

هرکدام بدون اراده و فرمان آمیرال در مدافعه و نجات خویش میکوشیدند از نتایج شلیک‌های مؤثره ژاپونی‌ها جهازات (بورودینو — کامچاتقا) بطور سخت خسارت دیده شده در ساعت چهار و نیم بعد از ظهر از میدان جنگ خود شانرا بزحمت خارج کردند ولی تعقیب سفاین ما بورودینو را مغروق ساخت.)

یکی از صاحبمنصبان کشتی (بورودینو) حکایت مؤثره در جریان جنگ که خودش حاضر و ناظر منظرهٔ مدهشه بود نقل میکند: (سفینهٔ ما وقتی که کشتی‌های ژاپونی بفاصلهٔ تیررس آمدند اول کشتی جنگی و نبرد بزرگترین کشتی خصم (شکیشیما) شلیک کرده و گلوله‌های اولیه بنای باریدن گذارد. من فرماندهی یک توپخانه را بعهده گرفته و تیرهای اولیه خود را بسمت کشتی فوق‌الذکر خالی میکردم و در اینموقع آمیرال روژستونسکی وارد و سوار کشتی بورودینو شده از آنجا کماندانی میکرد. سه ساعت بعد از ظهر (شکیشیما و فوژی) هردو بشدت شلیک نموده و گلوله‌های توپخانهٔ ایشان بعضی مؤثر میشد که یکدفعه یکی از آنها بسنگر توپخانهٔ که ما اداره میکردیم خورده مثل رعد صدا نموده و ما از کثرت وحشت و هول بیهوش افتادیم بلافاصله برخواسته از سنگر مزبور که پر از دود شده بود خارج گشته دیدیم از هر طرف گلوله و شراپنل و بمب و آتشخانهٔ قویهٔ خصم مانند تگرگ عالم سوز باریده و از هر طرف ده نا بیست نا مجروح و مقتول می‌افتاد. دود سنگر مرتفع شده داخل شدم آنها همان یک چند گلولهٔ مؤثره تتوپخانهٔ ما برخورده توپهارا قطعه قطعه نموده سنگر و سد جلوی را خراب و بیجده افراد و صاحبمنصب را آغشته بخون خودشان نمودم من با چهار پا بسرعت بعرشهٔ کشتی خود را که چند قطعه توپ شش پوسی بود رساندم که در اطراف من تل نعش‌های مقتولین و مجروحین تشکیل یافته بود بیجاعت تمام در بورودینو) توقف کردم که در عوض این بیجاعت کشتی ما مانند جهنم شده بود غالب دستجات ملاحان نظامی و عمله جات یا مقتول و یا مجروح بودند. اسباب و ماشین

آلات و چرخهای کشتی بکلی خراب و بورودینو بعضی دچار خسارات مهمه شده بود که احتمال نجات
آن نمیرفت یکی از ملاحانی که زنده بود بمن گفت که آمیرال روژستونسکی مجروح گشته و به سفینه
توربیل دار حمل و نقل دادند. برجها و زره و سایر آلات حربیه بورودینو یا قطعه قطعه شده
و یا مانند غربال سوراخ سوراخ بود نه توپی و نه میترالیوزی باقی مانده بود دیگ های بزرگ شکسته
و انبارهای ذخیره خراب شده ما با چند نفر عمله جات بزحمت تمامی کشتی را از میدان جنگ خارج
کرده به تعمیر دودکش کشتی پرداختیم که یکدفعه هشت کشتی ژاپونی که در موقع حرکت ما بسمت شرق تعقیب
سر ما گذاردند فقط دو قطعه توپ دوازده پوسی و شش پوسی خراب نشده داشتیم که آنها را برای
مدافعه و نجات از جنگ خصم بکار واداشتیم ولی گلوله های دشمن با کمال شدت مشغول تخریبات
جدیده شده و رئیس مکانیکچی ما خبر داد که ماشین ها از کار افتاده و آتش از چندین نقطه کشتی در
گرفته ما با چندین نفر دیگر نجات را در این دیدیم که خود ما را بدریا اندازیم در این حین آخرین
گلوله ژاپونی ها بما مجال نداد بورودینو را مغروق ساخت و من یکدفعه خود را در توی آب
غوطه ور دیدم و چند دقیقه بعدازشتیم یکدستی مرا کشیده از آب در آورد و سوار کشتی (کازوغا)
نموده نخجکی پیاده کرد)

در این گیرودار جنگ کشتی امپراطور الکساندر سوم دچار خسارات عمده شده از کار افتاده عقب
سر جهازات از نظر محو گردید و معلوم شد که خود را از میدان جنگ باشکال خارج کرده.
کامچاتکا پس از وارد شدن صدمات زیاد عمله جاتش سفینه مزبوره را ترک کرده و کامچاتکا
چند دقیقه دیگر غوطه ور دریا گردید. کماندان کشتی با هفت صاحبمنصب مقتول و دو صاحبمنصب
مجروح و دوتای دیگر مغروق گردید.

در کشتی جنگی (سیسوی ولیکی) هم گلوله های ژاپونی آتش زدند از طرف دیگر هم حملات جهازات

ژاپونی

ژاپونی سفاین امیرالبحری روس ها را از حالت جنگ کردن خارج و بی اندازه بی تاب و ناتوان ساخته
بود. کشتی های ژاپون به (کنیاز سوواروف) که حامل بیرق آمیرال روژستونسکی بود شلیک
کرده ولی چون آمیرال مجروح بود نتوانست مقاومت نماید ناچار دست از محاربه کشید و در این باب
راپورت کماندان آلماز بدینقرار است: (آتشخانه ژاپونی خسارت عمده بسفاین ها وارد می آورد و
گلوله های ایشان هرچه در مراتب فوقانی و عرشه های کشتی بود خراب میکرد. کشتی های (اوسلیابلیا
و سوواروف) را دچار صدمات نموده در (اوسلیابلیا) چند رخنه بزرگی تولید کرده باعث غرق
شدن سفینه مزبوره گردید. سوواروف هم از میدان جنگ خارج شده و آمیرال روژستونسکی
با حالت زخمداری با آتاماژور خویش از سوواروف خارج و سوار کشتی مخرب توربیل (بوینی) گردید
متعاقب آن شلیک ژاپونی ها در کشتی الکساندر سوم هم حریق تولید کرد. در این موقع چندین زره پوش ها
از جهازات ژاپونی سوا شده بسفاین نقلیه ما حمله آوردند و از این رو یک هرج و مرج فوق العاده حاصل شد
و کشتی اورال از چند جا سوراخ شده از میدان جنگ خارج گشت (اسوی اتلانا) هم دچار خسارات
شده و کشتی های (دمیتری دونسکوی - ولادیمیر مونوماش) به کمک آنها شتافته سفاین زره پوش
ژاپونی را بعقب نشستن مجبور گردید.

جهازات ژاپونی بقسمی اجرای عملیات جنگی میکردند که در تحت آتشخانه سخت خویش در چشیما بانوبه
سفاین روس را در محاصره و فشار آورده بحکم هدف گلوله های مؤثره خود مینمودند و در این ضمن
(اوسلیابلیا) را هم غرق کردند.

در کشتی آمیرال (ناکیموف) هم قتل و کشتار بشدت حکمفرما بود تمام طبقات فوقانی و عرشه کشتی
مزبور پر از نعش ها بود و خون مانند سیل جاری و یک منظره فجیع و حزن انگیزی را تشکیل میداد. کاپیتن
سفینه ناکیموف حکایت میکند که شلیک خصم نود دقیقه طول کشید یکدفعه یک صدای مهیبی بگوش ها

رسید

رسید و کشتی با کمال سختی متزلزل گردید من چنان تصور کردم که بیک مین دریائی برخورده یا با یک تورپیل مصادم گشت. عمله‌جات کشتی مزبور ششصد نفر صاحبمنصب و ملاح بودند که اغلب ایشان با کشتی غرق شدند من عده بواسطهٔ کمربند استخلاصی نجات یافته لنگهٔ کوچکی که در آن جوار بود ما را انجات داده بسمت (سیمونازاکی) روانه نمودند کاپیتن رادینوف که فرماندهٔ کشتی بود وقتی که فهمید که سفینه‌اش غرق میشود اخطار کرد که بعد از همه کشتی را ترک خواهد کرد. ژاپونیها نقل میکنند که وقتی که نزدیک (ناکیموف) شدند به کاپیتن مزبور اخطار کردند که از سفینه خارج شود و داخل کشتی گشته اصرار نمودند ولی مشار الیه قبول نکرده و چون کشتی بسرعت تمام غوطه‌ور میشد ژاپونیها مجبوراً از کشتی بیرون آمدند. رادینوف داخل اطاق خویش گشته با انتظار مرگ نشست و بالأخره با کشتی توی آب فرو رفت و ما تصور کردیم که مشار الیه غرق شد ولی چند دقیقه بعد دیدیم که کاپیتن با معاونش روی آب دست بهمدیگر گرفته شناگری میکنند و دفعه‌های مقاومت با امواج کوه‌پیکر میکردند که بکمک آنها شتافته نجات دادیم)

آمیرال توغو در داخل برج زره‌پوش (میکازا) قرار گرفته یک خمپاره در پهلویش بیک صاحبمنصب خورده مقتول ساخت آمیرال ژاپونی بدون آنکه مضطرب و متوحش بشود سایرین را دلداری بفتح و فیروزی قریبی میداد. سفاین روس با کمال حالت تفرقه و پریشانی مدافعه مینمودند. کشتی (دمیتری دونسقوی) از کار افتاده در جزیرهٔ (داژلت) بخاک نشست.

پوپ دوبرو ولسکی حکایت مؤثره در خصوص جنگ بحری شرح میدهد: (پس از آنکه جهازات ما پشت سرهم غرق شدند بیست و هشتم ماه مه عصری تورپیلهای ژاپونی حمله کرده و فوراً سفاین (اولغ و اورورا) با کمال سرعت براه افتادند ولی دمیتری دونسکوی نتوانست تعقیب نماید و پشت سر آنها هم کشتی (ولادیمیر مونوماش) حرکت کرد. چون هیچگونه خبری از (اولغ) که آمیرال (انکیست) سوار بود نرسید بموجب اخطارات سابقهٔ روژست ونسکی بسمت ولادیوستوک فرار نمود.

نزدیک نصف شب از عقب سر ما سه کشتی تورپیل‌انداز خودمان پیدا شده یکی از آنها بکشتی دمیتری دونسکوی اخطار کرد که بایستد و این همان بود که آمیرال روژست ونسکی مجروح سوار بود و پس از توقف امر داد که لنگه‌های خویش را بدریا انداخته عمله‌جات (اوسلیابلیا) را انجات بدهد ولی پس از چند دقیقه حملهٔ سفاین ژاپونی خرابیهای عمده به (بوئین‌لی) وارد آورد که روژست ونسکی مجبور گردید که به کشتی تورپیل (بیه‌دونی) سوار شود. زره‌پوش (دمیتری دونسکوی) ما بقطع مسافت مشغول شده دو ساعت بعد از افق جزیرهٔ داژلت ظاهر شده و کماندان فرمان داد بسمت جزیرهٔ مزبوره عازم شویم در این ضمن جهازات (ماتشوشیما) (ایتسوکوشیما - هازیداته - ساناین) ژاپونی که متعلق بدستهٔ سوم بود پیدا شده بسرعت هرچه تمام بسمت ما میآمدند. زره‌پوش‌های مزبور نزدیک شده بکشتی ما مشغول بمباردمان سختی گشته از هر طرف گلوله‌های مؤثری میباراندند. در چند دقیقه شیشه‌های (دمیتری دونسکوی) شکسته چراغها و تابلوها و سایر اشیا خورد خورد شده صداهای مهیب و هولناکی از آثار این شلیک باطراف پیچیده از هر سمت کشتی خرابی و تلفات عمده وارد میآورد) با وجودیکه کشتی ما با کمال رشادت مدافعه کرده در جواب تیرباران خصم شلیک مینمود ولی زیادتی قوهٔ دشمن ما را بیک حالت ناتوان و اسف‌انگیزی رسانده بود. چند مرتبه در کشتی آتش افتاد ولی بواسطهٔ غیرت و کوشش عمله‌جات خاموش گردید. جنگ دو ساعت طول کشید در ظرف این مدت شصت نفر مقتول و صد و بیست نفر مجروح گشت در اوایل حملهٔ سفاین ژاپونی من در حالتی که در دستم صلیب و آب مقدس بود بعرشهٔ کشتی روانه شدم و افراد بحری را تسلی میدادم و وقتی که بعدهٔ مجروحین افزوده گشت مجبور شدم که بمریضخانهٔ کشتی رفته پرستاری مجروحین را نمایم در مرتبهٔ وسطی که عمله‌جات سفاین (اوسلیابیا و بوئین‌لی) را قرار داده بودند آه و ناله‌های حزین شنیده میشد وقتی که من از میان آنها میگذشتم افراد مزبوره مرا احاطه کرده گریه‌کنان صلیب را میبوسیدند و تضرع و زاری میکردند. سفاین

ژاپونی پس از ده ساعت شلیک سخت که صدمات و خرابی‌های زیادی به (دمیتری دونسکوی) وارد آوردند راه خویش را گرفتند و از چشم ما مفقود شدند. کماندان کشتی بمن امر داد که نزد مجروحین رفته ایشان را تسلی داده و بگویم که بسمت جزیرهٔ داژلت عزیمت میکنیم. نزدیک جزیره که کشتی ما سرعتش را تخفیف داده پنج سفینه توربیل انداز ژاپونی مجدداً بما حمله کردند که دو تای آنرا با شلیک غرق کرده و سومی را هم دچار خسارات عمده نمودیم و پس از آنکه این هجوم را هم دفع کردیم باز براه افتاده و در این بین من در کشتی گردش میکردم دود بقسمی پر شده بود که چشم انسان کور میشد نردبانها و پلها و عرشهٔ کشتی تماماً خراب گشته و با خون مقتولین و نعش‌ها مستور بود. نزدیک برجهای وسط کشتی منظرهٔ فجیعه را مصادف شدیم رئیس ملاحین ساحل‌شناس و معاونش با اعیان کشتی و دو افراد بحری دیگر بطور مهلک مجروح افتاده کماندان زره‌پوش هم در اواخر جنگ زخم کاری برداشته و در زمین می غلطید من با ایشان تکلیف کردم که جراح را بیاورم ولی جوابم داد که زخمش را خودش مرهم بندی کرده و بسته است و حکیم و جراح برای زخمی‌های دیگر بیاورند که معالجه نماید. بمحض اینکه بجزیره رسیدیم تمام عمله‌جات زخمی و غیر زخمی را با لوازمات کشتی پیاده کرده و زره‌پوش مزبور را غرق کردیم برای آنکه بقسمی خراب شده بود که قابل تعمیر نبود)

با وجود تفرقه سفاین روس و خسارات مهمهٔ ایشان و غرق چند قطعهٔ آن باز خصم دست از کارزار نکشیده بیشتر از سابق بشدت هرچه تمامتر از هر طرف جهازات و باقیمانده کشتی‌های روس را هدف شلیک‌ها مینمود. سفینهٔ اول پر از مجروحین شده ماشین آلات آتش کلی خراب و غالب صاحب منصبانش مقتول گشته بود.

روژدستونسکی در کشتی (بیه دوئی) مجروح افتاده و دیگر نمی‌توانست کماندانی سفاین را بعهده بگیرد هر کدام از کشتی‌ها منفرداً در تحت فرمان کاپیتن خویش بودند. آمیرال (فلکرسام) در کشتی (اوسلیابیا)

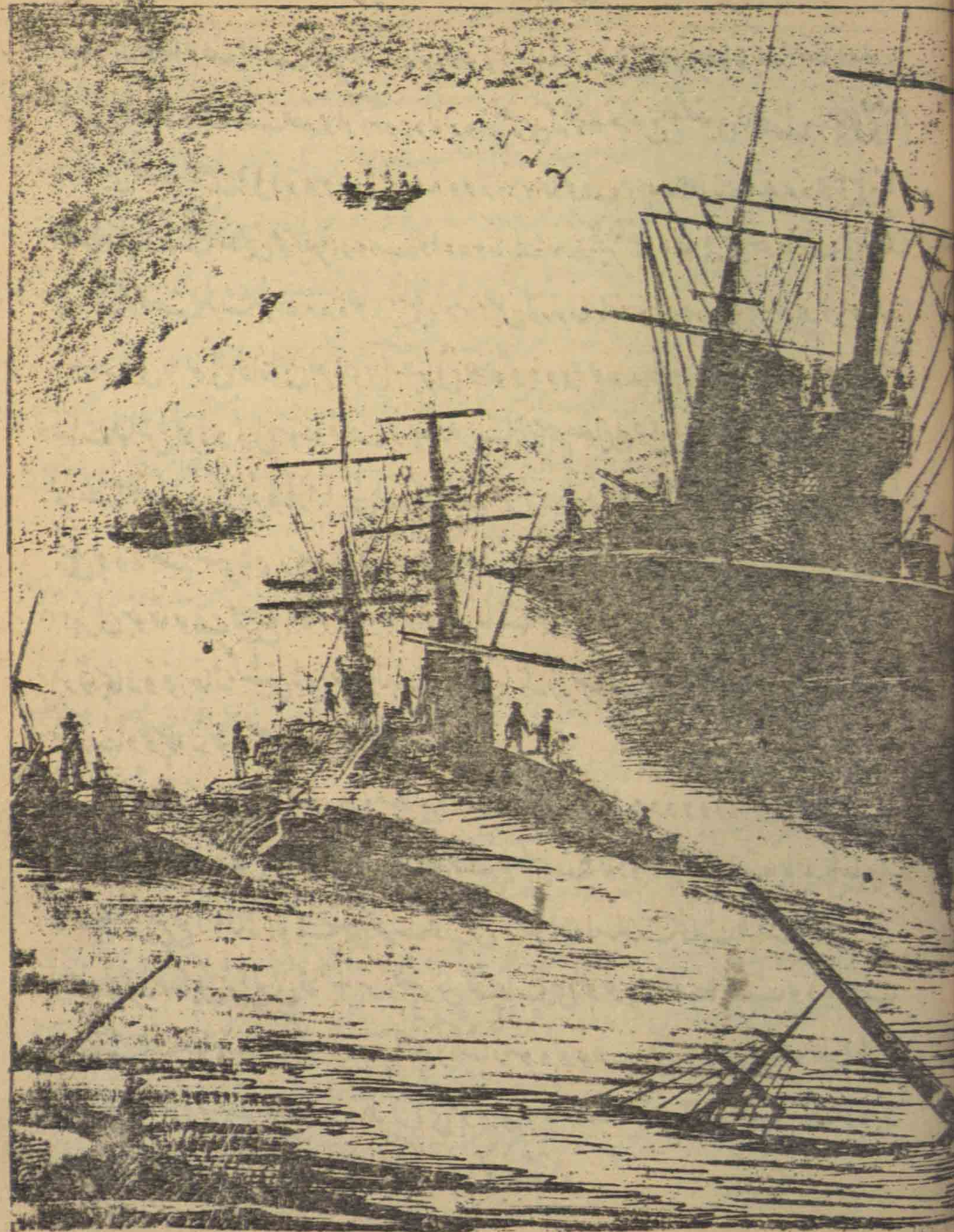
مقتول

مقتول افتاده. امیرال انکیست فرمانده زره‌پوشهای سریع السیر و سبک در کشتی اولغ با کمال رشادت تمامی مشغول جنگ و مدافعه بود که بسفینه‌اش چند توربیل خورده و خرابی زیادی وارد آورد و امیرال مزبور ناچار شد که بیرقش را بکشتی (اورورا) حمل و نقل دهد. آمیرال مشارالیه بعرشهٔ کشتی رفته باطراف نگاه کرده سفاین روس را مشاهده نموده تصور کرد که تغییر نقشهٔ جنگی را داده و عقب نشستند و بنابرین او هم باین صدد افتاد که خود را بقسمی از میدان کارزار کنار بکشد. چنانچه در راپورت خویش اینطور میگوید (چندین مرتبه سعی و کوشش نمودم که بسمت شمال عقب بنشینم ولی حملات مکرره و متوالیهٔ دشمن مرا بسمت جنوب میراند) بالاخره آمیرال فرمان رجعت داده و سفاینش با صاحب منصبان و رؤسای آن بسمت مانیل حرکت کردند خودش در کشتی اورورا که چند دقیقه قبل کاپیتن آن مقتول افتاده بود قرار گرفت.

سه کشتی آمیرال انکیست از دیگ و دودکش خسارت دیده شده بودند. عصر پنج کشتی جنگی روس غرق یافت که سه قطعهٔ آن از جهازات بزرگ و دو تا زره‌پوش بود. درانموقع تشکیلات و تجهیزات سفاین روسی از هم پاشیده و سفاین روس در جنوب شرقی دریای ژاپون محبوس شده بود. تا بحال آمیرال توغو در اجرای نقشه و خیالات خویش کاملاً موفق شده بود حالا منتظر ورود شب بود که آخرین عملیات خود را مجری داشته شانزده سفاین جنگی خویش را بکشتی‌های متفرق شدهٔ روس‌ها معین نمود که حملهٔ قطعی کرده بمحاربات دریائی خاتمه بدهد.

شب باد و دریا ساکت شد. آسمان صاف و روشن گردیده ستاره‌ها پیدا شدند و این هوا به توربیل اندازهای ژاپونی خیلی مساعد بود ازاینرو تا سعید مشتری تیر خالی نکرده و درانموقع سفاین کشافیهٔ ژاپونی بسمت شمال خود شانرا کشیده میدان جنگ را بکشتی‌های توربیل واگذار نمودند. نصف شب تنها نه قطعهٔ کشتی جنگی روس که هنوز حالت نظام و انتظام جنگی خویش را نگهداشته بودند در تحت فرماندهی

آمیرال



تصویر میدان محاربهٔ چوشیما
و غرق کشتیها و گرفتاری قشون

آمیرال (نبوغاتوف) بسمت شمال حرکت کرده و توربیل اندازهای ژاپونی هم اتصالاً با آنها متصادم و متعرض میشدند و خسارت عمده وارد آورده بودند بقسمی که هنگام فجر پنج کشتی (اورل - نیکلای دوم با دو کشتی محافظ ساحل و (ایزومرود) باقیمانده بود. نبوغاتوف بواسطه حملات شدیده توربیل ها زمام اختیار حرکت سفاین خویشرا از دست داده و با یک مانور غیر منظم و عملیات غیر مرتب و مغشوشی مجبور شد که بسمت مغرب متوجه شده خود را بیکی از سواحل کوره رسانده ولی در نزدیکی جزایر (لیانکور) د سفینه جنگی ژاپونی که حامل بیرقهای آمیرال توغو د دوا بودند ظاهر شده. (ایزومرود) بسرعت حرکت خویش افزود ولی نبوغاتوف بواسطه خرابیهای مهم سفاین خویش که توانائی و طاقت جنگ نداشت مصمم گردید که بیرقهارا پائین آورده تسلیم دشمن شود. ژاپونیها باز مشغول عملیات متهورانه جنگی بوده بقیه کشتی های روس افرداً بفرد هدف صدمات مینمودند.

آمیرال نبوغاتوف که هیچ اعتمادی بسفاین و عملجات خویش نداشت و کمال نگرانی و عدم اطمینان از توپخانه و قورخانه کشتی های خود داشت بدون آنکه با عملیات جنگی امتحان و تجربه نماید در وسط شلیک و توپخانه قویه خصم بیرق تسلیم کشید.

یک عده قلیله از سفاین روس در وسط گیرودار و نایره جنگ و دود و دود خان آتشخانه خصم توانست از خطوط و صفوف سفاین ژاپونی در رفته بسرعت تمام بسمت ولادوستوک عزیمت نماید و بنابراین زره پوش سریع (آلماز) و یک کشتی مخرب توربیل از خرابی و اسارت نجات یافتند.

توپخانه قویه سفاین ژاپونی که مکمل تر و بهترین توپخانه های موجوده کارخانجات بود باعث تخریبات عمده سفاین روسی گردید چنانچه (کنیاز سوواروف. بورودینو - اوسلیابلیا - الکساندر سوم) بواسطه خمپاره ها و گلوله های مؤثری دچار صدمات و خسارات شده بودند درصورتیکه در هشت هزار متری خصم قرار گرفته بودند.

در سفینه (اورل) چهل نفر مجروح بود و رخنه های بزرگی برداشته تمام قسمتهای فوقانی اش خراب گشته پلها و عرشه کشتی سوراخ سوراخ شده و بکلی شکسته همه جایش تکه و قطعه های آهن و زره و فولاد در چرخها و ماشین آلات قطعه قطعه و زیر و رو شده بود همه جا آثار سوخته گی نمایان بود.

کشتی اورورا که موفق بورود (مانیل) گردید دچار خرابی ها گشته بود ولی کاپیتن وی یکی از جمله فرماندهان لایق و قابلی بود که تا آخرین نقطه وظیفه اش عمل کرده بود.

صبح ۲۸ ماه ژاپنیها با آخرین حملات خویش تمام سفاین خسارت دیده و مغلوب شده روس را از هر سمت راندند و جهازات روسی یا غرق و یا تسلیم ژاپونیها شده بود و از آنجمله کشتی های (نیکلای اول - آپراکزین - سماوین) بدست دشمن افتاده بود.

کشتی های دیگر یکه بسواحل ملتجی شده بودند بمجرد اخطار اول فرماندهی ژاپون تسلیم شده و از اینرو ژاپونیها سه هزار اسیر گرفته بودند.

سه مخرب توربیل توغو دو کشتی روسی را از دور مشاهده کردند که بسمت شمال عزیمت مینمود فوراً تعقیب سر آنها بسرعت تمام افتاده یکی از کشتی های مزبور فرار کرده و دومی توقف نموده بیرق سفید و صلیب احمر را کشید. روسها باشارت فهماندند که نه ذغال و نه آب در کشتی دارند در صورتی که دو آمیرال را هم حامل هستند. چند صاحبمنصب و افراد بحری بازورق وارد کشتی روسی شده آمیرال روژدستونسکی را در روی تخت خوابی مجروح و بیهوش افتاده دیدند که چندین نفر از صاحبمنصبان بحری روس با اتاماژور فرمانده کل اطراف مریض را گرفته بودند در کشتی مزبور هشت صاحبمنصب و هشتاد نفر ملاح بود. مشاهده این منظره بی اندازه ژاپونیها را متأثر ساخت بنابرین کشتی یدک کش ژاپونی بمعاونت مخرب توربیل مزبور شتافته بسمت (ساسه بو) برد. حالا روژدستونسکی بیچاره در مریضخانه (ساسه بو) با یک حالت اسفناک و محزونی خوابیده و وقت ملاقات

برای آمیرال توغو که تمنای زیارت و عیادت آمیرال روژستونسکی مجروح و بدبخت را کرده بود معین نمود وضع و ترتیب مریضخانه مزبور خیلی تمیز و منظم و باسلیقه بود و ژاپونیها در پرستاری و معالجه روژستونسکی خیلی مواظبت میکردند. در موقع ملاقات آمیرال توغو اظهار خیلی تأسف از این پیش آمد کرده گفت (امیدوارم عاجلا شفا یافته و بزودی با صحت مزاج و بهبودی بوطن خود تان معاودت نمائید. گرچه در جنگ این قبیل اتفاقات کثیر الوقوع است ولی از مشاهده این منظره متأثر و راضی نبودم که شما را باین حالت ببینم)

روژستونسکی جوابا اظهار داشت: (تشکرات صمیمانه خود را در این موقع تقدیم و قوه و عظمت جهازات شما را تقدیر و تمجید میکنم. برای من نهایی افتخار است که از یک خصم مقتدر و متهوری مجروح شده ام ملاقات و زیارت شما مایه مزید شرف و مباهات من است و شما را تبریک میگویم که کماندانی یک قوه بحریه قویه را بعهده گرفته اید. همواره از خداوند موفقیات شما را مسئلت و دوام صحت و عزت شما را متمنی است) دولت روس جهازات جنگی را که با مخارج زیاد و زحمات و مشقات فوق العاده از دریای بالتیک با فضای شرق اعزام داشته بود از دست داده و سفاین بالتیک تقریبا هیچ وجود خارجی نداشته و کاملا تخریب و مفقود شده بود.

آمیرال روژستونسکی با جازه آمیرال توغو راپورت ذیل را راجع بمحاربات بحری بدربار پطرزبورغ تبلیغ نمود: (در ۲۷ ماه مه یکساعت و نیم صبح جنگ ما بین قوای بحریه طرفین در گرفت در این محاربات دوازده قطعه جهازات جنگی با دوازده زره پوش ژاپونی شراکت داشت. در دو ساعت و نیم مرکز کماندانی را کشتی (سوواروف) حمل و نقل داده در سه ساعت و نیم یک قسمت ارکان حربیه ما با من از شدت زخم بیهوش افتاده و ما را کشتی (بوئی نی) که عمله جات سفینه غرق شده (اوسلیابلیا) را جمع آوری کرده بودند بردند. فرماندهی جهازات به آمیرال

(نبوغاتوف) منتقل گردید. بوئی نی تمام شب جهازات ما را از نظر خویش گم کرده بود. صبح کشتی (دونسکی) را با دو تورپیل مشاهده کرده عمله جات اوسلیابلیا را با آنجا حمل و نقل دادیم. مرا بسفینه (بیه دووی) بردند. عصر ۲۸ مطلع شدم که (بیه دووی) بدو کشتی تورپیل ژاپونی تسلیم گشته و ۲۱ ماه وارد ساسه بو گردید)

آمیرال توغو هم ۲۹ مه راجع بمحاربات چوشیما و عملیات جنگی خویش و موفقیات سفاین ژاپونی راپورت ذیل را بدربار توکیو ارسال نمود (بزرگترین جهازات ما بیکجا جمع شده به تعاقب خصم پرداخت. از ۲۷ ماه سفاین خصم را دچار حملات شدیده کردیم یک عده از جهازات روس که از (نیکلای اول - اورل - سنیوین - اپراکزین وایزومرود) مرکب بودند راه فرار را گرفتند. چهار کشتی جنگی دشمن ایستاد و تسلیم شد. سفاین ما دچار هیچگونه صدمات و ضایعات عمده نشدند. بنا با ظهارات اسرا و محبوسین روسی در محاربات روز ۲۷ ماه سفاین بورودینو - الکساندر سوم - ژمیت شوغ با سه کشتی جنگی دیگر غرق یافت. و نیز آمیرال نبوغاتوف با دو هزار روس بدست ما اسیر افتاد)

خسارات وارده روسها از ابتدای جنگ با نضمام صدمات فوق الذکر بقرار ذیل است:
جهازات آمیرال ناخیموف - دیمتری دونسکوی - اسوی التانا - آمیرال اوچاکوف - کامچاتکا - ایرچورسک - و سه مخرب تورپیل غرق شده و کشتی (ولادیمیر مانوماش) پس از گرفتاری مغروق گردید. یک کشتی اجاره شده که مخصوص خدمات اختصاصی سفاین روس بود با یک مخرب تورپیل گرفتار دست ژاپونیها گردید. علاوه از این دو زره پوش و یک کشتی متحفظ ساحل با پنج زره پوش کوچک و دو کشتی اجاره با سه مخرب تورپیل دیگر غوطه ور دریا گشته دو هزار اسیر بدست ژاپونیها افتاد راپورت کماندان (ایزومرود) چون خالی از اهمیت نبود در اینجا بذکر آن میپردازیم (۲۷ ماه

سفاین بالتیک به چوشیما نزدیک شده داخل میدان جنگ در یکساعت و بیست دقیقه بعد از ظهر گردید
بدواً گلوله های توپخانه کشتی های ژاپونی بسمت سفاین (سوواروف) و (اوسلیابلیا) متوجه گشته
قبل از ورود شب سفینهٔ مزبوره با کشتی های الکساندر اول – بورودینو غرق شده و سوواروف
کامچاتقا و اورال هم بشدت خسارت زده شده بودند و فرماندهی کل بعهدهٔ نبوکاتوف تفویض
یافته بود. شب نیکلای اول – اورل – اپراکزین – سینیاوین – اوچاکوف – سیسوئی ولیکی
– ناوارین – ناکیموف – ایزومرود) بسمت شمال شرقی متوجه شده و دو زره پوش دیگر هم
از جهازات جامعهٔ روسی ها مجزی گشتند که اثری از آنها بعد پیدا نشد.

۲۸ ماه در طلوع آفتاب از افق مجدداً دود غلیظی برخواست و پشت سر آنهم جهازات جنگی خصم
نمودار گردید. قبلاً یک قسمت کشتی های ژاپونی از چپ و قسمت دیگر از راست ما را تعقیباً
مشغول کردند. منکه نتوانستم بواسطه محذورات کثیره کشتی خود را ملحق سفاین دیگر نمایم با کمال
سرعت بسمت ولادیوستوک و شکافتن خطوط خصم مصمم شده ولی بتصور اینکه شاید به ژاپونی ها
در عرض راه مصادف شده مشغول مدافعه بشوم از مصرف ذغال سنگ قناعت میکردم.

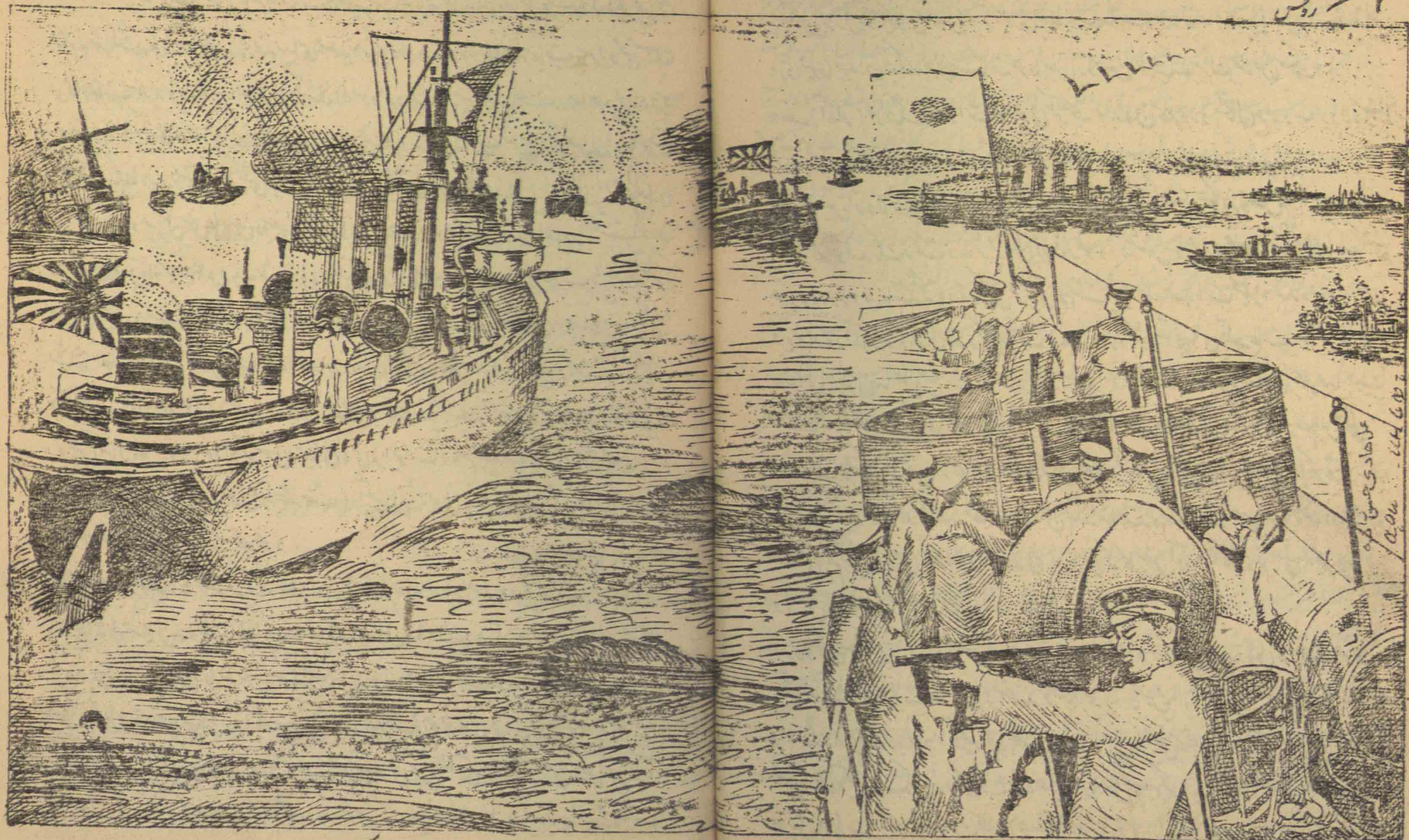
در تکمیل راپورت خویش کماندان (ایزومرود) شرح میدهد که (من نزدیکترین راه را پیش گرفته بسمت
خلیج ولادیمیر متوجه شدم و شب ۲۹ ماه وارد شده در مدخل خلیج بواسطه تاریکی کشتی را روی
تخته سنگی نشست چون پیش از ده پیپ ذغال نداشتیم عمله جات خویش را پیاده کرده قرو و ازور را
آتش زدیم که بدست دشمن نیفتد. در واقع جنگ تمام شده بود زیرا سفاین ژاپونی در هیچ طرف
از روسها مقاومت و ایستادگی نمیدیدند و کشتی های ایشان جز جمع آوری کردن محبوسین کار دیگر
نداشتند. ملاحهای سفاین روسی در آب امواج شنا کرده عده به لنگه های چین و بعضی بجزایر و سواحل
اطراف ملتجی شده و پاره دیگر را هم ژاپونی ها نجات میدادند.

سفاین اورل و نیکلای اول را ژاپونی ضبط و به ساسه بو بردند. عده زیادی از زورقهای
ماهی گیری بمیدان جنگ بحری شتافته غرقابین روسها از چنگ مرگ خلاص میکردند.
سفینه (آلماز) از چنگ جهازات ژاپونی گریخته و بدون محذور و اشکال وارد بندر ولادیوستوک
گردید کشتی های (ایزومرود) و (براوی) هم به بندر مزبور پناهنده شدند.

مخبر روس از ولادیوستوک تلگراف ذیل را نمود (ظهور یک کشتی جنگی روس در ۲۹ مه در جزیره
آسکولد تولید یک رقت و تأثر بزرگی در شهر نمود. در شش ساعتی در خلیج (شاخ طلا) یک کشتی
قرو و ازور دیده شد که دو دودکش بزرگی داشت و دچار صدمات کثیره شده بود. این
قرو و ازور آلماز بود که با سه دکل خراب شده وارد گشته توپهای قلعه جات سلام نظامی دادند
تمام اهالی بطول ساحل جمع شده و صدای (هورا) میکشیدند سفاین متعدده بجلو صاحب
منصبان و عمله جات آلماز فرستاده شد این صاحبمنصبها حکایت میکردند که سفاین جنگی
روژدستونسکی با دشمن در چوشیما جنگ کرده غالب کشتی های روس یا غرق یا گرفتار شده
و یا دچار خسارات عمده گشته بنقاط و سواحل مختلفه پناهنده شده اند. سی ام ماه مه در یازده
ساعتی هم کشتی توربیل انداز (غروزنی) روسی که کاپیتن آن (آندره توسکی) مجروح بود
واصل و به مریضخانه حمل و نقل داده شد.

ورود این سفاین به ولادیوستوک باعث منتها هیجان و تشویش تمام اهالی که انتظار فتوحات
و موفقیات جهازات روس را داشتند تولید نمود. یأس و ناامیدی جانشین شعف و شادی
و امیدواری شده بود. آمیرال انکیست به (مانیل) ملتجی شده و در آنجا تمام سفاینش را
خلع اسلحه و تجهیزات کرده و عملجات و صاحب منصبانش اسیر گردید. آمیرال توغو بدولت متبوعه
خویش در باب نتایج محاربات بحری چوشیما راپورت ذیل را تبلیغ نمود: (باقیمانده سفاین جنگی

تصویر میدان محاربه چوشیما



روسس با شرایط معینه تسلیم و تمام مرتبات و تجهیزات آنرا گرفته بیک حالتی رسید که دیگر نمیتوانند
بمحاربه شراکت نماید. خلاصه راپورتهای متعدده که وارد شده و بنا بتقریرات اسرا و محبوسین
در محاربات ۲۷ و ۲۸ مه سفاین (کنیاز) سوواروف. امپراطور الکساندر سوم. بورودینو
دیمتری دونسکوی. آدمیرال ناکیموف. ولادیمیر مونوماش. نمیت شولغ. آدمیرال اوچاکوف
بانضمام یک زره پوش و دو کشتی سبک غرق یافت. کشتی های نیکلای اول. اورل. آدمیرال
اپراکزین. آدمیرال سنی یاوین و سفینه بیه دووی) ضبط و توقیف گردید. آلمار را انگشت خورده
و مشرف بغرق در ۲۷ ماه دیده شد ولی عاقبت امر آن معلوم نیست. بتفصیلات راجعه در خسارات
سفاین ما هنوز درست معین نشده و میتوانم اطمینان بدهم هیچیک از کشتی های ما صدمات مهمه وارد
نشده تلفات ما هنوز مشخص نشده فقط از دیویزیون اول چهار صد نفر مقتول و مجروح داریم.
والاحضرت پرنس (یوری هیتو) در کمال صحت و استقامت است. آمیرال میسو در ۲۷ مجروح افتاد
. ویس آمیرال کامیمورا خبر داد که کشتی آمیرالی دی (ایوات) نام بشدت کشتی (ایجوک) را در
سعید متری بتوپ بسته و غرق ساخته است). آمیرال ژاپونی اشعار میدارد که سفاین نبوغاتوف
را کاملاً محصور کرده مجبور به تسلیم نمود.
سانحه منحوسه و حادثه مشئومه که از محاربات چوشیما عاید دربار پطرزبورغ گردید. اولیای امور
و تمام اهالی حساس روسیه را بی اندازه متأثر و پریشان ساخت و در تاریخ عالم جنگهای مزبور
فجیع ترین و خونریزترین وقایع حربیه عالم را تشکیل داده و تقریباً سخت تر از جنگهای (آرمادا) و
(ترافالگار) خاتمه پذیرفت چنانچه پس از معاینه تجهیزات و موجودی قوای بحریه که در چوشیما معدوم
و منهدم گردید از چهارده هزار صاحبمنصب و ملاح و سی و پنج کشتی جنگی شش هزار نفر تقریباً اسیر
و از هشت هزار نفر دیگر بزحمت تمام طلیجی ولادیوستوک دو هزار نفر دیگر با آمیرال انکیت پناهنده

مایل شده شش هزار نفر یا مقتول و یا مغروق گشته بود.
چنانچه در محاربات (ترافالگار) هفت هزار نفر مقتول و مغروق و ده هزار نفر معدوم در جنگهای مزبور
که در سال ۱۵۸۸ اتفاق افتاده بود گشته. امّا خسارات وارده این جنگ بدولت روسیه
صد و پنجاه ملیون منات و قیمت سفاین غرق شده و از دست رفته هم ۱۸۵ ملیون منات بود
که این خسارت همه را با خسارات و مصارفیکه مابین ساحت کروپتکین و چوشیما واقع شده یکجا
محسوب بداریم از دویست ملیون منات یا بمعنی نیم ملیار یا هزار کرور فرانک بالغ میشود:
برای تکمیل وقایع جنگهای چوشیما خسارات وارده سفاین بالتیک را ذیلاً شرح میدهیم:
سفاین مغروق و مخروبه (بورودینو - امپراطور الکساندر سوم - کنیاز سوواروف - اورل که هر کدام
دارای ۱۲۱ متر طول (۱۳۶۰۰) حجم مالک یک طبقه فولاد بضخامت ۲۵۴ میلیمتر عمله جات ۷۵۰
نفر (کشتی نیکلای اول ۱۰۱ متر طول ۹۵۰۰ تن حجم زره فولادی ۳۵۶ میلیمتر ضخامت ۲۲ توپ
(۶۱۰) افراد بحری).
(سفینه آدمیرال ناکیموف (۱۰۱) متر طول ۷۷۸۰ تن ظرفیت زره ۲۵۴ میلیمتر ۲۲ توپ
(۵۶۷) نفر عمله جات.
(دیمتری دونسکوی (۶۰۰) تن ۵۰۰ ملاح. ولادیمیر مونوماش ۵۷۵۰ تن حجم عمله جات ۴۹۵
نفر (آمیرال اوچاکوف - آمیرال سنی یاوین - ژنرال آدمیرال اپراکزین) که هر کدام دارای ۸۵
متر طول (۴۱۲۰) تن حجم ۳۱۸ عمله جات. سفاین (سوتلانا و ژمیت شوک هر کدام دارای (۳۰۰۰)
تن گنجایش و (سیسوی ولیکی) ۱۰۵ متر طول هشت هزار تن حجم ۳۶ توپ ۷۳۲ عمله جات (اوسلیابیا)
دارای ۱۳۷۳۰ تن ظرفیت ۱۸ میل سرعت ۶۳ قطعه توپ ۷۶۹ افراد بحری بود. (ناوارین)
(۱۰۳۷۰) تن گنجایش سرعت ۱۵ میل ۱۶ توپ ۶۲۱ نفر عملجات داشت.

از جهازات ابوکچی نبوغاتوف هیچ کشتی باقی نمانده از زره پوش و فرقه و از ورد و متحفظ ساحل گرفته عموماً یا معدوم یا توقیف و گرفتار شده بود.

خسارات و تلفات ژاپونیها نسبتاً خیلی جزئی بود. کشتی جنگی آمیرالی (میکازا) که از همه زیادتر صدمه خورده بود ۶۳ نفر مقتول و مجروح داشت. در ما بقی سفاین جنگی تلفات از مجروح و مقتول بدین قرار بود: آدزوما (۳۹) نفر شکیشیما (۳۷) نفر ازکی (۳۱) فوژی (۲۸) ایدزومو (۲۶) نانی وا (۲۷) توکیوا (۱۵) یاکومو (۱۱) شیتوره (۵) کاراژی (۹) آدسومی (۱۰) چاشی داث (۵) تیباکا (۴) نفر. تلفات سفاین توربیل انداز و مخرب توربیل ژاپونی بشانزده نفر بالغ شده بود. مغلوبیت دولت روس در چوشیما که بواسطه نقصان قوای بحریه و عدم کفایت و قابلیت امرا و صاحبمنصبان بحری روس و قلت تجهیزات و مهمات حربیه خصوصاً عسرت ذغال سنگ و سایر لوازمات نظامی برای اولیای امور دربار پطرزبورغ یک درس عبرتی داد که بعدها با یک دقت و مواظبت تمامی زمام امور سیاسیات خارجه خویش را اداره کرده و نواقص قوای بریه و بحریه خویش را در موازنه پولتیکی دول معظمه عالم با کمال برساند.

باب هشتم

(نتایج محاربات بحری چوشیما)

اثرات مغلوبیت در روسیه و در فرانسه - عقاید یک آمیرال - خشم و غضب اهالی روسیه - مطالبه اصلاحات - سهمت های جدیده باداره بوردگراسها - کنگره مسکو - هیئت نمایندگان - دعوت تزار - بلاد و صحراها - شادمانی در توکیو - تبریکات بتوغو - روزولت و لنکی در ساسه بو - مجلس صلح - طرفداران جنگ - مسئولیت آلمان - مناقشات در اروپا راجع بمراکش - انفصال مسیو دلکاسه وزیر خارجه فرانسه - تبریکات دولت انگلیس بژاپون - توسط رئیس

جمهور امریکا - تجهیزات در ممالک روس و ژاپون - خشم و غضب تزار - استعفای گراندوک الکسیس - وضعیت ژاپون - اغتشاش در هند و چین - انگلیس و آلمان.

مغلوبیت قطعیه بحری دولت روس در محاربات چوشیما بعد از دو ماه از هزیمت قوای بریه روس در موکدن تولید هیجان عمده در محافل سیاسیه اروپا حاصل و یک سوء اثر مهمی بخشیده میتوان گفت فتوحات درخشان دولت امپراطوری ژاپون یک هیجان و اضطراب بزرگی فراهم آورده بود برای آنکه به توازن و تعادل قوای دول معظمه اروپا که مدت مدیدی با یک سیاست متینه محفوظ مانده بود صدمه و تزلزل سختی وارد آورده بر صلح و مسالمت اروپا هم ابواب محذورات و اشکالاترا مفتوح ساخته بود. زیرا که موازنه مابین اتفاق مثنی و ائتلاف مثلث رخنه دار گشته ایجاد رقابت و مسابقت تامه مابین دو دولت امپراطوری انگلستان و آلمان که در ابقای نفوذ و غلبه سیاسی خود با یکدیگر در کشمکش بودند کرده و چون دولت روس بواسطه مغلوبیت اقصای شرق از آن نفوذ و سطوت خویش افتاده و از اینرو قوای اتحاد مثلث یا ائتلاف مثلث را در مقابل اتفاق مثنی ضعیف کرده بود. در هیچ نقطه بیشتر از فرانسه حوادث جنگ مؤثرتر واقع نشده و هزیمت قوای دولت روس که در باطن جزو قوای دولت فرانسه محسوب میشد تزلزلی بارکان قوای جامعه سیاسی و نظامی دربار پاریس وارد آورد و اولیای امور فرانسه کمال سعی و مجاهده را در جلوگیری هر قبیل اتفاقات ناگوار مصروف میداشتند.

آمیرال (مین امه) فرانسوی درباب محاربات اقصای شرق اینطور اظهار عقیده مینماید:
(گرچه آمیرال توغو اظهار فنها مهارت و قابلیت در جنگهای چوشیما بخرج داده اسباب حیرت و تعجب فوق العاده گردید ولی مظفریت قوای حربیه ژاپون نه از استعداد تامه و تجهیزات کامله با خبرت نظامیان دولت مزبوره است بلکه غفلت و عدم اطلاع اولیای امور دولت روس

از جریان اوضاع محاربات قضایای شرق شد و تمام این بدبختی ها ناشی از مسامحه و اهمال کارهای
زمامداران دربار پطرزبورغ باید دانست که مسایل جاریه را از روی دقت و بصیرت تحقیق و وارسی
ننموده بسطحیات و فرعیات پرداخته از اصول صرف نظر نمودند. اشخاصی هم که واقف و مطلع
رموز سیاست و حالت معنویه و روحیه دولت و ملت روس مسبوق بودند متهم و مظنون بتحریک
فساد و انارشی گری شده استبداد رأی باعث اینهمه مصایب گردید و مسلماً در مقابل این حکومت
حاضره که حال و مآل امور را تصویر و تصور نمیکند جبران صدمات و خسارات وارده نخواهد شد
سهل است بر گرفتاریها و بحرانهای حکومت پطرزبورغ خواهد افزود. تمام تقصیرها بعهدهٔ خود
حکومت است که از خطراتی که روسیه را تهدید میکرد پیش بینی و جلوگیری ننمود).

پس از شکست قوای بحریهٔ روس در چوشیما در سایهٔ یک سانسور سخت (هیئت تفتیشیه) دولت
روس چند روزی جلوگیری از نشر خبر مغلوبیت سفاین بالتیک نمود ولی با وجود تدابیر شدیده
خبر مزبور کم کم انتشار پیدا کرده در نزد اهالی تولید تأثر و تحسر نمود. هیچکس دیگر تصور نمیکرد
که روسیه بحراً دیگر بتواند محاربه نماید و فتوحات محیره ژاپون اسباب حسد و غبطهٔ اهالی روسیه
گردید. تردید رأی و مشوشیت افکار اولیای امور دربار پطرزبورغ مجبور بانتشار اخبار مجعوله
نموده اهالی از استماع اخبار دروغ مشوش و مضطرب در هر جا بضد حکومت نمایشات داده
فاعلین و عاملین این مصایب را لعن و تکفیر میکردند. زمامداران دولت حاضره را خائنین دولت
و مخرب مملکت دانسته بنای شورش و عصیان گذاردند. و از طرف دیگر محرکین نایرهٔ بلوا هم
بانتشار اخبار راجع بعقب نشستن ژنرال لینویچ از محاربات جدیده در خاربین و اضمحلال قوای حربیه
روس و غیره بیشتر بر شدت هیجان و اضطراب اهالی می افزودند.

در پطرزبورغ نمایشات شدیده در مجالس ساز و رقص و تیاترها و کوچه ها بعلیه جنگ و حکومت

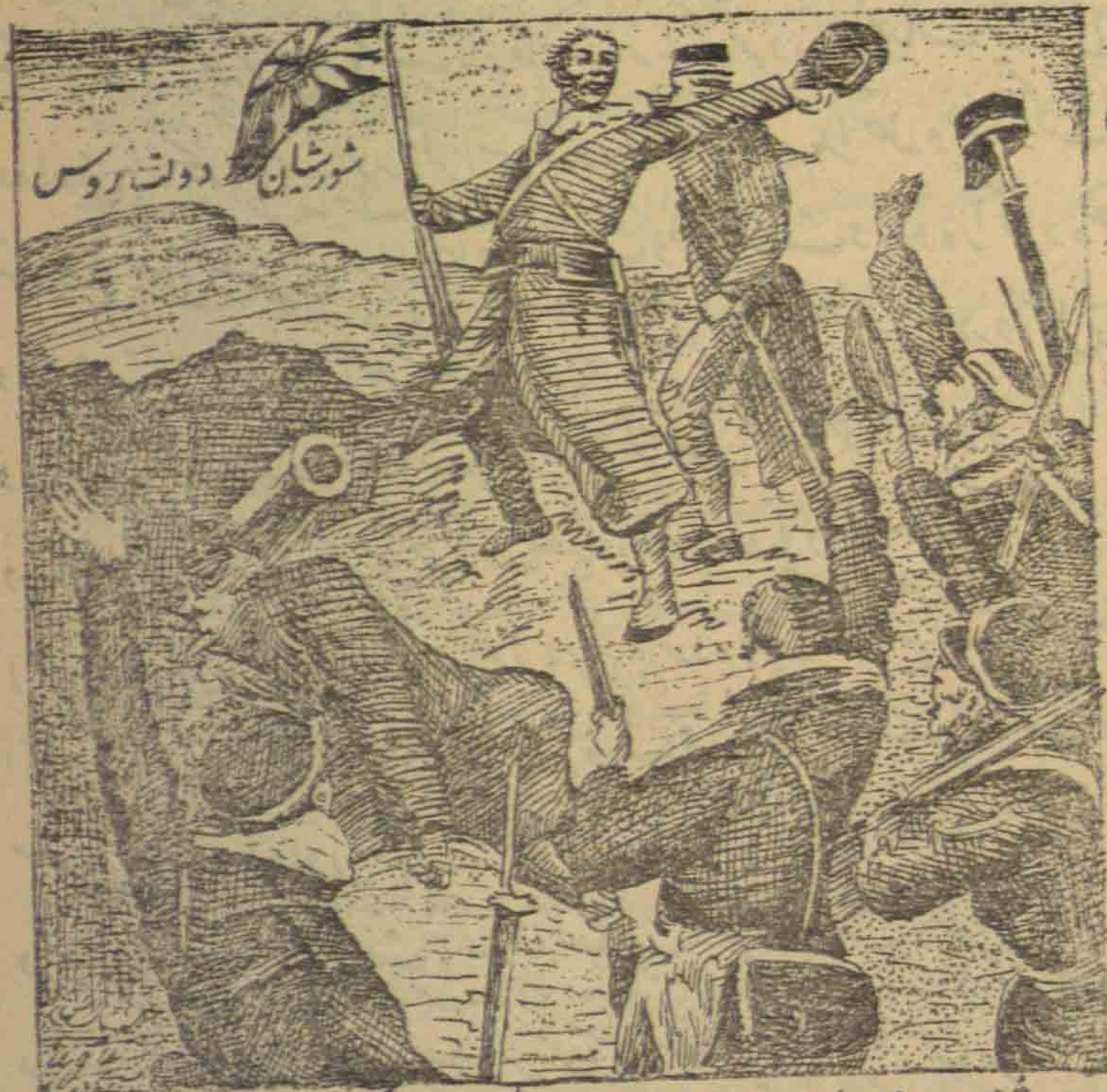
حاضره دیده میشد و مطبوعات روس برای اسکات خشم و غضب اهالی حوادث مجعوله از قبیل فلاکت
توغو فتوحات روژستونسکی و غیره شایع میکردید. تمام ملت یکصدا و هم آواز انعقاد مجلس
شورای ملی و وضع اصلاحات لازمه را مطالبه مینمودند. یک روزنامه روسی بنام (روسکیا ویده
موستی) در درج مقالات راجع بضد دولت حاضره کوتاهی نمیکرد چنانچه در یک نمره اش
مینویسد: (آنچه برای روسیه لازم است زندگی کردن در حیات پولیتیکی و اجتماعی است و باید
بعد از این بازیچهٔ حکومت بوروکراسی نشده در تمام امور مداخله و مشارکت کرده تأسیس حکومت
شوری و تشکیل مجلس ملی جبران تمام خسارات و ضایعات وارده را کرده بقوای مملکتی در مدافعهٔ
وطن قوت و سطوت خواهد بخشید روسیه در خارج نایل عظمت و در داخل دارای سعادت و
رفاهیت خواهد شد و خدمات مهمه در عالم تمدن ایفا خواهد کرد.

در محافل کارگران و رنجبران حرکات عصیان رو بازدیاد و وسعت گذاشته دوم ژوئن در نقطهٔ
(لیستوی کورپوس) نزدیک پطرزبورغ پانزده هزار عمله مجتمع گشته و در جلوشان بیرق قرمز
انداخته بسمت شهر حرکت کردند. دسته جات قزاق بموقع رسیده با هزاران زحمت و اشکال آنها
متفرق ساخته با دادن تلفات بسکوت و تمکین موفق شدند.

در میان اربابها هم شکایت و عدم رضایت کمتر از طبقات رنجبران نبود. چنانچه یکی از آنها بیک
روزنامه نویس فرانسوی مینویسد: (من مغلوبیت دولت روس را حتمی و قطعی میدانستم با وجود
تجهیزات بری و بحری تمام دولت. مهارت و قابلیت روژستونسکی و رشادت افراد نظامی
بحری روسیه از نتایج این حکومت استبدادی که غالب عناصر مهمه ملت را فاسد کرده تصور
موفقیت برای دولت روس ابداً نمیرفت. چگونه یک ملتی غالب و فائق میتواند بشود که کمال نفرت
و خصومت را بزمامداران مقتدر و مستبد خویش دارند. افراد اهالی که در زیر پنجهٔ قاهرانه و ظالمانهٔ

هیئت دولت دچار انواع شکنجه و عذاب هستند بچه دلخوشی عازم جنگ شده خصم را مغلوب نمایند با اینهمه ظلم و جور توانائی و طاقتی در ما نمانده است که بتوانیم بجنگیم)

رپورت آتیه که در ضمن مقالات یک جریده دیگر فرانسوی از زبان یکنفر متمولین ارباب روسیه مندرج است اینطور مینویسد (آقای من! شما هم مثل من مسبوق هستید که تا حال گراندوک سرژ مدیر کمیته توپخانه بود چند ماه است چندین نفر از اعضای کمیته مزبوره از کارخانه کروپ مستمریات متعدده از ده منات گرفته تا پانزده هزار منات تحصیل میکنند در مقابل آن مساعدت با فابریک مزبور کرده همه قسم منفعت میرسانند و بواسطه همین اشخاص سفارشات مهم و معتنابهی کارخانه کروپ از دولت روس دریافت مینماید. علاوه از این ژنرالهای مزبور در هر سفارشی یک کمیسونی می گرفتند. وقتی هم بدولت ماشین آلات برای جهازات و سفاین یا توپخانه و کارخانجات ذوغال سنگ لازم میشد باز همین ترتیب بود. چنانچه اداره امیرالبحری بهترین ذوغال کشتی های جنگی روسیه را از تجارتخانه دنسکی ازنود



ازنود.

ازنود الی صد و ده شلین تجارتهای خانهای آلمانی پول داده. اگر درست توجه نموده مطالبی را که متذکر میشوم از نظر دقت دور نسازند تصدیق خواهید کرد که تمام ملت آلت دست حرص و طمع چندین نفر از درباریان بوده اینهمه مصائب را گرفتار شده اند. جهالت و نادانی اهالی در تمام طبقات حکمفرما است حتی در میدانهای جنگ مانچوری آتامانها و رها از بی سوادی افراد قشون شکایت داشته و میگفتند سربازها سیمهای خطوط تلگراف و تلفون را بریده بند کفش یا بند تنبان خویش میکردند. صاحبمنصبان جز و هم نه خواندن و نه نوشتن بلدند نقشه های جغرافی و مهندسی در نظر ایشان چیز غریبی جلوه میکرد).

مطبوعات روس و ارکان افکار عامه که تقریبا بیکدیگر متحدند علی رغم تضییقات و تهدیدات دولت و شدت سانسور باز بیان نامه های راجع بانعقاد مجلس ملی انتشار داده و در مقابل ارادات مطلقه اطرافیان و درباریان تزار زبان تنقید و اعتراض باز کرده بودند.

امپراطور روس پس از آنکه وعده استرضای خاطر و ترفیه حال ملت را داده بادفع الوقت گذرانده هیچگونه امتیاز لازمی عطا نمیکرد. از هر سمت صدای اصلاحات و ندای صلح و سلامت بلند شده بود. در مسکو نمایندگان (زمیت روس) یعنی مجمع ولایتی بدستیاری انجمن بلدی جلسات متوالیه تشکیل داد. دولت را بر وخامت امور متذکر و بشدت مطالبه سلطنت و حاکمیت ملی مینمودند با وجود این (تزار) در زیر فرمان و اراده پرنس ها و درباریان نافذ و مسلط قرار گرفته کمال ضدیت و مخالفت با تقاضاهای ملت را داشت.

نمایندگان زمیت روس بالاخره بنام ملت هیئتی تشکیل داده عریضه آتیه را به تزار روس تقدیم داشتند: اعلیحضرت همایونی — در اینموقعیکه بزرگترین فلاکت های ملی و سخت ترین مخاطرات برای روسیه و حتی بتاج و تخت امپراطوری وارد شده به تقدیم اینعریضه جسارت ورزیده

تمام

تمام مخالفت و ضدیت هائی که ما را از شما سوا و مجزا کرده و میکنند دور انداخته با یک علاقه تمامی که بوطن و محبت و مودتیکه بخانوادهٔ سلطنتی داریم خاطر همیونی را مستحضر میداریم.

اعلیحضرتا مشاورین و درباریان سلطنت با یک غفلت غیر قابل عفو و با یک سوء استعمال و استعداد مفرطی روسیه را باین جنگهای شوم و منحوس کشانیدند. قوای حربیه را بقسمی محو کردند که دیگر حالت بمداومت جنگ را نداشته و قوهٔ تجربیه ما را هم کاملاً معدوم و منقرض ساختند. سخت ترین مخاطرات نفاق و عداوت داخلهٔ مملکت است نه تهلکه و محذورات خارجی.

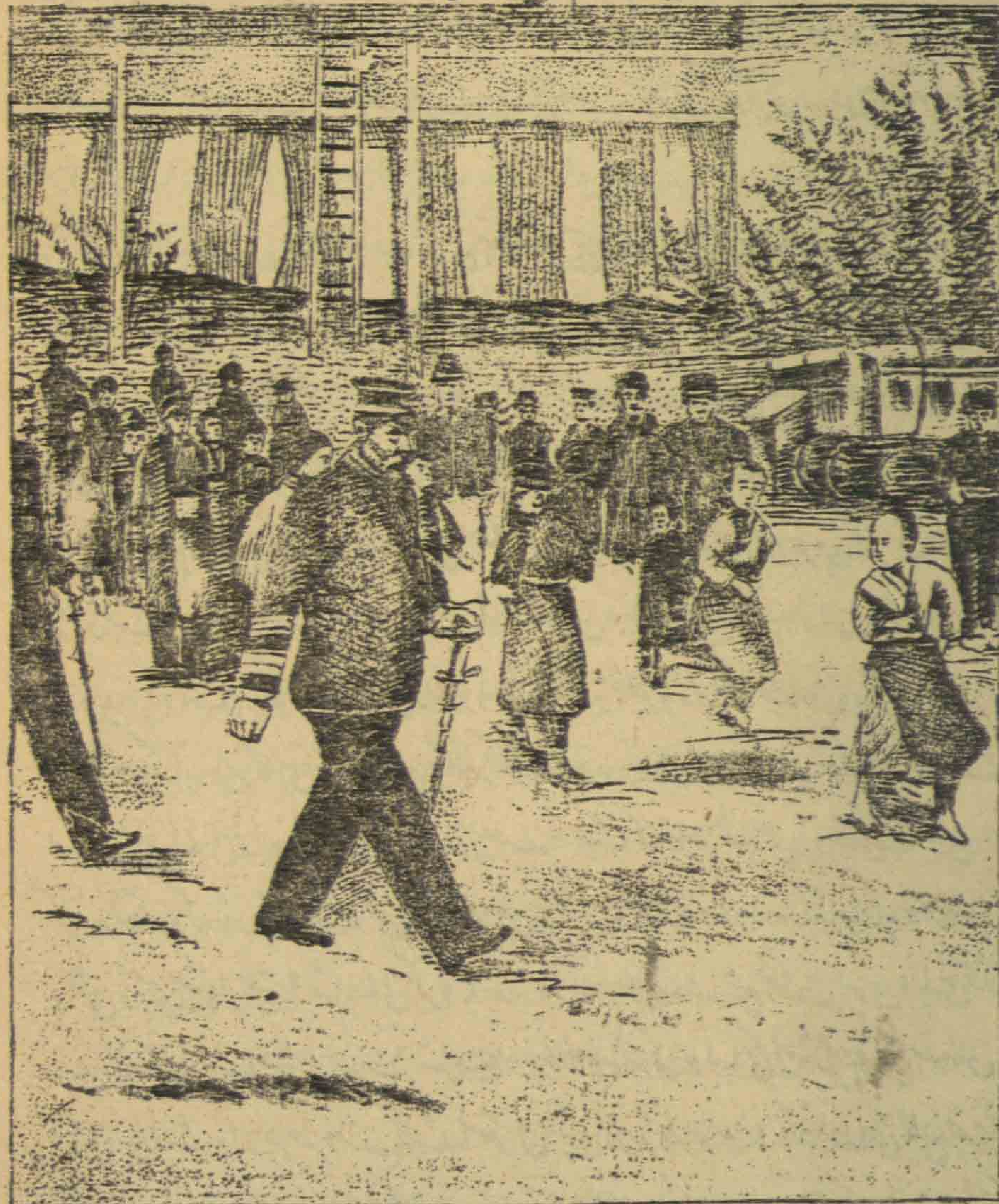
اعلیحضرتا شما مصمم شده بودید که این اصول حکومت را که سر منشاء تمام خرابیها و بدبختی ها است تغییر بدهید. ولی ارادهٔ همایونی بی اثر و بی نتیجه ماند. مادامیکه وقت نگذشته است در استخلاص روسیه از این گرداب فنا و مصایب اقدام نموده امر بانعقاد صلح و تشکیل مجلس ملی بدهید تا آنکه نمایندگان ملت بموافقت دولت در مسئلهٔ حیات مملکت جداً مشغول اصلاحات باشند.

اعلیحضرتا! شرف و عظمت روسیه با امنیت و سلامت داخلی وی که صلح و سکونت خارجی اش تابع او است در دست شما است. بقای عزت و تاج و تخت اجدادی بسته بر اراده و میل شما است، وقت گرانبها را از دست ندهید زیرا که دارای مسئولیت عظیمه هستید جلو خدا و مملکت روسیه)

هیجان و انقلاب در تمام بلاد و قراء و بیابانها حکمفرما بود زارعین و دهاتی ها از شهرها در مطالب حقوق سبقت میکردند و نمایندگان خودشانرا قبلاً تعیین کرده بشهرها روانه داشته در جلسات اجتماعات حضور میرساندند. تعجب در اینجا است که اولیای امور هیچ اعتنائی باین اوضاع ناگوار و اغتشاشات داخلی نکرده بیش از سابق اظهار نفوذ و تسلط در زمامداری امور میکردند و از آنطرف هم مخالفت دولت سبب خشم و غضب اهالی بلاد و خصوصاً زارعین و رنجبران گردیده روز بروز بشدت اصرار و ایستادگی خویش در عصیان و شورش می افزودند.

نوویه

(نوویه ورمیا) و جراید مهمهٔ روس هر کدام شرح مبسوطی نوشته و اظهار عقیده میکردند که مواعید



تصویر عبور ژنرال نوگو از یک خیابان توکیو بعد از مظفریت جوشیما

امپراطوری در تأسیس حکومت ملی در آتیه باعث سختی شورش و اغتشاشات داخله شده است دولت باید تمام زور و قوت خود را بوسایل قویه و شدیده از این پیش آمدها جلوگیری نماید. وعدهٔ قبول

تقاضای

تقاضای یکعدهٔ شورشیان باعث تجری سایرین گشته دامنهٔ انقلاب را وسیعتر خواهد ساخت.
وضع اصلاحات لازمه باقتضای وقت از وظایف دولت است ملت حق مطالبهٔ آنرا ندارد.

با وصف اینحال اختلالات داخلی مداومت داشت و دولت روس را گرفتار محذورات و بحرانهای داخلی و خارجی کرده بود.

در توکیو با یک اشتیاق بل اضطراب تمامی انتظار نتایج محاربات بحری را میکشیدند. وزیر بحریه روز ۲۷ ماه قبل از ظهر از آمیرال توغو اولین تلگرافی را دریافت نمود ولی سانسور مانع انتشار آن گردید. گرچه تلگراف مزبور مشعر بر موفقیات اولیهٔ دولت ژاپون بود با وجود این هیئت دولت چون چندی بود نشر اخبار را خصوصاً راجع بقوای بحری طرفین و محاربات دریائی ممنوع کرده بودند در ۲۸ ماه هم هیچگونه اطلاعی از اوضاع جنگها وارد نگردید. در وقتی که آخرین تلگراف آمیرال توغو در مغلوبیت قطعیهٔ خصم و انهدام و انقراض تمام سفاین و جهازات جنگی دولت روس وارد توکیو گردید. دولت خبر فتوحات بحری را در ردیف اخبار مظفریات متوالیهٔ بری و بحری نشر داد. شیوع این مژده که از دیر گاهی ژاپونیان انتظار آنرا کشیده گاهی در اضطراب و گهی در وحشت و تردید بودند بقسمی اهالی ژاپون را خوشوقت و منقلب ساخت که تمام مشاغل و وظایف شخصی را فراموش کرده نقار و کدورتهای خصوصی را که فیمابین یکدیگر داشتند دور انداخته با یک وجد و شعف باطنی و صمیمی مشغول جشن و شادمانی گردیدند. در تمام بلاد و نواحی مملکت نیپون و پای تخت ژاپون چندین روز و شب عیش و عشرت و شادی و چراغانی مجری بود و یک جنبش فوق العادهٔ در تمام اهالی پیدا شده از هر چیز دست کشیده مشغول جشن و سرور بودند. حکومتهای محلی هم تا یک اندازه ملت را در اجرای هر قسم عیش و عشرت و ترتیب مجالس سور و سرور آزاد گذاشته بودند. خیابانهای توکیو با بهترین وضع و ترتیبی زینت یافته و آئین بسته شده همه جا دستجات موزیک

داورکستر با نواختن سرود ملی وجد و طرب اهالی میافزودند. اروپائیان مقیم توکیو از این ایام جشن ژاپونی ها خیلی حظ و لذت میبردند. کوچه و خیابانها پر از مرد و زن لباسهای فاخر و قشنگ پوشیده مشغول گردش و عیش بودند.

میکادو مستقیماً تلگراف تبریک و تهنیت ذیل را بفرمانده کل سفاین فاتح و غالب خویش فرستاد (جهازات ما که بر جهازات دشمن در تنگهٔ کوره متصادف گشته و بعد از یک محاربهٔ مطول و سختی که چندین روز طول کشید قوای بحریهٔ ما تمام قوای دشمن را معدوم و متفرق ساخت. ما خوشبختیم از اینکه توانستیم در سایهٔ جانفشانی و فداکاریهای قابل تقدیری در بر و بحر خصم را مقهور و مغلوب نموده ارواح اجداد خود مان را راضی و خوشنود سازیم. جنگ امتداد خواهد کرد ولی امیدوارم تا مدتیکه من بصداقت و خدمتگذاری سربازان و صاحب منصبان غیور و رشید خویش دارم مطمئن هستم که تا آخر محاربات همواره فتح و فیروزی با ما خواهد بود) امپراطور ژاپون علاوه از این یک بیاننامهٔ مختصری هم خطاباً بقوای بحریهٔ خویش صادر نمود: (قوهٔ بحریهٔ ما با آن تجهیزات کامله و اطلاعات شاملهٔ که در فنون بحری داشتند سفاین خصم را معدوم و پریشان ساختند و اسباب امیدواری تمامی حاصل گردید ما صمیمانه موفقیات فوق العادهٔ ایشانرا تمجید و تحسین میکنیم).

آمیرال توغو در جواب با یک ادب و استغنای طبع و احترامات ما فوقی بپادشاه متبوع و مفخم خویش اینطور تلگراف نمود: (موفقیات فوق التصوریکه ما حاصل کردیم در سایهٔ توجهات روحانیهٔ اجداد همایونی شما است و نه از عملیات انسانی افراد نظامی. ما تا آخرین نفس خود جان فشانی و فداکار ارادهٔ امپراطوری خواهیم بود.)

آمیرال ژاپونی بعد از مجروحیت و اسارت آمیرال روژدستونسکی نسبت بمشار الیه از ابراز حسیات صمیمانه فرو گذاری ننموده و همواره با یک محبت و احترام تمامی که در خور یک شخص محترم و سردار

نامی است رفتار نمود و ویرا اسیر و مغلوب تصور نمیکرد. آمیرال روسی که بطور سخت مجروح شده بود در مریضخانهٔ نظامی (ساسه بو) قرار گرفته و دولت ژاپون در پرستاری و مواظبت و معالجه او کمال سعی و اهتمام را داشت. وزیر بحریهٔ دولت میکادو بزن مشارالیه تلگراف بیان تأسف و تأثر از این پیش آمد نموده از مجروحیت و ناخوشی و مداوای شوهرش مطلع ساخته و بهبودی معالجات جراحاتش اطمینان کامل داد. و از آنطرف بخود آمیرال مجروح تلگراف ذیل را فرستاد (استدعیم بمن اجازه بدهید که تقدیرات صمیمانهٔ خودم را نسبت بشما در انجام وظایف کاملهٔ نظامی خویش تقدیم دارم. استقامت و متانتی را که در موقع جنگ با یک رشادت و مهارت بی نظیری که بخرج دادید قابل منتهای تمجیدات است خدمات شما در راه وطن هیچوقت فراموش شدنی نیست. بقدری از مجروحیت شما متأسف و متأثرم که از شرح آن قاصرم ولی امیدوارم مساعی و اهتمامات اطبا و جراحان نظامی بزودی وسایل تسلی و تشفی قلب مرا در بهبودی کامل شما فراهم خواهند آورد.

میکادو اوامر لازمه در باب آزادی آمیرال نبوغاتوف صادر نمود ولی مشارالیه مایل نبود بزودی بروسیه معاودت نماید. چند هفته بعد هم ارادهٔ امپراطور روس در باب اخراج ایشان از سلک مستخدمین بحری و معافیت از خدمات نظامی اصدار گردید.

بعد از این فتوحات ژاپونی ها خودشان را مالک الرقاب بحار اقصای شرق قرار داده وسفیر دولت نیپون مقیم لندن در دوائر سیاسی انگلستان اظهار نمود که (امسال سال صدم محاربات ترافالگار مظفریات توغو مارا مشعوف و مطمئن نمود و دیگر هیچگونه تشویش و نگرانی نداریم اگر محاربات امتداد (دلادوستوک) (پرت آرتور) ثانی خواهد بود زیرا که دولت روس قوهٔ اعزام سفاین جنگی باقصای شرق ندارد ولی موفقیات توغو خاتمه بر جنگ نخواهد داد.)

بعضی از جراید فرانسه علت بدبختی های واردهٔ روس را از دولت انگلیس میدهند چنانچه مسیو (رُوده)

دریک

دریک مقالهٔ خویش مینویسد: گرچه ژاپون غالب شد ولی دولت انگلیس بیشتر از ژاپون ثمرهٔ فتحیت و غالبیت اقصای شرق را تحصیل کرد. دولت بریتانیای کبیر وسایل جنگهای مانچوری را فراهم آورده دربار توکیو را واداشت که بطور غیر مشروع به پرت آرتور حمله برد تا آنکه افکار عمومی ملت روس را دچار خشم و غضب نموده صلح و مسالمت را از جنگ ترازر بود و روسیه را مغلوب مقاصد خویش کرد بدون آنکه یک فشنگی یا تیری بمصرف برساند. در ضمن بواسطهٔ امتداد جنگ صدمه و سکتهٔ بزرگی بر قوای حربیه و مالیهٔ روس و ژاپون وارد آمده دربار لندن را از دو حریف پر زور نجات خواهد داد.

مصادف این ایام که افکار عمومی روسیه بلکه تمام اروپا آرزوی انعقاد صلح را داشتند اختلافات و مشاجراتی نفعتاً مابین دولت آلمان و فرانسه راجع بمسائل مراکش و معاهدهٔ مابین دولت انگلستان و اسپانیا ظاهر گردید.

امپراطور آلمان از تشکیل ائتلاف مثلث که از دیرگاهی باینطرف ویرا مضطرب و مشوش ساخته بود فارغ البال و آسوده خاطر گشته وضعیت و پولتیک تهدید آمیزی را شعار خود ساخته زیرا که وجود ائتلاف از میانه برداشته شده و همه سیاسیون عالم فهمیده بودند که موازنهٔ سیاسیات اروپا مرتفع گردید و اقدامات حریصانهٔ دولت آلمان در استقرار و استحکام (اتحاد نژاد ژرمنی) با یک جدیت تمامی اثرات فوق العاده ظاهر میسازد. و از این تاریخ یک منظرهٔ جدیده ولی تهدید آمیزی در نفوذ و تسلط ملت ژرمن و ازدیاد قدرت ایشان در عالم سیاسیات اروپا ظاهر و نمودار گشته است. خط حرکت و مسلک تازه را که دربار برلن پس از این وقایع اقصای شرق برای خود اتخاذ نمود بتمام دول اروپا ثابت و آشکار ساخت که در محاربات روس و ژاپون چقدر دولت آلمان سهیم و علاقه دار مسئولیت موجود بوده است و باطناً فواید و منافعیکه بدست آورده ما فوق منافع انگلستان است

مغلوبیت

مغلوبیت دولت روس قهراً ضعف قدرت و عدم توسعه و انبساط نژاد اسلاو و بالعکس باعث کسب قوه و توسعهٔ نژاد ژرمن است در تحت هیئت محکمهٔ متحدهٔ امپراطوری آلمان .

این را هم نگفته نگذریم که نتایج محاربات اقصای شرق چندی دولت روس را بخود مشغول ساخته و از مداخله و مسایل پولیتیکی اروپا باز خواهد داشت و در نتیجه دربار برلن فراغت و مجال تمامی پیدا میکند که تفوق خویش را در کفهٔ سیاسیات اروپا مستقر و مستلزم سازد .

مطبوعات ژاپون و انگلیس باتفاق تصدیق موفقیات آلمان را در محاربات منچوری مینمودند چنانچه روزنامه (روس) مینویسد : (فوایدیکه آلمان در این جنگ اقصای شرق بدست آورد بیش از تصور ما است . علاوه از منافع نقدی که دربار برلن از بیطرفی خویش تحصیل کرد و معاهدات تجارتی که منعقد ساخت سفاین قدیمه و مستعمل خود را به قیمت گران فروخته و از فروش اسلحهٔ کهنه و ذغال سنگ و مهمات سایره دولت و ملت آلمان فواید کثیره بردند . امّا منافعیکه دربار برلن از حیث مسایل پولیتیکی بدست آورد بالاتر از اینها اهمیت دارد زیرا که وضعیت خطرناک آلمان را مابین دو دولت مقتدر روس و فرانسه تبدیل داده و از تمام اضطرابات و تشویشات وی را مستخلص ساخت و بعدها دولت آلمان که به منتها مقصود و مرام خویش نایل گردید و با کمال آزادی و قدرت میتواند در فضای وسیعهٔ سیاسیات عالم سیر و حرکت نماید .

دولت فرانسه پیش از وقت از نقشه و عملیات دولت آلمان که نایل ترقیات محیره شده بود پیش بینی مخاطرات را از تجاوزات قهریهٔ نژاد ژرمن مانند استیلا و هجوم‌های مغولها در قرون متوسط کرده بود و در نتیجه اقدامات مجدانه از دیرگاهی باینطرف در تشکیل یک اتحاد یا ائتلافی مابین خود و دول روس و ژاپون و انگلیس میکرد تا آنکه خیالات جنگجویانهٔ دولت آلمان را جلوگیری نموده اروپا را از تجهیزات تامه و تنسیقات کاملهٔ قوای برّی و بحری دربار برلن آسوده خاطر سازد و در ضمن دولت

آلمان را تنها گذارد تا آنکه بخود مشغول شده به تقویت و ازدیاد قدرت نژاد ژرمن نپردازد . ولی نقشهٔ متینه و پولتیک دور اندیشانهٔ دولت آلمان مانع حصول این اقدامات و خیالات دولت فرانسه شده بلکه عملیات دربار پاریس و لندن را زیر و رو ساخت روس مغلوب گردید رشتهٔ ائتلاف از هم گسیخت آلمانها نافذالامر و باسط الید گردیدند و دول معظمهٔ اروپا را بیش از پیش از این نتیجه و تدارکات مهمهٔ حربیهٔ خودشان مضطرب و متوحش ساختند .

بنابر آنچه که ذکر شد از ترس استیلای نژاد ژرمن و قدرت آلمان اروپا محتاج بیک صلح و سکونت تامی بود و از هر سو ندای مسالمت بلند شده دول اروپا که در مسایل سیاسی و اقتصادی علاقه دار بودند مخاطرات امتداد جنگ را فهمیده و سنجیده مصمم شدند که داخل وساطت و مذاکرهٔ رفع خصومت بشوند و چندی قبل مقدمهٔ مباحثات صلح را دول فرانسه و انگلیس و اتازونی اسپانیا و ایتالیا موضوع قرار داده بودند که میسیو روزولت رئیس جمهور دولت اتازونی بدول متخاصم پیشنهاد شرایط صلح را نمود میسیو دلکاسه وزیر امور خارجهٔ فرانسه در اینباب اینطور شرح میدهد : (رئیس جمهور بخوبی احساس نمود که انعقاد صلح نه تنها فواید و حقوق متخاصمین را متضمن است بلکه منافع و مصالح دول اروپا هم در ترک مخاصمات و محاربات است و بنابراین در نزد دول روس و ژاپون اقدامات وافیه نمود که داخل مذاکرات صلح شده نمایندگان خویش را معین و بکنفرانس منعقده ارسال دارند و تا یک اندازه آنها را متقاعد ساخت و یادداشتی در این خصوص بعنوان بیطرفی تقدیم دو دربار پطرزبورغ و توکیو نمود . این تشبثات رئیس جمهور منجر بود که در واقع پیش بینی مخاطرات آتیه از امتداد محاربات استقبال منتهای تقدیر و تمجید است)

تکلیف میسیو روزولت با حسن تلقی در نزد دول روس و ژاپون مقرون باجابت گردید ولی اولیای امور طرفین در انجام مذاکرات صلحیه تردید داشتند زیرا که نه ژاپون بواسطهٔ فتوحات خویش دست

ابراز آمالی و مقاصد حریصانه اش میکشید و نه روس حاضر به پذیرفتن شرایط شاقه دربار توکیو بود.
چنانچه نوویه ورمیا در اینباب مینویسد: (هیچ علت غایی در میان موجود نیست که دولت روس را
مجبور بصلح نماید زیرا که این مغلوبیت ها ابدا از قوه و قدرت معنوی دولت روس نکاسته و برای جبران
مافات همه قسم قوه و استعداد را دارد. در اینصورت محض اینکه مقاصد صلح جویانه دول دوست
و همجوار بی اثر نماند در باب طرز و نوع مذاقه در شرایط مصالحه میکند ولی دست از انتقام خصم و امتداد
جنگ بر نخواهد داشت تا آنکه نایل موفقیت بشود).

جریده (نووستی) اظهار عقیده میکند که مذاکرات صلح در اینموقع بی ربط و بیهوده است. درصورتیکه
قبلا شرایط متارکه گشت نشده است. اقدام بعملیات نظامی و مذاکرات صلح در یک زمان متضاد همدیگراند
یا باید دست از تجهیزات و تنسیقات جدیده قوای حربیه موقتا کشید و یا داخل مباحثات صلح نگردید)

با وجود این تفاصیل طرفداران صلح در روسیه بجنگجویان غلبه داشت.

انتشار خبر مذاکرات صلح در محافل نظامی و سیاسی اسباب هیجان و غلیان عمده گردید اولیای امور
دولت ابدا حاضر نبودند که بعد از اینهمه مغلوبیت ها تن بیک مصالحه با ننگ و توهین آمیزی بدهند
و جدا امتداد جنگ را طالب و راغب بودند. حتی در اردوهای اقصای شرق روس هم این مسئله
سوء اثر بخشید و ژنرال لینویچ فرمانده کل تمام ژنرالها و سرداران و امرای بزرگ قوای بری را
جمع کرده تشکیل یک کنفرانسی نمود و موضوع کنفرانس را در اتخاذ دو شق مقرر یا جنگ و یا صلح قرار داده
و بعد از مذاکره و گفتگوی چند ساعت در اوضاع حرب و قوای موجوده و استعداد حربیه حاضره
متفقا قرار دادند که جنگ را ترجیح و امتداد بدهند و بموجب یک تلگراف به تزار روس نتایج
کنفرانس و مقاصد خویشرا مخابره نمود: (خاطر اعلیحضرت امپراطوری را مستحضر میداریم که پس از
استماع پیشنهاد مسیو روزولت رئیس جمهور دولت آتازونی در انعقاد صلح که تقدیم دربار امپراطوری

نمودند من و تمام سرداران و ژنرالهای اردوهای اقصای شرق را جمع کرده در موضوع صلح و مقایسه
قوای حربیه طرفین و عده قشون و مهمات جنگی و سایر شرایط محاربات مذاکرات کردیم و پس از
تحقیق و وارسی کامل از استعداد خویش که کاملا مساوی بل زیادتر از خصم بوده جدا حاضریم
تا آخرین نقطه بجنگیم و شاهد فتح را با آغوش بگیریم: جسارتا عرض میکنیم که حالا موقع گشادی صلح
نیست. فتوحات موکدن و چوشیما دولت ژاپون را نه بقسمی مغرور ساخته است که حاضر بانعقاد
صلح با شرایط مقتضیه بشود ما برای ابقای شرافت دولت و ملت داخل جنگ شدیم مسلما قبول
پیشنهادات صلح ژاپون باعث سلب شرافت دیرینه ما است و آنگهی دلیل و علتی در بین برای
مصالحه موجود نیست زیرا که عدم استطاعت و ضعف بهیچوجه بر ما وارد نشده است. گرچه در محاربات
چوشیما نایل موفقیت نشدیم ولی قوای حربیه و اردوهای نظامی حالیه ما بقسمی منظم و مکمل است که
قهرا و جبرا خصم را گوشمال سختی خواهیم داد. هیچگونه قصور و نواقصی از حیث تشکیلات حربیه نداریم
مواضع قشون ما فوق العاده محکم و مستحکم است موسم بارندگی مانع اجرای تجاوزات و تعرضات
بقوای دشمن بود. حالیه که ضایعات و تلفات محاربات موکدن را تکمیل کردیم و بواسطه قوای
جدیده وارده از اروپا اردوهای ما هم کاملا مرتب و مهیای مخاصمات شده است بکمال اطمینان و
امیدواری بموفقیات آتیه خویش داریم. در جریان این ماه مصمم تدارک لوازم حملات باردوهای ژاپون
خواهیم شد. خاطر اعلیحضرت همایونیرا مستحضر میداریم که از قدرت و قوه و استعداد مهمه اردوهای ما
و استحکامات مواضع ما مطمئن و دلگرم باشند و اینرا بدانند که ما تا از این جنگ فاتح و مظفر در نیائیم
صلح نخواهیم کرد ...... و هم ژوئن ۱۹۰۵ از غوشولین تقدیم گردید..... امضا: فرمانده کل
(لینویچ) فرماندهان و رؤسای اردوها (کوروپاتکین — کولبارس — باتیانوف) رئیس ارکان حرب
(ساخاروف) ژنرالهای اردوها (رننکامف — زاروبایوف — بیلدرلینغ — نیوف —

سامپرونوف – دانیلوف – کورف وغیره) تمام دستجات قشون وافراد نظامی اردوهای روس
ازین قرارداد قطعی وعریضهٔ تلگرافی فرماندهان وژنرالها خوشوقت شده واظهار امیدواری
واطمینان بفتح ونصرت وعدم قبول شرایط صلح ومتارکه را در اینموقع نموده ازاین اقدام روسای
خویش تشکر وامتنان کردند.

رئیس جمهور امریکا مستر (روزولت) که در متانت واستقامت رای وعزم راسخ معروف وباکثریت
آرای هیئت جامعهٔ حزب دموکراسی (امریکا بمقام منیع ریاست جمهوری منتخب ومنصوب شده بود در موقع
خویش در انعقاد صلح جداً ایستادگی کرده دو دربار پطرزبورغ وتوکیو را حاضر ومتقاعد باجابت تکالیف
خود نمود. تزار روس بعد از تردید ونتیجهٔ مشاورات دیوان عالی عسکری حاضر شد که اقلاً اطلاعی از
مطالبات ومدعیات ژاپون در شرایط صلح حاصل نماید. از آنطرف هم دربار توکیو برای آنکه مقاصد
ومنیات خویش را پیشنهاد ساخته وازین فداکاریهای فوق العاده نتیجه بدست آرد متمایل پیشنهاد
روزولت گردید. چیزیکه باقیمانده بود انتخاب سفرا ونمایندگان وتنظیم اعتبارنامه های ایشان
وتعیین مملکت یا شهری برای تشکیل کنفرانس در قبول ورد شرایط متارکه بود.
گرچه طرفین قبلاً پس از تکلیف عقد مصالحه شرایط ومواد معاهدهٔ خویش را بطور غیر رسمی وغیر مستقیم تنظیم
وتدوین کرده بودند ولی اینها اساس مصالحه را نمیتوانست تشکیل بدهد.

مدعیات ومطالبات ژاپون بقرار ذیل بود.

۱) مطالبهٔ خسارت جنگ یک ملیارد ودویست وپنجاه ملیون منات. —
۲) تفویض تمام ایالت مانچوری به چین در تحت حمایت نظامی واداری ژاپون. —
۳) برقراری کوره در تحت حمایت ژاپون با تعیین یک خدیو واشغال نظامی آنجا. —
۴) واگذاری پرت آرتور به ژاپون. —

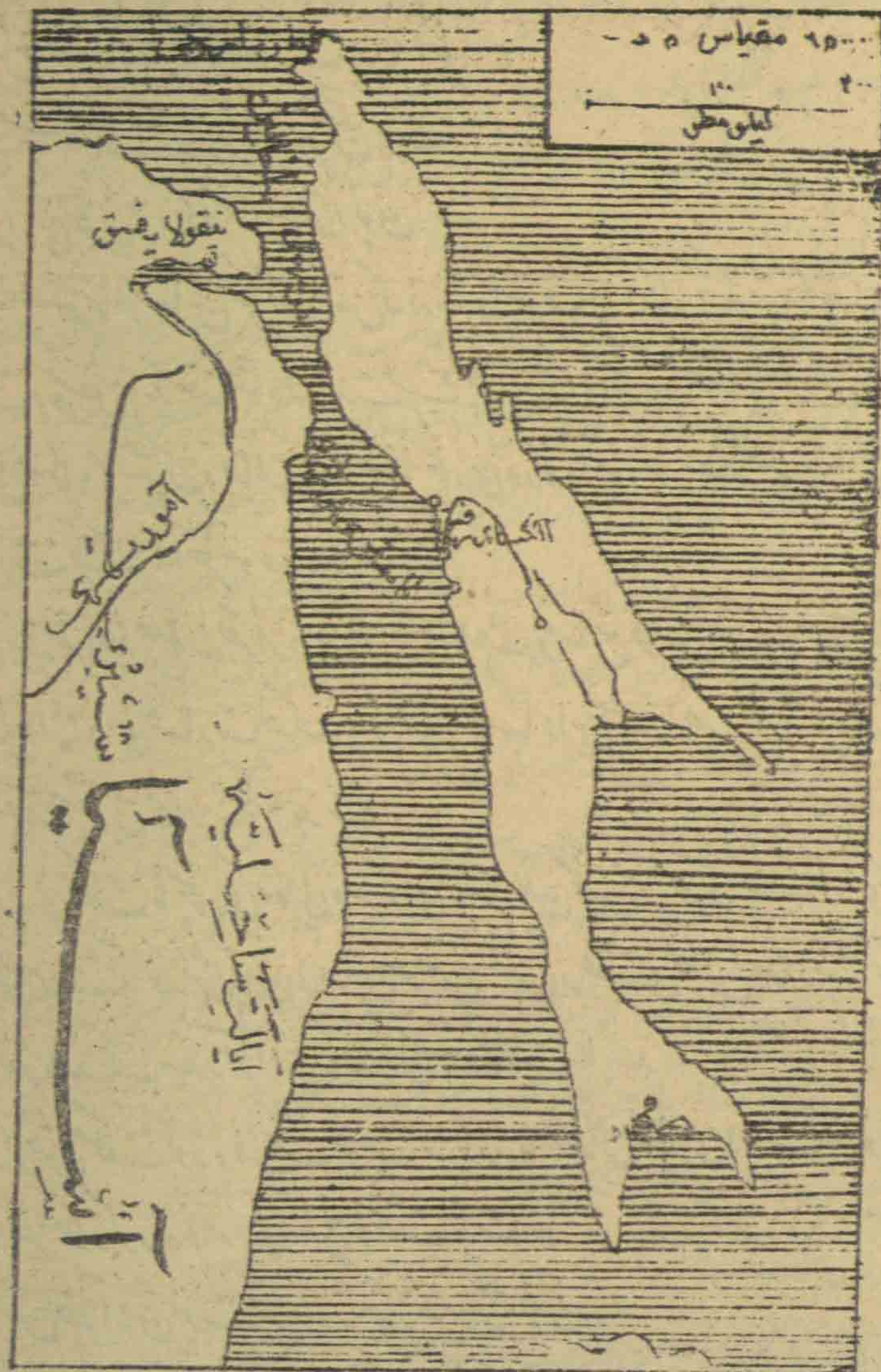
۵) تفویض

۵) تفویض تمام خطوط ماورای مانچوری بژاپون. —
۶) افتتاح ماورای سیبری بتجارت بین المللی. —
۷) تخریب استحکامات ولادوستوک. —
۸) واگذاری جزیرهٔ ساخالین بژاپون. —
۹) تفویض وتسلیم تمام سفاین جنگی روس که در بنادر بیطرف از آغاز جنگ پناهنده شده اند. —
۱۰) دولت روس باید متعهد شود که تا مدت بیست وپنجسال قوای بحریه باقصای شرق ارسال ندارد
۱۱) اشغال ولادوستوک وایالت ساحلی مانچوری ورود آمور بواسطهٔ ژاپون برای وثیقه وضمانت
تادیهٔ خسارت جنگ تا آخر موعد تادیهٔ آن.

دولت روسیه شرایط صلح را بقرار ذیل موافق شرافت ومنافع خویش محدود ومیباحث.
۱) امتناع از ادای خسارت جنگ. واگر ژاپونیها درین مبحث اصرار داشته باشند دولت روس
تا آخرین نقطه مشغول محاربه خواهد شد.
۲) واگذاری مملکت مانچوری شمالی ومرکزی تا خارمین بچین در تحت حمایهٔ اداری ونظامی ژاپون
۳) تفویض پرت آرتور بژاپون (در این موضوع بعض از اعضای مجلس اظهار مید اشتند که شهر
پرت آرتور باید یک بندر آزادی وبدون استحکامات باشد.
۴) قرار گرفتن مملکت کوره در تحت حمایت ژاپون با اشغال نظامی دولت مزبوره در بنادر آن
بشرطیکه امپراطور کوره دارای تاج وتخت باشد.
۵) تفویض خط آهن پرت آرتور تا خارمین بژاپون.
۶) افتتاح ماورای سیبری بتجارت بین المللی.
۷) ولادوستوک بندر آزاد باید باشد (تخریب استحکامات ولادوستوک داخل مذاکره نگردیده

سهل است

سهل است باکمال شدت رد شد.



۸) تفویض ساخالین بژاپون.

۹) امتناع از تسلیم سفاین جنگی روس بژاپون که در بنادر بیطرف محبوس مانده اند.

۱۰) عدم قبولی از اینکه دولت روس متعهد بشود که بیت و بحبال در بحرهای شرق سفاین حربیه نداشته باشد خلاصه اش این است که دولت روس بطور قطعی شرائط دولت ژاپون را راجع بتادیه خسارت جنگی تفویض ولادوستوک تسلیم سفاین جنگی ژاپون رد کرده و فقط یک قسمت پیشنهادات دربار توکیو را در باب مانچوری و کوره و تفویض یک قسمت جزیره ساخالین را قبول مینمود.

با وجود این طرفین باکمال جدیت مشغول تدارکات جنگی بودند مثل اینکه هیچگونه صلح و متارکه بمیان نیامده فرقه های چهارده و پانزدهم ورشو و فرقه دوم گارد پطرزبورغ فرقه سوم گارد ورشو و دوم سواره نظام مستحفظ پطرزبورغ و فرقه سوم مستحفظ مسکو بموجب اراده امپراطور تجهیز و مأمور اقصای شرق شدند.

تزار روس تمام امرا و رؤسای بحری را مأمور داشت در وضعیت سفاین جنگ بالتیک تحقیقات لازمه نموده علت مغلوبیت آنرا تفتیش و وارسی کرده راپورت آنرا تقدیم نمایند. ولی آمیرال روژستوسکی و آمیرال انکمیت را معذور داشته و فقط مأمورین بزرگ بحریه که تجهیز قوای بالتیک را کرده و چند ماه بتأخیر انداخته بودند مقصر و مجرم فرض میکردند.

تزار برای تسلیت افراد نظامی و بحری سفاین بالتیک به آمیرال (انکمیت) تلگرافی نمود (من صمیمانه از فرماندهان و صاحبمنصبان و عمله جات (اولغ - اورورا - ژمت چوغ) بمناسبت خدمات صادقانه ایشان تشکر مینمایم و امیدوارم خیال شما از خدماتیکه در محاربه بزرگ بحری انجام داده اید شما را تسلی خواهد داد) و علاوه ازین بکماندانها و افراد بحریه سفاین جنگی که به ولادوستوک ملتجی شده بودند اظهار امتنان نمود.

اغتشاش شهر ورشو دولت روس را از تجهیزات تامه شهر مزبور باز داشت و یکمقدار قشون موجود را برای حفظ امنیت و جلوگیری شورش آنجا گماشت.

آمیرال

امیرال (آوللان) وزیر بحریه مجبور شد که از مقام خویش دست کشیده استعفا بدهد.
نیکلای دوم مصمم گردید که غراندوک الکسیس را از فرماندهی کل منفصل سازد و بنابرین کاغذ
ذیل را بمشارالیه نوشته و ارسال نمود: (پدر متوفای من نظر بکفایت و قابلیت و کثرت خبرتیکه
از شما بروز کرده بود برای خویشی شما را معاون و کمکی در اصلاح و تشکیلات قوه بحریه روس منتخب
نمود و از آن تاریخ شما همت و بجیال تمام با یک فعالیت خسته نشدنی در احیا و تجهیز سفاین حربیه
ساعی و کوشش نمودید حالیه نظر بتقاضای شما که چندین مرتبه کرده و الآن هم اصرار در اجابت
آن دارید شما را از فرماندهی کل جهازات جنگی و وزارت بحریه معاف داشتیم. خدمات شما را
هیچوقت فراموش نکرده همواره در قلب خودم حسیات صمیمانه و دوستانه نسبت بشما داشته و دارم
آمیرال (چوکین) یکی از رفقای (آوللان) در پاریس در ۱۸۹۳ و فرمانده سفاین جنگی روس در
بحر اسود از سواستوپول به پطرزبورغ برای اداره کردن وزارت بحریه و فرماندهی کل جهازات
حربیه دولت روس احضار گردید مشارالیه کسی بود که آمیرال آوللان وزیر بحریه سابق میخواست
فرماندهی سفاین بالتیک را که با یک بدبختی تمامی در چوشیما مغروق و معدوم گردید تفویض نماید
۱۸ ژوین تزار روس بعد از تردیدهای زیاد و عدم میل و استبدادی که درباریان خویش حاضر گردید
که نمایندگان کنگره مسکو را بحضور خویش قبول نماید و پرنس (تروبتزکوی) پیش امپراطور اینطور
هیئت مزبوره را معرفی کرد (اعلیحضرتا — ما امروز بحضور شما مانند اتباع صادق و خوشبخت مشرف
شده و با امپراطور خودمان خالصانه گفتگو خواهیم کرد. ما را هموطنان خودمان مأمور داشته اند
که در حضور شما ادله قطعیه که علت خرابی مملکت روسیه شده است عرض نمائیم. اعلیحضرتا — این طرز حکومت
استبدادی و حاکمیت مطلقه درباریان سلطنت که خود شما هم ملتفت شده اید اسباب این بدبختی های
حاضره را فراهم آورده و اگر علاج عاجلی نشود مملکت و ملت را بوادی انقراض خواهد کشاند ما در صحت

مواعید اعلیحضرت تردید نداریم ولی اشخاصیکه مأمور اجرای آن هستند با لقای وساوس و دسایس
میان ملت و پادشاه نفاق و کدورت تولید کرده اند. اشخاص مزبور ما را در نزد شما انارشی جلوه
داده و ما را متهم بفساد و آشوب ساخته و میسازند در صورتیکه جز آسایش تاج و تخت امپراطور و
فواید و مصالح ملت و رفاهیت و ترقی مملکت و عظمت و سعادت دولت منظور دیگری نداریم.
از صفحات مطالب و تقریرات مزورین و خائنین مملکت صرف نظر نمائید و نصایح مشفقانه ملت
خودتان را بپذیرید.)
بعد از نطق پرنس مسیو (فلک ورف) یکی از نمایندگان شروع بخطابه نمود (اعلیحضرتا — هنوز که
از نیات و مقاصد همایونت در باب ترک مخاصمت و انعقاد صلح مسبوق نیستیم ولی روزی خواهد
آمد که صلح برقرار خواهد شد آنوقت باید معالجه و مداوای صحیحی در التیام جراحات و زخمهای مؤثره
مالیاتی و اقتصادی بنمائیم. عقیده ما این است که بودجه مملکت را اصلاح و واردات مملکت را از
سه صد ملیون منات بچهار صد ملیون رساند تا آنکه بمخارج و مصارف لازمه دولت کفایت نماید
و لازم است داخل عملیات و اقدامات مجدانه در ترقی و تمدن مملکت گردید و این ممکن نخواهد شد
مگر آنکه تمام اشخاص قابل و عالم و با هنر را که در هر قسم صنعت و علم و حرف اطلاع و خبرتی دارند
داخل خدمت کرده و از وجود آنها استفاده نمود و تقاضاهای ملت را پذیرفت تا اهالی مملکت از
شهری و روستائی متحد و متفق شده با جان و دل مشغول انجام وظایف باشند.
نیکلای دوم پس از استماع بیانات ایشان اظهار نمود (من از تقریرات شما خوشوقت شده و شکی و
تردیدی در حسیات صمیمانه شما در خدمت ملت و دولت ندارم و آنچه مستقیماً با خودم طرف گفتگو
شده و اظهارات خودتان را بلا واسطه بمن گفتید خیلی شاکر و ممنونم. من قلباً با ملت خودم شریک
غم در مصائب وارده اقصای شرق بوده و حاضرم که با جدیت تمامی بتعمیر و اصلاح معایب امور

وتهیه وسایل جبران خسارات و صدمات وارده هستیم اراده من تغییر ناپذیر است بتمام اهالی بلاد
و دهات اراده امر ابلاغ دارید که منظور و مقصودی بجز صلاح اهالی و آبادی مملکت و سعادت
و خوشبختی ملت چیز دیگری ندارم و از ملت خودم مساعدت و مظاهرت کامله را متوقع و منتظرم که با
تمام با من کمک نموده و موفق باصلاحات و تنظیمات بشویم)

پس از روز خونریزانه ۲۲ ژانویه یک عده زیاد صاحبمنصبان که از بغض و کینه و عدم اعتماد اهالی
نسبت بخودشان متأثر و مضطرب بودند تشکیل اجتماعاتی داده و همان روز یکه تزار نمایندگان ملت را
بحضور خویش قبول نمود چندین هزار نفر از صاحبمنصبان از هر طبقات نظامی در (ذکر اسنوی سلو)
جمع شده و یک میتینگی تشکیل داده برای رفع این خصومت و اتحاد با ملت اقدامات مؤثرانه میکردند
در ژاپون جشن های بزرگی بشرف سربازان فاتح انعقاد داشت یک اردوی جدید مرکب از باتالیون
های احتیاط و ردیف تشکیل میداد شصت توپچی خمپاره انداز نوس گروپ بمانچوری فرستاده شد
در سایه مالکیت و آمریت مطلقه بحری دربار توکیو هیچگونه خسارت و صدمه محسوسی بمسائل تجارتی و اقتصادی
در مملکت میکادو وارد نشده و تجارت مانند سابق از جنگ و بلکه رو بترقی و ازدیاد گذارده بود
مقدار صادرات و واردات مناسب با سال ۱۹۰۳ بود چنانچه صادرات از (۲۹۰) ملیون ین
(۲۹۳) ملیون رسید و واردات سال ۱۹۰۴ (۲۳۲) ملیون ین نسبت به (۲۸۹) ملیون ین
بود. فقط در مسئله ذغال سنگ که دولت ژاپون سالی به بنادر و سفاین روس میداد از هیفده
ملیون و نیم به سیزده ملیون ین بمناسبت محاربات مانچوری تنزل کرده بود که فی الجمله بدربار توکیو
کسر و نقصان وارد میآورد.

از عدم انعقاد صلح و امتناع دولت روس در پذیرفتن شرایط مصالحه اسباب وحشت و اضطرابی
در اروپا فراهم آمده و فرانسه از نتایج فتوحات دولت ژاپون خیلی در تشویش و نگرانی بود زیرا که

میترسید

میترسید که جاه طلبی ژاپونیان ایشانرا وادار بعملیاتی بکند که در نزد اهالی بومی مستعمرات فرانسه
(کوشین شین . تونکن . کامبودج . عنام) سوء اثری ببخشد. در سال ۱۸۹۷ مسیو دومر فرمان
فرمای هند و چین بدربار پاریس چنین نوشته : وضعیت فرانسه نسبت بژاپون غیر از وضعیتی است که با چین
داشته زیرا نه تنها ژاپونیها مداخله ما را در سال ۱۸۹۵ فراموش کرده اند بلکه خیلی خصومت آشکارا
با ما پیدا کرده اند. جاه طلبی و مدعیات ژاپونیها پس از این فتوحات درخشان که ایشانرا مست
و مغرور ساخته تمام ملل را که علاقه در آسیا دارند تهدید میکنند خصوصاً دولت فرانسه را در خصوص
دولت میکادو که هنوز ایالات مفتوحه چین را هضم و تحلیل داده و یک تفوق و مزیتی در اقتصادیات شرق
حاصل کرده است خود را وارث متصرفات اروپائیان در آسیا فرض میکند و بدین نتیجه قوای بری و
بحری خویشرا اتصالاً زیاد کرده و برای ما مخاطراتی در آتیه فراهم میآورد. بنابرین قوه بحریه
فرانسه علاوه از آنکه بمراتب فایق تر بر ژاپون باشد باید ما همیشه یک قوه مهمه در مستعمرات آسیائی
خودمان نگهداریم.

روزنامه (اکو دو پاری) یک راپورت سری آتاماژوری ژاپون را راجع باستیلای هند
و چین ژاپون انتشار داده و بمدلول آن مخاطرات آینده را پیش بینی کرده و دولت فرانسه را
متذکر بعواقب وخیمه مستعمراتی میکرد و ادله زیادی در اینباب ذکر مینمود

مصادف این ایام در (بین هو ئا) چهل کیلومتری (سایغون) پای تخت مملکت هند و چین فرانسه
شورشی برخواست و افکار عامه فرانسویها را که مستعد وحشت بود بیک هجوم و استیلای قریب
الوقوعی تهدید میکرد و در صورتیکه اختلافات مابین دولت آلمان و فرانسه در باب مسئله مراکش
سرزده و روز بروز بر وخامت آن افزوده و از طرف دیگر رقابت های تامه مابین دربار
لندن و برلن در تفوق و برتری بیکدیگر در نفوذ و تسلط سیاسیات عالم بجای باریکی کشیده

احتمال

احتمال حدوث محاربات مابین آلمان و انگلیس میرفت خصوصاً اتحاد روس و فرانسه که بواسطهٔ مغلوبیت روسها در فضای شرق متزلزل گشته و مجالی برای جولان آلمان و انگلیس در میدان مکاشفات مسائل پولیتیکی و استفادهٔ فرصت فراهم آورده بود.

در اینموقع مشاجرات و اختلافات ملل عظیمه اروپا بود که دولت اتازونی برای ابقای صلح عمومی و راحت محاربات فضای شرق را مضر حالت حاضرهٔ دول معظمه دیده و چون جنگهای روس و ژاپون بیشتر بر وخامت و غلظت این بحرانهای متمادیه و رقابت های متوالیه میافزود و عالم را بمحاربات عمومیه تهدید میکرد بنابرین بجدیت تمام وسایل ختم محاربات و مخاصمات ماچوریرا که در واقع مقدمهٔ مخاطرات آتیه فرض میکرد فراهم آورد و هر دو دربار توکیو و پطرزبورغ مستعد و حاضر باصغای تکالیف صلحیه دربار واشینگتون ساخت.

باب یازدهم

(اردوهای لینویچ)

فرمانده کل ژنرال لینویچ موفق به تشکیلات و انتظام قوای حربیه گردید - اطلاعات و ابلاغات دینی - فقدان معنوی اردوهای روس - تفوق ژاپونی ها برای محاربه - جاسوسان چینی - ادارهٔ قشون ژاپون - غفلت و بی تدبیری روسها - دستجات میچنکو - ورود اخبار جنگ بحری چوشیما - اخطارات لازمه لینویچ و اعتماد کوروپاتکین - جنگ پنجم و ششم ژوئن - بطالت و مسامحه کوروپاتکین - عقب نشستن روسها - در خارچین - مجروحین و ناخوشها - محاربه ۳۰ ژوئن و اول ژوئیه - در کوره - تعرضات ژاپونیان در ۵ ژوئیه و نقشهٔ ایشان - فعالیت ارکان حرب نیپون - فرماندهی کل -

---

اولین تکلیف ژنرال (لینویچ) تحمیل شده بود انتظار ورود قوای امدادیه بود که تلگرافات

پطرزبورغ بمشارالیه اطلاع میداد که در اینمدت بایستی قوای موجودی خویشرا در تحت یک نظام و انتظام خوبی نگهداشته و افراد دستجات خود را که چندی بواسطهٔ مغلوبیت های میدانهای جنگ مرعوب و متوحش شده بودند قوی دل و مطمئن بر موفقیات آتیه سازد.

انقضای موسم یخ بندی و فصل بارندگی که قسمت مهم ماچوری را تبدیل بدریاهای باطلاقی و گل و لجن نموده بود عملیات نظامیرا تا یک اندازه غیر ممکن ساخته و چندین هفته در حالت تعطیل گذارده موقعی برای تکمیلات تشکیلات و تجهیزات طرفین فراهم آورده بود.

لینویچ سان تمام اردوها را دیده تمام دستجات را فرداً بفرد از حیث مهمات و لوازمات مستعده و سببی جنگی وارسی نمود و برای تخفیف دادن عدهٔ غیر جنگجویان تفتیشات لازمه از حال بومی ها نموده این بومی ها که از اهالی چین بودند در اردوی روس مشغول عمله گی و بیگاره گی بودند (بیگاره عمله است که مفت و بدون اجرت کار میکنند)

ژنرال روسی در یکی از بیاننامه های خویش میگوید که (من دقت کردم که در آخرین جنگ ها صفوف دستجات بکلی بواسطهٔ زیادتی مستخدمین که در کارهای غیر از جنگ مشغول بودند دچار ضعف شده و بنابرین بتمام رؤسای دستجات اخطار نمودم که تحقیقات کامله خدمات مأمورین و مستخدمین خارجی را معین نموده و بچه لزوم از این اشخاص نگهداشته از عدهٔ آنها آنقدر که ممکن و مقدور است بکاهند و در ضمن متذکر شدم که در هر دهم و بیست و پنجم ماه رؤسا و ژنرالها عدهٔ موجودی قشون جنگجو را با اشخاص غیر متحارب باداره ارکان حرب صورت بدهند)

ژنرال لینویچ برای حمل و نقل مجروحین خود سربازهای رفیق خود شانرا معین نمود که سابقاً یک عده اشخاص از اهالی محلی برای اینکار مأمور بودند و اعلان نمود که در موقع جنگ هر زخمی را باید دلداری و تسلی داده اسباب وحشت و خوف ویرا زایل ساخت و هر چه زودتر بمریضخانه

متحرک نزدیک رساند. و تمام تعلیمات خود را راجع بنواقص اردو مجری داشته روسا و ژنرالها مشغول آن قرار داد. این اقدامات و تشبثات ژنرال لینویچ که میخواست اردوهای خویش را داخل فعالیت تامه و عملیات جنگجویانه کامله نماید بیشتر در قوای خصم مؤثرتر گردید.

یکی از اثرات جالب دقت مواظبت و مراقبت ژاپونی ها در اعمال خصم و حرکات منظم دستجات ایشان بود. ژاپونی ها با یک تکمیلیت تمامی شرایط اصول علم نظام جدیده را بموقع تطبیق و اجرا گذارده در اجرای مانورهای متعدد و ترتیب سنگربندی و غیره نمایشات مختلفه در مقابل قوای روسی داده حرکت تقریبی پیاده نظام. قطع مسافت قشون احتیاطی حمل و نقل مجروحین تمام با یک نظام و انتظام معمول و مجری می شد)

مخبر نظامی آلمانی اظهار میدارد که هیچیک از اردوهای منظم دول حاضره در حسن استعمال توپخانه خویش و نصب آنها در مواقع مناسب مانند ژاپونی ها استاد و ماهر نبودند و علاوه ازین ژاپونی ها در ترتیب و ساختن پناهگاههای طبیعی در موقع حرکت قشون و شروع محاربات جنگی خبرت و بصیرت داشتند و هرگاه ازین پناه های طبیعی مفقود میشد در موقع احتیاج سوراخها و گودالهای متفاوت کنده در انجا قرار گرفته بدشمن شلیک میکردند.

ارکان حرب ژاپونی اتصالاً مشغول براین بود که جناحین اردوهای روس را هدف تعرضات و حملات خویش قرار داده و برای فریب دادن روسها داخل عملیات شده و در همان موقع از قوای خود وضعیات و حرکات ایشان اطلاعات لازمه تحصیل میکرد.

چند روز قبل از رجعت موکدن در ایستگاه شهر مزبور یک چینی را روسها توقیف کردند که در سر میزی نشسته و در ضمن آب جو خوردن یادداشتهائی راجع بوضعیت قوای روس مینوشت و این از بدیهیات است که یک دولت متحاربی که بخواهد کسب اطلاعی از تمام جزئیات خصم خویش نماید

باید

باید جاسوس های ماهری داشته باشد که در توی اردوها با یک تردستی داخل شده اطلاعات لازمه را بدست آرد و بدبختانه ژاپونی ها از دانستن حقایق قوای دشمن از هیچ اقدامی فروگذاری نمیکردند

امور ارزاق و اعاشه اردوهای ژاپونی در این جنگ بحدی مرتب و منظم بود که هیچگونه نقصان و فقدانی برای افراد نظامیان و جنگجویان موجود نبود. جیره سربازان ژاپونی نان نبود بلکه برای هر فردی دویست گرام برنج و چهارصد و پنجاه گرام گوشت تازه و گاهی پرنده میدادند و بعض اوقات ۲۲۰ گرام ماهی شور یا ۳۲۰ گرام ماهی خشک میدادند.

فرماندهی که مباشر ارزاق و آذوقه اردوهای ژاپونی است بعتنی در تهیه لوازمات معیشت تمام افراد قشون و حتی اسب و قاطرها پیش بینی و مواظبت میکرد که بهیچ جه سختی و عسرتی برای قشون مقصود و ملحوظ نشد چنانچه در بعض مواقع علاوه از جیره و مقرری آذوقه سربازان هفته بطور فوق العاده بیست گرام قند و هفتاد سیگار با ششتای پنج تخم مرغ میداد. خوراک اسب ها هم عبارت از سه کیلوگرام و نیم گاودانه و دو کیلوگرام علیق و دو کیلوگرام کاه بود و گاهی هم ارزن و ذرت نیز داده میشد.

حمل و نقل آذوقه از هر قبیل بواسطه عرابه ها و اتوموبیل و غیره بطور محکم باربندی شده توی صندوقها و کیسه یا جوالهای محکم گذارده شده مجری میگشت. گوشت و ماهی را خشکیده چائی و قند را عصاره اش را کشیده با نان بخاری و آرد. گندم و برنج حمل و نقل میدادند علیق و علوفه حیوانات را بند و دسته های محکم می بستند. وقتی که دستجات در حرکت بودند اضافه و علاقه آذوقه را با مؤخر الجیش نقل میکردند.

در باب البسه قشون مملکت نیپون هیچوقت در تنگی نبوده باقتضای فصل سرما و گرما پوشاک کافی و راحتی داشتند چنانچه قشون روس از خوراک و پوشاک ایشان که از هر حیث تفوق و برتری بر ایشان

داشت

داشت غبطه و حسد میبردند و این سختی گذران و قلت آذوقه و کثرت قناعت و صرفه جوئی ملکه اهالی
اولیای امور و رؤسای نظامیان روس که بافراد دستجات تحمیل میکردند کم کم تولید انزجار
و عدم رضایت نموده و مستعد عصیان و سرکشی میساخت علاوه از این تهیه و تدارکات کامله
خصم را که از هر جهت حتی بجزئیات حوایج زندگی ممتاز و آراسته از خود میدیدند بیشتر بر حسد و خشم
و غضب ایشان میافزود خصوصاً رؤسا و فرماندهان اردو با یک سختی و شدت نسبت بصاحب
منصبان و افراد نظامی رفتار کرده علاوه هرگونه احتیاجات ایشانرا گرفته و محدود بیک زندگی
مختصر بعبارة اخری بیک قوت لایموتی کرده بودند.

دستجات سواره نظام (میچنکو) با یک فعالیت و هشیاری گاهی در پی اکتشافات مواقع حربیه و مواضع
خصم و گهی مشغول مصادمه با سوارهای (خونغوز) و پاره اوقات هم مبارزه یا مدافعه با سواره نظام
ژاپونی میکردند. آخر ماه مه ژاپونیها نقشه حرکات تعرضکارانه خویشرا میکشیدند. چنانچه در محاربات
رود یالو که پس از تکمیل استعداد خویش آغاز تجاوزات نموده و بهمان ترتیب در محاصره پرت آرتور
که پس از مغلوب ساختن خصم در جنگهای (لیائو یانگ) پیش بردند همین قسم مشغول عملیات مجدانه و
تطبیق نقشه جات موثرانه بودند که منظره محاربات موکدن را تجدید کرده ژنرال لینویچ را در میدانهای
خارپین و ولادیستوک دچار مغلوبیت و هزیمت قطعیه نمایند.

اردوی ششم ژاپونی در تحت فرمان ژنرال (نازه گاوا) در جوار (ژنسان) از دو روزه و بواسطه
فتوحات بحری چندیست مشغول اخراج قشون و تهیه لوازمات کافیه جنگی با یک فراغت و راحتی
بود. ژنرال مزبور پنجم ماه مه وارد (اوزی نیک) واقعه در روی رود (تومن) در شمال کوره گردید.
در این اثنا اردوی روس همه روزه قوای امدادیه دریافت میکرد و بدبختانه مجبور شد که جبهه
عسکر خویشرا توسعه داده تا سواحل و اطراف مغولستان داخل عملیات نظامی قرار دهد.

از روز تخلیه (سین مین تین) روسها جاده که از (هالکان و گیاکلیتا) میگذشت برای تهیه آذوقه
و لوازمات خودشان از چین بکار انداخته بودند.

مصادف این ایام پرنس (لئوپولد دو پروس) که یکی از شاهزادگان بزرگ خانواده سلطنتی آلمان است
برای تکمیل اطلاعات و تحقیق جریان محاربات و مخاصمات طرفین وارد منچوری گشته ژنرال لینویچ از
مشارالیه پذیرائی شایانی نموده پرنس مزبور پس از توقف چند روز در اردوگاه روس بسمت اردوی
ژاپون حرکت نمود.

ژنرال لینویچ چندی اخبار مغلوبیت محاربات بحریه دریائی چوشیما را مکتوم و مستور داشت ولی بالاخره
ناچار گردید که بافراد قشون خبر ملالت آور را تبلیغ نماید. بنابرین بیاننامه ذیل را در اردوهای خویش
نشر و اعلام داد: (محو و انقراض جهازات بالتیک گرچه بزرگترین مصایب و آلامی است که بما
رسیده ولی نباید از این قضیه مأیوس گردید زیرا که هنوز سرنوشت و مقدرات محاربات حاضره
مشخص و معین نشده و منوط بر جنگهای بزرگ آتیه است. مقصود ما احراز موفقیت بخصم و شاد کردن
ارواح صاحبمنصبان و سربازان مقتول محاربات اقصای شرق است که امیدواریم در سایه رشادت
و فداکاری شما نایل بر مرام شده شرافت و سطوت دولت متبوعه خودمان را بیش از پیش مستقر و مستحکم
سازیم) حادثه مغلوبیت بحری در تمام افراد قشون روس خیلی مؤثر واقع گردید بقسمی که تمام مناظر
اردوهای مزبور را یک حزن و کدورت مخصوصی فرا گرفته بود. خصوصاً وقتی که کشیشان برای مقتولین
قشون بحری روس در سفاین بالتیک مراسم مذهبی و آئین روحانی ترتیب داده و مشغول ادعیه
خواندن و سرود الهی گفتن بارواح صاحبمنصبان و افراد بحری جنگ چوشیما شدند که در تمام مدت
صدای ناله و گریه بلند گردید. ژنرال لینویچ از مشاهده انحلال و وخامت امور را برای ضعف
و یأس سربازان از نتایج این مغلوبیت درک و احساس نموده با تدابیر لازمه بجلوگیری آن پرداخت

تا یک اندازه توانست که وسایل دلداری و تشویق قشون را فراهم آورد.

در پنجم و ششم ژوئن قوای بری روس بواسطه تقرب اردوهای مکمل ژاپون خود شانرا مستعد و حاضر بجنگ نموده و با پیش قراولان طرفین مصادمات مختصره و غیر مهمه اتفاق افتاد.

سواره نظام میچنکو نزدیک (سین یین تین) بدستجات ژاپونی برخورده با دادن تلفات راه جوی را برگردانیدند چنانچه تلگراف مختصر مارشال اویاما که بتوکیو فرستاد حاکی براین بود که اردوی دوم ژاپونی با کمال آهستگی پیش رفته و سواره نظام میچنکو را از جلو خط حرکت خویش دفع و برطرف نمود ژاپونیها (اوموزو) را که در (۱۲۰) کیلومتری مشرق (کیرین) بود و یک چهار راه معبر و مهمی را در منتهاالیه خطوط (تومن - ولادیوستوک - نینوگوتا) تشکیل میداد اشغال کردند. (۱۶) ژوئن مقابل (لیائویانگ - ووپینگ) حمله بردند تا آنکه تخطیات تهدیدانه سوارهای میچنکو را جلوگیری نمایند و از نتایج این اقدامات هیجدهم ماه دو فرقه قشون روس را از سمت یسار (لیائو) طرد و تبعید نمودند در اینموقع آتاشه میلیتر (مامورین نظامی و نمایندگان عسکری) دولت اجنبیه سایر هدف تعرضات توپخانهٔ ژاپونی گشته و چند نفر از ایشان مجروح گردید خصوصاً این واقعه مصادف عودت پرنس لئوپولد آلمانی باردوگاه روس بود.

در نوزدهم ژوئن وضعیت دو قوای حربی روس و ژاپون بترتیب ذیل قرار گرفته بودند: (جلو جناح راست روس در جادهٔ (داوا) تا (گومان - دن - سیمان) ژاپونیها از (لوتزیا - دوپن) بسمت (پاپائو - توان) خود شانرا کشیده و بعکس آنها (سین لون - چوتن) را که در ۲۵ کیلومتری شمال (زچان توفو) بود اشغال کرده و بعد هم (تزیا - کئو) را در پنج کیلومتری شمال (سین لون - چوشن) ضبط نمودند.

ژاپونیها که در تنگاه (چومان - میائوتزه) را که بر معبر تنگ (یان تزی - لینگ) مسلط بود گرفته

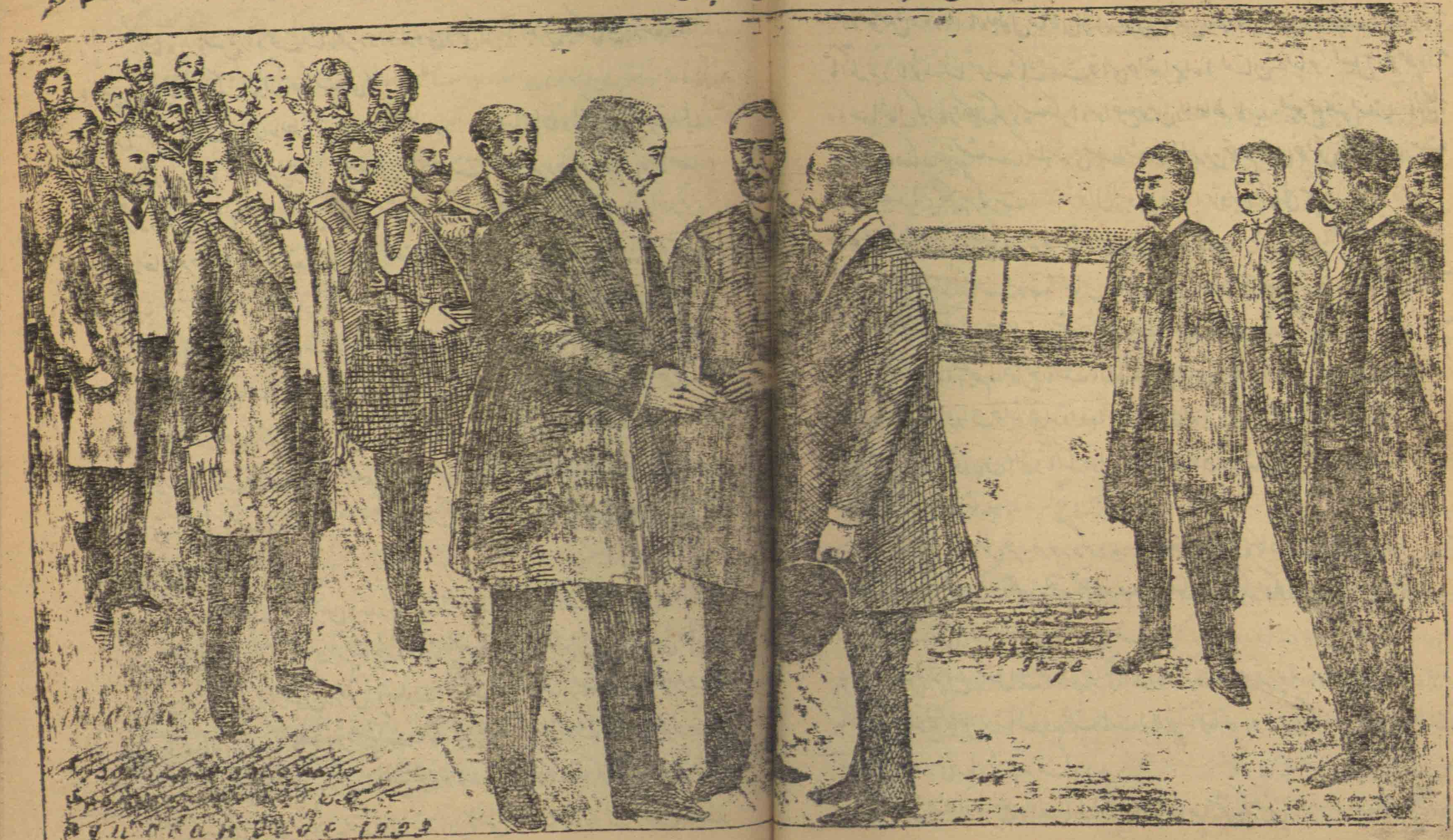
بطور مخصوص در روز ۱۹ ماه بطول خیابان (ماندارین) پیش رفته و از (لیائو مالینگ) تجاوز نمودند تا آنکه به (لائو - تمبا) رسیدند یک قسمت قوای خویش را بهمراه (لیتسان - میائو گیبل) و اغوام وارد روسها شمال کوره را تخلیه کرده سنگرها و مواضع تومن را احاطه نمایند. لینیویچ تلگراف نموده است: روزن دچار مخاطرات در یک جبهه ششصد کیلومتری منبسط شود و بنابرین تمام قوای خویش را در سمت راست در پناه سنگرهای محکمه مرکزیت داد. ژنرال لینیویچ در ۱۷ ژوئن تلگرافی مخابره نمود (در هشت ساعت شانزدهم ماه صبح یک فوج از قشون ما در (لیائو یانگ - شون پن) با خصم مشغول زد و خورد شده و این قریه را از سمت جنوب اشغال و تعرضات ژاپونیها را جلوگیری نمود ساعت شش خصم عقب نشسته و در هشت ساعت احساس حرکات دشمن را نمودیم که جناح ما را مجبوراً بعقب بر گردانند. دیگر راپورت دیگری دریافت داشتیم که جناح راست ما را یک فوج پیاده نظام با ۲۳ اسکادرون سواره و توپخانهٔ ژاپونی هدف تجاوزات خویش قرار داده اند و این اقدامات ایشان کماندان فرقه ما را مجبور بتخلیهٔ (لیائو یانگ - شون پن) نمود تا آنکه بتواند دستجات خود را بیک جا جمع کرده از حملات سواره نظام ژاپون مدافعه نماید.

پیاده نظام ژاپونی داخل قریه فرلوره گردید. ساعت ده سه اسکادرون ژاپونی (سیمی یانشن) را متصرف شده دستجات ما را مجبور به تغییر محل نمودند. بنابر اطلاعاتیکه از کوره رسیده دشمن در ۱۵ ماه از (کونگ - شن) به (موتزان) پیش رفته اند)

۲۰ ماه روسها شروع باکتشافات نمودند برای آنکه از اهمیت قوای ژاپونیها و مواضع ایشان در جادهٔ ماندارین اطلاع کامل برسانند و بدینجهة دهات (لائو - تمیائو) و (مین گوتا - کائی) اشغال و ۲۱ ماه قدری زیادتر پیشرفت کردند.

در ۲۱ ژوئن در جوار (ینغ چانگ) یکدسته پیاده نظام دشمن که بیش از هزار نفر بودند جلو آمده

تصویر نمایندگان جهت صلح مابین دولت روس و ژاپون



متأسفانه روسها را در تحت فشار قرار داده ولی وقتی که به (هیغرین یا نگشان) رسیدند روسها از پیشرفت ایشان تا یک اندازه جلوگیری نمودند.

ژنرال لینویچ راپورت ذیل را به پطرزبورغ ارسال نمود: در اوضاع اردوها هیچگونه تغییر و تبدیلی حاصل نشده در ۲۰ و ۲۱ ژوئن ژاپونیها مقابل جناح راست حرکت کرده و قراقهای ما ملاحظه نمودند که دشمن از سمت شرق خط آهن با قوای مهمه پیش میآیند بنابرین عقب نشسته پس از اخذ قوه امدادیه مقام تعرضی را احراز نمودند ژاپونیها فوراً عقب نشستند. در سمت جاده ماندارین هم دشمن یک حرکت بسیار مؤثری بعمل آورده بطرف (گوژنتسی) جلو رفته به پیش قراولان ما شلیک کرده و آنها را بعقب کشیدن مجبور نمودند. ژاپونیها در پنج کیلومتری توقف کردند. بعد ما بطول جاده ماندارین مشاهده کردیم که دشمن با دو رژیمان پیاده و دو باطری توپ با توپهای کوهستانی از یکطرف و طرف دیگر از سمت مغرب سه باتالیون پیاده یک اسکادرون سوار با سه قطعه توپ پیش میآیند و بنا برین مصمم شدیم بسمت جلو حرکت کرده خصم را از خط عبورش منحرف سازیم و برای حصول این مقصود به (کیای - میائو) رسیده ژاپونیها خودشانرا عقب کشیده و ما بتعاقب ایشان شروع کرده بعضی مواضع عمده را اشغال کردیم).

ژاپونیها بواسطهٔ عملیات جنگی خویش جبههٔ روسها را منبسط ساخته و در تحت تهدید قرار داده خصم خودشانرا عقب نشانده در اولین اقدام جناح روس را بپائین (گیرین) برگردانده و روسها بسمت (سانچنگ سو) که پنج هزار قشون ژنرال (مادریلوف) متوقف بود خودشانرا کشیدند. شهر غربود در سر جاده (بازی نان - کیرین) واقع و قریب شصد خانوار است که ادارهٔ مباشرت روس مرکز مخزنهای ذخیره و آذوقهٔ خویش قرار داده و ترتیب مواضع متینه دفاعیه داده بودند. در کوره ژاپونیها در پنجم ماه به (کیونگ - سیونگ) بعد از محاربه مهمه وارد شده و روسها بسمت (یوژونگ) عقب نشستند

ژاپونیها بهرجا داخل شده اند خودشانرا صاحب و مالک دائمی فرض کرده بتصرفات قطعیه بعمل آورده فوراً از تمام امور کشوری و اداری هر نقطه را بدست میگرفتند چنانچه مأمورین ایشان بدون استثنا در تمام امور و مهام ممالک و بلاد از قبیل (تاش - کیائو - نوچوانگ - انشانزان - لیائویانگ - فنگ هوانگ - جنگ - سیچن) مداخله کرده در تمام مشاغل و امور جزئی و کلی نظارت و مراقبت داشتند.

در پرت آرتور حکم دادند که تجار اروپائی شهر را در مدت چهل روز تخلیه نمایند و هیچکدام از دول معظمه اقدام به تنقید یا اعتراض ننمود. این است دورهٔ انتقام نژاد اصفر از نژاد ابیض!

در نزد قوای روسی که در خاربین قرار گرفته بودند عدهٔ زیادی مبتلا بمرض اسهال خونی شده هیجده مریضخانه که هرکدام هزاران مریض داشتند در شهر و در خارج ترتیب یافته بود. روسها با کمال فعالیت مشغول تهیهٔ قوای دفاعیه بودند. مواضعی را که توپخانه قرار گرفته بود بتازگی ۲۸ توپ گروپ دوازده پوسی و ۳۶ توپ نه پوسی دریافت داشته و یک عدهٔ زیادی از تجار از ترس وقوع محاربات مغازه های خویش را البته به سپرده عزیمت میکردند.

در مقدمهٔ الجیش طرفین مصادمات زیادتر از سابق اتفاق افتاده ژاپونیها بر تهورات و حملات خویش به جبهه های قوای روس میافزودند. تلگراف لینویچ در تاریخ ۲۷ ژوئن عقب نشستن یک قوهٔ مهمه روسها را بواسطهٔ حملات ژاپونیها خبر میداد.

قوای ژاپونی از نتایج حملات جناح شرقی روس نقاط (شوشنگ) را اشغال و ۲۹ ماه بلندیهای شمال (لشان - چن تزه) را در راه (سین کنیک - کیری) متصرف شدند.

در کوره دوم ژوئیه در طلوع صبح چهارصد سوار روس با توپخانه برای اقدام تحقیقات جدیده حرکت کرده ولی حملات ژاپونیها آنها را با دادن تلفات عقب نشاندند. مصادف این ایام یک قسمت قشون ژاپون برای برگرداندن خط رجعت روس حمله برده روسها را بسمت شمال راندند.

۵ ژوئیه جناح یسار رایونی حالت تعرضی را گرفته صبح زود مقابل (بنگ هه) و (لونکوشان) حمله کرده، روسها آهستگی از جلو دشمن نمود شار کشیدند ولی در هشتم ماه تعرضات مزبوره تجدید یافته مقدمه الجیش و دسهار العقب نشستن مجبور نمودند.

قوای لینویچ از دو جناح بواسطهٔ هجوم دوچار تهدید شده فرمانده کل فرمان ساختن سنگرها و استحکامات برای پوشاندن تجهیزات و سنجات خویش داد.

فصل پنجم

باب دوازدهم

مسئله صلح — طرفداران جنگ — انقلابیون — اقدامات سوسیالیست‌ها در ورشو — اغتشاش در شهر لودز — مقتولین و مجروحین زیاد — یهود و یهاد اهالی لهستان — سکه بندی و جنگ در کوچها — جهازات بحر اسود در روس — سرایت شورش در میانهٔ افراد بحری اودسا — عصیان در سفینه جنگی (کنیاز پوتمکن) — شورش — غارت و حریق — کشتی شوریده در سواحل رومانیا — هیجان در اسلامبول و در تمام اروپا — سفاین جنگی روس برای مطیع ساختن کشتی عاصی شده — پوتمکن در تئودوزیا و تسلیم شدن آن در هفتم و هشتم ژوئیه در کنستانتزا و شرایط تسلیم آن.

مذاکرات صلح برای انتاج یک متارکه و استقرار مصالحه قطعی با یک بطائت و سکونت تمامی مجری میشد و طرفین انتظار محاربات ضروری و حتمی الوقوع قوای لینویچ و اویاما را می کشیدند. رئیس جمهور امریکا با تکاپوی فرانسه و انگلیس اقدامات بیهوده در ترک مخاصمات نموده و تشبثات متوالیه وی در دربار پطرزبورغ و توکیو حسن اثری نمی بخشید. یک حادثه جدیده دیگری اروپا را بیشتر از سابق راغب و مایل بانعقاد صلح و خاتمه دادن محاربات قصای شرق نمود و آنهم عبارت از غرق کشتی (سن کیلدا) انگلیس بواسطه قرووازور (دمتیه یر) روسی در آبهای چین بود که دولت روس برای جلوگیری

اختلافات جدیده فوراً بمقام ترضیه برآمده و قبول خسارات وارده را نمود. در روسیه بدون استثناء بر عدهٔ صلح جویان می افزود ولی باز یک عده از معاریف رجال و اشخاص با آل مین در طرفداری جنگ باقی بوده و عقیدهٔ ایشان این بود که جنگ مستلزم خیالات و نیات دیرینهٔ دولت روس است زیرا که انعقاد یک صلح با شرفی میتواند تامین عظمت و سطوت روسیه را نماید برای آنکه در مقابل خویش دو طرف پرزور و قوی موجود بوده اولی اعنی اولا باز دیاد قوای بری و بحری و انفاذ نفوذ تجارتی و سیاسی خویش جداً و با کمال فعالیت میکوشید که عبارت از آلمان است و دومی بر وسعت متصرفات مستعمراتی خود افزوده بهیچوجه نخواهد جاه طلبی و مملکت ستانی خویشتن را محدود و معین سازد.

پولتیک متخذه دولت روس توسعه و انبساط ممالک خویش بود در تحت قانون فهم تغییر دادن ملیت و قومیت نژادهای مختلفه ممالک متصرفه به نژاد روسی بخلاف دولت انگلیس که یکدولت مستعمراتی بود. دربار پطرزبورغ گویی عملیات و طریقهٔ دولت امپراطوری رومن قدیم را شعار خود ساخته بود چنانچه دولت مزبوره ممالک و نواحی اطراف مدیترانه را که تسخیر نمود سعی داشت که ملل متفرقه را رومی نژاد نماید. اما دولت انگلیس مسلک دولت کارتاژ را اتخاذ کرده بود زیرا که همت و اقداماتش را فقط بداشتن مستعمرات مصروف مینمود. چنانچه هزاران سال از طریقه و ترتیب (کارتاژ و انگلیس) بگذرد و هزاران مستملکاتی تاسیس شود نمیتواند تغییر نژاد و قومیت بدهد. در صورتیکه خط حرکت روس در آسیا منحصر بر این است که ملل و اقوام ممالک متصرفی خویش را روسی نژاد نماید. بدینجهة اوصاف دولت مستعمراتی مخالف و مباین دولت اتحاد نژادی و تغییر اقوامی است. در الحاق واحهٔ (مرو) هم این ترتیب تطبیق و بموقع اجرا گذارده شد چنانچه ژنرال (علیخانوف) که از نژاد ترک بود دارای خون روسی گردید و این نقشه و اقدامات دربار پطرزبورغ را هیچ محدوری از جنگ شامیل گرفته تا محاربهٔ (کوچکا) نتوانست تغییر بدهد.

جلب و دعوت تزار روس طبقات جدیده را بتجهت اسلحه برای عزیمت میدانهای جنگ در لهستان اسباب شورش عمده کردید. تزار روس پیشنهادات کمیتهٔ وزرا را در باب وضع اصلاحات بحکومت قدیمهٔ لهستان و تدریس زبان محلی در مدارس مملکت مذکوره تصویب نمود. این اصلاحات عبارت از استقلال حکومتی واداری شهرهای پولونی و انعقاد انجمن های ولایتی در لهستان بود ولی اهالی در مقابل این اقدام هیئت وزرا اظهار عدم رضایت کرده و میگفتند که این تصویب خیلی دیرتر بوجود آمده و بهیچوجه جلوگیری از اغتشاشات داخلی لهستان ننمود.

در بیست و سیم ماه ژوئن یکدسته جمعی مرکب از جمع کثیری حزب سوسیالیست ها در حالتی که بیرق قرمز را در جلو داشتند در کوچها و معابر ورشو گردش کرده سرودهای انقلاب و تصنیف های رودلسیونی میخواندند دستجات نظامی جلوگیری از آنها کرده بهیئت اجتماعیهٔ مزبوره شلیک کردند چندین صد نفر بزمین افتاد و رودسیونرها اعلان گرو عمومی داده با تفنگ و بمب گزمه های پلیس و قزاقها را هدف صدمات خویش قرار دادند. تلگراف ۲۶ ژوئن از ورشو خبر میدهد (اغتشاشات سختی در اینجا سرزده دستجات سوسیالیست ها با بیرقهای قرمز کوچها را می گشتند در انتهای کوچه (ورونیا) یک گزمه جلو ایشان را گرفته ولی یک تاجر جوانی که در جلو نمایش دهندگان مزبور بود یک بمبی انداخته و دو ژاندارم را با یک اسب مجروح ساخته و خودش هم توانست نجات یابد. از دحام بعد در کوچه های (لزسنو - کلودنا - ورونیا) توقف نمودند. دکانها و مغازه ها را با کمال عجله بستند. دستجات ژاندارم و گزمهای پیاده نظام شلیک کرده عدهٔ زیادی را مقتول و مجروح ساختند.

در پطرزبورغ هم امارات شورش ظاهر و قتل و سوء قصدهای متعددی اتفاق میافتاد از آن جمله نسبت بمعاون وزارت داخله مسیو (اسمیه لسکی) که در ۲۳ ماه بوقوع پیوست. مشار الیه صبح روز

مزبور

مزبور در ساعت هشت در کالسکه وزیر داخله باستگاه بالتیک حرکت کرده که از آنجا به (پطرهوف) عزیمت نماید. در مقابل (اسماعیلوسکی) سه شخصی که دو نفرشان لباس نظامی پوشیده بودند



جلو اسبها را گرفته سومی زود لورش را کشیده نسبت کالسکه خالی کرده ولی بمعاون وزیر بر نخورده و در شکه ران شد و فاعل و مرتکب اینکار هم فرار نموده از چنگ آژان نجات یافت. یک سوء قصد دیگری همان روز در باغ (کازمن یی اوستروف) اتفاق افتاد. یک پولیس سواری در باغ سواره

حرکت

حرکت نمود که سه نفر بوی حمله برده با سبب هم اسب و هم خودش را بطور سخت مجروح کرده راه فرار را گرفتند. دو نفر را در (اپورسکایا) توقیف و گرفتار نمودند که چندین بمب با خودشان داشتند.

در شهر (لودز) در ۱۸ ماه یک شورشی برپا کردند دستجات نظامی مجبور به تشهیر و استعمال اسلحه قریب صد نفر از شورشیانرا مقتول و مجروح نمودند. سوسیالیست‌ها و کلیمی‌ها در جلو دستجات بلوائیان حرکت نموده سنگرها ساخته بالای آنها بیرق قرمز برجی افراشتند. شورشیان مزبور بهمین ترتیب بقزاقها و پلیس‌ها حمله برده در روز هیجده و نیم ماه یک منظره فجیعه را تشکیل دادند و متجاوز از صد و هشت نفر در کوچه و خیابانها بخاک افتاده بودند. یکی از مخبرین جراید مسکو بد که روز مزبور شورشیان با نهایت شدت و بی باکی با دستجات نظامی طرف شده اطفال هم شرکت داشتند و بیرقهای قرمز را بوسیده قسم میخوردند یا جان بدهند و یا آنکه آزادی را تحصیل نمایند.

دهاتی‌ها بکه با دوچرخه و عرابه‌ها از بازارگاه یا از کارخانجات می‌آمدند عمله جات شورشیان دوچرخه ایشانرا ضبط کرده برای خودشان سنگر درست میکردند. بمناسبت عدم کفایت پولیس برای جلوگیری اغتشاش قزاق و سوار نظام و توپخانه بکمک ایشان وارد گشته قزاقها با اهالی شلیک نمودند ولی چون سیم‌های متعددی در جلو راه بسته بودند پای اسب‌ها بآنها برخورده چندین نفر از اسب افتادند شورشیان بنای تیراندازی بسمت قزاقها و سواره نظام گذاشتند پیاده نظام در زوایای کوچها قرار گرفته بهر سمت شلیک کنان جلو آمده چندین سنگرهای بلوائیانرا گرفته شورشیان با دادن تلفات کثیره رو بفرار گذاردند. عمله جات در و پیکر و پنجره‌های عمارات جلو ایشانرا میکندند. سربازها هم عقب سر ایشان غارت میکردند کوچهای شهر منظره میدان جنگرا تشکیل میداد. نعش‌های مقتولین و مجروحین تلهای متعددی بوجود آورده بودند. شب قزاقها در تاریکی با دوچرخه‌ها نعش‌های مقتولین را برداشته بقبرستان میبردند. اهالی رو

بفرار

بفرار و مهاجرت گذاشته قریب دوازده هزار نفر شهر لودز را ترک کردند در (باثرامنیس) نزدیکی لودز عمله جات یک آژانرا مقتول و یکی را مجروح نمودند. در ورشو دستجات نظامی در کوچها گردش



کرده و مخصوصاً محله کارخانجات و یهودیهارا در تحت مراقبت تامه خویش قرار داده بودند عمله جات در (پراکا) دو آژانرا زخم زدند.

بموجب فرمان امپراطوری حاکم شهر ورشو (ماکزیموویچ) اعلان حکومت نظامی را داد و اورا نیز شورشیان

درتحت

تعطیل عمومی
در تحت تنها تهدید و تضییق قرار دادند. بلوائی ها هم تهیه گرد عمومیرا میکردند چنانچه یک بیانامه بمضمون ذیل انتشار دادند: (باید با کمال متانت و استقامت ایستادگی کرده و برادران شهر لودز خودمان معاونت نمود. تدابیر شدیدهٔ دولت را پردست کرده و اخطار میکنیم که در شهر تعطیل عمومی باید مجری شود از فردا ادارات. بانکها و مغازه ها. و حمامخانه ها بسته شده داد و ستد موقوف خواهد بود) شهر ورشو تقریباً تمام لهستان روسی را دستجات کثیره اشغال و با یک سختی و سوء معامله در تأمین و ابقای آسایش و امنیت و جلوگیری اغتشاش میکوشیدند و نسبت با اهالی با یک حرکت بیرحمانه رفتار میکردند.

یک حادثه دیگری در این گیرودار ظاهر گشت که اولیای امور دولت روس را بیشتر از سابق مضطرب و متوحش نمود: یک قسمت جهازات جنگی دریای اسود روس داخل شورش بعلیه دولت شده و از آنرو علایم و آثار هیجان در افراد بحری قوای بالتیک هم پیدا گردید.

شهر کرونشتاد نزدیکی پطرزبورغ که عمله جات و کارگران کارخانجات کشتی سازی و بحریه آنجا ربط نزدیکی با عمله جات پای تخت داشتند از اقدامات گاپون و طرفداران او و تعطیل اشغال رنجبرها و بلوای پطرزبورغ مطلع و متنبه شده زمزمهٔ عصیان را میکردند.

سفاین بحر اسود را که دربار پطرزبورغ در صدد اعزام اقصای شرق برای تقویت سفاین بالتیک بوده بواسطهٔ عدم امکان عبور تنگه ها و بغازهای اسلامبول محبوس و محصور ماند بنای ضدیت با جنگ و تمرد از تعلیمات اولیای امور را گذاشته در کشتی جنگی سواستوپول در مابین افراد بحری یک هیجانی تولید شده و علی رغم اقدامات امرا و صاحبمنصبان کل بحری موفق باسکات آن نشده و روز بروز ساری تر و سخت تر میگردید. ظهور علایم اغتشاش مابین افراد بحری آخرین و یگانه قوهٔ ضعیفه بحریه دولت روس در دریای اسود در یک منطقه که مرکب و مخلوط از اقوام مختلفه و مختلفه باشد

خصوصاً

خصوصاً در سواستوپول خاطر اولیای دولت را بیشتر مضطرب و متوحش ساخت.

دولت روسیه که از گراند دوک نشینی قدیم مسکو تشکیل یافته یکدولت امپراطوری بری صرف بود و سابقاً هیچ دریائی راه و مخرجی نداشت. برای رسیدن بسواحل اوقیانوس حکومت مسکو مجبور شد که اهالی و ساکنین ممالک و نقاط مجاوره را از قبیل (استونی - عورلاند - لیوونی -- لیتوانی - فنلاند) را در شمال قفقازیه و ارمنستان و ساکنین اطراف بحر اسود را در جنوب بتحت اطاعت و تبعیت بیاورد در صورتیکه اهالی ممالک مزبوره از حیث نژاد و مذهب و عادات بکلی مختلف و متفاوت بوده و عبارت از (بالت ها - فینوا ها. ارامنه. گرجی ها. چرکس ها) وغیره بودند که جدیداً و اخیراً مطیع و تابع دولت روس شده و هنوز امتزاج و اختلاطی با یکدیگر ننموده بودند.

در ملاحان سفاین بحر اسود اکثریت اشیا را بالت ها و فینوا ها و روس و کرجیها تشکیل داده بودند که وقتی که آنها را در تحت نظام و قیود عسکری کاملا قرار داده و وسایل رفاهیت و رضایت ایشان فراهم آمد از جمله سربازان ممتاز محسوب میشد ولی بشرطیکه فرماندهان و صاحبمنصبان کافی و قابل داشته باشند چنانچه محاربهٔ شجیعانهٔ (واریاک) در مقابل یک قسمت قوای ژاپون و مدافعه و مقاومت رشیدانهٔ افراد بحری در پرت آرتور حاکی و مؤید این مسئله است ولی عیبش در اینجاست که آن اشخاص و فرماندهان رشید یا مقتول شده بودند و یا محبوس.

از چندین ماه باینطرف آثار اختلال در کشتی جنگی سواستوپول ظاهر گشته و در مابین عمله جات عصیان بتدریج رو بتزاید گذارده و نمایشات مهیجه و مؤثره در میانهٔ عمله جات و کارگران و سایر طبقات اهالی اودسا میدادند. شهر اودسا یکی از وسیع تر و مهمترین بلاد تجارتی و بزرگترین بندر روسیه است که دارای انبارها و مخزنهای عمدهٔ گندم و پنبه و ابریشم بوده از حیث صنایع کارخانجات مقام معتنابهی را احراز کرده. قریب چهارصد فابریک دارد شهری است مالک چهارصد و پنجاه هزار

نفوس

نفوس است که در یکقرن اخیر مجتمع شده که ازین میانه صد هزار نفر اجنبی با صد هزار یهودی مخلوط اهالی بومی و روسها شده در اخلاق و عادات اجتماعی اهالی اودسا نفوذ و تسلط غریبی دارند.
و بعکس بلاد و بنادر دیگر مدیترانه از قبیل (مارسی. بارسلون. آتن. اسکندریه. وازمیر) که اهالی و نژادهای مخلوط هم شده یک هیئت اجتماعیه را تشکیل داده اند شهر اودسا بهیچوجه شباهت و تناسبی با آنها نداشت زیرا که بلوائیان بسهولت درمیان اهالی میتوانستند تحریکاتی نموده و آنهارا آلت دست خویش قرار دهند و باسانی روابط باطنی با ملاحان سفاین جنگی پیدا کرده و از وظایف ایشان بازداشته و کانون فساد و انارشی گری را زودتر مشتعل و محترق سازند.
امیرال فرمانده قوای بحری دریای اسود به پطربورغ احضار و در ۲۵ ژوئن وارد گردیده مشارالیه را کاندیدای وزارت بحریه و جانشین گراندوک آلکزیس تعیین کرده بودند. افراد بحری سفاین مزبور از عدم کفایت و ناسالمی غذا و خوراک خویش و از بی مبالاتی و بی اعتنائی صاحبمنصبان شکایت میکردند
در ۲۷ ماه یکنفر از ملاحان زره پوش (کنیاز پوتمکن) با شدت از اوضاع بد گذران عمله جات و جیره و علیق شکایت و دادخواهی نموده و رفقای وی با و ملحق شده بنای شورش و هیجان را گذاشتند. صاحب منصب مأمور آذوقه بایشان ترک شورش را اخطار و تهدید نموده با رولور خویش (اومچوک) ملاح اولی که افراد بحری را وادار بهیجان کرده بود بخاک انداخت عمله جات در مقابل حمله بکماندان و سایر صاحب منصبان کشتی نموده در توی کشتی مصادمه سختی اتفاق افتاده چندین نفر از صاحبمنصبان مقتول و مابقی با کماندان و معاون و صاحبمنصبان جز از ترس خشم و غضب تمام ملاحان شوریده خودشانرا بدریا انداخته شنا کنان بساحل رساندند. شورشیان کشتی با انضمام چند نفر صاحبمنصب دیگری که ملحق بایشان شده بودند زمام و عنان کشتیرا باختیار و اراده خودشان گرفته یک کشتی تورپیل را هم توقیف و صاحبمنصبان آنرا هم کشته بطرف اودسا حرکت کردند و نزدیک ساحل لنگر انداختند و با بیرق قرمز شورشیان

اودسا حمایت و تقویت کرده بنای شلیک شهر مزبور را گذاشتن و دستجات نظامی روس در جلوگیری بلوائی ها گذاشتند از ین قضیه بر عده و قوه شورشیان افزوده در ۲۸ شروع بقتل و غارت و چپاول شهر نمودند تمام مخازن و انبارها را غارت و پنج کشتی توپکش روس را سوزانده عده زیادی از فقرا را بقتل رساندند. کلیه مغازه های گندم را خراب و امتعه مغازه ها را تاراج کردند خسارت وارده تخمیناً بچندین ملیون منات رسیده بود.
۲۹ ماه جنگ مابین دستجات نظامی و شورشیان از نو شروع یافت. بلوائیها با تخریب بندر و تمام شهر تهدیدات کرده و سعی داشتند که هزار نفر از رفقای خویش را از حبس نجات بدهند. کشتی سواستوپول و زره پوش (پوبیه دونوستیف) هم به بلوای مزبور شراکت کرده به سفینه (کنیاز پوتمکن) ملحق شدند. دستجات قشون بری که مطیع محض اوامر رؤسای خویش بودند مواضع مهمه مصادمات را گرفته و چهار توپ در خیابان مشرف به کنار دریا و سه توپ دیگر مقابل حملات شورشیان گذاشته شد.
نمایندگان کارخانجات مختلفه در ۲۵ ژوئن یک اجتماعی کرده و قرار تعطیل عمومی دادند و در میان نمایندگان مزبور از اعضای کمیته سوسیالیست و بلوائیهای محلی هم موجود بود که حکومت شهر اودسا با نتیجه مشغول توقیف آنها گردید. یکنفر را از میانه آنها توقیف کردند که دو رولور داشت که در آنها ورقه چسبیده شده بود که مخصوص به رئیس یکمیسری است)
۲۶ ژوئن عمله جات در مجاور یک کارخانه اجتماع نموده در مقابل توقیعات حکومت پروتست کردند و چند دفعه بدستجات نظامی حمله برده چندین نفر را مقتول و مجروح ساختند. تمام روز را عمله جات و کارگران در کوچه و خیابانها گردش کرده کارخانجات را وادار به تعطیل مینمودند. شبانه راه آهن را توقیف و مسافرین را پیاده کرده و واگونها را کاملاً آتش زدند ولی درین اغتشاش سخت اودسا قوای نظامی دولت روس از قزاق و پلیس و سوار و پیاده نظام نمیتوانستند بعمله جات و شورشیان شلیک نمایند زیرا که میترسیدند از توپ زره پوش

(پوتمکن) شهر را بمباردمان نماید در نتیجه بلوائیان جرئت و جسارت فوق العاده پیدا کرده از غارت مغازه ها و تاراج خانه ها و از هر گونه قتل و خرابی شهر فروگذاری نمیکردند. شب با عجله نقاط آتش زده و خاموش کردن آنها خیلی مشکل شده بود زیرا شورشیان نمیگذاشتند که تلمبه چیها و دستجات اطفائیه بمحل حریق حرکت نمایند.

۲۶ ماه ژوئن طوفان اغتشاش که در میان عمله جات و اهالی در شهر اجرای حکم و نفوذ میکرد سرایت بمحله خارج شهر (پره سیپو) که محل و مرکز دارالصنایع و کارخانجات بزرگ بود عمله جات و کارگران دست از کار کشیده اعلان تعطیل عمومی داده با جمعیت بسمت شهر برای ملحق شدن برفقای خویش حرکت کردند. حکومت شهر که از دیرگاهی از حدوث این قضیه پیش بینی کرده بود با قوای نظامی محله مزبوره را محاصره کرده مانع از حرکت آنها گردید با وجود اینها چندین هزار نفر از آنها بشهر آمده تراموای ها را (۱) بتعطیل و واگونها را بعد از نفت ریختن سوزانده مغازه را البته شهر را بیک حالت حزن انگیزی تبدیل دادند. بانک کردی لیونه که زودتر توانسته تمام در و پنجره های عمارت خود را قبل از وقت ببندد هدف صدمات شورشیان شده در و پنجره هایش را شکستند. ولی خسارت دیگری وارد نیاوردند.

۲۸ ماه ژوئن سکوت گذشته مغازه ها را باز کرده و تراموایها رفت و آمد میکردند که ناگاه در شهر یک خبر غیر منتظره و ناملایمی انتشار یافت که کشتی زره پوش (سواستوپول) که بهترین و بزرگترین سفاین جنگی دولت روس در بحر اسود است بدولت شوریده ملحق و در ساحل اودسا لنگر انداخته تمام صاحبمنصبان را باستثنای یکنفر اخراج کرده در صدد بمباردمان شهر است در صورتیکه زره پوش (پوتمکن) هم در جلو شهر قرار گرفته بود اولیای امور از این قضیه متوحش و مضطرب گشته با مپراطور بلا فاصله تلگراف کرده استدعا نمودند که سفاین جنگی بحر اسود را برای گرفتاری کشتی های شوریده مامور دارد. بدبختانه وجود پوتمکن تولید اختلالات خیلی سختی در شهر تولید کرده شورشیان بنای غارت و چپاول را گذاشته بتمام ابنیه

---

(۱) تراموای، واگون اسبی است که در روی خط آهن حرکت میکند در بلاد متمدنه با برق هم حرکت می نماید

و نشانات

و نشانات سواحل و مغازه ها و بعده زیادی از کشتی ها و لنگه های تجارتی آتش زدند. شهر در توی اشتعالات سوزانی قرار گرفته. از طرف دیگر هم دستجات نظامی و ساخلوی بندر شلیک بطرف بلوائیان و آتش زنندگان میکردند. ۲۹ ماه از هر طرف شهر درشکه ها مشغول حمل و نقل نعش ها و مقتولین بودند روز مزبور حکم و اعلان حکومت نظامی از دربار پطرزبورغ وارد گردید. نزدیک ظهر یک نماینده از طرف عمله جات کشتی پوتمکن بساحل آمده اطلاع داد که ده نفر از افراد بحری در شهر پیاده شده نعش یکنفر رفقای خود شانرا در قبرستان دفن خواهند کرد هرگاه یکی از ملاحان مفقود شود و یا یک جزئی صدمه بآنها وارد شود شهر را بمبارده خواهند کرد. بدبختانه آنچه که گفتند اتفاق افتاد. عمل دفن بدون حادثه اتفاق افتاد ولی وقتی که ملاحان عودت کردند قزاق برای آنها تیر خالی کرده یک نفر را مجروح و دو نفر را توقیف نمود. کشتی پوتمکن بدون آنکه منتظر باشد یا اخطار مجددی نموده حجت را تمام نماید بنای شلیک شهر را بشدت گذارد دو گلوله مدهش خمپاره نزدیکی معبد بزرگ افتاده و چند خانه را خراب چندین نفر را مقتول ساخت و یک دیگری هم بمحله خارجی افتاده خسارات عمده وارد آورد. حدوث این واقعه هرج و مرجی در شهر تولید کرده اهالی با کمال عجله رو بفرار و التجای طبقات زیر زمینی شده عده زیادی با مبلغ گزاف سوار ترن گشته و راه آهن پر از مهاجرین بود.

۳۰ ماه خبر ورود سفاین جنگی دولت روس برای سرکوبی کشتی های شوریده رسید ساعت پنج روز مزبور پنج کشتی جنگی (پوتمکن) را احاطه کرده تکلیف تسلیم شدن را نمودند که در صورت مخالفت با توربیل غرق خواهند کرد. (پوتمکن) اطاعت نموده با سفاین جنگی حرکت کرده از پیشگاه اودسا دور شد. فردای آن مجدداً (پوتمکن) در اودسا پیدا شده ولی این دفعه تنها نبود بلکه یک زره پوش بزرگ روس (ژئورژ فاتح) را هم با خود متفق و متحد کرده وارد لنگرگاه گشته بود. اهالی از همیشه بیشتر از سابق دچار وحشت و اضطراب و اولیای امور مات و مبهوت شده بودند.

کشتی

کشتی پوتمکن تسلیم و شرایط سفاین روس را قبول کرده بود که از سواحل دوری جوید ولی شبانه مجدداً بنای شورش گذارده و زره پوش (ژورژ فاتح) را هم با خود متحد نموده بود.

ساعت نه کشتی ژورژ برای ضبط کمپ سفینهٔ ذوغال وارد بندر شده تصادفاً بخاک نشست و عمله جات گرفتار و خودش محبوس گردید. پوتمکن از مشاهدهٔ این حال رو بفرار گذاشت و اهالی امیدوار بودند که سفاین جنگی روس که از دور مراقب بودند پوتمکن را خواهند گرفت ولی کشتی مزبور مفقود و ژورژ محبوس گشته کشتی های جنگی به بندر سواستوپول معاودت کردند. خسارت وارده را صد و بیست ملیون تخمین میکردند.

یک دستهٔ اول جهازات بحر اسود در تحت فرماندهی آمیرال (منش تونسکی) از سواستوپول در ۲۸ ژوئن از اودسا حرکت کرده و فردای آنهم آمیرال (کریژه) با جهازات دوم ویرا تعاقب نمود و احتمال قوی میرفت که پوتمکن عنقریب گرفتار خواهد شد ولی کشتی مزبور بطول ساحل رومانیا حرکت نمود.

حاکم شهر اودسا باهالی اخطار نمود که مشغول کار خود باشند. کشتی (پوبیه دونوتزف) بدون جنگ تسلیم شده بود تجهیزات و توپخانه اش را پیاده کرده و از عمله جات ۶۷ نفر محرکین بلوی را بدست حکومت محلی داده مابقی مجدداً در باب خدمتگذاری امپراطور قسم یاد کردند که بعدها خیانت ننمایند. ولی شورش سفاین در سواحل بحر اسود موجب اغتشاشات و عدم تمکین گردید. در کرسن در موقع مشق نظامی یک باتالیون پیاده بصاحبمنصبان خویش شوریده و کاپیتن (کورودسکی) را مجروح ساختند فرمانده باتالیون مزبور کلنل (داویدوف) شمشیر کشیده بکمک کاپیتن شتافت و خواست شورش را اسکات نماید ولی از پنج جا مجروح گردید با وجود زخم های وارده داویدوف مشار الیه بالاخره شورشیان آرام و مطیع ساخته بجلو باتالیون افتاده بسربازخانه رسانید و راپورت خود را به تزار نوشت و جان داد.

کشتی (کینیاز پوتمکن) به (سولینا) وارد و دوم ژوئیه در چهار کیلومتری جلو (کونستانزا) که یکی از بنادر رومانیا است لنگر انداخت. عمله جات سفینهٔ مزبوره هفتصد و پنجاه نفر و دارای لوازم حربی بحد کفاف

بود

بود ولی از حیث ذوغال سنگ دچار عسرت شده بنابرین با اولیای امور رومانیا داخل مذاکرات گردید ولی دربار بکارست جواب داد که نمیتواند ذوغال سنگ بدهد و عمله جات کشتی هم مانند فراریان نظامی رفتار خواهد کرد و میتواند اجازهٔ پیاده شدن بخشکی بدهد ولی بشرطیکه تماماً خلع اسلحه شوند.

شرایط رومانیا مانند تکالیف سی سال قبل بود که در بنادر آکرزی بجهازات یاغی اسپانیا کرده بودند.

ملاحان پوتمکن از قبول شرایط مزبور امتناع ورزیده و کشتی تورپیل روسی که همراه پوتمکن بود خواست وارد بندر گردد ولی جهاز جنگی (الیزابت) رومانیا با شلیک مقابله نمود. زره پوش و کشتی تورپیل بدبختانه از ساحل دور شده بسمت شمال شرقی حرکت کردید. این مسئلهٔ غیر منتظره اسباب تشویش در بکارست گردید زیرا که تولید مشاجرات و اختلافات سیاسی نموده و از طرف دیگر سلطان عثمانی هم از ظهور سفاین شوریدهٔ روس جلو بوسفور مضطرب بود.

در سواستوپول سفاین جنگی روس مرکب از کشتی های (ترداسن — دوزآپوتر — راستیلوف — پوبیه دونوتزف) و کره وازور (کیریدن — گزارسکی) و چهار سفینهٔ تورپیل دار مصمم شدند که برای مطیع ساختن پوتمکن حرکت نمایند. ولی کشتی یاغی با قوهٔ بحریهٔ تزار دفیله کرده یک قسم اعلان جنگی بآنها میدهد. پنجم ژوئیه جلو بندر (تئودوزیا) لنگر انداخته ذخیرهٔ لازمه مطالبه میکند. حکومت از ترس بمباردمان شهر داخل مذاکره شده پوتمکن پانصد تن ذوغال گوشت و روغن توتون و کبریت میخواهد که در عرض بیست و چهار ساعت باو تسلیم شود. مطالبات کشتی شوریده را بغیر از ذوغال سنگ که غیر ممکن بود تقدیم مینمایند و پوتمکن بنای شلیک گذارده اهالی رو بفرار مینهند. صندوق پوتمکن متجاوز از هفتصد و پنجاه هزار منات قریب دو ملیون فرانک داشت بنابرین برای شورشیان کشتی پول کافی برای تهیهٔ آذوقه موجود بود. علت اینکه کشتی پوتمکن بطرف (تئودوزیا) حرکت نمود اینست که شهر مزبور در ساحل شبه جزیرهٔ کریمه یک بندری بود که دارای هیچ گونه استحکامات بحری نبوده و بیست و هفت هزار نفوس داشت.

پوتمکن

پوتمکن در جوار تئودوزیا بالاخره از فقدان ذوغال سنگ لنگر برداشته مجدداً به کونستانزا وارد و با اولیای امور در باب تأمین خویش و تسلیم کشتی داخل مذاکره شده و بعد از گفتگوی زیاد بدربار بخارست مطیع و منقاد شدند. بشرطیکه آنهارا آزاد بگذارند. کماندان شورشیان پوتمکن (ماتوچنکو) با معاون و ملاحانش از کشتی پیاده شده و دولت رومانیا آنهارا ببلاد مختلفه اعزام و موقتاً در تحت حبس نظری قرار داد. در خود کشتی چندین صاحب منصب محبوس بود که آنهارا هم نجات داده و بعد از چندی تسلیم سفاین جنگی روس نمود.

حادثهٔ پوتمکن یک ضربهٔ منحوسه بسر نوشت و مقدرات دولت وارد آورده و باعث توسعه و ترویج شورش و انارشی گری در تمام حکومت نشینی. ادارات. اردو و بلاد و بحریه گردید گرچه بمناسبت عدم اهلیت و قابلیت رؤسای بلوائیان نتیجهٔ مطلوبه نتوانستند تحصیل نمایند ولی باز سبب تنبه و بیداری غالب اهالی گردید ژنرال (الخناتف) حاکم اودسا برای ابقای امنیت و آسایش و جلوگیری انقلابات وارده شهر مزبور شده مشغول اقدامات مؤثره در استقرار سکونت و امنیت گردید اگرچه تا ورود وی تا یک اندازه شورش اودسا تخفیف یافته بود.

باب سیزدهم

(مذاکرات صلحیه)

اتحاد ملی در روسیه در مخاطره است — شورش قفقازیه — نزاع نژادی — در تفلیس — در باطوم — عصیان تازه — در کردستان — تجهیزات پطرزبورغ — انقلابیون لوذر — تقریرات امپراطور — سوء قصد در مسکو — رئیس نظمیه مقتول — اختلال در اردو — اصلاح طلبان — نیکلای دوم نمایندگانرا بحضور خویش قبول میکند — در باب صلح — دولت ژاپون نمایندگان خویشرا تعیین نمود — پیشنهاد رئیس جمهور امریکا — مسیو ویته بجای موراویوف نمایندهٔ روس تعیین شد — اصرار درباریان و خانوادهٔ امپراطوری —

بارون

بارون کوموار نمایندهٔ ژاپون از توکیو برای حضور رساندن کنفرانس صلح حرکت نمود — مسئلهٔ متارکه — تکفیر از رجال مصلح — مدعیان چین — اقدامات ژاپون در مملکت آسمانی چین —

محاربات و مصایب متواترهٔ وارده یک قسم عطالت. استرخا. اختلال در چرخ ادارات مملکت وسیعهٔ روسیه تولید کرده و روز بروز بر خرابی و فلاکت های جدیده می افزود. تزار در قصر خویش تماشای خرابی اوضاع حاضره که اجدادش چندین سال در اصلاح و ترتیب آن زحمت کشیده بودند میکرد.

حرکات درباریان و مذاکرات ایشان یک قسم عدم اعتمادی در قلب امپراطور حاصل نموده و هر روزی یک خیانت جدیدی کشف کرده از پیش آمدها و سوء استفاده ها باطناً متأثر بود و از اعتماد تامی که بدربار یان خویش پیدا کرده عنان اختیار خودرا با بنا واگذار کرده بود پشیمان شده در زیر یک بار سنگینی مسئولیت مقهور و منکوب گشته ضعف و یأس بر سایر قوای وی غلبه میکرد.

هیئت دولت درمانده و عاجز اوضاع امور مختل. از هر طرف علایم انقلاب و شورش تعمیم چرخ ادارات را مختل و معطل کرده بود که اصلاح آن متوقف و منوط بیک تدبیر دوراندیشانه و با احتیاطانه بود که بواسطهٔ زمامداران بیغرض و بیطرف و قابل و عالم بوجود آمد.

در همه جای مملکت اتحاد ملی دچار مخاطرات شده هیئت اجتماعیهٔ مملکت روسیه را بیک تفرقه و تجزیهٔ سختی تهدید میشود. در قفقازیه شورش و انقلاب یک منظره وخیمه را تشکیل میداد.

مملکت قفقازیه از جمله ممالکی است که نژاد و اقوام مختلفه و متعدده در آن اقامت دارند از قبیل گرجی ها و ارامنه. منگرلی — بتوریتی — آبکازها — اوستها — لکزیها که در کوهستانها سکون دارند. تاتارها از ذریهٔ مغولها چرکسها. ترک و ایرانی و کلیمیان و روسها و بقیه از طایفهٔ آتینک ها از جمله ساکنین قفقازیه هستند حکومت استبدادی روس که از دیرگاهی عدم رضایت این اهالی را فراهم آورده بود بواسطهٔ ظلم و جور درباریان پطرزبورغ تنگ آمده منتظر فرصت و بهانه بودند که بعلیه دولت شوریده مطالبهٔ اصلاحات

لازمه

لازمه نمایند و رقابت و کینهٔ افراد نژاد و اقوام قفقازیه بیکدیگر هم بر سختی و وخامت اوضاع افزوده و آتش اغتشاش را وسعت داد در بادکوبه. بتفلیس. کوتائیس عمله جات و در دهات اطراف بلاد قفقازیه هم زارعین و دهقانان مشغول شورش و بلوا شده همه جا خرابی وارد می آوردند عمارات متولین را غارت و خانه ها را سوزانده و همه قسم صدمات و خسارات ایقاع و ایفا میکردند. و در تمام نقاط قفقازیه اتصالاً زد و خورد و مصادمات خونریزانه مابین بلوائیان و نظامیان اتفاق می افتاد و روز بروز شورشیان بر شدت و حدت خویش افزوده منظرهٔ انقلاب قفقازیه را خیمتر و فجیع تر میساختند.

در این اثنا حکام و رؤسای نظامی بتدابیر شدیده متوسل شده و از انبرد در جلفا سرحد ایران نخجوان ـ ایروان ـ و قرا و قصبات حول و حوش جنگهای سختی مابین تاتارها و ارامنه در گرفت و این مجارات مابین تاتارها و ارامنه که هردو از دیرگاهی بایکدیگر عداوت و ضدیت داشتند از جمله تحریکات خود دولت بود که بدینوسیله شورش و انقلاب سیاسی داخلهٔ مملکت را تبدیل بیک اغتشاش بومی و نژادی نموده هر دو طرف را ضعیف نموده بالآخره موفق باسکات نایرهٔ بلوی بشود. در دهات و قصبات که عدهٔ تاتارها که عموماً مسلمان بودند زیادتر بود ارامنه را قتل و غارت کرده و در شهرها هم ارامنه که از حیث نفوس بیشتر از ایشان بودند. بمدافعه و مقابلهٔ سختی با مسلمانان کرده عدهٔ زیادی را مقتول نمودند. اسلحه تاتارها تفنگ و قداره و مال ارامنه اسلحه جدیده و بمب بود.

یک مسافر فرانسوی که مابین تبریز و تفلیس سیر و سیاحت میکرد در باب شورش قفقازیه شرح مختصری مینویسد (جنگ مابین تاتار و ارامنه که در واقع یک جنگ نژادی و مذهبی است در غالب نقاط قفقازیه با کمال شدت مداومت داشته چندین هزار نفوس بجان همدیگر افتاده عدهٔ زیادی آواره از خانمان دارائی بر باد رفته در بیابانها سرگردان و اطفال و بچهای بیگناه هدف شمشیر و گلوله شده از هر سو قتل و غارت. حریق. و چپاول. ظلم و بیدادگری حکمفرما است. حکومت ظاهراً اظهار عجز و ناتوانی کرده

از دور تماشاچی واقع شده و اگر پاره اقداماتی هم نماید مانند حرکات مذبوحه هیچگونه اثری نبخشیده بلکه بشدت نایرهٔ جنگ میافزاید. دهات ایروان بیک خرابه زاری تبدیل یافته زراعت لگدکوب قراو مزارع خراب و بایر فوج فوج از ارامنهٔ لخت و عریان رو بفرار زن و بچه های مسلمانان تاتار اسیر و گرفتار پنجهٔ عذاب ارمنی ها خلاصه تمامی روز رستاخیز و حاکی هول و وحشت محشر کبری بود).

همه جای قفقازیه تعطیل و کر و عمله جات رو بتزاید بود. در تفلیس تمام مغازه ها بسته شهر بیک قبرستانی شبیه بود تمام کارگران و مستخدمین دست از کار کشیده بودند زیرا که یک قسمت بزرگ داد و ستد و تجارت با ارامنه بود و بواسطهٔ تهدیدات. اذیت و قتل و غارت متعدده مجبور به بستن تجارتخانه ها و دکاکین و مغازه های خویش شده بودند.

در وسط شهر یک بلوائی با دو گلوله رولور یک صاحبمنصب پولیس و یک قزاق را کشت در (مدانا) نزدیک تفلیس یک بمب کمیسر پولیس را با معاونش مجروح و یک مفتش نظمیه را مقتول ساخت هرج و مرج و اغتشاش بقسمی بود که تمام جراید و مطبوعات بسته شده بود.

در باطوم اهالی (لواتن. ارامنه. گرجی ها. ترک. تاتار. و چرکس. یهودی. و روس) باهمدیگر طرف شده از هیچگونه اذیت و مزاحمت بیکدیگر به اندازه که مقدور و ممکن است مضایقه نداشتند. سرقت. غارت. قتل از جملهٔ اتفاقات یومیه شده بود. راهزنها و اشرار دسته دسته و سطار در بادارات کمپانی کشتی رانی داخل شده رولور در دست گرفته نقدینه را گرفته با کمال آزادی خارج میشدند.

پرنس لوی ناپلیون بوناپارت نوادهٔ برادر ناپلیون اول که آن ایام فرماندهی قوای نظامی تفلیس را متقبل و متکفل شده بود تدابیر و اقدامات مؤثر در جلوگیری قتل و غارت ارامنه نموده و بحکمرانی شهر ایروان منصوب و معین گردید.

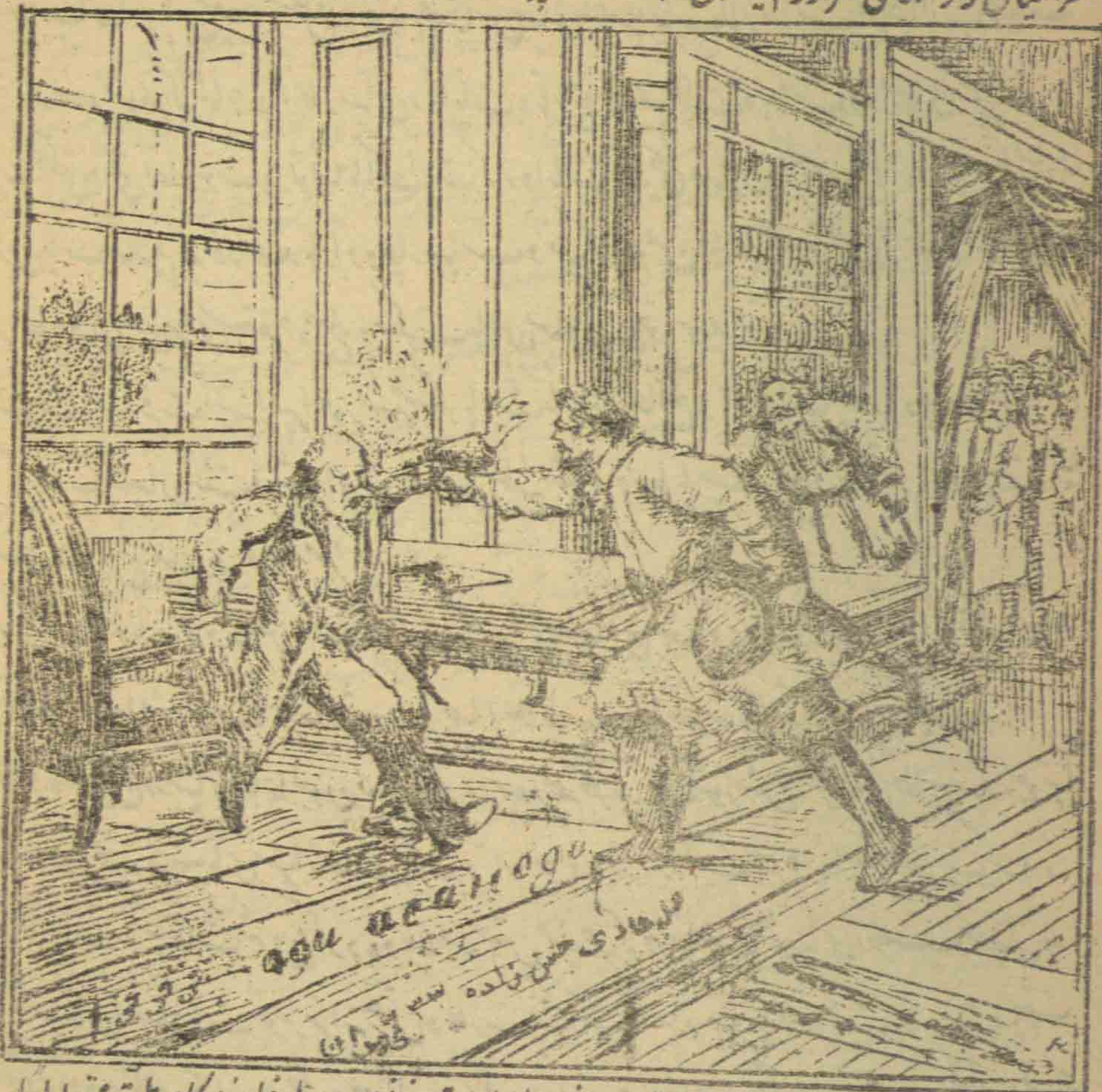
در کروتشتاد و غالب اهالی و عمله جات تعطیل اشتغال کرده بضد تجبرات جدیدهٔ دولت بنای شورش و اغتشاش

داغتشاش گذاردند. سیر سفاین ما بین بندر کرونشتاد و پطرزبورغ بکلی مقطوع و مسدود گردید.
در بندر لیباو عمله جات سفاین جنگی که مدتی در خشکی بسر میبردند و بواسطهٔ فقدان صاحبمنصبان بحری
در تحت رؤسای افراد پیاده نظام قرار گرفته بودند بواسطهٔ بدی زندگی و خوراک امتناع از تمکین و
اطاعت صاحبمنصبان ورزیدند. ملاحان یک کرووازر شوریده حرکت نموده بعد در صدد شلیک
کرونشتاد حاضر گردید. گذشته از اینها اغتشاشات مهمه در بندر (روال) هم سرزده و دامنهٔ وسعتش تا
بندر ریگا امتداد یافت. گروههای متوالی پطرزبورغ در (کولپینو) بشدت اجرای حکمرانی کرده بیست هزار
عمله دست از کار کشیده مشغول تاراج و غارت بودند.

تصمیمات دولت روس در باب تجهیزات و تنسیقات جدیده برای مداومت جنگ در بوتهٔ نسیان و اهمال
مانده دربار پطرزبورغ با هزاران مجدد در مشغول تشکیل قوای حربیه و اعزام آن بسمت اقصای شرق بود.
اول ژوئیه کشیشی که بسربازان بصور اقانیم ثلثه و صلیب مقدس قسم یاد میداد که با کمال وفاداری و حسن
خدمت مشغول انجام اوامر امپراطور خویش بوده و اراده ویرا از جان و دل در باب رفتن و جنگیدن
خصم در مانچوری بپذیرند. نظامیان صور و صلیب را که مقدس ترین اشیا نزد روسها است از دست وی
گرفته و تکه تکه اش کردند. در حوالی پطرزبورغ عمله جات کارخانهٔ اسلحه سازی (سسترورتزک) اشدت
دولت را در باب تجهیزات جدیده و جلب و دعوت بتحت اسلحه پر دست کردند. دویم ماه سه هزار نمایش
دهندگان جلو عمارت (آلکزیس) شورش و اغتشاش سختی کرده قزاق و نظامیان آنها را متفرق ساخت.
عموم کارگران کارخانجات بنادر بالتیک دست از کار کشیده کارگران فابریکهای (نوسکی) که قریب
شش هزار نفر بودند بحالت اجتماع دسته بندی کرده نمایشات مهیجه در معابر و خیابانها میدادند و برای
جلوگیری آنها اقلاً چندین اسکادرون قزاق لازم بود. اوضاع لودز و اودسا مجدداً کسب وخامت
کرده یک پردهٔ حزن انگیزی افق این دو شهر را پوشانده بود.

اطرافیان

اطرافیان تزار منتهای اصرار و ایستادگی داشتند که امپراطور در جلوگیری این اختلالات اقدامات مجدانه



نموده تقاضای بلوائیان را در اصلاحات و رفورم ادارات نپذیرد ولی نمایندگان ملت متوالیاً
بحضور امپراطور مشرف شده التماسات درباریان را تا یک اندازه بی نتیجه میگذاردند. چنانچه نیکلای
دوم در جواب نمایندگان انجمن ایالتی اورل که در حضورش متذکر مواعد امپراطور در باب اعلان تأسیس
مجلس ملی و وضع اصلاحات لازمه شده بودند اظهار داشت که من بوعده های خود ایفا کرده و [illegible]

کرشما

که بشما قول داده ام فراموش نشده و بی نهایه متشکرم که برای من یاد آوری نمودید ولی با این وضع انقلاب اقدام باین مقصود مشکل و خود اغتشاش منافی اصلاحات لازمه است از خیالات و حسیات شما بی اندازه ممنونم که شما را فدا کار مهیای روایات و تاریخ قدیم مملکت ما هدایت و راهنمائی می کند. یک مملکتی وقتی بقا و عزت را تواماً مالک است که روایات تاریخی قدیمش را محفوظ دارد. ما مرتکب گناهی دراین باب شدیم که خداوند ما را دوچار سیاست و تنبیه کرد. من خاطر جمع و مطمئن هستم که شما و هر یک از اطرافیان من برای استقرار صلح و سکونت با من معاونت خواهید نمود.

خبر انتشار مسافرت آتیهٔ امپراطور بشهر مسکو باعث تأسیس مجامع و اجتماعات متعدده بوسطهٔ طلوبیان شد و یکی از شورشیان گنت (شووالوف) رئیس نظمیه شهر مزبور را با چند تیر رود لور مقتول ساخت و این مسئله در واقع تهدید خود امپراطور بود.

در پطرزبورغ با وجود قدغن اکید دولت انجمن های سیاسی متعددی بعلیه حکومت و اوتوکراسی و اقتدارات تامهٔ دولت منعقد میشد در کوچه ها اعلانات و بیاننامه ها نشر و توزیع میگردید.

علاوه از این در میان باتالیون چهاردهم و هیجدهم بحریه یک شورش و عصیانی ظاهر شده طلوبیان تمام در و پنجره و اشیای سربازخانه را شکسته و تاراج نمودند. در کیف هم اغتشاش سرایت کرده اجتماعات و تعطیلات شروع کرده و خلاصه اش اینست که در غالب شهرهای روسیه و قفقازیه و لهستان مصادمات خونریزانه قتل و غارت بشدت تمام از نتایج انقلابات مداومت داشت نیکلای دوم با این بحران داخلی و اغتشاشات که روز بروز بر وخامت آن میافزود قرار قطعی در تسویه و رفع انقلابات اتخاذ نکرده هرچه که درباریان متنفذ تلقین و تعلیم میکردند عمل مینمود.

و گرچه چندین کمیسیونی در دربار پطرزبورغ با حضور وزرا و مأمورین ملکی و اعیان و اشراف و از روسای طبقات تشکیل یافته بعض امتیازاتی از قبیل برداشتن سانسور از جراید و تعیین ساعات معینه برای

کارگران، محله جات و عفو مقصرین پولتیکی و آزادی اجتماعات داده شده حتی اخیراً هیئت دولت قرار دادند که از هر طبقه اهالی نماینده منتخب شده و یک مجمع مرکزی را تشکیل داده با حکومت داخل مذاکرات در باب رفع اختلافات و وضع اصلاحات شده و بعبارهٔ اخری مجمع مزبور واسطهٔ اتحاد و ارتباط ملت با هیئت دولت گردد با وجود این شورشیان باین تضمینات دولت متقاعد نمیشدند و در مقاصد خویش اصرار و ایستادکی داشتند.

مارشال (غوددویچ) و پرنس (تروبتسکوی) بحضور امپراطوری شرفیاب شده بیاننامهٔ جمعیت و شش نفر از رجال و نجبای درجهٔ اول روسیه را در باب وخامت امور و شدت بحران که دولت و مملکت را بسرعت تمام بوادی انقراض میکشاند تقدیم نمودند و بموجب آن از تزار تمنا و تقاضا کرده بودند که خاتمه براین حوادث ناگوار بدهد و اعلان حکومت ملی و آزادی را داده در اجابت مطالبات ملت پیشقدمی نماید. ولی امپراطور با مواعید مبهمه و جوابهای مختصره قناعت ورزید.

مصادف این ایام بحران تشکیل کنفرانس بمناسبت پیشنهاد مسیو روزولت رئیس جمهور دولت آتازونی امریکا مقرر گردید که احتمال رفع مخاصمات و اعلام صلح و استقرار سکونت میرفت.

انعقاد کنفرانس مزبور اول ماه اوت معین شده و دولت ژاپون بارون (کومورا) و مسیو (تراکیرا) را نماینده خویش برای حضور کنفرانس تعیین کرده ولی مسئله متارکه معوق مانده بود با وجود مداومت مخاصمات و اصرار و ایستادکی اولیای امور روس در طرفداران جنگ اوایل ماه ژوئیه مذاکرات صلح یک رنگ مناسبی را تشکیل داد و رئیس جمهور امریکا رسماً پیشنهاد ذیل را بدول معظمه ارسال داشت: (دول روس و ژاپون بدربار واشینگتون اطلاع دادند که سفرا و نمایندگان خود شانرا برای مذاکرات صلح معین کرده و کنفرانس صلح در اول اوت منعقد خواهد شد. نمایندگان دولتین دارای اقتدارات و اختیارات تامه از طرف دول متبوعهٔ خویش خواهند بود.)

نیکلای دوم قبلاً مسیو (موراویف) سفیر کبیر دولت روسیه مقیم دربار روم را نماینده خویش در حضور کنفرانس صلح تعیین نموده بود ولی چند روز بعد وزیر مالیه سابق امپراطوری مسیو ویت که مدتی از رجال مقتدر و نافذ دولت بوده و بعدها از آن اقتدار و مقام عالی خویش افتاده بود منتخب و معین گردید. تعلیماتیکه تزار روس در باب مذاکرات صلح قبلاً بمسیو موراویف داده بود محتوی پنج صفحه بود که صفحه اول مقدمه آن راجع به ثروت منابع نظامی. اقتصادی. مالیاتی مملکت روسیه بود که آخر آن با عبارات ذیل خاتمه یافته بود. (دولت روس گرچه مغلوب شده ولی مقهور و مستأصل نشده و چون امپراطور همواره صلح و مسالمت بوده و حاضر شده که پیشنهاد رئیس جمهور دولت امریکا را در باب مذاکرات شرایط مصالحه قبول نماید بشرطیکه مغایر منافع و حسیات ملت روس نباشد) بعد از مقدمه امپراطور در تعلیمات خویش اینطور میگوید (گرچه دولت روس دولت امریکا را از شرایط قابل قبول خویش مسبوق و مستحضر ساخت یعنی دربار پطرزبورغ بهیچوجه حاضر بتفویض ایالتی بخصم و ادای غرامت و خسارت جنگ و از دست دادن نفوذ و حاکمیت خویش در قسمتهای شرق و غیره نبوده با وجود این برای تجدید نظر و تحقیق شرایط طرفین و مذاکرات آنها شما مأمورید که از روی دستور العملهای اعطاء و ارسال شده داخل مباحثات بشوید) وزیر عدلیه سابق و سفیر حالیه دولت روس در روم مسیو موراویف بواسطه علت مزاج از قبول این مأموریت بزرگ مشکل و دارای مسئولیت عظیمه امتناع ورزیده و از (کونتز کزویل) و (اویان) که برای تغییر آب و هوا رفته بود معاودت و بحضور امپراطوری رفته استدعای قبول استعفای خویش و تعیین دیگری را برای نمایندگی کنفرانس صلح نمود.

فردای روز مزبور که کنت (لامسدورف) وزیر خارجه دولت روس راپورت خود را به نیکلای دوم تقدیم میکرد امپراطور اظهار داشت که موراویف علیل و حاضر بپذیرفتن این مأموریت نیست من تصور میکنم که (روزن) یا (پوکوتیلوف) را بجای وی معین کنیم بهتر است.

روز

روز بعد کنت (لامسدورف) پیش امپراطور رفته تعیین و کاندیدائی مسیو ویت را پیشنهاد نمود امپراطور بدواً از قبول پیشنهاد وزیر امور خارجه استنکاف ورزیده و دوری وی که سابقاً یکی از مقربان و معتمدان دربار امپراطوری بود بعضی در نزد تزار مؤثر شده بود که نه تنها حاضر به تعیین مشار الیه نبود بلکه حاضر باصغای حرفی درباره وی یا انتخاب او هرگز از خاطرش هم خطور نمیکرد.

دو روز متوالیاً در موضوع انتخاب مسیو ویت مابین درباریان و افراد هیئت دولت مباحثات و مشاجرات مهمه اتفاق افتاده طرفداران مشار الیه از قبیل (آلکساندرا و پولنسکی) و پارتی هایش اقدامات مؤثره در تعیین مسیو ویت میکردند در صورتیکه فرقه ارتجاعیون و اعیان و اشراف مملکت که غالباً بواسطه پولتیک سخت اقتصادی مشار الیه در زمان وزارت مالیه اش دچار خسارات و صدمات شده بودند و یک کینه و بغض مخصوصی از وی داشتند ضدیت کامله در تعیین مسیو ویت مینمودند.

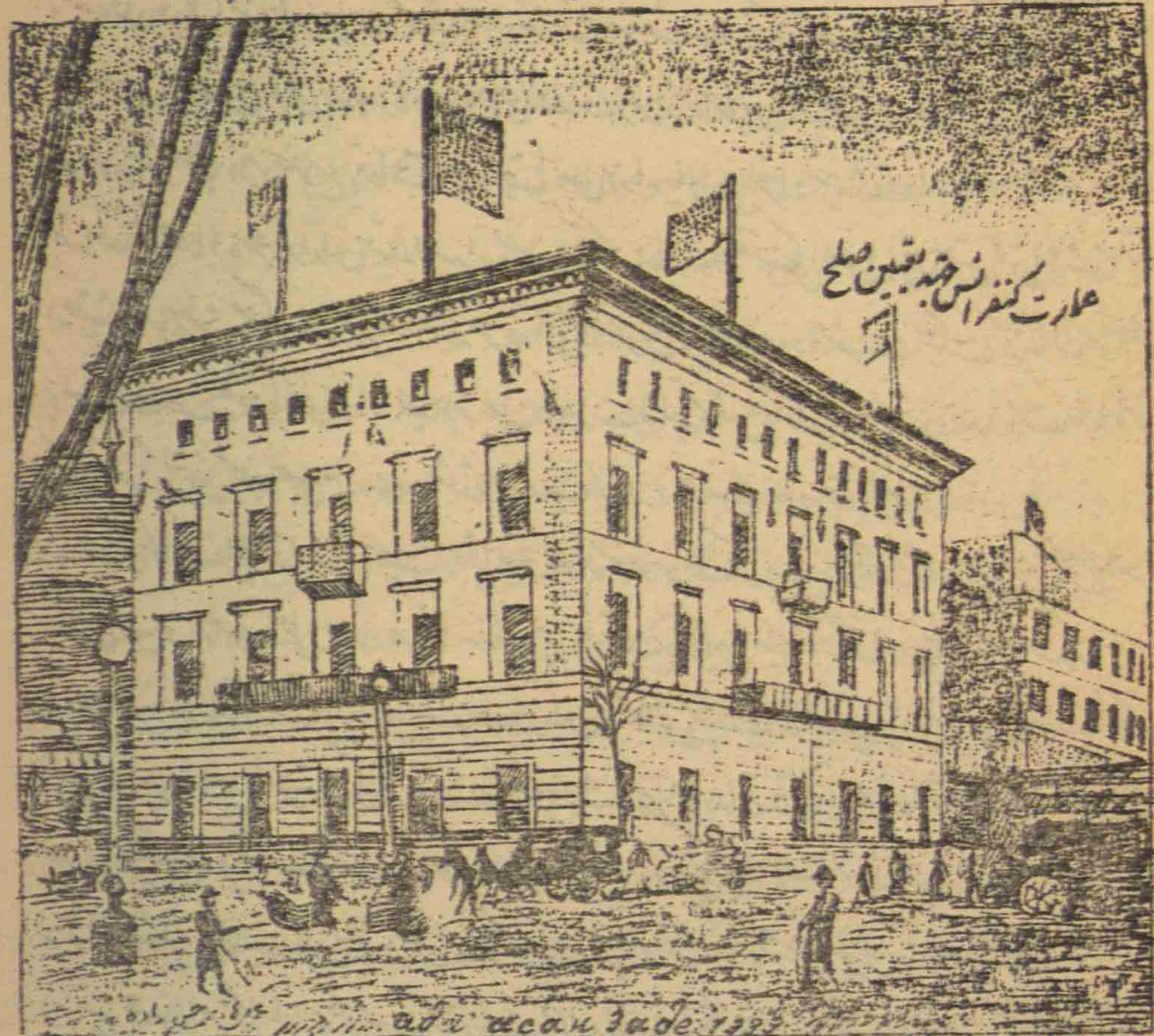
در ژاپون کاندیدائی ویت موجب رضایت و خوشنودیت گردید زیرا که مشار الیه شخص صلح جو و مآل بین و با احتیاطی بود. در انگلستان هم انتخاب و تعیین ویت با یک حسن تلقی پذیرفته گردید. با وجود تردید رای امپراطور و مخالفت درباریان و کشمکش چندروزه میان پارتی های متضاده بالاخره اصرار وزیر خارجه و ایستادگی طرفداران مسیو ویت امپراطور را از تردید باز داشته و قرار قطعی و تصمیم جدی در تعیین و انتخاب مشار الیه اتخاذ و فرمان مأموریت ویرا امضا نمود.

در توکیو میکادو نمایندگان خود قبل از حرکت ایشان برای امریکا نطق ذیل را انشاد نمود:

(رئیس جمهور امریکا از مداومت محاربات بی اندازه متأثر و کمال جدیت را در ترک مخاصمات و عقد صلح برای ابقای فواید و منافع دول متخاصمین بخرج داده و پیشنهاد تعیین نمایندگان و انعقاد کنفرانس را بدربارهای توکیو و پطرزبورغ نمود. ما بخلاف انتظار و مساعی کامله صلح جویانه خود مان اسلحه بدست گرفتیم و اگر آرزوی جنگجویانه خصم تبدیل بمصالحه و مسالمت باشد ما با یک مسرتی آنرا

استقبال

استقبال می کنیم بنابرین تکلیف رئیس جمهور را فوراً پذیرفته و شما را مأموریت دادیم که داخل مذاکرات



شده بانعقاد صلح موفق شوید و باید در این باب اقدامات مجدانه بخرج بدهید که یک صلح محکم و متینی منعقد گردد .)

بارون کاموراسفیر فوق العاده دولت ژاپون با سایر اعضاء هیئت سفارت در هشتم ماه ژوئن با یک احترام شایانی از توکیو بسمت امریکا حرکت کردند . مأمورین بزرگ دولت و رجال معظم مملکت

اعیان و اشراف و سرداران و وزرای سابق و لاحق تا ایستگاه راه آهن مشارالیه را مشایعت کرده تمام اهالی موقع حرکت وی نمایشات مسرت انگیزی داده متصلاً با صدای زنده باد نماینده فر بوزرا ایشانرا تشییع مینمودند . خصوصاً مصادف حرکت بارون کامورا خبر اشغال جزیره ساخالین بواسطه دستجات ژاپونی بتوکیو وارد گشته بمراتب بر حدت شعف و شادمانی اهالی افزود .

در ژاپون غرور و نخوت اهالی بواسطه مغلوب ساختن یک دولت مقتدر و معظمی مانند روس روز بروز زیادتر شده و محورین وادهای معروف مملکت مذکوره (اودیاما) را ناپلیون زمان حاضر ملقب و موصوف میکردند . (اودیاما) از تلگراف اروپائی که تماشاچی منظرهای محاربات مانچوری بود و یک هدیه شبیه تفنگ شکار ناپلیون دریافت کرد که در ضمیمه و تلو آن کاغذی بود مشعر براینکه مارشال اودیاما موفق گردید بانچه که ناپلیون در ۱۸۱۲ نتوانست موفق شود . ملت ژاپون بواسطه کثرت علاقه و اطاعت محضی که از دولت متبوعه خویش داشتند در اقدامات جنگی یا عملیات صلح جویانه حکمران محبوب خویش همراه و هم رای بوده همه قسم مساعدت و موافقت را نسبت بهیئت دولت خود داشتند ولی بعکس نفاق و اختلاف تامی که در عناصر مختلفه ملت روس و ضدیت ایشان با دولت موجود بود علاوه از آنکه مساعدت و موافقت با مقاصد امپراطوری نمیکردند اشکالات متعدده هم فراهم آورده ازاینرو دربار پطرزبورغ پس از تردید زیاد در مداومت جنگ یا مذاکره صلح بالاخره مصمم گردید که هیئت نمایندگانی بکنفرانس ارسال دارد و حال آنکه دربار میکادو بدون تأمل و تردید حاضر بمذاکرات صلح گردید در صورتی که در تمام محاربات بری و بحری غالب درآمده و از حیث قوای حربیه بمراتب بیشتر از روسها بود . بنابرین در ژاپون در آن موقع یک نفری یافت نمی شد که ضد منافع ملت و یا دولت عقیده داشته باشد بلکه ملت و دولت را جزء لاینفک یکدیگر میدانستند .

اتحاد محکم و کثرت وطن پرستی و دولتخواهی ژاپونیها در داخله و خارجه یک سانسور سختی در جلوگیری

اقدامات اجنبی ها بضد منافع و مصالح حاضرهٔ مملکت تشکیل داده در مملکت نیپون و مسقط الرأس او یاما و توغو عقیدهٔ واحده اجرای حکم و نفوذ می کرده آنهم احراز غلبه و نگهداری شرافت وطن بود.

شدت مراقبت مأمورین ژاپونی در حفظ و نگهداری اسرار خویش و عدم افشا و انتشار مقاصد و خیالات خود بقسمی بود که مختصر سوء ظنی که از یکی از خارجی ها تولید میشد فوراً تعقیب و تعاقب کرده مانع بودند که بخلاف میل و مقتضیات مملکت خبر یا اطلاع و لو جزئی هم باشد نشر یابد. بدینجهة اهالی اجنبی ممکن نبود بتوانند یک سطر یا یک کلمه بخارج انتشار بدهند که سانسور ژاپونی نتواند آنرا کشف نماید چنانچه مأمور نظامی سابق دولت فرانسه در توکیو بجرم جاسوسی گرفتار گردید. مسیو بوگودین اتاشه میلیتر مزبور که همواره از ترقیات مهمهٔ قوای ژاپونی استفاده کرده اطلاعات لازمه در تجهیزات نظامی دولت مزبوره تحصیل مینمود طرف سوء ظن دربار توکیو گردید و با وجود اقدامات کافیه سفیر دولت انگلیس و فرانسه مقیم دربار ژاپون در برائت و استخلاص مشار الیه بی نتیجه مانده مسیو بوگودین را در مسائل ذیل اولیای دولت میکادو متهم و مظنون ساختند:

۱) در ماه نوامبر (بوگودین) تفصیلاتی در باب اخراج قشون ژاپون در مانچوری بتوسط پست بیک روزنامه پاریس ارسال نمود.

۲) حرکت دستجات نظامی ژاپون را با راه آهن شمال اطلاع داد.

۳) اطلاعاتی راجع به تشکیلات چندین باطری توپخانهٔ محاصرهٔ پرت آرتور بیک صاحبمنصب بزرگ در پاریس داده. علاوه ازین آتاشه میلیتر فرانسوی مزبور بیک ژنرال فرانسوی از تجهیزات فرقه های جدیده و قرعه کشی نظامی بارهٔ افواج توکیو و مأموریت ایشان بمیدان جنگ راپورت مفصلی داد.

بوگودین را به محکمهٔ عالی نظامی احضار و در هشتم ژوئیه پس از انجام محاکمات مشار الیه را محکوم بده سال حبس و خدمات شاقه نمودند.

دولت چین بملاحظهٔ اینکه در محاربات اقصای شرق و در مذاکرات صلح مابین دول روس و ژاپون فواید و منافع خویش هم ذیدخل است مشغول اقدامات لازمه گردید که خود را هم داخل مذاکرات صلح نموده نمایندگانی برای کنفرانس اعزام دارد ولی دولت ژاپون بتصمیم دربار پکن را بی نتیجه گذاشته بر شدت عملیات تنفیذیهٔ خویش در چین افزود. و این مسلم است که محاربات اقصای شرق ناشی از رقابت دو دولت ژاپون و روس در استقرار تسلط و نفوذ خودشان در مملکت مانچوری و قوره و دولت آسمانی چین آو صدمه بر نفوذ خودشان وارد آید یا دولت چین مستقیماً و مستقلاً داخل مذاکرات صلح شده در مقدرات آتیهٔ اقصای شرق شراکت و دخالت نماید.

دولت ژاپون برای آنکه نفوذ و تسلط خود را در تمام مملکت وسیعهٔ چین برقرار دارد و چون میل و علاقهٔ اهالی چین را بمعارف و علوم زیادتر از سابق دیده معلمین متعددی بچین ارسال داشته ریاست و ادارهٔ مدارس عالیه و متوسطه و دار الفنونها را بکف خویش گرفته در تعلیم و تدریس علوم جدیده سعی کافی و جهد وافی مینمود و علاوه از عدهٔ معتنابهی که از اشخاص عالم و متخصص بفنون متعدده که بچین ارسال داشت اولیای امور و اهالی چین را بمعارف و مدارس ژاپون متوجه و مجذوب ساخته همه قسم مساعدت در ترتیب و تدریس اهالی چین در ژاپون بروز داده و چینیان فوج فوج و دسته دسته برای تحصیل بژاپون میرفتند.

دربار میکادو علاوه ازین ادارهٔ امور حربیه و مالیهٔ چین را هم بعهده گرفته در تمام ادارات مالیات ادارد و ها و در افواج چین صاحبمنصب و مأمورین زیاد ژاپونی مستخدم کرده بود.

[illegible]

مملکت چین یک مملکت وسیع است که دارای ایالات جسیمه مغولستان و تبت و مانچوری و ترکستان چینی و غیره که در رأس حکومت هر کدام یک فرمانفرمای مقتدر و مستقلی قرار گرفته در ادارهٔ امور کشوری و نظامی و مالیاتی مطلق العنان و صاحب اختیار بوده و اسماً و ظاهراً با بعض مراسم و قیود بدربار

مرکزی پکن تابع و مطیع هستند علاوه از این چندین ولایات دیگری هم موجود است که در تحت ریاست یکنفر حاکم مقتدری بنام خدیو قرار گرفته و چون دولت ژاپون بخوبی درک و استنباط کرده بود که تحصیل نفوذ و اختیارات در چین متوقف و مربوط بداشتن روابط و مناسبات صمیمانه جداگانه با هر یک از این فرمانفرمایان و خدیوها است بنابرین علاوه از اقداماتیکه در نزد دولت آسمانی چین و دربار پکن برای پیشرفت قوهٔ نفوذیه خویش میکرد بواسطهٔ مأمورین ماهر و سیاسی دان ژاپونی با ابراز کمال مساعدت و مظاهرت و با پیش نهاد مواعید مختلفه حکام و خدیوان فرمانفرما را بخود جذب و جلب نموده از انیرو ایشانرا آلت اجرای مقاصد خود قرار داده یک رابطهٔ محکمهٔ با آنها تأسیس و تشکیل داده بود میتوان گفت در تمام داخلهٔ چین ژاپونی ها بقسمی تسلط پیدا کرده بودند که در تمام عروق و شرائین اعضای جامعهٔ مملکت آسمانی نفوذ تامی حاصل نموده بودند گذشته از اینها بوسایل مختلفه در قلوب تمام افراد چینی خصومت و کینه نسبت باروپائیان تولید کرده و آنهارا منزجر و متنفر از اهالی اروپ بدون استثنا مینمود.

دولت چین که در جریان محاربات مانچوری فاتحیت و غالبیت ژاپونی ها هم نژاد خویش را که مشاهده و ملاحظه نمود در صدد اصلاحات و بتهیهٔ اسلحه و توپخانهٔ جدیده برآمده از کارخانجات دول معظمه و از ژاپون توپها و مهمات جنگی معتنابهی خرید ولی استعمال و ادارهٔ این استعداد را بعهدهٔ کدام یک از دول منظمه واگذار نماید معطل بود تا آنکه نفوذ و ترقیات ژاپون دربار پکن را وادار باستخدام صاحب منصبان ژاپونی نمود.

در ماه ژوین ۱۹۰۴ خدیو ممکتین لیانگ ده تا کشتی توربیل داری بکارخانجات نیپون سفارش داده و در تحت فرماندهی ملاحان ژاپونی قرار داد. خدیو (چانگ - چینونگ) در کشتی سازی (کوبه) هفت کشتی توپکش سفارش داده واگذار شافان ژاپونی نمود.

مدارس نظامی چین بهمت و جدیت ژاپونیان رو بترقی گذارده همه ساله صاحبمنصبان نظامی تحصیل کرده چینی

وترتیب میکردند. خلاصه اینست که دولت ژاپون کمال نفوذ و تسلط فوق العاده در تمام داخلهٔ چین پیدا کرده سررشتهٔ امورات در دست ادارهٔ دربار توکیو قرار گرفته بود.

باب چهاردهم

محبوسین اول در تحت حمایت فرانسه — قوانین ژاپون راجع به محبوسین — حبسی های ساسه بو — شرح یک ملاح — حقوق بین المللی — تجربهٔ تجارتی و نظامی — در ماتزویاما — محاوره با سربازان محبوس روس — مراسلات مؤثره — اقدام بفرار — نزاع مابین محبوسین روس لهستانی فنلاندی و یهودی — محبوسین پرت آرتور و موکدن — بعد از جنگ — بازدید میدان جنگ — محبوسین ژاپون در روسیه — محل حبس — پذیرائی با ایشان کردند — کارهای ایشان — اعتماد در فتوحات ژاپون. —

در آغاز مخاصمات که بدواً در دریای اتفاق افتاد یک عدهٔ از روسها بدست ژاپونیان اسیر افتاده و قبلاً عمله جات سفاین تجارتی و نقلیه را ضبط و بنادر ژاپون پیش از اعلان جنگ بردند.
محبوسین که از ملاحان کشتی ها در چمولپو، پرت آرتور و در محاربات یالو گرفته بودند دربار توکیو مشغول بتعیین شرایط حبس و محافظت و گذران آنها گردید.
سفیر فرانسه مسیو (هارمان) که حمایت اتباع روس در ژاپون در موقع محاربه بعهدهٔ وی واگذار شده بود سعی و مجاهدت تامه در باب اصلاح امور محبوسین بعمل نموده و مطالبه اجازه از دربار توکیو برای مکاتبه اسرا با خانواده و اقوام خویش می کرد.
در چهاردهم فوریه یک ادارهٔ بتحصیل اطلاعات راجع باوضاع محبوسین در تحت ریاست وزارت جنگ ژاپون بشرایط ذیل تشکیل یافت:
۱) جستجو کردن حالات محبوسین که بچه طریق اسیر افتاده و بچه قسم حمل و نقل داده و در مریضخانه ها

پذیرائی کرده اند.

۲) تأسیس دار الانشاء راجع بحالات محبوسین —

۳) مواظبت در تسلیم یا ارسال وجه یا اشیای لازمه به محبوسین یا از خود محبوسین بسایر جاها —

۴) مواظبت در حفظ اسناد و وصیت نامه ها و پول محبوسین متوفا و سعی در رساندن متروکات ایشان باقوام و اقارب وی —

۵) اتخاذ تدابیر لازمه درباب خصم مقتول مانند یک خصم محبوس —

۶) اداره تسویهٔ امور محبوسین از اولیای نظامی بری و بحری حق تحصیل اطلاعات و اشیا و سایر ملزومات متروکه اسرا و محبوسین را داشته و خواهد داشت —

مراسلات و امانات پستی راجع باداره تسویه معاف از هرگونه اجرت بوده اسرای جنگی هم از هر قبیل اجرت و حق راه آهن و گمرکات معاف هستند.

در ایام محاربات پرت آرتور و موکدن دول متخاصمین خود را مجبور دیدند که مراعات احکام ذیل را درباب محبوسین نمایند.

۱) اسلحه و تمام مهمات جنگی که اسرا مالکند ضبط و مصادره شده ولی اشیای سایرهٔ ایشان راجع بخودشان است

۲) صاحبمنصبان اسیر حق نگهداری شمشیر و قدارهٔ خودشان داشته ولی اسلحهٔ ناریه را نمیتوانند نگهدارند —

۳) فرمانده اردو یا کماندان فرقه میتوانند با دشمن درباب حمل و نقل مجروحین یا مرضا و در مبادلهٔ محبوسین و یا قسم دادن اسرا در عدم مداومت جنگ داخل مذاکرات بشود.

۴) محبوسین صاحبمنصب بمحل معین خودشان نقل داده میشوند بدون آنکه با سایر افراد نظامی مخلوط بشوند.

۵) محبوسین بحری باید تسلیم ادارهٔ بحریه نظامی شوند. —

۶) اولیای امور نظامی محل و نقاط مناسبی برای حبس اسرا باید معین نمایند. —

۷) اسرا باید بطور راحتی منزل داشته باشند نه مخلوط بهم. —

۸) اسرا و محبوسین با تصویب صاحبمنصبان مفتش میتوانند اشیای لازمه بخرند —

۹) اسرا مراسلات و مکاتبات را میتوانند دریافت دارند ولی بعد از سانسور —

۱۰) مراسلات پستی محبوسین مجانی است —

۱۱) اشیای قیمتی محبوسین که ضبط و مصادره میشود بعد از ختم جنگ با آنها مسترد میگردد. —

۱۲) اشیا و نقود متعلق بمحبوسین متوفا را ادارات مخصوصه جمع میشود همچنین اسناد و وصیت نامهها

۱۳) تعلیمات لازمه درباب تغذیه لیعه و رختخواب محبوسین باید کاملاً داده شود —

۱۴) دفن اموات محبوسین باید با احترامات و مراسم نظامی مجری شود —

۱۵) محبوسین باستثنای صاحبمنصبان در موقع ضرورت مجبور بکار کردن است از روی قرار معین —

اولین اسرائی که ژاپونیان گرفتند به (ساسه بو) که سفاین ضبط شده روس ها را هم بآنجا بردند. حمل و نقل داده سفاین را در یک قطار جلو بندر مزبور مرتب کرده و بعد از یکماه اسارت افراد بحری کشتی های آنها را در سفینهٔ (مانچوریا) جمع و دعوت کرده و ملاحان و نظامیان بحری روس قسم ذیل را کردند: ما امضا کنندگان جلو خدا و ند قسم میخوریم که در مدت جریان محاربات حالیه مابین روسیا و ژاپون تا آخر جنگ شراکت ننموده و بخدمات نظامی دولت روس وارد نشویم..... (مارس سال سی و هشتم میدتری در ساسه بو)

تمام عمله جات سفاین ضبط شده را مجبور بامضای قسم نامهٔ فوق نموده و بعد آزادی بایشان دادند باستثنای صاحبمنصبان و ناخداها و کاپیتن های کشتی که دو ماه تمام در تحت اسارت بجای حضور رساندن در حضاریه های محکمه نگهداشته شدند.

یکنفر صاحبمنصب اسیر روس میگوید که من در مدت توقیف و اسارتم قریب دو هزار مسافات از پول



سخنی خویش برای تغییر غذاهای غیر مأکول ژاپونیان بخوراک مأکول خرج کرده و مجبور شدم که مخارج عمله جات خود مرا هم متحمل شوم شاید صاحبمنصبان دیگر هم اینطور رفتار نموده اند .

در باب محاکمات سفر ماندهان و صاحبمنصبان کل سفاین ضبط شده در ژاپون خیلی سخت گیری میکردند چنانچه یک کماندان محبوس در این خصوص مینویسد که (اداره نظمیه بمن خبر داد که در محاکمات من آووکای هم اول توکیو از من مدافعه خواهد کرد من پنج تلگرافی بشارالیه ارسال داشتم که هیچکدام جوابی نداد در تلگراف ششم اصرار نمودم که من کاملاً قوانین دولتی را در باب ضبط و تسلیم سفینهٔ خودم مراعات کرده و در این باب توضیحاتی فرستادم جواباً اظهار داشت که اسناد مزبور هیچ جه لازم نیست . مسیو یازنیاتی معروف که آووکای من بود در موقع شروع محاکمات من حضور رسانده و یک مساعده که از شانگهای از اداره شرکت بحری که من مستخدم بودم گرفته بود . وقتی که داخل عدلیه شدم یکنفر ژاپونی کوتاه قدی بمن نزدیک شده خود را آووکا معرفی کرده و گفت که در امورات محکمه من در حفظ حقوق حاضر است بجای یازنیاتی مدافعه نماید . مرا داخل یک سالون بزرگی کردند که رئیس محکمه و معاونین و قضات و مستنطق و محررین دور میز نشسته بودند . پس از محاکمات زیاد من اظهار داشتم که اعلیحضرت میکادو در ۵ ماه ژانویه حکمی صادر کرده است که تمام کشتی های تجارتی روس باید از آبهای مجمع الجزایر ژاپون مفارقت نمایند و در صورتیکه کشتی مرا در ۲۴ توقیف کرده اند مغایر حکم امپراطوری رفتار نموده اند از این تقریر من که عین حکم میکادو را هم که در یکی از نمرات روزنامه نازاکای مندرج بود نشان دادم رئیس و قضات محکمه مضطرب شده

(آووکا) وکیل عدلیه و محاکم شرعیه و عرفیه را گویند .

چندی با یکدیگر سرگوشی حرف زده و محکمه را خاتمه دادند و چند روز پس از آن من مرا با عمله جات خودم آزاد کرده اجازه دادند که با کشتی خویش از سواحل ژاپون حرکت نمائیم .

محبوسین

محبوسین سفاین جنگی روس را که اول در (ماتزویاما) نگهداشته بودند بعد بجزیره (شی قوقو) برده در یک معبد قدیم بودی جا دادند. اغلب ملاحین و افراد بحری محبوس از اسلات جهنجه و مؤثره بخانوادهای خویش چیز نوشتند از آنجمله کاغذ چهار نفر ملاح کشتی تورپیل (استرغوشچی) است: (تمام صاحبمنصبان ما کشته شده و از جمله جات کشتی ما غیر از ما کسی باقی نمانده است. ما نگذاشتیم تورپیل ما را ضبط کنند بلکه او را غرق کردیم. تصور نمیکنیم که اعلیحضرت تزار و وطن ما اسناد عدم قابلیت نسبت بما بدهند زیرا که آنچه از قوۀ ما بر میآمد انجام دادیم)

چندی نگذشت (ماتزویاما) کفایت گنجایش اسراء و محبوسین نکرده بدینجهه مابقی را به (هیمه جی - مازوکامه) و بعد هم به (فوکوشی - یاما) حمل و نقل میدادند.

مازوکامه در جزیره (شی قوقو) و هیمه جی شهر عمده ولایت (هاریما) واقعه در نیپون مرکزی و فوکوشی یاما در ناحیه کیوتو واقع بود.

در آخر دسامبر ۱۹۰۴ مجموع اسرای روس در ژاپون متجاوز از دو هزار و دویست نفر بود که هشتاد نفر آن صاحبمنصب بودند. ناخوشها و کسانیکه از اسلحه برداشتن عاجز بودند آزاد گذارده ما بقی را در تحت اسارت قرار داده گرچه پاره اسراء در صدد فرار بر آمدند ولی موفق نشدند.

منازعات و مصادمات مختلفه و متعدده مابین محبوسین روس که از نژادهای مختلفه بودند اتفاق می افتاد و اتصالاً (اسلاوها - فیلاندیها - یهودیها) بایکدیگر زد و خورد داشتند. افراد بحری با قشون بری که محبوس بودند باهم بهیچوجه سازگار نبودند. و این اتفاقات باعث شد که ژاپونیها و سرهار آنهم با همی گرمی مینمودند. ژاپونیها علیرغم اظهارات روسها کمال رعایت و مهربانی نسبت باسراء و محبوسین نموده در لوازم رفاهیت و راحتی ایشان خیلی سعی و کوشش داشتند.

یک حکیم روسی دکتر (مانوروف) در باب اسارت خویش راپورت میدهد: (راه خود را گم کرده پیش قراولان

قشون

قشون ژاپون مرا توقیف کرده پس از استجواب در منزل رئیس ژاندارم مرا با احترام پذیرائی کرده و چهار روز بعد دو سوار بهمراهی من به پست اول روس مرا رسانده و برگشتند.)

یک محبوس روسی را که یک سرباز ژاپونی میبرد نسبت بوی نهایت مهربانی بخرج داده وقتی که بفرارگاه رسیدند سرباز روسی محض اظهار تشکر ژاپونی را بغل کشیده ولی چون این رسومات مابین ژاپونیان معمول نیست بنابرین سرباز مزبور تصور نمود که روسی خیال کرده بدن یک جای بدن وی است کشتی زده و بعد معلوم شد که بیچاره مقصودش اظهار قدردانی و امتنان بوده است.

بر عده اسراء و محبوسین روز بروز افزوده و خصوصاً پس از سقوط پرت آرتور و موکدن بیک مقدار مهمی بالغ شده بود. مسیو (بتلیث) فرانسوی در باب وضع و رفتار ژاپونیان نسبت باسراء و محبوسین مینویسد (من غالب نقاطیکه برای محبوسین معین شده بود زیارت کرده حالت سربازان روسی را خیلی بهتر مشاهده نمودم منازل و خوراک و مهمان نوازی ژاپونیان خیلی اسباب تعجب من گردید. مواظبت و توجهاتی که نسبت بمحبوسین روسی میکردند قطعاً بخود ژاپونیان نمی نمود. مریضخانها در منتهای نظافت پرستاران مجروحین و اطبا و جراحان با یک جدیت و اهتمام تمامی مشغول انجام وظایف خویش بودند. ژاپونیها با اسرای روسی مانند ملت دوست نه مثل یک دشمن رفتار میکردند و همواره ساعی بودند که وسایل راحتی آنها را کاملاً فراهم آرند).

محبوسین روس عموماً از ناخوش و مجروح گرفته در عمارات معینه در تحت مراقبت و پرستاری ژاپونیها قرار گرفته و از هر حیث راحت بودند فقط از غذا قدری شکایت داشتند. ژاپونیها همان جیره غذا را که بسربازان و صاحبمنصبان خویش میدادند بآنها هم داده ولی غذا و خوراک مزبور که برای یک ملت قانع و صرفه جو مانند ژاپون که خیلی خوب و کافی بود برای نژاد دیگری مانند اسلاوها و روسها که باین ترتیب خوراک و تغذیه عادت نداشتند و غذای ایشان جور دیگر است سخت بنظر میآید

صاحب

صاحب منصبان روسی علاوه ازین ژاپونیان را برای تحریک شورش و اغتشاش ها پس صفوف و قطعات محبوسین نظامی متهم ساخته و میگفتند که نزاع و اختلافات مابین اهالی محبوس پولونی با فنلاندیها و زد و خوردهای روسها با اسرای یهودی همه از تحریکات ژاپونیها است.

دربار پطرزبورغ بواسطه بحرانها و محذورات متعدده داخلی. حربی. سیاسی و غیری که گرفتار بود کلیتوا بنت از حالات محبوسین و اسرای روسی اطلاعی حاصل نموده رسیدگی بترتیب زندگی و اوضاع ایشان نماید حتی حقوق چند ماهه ایشانرا هم نتوانست مرتبا برساند بدینجهة سفیر دولت فرانسه مقیم توکیو شخصاً بطور مساعده از بابت حقوق ایشان کمک و دستگیری مینمود. نشریاتی در باب قتل و غارت محبوسین و مجروحین روس در موقع فتح موکدن بواسطه ژاپونیان انتشار یافته و بلا فاصله انتشارات مزبوره را تکذیب کردند. مامورین مریضخانه های سیار نظامی و خانمهای پرستار مجروحین و حتی خود مرضات و زخمیها عکس این قضیه را ثابت کرده اظهار داشتند که ژاپونیها با کمال مواظبت و دقت از آنها پذیرائی و پرستاری مینمایند. اولین قطار اسرای موکدن ۶ر۲ ماه وارد توکیو گردید. اشخاص غیر جنگجو را که در میانه ایشان مخبرین جراید و روزنامه نویس و کشیش ها هم بودند فوراً آزادی داده از قید اسارت نجات یافتند. قریب چهل هزار اسیر و محبوس در ژاپون متوقف بود.

ژنرالهای روسی مجاز بودند که سیر و حرکت نمایند بشرطیکه مراعات تمام قوانین لازمه اسارت را بنمایند. امورات محبوسین را با یک ترتیب صحیحی موافق مراسم مذهبی محبوسین در یک محل معین برده دفن میکردند. اسم و نمره و مدت خدمت درجه و نام صنف و کمرهان و فوج وغیره تمام اسرا را در دفاتر مخصوصه ثبت و ضبط مینمودند.

نقاطیکه برای دفن معین بود در یک مسافت دورتر از آبادانی و خیابانها و بلاد و قرایا اردو کاهها قرار گرفته و در اطراف آن مجاری آب. قنوات. چاهها نبایستی باشند و هم چنین محل دفن

جای

جای سربالا یا سرازیر نشده بایستی مواقع سطح باشد. صاحبمنصبانرا در مقابر علیحده رو بهم چیده چند نعش را باهم دفن کرده و سربازانرا در گودالهائی که متجاوز از پنجاه نعش نباشند مدفون مینمودند و مخصوصاً گودالهارا عمیق تر میکردند که لااقل یک متر از سطح زمین تفاوت داشته باشد.

عده محبوسین ژاپون در روسیه آنقدر زیادتر نبود اسرای اولیه در (پرم) قرار گرفته و عبارت از اشخاص غیر جنگجوی فقیر و کاسب از قبیل صنعتکار. کلاه دوز. رخت شور نعل فروش و عمله بودند که تا اوایل جنگ در سیبری متوقف و بواسطه اولیای امور گرفتار و اسیر شدند. نظر بتقریر یک نفر فرانسوی محبوسین ژاپون زن و مرد و طفل که بالغ بر سیصد نفر بودند در یک قطار صالون و اطاقها منزل داده شده و بهر کدام روزی ۹ کپک میدادند که این وجه برای آنهائیکه معتاد بعادات و آب و هوای روسیه نمیشدند برای آنکه از گرسنگی نمیرند کافی بود. اسرای مزبور روزها آزاد بودند که در شهر بهر جا که میخواهند بروند ولی شب در عمارت معینه محبوس و در تحت مراقبت پاسبانان و قراولها بودند. بعضی از محبوسین ژاپونی برای تحصیل دخل در تامین معاش خود در مملکت غربت مشغول کارگری در کارخانجات و دارالصنایع روسی شده و چون مهارت و فعالیت زیادی بخرج میدادند دو برابر مزد و اجرت رنجبران روسی حق الزحمه دریافت میکردند. بعضی دیگر بعملگی و کارگری و شاگردی مشغول شده بقدر خور حال و کار خود اجرت میگرفتند. پاره دیگر از اسرای ژاپون که صنعت یدی و هنر دستی از قبیل نقاشی. کلابتون دوزی. منبت کاری. خامه دوزی وغیره داشتند شهر پرم را با صنایع نفیسه خویش مزین و مملو کرده مشتریان و طالبین زیادی پیدا کرده و اهالی پرم هم نسبت با ایشان رفتار دوستانه میکردند.

محبوسین بعد از روسها به (چردین) یک منطقه دور افتاده در وسط جنگلها بود میفرستادند ولی اسرای کوره را در (ریازان) جا میدادند. نقاطیکه برای قرارگاه اسرای ژاپونی در روسیه معین شده بود

عبارت

عبارت از شهرهای (کیف - خارکوف - پولتاوا - کورسک - اورل - کالنگا) بودند.

باوجود اینکه اخبار و نتایج محاربات جنگ بجوسین ژاپونی نیز رسیده اگر میرسید عکس و بندرت بود باز تمام اسرای ژاپونی که در روسیه بودند از افراد تا مین گرفته با صاحبمنصبان بحری و بری عموماً مطمئن بر فتوحات خویش بوده و علناً مغلوبیت قطعیهٔ دولت روس را باکمال امیدواری کرو شعار میکردند

باب پانزدهم

آخرین عملیات جنگ در مانچوری

اقدامات ژاپونیان در تصرف جزیرهٔ ساخالین - حمله به کوساکوف - راپورت ژاپونی - پیاده شدن قشون ژاپون - تعرضات شدیده - قلت و عدم کفایت قوای روس برای مقاومت و مدافعه - خلیج کاستری - تعاقب روسها - در کامچاتقا و در رود تومن - عملیات از حیث محاصره و لادوستوک - ساخلو و توپخانه و قلاع - محاصرهٔ بحری - در مانچوری - حرکات قوای مارشال اویاما - محاربات و مصادمات - سواره نظام در حالت کشافیه - عملیات ژنرال لنیویچ - ژنرالهای رنکامف و میچنکو و سواره نظام روس - عدم مهارت ایشان و یأس از موفقیت. ——

باوجود جریان مذاکرات صلح و انعقاد کنفرانس با حضور نمایندگان دو دولت متحارب بمناسبت تکلیف و پیشنهاد رئیس جمهور دولت اتازونی. ژاپونیها ضبط و تسخیر جزیرهٔ ساخالین را که از دیرگاهی چشم حرص و طمع بر آنجا دوخته بودند از جملهٔ مسائل حتمی و ضروری خویش و موافق تأمین منافع و مصالح آتیهٔ خود در جوار و سواحل سیبری لازم دانستند. جزیرهٔ ساخالین از آغاز جنگ در تحت منطقهٔ عملیات جنگی سفاین بحری مملکت نیپون قرار گرفته و جهازات روسی از حمایت و نگهداری آن عاجز و غیر مقتدر بودند. چنانچه یکی از سفاین جنگی روس که از پرت آرتور نجات یافته عازم جزیرهٔ مزبوره بود در مقابل حملات و تعقیبات یکدسته از جهازات ژاپونی سفاین روس با ساخلوی جزیره نتوانستند مقاومت

ازد نمایند و بالاخره گرفتار سفاین آمیرال توغو گردید.

ساخلوی جزیرهٔ عبارت از چندین دسته قشون مستحفظ بود که یک قسمت آن مقصرین و مجرمینی بودند که دچار خدمات شاقهٔ بحری شده از دیرگاهی در ساخالین قرار گرفته بودند و بدینجهة هیچگونه



تصویر ژنرالان قشون ساخالین

مقاومت جدی متصور نبود که در مقابل حملات ژاپونی روسها در جزیرهٔ مزبوره بعمل آرند. و بنابراین ژاپونیها اصرار داشتند که بساخالین یورش ببرند لهذا بعد از شش هفته از انقراض و محو قوای بحریه روزرست ونسکی و یکماه بعد از آغاز اولین گفتگوی صلح ژاپونیها یک دسته از سفاین خود را بسمت (کورساکوف) رساندند و از نتایج این تعرضات بکفیت متصرفات روس را در جزیرهٔ مزبوره متصرف گردید.

جزیرهٔ ساخالین در (۱۸۵۵) تا (۱۸۷۵) گاهی متعلق بروس و گهی بژاپون بود که ایالت مزبوره را قسمت کرده بودند در سال ۱۸۷۵ ژاپونیها کاملاً ساخالین را بروسها واگذار کرده و آن ایام

جزیره را معمور گردانیده آنکه استحکامات و قلاعی برای مدافعه حملات خارجی ساخته شد.

در هفتم ژوئیه یکدسته از کشتی های جنگی ما بین سواحل (شیب سو) و (کورساکوف) رسیده جای بمباردمان عقبه (مدره) را گذارده و قشون کافی برای سواحل ساخالین پیاده نمود. عبارات مملکت نیپون عبارت از زره پوش (فوزی) (چن‌یین) و (ایواث) و شش گروه و از ورا از طبقه دوم و چهار کشتی توپ کش با انضمام سی و شش مخرب توربیل بود.

بعد از یک محاربه مختصره رئیس قوای مستحفظه روس فرمان تخریب توپخانه و ابنیه دولتی ساحل دریا را داده با دستجات خویش بسمت شمال خود را کشید. ژاپونیها نتیجه بدون اشکال مواقع (کورساکوف) را اشغال نمودند. مشاهده فرار خصم در نزد ژاپونیها تولید یک مسرت فوق العاده نموده با یک صدای بلندی (زنده باد نیپون) میکشیدند. وقتی که قشون میکادو وارد کورساکوف گردید فهمیدند که قوای روس در بندر مزبور عبارت از سه هزار نفر از پیاده و توپخانه و داوطلب بوده و خود کورساکوف هم دارای سه هزار خانه است.

قشون ژاپونی پس از گرفتن قوه امدادیه بشدت تعرضات خویش افزوده بسمت شمال کورساکوف پیش رفته در محاربات ده و یازده و دوازدهم روسها را مغلوب و منهزم عقب نشاندند.

راپورتیکه روسها در باب اشغال ساخالین بواسطه ژاپونیها نوشته اند بقرار ذیل است: (ژاپونیها مجملاً اینکه در سواحل ساخالین با قوای مهمه پیدا شدند. کاپیتن (استرلیگوف) تمام مأمورین اداری و قضائی را در قصبه کورساکوف جمع کرده تمام اسناد و اوراق رسمیه را سوزانده و فرماندهی متراليوز دستجات مستحفظ را از کلنل (آرتسیشوسکی) گرفت. قطعات نظامی عبارت از دو گروهان پیاده نظام سه متراليوز با شش توپ بود. در ۱۲ ژوئیه جنگ از طرفین درگرفته و متراليوزهای روسی پیشرفت آهسته ژاپونیان را دو روز توقیف نمود ولی در جریان این محاربه روسها تمام ذخیره و مهمات خود را اتمام کرده و چون راه رجعت

ایشان از سمت جنگل و محل باتلاقی که حمل و نقل توپخانه غیر ممکن بود تمام توپخانه را خراب کرده از حیز استعمال خارج نموده تمام قورخانه و سایر لوازمات جنگی را آتش زده مشغول رجعت شدند. قشون ژاپونی مزبور با کمال جدیت بمرکز قوای روس حمله برده جناحین آنها را برگردانده و کاپیتن (استرلیگوف) را مجبور بعقب نشستن نموده بسمت (ولادوستوک) متوجه گردیده با دو کشتی و باقی مانده مستحفظین از دماغه غربی بسمت خلیج (اولگا) پیش رفت ولی در اثنای عزیمت بواسطه شدت طوفان مجبور از دست کشیدن از یک کشتی خویش شده و بالاخره با چهار پیاده از خشکی خود شان را به (ولادوستوک) رساندند)

ژاپونیها در غالب نقاط جزیره بدون دچار مقاومت خصم قشون پیاده کردند. در ۲۴ ماه ساعت نه صبح یکدسته قشون ژاپونی در (الکوداا) پیاده شده و یک عده قلیله روسها را مغلوباً عقب نشانده دو قصبه (الکووا) و (نوجیا) را آتش زده و قبل از آنکه دشمن به (الکزاندروسک) رسیده آتش بزنند ژاپونیها آنجا را متصرف شدند. شهر مزبور مرکز ایالت ساخالین و یک بلده کوچکی است دارای هزار نفر نفوس و در پانصد کیلومتری شمال تنگه (نرودز) واقع و تقریباً در مرکز جزیره است. ژاپونیها بدون هیچگونه اشکال نصف قسمت جنوبی جزیره ساخالین را اشغال کرده بودند مصادف همان ایام نمایشات دیگری در ساحل دیگری که بنام (مانش تاتاری) موسوم و ساخالین را از قطعه آسیا مجزی میساخت جلوه میدادند.

ژنرال لینویچ در ۲۴ ژوئیه مطلع گردید که ژاپونیها بعد از ظهر بواسطه مخرب توربیلها چندین باتالیون قشون در خلیج (کاستری) پیاده نموده فانوس بحری را اشغال و بیرق ژاپون را نصب نمودند. خلیج مزبور در ساحل ایالت سیبری جزو ایالت (کاباروسک) تقریباً روبروی (الکزاندروسک) واقع است. روسها بعد از تخت (آلوار) و (الکزاندروسک) به (ریکوف) در سی فرسخی جنوب شرقی واقع بود. ۲۸ ماه قوای ژاپونی به ریکوف حمله برده روسها را بسمت شمال طرد کرده نقطه مزبوره را هم متصرف شوند. یکدسته قشون ژاپونی که مأمور جنوب بودند در هشت کیلومتری ریکوف به هشتصد نفر پیاده نظام روسی برخورده

دویست نفر را مقتول و پانصد نفر را اسیر میکند. در ۲۹ ماه قشون ژاپون دستجات مغلوبه روسها را تعاقب
کرده در جنوب (تورد) دچار هزیمت کامله مینمایند.

۳۰ ژوئیه پنجساعتی صبح یک مأمور روسی که حامل مکتوبی از ژنرال (لیاپونوف) حاکم جزیره بفرمانده قشون
ژاپون بود وارد (تورد) شده بعد لول آن از کماندانی ژاپونی بنام انسانیت بواسطه فقدان ملبوس و
آذوقه و لوازم جراحی و پرستاری مجروحین ترک مخاصمات و محاربات را تمنا نمود. کماندان ژاپونی جواباً
مرقوم داشت که ترک مخاصمت متوقف بر اینست که تمام ذخایر و آذوقه و مهمات نظامی با سایر اموال
و اشیا و املاک منقول و غیر منقول و اسناد رسمی دولتی و حکومتی باید تسلیم دولت ژاپون گردد و جواب را باید
به (هانذارا) در سی و یکم ماه ارسال داشت. روز مزبور نماینده روسی کلنل (تریبوتی) به (هانذارا) وارد گشته
پس از مذاکرات با نماینده ژاپونی ژنرال (کوئیذزومی) تمام شرایط پیشنهادی ژاپون را قبول کرده
و بنابراین ژنرال (لیاپونوف) با هشتاد صاحبمنصب و سه هزار و دویست نفر تابین تسلیم گردید.

عملیات جنگی مقابل ولادوستوک شروع یافت. دستجات نیپون در تحت فرمانده (هازه کاوا) بحرکات
تعرضانه در ساحل لیار رود (تومن) در حدود کوره و مانچوری اقدام نموده در ۱۶ ژوئیه در محاربه بجوار
(مزون) موفقیت حاصل نمودند شهر ولادوستوک از امروز در تحت محاصره قرار گرفت. وقوع این حوادث
ژنرال (کازیک) را وادار نمود که برای جلوگیری هرگونه سوء اتفاقات اعلانی در باب ترک و مفارقت
کردن اشخاص غیر جنگجو تا مدت سه روز از شهر ولادوستوک منتشر سازد روسها مطمئن بودند که بخطوط دفاعیه
شهر مزبور هشتاد هزار نفر حاضر کرده و مدتی آنجا را محافظت و مدافعه نمایند ولی محصوریت شهر عقب نشستن
قوای روس از قوه دفاعیه ایشان کاسته و آنها را غیر مقتدر برای مدافعه چندین مدت ساخته بود.

ساکنین ولادوستوک که عبارت از ده هزار اروپائی و هشت هزار چینی و اهل کوره بودند از محاصره و محاربات
آتیه شهر مزبور و حملات قریبه ژاپونیها متوحش شده مشغول مهاجرت بودند. در تومن روسهای بواسطه تهدید

سخت

سخت قوای غالبه ژاپونی متصلاً عقب می نشستند و خطوط دفاعیه رود مزبور را ترک و پلها را خراب میکردند



ژاپونیها به (کای-کژروک) هجوم کرده و دستجات متعددی در خلیج های مجاور مصب رود پیاده مینمودند
جراید نظامی روس راجع به ولادوستوک نوت ذیل را انتشار دادند: (شهر با سه محوطه و سنگرهای متینه
احاطه یافته دارای دویست باطری توپ دفاعیه است پنج قلعه محکمه بسمت شمال و دو قلعه بسمت جنوب را
مدافعه میکند. قوای مستحفظه ولادوستوک محتوی هشتاد و پنج هزار نفر با انضمام دو هزار توپ و دارای قورخانه

کافیه

کافیه و چهارصد طبون فشنگ و مهمات حربی بوده و آذوقه دو ماهه را مالک است . ژاپونی ها در مقابل قوای متحفظ دفاعیه ولادوستوک محتاج بدویست هزار نفر قشون است) .

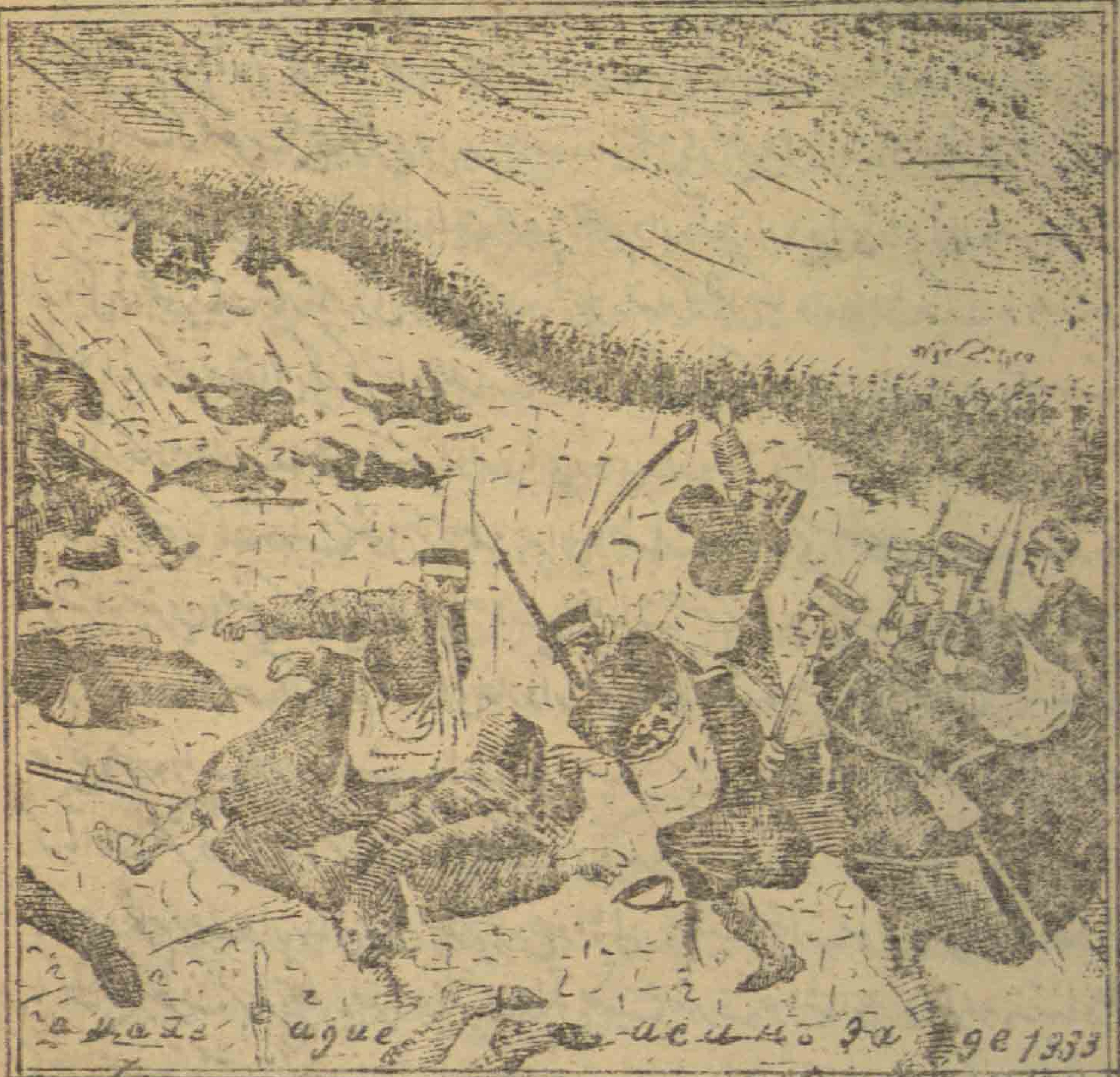
ساکنین ایالات ساحلی و اهالی سواحل رود آمور هزار هزار بسمت داخل سیبری مهاجرت میکردند . قطار سفاین جنگی ژاپونی بقسمی بطول سواحل قرار گرفته بودند که حمل و نقل آذوقه و لوازمات را بواسطه سواحل مسدود داشته و اردوی مانچوری روس مجبور بود که بعدها از داخله روسیه تهیه آذوقه و ذخایر نماید . فرمانده کل ولادوستوک مامورین متعددی که بکوره و چین و سیبری برای خرید اغنام و احشام فرستاده و از اینرو روس ها برای داشتن آذوقه لازمه مبالغ زیادی خرج میکردند .

از آخر ماه ژوین فعالیت قشون مارشال اویاما در مانچوری رو ببطائت و سکونت گذارده حرکات تعرضانه دستجات بندرت بظهور می پیوست . روس ها بنکه بافراط هوا خواه جنگ بودند تصور میکردند که خصم خسته شده جرئت حملات جدیده بقوای تازه تجهیز شده روس ندا شت . ژنرال (رنکامف) یک استحکامات جدیدی در جناح چپ اردوی روس انشا نموده چندین مغازه و مخزن آذوقه و مهمات خصم را در آن حوالی خراب کرد .

ژنرال لینویچ منتظر قوای امدادیه بود و امیدوار بود که با چهار اردوی تجهیز یافته حاضره عنقریب مقدار قشونش بششصد هزار بالغ خواهد شد . جبهه های قوای روسی در یک فضای پانصد کیلو متری در مانچوریها قرار گرفته فرمانده کل جناحین اردوها را از سمت راست بجلو و چین از چپ برود تومن توسعه میداد . پنجم ماه ژاپونیها یک فرقه روس ها را در تنگه (شاعو) در مشرق جاده ماندارین مجبور بعقب نشستن نمودند . لینویچ در یازده و دوازدهم اوت خبر از حرکات تجاوزکارانه دشمن را میداد و لی این متجاوزات هیچ به نقشه و اقدامات باطن مارشال (اویاما) ارتباط و علاقه نداشت . فقط برای عملیات اکتشافیه بود نه حرکات جنگی .

۳۰ اوت روس ها یک عده سواری بسمت شرق فرستاده شده و لی پیش قراولان ژاپونی با شلیک توپ خط حرکت ایشان را منحرف ساختند

از قرارگاه مرکزی مارشال (اویاما) چندین مصادمات متفرقه را بقرار ذیل اطلاع دادند : در ۲۷ ماه



روس ها ولایت (هیزنیک - شغنیک) بنقاط (نالشان - سن ترزو) و (روشان - ترزو) حمله کرده با تلفات عقب نشستند . در یک مصادمه دیگری ژاپونی ها یک دسته پیاده نظام روس را از (یوتیانک - ترزو) بولایت (تاتولو) دفع و طرد نمودند . همان روز ژاپونی ها سه حمله موفقانه کرده دو موضع

محکمی را از خصم گرفتند. مخبر روزنامه (تیمس) که سواره در اواخر اوت از جا رفاکومن) تا (تیه‌لین) و از آنجا به موکدن با راه آهن مسافرت کرده بود، اینطور مینویسد: (همه جا فعالیت خسته نشوندهٔ ژاپونیها رو بتزاید است. ترنهای پر از قشون و مهمات جنگی لاینقطع وارد شده تقسیمات دستجات اردوها را منظم و نواقص قوای حربیه خودشان را با کمال رسانیده اند. اداره ارکان حرب مطمئن است که عنقریب صلح بوقوع خواهد پیوست ولی قبل از صلح مایل است که موفقیت قطعیه که آخرین ضربه در میدانهای بری باشد مثل محاربات بحری بر خصم وارد آید. اردوهای ژاپونی روسها را در این نزدیکیها مجبور بیک محاربهٔ بزرگی خواهند نمود. هیچگونه متارکه بعمل نیامده حالت جنگ مداومت داشته دو فرمانده کل در مقابل یکدیگر بتمام عملیات اردوها نظارت کرده از عملیات متعرضه اجتناب میکنند. هر روز بخاربین توپ و اسلحه و قشون از اروپای روسی وارد میشود)

ژنرال روسی با یک جدیت مشغول ترمیم و جبران نواقصات و انشای استحکامات جدیده شده قوای خویش را به بهترین وضعی که بتواند مقابله با حملات یا عملیات خصم نماید رسانده. جبهه اردو با قلعه جات منفرده محکم گشته و در اطراف آنها هم مفتولهای خاردار آهنی کشیده شده و حتی بگودالهائی سخت که همه قسم موانع و محذورات قرار داده شده دهات و قرا و تپه‌ها به برج و باروها تبدیل یافته زیر خاک راهروهائی که با آلات محترقه مملو بود ترتیب و تحکیم کرده بودند.

با وجود تمام امیدواریهای دربار پطرزبورغ و اهالی روسیه بدستجات سوار و قزاق از جنگ (لیائو یانگ) باینطرف ابراز هیچگونه هنر و فعالیت موافق صیت و شهرت خودشان بروز نداده نه تنها در نقاط کوهستانی نتوانسته اند کاری از پیش ببرند سهل است در دشت و مواقع مسطحه هم عدم کفایت و بلکه بی عرضه گی بخرج دادند. در ۱۹۰۵ در صفحهٔ مانچوری (۲۰۷) اسکادرون سوار و قزاق بود که عموماً اشخاص زارع و عمله و بی سوادی بودند و هرگاه این عده تعلیمات نظامی را بخوبی دیده بودند موفقیات مطلوبه

در میدانهای

در میدانهای جنگ احراز مینمودند ولی بی اطلاعی ایشان از تمام خدمات و مراتب فنون نظامی و نکات جنگی هیچ قسم اقدامات موفقیت بخشی از آنها سر نزد.

هرگاه اسلحه و تجهیزات سواره نظام روسی را که علی الظاهر خیلی مرتب و منظم بنظر میآید با سواره نظام ژاپونی مقایسه نمائیم از هر حیث قوای ژاپونی تقدم و برتری بر روسها داشته در عملیات جنگی ابتدائی اقصای شرق خدمات قابل تقدیری باردوهای بری میکادو ایفا نمودند.

فرمانده کل روسی سعی داشت بهترین دستجات سوار و قزاقها را در تحت کماندانی دو ژنرال معروف رننکامپ و میشچنکو انتخاب به عملیات آتیه حربیه نموده بلکه بتواند خود را مطمئن بجبران مافات در آینده نماید و با وجود شجاعت و اطلاعات نظامی و خبرت جنگی دو ژنرال مزبور نواقص معنوی سواره نظام روسیه باندازه بود که بتوان با نیروی این قشون سوار متوقع خدمات و استفاده های منظوره گردید.

خلاصه‌اش اینست که در ضمن جریان ایام فتوت و تعطیل دو قوهٔ متخاصمین که مشغول تجهیزات و تنسیقات تامه بودند. ارکان حرب و آتاماژوری و ژنرالهای بزرگ اردوهای روس از عملیات آتیهٔ دستجات سوار و قزاق بکلی مأیوس و نا امید بودند.

باب شانزدهم

(مصالحه و متارکهٔ جنگ)

دستجات تجهیز یافته در روسیه — خستگی عمومی — بی میلی بجنگ — دولت روس از صلح امتناع میورزد — زمستان و روسها در مسکو — تزار روس انعقاد یک مجمع ملی را تصویب و امضا نمود — اختلال و انارشی گری — ژاپونیها در مانچوری — مراسم تشریفات مذهبی بارواح مدافعین وطن — عقاید دربار توکیو — حزم و احتیاط مجبره اهالی — حاضر شدن بهمه قسم فداکاری — اجتماع نمایندگان روس و ژاپون در پورتسموت — شرایط پیشنهادی طرفین — دو حادثه مهمه — (ملاقات دو امپراطور آلمان و روس)

انعقاد

(انعقاد عهدنامهٔ ایتلافی مابین ژاپون و انگلیس). عهدنامهٔ ژاپون و انگلیس صلح را محقق ساخت — حصول موافقت در بحبوحهٔ انقطاع مناسبات — رئیس جمهور آتازونی در رؤسای دول متخاصم — توسط موفقیت بخش مسیو روزولت — در عین انتظار وقوع متارکه و مخاصمات تقریبا منقطع گردید — آخرین تیر تجاوزات ژاپون — متارکه و تعطیل موقتی محاربه — اعلان و اظهارات تزار روس — عهدنامهٔ صلح — نتایج مصالحه برای روس و ژاپون و برای تمام دول معظمهٔ اروپا —

تجهیزات متوالیه دستجات جدیدهٔ دولت روس برای اعزام اقصای شرق مداومت داشته و با وجود مذاکرات صلحیه که مابین دو دولت متخاصم جاری بود باز در پطرزبورغ علی الظاهر دست از تجهیزات قشونی نمی‌کشیدند ولی مع کل ذلک از هر طرف نظر بعلایم حسی عدم رضایت و تمکین از لشکرکشی دولت روس نمودار بوده و واضح و آشکار شده بود که تشکیلات نظامی در روسیه با یک اشکال و محذور بزرگی مجری میشود. چنانچه در نقاط مرکزی تحشیدات اختلالات شدیده میان دستجات موجود و سربازها از قبول اسلحه و عزیمت جنگ سر پیچیده صدها از افراد جدیده هنوز اسلحه نگرفته و برژیمان بلدی داخل نشده فرار میکردند. در ایستگاه‌های خطوط آهن که اعلان دعوت سلاح و تجهیزات بدیوارها چسبیده شده بود اهالی بجای شورش گذارده اعلانات را از دیوارها می‌کندند. ژاندرمری در این نقاط با هزاران زحمت و اشکال بجلوگیری اغتشاشات و حرکات هیجان اهالی موفق میگردید.

در موقع عزیمت دستجات جدیده بمیدان جنگ ناله و زاری. گریه و فریاد. جزع و فزع بیشتر از موقع دعوت اهالی بزیر اسلحه حکمفرما و جاری بود. زنها و دختران از دامن و آستین شوهرها و اقوام و برادران خویش چنگ زده با یک حالت پریشانی نمیگذاشتند حرکت نمایند. دولت روسیه بدون آنکه باین مناظرهٔ دلخراش وقعی گذارد. و یا به بی‌میلی افراد جدیده از رفتن دارالحرب اعتنائی بکند اتصالاً با انتشار اوامر مؤکده اهالی را ترغیب و جلب باسلحه مینمود. و شخص امپراطور هم علی رغم امتناع اهالی از جنگ

فرمان‌های متعددی در میل و آرزوی تامهٔ ملت برای محاربه و مدافعه و تقویت و مساعدت با دولت صادر میکرد از الجمله: (تمام آرزوی سربازان و صاحبمنصبان محاربه کردن و انتقام کشیدن از خصم است و تمام اهالی با ما جنگ را مانند یک عید و جشن بزرگی حسن استقبال میکنند. نزد ما هیچ گفتگوئی از صلح نبوده و نیست فقط یگانه حرف ما جنگ است و جنگ. این جنگ شاید مدت مدیدی هم طول بکشد ولی در هر صورت تا روسیه فایق و فاتح در نیامده دست از کارزار نخواهد کشید. قوای امدادیه از هر طرف بجنگ اردوهای معظم ما عزیمت میکند. قوای حربیهٔ ما مصمم جنگهای بزرگی است. و ما همه قسم فداکاری برای تامین فتح و شرافت آتیهٔ خودمان حاضر بوده هیچ چیزی ما را از رسیدن شاهد فتح ممانعت و جلوگیری نمیتواند بکند) در پطرزبورغ در محافل عالیهٔ سیاسیه گفتگوی صلح جویانه و مذاکرات مسالمت کارانه نمیکردند سهل است از انعقاد کنفرانس صلح هم امیدواری نداشتند که نتیجهٔ مطلوبه بدست آید.

خود مسیو (ویت) نمایندهٔ روس برای مذاکرات صلحیه در موقع حرکت به مخبرین جراید اظهار داشته بود که احتمال موافقت در شرایط مصالحه نمیرود و گرچه حتی المقدور اقدامات مجدانه خواهیم کرد ولی گمان ندارم منعقد و نافع بصلح باشد زیرا که ژاپونیان نظر بحرص و طمع زیادی که دارند از مدعیات خویش صرف نظر نخواهند کرد و ما هم حتی الامکان یک وجب از خاک خودمان را بژاپون نمیتوانیم بدهیم. در باب غرامت جنگ هم دولت روس ابدا حاضر نخواهد بود یک کپیک یا یک دینار بخصم تقدیم دارد. روزنامهٔ نوویه ورمیا نیز در نوبهٔ خویش در باب مصالحهٔ آتیه می‌نویسد: (ژاپونیها چشم طمع بجزیرهٔ ساخالین هم دوخته‌اند ولی غافل از این هستند که دولت قدیمهٔ مسکو دست از متصرفات جدیده و قدیمهٔ خویش نخواهد کشید و مجبور بقبول شرایط دشمن نبوده محض موافقت پیشنهاد مسیو روزولت داخل مذاکرات شده است. دولت ما بیش از سابق دارای قوه و قدرت تامه است)

با وجود تشبثات اولیای امور و رجزخوانی مطبوعات روسیه یک ضعف و اختلال معنوی در قوای حربیه

روسهم موجود و واضح و محسوس بود که دستجات جدیده از محاربات امتناع میورزند و اگر مجبور بمیدانهای جنگ هم عزیمت میکردند این قبیل قشون ممکن نبود که بتواند با یک خصم قوی پنجه که با یک ذوق و شوقی حاضر ریخته شدن خونش در حفظ و شرافت وطن است جنگ کرده موفق بر مرام باشد.

هیجان افکار عامه و انقلاب داخلی هم روز بروز زیادتر و دامنهٔ آن اتصالاً وسعت می یافت.

هرج و مرج و انارشی گری هم در بلاد پطرزبورغ و مسکو و لهستان با کمال شدت اجرای حکم نموده قوه و قدرت مرکزی دربار روسیه را لاینقطع تحلیل میدادند.

در مسکو کنگرهٔ (زمستوو سیتی ها) نمایندگان انجمن ولایتی با انجمن بلدی با وجودیکه دولت اکیداً اجتماعات را قدغن کرده بود مجتمع گشتند. نوزدهم ژوئیه رئیس نظمیه در مجمع مزبوره حاضر شده امر بانحلال و تفرقهٔ اجتماعات داده و اسامی حاضرین را مینوشت. حاضرین باتفاق صدا کردند که اگر میخواهید اسم ما را بنویسید تمام ملت روس را باید بنویسید. مسلماً در مقابل این عزم و جزم اهالی هرگونه فشار و تضییقات بی نتیجه و غیر مثمر بود و بدنتیجه بعد از شش ماه مصادمات و انقلابات دربار پطرزبورغ پیش بینی تجدید روز خونریزانهٔ ۲۲ ژانویه را مینمود.

کنگرهٔ مسکو در ۲۲ ژوئیه منفصل گردید. چند هفته بعد هیئت دولت مصمم گردید که وسایل رضایت و اطمینان ملت و اسباب تسلی و تشفی افکار عامه را فراهم آورده یک قسم مجمع نمایندگان ملی تشکیل و تاسیس نماید. بنابراین یک ارادهٔ امپراطوری برای تاسیس و ایجاد مجلس دوما (کوزودارستوونایا) یعنی مجمع نمایندگان ملی صادر گردید.

وقوع این حادثهٔ غیر منتظره اشعار و حکایت میکرد که حیات مسلک و اصول (اوتوکراسی) و سلطنت کیف مایشائی بآخر رسیده خاتمه بر ارادات مطلقه و مستبده درباریان روس خواهد داد. در اولین مرحلهٔ اعلان مشروطیت دولت استبدادی قبول کنترول ملی را نمود که بعدها ملت حق نظارت

و تفتیش بر تمام امور دولت داشته باشد و بدینوسیله ابواب اصول دموکراسی را (حاکمیت ملیه) و اصلاحات اساسی را بجهت مملکت و ملت روسیه افتتاح نمود. با وجود اینها شورش و اختلال از شدت سابقه خود کاسته و انارشی گری و هرج و مرج خونریزانه در غالب ایالات و ولایات امپراطور روسیه حکمفرما بود. در قفقازیه شورشهای مدهشی باعث اتلاف چندین هزار نفوس گردید. بلوائیان مشغول غارت و خرابی و آتش زدن بودند. بحران داخلی روس بمنتها درجه رسیده بود.

قشون ژاپون در مانچوری مواضع مهمه و مستحکمه را اشغال کرده دائماً مصمم و آماده عملیات خصمانه بودند. در این ایام انتظار و تعطیل مشغول اجرای مراسم مذهبی و آئین روحانی بشرافت و شادی ارواح مقدسهٔ مقتولین و مدافعین وطن که در میدانهای جنگ اقصای شرق جان عزیز خود را نثار آب و خاک و عزت و اهمیت تاج و تخت امپراطور خویش نموده بودند بعمل آورده همه قسم احترامات و احتفالات بقبور و اموات خودشان مجری میداشتند و در واقع در تمام نقاط اردوگاههای ژاپونی جشنها و آئین ها متعددی معمول و مرسوم میشد.

یکنفر از فرانسویها که در قرارگاه عمومی مارشال اویاما متوقف بود شرح ذیل را در باب جشن و آئین روحانی ژاپونیان میدهد: (در چند کیلومتری جنوب غربی موکدن فرقهٔ پنجم ژاپون مراسم مذهبی برای اتحاف ارواح مقتولین خود اجرا میکرد. مدت پنج روز قلاع منفرده و مستحکمه روسها حرکات ژاپونیانرا بسمت جلو برای انجام آداب مذهبی متوقف نمودند ولی در دهم مارس وقت صبح ژاپونیها با یک رشادت محیر العقولی مواضع مزبوره را ضبط کردند و بعد در یک فضای با سطح مختصری که مشرف به قلاع منفرده بود مذبح و معبدی برپا کرده نهالهای کاج و بید و خزهره را که از مسافات بعیده میاوردند در اطراف آن غرس و نصب کرده یک فضا و منظرهٔ باشکوه ولی محزون و ملالت انگیزی در اطراف مقابر تشکیل دادند.

روی تپه کوچک مجاوری یکت چوب حمال بزرگی کاشته شده وبعموم افراد اشعار واخطار مینمود که دراین نقطه مراسم مذهبی بعمل خواهد آمد. ژاپونیهای حسور بدون تصور وملاحظه تهلکه بدانسمت عازم وچندین صد نفر حیات خودشانرا باوجودیکه برایگان دادند باز بیکدیگر سبقت کرده بطرف تپه مزبوره میرفتند. زیراکه خمپاره های خصم باین مراسم مذهبی منظره فجیعه جنگی بخشیده بود.

بدرواتین وادعیه بواسطه کشیشان ژاپونی مجری گشته تمام صاحبمنصبان کل نماینده برای اشتراک جشن های روحانی مذکور فرستاده بودند که هرکدام در دست خویش یکت ظرف نفیس کندری داشت. افواج متوالیا دبانوبه آمده دعا وآتین برارواح مقتولین نموده میرفتند. تماشای این منظره روحانی برای باقیماندگان یک سرور ووجد مفتخرانه درباب قتل هموطنان خویش درراه وطن واحیای شرافت مملکت می بخشید.

در شهر توکیو خود دربارهم مراسم مذهبی وآئین روحانی متعددی درباب شادی ارواح فدائیان وجان نثاران وطن درهمه جابهمین ترتیب فوق مجری میشد.

ملت ژاپون بدون استثنا حاضر ومصمم بودند که تاآخرین نقطه طاقت بشری واستعداد مادی ومعنوی مشغول محاربه باشند وهمه قسم فداکاریرا درمقابل تعلیمات اولیای امور خویش پیش چشم گرفته و ازهیچگونه همت وغیرت درمداومت جنگ وایثار خون خودشان درراه عزت ورفاهیت مملکت ژاپون مضایقه نداشتند. وبعدازانهمه قتل وکشتار ومحاربات مدهشه متعدده که چندین هزار هزار نفر آغشته بخون خویش گردید ابدا احساس خستگی وانزجار نکرده بیشتر از سابق حریص تر وراغب تر بمخاصمات شده ومثل هنوز داخل میدانهای جنگ نشده اند.

باوجوداینکه شوق وذوق تمام درکلیه قلوب افراد ژاپونی برای جنگیدن وجان باختن وبخصم بهرنحو باشد غالب وفایق آمدن اجرای نفوذ وحکمرانی میکرد ولی رجال سیاسی دان وعقلای مملکت

واعضای مجلس عالی خصوصی امپراطوری وهیئت دولت که زمامدار امور جمهور بودند فواید ومنافع حال ومآل ژاپون رادرخاتمه دادن محاربات دانسته اصرار وایستادگی برای جنگ بلنکرده بسهولت متمایل بمذاکرات وقرارداد صلحیه بودند بنابراین پیشنهاد میسو روزولت رئیس جمهور دولت آتازونی امریکارا در دهم ماه ژوئیه که درهشتم ماه ژوئن تدوین ومرتب شده بود قبول کردند.

دولت روس موافقت خودرا درموضوع تکالیف رئیس جمهور درچهاردهم ماه ذکر وبیان نمود بنجم ماه اوت سفرا ونمایندگان طرفین بتوسط میسو روزولت بیکدیگر معرفی شده ودرنهم ماه اولین جلسه کنگره صلح (پورتسموت) انعقاد یافت.

دولت ژاپون مدعیات ومطالبات خودرا بقرار ذیل پیشنهاد کنگره مزبوره نمود:

۱) تأدیه غرامت وخسارت جنگ (بدون تعیین مبلغ). —
۲) تفویض جزیره ساخالین بدربار توکیو. —
۳) واگذاری اجاره شبه جزیره (لیائوتو — تانک) بانضمام دالنی وپرت آرتور بدولت ژاپون —
۴) تخلیه (مانچوری) وتسلیم تمام امتیازاتیکه دولت روس ازچین تحصیل کرده بود بدربار پکن وتصدیق وتطبیق پولتیک باب مفتوح. —
۵) واگذاری خطوط آهن شرق چین بژاپون از (خاربین) تاپرت آرتور —
۶) برقراری دولت کوره درتحت حمایت دربار میکادو وتصدیق آن ازطرف روس —
۷) تسلیم حقوق صیادی درآبهای سواحل سیبری شمالی (وولادوستوک وبحر بیرنگ بدولت ژاپون —
۸) تفویض تمام سفاین جنگی روس بژاپون که درنتیجه دربطرف اقصای شرق محصور ومحبوس مانده اند.
۹) محدود ساختن قوای بحری روس دراقصای شرق —

شرائط فوق خلاصه مدعیات دولت ژاپون بودکه ازدولت روس مطالبه مینمود که انعقاد صلح راموقوف

و مربوط بقبول شدن شرایط مزبوره میدانست.

میوویت نماینده و سفیر فوق العاده دولت روس اظهار داشت که این پیشنهادات دولت ژاپون را نمیتواند قبول کرد و گویا اینهمه اقدامات طرفین در مذاکرات صلح بی نتیجه بوده و کنگره نخواهد توانست کاری از پیش ببرد بنابراین بدون آنکه خود ما نیز اسعطل نمائیم بهتر آنستکه کنگره را منفصل بکنیم.

رئیس جمهور در مقابل جواب نماینده روسی اظهار نمود که این اشکالات در تمام کنگره ها قبلاً سر می زند و باعث انفصال و انحلال مجامع مذاکرات صلحیه و انعقاد عهدنامه ها نشده فقط موقتاً تعطیل میکردد که نمایندگان مجال و فراغتی داشته باشند که در موضوع پیشنهادات و شرایط غوررسی تأمل و تحقیق کاملی نموده خودشانرا حاضر به تسویه مسائل و رفع اشکالات کرده در ضمن بدول مطبوعه خویش راپورت داده کسب تکلیف نمایند.

دو حادثه مهمه در ضمن وساطت دولت اتازونی پیش آمد. اولی ملاقات قیصر آلمان با تزار روس و دومی هم که اهمیتش زیادتر از اولی بود انعقاد عهدنامه ائتلافی مابین دو دولت انگلیس و ژاپون بود. ۲۳ ماه ژوئیه گیلیوم ثانی امپراطور آلمان در کشتی خصوصی خویش به (بژرکو [illegible]) نزدیک بندر کرونشتاد شده با نیکلای دوم امپراطور روس ملاقات و کنفرانس مطولی نمودند.

کشتی (هوهنزولرن) در جوار لنگرگاه (ستاره قطبی) متوقف و امپراطور آلمان بهمراهی پرنس آلبرت دو اسلسویغ هولستن و معیت خویش با لنگه مخصوصه بستاره قطبی رسیده بواسطه امپراطور روس و گراندوک (میشل آلکساندرویچ) پذیرائی گردید. بعد از مصافحه و تعارفات صمیمانه اعلیحضرتین بتماشای سان قشون گارد افتخاری و افراد بحری سفینه امپراطوری مشغول شده و پس از معرفی معیت خودشان بیکدیگر به صالون بزرگ داخل شده هر دو مشغول صحبت و مذاکره در جریان اوضاع حاضره شدند. پس از ملاقات مطوله امپراطور معاودت کرده تزار روس بباز دید مهمان معظم و محترم خویش



بکشتی هوهنزولرن با گراندوک میشل عازم گردید. آژانس حاواس در این باب خبر میدهد که در ملاقات دو پادشاه قیصر با همراهانش مهمان صرف نهار تزار روس بوده و تزار روس هم بشام مدعو امپراطور بود. — مطبوعات تمام عالم باین ملاقات دو امپراطور شرح و تفسیری میدادند که یک هفته بعد از این حادثه دول ژاپون و انگلیس برای تجدید ائتلاف نامه که در ۱۹۰۲ بسته بودند باهمدیگر موافقت کرده در ۱۲ اوت عهدنامه مزبوره را امضا نمودند. ما در ذیل عین متن معاهده ائتلافیه مزبوره را

بمناسبت اهمیت موقع مینویسیم:

مقدمه — دارای سه ماده و غیر از مواد اصلیه آتیه است. — دول بریتانیای کبیر و ژاپون برای تجدید ائتلاف ۳۰ ژانویه ۱۹۰۲ قرارداد تازه در ائتلاف طرفین بموجب مواد ذیل منعقد نموده و هر دو دولت مراعات اجرای تمام مواد آنرا جداً خواهند نمود.

۱) — استحکام و استقرار صلح عمومی در مناطق آسیای شرقی و هندوستان.

۲) — نگهداری حقوق متقابله و مشترکه تمام دول معظمه در چین با مراعات استقلال و تملکیت تمام چین و تسهیل روابط تجارتی و صنعتی دول معظم.

۳) — حفظ حقوق متصرفاتی و ایالتی نقاط مجاوره آسیای مرکزی و هندوستان و دفاع آن —

ماده اول — طرفین مؤتلفین متعهد میشوند که چه در افکار عامه انگلستان و چه در ژاپون حقوق و منافع مذکوره مقدمه از یک طرف در تحت تهدید قرار گیرد دو دولت مذکوره پس از مذاکرات با یکدیگر برای حفظ و نگهداری آن از هر گونه تعرض اقدامات مجدانه خواهند نمود —

دوم — از نتیجه یک حمله یا تعرضی از یک دولت دیگر بیکی از مؤتلفین دیگری ملزم است که با تمام قوا مساعدت و معاونت لازمه نماید.

سوم — دولت ژاپون منافع مهمه سیاسی و نظامی و اقتصادی در کوره دارد که دولت انگلیس تصدیق آنرا نموده و حق میدهد که دولت مزبوره متشبث همه قسم اقدامات در نگهداری مصالح و فواید خویش در مملکت مزبوره از قبیل کنترول[1] گذاری و در تحت حمایه نگهداری کوره بنماید بشرطیکه منافی فواید مشترکه تجارتی دول معظمه نباشد —

چهارم — نظر بتأمین امنیت هندوستان دولت انگلیس در نقاط مجاوره هند دارای حقوق و فوایدی است که دولت ژاپون نگهبان و مستحفظ حقوق مزبوره خواهد بود. —

پنجم

پنجم — طرفین بتنهائی با دولت دیگر معاهده که مغایر ائتلاف حالیه باشد نمیتوانند ببندند مگر بصواب دید یک دیگر. —

ششم — در محاربات حاضره روس و ژاپون دولت انگلیس در کمال بیطرفی خواهد ماند بشرطیکه دول سایره مداخله بجنگ و یا بیک صلح مقرر دربار توکیو ننمایند و در عدم آن باشتراکت ژاپون داخل محاربه خواهد شد.

باستثنای ماده ششم تمام مواد ائتلاف نامه از تاریخ امضای آن معتبر و مجری است ... محل امضای (لانسدون نماینده انگلیس) و (هایاشی — سفیر ژاپون):

عهدنامه فوق در واقع حاکمیت اقصای شرق ژاپون و انگلیس را ثابت کرده اثمار فتوحات قشون بر و بحر میکادو در ابدا من دربار توکیو و لندن رحیث و بدولت آلمان موانع و محذورات متعدده چیدند و دربار برلن دچار اشکالات برای حفظ مستعمرات (کیائو — چو) خود کردند. از نتیجه فتوحات اقصای شرق و موفقیات اخیره ژاپون و انعقاد عهدنامه ائتلافی مابین انگلیس و دولت ژاپون را در اعداد دول معظمه عالم که بالاتر از همه امتیازات بود قرار داد.

[1] (کنترول) حق تفتیش و نظارت و بعبارة اخری قرار دادن در تحت مداخله مستقیم است.

با وجود این که تمام نیک بینیان اوضاع حاضره انعقاد ائتلاف ژاپون و انگلیس را مقدمه یک صلح محققی فرض میکردند هنوز کنفرانس در تعطیل و آثاری از مداومت مذاکرات مصالحه ظاهر نبود گرچه رئیس جمهور امریکا اطلاعات لازمه از نمایندگان دو طرف متخاصم تحصیل کرده بود که عنقریب در موادیکه قابل قبول است تجدید نظر خواهند کرد.

در جلسه ثانی کنفرانس نمایندگان ژاپون و روس در مواد ذیل موافقت با یکدیگر داشتند:

۱) دولت روس تصدیق نفوذ حاکمیه ژاپون را در کوره مینمایند. —

ب) تعهد و التزام طرفین در تخلیه مانچوری و تسلیم آن بچین با تمام امتیازات آن. —

ح) دولت ژاپون متقبل شود که حاکمیت چین را در مانچوری تعهد بگیرد که این ماده متمم ماده سابق الذکر است با مراعات استقلال و تمامیت تمام چین.—

د) تفویض اجاره شبه جزیره (لیائوتونگ) با انضمام پرت آرتور و دالنی و جزایر (بلوند) و (الیوت) به ژاپون از طرف دولت روس.—

مسائل مهمه که لاینحل مانده بود عبارت از مسئله غرامات جنگ و تسلیم جزیره ساخالین به ژاپون بود و بنابرین دربار پطربورغ جداً استبدادی داشت که خسارت جنگ را نخواهند داد و به یک وجب از خاک متصرفی اش هم حاضر نیست که به ژاپون ترک نماید.—

دربار ژاپون هم در نوبه خویش یکصد و بیست ملیون لیره انگلیسی با انضمام نصف جزیره ساخالین را مطالبه میکرد و در عدم قبول آن حاضر بمحاربات خواهد بود.

میسو روزولت با یک جدیت تمامی سعی و کوشش داشت وسائل تصفیه مابه الاختلاف طرفین را فراهم آرد یک مسئله مهمی که مقاصد رئیس جمهور را بانعقاد صلح هدایت و رهنمائی میکرد اوضاع و حالات سرمایه داران و بانکها و متمولین ژاپونی بود که در صورت مداومت جنگ مجبور بدادن استقراض یا اعانه جدیده بدولت متبوعه خویش بودند و این گذشته از عدم رضائیت باطنی ایشان اختلالی در امور صرافی و مالیاتی ژاپون وارد میآورد در توکیو و پطربورغ از آژانسها و مخبرین جراید بزرگ اروپائی وقوع محاربات بزرگ را عنقریب بطور قطع خبر میدادند

سفرای دولت روس و ژاپون یک آخرین دفعه در ۲۹ اوت در نه ساعت صبح جلسه منعقد ساخته در کنفرانس روز مزبور میسو (ویت) اظهار داشت که دولت روس هیچ حاضر دادن هیچگونه پولی بعنوان خسارت جنگ نبوده ولی نصف جزیره ساخالین را بدولت ژاپون واگذار میکند (در واقع اظهاریه فوق میسو ویت در حکم اولتیماتوم بود برای خاتمه دادن صلح یا شروع بجنگ).

نظر از مطالب فوق چنین معلوم میشود که موضوع عمده مسائل مذاکرات صلحیه که محل اختلاف دولتین

متخاصمین بود مسئله خسارت جنگ و تسلیم جزیره ساخالین یا نصف یا تمام آن بوده در صورتیکه در باب ساخالین سفیر و نماینده دولت روس حاضر بتفویض نصف آن بدربار توکیو گردید. مسئله لاینحلی جز از غرامات جنگ باقی نمانده بود.

میسو کامورا از تقریر میسو ویت بی اندازه متأثر شده یک مهلتی خواست که با دولت متبوعه خود در این باب داخل مذاکره گردد و قول داد که نه تنها بدربار توکیو توصیه لازمه خواهد داد بلکه در قبول آن هم اصرار و جدیت خواهد نمود و اظهار داشت که دولت متبوعه اش یقیناً در قبول و پذیرفتن آن اشکالات فراهم نخواهد آورد

در جلسه ۲۹ اوت کنفرانس موفق به حل و تسویه مسئله مابه الاختلاف گشته و جراید و مطبوعات عالم با تلگراف مسبوق و مستحضر شدند که مابین نمایندگان کاملاً موافقت حاصل گردید. همان روز سفرا بعد از ظهر جلسه را مجدداً منعقد ساخته و در آن جلسه نماینده و سفیر فوق العاده میکادو اظهار نمود (نظر بر اینکه اشغال جزیره ساخالین و مسئله خسارت جنگ مانع پیشرفت مذاکرات کنفرانس بود و بنابرین اعلیحضرت امپراطور ژاپون بملاحظه مراعات قوانین انسانیت و مدنیت و استقرار صلح و سکونت بنمایندگان خویش اجازه داد که از مطالبه خسارات جنگ صرف نظر نموده و راضی بمسئله تفویض نصف جزیره ساخالین شوند و ازین رو حالا کنفرانس صلح بخوبی میتواند نتیجه از مذاکرات خویش بدست بیارد). فوراً تمام ناقوسهای کلیساهای پورتسموت برای حصول موافقت فیمابین نمایندگان مشغول بزنگ زدن شده و اهالی را بانعقاد صلح بشارت میدادند

کنفرانس بالاخره رای داد که اصل و متن معاهده نامه صلح را مشاورین مخصوص وزارت امور خارجه دولت آتازونی میسو (مارتن) و میسو (دنیسون) بطور مفصل و جامع نوشته با ملاحظه تمام جزئیات و نکات دقیقه آن زودتر تنظیم و انشا نموده به کنفرانس تقدیم دارند.

انتشار موافقت نمایندگان و اختتام مذاکرات صلح با تحصیل موفقیت تمام در اروپا و در دربارهای تمام دول حسن اثر بخشیده عموم محافل سیاسیه ازین ترتیب اظهار خوشوقتی و مسرت نمودند.

افکار عمومی از نتیجهٔ این صلح منتظر تشکیل ائتلافی مابین روس و انگلیس بودند در اینموقعیکه دولت آلمان فرانسه را گاهی با تهدید و گاهی با مساعدات آواره و متحیر ساخته بود. عهدنامهٔ پرتسموت که حاکی منتها جوانمردی و علو همت دولت ژاپون بود یک رابطهٔ صمیمانه مابین دو دربار توکیو و پطرزبورغ بعده تشکیل داده و دولت روس و دولت ژاپون را یکدوست و متحد واقعی خواهد داشت. دولت روس نه تنها با دوست و متحد ساختن خصم دیروزی استفاده خواهد کرد بلکه فواید و منافع کنونی وی دولت مزبوره را وادار خواهد نمود که اغتشاشات داخلی را عاجلاً تصفیه کرده و حریق مسکو و سواستوپول را فراموش نموده با دولت فرانسه عقد اتحادی خواهد نمود.

سقوط پرت آرتور و مغلوبیت های جوشیاو موکدن برای دربار پطرزبورغ یکدرس عبرتی است که در آتیهٔ نزدیک وی را مجبور به تشکیل یک ائتلافی مابین ژاپون خواهد کرد.

اقتران مذاکرات کنفرانس بصلح باعث مبادلهٔ تلگرافات تبریک و تهنیت آمیزی مابین سلاطین اروپا با امپراطور روس و ژاپون و رئیس جمهور امریکا گردید.

میکادو موتسوهیتو امپراطور ژاپون به تزار روس نیکلای دوم تلگراف ذیل را مخابره نموده: (با یک مسرت و خوشوقتی تمامی از انعقاد صلح مطلع و مستحضر شده و نتیجهٔ یک صلحیکه باعث تفأل خوب مقدرات آتیهٔ مملکت امپراطوری شما است عن صمیم القلب تبریک و تهنیت میگویم.) امپراطور هم جواباً تلگراف نمودند. (که از شخص اعلیحضرت شما متمنی است در اینموقع تبریکات خالصانهٔ مرا در عقد صلح. القای سالمت که باعث ترقی و سعادت دولت امپراطوری شما است قبول فرمائید).

دو امپراطور بعد برئیس جمهور آتازونی تلگرافات تهنیت و تبریکی مخابره نمودند: میکادو اظهار داشت که ما با خوشوقتی تمامی خبر عقد مصالحه را که بتوسط نمایندگان ما تبلیغ نموده بودید دریافت داشتیم. اقدامات مجدانه شما در اختتام مخاصمات و افتتاح ابواب صلح و مسالمت قابل منتها تمجید و تقدیر است

ازروی

ازروی کمال صمیمیت تشکرات خود مرا درباب موفقیت خودتان تقدیم میدارم) تزار بمسیو روزولت اظهار داشت (مستدعی و متمنی است که تشکرات و امتنانات خالصانهٔ مرا از خاتمه دادن اختلافات طرفین و عقد صلح قبول نمائید).

قبول تقاضای رئیس جمهور دولت آتازونی از طرف میکادوی ژاپون و تزار روس هنوز خاتمه بخصومت و مصادمات دو قوای متخاصم در فضای شرق نداده و محاربات مختصره فیمابین ایشان گاهگاهی باز اتفاق می افتاد. در موقعیکه سفرا مشغول مذاکرات صلح و تبادل افکار و آرا بودند پیش قراولان اردوهای روس و ژاپون هم با یکدیگر مشغول مصادمات و تبادل تیر و تفنگ بودند.

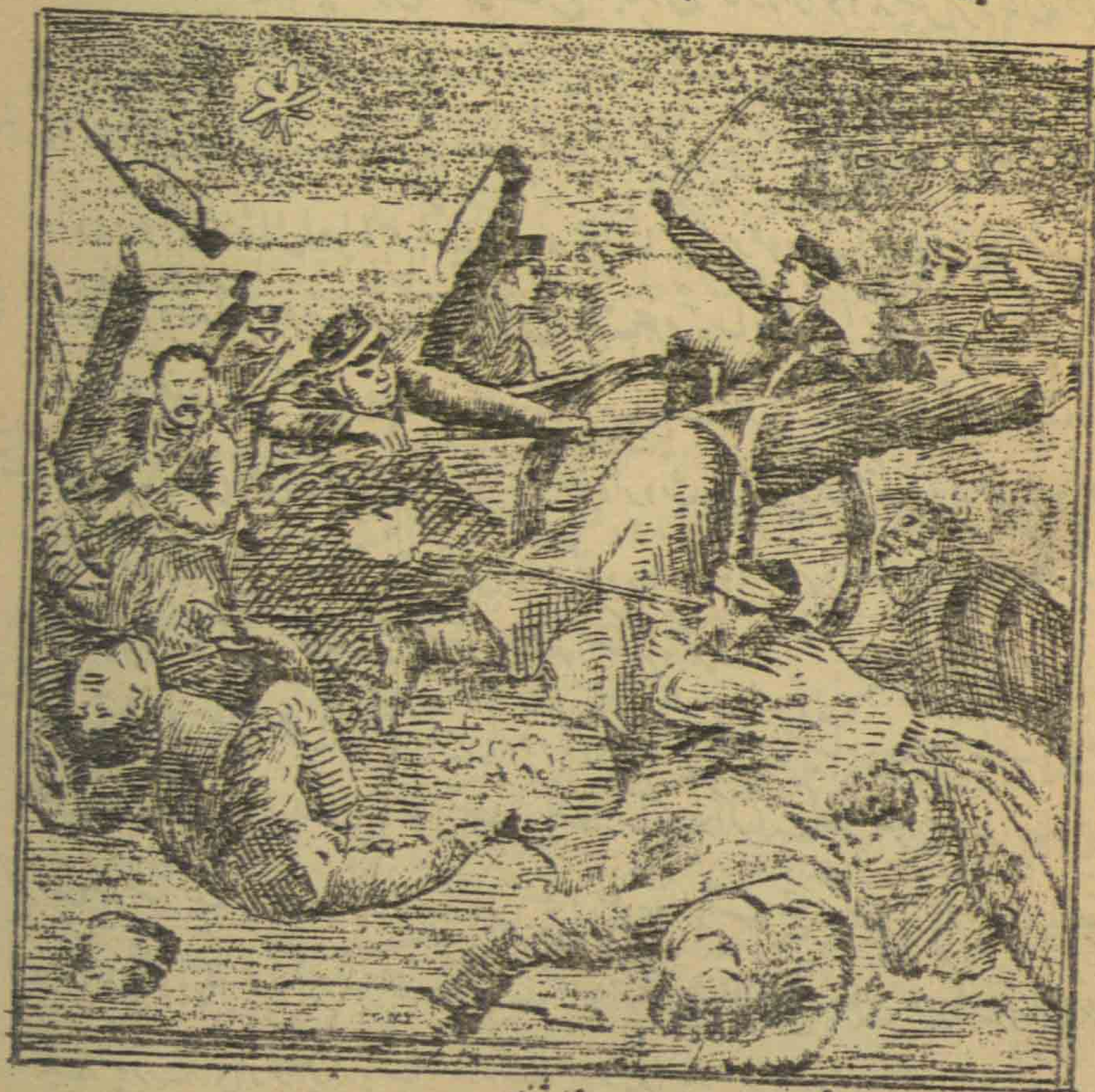
ژنرالهای روس هر روز نمایشات انتقام جویانه بر مغلوبیت های سابقهٔ خویش بخلاف حسیات صلح پرورانه داده و قوای مارشال اویاما هم با یک غرور و اعتماد تامی که بر فتوحات آتیهٔ خویش داشت میدان آرائی میکرد زیرا که در عرض چند روز با کمال سهولت جزیرهٔ ساخالین را اشغال کرده و در بر و بحر نفوذ و تسلط تامی حاصل نموده بود. گرچه در ضبط ساخالین ژاپونیها مانند محاربات موکدن دچار تلفات و جنگهای خونریزانه نشده ولی وقتی که بجزیرهٔ مزبور فاتح و مظفر وارد شدند یک حسیات متکبرانه در خود احساس نمودند زیرا سابقاً روسها ایشانرا از ساخالین بیرون کرده بودند و از اینرو انتقام خود شانرا گرفته و بنابراین باطناً خیلی خوشوقت و خوشبخت خویشتن را تصور میکردند.

تا آخر ماه اوت هیچگونه عملیات جنگی مابین اردوهای متحارب اتفاق نیفتاده و با مراعات و محافظهٔ وضعیات جنگی و قواعد و اصول نظامی با کمال بی‌صبری انتظار نتایج مذاکرات کنفرانس بودند. و با وجودیکه در ماه سپتامبر هنوز چندین روز بود که نمایندگان صلح داخل مذاکرات شده بودند باز آثاری از متارکهٔ جنگ در میان نبود و ژاپونیها اراضی عمده با حملات مختلفهٔ خویش در حوالهٔ جادهٔ ماندارین گرفته بودند.

یک راپورت رسمی از توکیو درباب مصادمات اخیره مینویسد: (اردوی ماتحم در خط شونکتو - لیونک

ارده

در ده میلی جنوب غربی هولیونگ اول سپتامبر حمله برده در صورتیکه دشمن دارای چهار باتالیون پیاده باشش باطری توپ و چندین صد سوار در مناطق کوهستانی بود. توپخانه ما بر روس ها با کمال موفقیت شلیک کرد جناح چپ قشون ما مواضع خصم را متصرف کردند. در مغرب محل مزبور دشمن پس از مقاومت سخت بالاخره مجبور بعقب نشستن شد. یک دسته دیگر هم روس ها را در (هاپین - کوکای) مغلوب ساخت تلفات یک صاحبمنصب و شصت ژاپنی مقتول و مجروح و از طرف روس ها چهل نفر است) مبارکه مصادف این مصادمات متفرقه از دربار توکیو و پطرزبورغ اعلان ترک مخاصمات بطور موقت واستقرار



ناانتظار

ناانتظار نتایج مذاکرات صلح بدو فرمانده کل روس و ژاپون وارد گردید و بدنیجه آخرین شلیک مخاصمات از طرفین مجری شده محاربات و مخاصمات را موقتاً تعطیل نمودند.

تزار روس بموجب تلگراف ذیل بژنرال (لینویچ) شرح مذاکرات و نتایج کنفرانس صلح پورتسموت را تبلیغ نمود: (مذاکرات و مباحثات پورتسموت در نوزدهم اوت منتهی برد و امتناع از طرف ما بمطالبات ژاپون راجع بتفویض ساخالین و تأدیه غرامت جنگ و واگذاری سفاین جنگی محبوس ها در بنادر بیطرف و محدود ساختن قوای بحریه ما در اقصای شرق گردید و متعاقب آن دربار ژاپون اظهار موافقت کامله در ۲۹ اوت بتمام شرایط پیشنهادی ما نموده ولی نصف ساخالین را که بواسطه دستجات ایشان اخیراً اشغال شده قسمتی که تا سال ۱۸۷۵ متعلق بدولت مزبوره بود که بموجب عهدنامه سال ۱۸۷۵ بما واگذار گردید مطالبه مینمود. اردوی عزیز و محبوب من که قریب نوزده ماه در اقصای شرق حملات شدیدانه خصم قوی پنجه را جلوگیری نمود حالا در تحت فرماندهی شما بهتر از سابق مجهز و مرتب گشته یقین داریم که نه تنها دشمن را بعدها مغلوب و دچار هزیمت خواهیم کرد بلکه با منتهای فداکاری و جان نثاری شرافت و سطوت دولت و مملکت روسیه را با خدمتگذاری تمام در راه وطن محفوظ و مصون خواهیم داشت. با وجود این وجدان ما راضی نمیشود که بیش از این ملت محبوب خود را که خداوند در تحت پرستاری و پاسبانی ما قرار داده گرفتار مصائب جدیده جنگ نمائیم و در باب یک قسمت جزیره که ژاپون در ۱۸۷۵ بما واگذار کرده اردوهای خود ما را در یک مسافت بعیده دور از وطن گرفتار نائره جنگ بکنیم بنابرین شرایط صلح را راجع بجزیره مزبوره قبول کردیم و در خاتمه اظهار منتهای رضائیت و امتنان از مراتب شجاعت و فداکاری اردوهای خود در نگهداری عزت وطن نموده حسیات صمیمانه و تشکرات خالصانه ما را بتمام افراد اردوها تبلیغ نمائیم) اعلان فوق امپراطور هیچگونه تنقید و اعتراضی در صفوف و دستجات قشون و اداره آتاماژوری روس تولید و احداث ننمود.

اعلان متارکه و تعطیل مخاصمات را اردوهای ژاپون با کمال مسرت پذیرفتند.

در چهارم سپتامبر عهدنامهٔ صلح قطعی را که مسیو (مارتن) و (دنیسون) تنظیم و تدوین کرده بودند با امضای نمایندگان دول روس و ژاپون و به تصویب دولت اتازونی امریکا میرسید.

(معاهدهٔ صلحیه)

مادهٔ اول - این ماده استقرار صلح و انعقاد روابط حسنه و مناسبات دوستانه را مابین دو امپراطور و دو مملکت و اتباع دو دولت روس و ژاپون تصدیق و تأیید مینماید —

۲ - دولت روس منافع و مصالح سیاسی. نظامی و اقتصادی دولت ژاپون را در کوره تصدیق نموده مانع هیچگونه اقدامات دربار توکیو در قرار دادن مملکت کوره در تحت نظارت مستقیمه و یا حمایت عالیهٔ خویش نخواهد بود

۳ - قوای نظامی روس و ژاپون بلافاصله مانچوری را تخلیه کرده متعرض امتیازات خصوصی اشخاص و شرکت کمپانی‌ها نخواهد شد. —

۴ - حقوق اجاره که دولت روس در پرت آرتور و دالنی و در نواحی و آبهای مجاور آنها تحصیل کرده بدولت ژاپون واگذار نمود. املاک و حقوق اتباع روس در نقاط مزبور محفوظ و مرعی خواهد بود.

۵ - دول ژاپون و روس متعهد و متقبل میشوند که هیچگونه محذور و اشکالی در توسعه و ترویج تجارت صنایع مملکت چین با سایر ملل تولید نخواهند نمود. —

۶ - خطوط آهن مانچوری مابین روس و ژاپون: در نقطهٔ (کوانکت - چین تزه) تقسیم خواهد یافت. دو شعبه آن فقط در امور تجارتی و صنعتی استعمال خواهد شد. دولت روس در شعبه آهن مزبور بکه در قسمت وی قرار میگیرد تمام حقوق خود را در باب ساختن راه آهن جدید که بواسطهٔ ائتلاف اخیر با دولت چین تحصیل کرده دارا خواهد بود دولت ژاپون تمام معادنیکه در شعبه راه آهن قسمت خویش دارد مالک خواهد شد

۷ - دولت روس و ژاپون متعهد و متقبل میشوند که دو شعبهٔ منقسمه را در (کوانکت - چین تزه) بهمدیگر ملحق سازند.

۸ - شعبات راه آهن فقط برای ترویج تجارت و صنایع بکار خواهد خورد. —

۹ - دولت روس قسمت جنوب جزیرهٔ ساخالین را تا درجهٔ پنجاه عرض شمالی با جزایر ملحقهٔ آن بدولت ژاپون واگذار کرده و حقوق سیر سفاین در تنگه‌های (پروز) و (تاتار) آزاد و محفوظ خواهد بود. و طرفین در داخل جزیره هیچگونه استحکامات نساخته و تجهیز قشون نخواهند نمود.

۱۰ - این ماده راجع بوضعیت اتباع روس در قسمت جنوب ساخالین است که مهاجرین روسی در آنجا دارای حقوق سابقهٔ خویش بوده و دولت ژاپون ایشان را در ملیت خودشان آزاد خواهد گذاشت ولی هر وقتی که دربار توکیو هجرت آنها را بخواهد روسها از قسمت متصرفی ژاپون خارج خواهند شد —

۱۱ - دولت روس متعهد میشود که قرار دادی مابین خویش و دولت ژاپون راجع بحقوق ماهی گیری در آبهای روس در (اوخوتسک) و (برینگ) بگذارد —

۱۲ - دو دربار توکیو و پطرزبورغ عهدنامهٔ تجارتی که فیما بین طرفین قبل از جنگ موجود بوده با جزئی جرح و تعدیلی تجدید خواهند نمود.

۱۳ - دولتین متعهد میشوند که اسرا و محبوسین جنگ را بطرفین تسلیم و مخارج لازمهٔ ایشان را متکفل گردند

۱۴ - این عهدنامهٔ نخستین با دو زبان فرانسه و انگلیسی نوشته شده عهدنامهٔ فرانسه در دست روس مانده و انگلیسی هم تسلیم ژاپون خواهد شد و در موقع حدوث اختلاف نسخهٔ فرانسه آن سندیت خواهد داشت

۱۵ - تصدیق امضای این عهدنامه را در مدت پنجاه روز باید دو امپراطور بنمایند. سفرای فرانسه و امریکا واسطهٔ انجام این مسئله بوده و بمحض تصدیق و امضای آن دول ژاپون و روس تلگرافا خبر خواهند داد. (دو مادهٔ الحاقی بمواد فوق الذکر بقرار ذیل است:)

مادهٔ اول - تخلیهٔ مانچوری در عرض هیجده ماه خاتمه خواهد یافت. پس از انقضای مدت مزبوره دولت

ژاپون

ژاپون و روس حق نگهداری قشون در مانچوری بجز پانزده نفر ساخلو در هر کیلومتری راه آهن نخواهد داشت ماده دوم تعیین حدود در داخله جزیره ساخالین بعهدهٔ یک کمیسیون مخصوصه مرکب از نمایندگان طرفین خواهد بود. ـــ

باستثنای درباریان تزار روس تمام اهالی مملکت روسیه از خاتمه یافتن این محاربات مطول و خونریزانه که برای دولت روس خیلی گرانبها تمام شده بود اظهار منتها مسرت و خوشحالی میکردند که یک صلح محکمی موافق شرف و افتخارات روسیه و مطابق فواید و منافع آتیهٔ دولت و ملت منعقد گردید.

در ژاپون بعکس تولید هیجان و خشم و غضب اهالی را نموده نمایندگان بشدت تنقید میکردند که در این مصالحه ژاپونیها را مغبون کرده و فواید روس را منظور داشته اند در توکیو چندین روز شهر منظرهٔ رولسیونی و انقلاب را تشکیل داده مطبوعات بایک زبان زهرآلود و خشمناکی با ادلهٔ متعدده مواد عهدنامه را رد و اعتراض نموده و سفرای کنفرانس را متهم میساختند که حقوق ملت ژاپون را پامال کرده و ژاپونیها را اغفال نموده اند. حتی یکی از اعضای مجلس عالی و خصوصی امپراطوری مارکی ایتو را تهدید بقتل نمودند. نمایندگان پورتسموت در هدف حملات شدیدهٔ انقلابیون قرار گرفته و رولسیونرها در مابین اهالی مخلوط شده با شاگردان مدارس بضد این عهدنامه و صلح نمایشات میدادند ولی انتشار عهدنامهٔ ائتلافی مابین ژاپون و انگلیس که تا آنوقت اهالی از وجود آن بیخبر بودند که متلزم و محتوی فواید و منافع متعدده برای دولت میکادو بود اهالی را ساکت نموده خاتمه بر این نمایشات و هیجانهای پای تخت و سایر نقاط مملکت نیپون داد.

نتیجه صلح این شد که دولت روس ثمار و فواکه سیاسیات دیرینه خود را که متجاوز از ده سال در دریای آزاد و سواحل مانچوری تقریباً در جوار دروازه های پای تخت چین و در منتها الیه خط آهن وسعی که پطرزبورغ را با فضای شرق متصل ساخته تعقیب مینمود از دست داد. دولت انگلیس در فضای شرق

دارای

دارای مقامی شد که میتوانست بعدها از توسعه بساط نفوذ و سیاسیات آلمان و خیالات دیرینهٔ تجاوز ورزی او در آسیا و سواحل چین جلوگیری نماید بعبارة اخری دولت انگلیس با ائتلاف ژاپون بدربار برلن اخطار میکرد (توقف کن. پیشرفت شما در فضای شرق ممکن نیست و خیال وسعت دادن مستعمرات (کیاچوی) خود را از سر بدر کن و از صرافت تصرف شانگ دست بکش).

محافل رسمیهٔ دربار لندن اولین نمایشات وی خود شانرا در خصومت گیلیوم ثانی داده مشغول ترسیم و طرح ریزی نقشه های مؤثره بودند که مساعی عملیات آلمانرا در اروپا و آسیای عثمانی ـ راه آهن بغداد ـ امتیازات آتیهٔ اطریش بضرر دربار برلن تضعیف نمایند و مسلماً دولت انگلیس نمیتوانست نفوذ آلمان را در نقاط مزبوره ببیند. و بنابرین یک ائتلاف باطنی و منازعات معنوی میانهٔ دولت آلمان و انگلیس بوجود آمده بود که بعضی از سیاسیون اروپا عقیده داشتند که اختلافات مذکوره منتهی بائتلاف خواهد شد و برخی دیگر احتمال حدوث جنگ را بین کابینه های برلن و لندن میدادند.

دولت بریتانیای کبیر مدت بیست و سه سال از ۱۷۹۲ الی ۱۸۱۵ در باب تفوق و تقدم دولت فرانسه در حکومت مستعمراتی وی که بالمآل باعث خرابی دربار لندن بود مشغول محاربه شده نگذاشت دربار پاریس احراز برتری نماید مسلماً بعدها هم راضی نخواهد شد که یک دولت امپراطوری بزرگی مانند امپراطوری آلمان یا دربار روس و ناپلیون در اروپا تأسیس یافته مالک قدرت و نفوذ تمامی بشود.

مسئله مهمه که انظار سیاسیون اروپا را متوجه میساخت این بود که در صورتیکه شدت رقابت حاضره مابین آلمان و انگلیس تسویه نشده منتهی بجنگ بشود وضعیت دول معظمه بچه ترتیب قرار خواهد گرفت خصوصاً دولت فرانسه که پیش از سایرین علاقه مند بوده در بیطرفی خواهد ماند یا اینکه با یکی از متخاصمین متحد شده با دیگری جنگ خواهد جنگید. چیزیکه هیبت فتوحات آلمان مضرتر بحال دول معظمه از غلبهٔ انگلیس بنظر میآمد. بهر حال ترقیات سریعه دولت آلمان و انعقاد صلح فضای شرق موافق مقاصد دربار

لندن

لندن و ائتلاف انگلیس با ژاپون تولید رقابت حقه فیما بین انگلیس و آلمان کرده بود

گرچه در حالت حاضره تمایل فرانسه با روس و ائتلاف ژاپون با انگلیس دولت آلمان را تنها گذارده بود زیرا که متفقین وی دول اطریش و ایتالیا دارای نفوذ و اهمیت تام سیاسی را در کفهٔ ترازوی سیاسیات عالم آنقدر نداشته و با وجود این دربار برلن آنی از پیشبرد مقاصد پولتیکی خویش در کلیات مسائل موضوعه غفلت نورزیده همواره با احراز حاکمیت و موفقیتهای خویش را در صفحه مبارزات سیاسی دچار منتهای تشویش و اضطراب مینمود.

از سال ۱۸۷۰ ببعد نظر سیاسیات دربار آلمان بهمه مصروف بر این بود که دولت فرانسه را تنها گذاشته وسائل ائتلاف دربار پاریس را با یکی از دول معظمه بهم زده و نگذارد اتحاد مستقیم یا غیر مستقیمی در میانه دول اروپا تشکیل یابد و برای این مقصود بود که کابینهٔ برلن مسائل جاریهٔ مراکش را بهانه می گردید که ائتلاف مابین دول علاقه دار مدیترانه را منقطع سازد و دولت فرانسه را مجبور بتعاقب مسلک خویش سازد. در آغاز جنگ اقصای شرق تا انعقاد صلح مسئلهٔ موازنه و معادلهٔ سیاسیهٔ دول معظمهٔ اروپا متزلزل و بواسطهٔ اقدامات مجدانهٔ دولت آلمان در اجرای قوای تنفیذیهٔ افکار سیاسیون اروپا مشوب و مختل شده بود. صلح کنفرانس پرتسموت تعادل امور دیپلماسی دول را در مسائل پولتیکی عالم در یک زمینهٔ متساوی و متناسبی قرار داده تا یک اندازه سکونت و ملایمتی در محافل رسمیه بوجود آورد. با وجود اینها رقابت تامی منتها میانهٔ آلمان و انگلیس در مسائل آسیای مرکزی و عربستان و نواحی بغداد و خلیج بصره از یکطرف و مابین آلمان و فرانسه بمناسبت اختلافات سابقه از طرف دیگر جاری بود و از آثار آن اساس هیئتهای متحده و مؤتلفه در میانهٔ دول اروپا تشکیل گردید.

دولت روس بتوسط دولت فرانسه با دولت انگلیس متحد شده خاتمه بر رقابات دیرینهٔ خویش در آسیای مرکزی

مرکزی و ایران بواسطهٔ انعقاد عهدنامهٔ ائتلاف سال ۱۹۰۷ دادند و یک قوهٔ دفاعیهٔ تامه در مقابل دول اتحاد مثلث که مرکز و اساس استقرار آنرا دولت آلمان تشکیل داده بود. اتحاد نمودند دولت آلمان با وجود اتحادی که با دولت اطریش و ایتالیا داشت به تنهائی از یکطرف با کمال دقت و تأمل جمیع مراتب اعمال و رفتار دول مؤتلفه بود و نقشهٔ حرکات ایشان و مسلک پولتیکی را که اتخاذ کرده بودند آنی از تحت نظارت و تفتیش دور نمی انداخت و از طرف دیگر در تمام مسائل جاریهٔ عالم که قهراً یا طبعاً موانع محذورات سیاسی یا اقتصادی و تجارتی پیش میآید مداخله کرده در آنموقع منافع و مصالح خویش را حل و تقویه مینمود و همواره حقوق متحدین خود را کاملاً مرعی و منظور میداشت.

حدوث مسائل اقصای شرق و محاربات چین و ژاپون. مداخلهٔ دول معظمه در امور داخلی دولت آسیائی و تحصیل امتیازات دول از چین از قبیل اجارهٔ پرت آرتور بواسطهٔ روس. بتصرف مشروط و موقتی انگلیس در (وی هی وی) و اشغال آلمان به (کیائو چو) که بالاخره منتهی بمحاربات روس و ژاپون گشتند و ما شرح تمام این وقایع اقصای شرق را با اقدامات سیاسی دول معظمه تا اینجا ذکر و بیان کردیم بر مراتب بر وخامت و اشکالات امور سیاسی عالم افزوده و رقابت دول در محو و انقراض نفوذ و حقوق پولتیکی یا اقتصادی یکدیگر تجدید و بشدت گذارده و بعضی تولید بحرانهای وخیمه مینمود که تمام سیاسیون عالم منتظر اشتعال نائرهٔ جنگهای عمومی و حدوث محاربات مدهشهٔ بین المللی را عنقریب محقق الوقوع میدانستند خصوصاً پس از جنگهای روس و ژاپون که دول معظمه و متوسطه و حتی دول صغیرهٔ تمام عالم هم بدون استثنا از ترس مخاطرات آتیه مشغول تجهیزات تامهٔ حربیه از هر قبیل برای مدافعه و یا محافظت حقوق خودشان بودند خصوصاً که دولت آلمان بمناسبت تدارکات حقهٔ جنگی اروپا را بیک حالتی رسانده بود که اروپای مسلح شده و ناچار یک دفعه این اسلحهٔ تامه و این آلات قتاله با یکدیگر متصادم گشته عالم را توی یک آتش سوزان و مدنیت کاملهٔ حاضره را تبدیل بیک وحشی گری

گری و خونریزی تمامی نموده وقایع و مناظر قرون قدیمه و ملوک الطوایفی را تجدید خواهد نمود چنانچه حدوث محاربات طریپولی و بالکان مؤید و مثبت این مدعا است.

محاربات روس و ژاپون خاتمه پذیرفت و هنوز رقابت موجوده معلوم نیست چه نتیجه اسفیه خواهد بخشید شرح وقایع اقصای شرق و محاربات چین و جنگهای مانچوری مابین دولتین روس و ژاپون را بعون الله و تائیده در اینجا باتمام رسانده از عیوب و نواقص این تألیف محرر از قارئین محترم معذرت خالصانه میخواهد... (میرزا باقرخان معلم و مترجم تبریزی)

(محرک میرزا مهدی کتابفروش گلپایکانی)

بمناسبت اینکه جریان اوضاع جنگ میدانهای مانچوری و محاربات اقصای شرق گذشته از آنکه اختراعات تامه حربیه و ترقیات کامله علم جنگ و فنون نظامیه را در این قرن اخیر از آثار فعالیت و جدیت های متوالیه دول متمدنه و معظمه عالم بوجود آمده بمعرض جلوه و امتحان آورد غالب حرکات جنگی و وقایع اوضاع محاربه روس و ژاپون تالی و شبیه جنگهای بین المللی حاضر است بنابرین مطالعه این کتاب چه برای تحصیل اطلاعات کامله از محاربات مذکوره و چه برای وقوف و خبرت از محاربات عمومیه اروپا دارای منتها اهمیت و استفاده است قارئین محترم تصدیق فواید اینکتاب را نموده سایرین را توصیه و تشویق بر قرائت وی خواهند فرمود

فهرست بعضی کتب رومان و تاریخ و محل توجه قارئین و سیاسیون میباشد محل فروش با سایر کتب داخله و خارجه (طهران) تیمچه حاجب الدوله ... کتابخانه حاجی شیخ احمد

کامران ق ۳ — هفت پیکر بهرام ق ۲ — معاشقات لوئی ق ۱۲ — اسرار سلطانی ق ۳

شورش و انقلاب فرانسه با خرابی روس ق ۳ — تاریخ کوئی ق ۳ — تاریخ نادر ق ۸ — تاریخ قم و جغرافی آن ق ۵

شورش و انقلاب ایران ق ۵ — علایم ظهور حضرت حجه دفعه های ثالثه کتاب آبی در ۸ جلد ق ۶۰ — ق ۳

نقشه های اروپا و آسیا ق ۲ — و افریقا ق ۶ — و ایران ق ۸ — و جهان نما نقشه دیگر ایران ق ۸ — ق ۱۰

قیمت مقطوع دو جلد دو تومان

(حق طبع و تقلید محفوظ است) ۱۳۳۲

طهران در مطبعه ... طبع شد

